



facebook

يَسْئِرُونَ وَلَقَدْ سَخَّرْنَا
لِلْأَرْضِ رِبَاتٍ بِمَا آتَيْنَاهَا
إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٠١﴾
وَأَسْرِعْ عَلٰى مَا أَسَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ
مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٠٢﴾ وَ
يُحِبُّ كُلُّ مُخَالٍ فَخُورٍ ﴿١٠٣﴾
وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ حُورٍ



Ahmed Alhasan
احمد الحسن

Ahmed.Alhasan.10313@

پیک صفحہ

مجموعہ ہی منتشر شدہ در صفحہ ہی رسمی فیس بوک
(۲۰۱۷ - ۲۰۱۲)

سید احمد الحسن

Ahmed Alhasan



مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام

نام کتاب	پیک صفحه، مجموعه منتشر شده در صفحه رسمی فیس بوک سید احمد الحسن <small>علیه السلام</small>
گردآوری و تنظیم	انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
انتشار کتاب اصلی	۱۴۳۹ق- ۲۰۱۸ م
تاریخ انتشار	۱۳۹۹
نوبت انتشار	اول
کد کتاب	۱۳۵/۱
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام
به تارماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- این کتاب..... ۲۱
- وفات ابراهیم مغربی..... ۲۳
- احمدالحسن بشری است مثل شما..... ۲۴
- درخواست از مراجع برای دفاع از عقیده واجب بودن تقلید..... ۲۶
- یادآوری معركة صفین و ورود اسیران به شام..... ۲۸
- یادآوری ورود دختر اسیرشده علی (علیه السلام) زینب- به شام..... ۳۰
- فراخوان مسلمانان به جمع شدن گرد پرچم حق مهدوی..... ۳۱
- مباهله مدعی کذاب ناصر محمد..... ۳۲
- موضوعات علمی مرتبط با خلقت و اثبات وجود خدا..... ۳۶
- ماجرای ملا ابوحیة (حیة = مار)..... ۴۱
- تسلیمت به مناسبت شهادت امام حسن بن علی (علیه السلام)..... ۴۳
- توقفگاهی برگزیده از چشم اندازهای سومر و اکد..... ۴۴
- توقفگاه اول: حماسه های سومر و اکد و دین الهی..... ۴۴
- توقفگاه دوم: دین سومر و اکد و ادیان سه گانه..... ۵۰
- توقفگاه سوم: آیا این همان داستان ایوب، پیامبر خداست که سومریان آن را پیش از وقوعش روایت می کنند؟!..... ۵۳
- توقفگاه چهارم: سرزمین سومر و اکد بر دموزی گریست و اکنون بر حسین (علیه السلام) می گرید..... ۵۵
- توقفگاه پنجم: گیلگمش پسر نانسونا، مادر گریان بر دموزی!..... ۷۰
- توقفگاه ششم: گیلگمش شخصیتی دینی..... ۷۹
- توقفگاه هفتم: گیلگمش و یوسف (علیه السلام)..... ۸۱
- توقفگاه هشتم: کسانی هستند که در سفر جاودانگی سقوط می کنند یا می لغزند..... ۸۵

- توقفگاه نهم: سفر گیلگمش به سمت جدش نوح عليه السلام..... ۸۷
- توقفگاه دهم: سومریان و حاکمیت خدا..... ۹۲
- مراجع با بازداشت سید حمامی می خواهند مناظره کنند..... ۹۸
- تسلیم به مناسبت یادبود شهادت رسول خدا ص..... ۱۰۱
- روشنگری از اخلاص داوود عليه السلام..... ۱۰۳
- تبریک به مناسبت ولادت رسول خدا ص..... ۱۰۵
- وصیت رسول خدا ص به علی عليه السلام..... ۱۰۵
- گفتار رسول خدا ص به ابوذر غفاری..... ۱۰۶
- پشتیبانی حکومت آمریکا از وهابیت در سوریه..... ۱۰۷
- ابراز انزجار از تصویب قانون ازدواج هم‌جنس‌گرایان در فرانسه و انگلستان..... ۱۰۷
- حوزه علمی مه‌دوی، بنیادی علمی و مبارک..... ۱۰۸
- علما سزاوارترین مردم برای رهبری هستند؛ اگر اخلاص داشته باشند و زهد بورزند..... ۱۰۹
- تأسیس حوزه‌های علمی خواهران برای اقتدا به زینب عالم و دانشمند..... ۱۰۹
- پشتیبانی آمریکا، فرانسه و انگلستان از آدم‌کش‌های القاعده در سوریه..... ۱۰۹
- انفجارهای کویت و بغداد..... ۱۱۰
- تأویل رؤیای استاد ضیاء منصورى..... ۱۱۲
- انسان این چنین ویران می‌شود..... ۱۱۴
- کمردرد..... ۱۱۸
- نصیحتی به مادران..... ۱۲۱
- تقلید از غیر معصوم و دلایل دعوت حق..... ۱۲۲
- چگونه اهالی بحرین و وضعیت کنونی‌شان تغییر می‌کند؟..... ۱۳۱
- وصیت رسول خدا ص و اسباب هجوم به خانه فاطمه عليها السلام..... ۱۳۵
- ررور شیخ البوطی توسط وهابی‌های تبهکار در سوریه..... ۱۳۷

- تبریک و تهنیت به مناسبت ولادت حسین بن علی (علیه السلام) ۱۴۰
- ستاره شش‌پر و رابطه آن با صهیونیسم ۱۴۲
- وظیفه اخلاقی مردم عراق در برابر مردم سوریه ۱۴۴
- با اشک‌هایتان غسل کنید که آب زندگانی است ۱۴۵
- تبریک به مناسبت عید بابرکت فطر ۱۴۵
- درخواست بنای ضریح امام حسن بن علی (علیه السلام) ۱۴۶
- خودداری کمیته رسانه و ارتباطات از افتتاح رادیویی برای ما در عراق ۱۴۷
- حمایت آمریکا از القاعده در سوریه ۱۴۸
- سخنی در حق دکتر محمد عطیه ۱۴۹
- تعدد همسران در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۵۰
- باطل بودن عقیده تقلید از غیر معصوم ۱۵۳
- تبریک به مناسبت ولادت امام رضا (علیه السلام) ۱۵۴
- بررسی درک نادرست شیرازی در خصوص دشنام‌دادن و آزار و اذیت زبانی ۱۵۵
- سخنی در خصوص انصار امام مهدی (علیه السلام) در ایران ۱۶۵
- تسلیت به مناسبت روزهای همیشه جاوید حسین (علیه السلام) ۱۶۷
- اضافه مبلغ هزینه‌های کتاب «توهم بی‌خدایی» (وهم الإلحاد) برای کفالت اینتام ۱۷۰
- جایگاه زبان، و طعنه به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) ۱۷۳
- فایل صوتی که منتسب بودن این صفحه به سید احمد الحسن را ثابت می‌کند ۱۷۷
- تسلیت به شیخ محمد حریشاوی به مناسبت فقدان دو برادرش ۱۷۸
- حکم هاسکی، و نگهداری و لمس کردن و بازی با سگ ۱۸۰
- اعلام رسمی مکتب در نجف اشرف ۱۸۲
- حکم تغییر جنسیت و ناهنجاری‌های جنسی ۱۸۳

- پیام صوتی دیگری که انتشار این صفحه را به سید احمد الحسن ثابت می کند ۱۸۷
- مدل های فریدمان..... ۱۸۸
- انرژی تاریک..... ۱۹۰
- اگر جهان مسطح است، چرا اشیاء کروی شکل دیده می شوند؟..... ۱۹۴
- مجموعه دگرگونی، انتخاب طبیعی و وراثت قطعاً به تکامل می انجامد..... ۱۹۶
- دلایل ژنتیکی تکامل..... ۲۰۰
- علم کالبدشناسی تطبیقی تکامل را تأیید می کند..... ۲۱۰
- خلاصه ای در خصوص نظریه تکامل..... ۲۱۴
- آیا روش علمی، نظریه خلقت یک باره یا چندباره را می پذیرد؟..... ۲۱۶
- سید محمد شیرازی و ماجرای او با داروین..... ۲۲۲
- وجوب رسواکردن دین وهابی و اینکه آنچه پیروانش انجام می دهند ایثار نیست ۲۴۰
- تسلیم به مناسبت شهادت صدیقه فاطمه زهرا علیها السلام..... ۲۴۹
- پاسخی جز بدزبانی ندیدم..... ۲۵۳
- بررسی آنچه سیستانی در خصوص نظریه تکامل اتخاذ کرده است..... ۲۵۴
- درخواست کمک به انجمن سرپرستی ایتمام و کودکان مبتلا به سرطان..... ۲۷۲
- به تنهایی فکر نکن و تصمیم های خود را انفرادی نگیر..... ۲۷۳
- السلام علیک یا موسی بن جعفر..... ۲۷۸
- با شنیدن شکایت یا انتقادی، سینه ام تنگ نمی شود..... ۲۷۹
- هیتی برای اداره بیت المال وجود دارد..... ۲۸۱
- دفاع از خود به اجازه نیاز ندارد..... ۲۸۲
- زندگی علی علیه السلام سرشار از درد و رنج..... ۲۸۳
- روز ترویبه، خارج شدن حسین از مکه..... ۲۸۶
- قتل مالک بن نویره..... ۲۸۸
- ازدواج دختر بچه در قانون ازدواج..... ۲۹۱

- حسین و مدافعاتش، آهنگ و نوای دوران نخستین هستند..... ۲۹۶
- شهید جلال اسدی، تو نسیمی از بهشت‌ها هستی..... ۲۹۶
- نمونه‌ای برای مصداق این سخن حق تعالی: «إِن هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ...»..... ۲۹۷
- آدرس الکترونیکی مطالعه رایگان کتاب «توهم بی‌خدایی»..... ۲۹۸
- تسلیمت به مناسبت وفات مهندس «موفق اعرجی»..... ۲۹۹
- تسلیمت به مناسبت وفات مادر عقیل کعبی..... ۳۰۰
- ذکر شهادت فاطمه زهرا (علیها السلام) و هجوم به خانه‌اش..... ۳۰۰
- اشکال در خصوص عمر پیامبر خدا نوح (علیه السلام)..... ۳۰۲
- اعمال ماه رجب..... ۳۰۶
- بحث آیه اکمال الدین..... ۳۱۰
- تشکیل نیروهای مبارز برای دفاع از سرزمین عراق و مقدسات..... ۳۱۱
- تشکیل سرایا القائم..... ۳۱۳
- هدف از تشکیل سرایا القائم..... ۳۱۵
- توصیه‌هایی به سرایا القائم..... ۳۱۶
- شعار و سرود رسمی «سرایا»..... ۳۱۸
- فرم نام‌نویسی فرمانده میدانی..... ۳۱۹
- فرم نام‌نویسی سید محمد..... ۳۱۹
- با شادمانی به عرصه‌های کارزار رو می‌کنید..... ۳۲۰
- پاسخ به شبهات سید حسن نصرالله درباره دعوت یمانی..... ۳۲۶
- عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک‌تر است..... ۳۲۷
- یادی از شهادت امیر المؤمنین (علیه السلام)..... ۳۲۹
- الهی به درگاه تو ایستاده‌ام..... ۳۳۱
- اولین دیدار در برنامه پالتاک..... ۳۳۲
- استحباب روزه گرفتن روزهای نه‌گانه پیش از عید قربان..... ۳۳۲

- ۳۳۴ به‌سوی تو حج می‌گزارم ای قبیلهٔ خدا.
- ۳۳۴ چرا ستمگران حسین (علیه‌السلام) را کشتند.
- ۳۴۱ دیدار در خصوص مسائل مربوط به الحاد علمی در برنامهٔ پالتاک.
- ۳۴۱ تبریک به‌مناسبت فرارسیدن سال ۲۰۱۶ میلادی.
- ۳۴۲ تسلیت به‌مناسبت کشته‌شدن شیخ نمر.
- ۳۴۴ پی‌نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:.....
- ۳۴۴ ارتباط با رادیو المنقذ دیترویت.
- ۳۴۵ تبریک به ملت‌هایی که عید نوروز را جشن می‌گیرند.
- ۳۴۶ بارخدا! قلب‌های ما را به حضور در ساحت قدسی‌ات مشغول بدار.
- ۳۴۶ تظاهرات و اعتصاب‌ها یأس و ناامیدی را از زندگی بسیاری از عراقی‌ها دور کرده است.
- به همین دلیل است که عاشق علی هستیم و محبت او در رگ‌های ما جاری است
- ۳۴۷
- ۳۴۸ هشدار در خصوص وضعیت کرکوک.
- ۳۴۹ دولت به‌دنبال گوسفند قربانی است تا هیمنهٔ خودش را بازگرداند.
- ۳۵۱ آیا باید مسئولین برای امنیت داخلی عراق بازخواست شوند؟
- ۳۵۲ تسلیت به‌مناسبت وفات یکی از انصار تایلند.
- انتشار روز مقابله با ترس از هم‌جنس‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی و بررسی آن از
- ۳۵۳ نظر علمی.
- وقتی ساختمانی در حال سقوط یا فروپاشی باشد، نابودکردنش بهترین راه‌حل است
- ۳۵۷
- ۳۵۸ بر آنان که در زمین‌اند رحم آورید تا آن‌که در آسمان است بر شما رحم آورد.
- ۳۵۹ دعای روز اول ماه رمضان.
- ۳۶۴ تظاهرات، واجب اخلاقی است.

- ۳۶۵پاره‌های عشق از آن توست ای صاحب عصر و زمان
- ۳۶۷بوسهٔ یهودای خائن
- ۳۶۸رهایش می‌کنم؛ مادام که امور مسلمانان سالم بماند
- ۳۷۰ای سوار بر مجد و شکوه
- ۳۷۱درخواست برای حکومت مستقل کارآمد
-خوشامدگویی به همه در این صفحه؛ چه اسم صحیحشان را نوشته باشند چه
- ۳۷۶مستعار
- ۳۷۷وضعیت زنان در وسایل ارتباطات اجتماعی از نظر شرعی
- ۳۷۹حکم روزه با وجود ضعف بنیه برای دختر
- ۳۸۰پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص تظاهرات و حمله به مجلس
- ۳۸۵آیا دعوت به حاکمیت خدا جدا از دخالت در امور عامه است؟
- ۳۸۹دعوت به تظاهرات مسالمت‌آمیز در عراق
- ۳۹۲فراخوان تظاهرات در بغداد، وفاداری به خون عراقی‌ها
- ۳۹۸حضور بانوان در تظاهرات
- ۴۰۰دعوت به راهپیمایی، جمعه، ۸ تیر ۲۰۱۶ در بغداد
- ۴۰۱سلامتی بدن در کم‌خوردن و حرکت داشتن است
- ۴۰۲فرج از خداوند است، ولی مانعش مردم هستند
- ۴۰۴تظاهرات، یک گام در جهت صحیح است
-تظاهرات‌کنندگان در عراق مجبور به تظاهرات هستند تا کمترین حقوق خود را
- ۴۰۵مطالبه کنند
- ۴۰۶مطالبهٔ حکومت افراد کارآمد مستقل، خواسته‌ای مرحله‌ای است
- ۴۱۴من در ماه شوال ان‌شاءالله وقت خود را به شما اختصاص خواهم داد
- ۴۱۴حسین برای انقلاب و رسواکردن باطل، خروج کرد
- ۴۱۸زن نقش بزرگی دارد که مرد نمی‌تواند انجامش دهد

- زبان در سیطرهٔ قانون تکامل است..... ۴۲۰
- جایز بودن اینکه خلیفهٔ خدا امی باشد..... ۴۲۶
- حکم لمس کردن مرد توسط زن به قصد معاینه..... ۴۴۳
- بیرون برو و سُخت را زودرُوی فاسدان بگو..... ۴۴۴
- پاسخ نامهٔ جوانان بصره..... ۴۴۶
- پاسخ پرسش مربوط به کثیر السفر..... ۴۵۰
- حکم تکرار استخاره..... ۴۵۱
- حکومتی که بر پایهٔ ویران کردن قبرهای شما بنا شده، فرجامش نابودی و زوال است..... ۴۵۱
- غسل مس میت واجب نمی‌شود مگر پس از سرد شدن مرده بر اثر مرگ..... ۴۵۳
- حکم استفاده از لنزهای رنگی..... ۴۵۴
- دعوت مدعی کذاب ناصر محمد..... ۴۵۵
- درخواست از احزاب معین در پادشاهی عمان برای آزادی انصار بازداشت‌شده..... ۴۵۵
- اطلاعاتی مفید برای محافظت در برابر گاز اشک‌آور..... ۴۵۷
- حکم تغییر رنگ چشم با استفاده از لنز یا به روش‌های دیگر..... ۴۵۹
- پیروز خواهید شد و افراد فاسد شکست خواهند خورد..... ۴۵۹
- به قدرت الهی بازخواست خواهید شد..... ۴۶۰
- حکم پرورش و نگهداری گربه..... ۴۶۱
- حکم گوش دادن به موسیقی و فرق بین گوش دادن و شنیدن..... ۴۶۲
- آشکارشدن دست زن در برابر مرد به قصد معالجه..... ۴۶۳
- کار کنیم تا همهٔ مظلومان برای تظاهرات علیه ظالمان جمع شوند..... ۴۶۳
- حکم ناسزاگفتن و زدن همسر..... ۴۶۴
- مسائل مربوط به حجاب شرعی..... ۴۶۵
- به ذکر مجهز شوید و سکوت کنید، که حتماً کلمات خدا را خواهید شنید..... ۴۶۶

- استفاده از کلیپس زیر حجاب (روسری، شال و ...) ۴۶۸
- پول و احزاب حکومتی بر انتخابات تسلط دارند ۴۷۰
- معالجه افکار بد ۴۷۱
- حکم تعامل با پیشگوها و عمل به تعویذ یا حرز و مسائلی از این قبیل ۴۷۱
- فراموش کردن نذر ۴۷۲
- حکم مواد از نظر نجس بودن پس از انجام فرایند شیمیایی ۴۷۳
- وسایل آرایش موقت برای زن ۴۷۴
- جمع بین اطاعت خداوند و رفتار نیکو با پدر ۴۷۵
- پیش از فرود حضرت آدم علیه السلام حجت در زمین چه کسی بود؟ ۴۷۶
- حکم خوردن پروتئین‌ها و هورمون‌ها ۴۷۸
- پذیرفتن استعفای شش وزیر توسط حیدر العبادی، گامی مثبت ۴۷۸
- حجاب شرعی در اماکن مقدس ۴۷۹
- بسیاری افراد می‌توانند بر جعفر صدر به‌عنوان کاندیدای مستقل اتفاق نظر داشته باشند ۴۸۱
- حکم نماز و روزه در صورتی که از واجب بودن غسل واجب آگاه نبوده باشد ۴۸۲
- دوری‌گزیدن از بدکار و ستمکار در دوران کنونی ۴۸۳
- صبر بر آزار و اذیت و رفتار نیکو با خانواده ۴۸۵
- روش درست برای رساندن حق ۴۸۷
- از تو می‌خواهم پیروانت را اصلاح کنی ۴۹۱
- ایجاد هیئت شرعی برای دقیق کردن قبله در اماکن مقدس ۴۹۳
- دو نکته اساسی در پرونده اقتصادی عراق ۴۹۴
- عمل کردن به آنچه امکان دارد، و با دعا و توکل ۴۹۵
- تعبیر رؤیای شخصی که می‌خواهد عروسی کند و در گریبان خود پَر دارد ۴۹۶
- حکم گذاشتن حلقه در بینی در برابر غریبه‌ها ۴۹۷

- حکم خوردن خرچنگ..... ۴۹۹
- شرکت شما در تظاهرات برای عموم مردم ستمدیده بوده است؛ پس در نزاع‌ها وارد نشوید..... ۵۰۰
- آیا اظهار فروشندهٔ مسلمان دربارهٔ نوع گوشت کفایت می‌کند؟ و حکم گوشت وارداتی چیست؟..... ۵۰۰
- حکم خوردن آنچه نمک مرغ نامیده می‌شود..... ۵۰۲
- تعبیر رؤیای بازگشت شخص مرده..... ۵۰۲
- حکم نوشتن کتاب شعر عاشقانه..... ۵۰۳
- استفاده از شوک الکتریکی در ذبح و بازرسی کشتارگاه‌ها..... ۵۰۳
- نماز خواندن در وسایل نقلیه در حین حرکت..... ۵۰۵
- محکوم کردن ده‌ها تن در یک جلسهٔ دادرسی، طنزی قضایی است..... ۵۰۷
- جایز نبودن خوردن اجزای مردار حتی اگر بسیار کوچک باشد..... ۵۰۷
- رهنموده‌هایی خاص به جمعیت‌های ایتام تابعهٔ ما در عراق..... ۵۰۸
- توصیه برای مساعدت مالی به خانواده‌ای نیازمند..... ۵۱۰
- حکم خوردن در خانه‌ای که منبع درآمدش حرام یا از راه حرام بوده است (سُحت)..... ۵۱۲
- راه علاج برای خانه‌ای که صداهاى عجیب و غریب در آن شنیده می‌شود..... ۵۱۳
- حکم لوازمی که صاحبانشان فراموششان می‌کنند و جا می‌گذارند..... ۵۱۴
- دعای برای برطرف کردن درد از کسی که دوست دارد او آن درد را نداشته باشد..... ۵۱۵
- پرسشی دربارهٔ وقف..... ۵۱۵
- بهتر است یتیمانی که نیازمند نیستند در جمعیت‌های ایتام ثبت‌نام نشوند..... ۵۱۶
- عوض مالی برای انجام عبادت‌ها صحیح نیست، مگر برای حج نیابتی..... ۵۱۷
- تسلیم به مناسبت شهادت امام صادق (علیه السلام)..... ۵۲۴
- پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:..... ۵۲۵

- آیا حنایی که برای نقش حنا روی بدن استفاده می‌شود حائل (وضو) محسوب می‌شود؟..... ۵۲۶
- چگونه مؤمن با حکمت آراسته می‌شود؟..... ۵۲۷
- تشکیل هیئت خیریه در خصوص شرکت ذوالفقار و شریکش..... ۵۲۸
- وزیر دفاع از فساد احزاب حاکم پرده‌برداری می‌کند..... ۵۳۱
- پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:..... ۵۳۲
- حکم گوشت کنسرو شده..... ۵۳۳
- آیا خودکشی باعث جاودان شدن در آتش می‌گردد..... ۵۳۴
- آیا واجب است ذبح‌کننده نیز رو به قبله باشد..... ۵۳۶
- حکم نگاه کردن و لمس کردن زن یا کودک هنگام معالجه..... ۵۳۷
- آیا خریدن کاشی دارای نقش ستاره پنج پر یا شش پر برای سرویس بهداشتی جایز است؟..... ۵۳۹
- آدرس الکترونیکی دیدار استاد صفا خزعلی با سید احمد الحسن..... ۵۴۰
- تسلیم به مناسبت شهادت امام جواد علیه السلام..... ۵۴۱
- انقلاب حسین بزرگ‌تر از کربلای گذشته و کربلای کنونی است..... ۵۴۱
- شما با عراق چه کرده‌اید ای احزاب فاسد؟!..... ۵۴۴
- انتشار آدرس‌های کتاب «وهم الحاد» (توهم بی‌خدایی) به عربی و انگلیسی.. ۵۴۴
- گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف متقین..... ۵۴۴
- پذیرفتن رشوه یک میلیون دلاری توسط وزیر امور خارجه آمریکا، کلینتون..... ۵۴۶
- تسلیم به مناسبت شهادت حیدر خزعلی و فراخوان برای بازخواست مسببان سقوط موصل..... ۵۴۷
- عقیده و دیانت ترس و ترور، همان سلفی‌گری وهابی است..... ۵۴۹
- آدرس لینک نشست گفت‌وگو به مناسبت شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم..... ۵۵۱

- شرکت نکردن نکردن امام صادق (علیه السلام) در حکومت عباسیان علی رغم اینکه
 بنیان گزارانش مشارکت را به امام پیشنهاد داده بود. ۵۵۱.....
- تبریک به مناسبت ولادت عیسی (علیه السلام). ۵۵۲.....
- جایز نبودن برداشتن اموال شوهر بدون اجازه او. ۵۵۵.....
- حمایت از علاقه‌مندان به درس خواندن در حوزه مهدوی و دانشکده پژوهش‌های
 عالی. ۵۵۶.....
- درمان فساد با ابزار و ادوات فاسد، شدنی نیست. ۵۵۸.....
- کشتن تظاهرات کنندگان بی‌گناه، گناهی است نابخشودنی. ۵۵۹.....
- به کار بردن گاز اشک‌آور علیه تظاهر کنندگان. ۵۶۱.....
- بنده هیچ دشمنی پیشینی با احزاب سیاسی اسلامی در عراق ندارم. ۵۶۲.....
- مقتدی صدر بهتر از دیگران است. ۵۶۳.....
- پیوستن به جبهه‌های موصل برای دفع شرّ وهابی‌ها. ۵۶۴.....
- نظریه تکامل حقیقت علمی ثابت شده‌ای است که هیچ ابهامی در موردش وجود
 ندارد. ۵۶۷.....
- تظاهرات حق مشروعی است که کسی نمی‌تواند به زور جلوی آن را بگیرد. ۵۶۷.....
- معجزه‌ها بیهوده نیستند و خداوند آزموده نمی‌شود. ۵۷۰.....
- تسلیم به مناسبت شهادت عمر عدی المحمدی در میدان‌های نبرد آزادسازی
 موصل. ۵۷۱.....
- آیا وفای به نذر دیده شده در رؤیا واجب است؟ ۵۷۳.....
- در خصوص مسئله کرکوک. ۵۷۴.....
- تسلیم به مناسبت وفات شیخ اکرم الاسدی. ۵۷۵.....
- طواف خارج از مقام ابراهیم به سبب ازدحام. ۵۷۶.....
- تبریک و تهنیت به مناسبت یادبود ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام). ۵۷۶.....
- از خدا می‌خواهم تجمعات تبهکارانه تروریستی وهابی را خوار و زبون گرداند... ۵۷۸.....

۵۷۹ دانستن تأویل رویا.
۵۷۹ حکم حل و فصل‌های عشایری.
۵۸۰ مسئله پیوند سر از نظر علمی ممکن است و دین با نفس در تعامل است.
۵۸۱ جنگ یا تهدید در سایه جنگ، بهترین راه حل برای گام‌های اقتصادی ترامپ.
۵۸۲ تسلیت به مناسبت شهادت امام کاظم <small>علیه السلام</small> .
۵۸۳ تبریک به مناسبت ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small> .
۵۸۵ خطیب منبر حسینی - شیخ رحیم شکری - ر بوده شد.
۵۸۶ جایز بودن افطار کردن دانش‌آموزان سال ششم آمادگی و دانشگاه در ماه رمضان.
۵۸۷ تاریخ ابن غنام شاهی است برای واقعیت اندیشه تکفیری وهابی.
۵۸۹ تسلیت به مناسبت شهادت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> .
۵۹۳ ناتوان بودن از گرفتن روزه به دلیل شرایط سخت و دشوار.
۵۹۴ شرایط ذبح در مورد گوشت و مرغ.
۵۹۶ تبریک به مناسبت حلول عید مبارک فطر و دعای وداع با ماه رمضان.
۵۹۷ مطالبه مظلومیت شیخ رحیم شکری.
۶۰۸ ابزاری در دست احزاب سیاسی بر ضد حزب دیگری نشوید.
۶۰۹ زندان‌های نظام دموکراسی.
۶۱۲ خداوند ما را برای خدمت به شما یاری دهد.
۶۱۳ داعش و النصره هیچ حرمتی ندارند.
۶۱۳ مجموعه‌ای از پرسش‌های مربوط به وجود و حضور سید الحمد الحسن، تصویرش، نسبش و ...
۶۱۹ بیانیه‌ای برای اطمینان دادن مراجع نجف، اساتید و طلبه‌های حوزه علمیه ...
۶۲۱ این صفحه آکنده است از عکس‌ها، تسلیت گفتن‌ها و همدردی؛ پس چگونه ما با داعش نجنگیده‌ایم؟!

- در مورد عکس، پاسخ نمی‌گویم زیرا به امنیت شخصی بنده مربوط می‌شود..... ۶۲۲
- من از شاگردان صدر دوم نبوده‌ام..... ۶۲۳
- سخن علیه داعش و وهابیت در این صفحه واقعاً بسیار است!..... ۶۲۴
- استان‌داری نجف و شبکه ایرانی الکوثر ما را متهم به جهت‌دهی تظاهرات می‌کنند..... ۶۲۸
- این صفحه، رسمی است و خودم در آن می‌نویسم..... ۶۳۰
- باقی ماندن در حوزه‌ها تا سرآمدی معین..... ۶۳۳
- از خدا می‌خواهم مرا با مکارم اخلاق تربیت کند..... ۶۳۵
- چه وقت عراق از داعش خلاص می‌شود؟..... ۶۳۷
- آگهی‌های تبلیغاتی موجود در صفحه..... ۶۳۸
- آیا شخص دیگری وجود دارد که در این صفحه پاسخ می‌گوید؟..... ۶۳۸
- امام مهدی علیه السلام جد من است..... ۶۳۹
- درمان جن‌زده..... ۶۴۰
- کتاب توهم بی‌خدایی به الحاد علمی پاسخ می‌دهد..... ۶۴۴
- هر انسانی می‌تواند در عرصه‌ای که دوستش دارد نوآوری کند..... ۶۴۶
- بر فرزندان بیش از توانشان تکلیف نکنید..... ۶۴۶
- برده‌داری در اسلام..... ۶۴۹
- روژه روح از خوردن حیوانات و فرآورده‌هایشان..... ۶۵۱
- حکم کمک کردن معلم در دادن پاسخ سؤالات به دانشجویان..... ۶۵۲
- پیشرفت مادی مرهون عملکرد منظم جامعه است..... ۶۵۴
- با مردم انصاف داشته باش و به هیچ کس ظلم نکن..... ۶۵۵
- آیا عبارت «بانگ برداشتن به بدی» در آیه قرآن «دشنام دادن» را شامل می‌شود؟..... ۶۵۶
- استخاره هنگام اختلاف بین راه‌ها و سرگردانی است..... ۶۵۷

- دشوار بودن اذان و اقامه برای کودکان..... ۶۵۹
- پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:..... ۶۶۲
- مباهله و فرود آمدن عذاب بر دروغ‌گو..... ۶۶۳
- چرا خدایا ما را آفریدی و ما کجا هستیم؟..... ۶۶۶
- اسباب بالا رفتن درجه حرارت زمین..... ۶۷۱
- بین دین و نظریهٔ تکامل تعارضی وجود ندارد..... ۶۷۴
- آیا نظریهٔ تکامل می‌گوید انسان از میمون است؟..... ۶۷۸
- من همیشه پاسخ نمی‌دهم بلکه گاهی قضا یا را به کسانی دیگر می‌سپارم..... ۶۸۰
- هرآنچه می‌توانی از کتاب توهم بی‌خدایی بفهمی شما را کفایت خواهد کرد..... ۶۸۱
- توضیح جهان مسطح به صورت ساده..... ۶۸۶
- خاطرات من از شهادت سید محمد صدر (خدا رحمتش کند)..... ۶۹۸
- من نخواستم در عقیده یا فقه، به رؤیایی که در پیامم گفتم اعتماد شود..... ۷۰۴
- شیخ حسن کوفی در مورد سخنی که دربارهٔ سید محمد صدر گفت خطا کار بود..... ۷۰۵
- انتشار درخواست یک مادر دردمند برای آزادی فرزندش در سعودی..... ۷۰۵
- ایثار بدون چشمداشت و ارتباطش با هوشمندی..... ۷۰۹
- اولین کسی که شروع به حرکت‌گذاری و نقطه‌گذاری حروف کرد..... ۷۱۱
- وصیت رسول خدا ﷺ به ابوذر..... ۷۱۱
- مویی که میان عاقل و مجنون است پاره نمی‌شود..... ۷۱۳
- «شیوعیه» (متعقدان به اندیشهٔ مالکیت اشتراکی) از احزاب سیاسی اسلامی به دین نزدیک‌ترند..... ۷۱۶
- اسلام، بردگی و سوء استفادهٔ جنسی..... ۷۱۸
- آیا زن می‌تواند ذبح کند؟..... ۷۱۹
- نگ و عار بر کسی که علم را از دانشجویش منع می‌کند..... ۷۱۹
- نقشهٔ شیطانی در کربلا از به قتل رساندن حسین فراتر رفت..... ۷۲۲

- نیروهای امنیتی به خانه‌ای که انصار در قم برای به پا داشتن مراسم عاشورا گرد آمده بودند هجوم آوردند..... ۷۲۵
- نحوه عملکرد در دعوت حق..... ۷۲۸
- ازدواج با دختر بچه‌ها..... ۷۳۱
- آیا صفحه رسمی به زبان انگلیسی وجود دارد؟..... ۷۳۱
- خلیفه خدا مشمول امتحان در این دنیا است..... ۷۳۱
- آیا در حالی که عایشه نه سال داشت پیامبر با او ازدواج کرد؟..... ۷۳۲
- به انسان فرصت تغییر و توانایی ایجاد این تغییر داده شده است ولی او بر همان نتیجه اصرار می‌ورزد..... ۷۳۳
- اگر نتیجه قطعی شده است پس عمل و دعا چه فایده‌ای دارد؟..... ۷۳۴
- تعدد همسر..... ۷۳۴
- معالجه «تابعه» (ام صبیان)..... ۷۳۵
- آیا دادن پول برای تجارت و دریافت سودی معین، ربا محسوب می‌شود؟..... ۷۳۷
- جزیه همان مالیات امروز است..... ۷۳۷
- تأویل رؤیای بشارت دهنده به سیر بر راه و روش حق..... ۷۳۹
- حکم پیش یا پس انداختن زیارت‌ها از وقتشان بنا به دلایل منطقی..... ۷۴۰
- اینکه سن زهرا علیها السلام هنگام شهادتش ۱۸ سال بوده است صحیح نیست..... ۷۴۱
- سؤال از واسطه‌گری در معامله..... ۷۴۲
- رسول خدا صلی الله علیه و آله مسموم درگذشت..... ۷۴۳
- حکم خوردن معجون ژاپنی به قصد درمان..... ۷۴۴
- تکامل، هدفمند است..... ۷۴۵
- اسلام، برده‌داری و بهره‌کشی جنسی..... ۷۴۸
- شیخ گرانقدر حبیب سعیدی، التماس دعا..... ۷۵۲

این کتاب...

مجموعه‌ای است از آنچه سید احمدالحسن رحمته‌الله در صفحه شخصی خود در فیس‌بوک از زمان افتتاح این صفحه در تاریخ ۲۰۱۲/۱۲/۱۲ تا پایان سال ۲۰۱۷ منتشر فرموده است. این مجموعه منتشرشده عناوین متنوع دینی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و ... را در خود جای داده است.

وفات ابراهیم مغربی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا

خداوند پاداش شما را در وفات عالم فاضل - شیخ ابراهیم مغربی - بزرگ بدارد.

او حقیقتاً همچون پیامبر خدا ابراهیم عليه السلام جویای حق بود.

وی به بررسی مذاهب سنی پرداخت و ادیان را مورد مطالعه قرار داد. سپس به تصوف پرداخت و صوفی شد. پس از آن خداوند خواست که او شیعه بودن محمد و آل محمد عليه السلام را بشناسد؛ و به کسوت تشیع درآمد و به دوازده امام از آل محمد عليه السلام ایمان آورد. سپس خداوند چنین اراده فرمود که او را ختم به آن خیری کند که از زمان ولادتش به او بشارت داده بود؛ پس خداوند او را به حق ما آگاه کرد و او نیز به دعوت حق مهدوی ایمان آورد. خداوند تو را رحمت کند ای شیخ ابراهیم! تو تا آخرین لحظات زندگانی ات از طلب علم و معرفت و حق، و یاری حق دست برنداشتی. بیماری تو که در طول عمر بزرگوارانه ات همراهت بود تو را از علم آموزی و جستجوی حق مانع نشد تا آن هنگام که به امن و امان رسیدی.

سلام بر تو، روزی که مادرت تو را زایید و به وحی الهی - تو را ابراهیم نام نهاد.

و سلام بر تو، روزی که در راه حق درگذشتی و خداوند تو را ختم به خیر فرمود.

و سلام بر تو، روزی که زنده، برانگیخته می شوی.

*** **

احمد الحسن بشری است مثل شما

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲:

﴿سُبْحٰنَكَ لَيْلٰمَانِ﴾ يَبْنِيْ اِيْمَانًا نَكَّ وَثَقَالَ حَبِيْمًا مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيْ صَخْرَةٍ اَوْ فِي السَّمٰوٰتِ اَوْ فِي الْاَرْضِ يٰ اَللّٰهُ اِنَّ اَللّٰهَ لَطِيْفٌ خَيْرٌ ﴿٦٦﴾ يَبْنِيْ اَقْرَبَ الصَّلٰوةِ وَاَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبَرَ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر ﴿٦٧﴾ وَلَا تَصْعَقْكَ لِيْنٰسٍ وَلَا تَمْسِسْ فِي الْاَرْضِ مَرْحٰلًا اِنَّ اَللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخٰلِفٍ فَخُوْرٍ ﴿٦٨﴾ وَاَقْصِدْ فِي مَشِيْكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوٰتِ لَصَوْتُ الْخَمِيْرِ ﴿٦٩﴾

(ای پسرکم! اگر [عمل تو] هم وزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد خدا آن را می آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است. * ای پسرکم! نماز را به پا دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار و بر آنچه بر تو وارد آمده است شکبیا باش که این از مصادیق عزم و اراده در امور است. * متکبرانه از مردم روی برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد. * و در راه رفتن خود میانه رو باش و صداقت را آهسته ساز، که بدترین آوازه بانگ خران است)

*** **

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند برای هر کلمه پاکی که انگشتان مبارکتان می نویسد به شما پاداش خیر عطا

فرماید!

حق تعالی می فرماید: ﴿قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحٰى اِلٰى اَنَّمَا الْهُكْمُ اِلٰهُ وَاِجْدُ فَمَنْ كَانَ

يُزْجُوْا لِقَاءَ رَبِّهٖ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صٰلِحًا وَّ لَا يَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهٖ اَحَدًا﴾ (بگو من فقط بشری

هستم همچون شما که به من وحی می‌شود؛ اینکه معبود شما معبودی است یگانه. پس هرکس به دیدار پروردگار خود امید دارد باید به کاری شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نگرداند.^۱

احمدالحسن، بشری همچون شماست که خدا خواست حقیقت را بشناسد؛ سپس او را فرستاد تا حق را به مردم بشناساند. آنچه برای همهٔ مردان و زنان مؤمن آرزو می‌کنم این است که بهتر از من باشند. این «درب» برای همهٔ شما مردان و زنان مؤمن باز است تا به «علیون» برسید و همچون انبیا و فرستادگان شوید.

بنابراین از شما می‌خواهم مدح و ستایش اضافه را رها کنید. هیچ‌یک از شما نباید گمان کند این چنین ستایش‌گویی یا مدحی مرا خوشحال می‌کند؛ بلکه باعث می‌شود از خواندن کامل آنچه می‌نویسید روی گردان شوم.

آمده‌ام تا شالوده و اساس باطل و شیطان را نابود کنم؛ به همین دلیل همهٔ کارهای طاغوت‌ها و متکبران از نظر من ناپسند و مردود است. چطور از من توقع دارید به این امور برای خودم رضایت دهم؟ آیا تصور می‌کنید من پشت دستم را جلو می‌آورم تا بر آن بوسه زنند؟! یا تصور می‌کنید عکس‌هایم را مانند این متکبرهایی که شیعیان علی (علیه السلام) را می‌ربایند در کوچه‌ها و خیابان‌ها پخش خواهیم کرد؟! نه، به خدا سوگند هرگز چنین نیست! رهبر، امام و معلم من جدم رسول خدا محمد (صلی الله علیه و آله) است که وقتی نزد اصحابش می‌رفت و آن‌ها برایش به پا می‌خاستند در چهره‌اش خشم دیده می‌شد. پیشوای من پدرم علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است که همراه اصحاب و شیعیانش بر زمین می‌نشست و پشت دستش را جلوی اصحاب و شیعیانش دراز نمی‌کرد تا به همان صورتی که امروز برخی از این مراجع و نمایندگان متکبرشان انجام می‌دهند. بر آن بوسه بزنند.

خداوندا، من به تو پناه می‌آورم از هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد.

عزیزان من! بنده افتخار می‌کنم آنچه را می‌نویسید مطالعه کنم و به خواست خدا تلاش می‌کنم نوشته‌های شما را بخوانم؛ ولی در پاسخ‌دادن به دلیل کمبود وقت - عذرخواهم و به عکس‌العمل نشان‌دادن به برخی از نوشته‌های شما از طریق سرفصل‌هایی که طرح خواهم نمود بسنده خواهم کرد. خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید! و از خدا می‌خواهم شما و مرا ختم به خیر و ختم به دین حقی که خود می‌پسندید بفرماید. اوست منزّه و بلندمرتبه. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

*** **

درخواست از مراجع برای دفاع از عقیده واجب‌بودن تقلید

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲:

«ما: حجت خود را با دلیل شرعی و عقلی ثابت کردیم و این دلایل در کتاب‌ها منتشر شده است و آخرین این کتاب‌ها نیز کتاب «وصیت مقدس» است. آن‌ها هیچ ردیه‌ای ندارند جز روی آوردن به دروغ و تلاش‌های مذبحخانه و بی‌ثمر که همان اشکال واردکردن به سند وصیت است؛ وصیتی که متواتر و دارای قراین صحت صدور است. بالاتر از همه این‌ها، همین‌که طوسی رجال وصیت را به خاصه توصیف کرده، یعنی سند آن را صحیح دانسته است! این در حالی است که آن‌ها و تمام علمای متأخر، ریزه‌خوار گفته‌های طوسی در رجال هستند و شایسته نیست که نظر طوسی در رجال را به دلیل نظر متأخرین رد کنند که در این صورت همان اندک چیزی را که در دست دارند و نام علم رجال بر آن می‌نهند نابود ساخته‌اند. در حقیقت گفتار متأخرین در مورد رجال بود و نبودش یکسان

۱ - طوسی قبل از برشمردن روایاتی که بر امامت ائمه دلالت دارند گفته است: «... اما روایاتی که از جهت خاصه شیعه روایت شده‌اند بیش از آن است که بتوان شمرد...» و مجموعه‌ای از روایت‌ها را برشمرد که روایت وصیت نیز در میان آن‌ها است. مراجعه کنید به کتاب غیبت: ص ۱۳۷ تحقیق عباد الله طهرانی.

است؛ زیرا صرفاً گفتاری خالی از هرگونه دلیل شرعی است.

آن‌ها: از ارائه دلیل شرعی یا عقلی بر عقیده‌شان مبنی بر وجوب تقلید که دین مرجع‌گرای خود را بر پایه آن بنا می‌کنند عاجزند؛ زیرا هیچ آیه قرآنی محکم الدلاله و هیچ روایت قطعی الصدور و قطعی الدلاله و نیز هیچ دلیل عقلی تامی برای تأیید این عقیده در دست ندارند. و قاعده و وجوب مراجعه به عالم - که از آن دم می‌زنند - بر ایشان منطبق نیست؛ زیرا آن‌ها در بهترین حالت - عرضه‌کننده ظن و گمان هستند، و ظان و گمان‌کننده محسوب می‌شوند نه عالم و کسی که یقین دارد.

حقیقت آن است که ایشان بعضاً فقط اوهام و خیالات خود را ارائه می‌کنند، مثل احکام نماز در مناطق نزدیک به قطب. حتی برخی از این افراد - که خود را مرجع نام می‌نهند - قادر به درک آنچه به آن‌ها گفته می‌شود نیز نیستند؛ در حالی که ما از آن‌ها اقامه دلیل بر عقیده‌شان را برای واجب بودن تقلید از غیرمعصوم خواستاریم می‌بینیم آن‌ها دلیل خود را در باب رجوع به متخصص ارائه می‌کنند!

این سخن در بهترین حالت خود به معنی جایز بودن رجوع است، نه وجوب؛ حتی در همین جواز هم بحث و اشکال وجود دارد. اینکه آن‌ها چنین سخنی را به‌عنوان دلیل عقلی ارائه می‌کنند به این معنا است که یا نمی‌دانند ما به ایشان چه می‌گوییم یا خود اذعان دارند که عقیده‌شان باطل و بدعت و بی‌دلیل است و پس از آنکه ما بطلان آن را نمایان ساختیم، از عقیده واجب بودن به عقیده جواز یا استحباب عقب‌نشینی کردند. اگر قضیه این‌چنین است پس باید چشم‌پوشی از عقیده باطلشان را علنی کنند و بگویند از وجوب، به جواز کوچ کرده‌اند تا ما نیز بحث و مناقشه خود را با ایشان به همین وادی سوق دهیم و در باب عقیده جدیدشان با آن‌ها به بحث و مناظره بپردازیم).

منتظر پاسخ مراجع و دفاعشان از عقیده و وجوب تقلید از غیرمعصوم هستیم یا اینکه برای مردم بیان کنند که این عقیده، عقیده‌ای است ناصحیح و آن‌ها در بنانهادن این عقیده، ره به خطا پیموده‌اند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲:

ابن آدم اذکرکے جسے تخلص
 اذکرکے جسے اخصیہ ملا احمدا
 فیمن احمق ماہدا ظلمتے بظلمتے فارمن
 بانصاریے لکے ماہن انتھاریے
 لکے خیر من انتھاریے لنفسیے

ای فرزند آدم! وقتی خشمگین می شوی مرا یاد کن، تا وقتی خشمگین می شوم تو را یاد کنم و تو را در میان کسانی که نابود می کنم نابود ننمایم؛ و وقتی به تو ستمی روا شد به یاری و انتقام من برای خودت راضی باش؛ چراکه یاری و انتقام من برای تو بهتر از یاری و انتقام خودت برای خودت است.

*** **

یادآوری معرکہ صفین و ورود اسیران به شام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲:

امروز شنبه -اولین روز از روزهای ماه صفر- واقعہ صفین و نیز ورود دختران اسیرشدہ محمد ﷺ به شام را به یاد می آوریم:

اول صفر سال ۳۷ ه.ق: کارزار صفین بین سپاه مسلمانان به رهبری امام علی بن ابی طالب علیه السلام و سپاه سرسپردگان هبل به رهبری معاویہ پسر ابوسفیان (خدا لعنتش کند) آغاز شد.

اول صفر سال ۶۱ ه.ق: ورود قافلہ به اسارت گرفته شدگان از خاندان پیامبر اسلام محمد ﷺ به شام و [کاخ] یزید بن معاویہ بن ابوسفیان (لعت خدا بر ہمگی شان) رهبر بندگان هبل است.

امروز می بینیم که شیطان همان چهره های گرفته، عبوس و خبیث را -که با علی علیه السلام

به نبرد برخاستند و ذریهٔ پیامبر خدا محمد (ص) را اسیر کردند. در سرزمین شام گردآورده است.

همان گناهکارانی آدم‌کش و قاتلانی که در سوریه ویرانی و کشتار و آزار و اذیت در حق سنی و شیعه به بار آوردند.

مسجدها و حسینیه‌ها را ویران می‌کنند، جوانان را بی‌هیچ ترحمی با چاقو سر می‌برند و درعین حال ادعای مسلمانی می‌کنند!

همان کسانی که از غیرت و شرف و ترحم و انسانیت به‌طور کامل محرومند.

درست مثل پیشینیان خود - همان قاتلان حسین (علیه السلام) - که سید جوانان اهل بهشت و حبیب رسول خدا محمد (ص) را سر بریدند و درعین حال به او می‌گفتند آبی نخواهی خورد تا اینکه وارد جهنم شوی؛ در حالی که خود، مدعی اسلام و پیروی از محمد (ص) بودند و به اسم محمد (ص) فرامی‌خواندند!

اینان همان کسانی هستند که امروز آمریکا و غرب آن‌ها را پشتیبانی می‌کند؛ همان طور که قبلاً در افغانستان - در دوران اشغال شوروی - از القاعده و بن‌لادن حمایت می‌کردند.

چه کسی مسئولیت رسیدن موشک‌های ضد هوایی به این افراد نادان را بر عهده دارد؟

آیا آمریکا واقعاً نمی‌داند چه کسی این موشک‌های ضد هوایی را به این افراد می‌رساند؟!

و آیا آمریکا واقعاً نمی‌داند رسیدن چنین موشک‌هایی به دست چنین افرادی به‌معنای تهدید هواپیماهای مسافربری در سوریه و عراق و لبنان و حتی اردن است؟!

و آیا آمریکا نمی‌داند این آدم‌کش‌های القاعده - که خود را زیر نقاب القاب مختلف مخفی کرده‌اند - اگر در ساقط کردن نظام حکومتی در سوریه با نیروی سلاح و سربریدن با چاقو به پیروزی برسند به تخریب عراق و لبنان و اردن و کشتن سنی‌ها و شیعیان این کشورها روی خواهند آورد؟!

*** **

یادآوری ورود دختر اسیرشده علی (علیه السلام) زینب- به شام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲:

در یادآوری ورود اسیرانه زینب، دختر فاطمه، دختر محمد (ص) به شام: به یاد می‌آوریم که یزید پسر معاویه پسر ابوسفیان (لعنت خدا بر همه آنها) به اسم اسلام و به اسم محمد- حسین را ذبح و دختران محمد (ص) را اسیر کرد. هدف شیطان از این کار، بازگشت به عبادت هبل بود؛ همان هبلی که معاویه و ابوسفیان (لعنت خدا بر آنها) پیش از این به خاطرش جنگیده بودند؛ اما بازگشت به عبادت هبل، به شکلی دیگر. وارثان امروزین راه و روش یزیدی، همین وهابی‌های سفیانی قاتل و آدم‌کش‌هایی هستند که خون مسلمانان را حلال می‌شمارند.

امروز این وهابیون سفیانی عاری از هرگونه عقل را چنین می‌بینیم که به‌وضوح تمام هبل را عبادت می‌کنند و عبادت او را به اسم اسلام منتشر می‌سازند. علمای آنها می‌گویند: پروردگارشان فقط دو چشم و دو دست، و در هر دستی پنج انگشت دارد. لازم نیست صفات پروردگار آنان هبل- را که به جای خدا عبادت می‌کنند کامل کنم.

امام آنها ابن عثیمین گفته است: «ما ایمان داریم که الله متعال، دو چشم حقیقی دارد.» و نیز گفته است: «به‌راستی که خداوند دو چشم دارد که واقعاً با آنها نگاه می‌کند.»^۱

پیشوای آنها ابن جبرین گفته است: «انگشت‌ها در دست هستند؛ با این حال لازم نیست از نظر سرانگشتان، طول و...، مثل انگشت مخلوقات باشد. ما فقط دست و

۱. مجموعه فتاوی ابن عثیمین.

همچنین وجود انگشتان را در دست اثبات می‌کنیم.^۱ هرکس خواهان دیدن شرح اوصافِ هبلِ آن‌هاست کافی است به گفته‌های «بن‌باز»، «ابن‌عثیمین»، «ابن‌جبرین» و بزرگان علمایشان مراجعه نماید تا یقین حاصل کند که شیطان وقتی از رویارویی با اسلامی که محمد بن عبدالله ﷺ آورده است، به‌وسیلهٔ بت تراشیده‌شده با دست ناتوان بشود، به‌وسیلهٔ بت مجسم‌شده در عقل‌های سفیانی‌ها و وهابی‌ها با آن رویارو می‌شود و آن‌ها تلاش می‌کنند عبادتِ هبلِ خود را منتشر کنند؛ آن‌هم به‌اسم اسلام!

این همان ابزار شیطان برای ویران کردن اسلام به‌اسم اسلام و ویران کردن توحید به اسم توحید است. اینان ادعای توحید دارند در حالی که بتی را می‌پرستند که دو دست دارد و در هر دستی پنج انگشت، و دو چشم دارد و...

شما را به پروردگارتان سوگند، این چیست؟! چه موجودی است؟! آیا این خودِ هبل نیست؟!

آیا این همان عبادتِ خودِ هبل نیست که با اسم اسلام، قرآن و محمد ﷺ نقاب به چهره زده است؟!

کارزار «عبادتِ هبل یا عبادتِ الله» که محمد ﷺ آغازش کرد هنوز به پایان نرسیده و صفین جز قسمتی از قسمت‌های این نبرد نبوده است. کربلا و به اسارت برده شدن خاندان پیامبر خدا محمد ﷺ به شام نیز تنها پرده‌ای از پرده‌های این پیکار بوده و ما نیز امروز در یکی از پرده‌های همین کارزار زندگی می‌کنیم.

*** **

فراخوان مسلمانان به جمع شدنِ گرد پرچم حق مهدوی

۱. ضمیمهٔ شرح او بر کتاب لمعة الاعتقاد ابن قدامه.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲:

به مناسبت:

- نبرد صفین

- ورود اسیران آل محمد به شام

- آنچه امروز در سوریه روی می دهد

دعوت خود را بار دیگر تکرار و آن را متوجه مسلمین در هر مکانی به خصوص در عراق- می کنم تا گرد این پرچم حق مهدوی برای رویارویی با آدم کش های القاعده سفیانی یکپارچه شوند؛ آدم کش هایی که در سوریه با پشتیبانی حکومت آمریکایی و پیروانش جمع شده اند و عراق را به عنوان گام بعدی خود در نظر دارند.

*** ** *

مباهله مدعی کذاب ناصر محمد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲:

من در همین صفحه دیدم یکی از آنان نامه ای از طرف شخصی به نام ناصر محمد خطاب به بنده رونویسی کرده است. این شخص ناصر محمد- با دروغ و فریب کاری و بدون هیچ دلیل شرعی ادعای مهدویت می کند و شخصیتی همچون مسیلمه، سجاح و دیگر کذاب های زمان محمد رسول خدا ﷺ است. این دروغ گو ناصر محمد- در بیانیه خود درخواست مباهله با بنده را می کند و در بیانیه اش مباهله ای با سبک و سیاقی غیر از سیاق شرعی، نوشته است که از جهل و نادانی او به صیغه شرعی مباهله پرده برمی دارد. وی به طور کلی- با این مباهله و با شرطی که برای خودش تعیین کرده است اثبات حق ما را برای خودش و کسانی که در مورد صداقت و راستی او دچار توهم شده اند آسان، و اثبات باطل بودن و کذب خودش برای آنان را برای ما هموار نموده است.

ناصر محمد در بیانیه خود گفته است:

«پس از اینکه مباهله کردیم- در عرض یک ثانیه بعد از مباهله- اگر خداوند تو را

به صورت خوک مسخ نکند، من مهدی منتظر حقیقی نیستم.»

همچنین گفته است:

«و خداوند در شأن محمد حسن عسکری هیچ دلیل آشکاری نازل نفرموده و همچنین در شأن احمدالحسن عراقی؛ همان کسی که خودش را یمانی می‌نامد. و هنگامی که احمدالحسن عراقی برای مباحله در این صفحه یا در صفحه بنده یعنی صفحه امام ناصر یمانی- حاضر^۱ شود و پس از حضور و پایان یافتن مباحله اگر در اولین ثانیه، احمدالحسن به خوک تبدیل نشود ناصر محمد یمانی کذابی است خودخواه، و مهدی منتظر و امام نیست.»

وی همچنین گفته است:

«ناصر محمد الیمانی و احمدالحسن را رها کنید تا ببینیم کدامیک از ما کذاب خودخواه است. او هرگز، هرگز و هرگز حاضر نخواهد شد.»

پس از اینکه بیانیۀ ناصر محمد به من رسید، اینک این من هستم که برای مباحله حاضر شده‌ام.

و با حاضر شدنم مشخص شد که او کذاب است.

چون او سه بار عبارت «آن» به معنی «هرگز» را تکرار کرده است. طبق گفته برخی از آن‌ها این کلمه در عربی «جاودان و ابدی بودن» را می‌رساند؛ یعنی گوینده‌اش می‌گوید حادثه‌ای که پس از این کلمه گفته می‌شود به هیچ وجه رخ نخواهد داد؛ هر قدر هم که زمان بسیاری سپری شود. ناصر محمد گفته است «هرگز، هرگز و هرگز حاضر نمی‌شوی». اینک این من هستم که حاضر شده، با او مباحله کرده‌ام و به این ترتیب مشخص شد که ناصر محمد، کذاب است.

این مباحله بنده است برای شخص دعوت‌کننده (ناصر محمد). خودم این مباحله را می‌نویسم و در صفحه خودم و نیز در سایت او همان گونه که خود او درخواست کرده است- منتشر می‌سازم تا ثابت کنم که من راست گو هستم و ناصر محمد-طبق شرطهایی

۱ - غلط‌های املائی از طرف خود دعوت‌کننده به مباحله بوده است. (مترجم)

که خودش مقرر داشته- کذابی است خودخواه؛ [اما متن مباحله]:

«بارخدا یا! ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه! ای دانای غیبت و آشکار! ای رحمان و رحیم! اگر احمدالحسن حقی را انکار و باطلی را ادعا کرده است بر او صاعقه‌ای از آسمان یا عذاب دردناکی فرو بفرست؛ و اگر ناصر محمد، حقی را انکار و باطلی را ادعا کرده است بر او صاعقه‌ای از آسمان یا عذاب دردناک فرو بفرست.»^۱

این مباحله موافق با متن قرآنی است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^۲ (پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده است با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم؛ سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم).

پس از اینکه بنده، مباحله را با صیغه شرعی^۳ نوشتم و منتشر ساختم، جز خیر و خوبی

۱ - اللهم رب السماوات السبع ورب الأرضين السبع، عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم، إن كان أحمد الحسن جحد حقا وادعی باطلا فأنزل عليه حسابانا من السماء أو عذابا أليما، وإن كان ناصر محمد جحد حقا وادعی باطلا فأنزل عليه حسابانا من السماء أو عذابا أليما.

۲ - آل عمران: ۶۱.

۳ - کلینی روایت کرده است: علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی‌عمیر از محمد بن حکیم از ابومسروق از اباعبدالله امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «عرض کردم: ما با مردم گفت‌وگو می‌کنیم و با آنان به گفتار خداوند عزوجل که می‌فرماید: (خدا و رسول را و اولیای امرتان را فرمان برید) (نساء، ۵۹) احتجاج می‌کنیم و مردم می‌گویند: این آیه درباره فرماندهان جنگی نازل شده است. برای آنان با این گفتار خداوند عزوجل حجت می‌آوریم: (جز این نیست که ولیّ شما خدا و فرستاده اوست) (تا آخر آیه مائده، ۵۵) و مردم می‌گویند: این آیه درباره مؤمنان نازل شده است. برای آن‌ها با این گفتار خدای عزوجل دلیل می‌آوریم: (بگو ای محمد، من از شما مزدی جز دوستی درباره نزدیکانم نخواهم...) (شوری، ۲۳) آنان گویند: این آیه درباره نزدیکان و خویشان اسلامی نازل شده است. راوی گوید: من هرآنچه را که از این آیات و همانند آن‌ها در خاطر داشتم بیان کردم؟ حضرت به

برایم حاصل نشد و اینک پس از مباحله با این کذاب، در نعمت و روزی خداوند بهره‌مند هستیم. اکنون برای ناصر محمد و کسانی که او فریبشان داده است معلوم شد که من حق هستم و ناصر محمد -طبق شرطی که خودش برای خودش مقّرر داشته- کذابی است خودخواه؛ زیرا ناصر محمد گفته بود:

«شایسته نیست کسی جز احمدالحسن یمانی یعنی همان کسی که می‌گوید فرستادهٔ امام مهدی است- با من مباحله کند؛ و من خدا را گواه می‌گیرم که او فرستادهٔ شیطان رانده شده است. پس وقتی او مباحله کند و خداوند او را در اولین ثانیهٔ پس از مباحله به خوک مصخ^۱ نکند ثابت کرده که او حق و فرستادهٔ امام مهدی محمد حسن عسکری است و وجود خود را در سرداب سامری ثابت کرده و ثابت کرده که ناصر محمد یمانی کذاب خودخواه است.»

اینک این من هستیم که با ناصر محمد مباحله کردم و به این ترتیب به ناصر محمد و کسانی که فریبشان داده است ثابت کردم که من حق هستم و محمد بن الحسن حق و موجود است و ثابت کردم که ناصر محمد -طبق شرطی که خودش برای خودش مقّرر داشته- کذاب خودخواه است. به این ترتیب دعوت او به طور کلی و جزئی- باطل شد و کسی

من فرمود: «اگر چنین شد آن‌ها را به مباحله دعوت کن.» عرض کردم: چگونه (مباحله) کنم؟ فرمود: «سه روز خود را اصلاح کن -و به گمانم فرمود: روزه بگیر- و غسل کن و همراه طرف مقابل خود به صحرا بروید و انگشتان دست راست خود را در انگشتان او شبکه‌وار بینداز. سپس دربارهٔ او انصاف داشته باش. ابتدا از خودت شروع کن و بگو: "بارخدا! ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه! ای دانای غیبت و آشکار! ای رحمان و رحیم! اگر ابو مسروق حقی را انکار و باطلی را ادعا کرده است بر او صاعقه‌ای از آسمان یا عذاب دردناکی فروبفرست.» سپس نفرین را به او برگردان و بگو: «و اگر فلانی حقی را انکار و باطلی را ادعا کرده است بر او صاعقه‌ای از آسمان یا عذاب دردناک فروبفرست.» سپس فرمود: "پس از آن زمانی نمی‌گذرد که اثر آن را در آن شخص به چشم خودت خواهی دید.» (ابو مسروق گوید): به خدا سوگند هیچ‌کس را ندیدم که مرا در این کار اجابت کند.» (کافی، ج ۲، ص ۵۱۳)

۱ - غلط املائی از طرف خود شخص مباحله‌کننده است. (مترجم)

که پس از امروز -و پس از آنکه با دلیل قطعی ثابت کردم که او طبق شروط خودش، کذاب خودخواه است- از او پیروی یا او را تصدیق کند، حجتی در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. اما اینکه این کذاب -محمد ناصر- دروغ و هابیت و ابن تیمیه را تکرار می‌کند و می‌گوید شیعیان اعتقاد دارند امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) در سرداب است، بصیرت مردم را به دروغ و انحراف او از حق بیشتر می‌کند. اکنون دوره اینترنت است و هر شخصی می‌تواند به هر معلوماتی به آسانی دست پیدا کند. کتاب‌های شیعه موجود است و هرکسی می‌تواند به آن‌ها مراجعه کند تا بداند شیعیان معتقد نیستند امام محمد بن الحسن در سرداب است و این دروغی است که وهابی‌ها و این کذاب -ناصر محمد- بر زبان می‌رانند؛ خداوند رسوایش سازد!

در پایان، ناصر محمد را به توبه و دست برداشتن از ادعای شیطانی باطلش دعوت می‌کنم؛ زیرا عاقبت او بدتر از عاقبت کذاب‌هایی خواهد شد که در زمان جدم رسول خدا محمد (ص) ادعای نبوت کردند و خداوند او را در دنیا و آخرت -خوار و رسوا خواهد فرمود. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيَصِيبُ الَّذِينَ أُجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾^۱ (و چون آیتی برایشان بیاید گویند: «ما هرگز ایمان نمی‌آوریم تا نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما داده شود»). خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی کسانی را که مرتکب گناه شدند به آنچه نیرنگ می‌کردند در پیشگاه خدا خواری و شکنجه‌ای سخت خواهد رسید).

*** **

موضوعات علمی مرتبط با خلقت و اثبات وجود خدا

به‌زودی تلاش خواهیم کرد موضوعات علمی مرتبط با آفرینش و اثبات وجود یا عدم وجود خدا را مطرح کنیم.

این مباحث علمی، بسیار مهم هستند و آنچه من در عرصه علمی می‌بینم عبارت است از پیروزی علمی الحاد (بی‌خدایی) - آن‌هم با برتری بسیار زیاد - بر کسانی که مدعی نمایندگی ادیان هستند؛ این کسانی که عالم نام نهاده شده‌اند چه مسلمان شیعه باشند، چه سنی، چه وهابی و چه مسیحی یا یهودی؛ به موضوعات علمی پاسخ می‌دهند بدون اینکه بدانند دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی و دیگران چه مطرح کرده‌اند. آن‌ها همچون کسانی هستند که به‌قول معروف بد شنیدند و بد پاسخ دادند. به همین دلیل کتابی به نگارش درآورده‌ام که اکنون تقریباً کامل شده و در آن به بحث و بررسی مهم‌ترین نظریات علمی که به لحاظ آزمایشگاهی، ریاضی و نظری به اثبات رسیده است پرداخته‌ام. به خواست خدا در آینده در صورت وجود افرادی که بُعد معرفتی کتابی را که نگاشته‌ام درک کنند - کتاب را منتشر خواهیم کرد؛ زیرا درک آن به‌ناچار نیازمند اطلاعاتی در زمینه‌های زمین‌شناسی تاریخی (تاریخ زمین)، تاریخ باستان، باستان‌شناسی، علم زیست‌شناسی تکاملی، فیزیک نظری، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، مهندسی ژنتیک، پزشکی، فلسفه و ... است.

پرسش‌های مورد بحث:

نظر علمای شیعه، سنی، وهابی و مسیحی در خصوص دو نظریه پیدایش و دگرگونی گونه‌ها یا همان طور که بین عامه مردم شایع است نظریه تکامل یا نظریه داروین چیست؟ پاسخ علمی کسانی که این نظریه را رد می‌کنند چیست؟ از دید کسانی که نظریه تکامل را قبول دارند، راه اثبات وجود خدا در چهارچوب زندگی زمینی کدام است؟ عقیده آن‌ها در خصوص نظریه ژن خودخواه چیست؟

نظر آن‌ها درباره هیگز و بوزون هیگز که به‌عنوان عامل جرم‌دهنده به ذرات در این عالم مادی شناخته می‌شود چیست؟ ذره‌ای که به‌تازگی با برخوردهای بزرگ هادرونی

کشف شده است.

آن‌ها دربارهٔ نظریهٔ پوسته‌ها یا نظریهٔ ام^۱ و نیز وجود بیش از چهار بعد در این هستی و اینکه تاکنون یازده بعد شناسایی شده است چه دیدگاهی دارند؟

آن‌ها در خصوص آنچه پروفیسور استیون هاوکینگ اخیراً در باب خاستگاه کیهان و پیدایش آن مطرح کرده و گفته نظریهٔ ام و نظریهٔ فیزیک کوانتوم برای تفسیر «پیدایش هستی از هیچ» کفایت می‌کند چه ایده‌ای دارند؟ اینکه ظاهرشدن کیهان از هیچ، به وجود چیزی فراتر از قانون گرانش نیاز ندارد؛ قانونی که طبق نظریهٔ «همه‌چیز» یا نظریهٔ «ام» از همان ابتدا وجود داشته است و اینکه کیهان بدون فرض گرفتن وجود «اله» می‌تواند یا به عرصهٔ ظهور بگذارد؟

آن‌ها در خصوص سخن فیزیکدان‌ها مبنی بر اینکه مجموع انرژی مثبت و ماده با انرژی منفی و ماده تاریک (پادماده) در جهان مادی برابر با صفر است چه نظری دارند؟ حضرت آدم علیه السلام چه هنگام بر این زمین زندگی می‌کرده است؟ من تاریخ دقیقی از آن‌ها نمی‌خواهم؛ بلکه به‌طور اجمالی مثلاً بگویند ده‌ها هزار یا صدها هزار یا میلیون‌ها سال پیش.

طوفان نوح در کجا اتفاق افتاده است؟ طوفان نوح چه هنگام رخ داد؟ تاریخ دقیقی از آن‌ها نمی‌خواهم بلکه به‌طور اجمالی مثلاً بگویند ده‌ها هزار یا صدها هزار یا میلیون‌ها سال پیش.

این طوفان به چه صورتی روی داده و چگونه همان‌طور که در قرآن ذکر شده امواج آن کوه‌آسا بوده است؟

آیا طوفان همهٔ زمین را دربرگرفت؟

آیا با طوفان نوح همهٔ موجودات زندهٔ روی زمین از بین رفتند؟

اگر پاسخشان این است که طوفان همه‌جای زمین را درنوردید و تمام موجودات زنده یا دست‌کم حیوانات روی زمین را به کام مرگ کشاند، توجیه آن‌ها برای وجود حیواناتی در جزیره‌های جداافتاده مانند کیسه‌داران استرالیا و حیوان فوسا (fossa) در ماداگاسکار و بسیاری موارد مشابه دیگر چیست؟

این پرسش‌های علمی، با اثبات یا انکار وجود خدا در ارتباط است و به همین دلیل کسانی که ادعای نمایندگی ادیان را دارند باید به همه آن‌ها پاسخ بدهند؛ آن‌هم پاسخی سازگار با علم نوین و نه پاسخی‌هایی روایی یا متون دینی ظنی‌الصدور یا ظنی‌الدلاله که با امور علمی کاملاً ثابت‌شده مانند واقعیت‌های تاریخ زمین‌شناسی و آنچه در لایه‌های زمین قرار دارد. سرِ ناسازگاری داشته باشد؛ اما متون دینی، یا صحیح نیستند یا باید تأویل شوند؛ زیرا با حقایق علمی ثابت‌شده ناسازگارند.

بنابراین بر فقهای ادیان [لازم] است که برای پرسش‌های فوق‌الذکر پاسخ‌های علمی ارائه کنند. البته من بر این باورم که آن‌ها قادر به ارائه هیچ پاسخ علمی ارزشمندی نیستند؛ بلکه هر آنچه من به آن برخورد کردم عبارت بود از درک نادرست موضوعات علمی، و پاسخ آن‌ها نیز از همین درک و فهم غلط ناشی می‌شود؛ یعنی مثلاً آن‌ها فرض می‌گیرند نظریهٔ تکامل قائل به فلان مسئله است و سپس خودشان به این قول پاسخ می‌دهند و پیش خود چنین در نظر می‌گیرند که به نظریهٔ تکامل پاسخ داده‌اند؛ در حالی که آن‌ها در واقع به تفکر و فهم غلطی که نسبت به نظریهٔ تکامل دارند پاسخ داده‌اند؛ نه آنچه حقیقتاً نظریهٔ تکامل از آن سخن به میان می‌آورد.

به نظر من این بُرّه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم و آنچه در این زمینه‌های علمی مطرح می‌شود، از این کسانی که ادعا می‌کنند علمای ادیان هستند به دین و وجود خدای سبحان ارتباط مستقیم‌تری دارد.

نوشته‌ها و گفته‌های فقهای شیعه، سنی و مسیحی که من از آن‌ها آگاهی یافته‌ام در واقع نوشته‌ها و گفته‌هایی بی‌مایه است که فقط به درد بازارگر می‌خورد و فقط به کار فریفتن برخی پیروانشان می‌آید که تخدیر و بی‌هوش شده و به جهل راضی‌اند، نه

بیشتر؛ و ردیه‌های آنان نمی‌تواند شخصی را که به‌طور جدی از علمی چون زیست‌شناسی تکاملی، علم ژنتیک و فیزیک سررشته دارد قانع کند؛ بلکه چنین فردی آن‌ها را افرادی ساده، جاهل و دروغ‌گو می‌بیند، نه چیز دیگر.

به خواست خدا در این صفحه به بحث و بررسی بخشی از گفته‌ها و نوشته‌های آن‌ها خواهیم پرداخت تا خودتان سطح علمی آن‌ها را دریابید و خودتان خواهید فهمید که چرا آن‌ها در رویارویی با احمدالحسن فاقد اسلوب علمی هستند و در نتیجه به دروغ و افترا متوسل می‌شوند، یا با کمک نیروهای نظامی هوادار خود برای یورش به مکتب احمدالحسن در نجف یا حمله به خانه وی با استفاده از انبوه نیروهای مسلح روی می‌آورند. اکنون دلیل این اقدامات به‌روشنی برای شما آشکار خواهد شد؛ به این ترتیب که وجود آشکار احمدالحسن در بین مردم، آن‌ها را رسوا کرده و جهل و نادانی‌شان را برملا خواهد ساخت.

انشاءالله در این صفحه، بی‌مایگی علمی و فکری آن‌ها را به شما نشان خواهیم داد. از جویندگان علم درخواست دارم - که همگام با من - اندکی به خودشان زحمت بدهند و به آموختن و مطالعه بپردازند. به خدا سوگند برای ما دردآور است که ببینیم مردم در دام افراد حيله‌گری می‌افتند که با سوءاستفاده از جهل مردم نسبت به مسائل خاص علمی یا دینی، آن‌ها را از حق دور می‌سازند؛ همان‌طور که امروزه در عمل می‌بینیم فقهای گمراه با دروغ واجب‌بودن تقلید از غیرمعصوم، آن‌ها را فریب داده‌اند.

اگر کسی نظر و ایده خاصی بر پایه نظرات آن‌ها دارد آن را عرضه کند؛ به خواست خدا از نوشته‌های او اطلاع خواهیم یافت و با مکتوباتم با او به تعامل خواهیم پرداخت.

در کتاب «وهم الحاد»^۱ - که ان‌شاءالله به‌زودی منتشر خواهیم کرد - بنده به سهم خودم به این پرسش‌ها و بسیاری پرسش‌های دیگر پاسخ داده‌ام. این کتاب همچنین حاوی

مطالبی است که شاید بتوان آن را مناظره علمی با پروفیسور ریچارد داوکینز در نظر گرفت که از بزرگترین دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی در عصر حاضر است، و نیز [مناظره] با پروفیسور استیون هاوکینگ، از برجسته‌ترین دانشمندان فیزیک نظری و ریاضیات کاربردی، متخصص در حوزه کیهان‌شناسی و صاحب نظریه ثابت‌شده پرتوزایی سیاه‌چاله‌ها.

منتظر پاسخ مراجع به این پرسش‌ها و مسائل هستم تا مناظره میان من و آن‌ها آغاز شود؛ اگر آن‌ها رديه‌ای در زمینه‌ها و موضوعاتی که پیش‌تر علیه آن‌ها مطرح نموده بودم داشته باشند. همچنین به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم برای فهم این موضوعات و اصطلاحات، از اساتید دانشگاه‌ها کمک بگیرند تا مرا در مناظره به زحمت نیندازند.

*** ** *

ماجرای ملا ابوحیّه (حیة = مار)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

مایلم اتفاقی را که روزی برایم رخ داد برای شما نقل کنم:

در یکی از روزها شیخ حیدر زیادی -خدا حفظش کند- را دیدم که اندوهگین و رنجور به نظر می‌رسید. گفتم چرا این چنین هستی؟ گفت: از آنچه می‌بینم که بر شما می‌گذرد. شما در میان این جاهلانی هستی که مردم را فریب داده‌اند همان طور که ملا ابوحیّه (حیّه یعنی مار) مردم را فریب داده بود. گفتم: داستانش چیست؟ شیخ حیدر -خدا حفظش کند- گفت: «در روستایی در ریف، ملایی (یعنی مردی دینی) وجود داشت که در مسجد برای مردم سخنرانی می‌کرد و گاهی هم به آنان دروغ می‌گفت. وقتی نظام آموزشی تغییر کرد دولت، معلمی به روستا فرستاد تا به اهالی روستا خواندن و نوشتن بیاموزد. وقتی ملا این را

شنید، با خود اندیشید اگر این‌ها خواندن و نوشتن بیاموزند، کتاب می‌خوانند و خواهند فهمید که من به آن‌ها دروغ می‌گفتم و چه بسا دیگر به من احترام نگذارند و کارم به پایان خواهد رسید؛ پس تصمیم گرفت مردم را فریب دهد. او مردم و معلمی را که دولت برای آموزش خواندن و نوشتن به‌سویشان فرستاده بود جمع کرد و به مردم گفت: ای مردم! این معلم خواندن و نوشتن نمی‌داند؛ پس چگونه می‌خواهد به شما و فرزندانتان بیاموزد؟ معلم به او گفت: چگونه من نمی‌دانم در حالی که فارغ‌التحصیل دانشگاه تربیت‌معلم هستم. ملا به او گفت: اکنون خواهیم دید و مردم قضاوت خواهند کرد. ملا یک کاغذ و قلم به معلم داد و به او گفت: بنویس مار. معلم کلمهٔ مار را با سه حرف به‌شکل صحیح نوشت. سپس ملا شکل مار را در برگه‌ای دیگر کشید و هر دو برگه را در برابر مردمی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند قرار داد و گفت: ای مردم، شما قضاوت کنید؛ آیا آنچه در برگهٔ من هست «مار» است یا آنچه در برگهٔ این معلم؟ گفتند: البته آنچه در برگهٔ تو هست، ای ملا. ملا به آن‌ها گفت: آیا به شما نگفتم این معلم خواندن و نوشتن نمی‌داند؟ حالا برخیزید و او را بیرون کنید؛ زیرا در او هیچ سودی نیست. آن‌ها هم برخاستند و آن معلم را بیرون کردند.»

امیدوارم کسانی که خود را مراجع می‌نامند یا همان ملا ابوحیه‌ها این بار در برابر من پیروز نشوند، نیرنگ خود را برای مردم را تکرار نکنند و مردم را در جهل و نادانی نگه ندارند.

*** **

يَا شَدِيدَ الثَّوَى وَيَا شَدِيدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ
يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ، فَأَكْفِنِي شَرَّ
خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي
الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ

ای سخت نیرو، و ای سخت کیفر دهنده! ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز! همه خلقت در برابر بزرگی ات خوار و ذلیل شدند؛ پس کفایت کن مرا از شر خلق خودت. ای نیکوکار! ای عطاکننده! ای نعمت بخش! ای فضیلت بخش! ای که معبودی جز تو نیست! منزه ای تو! به راستی که من از ظالمان هستم. پس ما اجابتش کردیم و از غم نجاتش دادیم؛ و ما مؤمنان را این چنین نجات دهیم؛ و صلوات خدا بر محمد و آل پاک و طاهرش.

*** **

تسلیمت به مناسبت شهادت امام حسن بن علی (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا

طبق معمول عراق، در روز هفتم صفر، عزای امام حسن بن علی -صلوات خدا بر او-

برگزار می شود.

خداوند پاداش شما را با یاد شهادت او بزرگ بدارد.

*** **

توقفگاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و اکد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲:

سومر و اکد را برگزیدم؛ چراکه از نظر باستانی، تاریخی و دینی ثابت شده است که نوح و ابراهیم (علیهم‌السلام) از ایشان هستند؛ بنابراین آن‌ها اصل و ریشه دین هستند و در ابتدای زمان، دین از آن‌ها آغاز شده و در آخرالزمان نیز از آن‌ها آغاز خواهد شد.

آن‌ها ملتی هستند که هزاران سال بر دموزی یا «فرزند نیکوکار» نوحه‌سرایی کردند و در انتظار گیلگمش یا «جنگجویی که پیشاهنگ است» به سر بردند و پیوسته کسانی که پس از آن‌ها در سرزمین بین‌النهرین آمدند نیز بر حسین (علیهم‌السلام) نوحه‌سرایی کردند و در انتظار مهدی به سر می‌برند؛ همان گیلگمش که هزاران سال است به ظهور او در سرزمینشان وعده داده شده است. از خدا می‌خواهیم وضعیت آن‌ها را اصلاح کند و آن‌ها را به راه راست خودش هدایت فرماید و ختم به خیرشان گرداند.

اما کسانی که در جایی غیر از سرزمین سومر و اکد -سرزمین پدران مهدی، نوح و ابراهیم (علیهم‌السلام)- منتظر ظهور مهدی هستند انتظارشان به درازا خواهد کشید و انتظاری بی‌پایان خواهند داشت.

توقفگاه اول: حماسه‌های سومر و اکد و دین الهی

برخی یا بیشتر پژوهشگران تاریخ خاور نزدیک یا خاورمیانه باستان، دین را صرفاً زائیده طبیعت انسانی می‌دانند که شروع آن از مقدس‌سازی ایشتار -الهیة زن- آغاز شده است؛ با نام‌های متفاوتی که داشته و مجسمه‌هایی که از او در اندازه‌های مختلف در تمدن‌های خاور نزدیک باستان یافت شده است و تاریخ آن به بیش از نه هزار سال پیش از میلاد می‌رسد.

آن‌ها تحلیلی بر سرآغاز دین ارائه کرده‌اند به این صورت که در ابتدا، جنس ماده در قالب مادر، بر جامعه انسانی سیطره و تحکم داشته است؛ زیرا فرزندان به دور مادر اجتماع می‌کردند و وابستگی و انتساب دیگری غیر از او نمی‌شناخته‌اند؛ به این ترتیب از دید این

عده، جنس مؤنث (ایشتار، مادر والا) مقدس شمرده و برای او پیکره‌هایی ساخته شد. جامعه انسانی پس از کشف کشاورزی و به دنبال آن، دست‌یافتن به ثبات و نیز ساختن خانه و خانواده، به جامعه‌ای مردسالار تبدیل شد؛ و این تغییر به نوبه خود خدایان مذکر را وارد معابد کرد. به این ترتیب، دینی پایه‌گذاری شد که مدتی بعد به یهودیت، مسیحیت، اسلام و... تکامل یافت.

ولی این‌ها که نظریه خود را بر پایه پیکره‌های باستانی زنانه استوار می‌سازند، از یاد می‌برند که نظریه آن‌ها می‌تواند به راحتی مورد تردید و خدشه قرار گیرد؛ با این فرض که این پیکره‌ها برای تحریک غریزه جنسی ساخته شده و به چیز مقدسی اشاره ندارد. یک کاوشگر زبده و دانا با دیدن مؤنث مقدسی که در زمانی مشخص برای او مجسمه‌ای ساخته شده، نتیجه نمی‌گیرد که هر تمثال زنانه‌ای که پیش از آن ساخته شده نیز برای چنین مقصودی بوده است. این نظریه که «انسان دوره باستان ابزاری برای تحریک غریزه جنسی می‌ساخته» موجود است و برخی باستان‌شناسان آن را مطرح نموده‌اند.

علاوه بر این، در برخی متون باستانی، ایشتار یا اینانا در سرزمین سومر و اکد با ویژگی‌های «دنیا»یی که انسان در آن زندگی می‌کند، توصیف شده است و در این متون، ایشتار نه تنها مادر نیست، بلکه حتی یک مؤنث واقعی هم به شمار نرفته است.

این دنیا بود که پادشاهی دُموزی را هنگامی که بر تخت نشست و تاج به سر گذاشت و برخلاف دیگر پادشاهان از خضوع و کرنش در برابر او سر باز زد، نپذیرفت و دنیا، دُموزی (فرزند نیکوکار) را به شیاطین تحویل داد تا او را به قتل برسانند:

«اینانا (ایشتار) رهسپار دو شهر سومری "اوما" و "بدتی‌بیرا" می‌شود و خدایان این دو شهر همان طور که پیش تر گفتیم- با خضوع و خشوع او را سجده می‌کنند و به این ترتیب، خود را از چنگال اهریمن نجات می‌دهند. سپس به شهر کلاب می‌رسد که خدای حامی آن، دُموزی است. دنباله منظومه از این قرار است:

دُموزی (تموز) لباسی فاخر به تن کرد و بر تخت تکیه زد.

شیاطین ران‌هایش را گرفتند. ...

هفت شیطان به سویش حمله بردند؛ آن گونه که بر بالین بیماران حمله‌ور می‌شوند.

چوپانان از نواختن نی در پیشگاه او دست کشیدند.

(اینانا) چشم بر او دوخت. با دیدهٔ مرگ به او خیره شد.

با خصومت با او صحبت کرد. کلماتی از روی خشم و عصبانیت،

به‌گونه‌ای که گویا گنه‌کار است بر او فریاد زد و گفت:

"اما این، ببریدش!"^۱

این همان دنیایی است که وقتی گیلگمش بر تخت نشست و تاج به سر گذاشت، از

خضوع و کرنش در برابرش امتناع ورزید:

«گیلگمش لب به سخن گشود و به ایشتر شکوهمند پاسخ داد: ...

چنانچه با تو ازدواج کنم، به چه خیری خواهم رسید؟

تو!

تو جز آتشدانی که در سرما خاموش می‌شود، نیستی.

تو چون دربِ ناقصی می‌مانی که بوران و باد را مانع نیست.

تو کاخی هستی که درون آن شیرمردان شکست می‌خورند.

و فیلی هستی که کجاوه‌اش را ویران می‌سازد.

تو همچون قیر هستی که حامل خود را به آلودگی می‌کشاند و مَشکی هستی که

حاملش را خیس می‌کند.

تو سنگ مرمری هستی که دیوارش فرومی‌ریزد،

تو چون سنگ یشمی هستی که دشمنش رو به آن کرده، فریبش را می‌خورد.

تو کفشی هستی که پوشنده‌اش را می‌گَرَد،

بر عشق کدامیک از عاشقانت پایدار مانده‌ای؟

و از کدام یک از بندگان همیشه راضی بوده‌ای؟...»^۱

به طور کلی این نظریه که اصل دین عبارت است از الوهیت قائل شدن برای مؤنث مادر، فاقد دلایل علمی استوار است و به گمانم نیازی به ارائه ردیة تفصیلی برای آن نیست.

با این حال ضروری می‌بینم اشاراتی به خاستگاه الهی دین سومری داشته باشم و دلایلی را بر آن بیان کنم؛ بنابراین موضوع برمی‌گردد به اینکه ثابت شود دین سومری، دینی است الهی، با سابقه و تحریف شده. در اینجا به دنبال آن هستیم نشان دهیم سومریانی که وضو گرفتن با آب، نماز، روزه، دعا و تضرع را می‌دانسته‌اند، ملتی دین‌دار بوده‌اند و دین آن‌ها نیز دینی الهی بوده است. در حماسه‌ها و داستان‌سرایی‌های مردم سومر، پیشگویی‌هایی غیبی وجود دارد که هزاران سال پس از زمان پرداختن سومریان به آن‌ها به وقوع پیوسته است.

البته ممکن است دین آن‌ها در برخی دوره‌ها تحریف شده باشد؛ ولی به هر حال این دین، الهی است؛ همان طور که مردم مکه نیز پیرو دین حنیف ابراهیمی تحریف شده بودند و بت‌ها را عبادت می‌کردند و آن‌ها را مقدس می‌شمردند. امروزه نیز سلفی‌ها یا وهابی‌ها - که بت‌پرست و وارثان بت‌پرستان قدیم مکه هستند - می‌گویند مسلمان هستند؛ حال آنکه آن‌ها بت بزرگی را می‌پرستند که به باورشان در آسمان است و در زمین وجود ندارد؛ بتی که واقعاً دو دست دارد و در هر دست، انگشتانی، و دو پا دارد و دو چشم.

مقوله تحریف دین الهی، پیش‌تر وجود داشته است و همچنان نیز ادامه دارد.

اگر ما به سرآغاز پیدایش دین الهی بازگردیم می‌بینیم آدم (علیه السلام) اولین دین الهی را به زمین آورد. در این دین داستان‌هایی از فرزندان نیکوکار وی - که پس از او آمدند - درج شده است. فرض بر این است که مردم، طبق سنت دیرینه خود این داستان‌ها را به یاد بسپارند،

روایت کنند و برای یکدیگر به ارث بگذارند.

گاهی اوقات حکایات و حماسه‌های سومریان، چیزی جز نقل برخی از این داستان‌های مقدس موروثی نیست. سومری‌ها داستان طوفان را با جزئیات فراوان، مدت‌های مدیدی پیش از تورات روایت کرده‌اند:

«طوفان نخستین؛ نوح:

پس از آنکه "جورج اسمیت" از کارکنان موزه بریتانیا لوح یازدهم منظومه گیلگمش را کشف کرد و رموز آن را گشود، معلوم شد داستان طوفان نوح که در تورات آمده، ساخته و پرداخته ذهن نویسندگان اسفار تورات نبوده است. داستان طوفان بابلی هم اصل و منشأ سومری دارد. در سال ۱۹۱۴ "ارنوبول" قطعه‌ای را که یک سوم پایین یک لوح شش‌ستونی از مجموعه "تیبور" موزه دانشگاه پنسیلوانیاست، منتشر کرد. مضمون این لوح بیشتر مربوط به داستان طوفان است. تاکنون نسخه دیگری از این سند منحصر به فرد، به دست نیامده است ... با همه شکستگی‌ها و نواقص لوح، مطالب آن بسیار ارزشمند است. ... مسئله آفرینش انسان و اصل حکومت سلطنتی در این لوح بیان شده و از آن چنین برمی‌آید که پیش از طوفان حداقل پنج شهر وجود داشته است.»^۱

البته ممکن است بعضی از این داستان‌ها - خصوصاً از دیدگاه ادیان دیگر - تحریف شده باشند و دلیل آن هم گذشت زمان و ورود خلق و خوی متغیر انسانی و وسوسه‌هایش در آن باشد؛ ولی آیا هر متن تحریف شده‌ای کاملاً عاری از حقیقت است؟!

آیا هیچ از خود پرسیده‌ایم: میراث آدم و نوح (علیهم‌السلام) کجا رفته است؟!

عاقلاً نه نیست حضرت نوح (علیهم‌السلام) و همراهانش به انتقال بز و گاو اهتمام بورزند، ولی از انتقال دین الهی از زمان حضرت آدم (علیهم‌السلام) که در سینه‌هایشان بود، غفلت کرده باشند. حتماً می‌بایست انسانیت پس از حضرت نوح (علیهم‌السلام) - که در سومریان یا اکدیان و وارثان آن‌ها یعنی

بابلیان و آشوریان نمایان بود. و میراث نوح و آدم (علیهم السلام) و آرمان‌های مقدس، در داستان‌هایی که گرچه به صورت تحریف‌شده، نسل‌به‌نسل دست‌به‌دست می‌شد، به آیندگان به ارث می‌رسید؛ همان طور که تاریخ پادشاهان و کشاورزان به ایشان انتقال یافت. نتیجه اینکه دین سومری یا اکدی، دین آدم و نوح (علیهم السلام) و به شکل تحریف‌شده است؛ چه بسا با معبودانستن هرچیزی بوده که به آن توجه می‌شده است؛ مانند دنیا و افراد شایسته و نیکوکار.

مثالی دربارهٔ تحریف: تحریف حماسهٔ گیلگمش که از طریق کاوش آثار باستانی به دست آمده است، بر دو مطلب دلالت دارد:

اول اینکه حماسهٔ گیلگمش متنی دینی است؛ زیرا به طور معمول کسی پیدا نمی‌شود که بخواهد متون ادبی را دست‌کاری و تحریف کند.

دوم اینکه متن حماسهٔ گیلگمش که به دست ما رسیده است، قطعاً خالی از تحریف نیست.

طه باقر می‌گوید:

«شاید جالب‌ترین چیزی که کاوشگران اخیراً در سایت باستانی معروف به سلطان‌تپه در جنوب ترکیه نزدیک به حران به دست آورده‌اند، بخش‌هایی از حماسه و نیز نامهٔ شگفت‌آوری است که یک نویسندهٔ قدیمی در سدهٔ دوم قبل از میلاد دست به جعل آن زده است. این نامه از زبان گیلگمش خطاب به یکی از پادشاهان باستانی آمده و در آن گیلگمش از او خواسته است برای تعویذ دوستش "انکیدو" سنگ‌های قیمتی به وزن سی من ارسال کند.»^۱

«با مقایسهٔ این قطعه‌های اصلی متن نینوایی، اطلاعات گران‌بهرایی به دست آمد. نه فقط خلل و نواقص متن پر شده بود، بلکه کاملاً مشخص شد که در دورهٔ آشوریان،

^۱. نبرد گیلگمش - طه باقر.

قصیده گیلگمش به یک صورت نبوده است. این خود دلیلی است قاطع بر اینکه اسطوره مزبور نسل به نسل، به میزان قابل توجهی تکامل و تغییر یافته است؛ به عبارت دیگر نویسندگان تنها به نسخه برداری از متن قدیمی به صورتی امانت دارانه و حرفه‌ای بسنده نکرده‌اند؛ بلکه در آن دست برده، بر متن افزوده یا از آن کاسته‌اند. این خود دلیل یا بخشی از دلایلی است بر تأیید این نظریه منتشر شده (گرچه با اشکال و ایراد) مبنی بر اینکه شرق هیچ‌گاه در خود فرورفته و ایستا نبوده و نیست.^۱

اگر برای متون مکتوب، تلاش‌هایی هدمند وجود داشته است، قطعاً درباره متون شفاهی مربوط به دوران پیش از عصر نوشتن، اوضاع وخیم‌تر بوده و یقیناً در معرض تحریف بزرگ‌تری قرار گرفته و به هنگام نوشته شدن در دوره ابتدایی تدوین و کتابت، به همان صورت تحریف شده نگارش یافته‌اند؛ بنابراین می‌توانیم با اطمینان بگوییم که داستان طوفان، ماجرای دموزی، قصه گیلگمش و دیگر داستان‌هایی که خاستگاه سومری-اکدی داشته‌اند، پیش از دوره کتابت به همان صورت اولیه‌ای که داستان سرایان بیان کرده‌اند نوشته نشده‌اند.

*** **

توقفگاه دوم: دین سومر و اکد و ادیان سه‌گانه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه دوم: دین سومر و اکد و ادیان سه‌گانه: اسلام، مسیحیت و یهودیت. واقعیت این است که هرکس با تورات، انجیل و قرآن آشنا و از مندرجات الواح گلین سومری نیز مطلع باشد، قطعاً یکی از این دو حکم را - که به هر حال از یکی از آنها گریزی نخواهد بود - صادر خواهد کرد:

^۱ . اساطیر بابل، شارل.

حکم اول: خاستگاه دین، تألیفات انسان سومری است و تورات و انجیل و قرآن، فقط بازمانده‌ای از دین سومری به شمار می‌رود (آفرینش اولین انسان - آدم - داستان هاییل و قابیل، داستان طوفان، گناه (خطیئه)، زندگی پس از مرگ، بهشت، جهنم و غیره).

حکم دوم: دین سومری همان دین آدم و نوح (علیهم السلام) است؛ ولی به صورت تحریف شده انتقال یافته و سومریان و اکدیان (بابلیان و آشوریان) نیز به صورت تحریف شده با آن به عبادت می‌پرداختند؛ و این همان چیزی است که من می‌خواهم بیان کنم. داستان‌های سومری در واقع پیشگویی‌های غیبی است که آدم آن‌ها را به زمین آورد و این‌ها همان حکایات فرزندان صالح او (علیهم السلام) است و آنچه بر آن‌ها می‌گذرد؛ به‌ویژه کسانی که سمبل نشانه‌های مهمی در راه دین هستند؛ مانند دموزی (فرزند نیکوکار) یا گیلگمش.

دکتر سموئیل کریمر متوجه شباهت‌های فراوان مندرجات تورات با الواح سومری شد؛ حتی کار به جایی کشید که وی در کتب خود فصل‌هایی را برای بیان شباهت‌های موجود بین الواح گلین سومری و تورات تنظیم کرد؛ به عنوان مثال:

فصل هفدهم (بهشت) نخستین مسئله‌ای که در شباهت با تورات یافتیم.^۱

ازدواج مقدس و غزل‌های سلیمان.^۲

سومریان از امور دقیق دین الهی شناخت و آگاهی داشتند و به آن عمل می‌کردند؛ از قبیل اعتقاد به رؤیا - و اینکه رؤیا کلام خداوند است -، توسّم و اعتقاد به اینکه خدا می‌تواند از طریق هرچه که بر آدمی می‌گذرد، با وی گفت‌وگو کند. شارل در اساطیر بابل می‌گوید:

«اکنون دانستیم که انسان برای خدمت‌گزاری به خدایان آفریده شد و آن‌ها انسان را

۱. از الواح سومر، کریمر، ص ۲۳۹.

۲. من و دموزی، مراسم ازدواج مقدس، نزد سومریان، سموئیل کریمر.

به خاطر ناچیزترین گناهان مجازات می‌کنند؛ بنابراین بر انسان‌هاست که خواسته‌های آسمان را با وسواس و دقت اطاعت کنند و خواسته‌های خدایان را برآورده سازند. حال چطور دانستند که چگونه بر سر این پیمان بمانند و از خشم خدایان دوری گزینند؟ و اگر خواب‌هایی ببینند - که خدایان به وسیله خواب آنچه را که در ذهن دارند به آن‌ها وحی می‌کنند - چگونه آن را به گونه‌ای که رضایت خدایان را در پی داشته باشد تفسیر کنند؟ این در صورتی است که خوابی در کار باشد؛ اگر خوابی وجود نداشته باشد چه می‌شود؟

پاسخ: به تأییدات و راهنمایی‌های طبیعی اعتماد می‌کردند و آن‌ها نیز به حقیقت راهنمایی‌شان می‌نمودند؛ بنابراین نه فقط به تغییر و تحول ماه باید توجه کلی نشان داد، بلکه شکل و شمایل ابرها را نیز باید با دقت زیر نظر داشت. هر حرکت و انتقال از خزنده زیر چمن گرفته تا سیاره‌های شناور در میدان ستارگان همگی به خواست و اراده خدایان - چه خوب باشد و چه بد - اشاره دارد و اینجاست که هنر و علم، نبوغش را آشکار می‌سازد و مشخص می‌کند که این خواست نیکوست یا خیر.

جادوگران می‌بایست دخالت می‌کردند و آمدن بخت فرخنده را شتاب می‌بخشیدند یا نیروهای خصمانه‌ای را که تهدیدی برای زندگی بودند دفع می‌کردند. در اینجا مراد از زندگی، حیات عموم مردم نیست؛ بلکه منظور زندگی پادشاهی است که سرنوشت تمام امت به او سپرده شده است.

و این پادشاه که خدایان، علم را به او سپرده‌اند - همان طور که اشاره شد - هفتمین پادشاه از حکومت پیش از طوفان بود و او طبق سلسله مراتب وراثتی با اخنوخ (ادریس) مطابقت دارد که جایگاه هفتم از سلسله آدم - سلسله پیامبران پیش از طوفان - را به خود اختصاص داده بود. شایان ذکر است که هیچ وجه اشتراکی بین این دو اسم وجود ندارد، هر چند اعمال و رفتار آن‌ها دقیقاً یکی است. حق آن است که گفته شود متن تورات مربوط به هفتمین پیامبر (اخنوخ) بسیار کوتاه است که گفته: «اخنوخ در حالی که رابطه نزدیکی با خدا داشت ناپدید شد؛ زیرا خدا او را برد.» و به این ترتیب اخنوخ به قهرمان بخشی از افسانه‌ها تبدیل شد که او را پدیدآورنده کتابت، مؤلف اولین کتاب، پدیدآورنده علم ستارگان و سیارات، یعنی دانش اخترشناسی و تمام فلکیات معرفی کرد؛ بنابراین واضح است و می‌توانیم به راحتی بپذیریم که این اسطوره یهودی صرفاً نقل یا توسعه اسطوره

کلدانی است که پیش‌تر بوده است.

این اسطوره بیان می‌کند که دیگر پادشاهان و پیامبران -نیاکان شش‌گانه اخنوخ و سه جانشین او- خصوصیات مشترکی داشتند که برای ما غیر از شخصیت دهم که در زمان طوفان می‌زیسته، باقی فاقد اهمیت است.»^۱

داستان‌های سومریان مانند دیگر ادیان الهی- به‌وضوح از زندگی پس از مرگ حکایت دارد و اینکه خوبان و نیکوکاران به بهشت می‌روند و بدکاران به جهنم:

«تأکید شده است که این‌ها پس از مرگ زندگی خواهند کرد، ولی در تاریکی مطلق؛ و ایشان را هیچ پاداشی نیست، مگر در صورتی که در دار دنیا رفتار خوب در پیش گرفته باشند؛ یعنی تقوا؛ همان طور که برای اوتنایشتمیم (نوح علیه السلام) اتفاق افتاد، یا همان طور که حمورابی با اجرای قوانین بین مردم انجام داد.»^۲

*** **

توقفگاه سوم: آیا این همان داستان ایوب، پیامبر خداست که سومریان آن را پیش از وقوعش روایت می‌کنند؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه سوم: آیا این همان داستان ایوب پیامبر خداست که سومریان آن را پیش از وقوعش روایت می‌کنند؟!

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد قصه‌های سومریان در واقع داستان‌سرایی و اخبارات غیبی در خصوص ماجراهایی در مسیر دین الهی است که پس از سومریان واقع خواهند شد.

هرکس الواح گلی سومری را بخواند درمی‌یابد که این الواح، از پیامبران و فرستادگانی

۱. اساطیر بابل، ص ۲۹.

۲. اساطیر بابل، ص ۳۸.

خبر می‌دهد که بعدها خواهند آمد؛ مانند آنچه در قصه حضرت ایوب (علیه السلام) آمده است؛ پیش از آنکه ایوب (علیه السلام) بیاید و پیش از آنکه ماجرایش در تورات و قرآن درج شود. «زمان تمام الواح و نیز لوح‌های شکسته‌ای که این نوشته‌های سومری در آن نگاشته

شده است به بیش از هزار سال قبل از اینکه سفر ایوب نوشته شود بازمی‌گردد.»^۱

گزیده‌ای از داستان ایوب (علیه السلام) آن‌گونه که در الواح سومری مدت‌زمانی بسیار طولانی

پیش از تولد وی - نگاشته شده، به شرح زیر است:

«من که فرزانه و عاقلم، چرا در بند جوانان کم‌مایه باشم؟

من که خردمند و دانایم، چرا در زمره نابخردانم می‌پندارند؟

غذا همه‌جا فراوان است، اما بهره من گرسنگی است.

آن روز که قسمت‌ها و نصیب‌ها تقسیم شد سهم من رنج و درد شد.

خداوندا! می‌خواهم در پیشگاه تو بایستم.

می‌خواهم با تو سخن بگویم. ... و سخن من آه و حسرت‌هاست. می‌خواهم رازم را به تو

بگویم و از تلخ‌کامی خود در پیشگاه تو بنالم.

می‌خواهم پریشان بنالم، ...

از مادرم که مرا زایید، تا از بیان درد و رنجم در پیشگاه تو کوتاهی نکند.

از خواهرم که دیگر آن ترانه‌های خوشبختی را نخواند و زمزمه نکند

و به درگاه تو با چشمانی اشک‌بار از درد و رنج من نوحه‌سرایی کند،

و همسرم به زاری از درد من سخن بگوید،

بگذار نغمه‌پردازی خوش‌الحان، نصیب تلخ مرا زمزمه کند ...

اشک و غم و افسردگی و ملال همراه من شده است.

رنج و درد چنان بر من چشم دوخته است که گویی جز اشک نصیبی ندارم.

بیماری جانگاهی بر من چیره شده است، ...

خداوندا! تو که پدر من هستی و مرا به دنیا آوردی، مرا یاری ده تا به پا خیزم، ...

تا کی مرا وامی نهی و بی هیچ هدایتی باقی می گذاری؟
سخنی راست و درست گفته اند که هیچ مادری، کودک بی گناه نزیاید.
از دیرباز کودک بی گناه دیده به جهان نگشود، ...
او مردی است که خداوند اشکها و گریه اش را دید و شنید.
جوانی که شکوه و ناله اش توانست دل خدایگانش را به دست آورد، ...
شیطان بیماری که او را دربر گرفته و بر او سایه افکنده بود دور نمود،
آن بیماری که او را چون ... زمین گیر کرده بود، زایل نمود و پراکنده ساخت.
سرنوشت شومی را که برایش مقدر شده بود، با حکمش تغییر داد،
و رنج و درد آن مرد را به شادی و خوشی مبدل ساخت.»^۱

توقفگاه چهارم: سرزمین سومر و اکد بر دموزی گریست و اکنون بر حسین (علیه السلام)
می گرید؟!
ان شاء الله به زودی ارائه می شود.

*** **

توقفگاه چهارم: سرزمین سومر و اکد بر دموزی گریست و اکنون بر حسین (علیه السلام)
می گرید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه چهارم: سرزمین سومر و اکد بر دموزی گریست و اکنون بر حسین (علیه السلام)
می گرید؟!
سومریان یا اکدیان هزاران سال بر دموزی (دمو: فرزند، زی: نیکوکار) گریستند و مویه
کردند.

گریه و زاری سرزمین بین النهرین بر دموزی تا زمان حزقیال نبی ادامه یافت. در تورات

نقل شده است که ساکنان بین‌النهرین بر تموز (دموزی) نوحه‌سرای می‌کردند:

«سپس گفت بیا تا گناهان بزرگتری که اینها انجام داده‌اند به تو نشان دهم * آنگاه مرا به دروازهٔ شمالی خانهٔ خداوند آورد و زانی را نشان داد که آنجا نشسته بودند و بر تموز گریه می‌کردند * خداوند به من فرمود: آیا این را می‌بینی، ای فرزند آدم؟ ولی از این بدتر را هم به تو نشان خواهم داد * سپس مرا به حیاط داخلی خانهٔ خداوند آورد. آنجا در کنار دروازهٔ خانهٔ هیکل خداوند و بین ایوان و قربانگاه، در حدود بیست و پنج مرد پشت به هیکل خداوند و رو به مشرق، در شرق، آفتاب را سجده می‌کردند.»^۱

عملی که در اینجا گناه و پلیدی خوانده شده، همان قتل تموز (دموزی) است که آن زنان را به گریه و مردان را کنار قتلگاهش به سجده واداشته است.

قصهٔ مرگ دموزی پادشاه با پرداختن هزینهٔ قبول نکردن سجده برای ایشتار/اینانا (دنیا) آغاز می‌شود:

«پس آن هنگام که "اینانا" (ایشتار) بخواهد از جهان زیرین خارج شود،

بگذار تا کسی را به جانشینی برگمارد.

اینانا از جهان زیرین بالا آمد.

شیاطین کوچک چون نیشکر

و شیاطین بزرگ چون نی دابان

از هر سو گرداگرد او حرکت می‌کردند.

شیاطانی که پیشاپیش او گام برمی‌داشت، گرچه وزیر نبود، عصای سلطنتی در دست

داشت،

و آن که در کنارش می‌آمد، گرچه جنگاور نبود ولی غرق در سلاح بود.

آنان که وی را همراهی کردند، آنان که با اینانا (الههٔ ایشتار یا دنیا) هم‌سفر بودند،

موجوداتی بودند که نه نان می‌شناختند و نه آب،

نه آرد بو داده می‌خوردند،

و نه آبی که برای قربانی تقدیم شده بود می نوشیدند.
 آن ها زن را در آغوش شوهر می ربودند،
 و نوزاد شیرخوار را از سینه مادرش جدا می نمودند...»
 اینانا (ایشتار) رهسپار دو شهر سومری "اوما" و "بدتی بیرا" می شود و خدایان این دو
 شهر، همان طور که پیشتر گفتیم، با خضوع و خشوع برای او (ایشتار یا دنیا) سجده
 می گزارند و به این ترتیب خود را از چنگال اهریمنان نجات می دهند. سپس به شهر
 "کلاب" که خدای حامی آن، دموزی است می رسد. دنباله منظومه به صورت زیر ادامه پیدا
 می کند:

«دموزی (تموز) لباسی فاخر به تن کرد و بر تخت تکیه زد،
 شیاطین ران های او را گرفتند. ...،
 هفت شیطان به سوبش حمله بردند؛ آن گونه که بر بالین بیمار حمله ور می شوند.
 چوپانان از نواختن نی در پیشگاه او دست کشیدند.
 اینانا چشم بر او دوخت. با دیده مرگ به او خیره شد.
 با خصومت با او صحبت کرد. کلماتی از روی خشم و عصبانیت.
 با صدای بلند او را گنهکار خواند:
 "سزای اوست، بپریدش."
 و این گونه اینانای پاک، دموزی شبان را به آنان سپرد.
 آنان که با او همراه بودند،
 آنان که با دموزی (تموز) همراه بودند،
 موجوداتی بودند که نه نان می شناختند و نه آب،
 نه آرد بو داده (سویق) می خوردند،
 و نه آب تقدیم شده به عنوان قربانی، می نوشیدند، ...»^۱

و این گونه ایشتار (اینانا) همسر پادشاه دموزی- وی را به شیاطین تسلیم کرد تا او را به

قتل برسانند. در پارادوکسی که برای کسانی که معنای حاکمیت خدا را در نمی‌یابند، درکش سخت است؛ یا همان تعیین الهی یا آن‌طور که سومریان-اکدی‌ان از آن تعبیر می‌کنند «سلطنتی که از آسمان نازل شد».

اما این حقیقت در دین الهی بسیار تکرار شده که ایشثار/دنیا در مواقع بسیاری مطیع و سرسپردهٔ پادشاهانی است که خدا آن‌ها را تعیین و تنصیب نموده است؛ چرا که آن‌ها برای دنیا سجده می‌کنند و در مقابل او خاضع هستند و شهوات دنیوی‌شان را می‌پرستند. ایشثار_دنیا_ بر کسانی که از طرف خدا برای حکمرانی در آن تعیین می‌شوند سرکش است؛ زیرا در حقیقت این‌ها بر دنیا سرکشی و نافرمانی کرده‌اند. سهم حضرت علی علیه السلام پنج سال تلخ بود که در آن، تمام شیاطین زمین برای دشمنی با حضرت علیه السلام در جمل و صفین و نهروان به پا خاستند و تا هنگامی که او را در کوفه به قتل رساندند از پا ننشستند. سهم حسین علیه السلام -حاکم برگزیده برای حکمرانی در دنیا- کشتاری بود که حتی طفل شیرخوار نیز از آن جان سالم به در نبرد.

این‌ها برخی متونی است که در الواح گلین سومریان آمده است و در آن از مصیبت و فاجعهٔ دموزی و خواهرش صحبت می‌کند. خواهیم دید که این متون تا چه حد شبیه واقعه‌ای است که بر حسین علیه السلام گذشته است؛ در حالی که اینها متونی باستانی هستند که سومریان-اکدی‌ان هزاران سال پیش از ولادت امام حسین علیه السلام نقل کرده‌اند:

«قلبش ظرف اندوه و اشک شد،

تا به آنجا که دشت‌ها امتدادی دور دست دارند رفت،

قلب چوپان مالامال از اندوه و اشک است،

به دشت‌های دور دست رفت،

قلب دموزی غرق در اندوه و اشک است،

از دشت‌های دور دست و وسیع گذشت،

نی را بر گردنش آویخت و بختش را با تأسف فریاد زد،

ای دشت‌های پهناور دور دست، گریه‌ام را تکرار کنید،

گریه‌ام را تکرار کنید،

ای دشت‌ها، باید غم و اندوه و اشک ریختن را فرابگیرید،
گریه‌ام را تکرار کنید،
با من نوحه سر دهید،
ای خرچنگ‌های رودخانه، بر من دردمند شوید،
ای قورباغه‌های رودخانه، برایم آواز سر دهید،
تا مادرم شیون و زاری سر دهد،
تا مادرم (سرتور) فریاد شیون و زاری سر دهد،
تا مادرم که پنج قرص نان ندارد، فریاد شیون و زاری سر دهد،
تا مادرم که ده قرص نان ندارد، فریاد شیون و زاری سر دهد،
آن هنگام که مرا از دست دهد، کسی را که به او توجه کند نخواهد یافت،
و تو ای چشم من که در دشت‌ها حیرانی، چونان چشم مادرم گریان شو،
و تو ای چشم من که در دشت‌ها حیرانی، چونان چشم خواهرم گریان شو،
میان غنچه‌ها و گل‌ها دراز می‌کشم،
میان غنچه‌ها و گل‌های دشت بر پشت می‌خوابم،

دموزی چوپان در دشت دراز کشید،
هنگامی که چوپان دموزی خوابیده بود رؤیایی دید،
هر پاره‌ای از بدنش به لرزه درآمد،
بعد از خواب دیدن بیدار شد،
چشمانش را مالید،
سرگیجهٔ شدیدی احساس کرد،

دموزی بیدار شد و گفت:
او را نزدم بیاورید، او را بیاورید، خواهرم را بیاورید،
جشتی اینانا خواهر کوچکم را بیاورید،
آن نویسندهٔ دانا به رمز ارواح را بیاورید،

خواهرم را که معانی کلمات را می‌داند،
 آن زن عاقله‌ای که معنای خواب‌ها را می‌داند،
 باید با او سخن بگوییم،
 باید از خوابی که دیده‌ام باخبرش سازم.

دموزی با خواهرش (جشتی اینانا) سخن گفت:
 دربارهٔ خواب، خواهرم به خوابی که دیده‌ام گوش فرا ده.
 اسل [خیززان] در تمام اطراف من می‌روید،
 اسل به انبوه از درون زمین بالا می‌آید،
 یکی از آن گیاهان به‌تنهایی ایستاده سرش را در برابرم خم کرد،
 تمام اسل‌ها جفت‌جفت ایستاده بودند به جز یکی که از جایش کنده شده بود،
 در آن باغ گرداگرد من روی زمین، درخت‌های بلند ترسناکی برخاستند،
 بر زمین رؤیایم آبی فرو نمی‌ریزد،
 کیسهٔ آذوقه‌ام خالی گشته و همه‌چیز آن به تاراج رفت،
 جام مقدسم از میخی که به آن آویزان بود افتاد،
 عصای چوپان ناپدید شد،
 کرکس، بره‌ای را با چنگال‌هایش می‌بَرَد،
 و باز، گنجشک را از حصار نیین ربود،
 خواهرم، ماده شترهای کوچک من غبارآلود ناله سر می‌دهند،
 بره‌های آغلم با پاهایی لنگان روی زمین حرکت می‌کنند،
 مَشک شیر متلاشی شده و خالی است،
 جامم خرد شده،
 دموزی دیگر بین زنده‌ها نیست،
 آغل بره‌هایش بر باد هوا رفت،

جشتی اینانا گفت:

آه ای برادر من، خوابت را برابیم بازمگو،
شادمان کننده نیست،
اسل [خیزران] در تمام اطرافت می‌روید،
اسل به انبوه از درون زمین بالا می‌آید،
جمعی از قاتلان کار را بر تو یکسره خواهند کرد،
این خواب توست،
یکی از آن گیاهان به تنهایی ایستاد و سرش را در برابرت خم کرد،
او مادر توست،
به خاطر تو سرش را خم خواهد کرد،
تمام اسل‌ها جفت‌جفت ایستاده بودند به جز یکی که از جایش کنده شده بود،
من و تو،
یکی از ما پنهان خواهد شد و از بین می‌رود،
در باغ در گرداگرد زمین اطرافت درختان بلند ترسناک افراشته شدند،
دیوسیرتان تو را خواهند ترساند،
بر زمین رؤیایت آبی فرو نمی‌ریزد،
آغل بره‌ها ویران خواهد شد،
شیاطین، عرصه را بر تو تنگ خواهند کرد،
کیسه آذوقه‌ات خالی گشته و همه‌چیز آن به تاراج رفت،
و جام مقدست از میخی که به آن آویزان بود، فرو افتاد،
از زانوی مادرت که تو را آبتن شد، خواهی افتاد،
آذوقه چوپان،
مشک چوپان، همه‌چیز ناپدید می‌گردد،
دیوصفتان، هر کاری انجام خواهند داد تا تو را ناتوان سازند،
جمع شدند،
جغد،
کرکس،

باز،
 عفریت بزرگ،
 همه می‌خواهند تو را برانند،
 در آغل بره‌ها، کار تو را یکسره خواهند کرد،
 ماده‌شترهای کوچکت غبار آلود، ناله سر می‌دهند،
 خشم چو نان گردباد در آسمان پایدار می‌ماند،
 تو بر زمین خواهی افتاد،
 هنگامی که بره‌های آغلت با پاهایی لنگان بر روی زمین حرکت می‌کنند،
 هنگامی که مشک، متلاشی شده و خالی است،
 شیاطین هرچیزی را پژمرده خواهند کرد،
 آن هنگام که کرکس، بره کوچک را می‌بزد،
 «گالا» گونه‌هایت را خواهد خراشید،
 آن هنگام که باز، گنجشکی را از حصار نبین، می‌ریاید،
 گالا از حصار بالا می‌رود تا تو را به دوردست ببرد،
 دموزی،
 گیسوانم به‌خاطر تو در آسمان پریشان خواهد شد.
 بره‌ها زمین را با سُم‌های خود خواهند کند،
 آه، دموزی، من با تأسف بر تو گونه‌هایم را خواهم درید،
 جام دروغ شکسته شد،
 دموزی از شیاطین گریخت،
 به سوی آغل بره‌های خواهرش جشتی اینانا گریخت،
 وقتی جشتی اینانا، دموزی را در آغل بره‌ها دید گریست،
 دهانش را به‌سوی آسمان کرد،
 دهانش را به‌سوی زمین کرد،
 غم و اندوهش چو نان جامه، افق را پوشاند،
 چشمانش را درید، دهانش را درید، ران‌هایش را درید،

«گالا» بالای حصار چوبی رفت،
«گالا»ی اول دموزی را بر گونه‌اش زد و چنگال‌هایش را در او فرو برد،
«گالا»ی دوم دموزی را بر گونه دیگر زد،
«گالا»ی سوم پایه‌های مشک شیرده را درهم کوبید،
«گالا»ی چهارم جام را از میخ پایین آورد و خُرد کرد،
«گالا»ی پنجم مَشک را در هم کوبید،
«گالا»ی ششم جام را خُرد کرد،
«گالا»ی هفتم گریست،

دموزی! برخیز، ای همتای اینانا!
پسر «سرتور»، برادر جشتی اینانا،
از خواب دروغینت برخیز،
گوسفندان غارت شدند،
بره‌های غارت شدند،
بزهای غارت شدند،
کودکانت را می‌گیریم (بزگاله‌های غارت شدند)
تاج مقدست را از سر درآور،
رخت‌های پادشاهی‌ات را از تن به درآور،
بگذار عصای پادشاهی‌ات بر زمین افتد،
نعلین مقدست را از پای درآور،
عریان، با ما می‌روی

«گالا» دموزی را گرفت،
او را احاطه کردند،
دستانش را بستند،
گردنش را بستند،

مشک شیرده آرام گرفت،
 شیری از آن پایین نمی‌آید،
 جام، خرد شده است،
 بعد از این دیگر دموزی نخواهد بود،
 آغل بره‌ها به باد هوا رفت.»^۱

«همان طور که در تقویم‌های بابلی می‌خوانیم اندوه و زاری بر الههٔ "دموزی" از روز دوم ماه Du uzi یعنی تموز^۲ آغاز، و کاروان‌های عزاداری تشکیل می‌شد و در آن‌ها مشعل‌هایی حمل می‌کردند. این مراسم در روز نهم و شانزدهم و هفدهم بود. در سه روز آخر از این ماه مجلسی تشکیل می‌دادند که نام اکدی آن تالکیمتو (Talkimto) بود. در این مراسم، عروسکی را که نماد الههٔ تموز بود نمایش می‌دادند و به‌طور نمادین دفن می‌کردند. با وجود تأثیری که عقیدهٔ مرگ الههٔ دموزی بر جامعهٔ کهن بین‌النهرین و خارج از آن بر جای گذاشته بود، حزن و اندوه بر او هیچ‌گاه جزو تشریفات رسمی معبد نشد؛ بلکه سالانه در بین مردم برگزار می‌شد... ما به تعدادی از نوحه‌هایی که شاعران سومری و بابلی در رثای الههٔ جوان دموزی تألیف کرده‌اند و در کاروان‌های عزا در شهرهای مختلف خوانده می‌شد دست پیدا کرده‌ایم.»^۳

مرثیه سرایی سومریان بر تموز یا دموزی:

«قدح تکه تکه بر زمین افتاد،

دموزی دیگر زنده نیست، و آغل بر باد هوا رفت.»^۴

در قصیده‌ای دیگر، شاعر سومری برای دموزی (پسر نیکوکار) نوحه‌سرایی کرده،

۱. اینانا ملکهٔ آسمان و زمین، ساموئیل نوح کریمر و دایان ولکشتاین.

۲. تموز نام یکی از ماه‌های عبری، رومی و سریانی است که تقریباً معادل تیرماه شمسی است. (مترجم)

۳. ایشتار و مصیبت تموز، د. فاضل عبدالواحد علی.

۴. ایشتار و مصیبت تموز، د. فاضل عبدالواحد علی.

می‌گوید:

«قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد،
منم بانوی عالی‌مقام، همان که سرزمین دشمنان را در هم می‌کوبد.
منم نانسونا، مادر آن سرور بزرگ.
منم کشتن، خواهر جوانمرد مقدس.
قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد.
به مکان جوانمرد رفت.
به جایگاه دموزی،
به جهان زیرین، مأوای چوپان.
قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد.
به جایی که جوانمرد آنجا به بند کشیده شد.
به جایی که دموزی در آن اسیر شد ...
قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد.»^۱

واقعیت آن است که سومریان کسانی هستند که به بشریت نوشتن را آموختند؛ قوانین و مبانی علوم را بنیان نهادند؛ اولین کسانی بودند که چرخ را ساختند و ریاضیات و جبر و هندسه را پایه‌گذاری کردند؛ بنابراین دکتر کریمر و به‌دنبال او برخی کارشناسان تمدن سومری ستم بزرگی بر سومری‌ها روا می‌دارند، آنگاه که می‌گویند:

«سومری‌ها بر چیزی موهوم یا داستانی افسانه‌ای که ساخته‌وپرداخته خودشان است، نوحه‌سرابی می‌کنند. چیزی که صرفاً تعبیری است از سرسبزی یا خشک‌سالی که همه‌ساله یکی پس از دیگری فرامی‌رسد. گویا این‌ها امتی هستند که تمام افرادش مادهٔ مخدري استفاده کرده‌اند که خرد را از ایشان گرفته؛ به‌طوری که ایشان و وارثان بابلی‌شان، هزاران سال بر شخصیتی داستانی که از ابتدا تا انتهایش را خود ساخته و پرداخته‌اند، گریه و زاری می‌کنند و مجالس عزایه به پا می‌دارند.»

۱. ایشتار و مصیبت تموز، د. فاضل عبدالواحد علی.

مردم بین‌النهرین هزاران سال و نسل بعد از نسل، همه‌ساله نعش دموزی را به تصویر می‌کشند و هر سال بر دموزی گریه می‌کنند و بر او مرثیه می‌خوانند.

آیا همه این‌ها اوهام است؟! و فقط داستانی است که خودشان بافته‌اند؟! برای چه؟! برای اشاره به سرسبزی و طراوتی که در بهار پدید می‌آید و خشک‌سالی‌ای که در فصل دیگری از همان سال فرامی‌رسد؟! انتظار می‌رود برای عزاداری هزاران ساله اولین تمدن انسانی بر دموزی (فرزند نیکوکار) یا تموز، پاسخ معقولی وجود داشته باشد.

در خصوص آنچه به میراث دینی تعلق دارد، روایاتی از ائمه علیهم‌السلام وجود دارد که با بیان نقل خبر گریه و مویه پیامبران سومری، یعنی نوح علیه‌السلام و ابراهیم علیه‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام آشکارا نشان می‌دهند که سومریان بر امام حسین علیه‌السلام گریه و نوحه‌سرایی می‌کرده‌اند.

فضل بن شاذان می‌گوید از حضرت رضا علیه‌السلام شنیدم که فرمود: «آن زمان که خداوند عزوجل به حضرت ابراهیم علیه‌السلام امر فرمود به‌جای فرزندش اسماعیل، گوسفندی را که خداوند فرورستاده بود ذبح نماید، حضرت ابراهیم علیه‌السلام در دل آرزو کرد ای کاش فرزندش اسماعیل را به‌دست خود ذبح می‌کرد و دستور ذبح گوسفند به‌جای ذبح فرزندش به او داده نشده بود، تا به این وسیله احساس پدری را داشته باشد که عزیزترین فرزندش را به‌دست خود ذبح می‌کند و در نتیجه شایسته بلندمرتبه‌ترین درجات پادشاهان صبر بر مصائب شود. خداوند عزوجل به او وحی فرمود: ای ابراهیم، محبوب‌ترین خلق من نزد تو کیست؟ ابراهیم علیه‌السلام گفت: خدایا مخلوقی خلق نکردی که از حیبت محمد نزد من محبوب‌تر باشد. خداوند متعال به او وحی فرمود: آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟ گفت: او را بیشتر از خودم دوست می‌دارم. خداوند فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: فرزند او را. خداوند فرمود: آیا بریده‌شدن سر فرزند او از روی ظلم، به‌دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می‌آورد یا بریدن سر فرزندت به‌دست خودت به‌خاطر اطاعت از فرمان من؟ گفت: بریده‌شدن سر فرزند او، از روی ستم و به‌دست دشمنانش دل مرا بیشتر به درد می‌آورد. خداوند فرمود: ای ابراهیم، گروهی که خود را از امت محمد می‌پندارند، پس از وی فرزندش حسین را با ظلم و ستم، مانند

گوسفند ذبح خواهند کرد و با این کار مستوجب خشم و غضب من خواهند شد. ابراهیم (علیه السلام) بر این مطلب بی‌تابی نموده، دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد. خداوند عزوجل به او چنین وحی فرمود: ای ابراهیم، به‌خاطر این ناراحتی و بی‌تابی‌ات بر حسین و قتل او، ناراحتی و اندوهت بر اسماعیل را -در صورتی که او را به‌دست خود ذبح می‌کردی- پذیرفتم و بلندمرتبه‌ترین درجات پاداش اهل صبر بر مصائب را به تو خواهم داد؛ و این همان فرمایش خداوند عزوجل است که می‌فرماید: ﴿وَقَدِينَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ﴾ (و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنانیدیم). دو چیز بر پا هستند و دو چیز روان و دو چیز جایگزین هم هستند و دو چیز دشمن یکدیگر.^۱

از علی بن محمد از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که در تفسیر بیماری ابراهیم (علیه السلام) که در کلام خدا به آن اشاره شده است: ﴿فَتَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ * فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾ (نگاهی به ستارگان کرد * و گفت من بیمارم)^۲ فرمود: «او بر مصائبی که بر حسین (علیه السلام) وارد می‌شود اندیشه نمود و گفت: من از آن بلایی که بر حسین می‌آید بیمار گشته‌ام.»^۳

علامه مجلسی در بحار روایت کرده است: «وقتی آدم به زمین پای نهاد، حوا را ندید. به جست‌وجوی او در زمین می‌گشت تا اینکه به کربلا رسید. بی‌دلیل غمگین شد و سینه‌اش تنگ گردید و در همان مکانی که حسین به قتل رسید، لغزید و خون از پایش جاری شد. سر به آسمان برداشت و گفت: خدایا، از من گناهی دیگر سر زده که به آن عقوبتم نمودی؟ من تمام زمین را گشته‌ام، ولی در هیچ‌کجا مثل اینجا چنین مصیبتی به من نرسید! خداوند به او وحی فرمود: ای آدم، از تو گناهی سر زده است؛ ولی در این سرزمین فرزندان حسین از روی ستم کشته می‌شود و خون تو به‌جهت موافقت با خون او

۱. خصال، شیخ صدوق، ص ۵۸ و ۵۹؛ عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲. صافات، ۸۸ و ۸۹.

۳. کافی، ج ۱، ص ۶۶۵.

جاری شد. آدم گفت: آیا حسین پیامبر است؟ خطاب آمد نه، او سبط محمد پیامبر است. آدم گفت: قاتل حسین کیست؟ وحی آمد که قاتل او یزید، ملعون اهل آسمان‌ها و زمین است. آدم گفت: ای جبرئیل چه کنم؟ جبرئیل گفت: ای آدم، او را لعن کن. آدم چهار مرتبه بر یزید لعن فرستاد و چند قدم به سمت کوه عرفات رفت و حواری را آنجا یافت.^۱

«و روایت شده است هنگامی که نوح علیه السلام در کشتی نشست در همه جای دنیا به گردش درآمد. هنگامی که به کربلا رسید زمین آن را گرفت و نوح از غرق شدن هراسید. خدایش را خواند و گفت: الهی همه جای دنیا را گشتم ولی در هیچ جا مثل اینجا چنین فزعی به من نرسید. جبرئیل نازل شد و گفت: ای نوح در این مکان حسین سبط محمد خاتم انبیا و پسر خاتم اوصیا کشته می‌شود. نوح گفت: ای جبرئیل قاتل او کیست؟ گفت: قاتلش ملعون اهل هفت آسمان و هفت زمین است. نوح چهار بار او را لعن کرد و کشتی به گردش درآمد تا به جودی رسید و بر آن آرام گرفت» [بحار الانوار-مجلسی: ج ۴۴ ص ۲۴۳]

«و روایت شده است که ابراهیم علیه السلام در حالی که سوار بر اسب بود از زمین کربلا گذشت. پای اسبش لغزید و ابراهیم علیه السلام افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. شروع به استغفار کرد و گفت: الهی، چه چیزی از من سر زده است؟ جبرئیل به سوی او نازل شد و گفت: ای ابراهیم، گناهی از تو سر نزده است؛ ولی در اینجا سبط خاتم انبیا و پسر خاتم اوصیا کشته می‌شود و خون تو به جهت موافقت با خون او جاری شد. [ابراهیم] گفت: ای جبرئیل، قاتل او چه کسی است؟ گفت: ملعون اهل آسمان‌ها و زمین‌ها؛ قلم بدون اذن خدا با لعنت بر لوح جاری شد. پس خدای متعال به قلم وحی فرمود: تو با این لعن، مستحق ثنا شدی. ابراهیم علیه السلام دستانش را بالا برد و یزید را بسیار لعن کرد و اسبش با زبان فصیح آمین گفت. ابراهیم به اسبش گفت: تو چه می‌دانی که به دعای من آمین

^۱ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۴۲.

گفتی؟ گفت: ابراهیم، من به سوار شدن تو بر خودم افتخار می‌کنم؛ هنگامی که پاپم لغزید و از پشتم افتادی بسیار خجل شدم و دلیل آن نیز یزید است که لعنت خدا بر او باد.^۱

آنچه ارائه شد خواننده آگاه را مطمئن می‌سازد که حماسه‌های سومر و اکد در واقع عبارت‌اند از خبرسانی‌هایی دینی که برخی از آن‌ها پیش‌گویی‌هایی غیبی در آینده نسبت به زمان نگاشته شدن آن‌ها تلقی می‌شود و این جای هیچ شک و شبهه‌ای برای ما باقی نمی‌گذارد که قسمت عمده‌ای از محتوای حماسه‌ها و داستان‌های سومری-اکدی (بابلی و آشوری) را دین تشکیل می‌دهد.

اکنون به اینجا رسیدیم به‌نظم مروری داشته باشیم بر حماسه اوروک جاودان یا حماسه گیلگمش. پس سعی می‌کنیم این دو را با هم بخوانیم و به شیوه‌ای که شاید نامعمول باشد آن را مطالعه و بررسی کنیم؛ به گونه‌ای که آدم (علیه السلام) برای فرزندانش و نوح (علیه السلام) برای فرزندانش و ابراهیم (علیه السلام) برای فرزندانش خوانده و بین سومریان و ملت‌های دوران باستان و به ویژه در خاور نزدیک انتشار یافت و به قصه مورد علاقه مردم بین‌النهرین (mesopotamia) تبدیل شد که نسل‌ها آن را یکی پس از دیگری بازگو کردند تا پس از هزاران سال به ما رسید؛ ولی چه بسا هنگامی که بین مردم در گردش بود، همان طور که پیش‌تر شرح داده شد، در معرض تحریف و دست‌کاری قرار گرفته باشد.

داستان گیلگمش - که روزی خواهد آمد تا عدالت را تحقق بخشد و گونه انسانی را از حیوانیت خویش نجات دهد- در آثار کهن مصری این‌گونه معرفی شده است:

«مردی قائم (ایستاده) که با کمال سنگینی و متانت، دو گاو نر ایستاده را بر دست

گرفته است؛ یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپش.»^۲

سرزمین بین‌النهرین (سومر) یا جنوب عراق هزاران سال است که منتظر گیلگمش

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

۲. اساطیر بابل، شارل ویرولو.

است تا روزی روزگاری ظهور کند.

*** **

توقفگاه پنجم: گیلگمش پسر نانسونا، مادر گریان بر دموزی!

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه پنجم: گیلگمش پسر نانسونا، مادر گریان بر دموزی!

دموزی:

«قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد،

منم بانوی عالی‌مقام همان که سرزمین دشمنان را درهم می‌کوبد،

منم نانسونا، مادر آن سرور بزرگ

منم کِشتن، خواهر جوانمرد مقدس،

قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد،

به مکان جوانمرد رفت،

به جایگاه دموزی،

به جهان زیرین، مأوای چوپان،

قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد،

به جایی که جوانمرد، آنجا به بند کشیده شد،

به جایی که دموزی در آن اسیر شد...

قلیم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد.»^۱

گیلگمش:

خطاب انکیدو به گیلگمش:

«تو همان یگانه‌مردی،

۱. ایشتار و مصیبت تموز، د. فاضل عبدالواحد علی.

تویی که مادرت تو را آبستن شد،
مادرت نانسون تو را به دنیا آورد، ...
انلیل تو را برتر از مردم قرار داد،
و پادشاهی بر مردمان را برایت مقدر ساخت.»^۱

در حماسه گیلگمش می‌توان تاریخ آینده بشریت را خواند، نه آن‌گونه که برخی شارحان حماسه چنین گمان کرده‌اند. تاریخ گذشته را. همچنین در این حماسه می‌توان داستان نجات‌دهنده نوع انسان از حیوانیتش را خواند؛ حیوانیتی که متأسفانه همیشه و به‌گونه‌ای مقتدرانه در صحنه حضور دارد؛ به‌ویژه هنگام وقوع رویارویی‌های بزرگ:

﴿كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ...﴾ (مانند آن خر است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند، بد داستانی است داستان مردمی که...) ^۲

﴿كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ...﴾ (مثل او چون مثل آن سگ است که اگر به او حمله کنی، زبان از دهان بیرون آورد و اگر رهایش کنی، باز هم زبان از دهان بیرون آورد؛ مثل آنان که...) ^۳

﴿وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَاةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا...﴾ (و برخی از آنان را به‌صورت بوزینه و خوک درآورده و طاغوت را پرستیدند؛ اینان‌اند که در بدترین جایگاهند...) ^۴

آن منجی‌ای که طی هزاران سال نام نیکش منتشر و معروف شده و خبرش قاره‌ها را درنوردیده و از بین‌النهرین به شمال آفریقا رسیده است، تصاویر رمزگونه‌اش در آثار باستانی مصر مشاهده می‌شود:

^۱. نبرد گیلگمش، طه باقر.

^۲. جمعه، ۵.

^۳. اعراف، ۱۷۶.

^۴. مائده، ۶۰.

«تصویر مردی قائم (ایستاده) که با کمال سنگینی و منانت، دو گاو نر ایستاده را بر دست گرفته است؛ یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپش. این تصویر را بر تعداد زیادی از آثار باستانی بابلی می‌بینیم و به‌طور معمول به نبرد "گیلگمش" با حیوانات وحشی اشاره دارد.»^۱

گیلگمش در این حماسه (دو سومش خداست) و داستان او را که صاحب طوفان دوم است، با ماجرای جد سومری‌اش، زیوسودرا (نوح علیه السلام) و اوتناپیشتم بابلی (نوح علیه السلام)، صاحب طوفان اول، مرتبط می‌یابیم؛ حتی چه‌بسا مهم‌ترین سفر گیلگمش در حماسه، سفر وی برای دیدار با جدش نوح علیه السلام (اوتناپیشتم جاودان) همراه خدایان است و از او رازی را می‌پرسد که با آن می‌تواند از یک‌سوم انسانی‌اش رهایی یابد تا همچون جدش نوح علیه السلام با خدایان جاودان بماند؛ یا به‌عبارت‌دیگر: با شایستگی، اسمش را در طومار زندگی ابدی درج کند و از لحاظ روحی جزو جاودانان باشد؛ بنابراین مسئله به روحش - که دوسومش الهه است - بستگی دارد و او می‌خواست یک‌سوم باقیمانده را نیز مانند آن دوسوم کند. برخلاف پندار برخی مفسران حماسه، این موضوع هیچ ارتباطی با جاودانگی جسمانی ندارد.

در بعضی متون به‌روشنی می‌بینیم که گیلگمش همان منجی و نماد عدالت است که همه منتظر او هستند و قصه‌اش دهان‌به‌دهان بازگو می‌شود:

«دلاوران اوروک ناگزیر در اتاق‌های خود، مغموم و معترض ماندند.

گیلگمش هیچ فرزندی برای پدر خویش باقی نگذاشت،

و ستم‌های شبانه‌روز او بر مردم پایانی نداشت؛

اما گیلگمش حامی و نگهدار اوروک است،

حصار و حامی؛

او پشتیبان ماست: نیرومند، زیبا و حکیم؛

^۱ اساطیر بابلی، شارل ویرولو.

گیلگمش هیچ دوشیزه‌ای را برای محبوبش باقی نگذاشت،

نه دختر جنگجو و نه نامزد قهرمان...»^۱

برخلاف تصور برخی سومرشناسان، معقول نیست مراد از این قطعه‌ها، دست‌درازی گیلگمش به ناموس‌های مردم یا ستم‌ورزی به آن‌ها باشد؛ چراکه در این صورت حماسه کاملاً متناقض خواهد شد؛ زیرا گیلگمش در ابتدا با والاترین صفاتی که می‌توان یک حاکم عادل را با آن‌ها توصیف کرد، یاد می‌شود؛ حتی در همین سطرها نیز او حکیم توصیف می‌شود. حال چگونه ممکن است یک پادشاه حکیم، به ناموس‌های رعیت خود تجاوز کند و به آن‌ها ظلم و ستم روا دارد؟!

بخش بعدی حماسه نیز گیلگمش را با صفاتی والا همچون ایثار، شجاعت و اخلاص می‌ستاید؛ بنابراین چنین متونی با عمداً تحریف شده‌اند یا رمزگونه‌اند و در نتیجه به تفسیر و توضیح نیاز دارند.

اگر متن را با دقت بخوانیم درمی‌یابیم که منظور، همان نجات‌دهنده نوع انسان از حیوانیتش است؛ نجات‌دهنده نوع انسان که همه امت‌ها، قصه او را بازگو می‌کنند؛ زیرا اگرچه امت‌هایی که پیش از زمان مبعوث شدن او زندگی می‌کرده‌اند، فاقد آمادگی کافی برای استقبال از او بوده‌اند، ولی دست‌کم افرادی در آن امت‌ها وجود داشته که چه بسا این داستان که آن را سینه‌به‌سینه بازگو می‌کنند، آن‌ها را نجات دهد. او همان کسی است که ایشان را به خدا مرتبط می‌سازد و دروازه آسمان را می‌گشاید تا هر کس بخواهد، وحی عظیم را که آشناکننده وی با حقیقتی وجدآور است، بشنود؛ همان حقیقتی که ما را از عدم پدیدار ساخت؛ همان حقیقتی که ما آفریده شدیم تا آن را بشناسیم؛ بنابراین او همه را به خدا مشغول خواهد ساخت، نه به خودش؛ چرا که اگر وی ایشان را به خودش مشغول و سرگرم سازد بدون آنکه هوشیارشان نماید. میان او و هر طاغوت ستمگری که در پی

۱. حماسه گیلگمش، طه باقر.

شهرت و آوازه است تفاوتی نخواهد بود.

اکنون به خوبی می‌توانیم دریابیم که چرا «دلاوران اوروک ناگزیر در اتاق‌های خود، مغموم و معترض ماندند» و چرا «گیلگمش هیچ فرزندی برای پدر خویش باقی نگذاشت ... و گیلگمش هیچ دوشیزه‌ای را برای محبوبش باقی نگذاشت و نه دختر جنگجو و نه نامزد قهرمان»؛ زیرا آن‌ها جملگی دل‌بسته خداوند سبحان شدند و به او تعلق خاطر یافتند. گیلگمش نجات‌دهنده آمد و برای این نجات‌یافتگان که در زمانی مشخص پدیدار خواهند شد، دروازه وحی عظیم را گشود و به آن‌ها آموخت که چگونه به خدا دل‌بسته شوند، چگونه خدا را دوست بدارند و او را در همه چیز ببینند و بشنوند.

اگر به آثار سومریان مراجعه کنی اشتیاق آن‌ها را نسبت به این امور درخواستی یافت:

«او گیلگمش است یعنی: جنگجویی که پشاهنگ است و مردی که بذره‌های درختی

جدید خواهد بود.»

گیلگمش شخصیت مقدس سومریان یا اکدیان (بابلیان و آشوریان) و بسیاری از ملل جهان باستان به شمار می‌رود. در حماسه گیلگمش وی به دقت توصیف شده است: «دوسوم او از خدایان است و یک‌سوم از انسان»؛ یعنی در وجود او، نور بر جنبه تاریکی یا منیت غالب است؛ ولی در نهایت، او به دنبال یافتن رمز نهایی رهایی از این ظلمت و تاریکی است. حتی معنای اسم گیلگمش نیز به وظیفه او دلالت دارد: جنگجویی که پشاهنگ است.

در حماسه:

او جنگجویی است که شیطان هومابا را کشت؛

و او جنگجویی است که ایشتار (دنیا) را تحقیر کرد؛

و او جنگجویی است که بر نفسش پا گذاشت؛

و نیز او همان کسی است که بذر درخت انسانیت جدیدی خواهد بود که بر حیوانیتش

پیروز می‌شود.

«معنای دقیق اسم گیلگمش مشخص نیست. در بعضی متون اکدی به "جنگجویی

که پیشاهنگ است" معنا شده است. احتمالات دیگری برای این اسم سومری وجود دارد، به معنای "مردی که بذره‌های درخت جدید خواهد بود" یعنی مردی که خانواده‌ای خواهد ساخت.^۱

شاید یکی از بزرگ‌ترین تخریب‌هایی که گریبان‌گیر این حماسه شده، پایین‌آوردن سطح شخصیت‌های حماسه و انطباق نادرست آن‌ها بر مصادیق غلط باشد؛ مانند پایین‌آوردن آن‌ها در حد پادشاهانی که اسامی آن‌ها در فهرست پادشاهان قید شده است. مثلاً وقتی شخصیت گیلگمش حماسی، به گیلگمش پادشاه نسبت داده می‌شود با وجود تفاوت در اسامی پدران و نسب آن‌ها. دقیقاً مانند این است که کسی امروز داستان مهدی حماسی را که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در روایات بسیاری ذکر فرموده‌اند، بخواند و بگوید بیش از هزار سال پیش پادشاهی در دولت عباسی وجود داشته که نامش مهدی بوده و مقصود از مهدی در حماسه اسلامی همان پادشاه عباسی است.

این اتفاقی است که متأسفانه به دفعات برای گیلگمش رخ داده است. حال آنکه برخی کارشناسان متخصص در آثار باستانی سومری تصریح کرده‌اند که فقط با استناد به تشابه اسامی، صحیح نیست گیلگمش حماسی را همان گیلگمش تاریخی بدانیم.

شارل ویرلو می‌گوید:

«بنابراین دلایلی وجود دارد که ما را مطمئن می‌سازد به اینکه در زمان‌های بسیار دور، پادشاهی به نام (گیلگمش) بوده و این اسم در فهرست پادشاهان اوروک که به‌تازگی کشف شده مندرج است؛ ولی برخلاف انتظار، در ابتدای فهرست قرار ندارد؛ بنابراین گیلگمش تاریخی، هیچ سلسله‌ای بنیان ننهاده، بلکه در شمار پادشاهانی بوده است که ما از لحاظ تاریخی به‌جز اسامی‌شان چیز دیگری از آن‌ها نمی‌دانیم ... به‌هرحال (گیلگمش) که تاریخ دو خط دربارهٔ او مطلب نگاشته، نظر ما را به خود جلب نمی‌کند؛ برخلاف گیلگمش که

۱. حماسه گیلگمش، طه باقر.

شعر اسطوره‌ای او به ما رسیده است.»^۱

به نظر من حماسه گیلگمش که پادشاهان سومر، اکد، بابل و حتی آشور آن را در کتابخانه‌هایشان قرار می‌داده‌اند و به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند و از دید ایشان و مردم جایگاهی همچون تعویذ یا کتاب مقدس داشته، در خور آن است که مورد اهتمام قرار گیرد و درباره‌اش تحقیق و پژوهش شود که آیا این حماسه، بیان داستان شخصیتی است که خواهد آمد و سومریان، اکدی‌ان، بابلیان و آشوریان به‌عنوان یک منجی و رهایی‌بخش منتظر او هستند؟

طه باقر می‌گوید:

«گیلگمش قهرمان، همان کسی است که نامش به بسیاری از آداب و رسوم امت‌های کهن راه یافته یا کارهای او به قهرمانان دیگر ملت‌ها منتسب می‌گردد؛ مانند هراکلیوس، اسکندر، ذوالقرنین و ادیسوس قهرمان ادیسه.»^۲

وی همچنین می‌گوید:

«شگفتا! این گیلگمش کیست که چون الگویی نمونه، مقتدای قهرمانان دیگر امت‌هاست؟!»

و دکتر شارل ویرلو می‌گوید:

«مصریان در زمان‌های کهن شخصیتی را که ما در پی آن هستیم می‌شناخته‌اند. در بیابان نیل در کوه اراک خنجری پیدا شده که تیغ آن از سنگ خارا است، نه از معدن، و دسته آن از عاج است. بر یک طرف آن تصویر مردی ایستاده قرار دارد که با کمال سنگینی و متانت، دو گاو نر ایستاده را بر دست گرفته است؛ یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ؛ و این تصویر را در بسیاری از آثار باستانی بابلیان می‌بینیم که به نبرد (گیلگمش) با

^۱. اساطیر بابل و کنعان، ویرلو.

^۲. حماسه گیلگمش، طه باقر.

حیوانات وحشی اشاره دارد.»^۱

بنابراین گیلگمش صرفاً شخصی عادل یا نیکوکار یا پادشاه یا کسی که در روزگاری پادشاه خواهد شد، نیست؛ بلکه وی شخصیتی جهانی بوده و طبق آنچه آثار کهن برای ما نقل کرده‌اند، الگویی است که قهرمانان ملت‌ها به او اقتدا می‌کرده‌اند. جهانی بودن شخصیت گیلگمش، تنها توضیحی است که می‌تواند وجود نسخه‌های مختلفی از حماسه گیلگمش در کشورهای مختلف و حتی به دیگر زبان‌ها را تفسیر و رمزگشایی کند.

«شاید بهترین دلیل بر تأثیرگذاری عمیق و شگرف این حماسه بر تفکرات مردم تمدن‌های کهن، گستره وسیعی است که این حماسه دنیای کهن در آن منتشر شده است. در خصوص ساکنان عراق باستان، دست‌به‌دست شدن این حماسه فقط به مردم بخش‌های جنوبی و میانی عراق یعنی همان جایی که به نام سرزمین سومر و اکد معروف است، محدود نشد؛ بلکه به بخش شمالی یعنی سرزمین آشور نیز سرایت کرد. از هزاره دوم قبل از میلاد، زمان شکوفایی تمدن بابلی در دوران بابل باستان، نسخه‌های بسیاری از آن در شهرهای بزرگ عراق باستان یافت شده است. در خصوص سرزمین آشور طبق آخرین گزارش کاملی که به ما رسیده، متون حماسه در خزانه کتاب‌های پادشاه آشوری بانی پال معروف یافت شده است. ... در خصوص مراکز تمدن‌های کهن، پیش‌تر گفتیم که کاوشگران نسخه‌های زیادی از قسمت‌هایی از این متون را در مناطق دورافتاده‌ای همچون آناتولی، خاستگاه تمدن هیتی‌ها پیدا کرده‌اند. برخی از این متون به زبان بابلی کهن نگاشته شده است؛ همچنین ترجمه‌هایی از آن به زبان‌های هیتی و هوری نیز به دست آمده است. اخیراً در جریان کشفی هیجان‌انگیز، نسخه‌ای از برخی فصول حماسه در یکی از شهرهای فلسطین باستان به نام (مجدو) که در تورات نیز معروف است پیدا شده که تاریخ این نسخه کوچک به حدود قرن چهاردهم قبل از میلاد بازمی‌گردد...»^۲

۱. اساطیر بابل و کنعان، ویرولو.

۲. حماسه گیلگمش، طه باقر.

قصه حماسی گیلگمش در مطلع خود، گیلگمش را به صورت زیر توصیف می‌کند و درباره او همه چیز را خلاصه‌وار در چند سطر کوتاه بیان می‌دارد که به مثابه شناساندن شخصیت و وظیفه گیلگمش است:

«لوح اول:

او کسی است که همه چیز را دید؛ پس ای سرزمین من، با یاد او آواز سر ده!
 او کسی است که از هر چیز خبر داشت و از عبرت‌هایش بهره‌مند شد،
 و او حکیم و عارف به هر چیزی است،
 رازها را دید و باطن‌های پنهان را شناخت،
 و اخبار روزهای پیش از طوفان بزرگ را آورد،
 راه درازی به دوردست‌ها سفر کرد تا رنج‌ها و سختی‌ها بر او فرود آمد،
 همه رنج‌ها و خبرهایش را بر سنگ نقش کرد.»

روشن است که این متن، فردی عالم را توصیف می‌کند که: «همه چیز را دید... همه چیز را دریافت... حکیم دانا... رازها را دید و باطن‌های پنهان را شناخت» یا آموزگار مهمی است که علوم بااهمیتی را همراه خود آورده و آن‌ها را به گونه‌ای نقش خواهد کرد که بین مردم باقی بماند: «همه رنج‌ها و خبرهایش را بر سنگ نقش کرد.»

اگر به متن دینی وارد شده درباره مهدی مراجعه کنیم درمی‌یابیم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را نمایان نموده و آن را بین مردم نشر می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و بیست و هفت حرف را منتشر می‌سازد.»^۱

*** ** *

توقفگاه ششم: گیلگمش شخصیتی دینی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه ششم: گیلگمش، شخصیتی دینی

حماسه گیلگمش آکنده از نمادها و رازها است.

در این حماسه رؤیاهایی رمزآلود به همراه توضیح برخی از رموزش نهفته است.

در آن، سخنان و رویدادهایی سمبلیک بیان شده است. مثلاً در میانه نبردی که بین

گیلگمش و انکیدو برپا شد می بینیم که همه چیز آرام می شود، انکیدو می ایستد و در کمال

احترام به گیلگمش می گوید:

«تو همان یگانه مردی،

تویی که مادرت تو را آبستن شد،

مادرت نانسون تو را به دنیا آورد، ...

انلیل تو را برتر از مردم قرار داد،

و پادشاهی بر مردمان را برایت مقدر ساخت.»^۱

سؤالی در اینجا پیش می آید: اگر انکیدو این را از همان ابتدا می دانست، چرا با وی به

نبرد برخاست؟!

بنابراین معقول نیست که مقصود از این نبرد، جنگ جسمانی بین گیلگمش و انکیدو

بوده باشد. آری، می توانیم بگوییم این یک جنگ عقیدتی بود که انکیدو را در پایان

واداشت اعتراف کند که گیلگمش همان پسر نانسونا و انلیل است که وصیت نموده

گیلگمش پادشاه شود.

گفته های انکیدو پس از جنگ- با این جملات به روشنی بیان می دارد که انکیدو، هم

نانسونا و هم انلیل را مقدس می شمارد؛ ولی اقرار نمی کند که گیلگمش از نوادگان

۱. حماسه گیلگمش، طه باقر.

آن‌هاست و اینک معترف است که:

«تو همان یگانه‌مردی، تویی که مادرت تو را آبتن شد، مادرت نانسون تو را به دنیا

آورد، ... انلیل تو را برتر از مردم قرار داد و پادشاهی بر مردمان را برایت مقدر ساخت.»

بر این اساس ما باید این متون را رمزگونه به شمار آوریم و آن‌ها را متونی صریح و صرفاً تحت‌اللفظی گمان نکنیم. در حقیقت، این طبیعت عموم متون دینی است؛ چراکه این متون از عوالم دیگری می‌آیند و حاوی حکمت‌اند و هدف آن‌ها گاهی رساندن پیامی به اهلش است و چه بسا در بسیاری اوقات مراد از این رمز و رازها که غیراهلش آن را نمی‌شناسند، محافظت آن پیام از دست کسانی باشد که بر مبنای این رازها به فریب‌کاری روی می‌آورند. به‌طور مثال بی‌تردید رؤیاهای، متونی دینی هستند. چه کسی از ما در اینکه معمولاً رؤیاهای پر رمز و رازند شک دارد؟!

اولین سفر گیلگمش برای قتل شیطان هومبابا و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و شرّ از

زمین:

«گیلگمش، انکیدو را خطاب قرار داده، به او گفت: هومبابای دهشتناک در جنگل

سکنا گزیده است؛ پس آن را بکشیم و شرّ را از روی زمین ریشه‌کن سازیم.»

و قبل از آنکه گیلگمش شیطان را بکشد، رؤیاهای بسیاری می‌دید که پیروزی وی در

مأموریت اولش را به او بشارت می‌داد:

«... و در خواب دومم دیدم که کوه نیز سقوط کرد، به من برخورد و پایم را گرفت؛

سپس نوری متجلی شد و نور و درخشندگی‌اش همهٔ زمین را دربرگرفت و مرا از زیر کوه به

در آورد و به من آب نوشاند و دلم را شادمان ساخت.»^۱

از دید سومریان هر چیزی که قابل‌توجه باشد «اله» محسوب می‌شود. از دید آن‌ها

دنیا اله است، منیّت اله است، جماعت اله است و افراد صالح و مقدس نیز اله هستند؛

بنابراین ما می‌توانیم کلمه «الله» را به پیامبران و صالحان، دنیا یا منیت تبدیل کنیم و با تأمل در متن، حکمت سرشارِ نهفته در آن را دریابیم:

«و گیلگمش دهان گشود و به انکیدو گفت:

دوست من! چه کسی می‌تواند به درجات آسمان اوج بگیرد؟

و تنها اله‌ها (صالحان) کسانی هستند که با شاماش تا ابد زندگی می‌کنند،

اما نسل بشر روزگارش شمرده شده است،

و هر آنچه انجام دادند بر باد هواست.»^۱

در قرآن نیز آمده است: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا﴾ (و به

اعمالی که کرده‌اند بپردازیم و همه را چون غبار بر باد دهیم).^۲

و گیلگمش که دو سومش خداگونه است، در نهایت خواست از یک‌سوم تاریکی‌اش خلاص شود، پس به‌سوی کسی که از تاریکی رها و با خدایان جاوید شده بود رفت و او، جدش اوتنایشتیم (نوح (علیه السلام)) بود؛ بنابراین برخلاف تصور برخی خوانندگان حماسه، سفر گیلگمش به‌سوی نوح (علیه السلام)، سفری برای کسب جاودانگی جسمانی نبود، بلکه سیری با هدف کسب جاودانگی روحانی بوده است.

با توجه به مجموع مطالب پیشین، آیا اگر بگوییم حماسه گیلگمش کاملاً دینی و گیلگمش نیز شخصیتی دینی است شایسته خواهد بود کسی بر ما خرده بگیرد؟!

*** **

توقفگاه هفتم: گیلگمش و یوسف (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲:

۱. حماسه گیلگمش، طه باقر.

۲. فرقان، ۲۳.

توقفگاه هفتم: گیلگمش و یوسف (علیه السلام)

گیلگمش در سفر اولش پیروز شد و شیطان هومبابا را کشت. سپس به اوروک بازگشت و تاجش را بر سر گذاشت تا جنگ دوم با دنیا (الهه ایشتار یا اینانا) را آغاز کند:

«وقتی گیلگمش تاج خود را به سر گذاشت، ایشتار شکوهمند سر بالا گرفت و زیبایی گیلگمش را دید و او را گفت: گیلگمش به حضور من بیا و داماد من باش، ثمره‌ات را به من عطا کن تا از آن بهره‌مند گردم، بگذار من عروس تو و تو داماد من باشی، برای تو مرکبی از سنگ لاجورد و طلا مهیا خواهم کرد، با چرخ‌هایی از طلا و دسته‌های برنزین، و دیوهای توانمند صاعقه به‌جای قاطران بارکش آن را خواهند کشید. وقتی به خانه ما وارد شوی، می‌بینی رایحهٔ برنج در آن پیچیده است، وقتی به خانه ما وارد شوی، آستانه و سریر آن به پاهایت بوسه خواهند زد، پادشاهان حکمرانان و شاهزادگان در برابرت تعظیم خواهند کرد... گیلگمش لب به سخن گشود و به ایشتار شکوهمند پاسخ داد: ... چنانچه با تو ازدواج کنم، به چه نکویی‌ای خواهیم رسید؟
تو!

تو جز آتشدانی که در سرما خاموش می‌شود، نیستی،
تو چون درب ناقصی می‌مانی که بوران و باد را مانع نیست،
تو کاخی هستی که درون آن شیرمردان شکست می‌خورند،
و فیلی هستی که کجاوه‌اش را ویران می‌سازد،
تو همچون قیری هستی که حامل خود را به آلودگی می‌کشاند و مَشکی هستی که حاملش را خیس می‌کند،

تو سنگ مرمری هستی که دیوارش فرو می‌ریزد،
تو چون سنگ یشمی هستی که دشمنش با روی کردن به آن، فریبش را می‌خورد،
تو کفشی هستی که پوشنده‌اش را می‌گزد،
بر عشق کدامیک از عاشقانت پایدار مانده‌ای؟

و از کدام‌یک از بندگان همیشه راضی بوده‌ای؟ ...
 ایشتر با شنیدن این سخنان بسیار عصبانی شد و به آسمان بالا رفت،
 ایشتر صعود کرد و به محضر پدرش انو و مادرش آنتوم رفت و گریه‌کنان گفت:
 ای پدرم، گیلگمش مرا تحقیر کرد و به من اهانت روا داشت،
 مرا ناسزا گفت و اعمال پلیدم را نکوهش کرد.
 انو زبان به سخن گشود و به ایشتر شکوهمند گفت:
 تو خود به او تعرض کردی و از این رو گیلگمش به تو اهانت کرد،
 و بدی‌ها و اعمال آلوده‌ات را بازشمرد.
 ایشتر زبان به سخن گشود و به (انو) گفت: ای پدر، برای من گاوای آسمانی بیافرین تا
 گیلگمش را نابود کند،
 و اگر از آفریدن گاو آسمانی امتناع ورزی، درب عالم زیرین را در هم خواهیم شکست،
 و هر دو لنگه‌اش را باز خواهیم کرد و مردگان را اجازه می‌دهم تا برخیزند و زندگان را
 بخورند،
 و شمار مردگان بیش از زندگان شود،
 انو دهان گشود و به ایشتر شکوهمند پاسخ داد:
 اگر آنچه را خواهانی به انجام برسانم، هفت سال خشک‌سالی خواهد آمد که هیچ
 محصولی باقی نخواهد ماند.
 آیا تو به قدر کافی محصول برای مردم گرد آورده‌ای؟
 و آیا علوفه‌ای برای چهارپایان به انبار گذاشته‌ای؟
 ایشتر دهان گشود و پدرش انو را پاسخ داد: خرمن‌های غلات برای مردم و علوفه
 برای چهارپایان انبار کرده‌ام،
 و اگر هفت سال بی‌حاصل فرا آید، حیوانات و علوفه به‌قدر کافی برای مردم و حیوانات
 هست.»^۱

^۱. حماسه گیلگمش، طه باقر.

در قرآن نیز آمده است: ﴿وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (و آن [زن] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] بست و گفت: بیا که از آن توام! [یوسف] گفت: پناه بر خدا! او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند).^۱

﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يَغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ﴾ (گفت هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید [و ذخیره کنید]. بعد از آن، هفت سال سخت و دشوار می‌آید که آنچه را برای آن [سال‌ها] ذخیره کرده‌اید، مگر اندکی که نگهداری می‌کنید، می‌خورید. سپس سالی فرامی‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود؛ و در آن سال، مردم عصاره [میوه‌ها و دانه‌های روغنی را] می‌گیرند).^۲

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۲ دسامبر ۲۰۱۲:

^۱. یوسف، ۲۳.

^۲. یوسف، آیات ۴۷ تا ۴۹.

عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا،
وَخَسِرَتْ صَفْقَةً عِنْدَ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا
إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ
بِكِسْفَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ،
حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْهَا مِنْكَ،
مَصْنُوعِ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا،
وَمَرْفُوعِ الْهَمَّةِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

کور باد چشمی که تو را نبیند که تو بر آن مراقب هستی،
زیانبار باد داد و ستد بنده‌ای که از محبت خویش به او بهره‌ای نداده‌ای.
خدایا! مرا به رجوع به آثار فرمان دادی؛ پس در پوششی از انوار و هدایتی
بصیرت‌جو به‌سوی خود بازگردان، تا پس از دیدن آثار به‌سویت بازگردم، همچنان که
از راه آنها به بارگاہت بار یافتم، به‌طوری که درونم را از نگاه به آنها نگاهدارم و همتم
از اتکا به آنها خالی باشد، که به راستی تو بر هر چیز توانایی.

*** **

توقفگاه هشتم: کسانی هستند که در سفر جاودانگی سقوط می‌کنند یا می‌لغزند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه هشتم: کسانی هستند که در سفر جاودانگی سقوط می‌کنند یا می‌لغزند
توضیح دادم که سفر گیلگمش از جاودانگی روحانی و زندگی جاودان اخروی سخن
می‌گوید، نه جاودانگی جسم که فانی است و حتی بی‌خردان نیز به فانی‌بودن آن واقف
هستند، چه برسد به گیلگمش که در حماسه، حکیم و دانا به حقایق امور توصیف شده
است.

از آنجا که منظور از جاودانگی و مرگ در داستان، جاودانگی و مرگ روح است، مرگ
انکیدو نیز بر همین منوال است. انکیدو نتوانست سفر جاودانگی‌اش را بدون اینکه سقوط

کند یا لغزشی یابد یا مرتکب محرمات شود و وصیت‌های گیلگمش به خودش را زیر پا بگذارد به پایان برساند. نتیجه این شد که او به تاریکی‌های جهان زیرین سقوط کرد و گیلگمش کوشید وی را از این تاریکی‌های جهان زیرین و بازایستادن پس از لغزیدن، نجاتش دهد:

«انکیدو به جهان زیرین سقوط کرد،
چراکه به سخنان سرورش گوش فرا نداد،
و جامه پاکیزه‌ای به تن کرد،
صاحبان قدرت چونان دشمنان بر او هجوم بردند،
و او به تنش روغن تازه جام مالید،
بر اثر بویش گرد وی جمع شدند،
عصا را چون تیری به جهان زیرین پرتاب کرد،
و کسانی که تیر به آن‌ها اصابت نمود، از هر سو احاطه‌اش نمودند،
عصا را به دست گرفت،
اشباح مردگان پیرامونش به جنب‌وجوش افتادند،
و نعلین به پا کرد،
و صدایی در جهان زیرین به پا نمود،
و همسری را که دوست می‌داشت بوسید،
و همسری را که ناپسند می‌داشت سیلی بنواخت،
و فرزندی را که دوست می‌داشت بوسید،
و فرزندی را که ناپسند می‌داشت سیلی بنواخت،
صیحه‌ای از عالم زیرین، با نیرو او را گرفت،
.....
.....
او در آوردگاه به جایگاه مردانگی سقوط نکرد،

عالم زیرین بود که او را با قدرت گرفت.»^۱

«مرگ انکیدو و دفن شدن او به احتمال قوی ریشه بابلی دارد نه سومری. از آنچه در شعری با عنوان "گیلگمش، انکیدو و جهان زیرین" آمده، چنین برمی آید که مرگ انکیدو عادی نبوده است؛ بلکه وی از طرف "گور" شیطان جهان زیرین (که به شکل اژدهاست) به خاطر سرپیچی از آیین‌های آن جهان (که او نسبت به آن‌ها آگاهی داشت) دستگیر شد. مؤلفان بابلی "حماسه گیلگمش"، داستان مرگ "انکیدو" را ساخته‌اند تا بتوانند شوق و حرارت گیلگمش را در جست‌وجوی زندگی جاودانی که اوج منظومه است به نحو مؤثرتری توصیف کنند... به هر حال، ادیبان بابلی صرفاً کپی‌برداران و تقلیدکنندگان کور ماده اولیه سومری نبوده‌اند. شعرای بابلی آن‌چنان مضمون و شیوه داستان سومری را بر حسب مقتضیات محیطی خود دگرگون کرده‌اند که جز هسته سومری حکایت چیزی باقی نمانده است.»^۲

*** ** *

توقفگاه نهم: سفر گیلگمش به سمت جدش نوح (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه نهم: سفر گیلگمش به سمت جدش نوح (علیه السلام)

سفر گیلگمش به سوی جدش نوح (علیه السلام) (اوتنایشتیم) آغاز می‌شود و او در این سفر در جست‌وجوی جاودانگی است؛ جاودانگی روح، نه جاودانگی جسم. گیلگمش از همان ابتدا می‌دانست که هیچ جاودانگی برای جسم نیست و به این سخن او اشاره شد که:

«و تنها الهه‌ها (صالحان) کسانی هستند که با شاماش تا ابد زندگی می‌کنند؛ اما نسل بشر روزگارش شمرده شده است و هر آنچه انجام داده‌اند بر باد هواست.»

۱. سومریان، ساموئیل نوح کریمر، ص ۲۸۸.

۲. از الواح سومر، ساموئیل نوح کریمر، ص ۳۲۳ تا ۳۷۳.

و جدش نوح (علیه السلام) سالیان دراز است که مرده و او این مطلب را به خوبی می‌داند. بنابراین سفر مزبور، سفری به دنیایی دیگر است. و در این سفر گیلگمش بر نفس خویش پای می‌گذارد و آن جاودانگی‌ای که برای رسیدن به آن، سفرش را آغاز کرده بود، به دست می‌آورد. در همان سفر و حتی پیش از آنکه به جدش نوح (علیه السلام) (اوتناپیشتیم) برسد به خواسته‌اش می‌رسد:

«موهایم را رها می‌سازم و پوست شیر به تن می‌کنم و در صحراها سرگردان می‌شوم.»^۱
گیلگمش وارد عالم حقیقت می‌شود و در سفرش به سوی جدش اوتناپیشتیم (نوح (علیه السلام)) امور را همان گونه که هست مشاهده می‌کند:

«سرانجام به کوه "ماشو" رسید،
کوهی که هر روز طلوع و غروب خورشید را نگهبانی می‌کند،
همان که بلندایش به پهنه آسمان می‌رسد،
و در پایین، دامنه‌اش به جهان زیرین می‌رسد،
بر دروازه آن "مردان سخن‌چین" به نگهبانی ایستاده‌اند،
کسانی که ترس و وحشت ایجاد می‌کنند و نگاهشان مرگبار است،
بزرگی آن‌ها بر کوهستان سایه افکنده است،
آن‌ها که خورشید را در طلوع و غروبش نگهبانی می‌کنند،
وقتی گیلگمش آن‌ها را دید از ترس و وحشت، چهره‌اش به زردی گرایید،
سپس به خود شجاعت داد و نزدیک رفت.
"مرد سخن‌چین" همسرش را خطاب کرد و گفت:
آن که به سوی ما می‌آید جسمش از جنس خدایان است.
همسر "مرد سخن‌چین" به او پاسخ داد:
آری، دوسوم او از خدایان است و یک‌سومش از انسان.
سپس "مرد سخن‌چین" گیلگمش را خطاب کرد،

^۱ حماسه گیلگمش.

و به فرزند خدایان چنین گفت:

چه چیز تو را به این سفر دراز واداشت؟

چرا راه پیمودی و با گذر از دریاهاى صعب العبور به سوى من آمدی؟
قصد خود را از آمدنت، به من بازگوى.

گیلگمش پاسخ داد:

به قصد دیدار با پدرم (اوتناپیشتمیم-نوح) به اینجا سفر کرده‌ام،
همو که به جمع خدایان راه جسته است،

آمده‌ام تا از او معمای زندگی و مرگ را جويا شوم.

مرد سخن چنین زبان به سخن گشود و خطاب به گیلگمش گفت:

تاکنون هیچ کس نتوانسته چنین کند، ای گیلگمش،

هیچ بشری از مسیر کوه‌ها عبور نکرده است،

زیرا مسافتِ دوبرابر دوازده ساعت تاریکی بر آن سایه افکنده، طوری که نوری وجود

ندارد، ... بخشی از حماسه شکسته شده است، ...

گیلگمش پاسخ داد: قصد رفتن دارم حتی اگر بهره‌ام غم و درد باشد،

چه در سرما و چه در گرما و چه آه و زاری و نوحه،

حالا دروازهٔ کوهستان را برایم بگشای،

مرد سخن چنین دهان گشود و به گیلگمش پاسخ داد:

گیلگمش، عبور کن و نترس،

به تو اجازه می‌دهم از کوهستان "ماشو" عبور کنی،

باشد که کوه‌ها و رشته‌کوه‌ها را بیمایی،

باشد که پاهایت تو را سالم بازگرداند،

این هم دروازهٔ کوهستان! پیش رویت باز است.»^۱

سفر گیلگمش ادامه می‌یابد تا به بانوی مهماندار می‌رسد که گویی نمادی برای مستی

۱. حماسهٔ گیلگمش، طه باقر، ص ۷۵ و ۷۶.

مردم از دل‌باختگی به دنیا و منیت است. بانوی مهماندار او را به دنیا، توجه به خود و رهاکردن این سفر ملالت‌آور در طلب جاودانگی دعوت می‌کند:

«بانوی مهماندار به گیلگمش پاسخ داد و گفت:

تو هیچ‌گاه آن زندگی‌ای را که در پی‌اش هستی نخواهی یافت،

چراکه وقتی خدایان انسان را آفریدند، مرگ را قسمتش قرار دادند،

اما زندگی را برای خود نگاه داشتند،

اما تو ای گیلگمش، اندرون خود را از طعام آکنده ساز،

شب و روز، در جشن و طرب باش،

هر روزت را پایکوبی کن،

شب و روز به رقص و سرگرمی پرداز،

جامه‌های پاکیزه و درخشانده به تن کن،

سرت را بشوی و در آب استحمام کن،

به کودک خردسالی که دست‌هایت را گرفته است مهر بورز،

و همسری را که در آغوش داری، شادمان ساز،

این همان نصیب انسان است.

اما گیلگمش این‌گونه ادامه داد و بانوی مهماندار را مخاطب قرار داده، گفت:

ای بانوی مهماندار، راه اوتنایشستم کدام است؟

راهنمایی‌ام کن، چگونه به او برسم؟

اگر راهی باشد که به او برسم، از دریاها نیز خواهم گذشت،

اگر رسیدن به او ناممکن باشد همچنان در بیابان‌ها سرگردان خواهم رفت.»^۱

با توجه به این عبارتهای آخر، گویی موسی علیه السلام در قرآن، منظورش را از گیلگمش

اقتباس کرده است آنجا که می‌گوید: ﴿لَا أُبْرِحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾

(من همچنان خواهم رفت تا به آنجا که یا به محل تلاقی دو دریا برسم یا سالیان طولانی

^۱ حماسه گیلگمش، طه باقر، ص ۷۹ تا ۸۲.

بگذرد).^۱

و سفر گیلگمش ادامه پیدا می‌کند تا به جدش اوتنایشتیم (نوح علیہ السلام) می‌رسد و جدش قصه طوفان را برای او حکایت می‌کند. گیلگمش راز زندگی را از جدش فرامی‌گیرد:

«اوتنایشتیم به گیلگمش گفت:

مرگ سنگدل است و بی‌رحم،

کی خانه‌ای ساخته‌ایم که تا ابد بر جای ماند؟

کی عهده‌ی بسته‌ایم که تا ابد ادامه یابد؟

آیا برادران، میراثی را که تقسیم می‌کنند تا ابد خواهند داشت؟

آیا کینه تا ابد بر زمین باقی خواهد ماند؟

آیا رودخانه بالا می‌رود و طوفان تا ابد باقی می‌ماند؟

پروانه هنوز از پيله‌اش خارج نشده و چشم به چهره خورشید نگشوده، اجلش

فرامی‌رسد،

از روزگاران کهن تاکنون زندگی جاوید نبوده است،

و چقدر بین خفتگان و مردگان شباهت است!

آیا همچون مردگان نیستند؟!

هنگامی که اجل فرارسد، کیست که تواند سرور و بنده را از هم بازشناسد؟»^۲

حماسه‌ها، داستان‌ها و اشعار سومریان ثابت می‌کند که سومری‌ها، قبل از ظهور ادیان یهودی، مسیحی و اسلام، داستان دین الهی را با تمام جزئیات، شخصیت‌ها و نمادهای آن به‌طور کامل در اختیار داشته‌اند. در الواح گِلین سومریان، خداوندگار حقیقی یکتا بر همه چیز غالب است. آن‌ها دارای عقاید، ارزش‌های اخلاقی، آرمان‌های مقدس،

۱. کُهف، ۶۰.

۲. حماسه گیلگمش، طه باقر، ص ۸۷.

عبادت و شیوه‌های آن، روش‌های پیروزی بر شیطان و بر دنیا و بر منیت و حب ذات هستند.

بنابراین سومریان، تمام دین از الف تا یاء را در اختیار داشته‌اند.

این‌ها را از کجا آورده‌اند؟

این مجموعه پیچیده و کامل را که به‌طور ناگهانی در تاریخ سرزمین بین‌النهرین پدیدار شده است از کجا آورده‌اند؟

واقعیتی که برای افراد عاقل -همچون خورشید تابان- روشن و نمایان است این است که یک جهش فرهنگی و تمدنی، فرهنگ و تمدن سومریان را برای ما پدیدار ساخته است. هرکس می‌خواهد با وجود آنچه به آن‌ها اشاره شد منکر این مطلب شود، به خودش مربوط است و خودش می‌داند. همان طور که اشاره شد فرضیات و نظریه‌هایی برای تفسیر این جهش فرهنگی ارائه شده است؛ که اگر این طور نبود، کار به طرح نظریه آمدن موجوداتی از فضا نمی‌کشید!

شگفتا و حیرتا از کسانی که برای شرح این جهش فرهنگی به ورود موجودات فرازمینی با مرکب‌ها و قدرت‌های کیهانی‌شان استناد می‌کنند که البته هیچ اثری از آن‌ها بر زمین نمی‌بینیم؛ ولی نمی‌پذیرند که نفس آدم در بدنش دمیده، یا به آن متصل شد، سپس تکامل یافت و به سطحی بالاتر، در ایجاد و سازماندهی و توانایی اندیشیدن و ادراک ارتقا یافت.

*** **

توقفگاه دهم: سومریان و حاکمیت خدا

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲:

توقفگاه دهم: سومریان و حاکمیت خدا

دکتر کریم در خصوص حکومت می‌گوید:

«حکومت به‌صورت نخستین پارلمان دارای دو مجلس: پیشرفت اجتماعی و روحی

انسان معمولاً کند و پیچ در پیچ است و دنبال کردن آن بسیار دشوار. درخت بارور تمدن با بذری اصلی خود هزاران مایل و سال فاصله دارد. به عنوان مثال شیوه زندگی معروف به دموکراسی و نهادهای آن یا اساسنامه آن که همان مجلس سیاسی است را در نظر مجسم کنید. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که این‌گونه حکومت عملاً در انحصار تمدن‌های غرب و محصول قرون اخیر است؛ اما کسی تصور آن را هم نمی‌کند که هزاران سال پیش پارلمان‌های سیاسی وجود داشته باشد؛ آن هم در گوشه‌ای از جهان که رابطه‌اش با نهادهای دموکراتیک ناچیز است. یک باستان‌شناس شکیبایی‌خبر از آنچه در دل خاک خواهد یافت، همواره عمق و پهنای زمین را می‌کاود. بر اثر این‌گونه کاوش‌ها با بیل و کلنگ بود که ما توانستیم از تشکیل یک مجلس سیاسی در حدود پنج هزار سال پیش پرده برداریم. چنین مجمعی نخستین بار در خاور نزدیک منعقد شده است.

آری، حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، اولین پارلمان سیاسی تاریخ مدون نسل بشر، به شکل پرابهت و پرشوری بر پا شد. این مجمع مانند پارلمان‌های امروزی از دو مجلس تشکیل می‌شد؛ یکی مجلس سنا یا مجلس شیوخ و دیگری مجلس عوام (نمایندگان) که جوانان قادر به حمل سلاح به عضویت آن درمی‌آمدند. اعضای دو مجلس در یک جلسه مشترک برای اخذ تصمیم درباره مسئله مهمی که سرنوشت صلح و جنگ به آن بستگی داشت، شرکت می‌جستند. مجلس در وضعی قرار گرفته بود که ناچار باید یکی از دو راه را انتخاب می‌کرد: صلح به هر قیمت، یا استقلال به قیمت جنگ. نمایندگان محافظه‌کار و سال‌خورده مجلس سنا به نفع صلح به هر قیمت رأی دادند؛ اما پادشاه تصمیم آنان را نقض کرد و موضوع را در مجلس عوام مطرح ساخت. این مجلس به نفع جنگ و آزادی رأی داد و پادشاه تصمیم آن‌ها را تصویب نمود.

در کجای جهان، نخستین مجمع سیاسی که انسان شناخته، تشکیل جلسه داده است؟

برخلاف تصور و استنباطی که امروزه رواج دارد، این مجلس در مغرب‌زمین و در قاره اروپا نبود؛ مجالس سیاسی یونان و جمهوری روم مدت‌ها بعد به وجود آمد. شگفتا که چنین مجلس کهنی در سرزمین جباران و خودکامگان سرکش منعقد شد؛ جایی که گمان نمی‌رفت با مجامع سیاسی آشنایی و پیوندی داشته باشند، یعنی خاور نزدیک.

آری، نخستین مجلس سیاسی شناخته‌شده در سرزمینی تشکیل شد که در شمال خلیج فارس میان دو رود دجله و فرات قرار دارد و پیشینیان آن را سومر می‌نامیدند. بی‌مناسبت نیست بدانیم اعتقاد آن، چه زمانی بوده است. در هزاره سوم پیش از میلاد. در آن روزها در سرزمین سومر منطقه جنوبی عراق امروز- مردمی سکونت داشتند که بی‌گمان از درخشان‌ترین تمدن شناخته‌شده آن دوره در کشور خود برخوردار بودند.^۱

رابطه سومریان و حاکمیت خدا موضوعی است که کریمر و بسیاری از باستان‌شناسان از درک آن عاجزند؛ زیرا آن‌ها یا به حاکمیت خدا اعتقاد ندارد یا خدانا باورند و دین را از اختراعات سومریان به شمار می‌آورند و تورات و قرآن را صرفاً کپی‌برداری‌هایی از داستان‌های تخیلی سومریان مانند قصه طوفان- در نظر می‌گیرند. به همین دلیل هنگامی که این افراد دریافتند پادشاه سومری موضوع جنگ را در دو مجلس به شور گذاشت، این‌گونه حکم قطعی صادر کردند که عملکرد سومری‌ها دموکراسی و مشابه دموکراسی امروز غرب بوده است. این در حالی است که عملکرد سومری‌ها به هیچ‌وجه دموکراسی غربی نبود و ارتباطی هم با آن نداشت؛ چراکه متون سومری بسیاری وجود دارد که در آن‌ها تأکید شده است حاکم، مشروعیت خود را از تنصیب الهی به دست می‌آورد.

بنابراین نظام حکمرانی سومریان، نظامی است که از نوح (علیه السلام) و پیامبران به ارث برده‌اند؛ همان‌طور که دین الهی را از آنان به ارث برده‌اند. سومریان از یک سیستم حکمرانی الهی تحریف‌شده برخوردار بودند؛ همان‌طور که دین الهی تحریف‌شده داشتند؛ بنابراین سیستم حکومتی سومریان نه دیکتاتوری بود و نه دموکراسی به معنای دموکراسی شناخته‌شده غرب امروز.

نظام حکومتی سومریان به این صورت بود که پادشاه را الهه‌ها (خدایان) تعیین

^۱. از الواح سومر، ساموئیل کریمر، ص ۸۲.

می‌کردند؛ همان طور که در سیستم حکومت الهی نیز پادشاه یا حکم‌فرما از سوی خداوند تعیین می‌شود. وظیفه این حاکم، تحقق بخشیدن به خواست و اراده الهی، اجرای قانون خدا و برخورد عادلانه با ستمدیدگان است؛ بنابراین هدف از تعیین حکم‌فرمای الهی، خود حکمرانی نیست و این نظام حکمرانی الهی می‌تواند حتی با اشراف حاکمی معین شده از سوی خدا، بر اجرای قوانین و نظارت بر اجرای قوانین عملی شود و در هنگام به‌خطرافتن این فرایند، به‌گونه‌ای صحیح مداخله نماید و ضرورتی ندارد که حاکم معین شده از سوی خداوند به حکمرانی مبادرت ورزد تا هدف از تنصیب و تعیینش عملی شود.

ما این مطلب یا قریب به آن را در نمونه سومری که دکتر ساموئیل کریمر آورده است می‌بینیم. جایی که بین کیش و اوروک بر سر حکمرانی و ادعای تنصیب الهی نزاع بود و حاکم اوروک برای انتخاب جنگ یا صلح به آرای ملت مراجعه کرد، ولی او خود را به گردن‌نهادن به آن رأی ملزم نمی‌دیده است؛ همان طور که در مطلب پیشین این موضوع به‌وضوح مشاهده می‌شود:

«اوضاع و احوال سیاسی که موجب انعقاد نخستین مجلس سنا در تاریخ شد، اخبارش مدون شده و می‌تواند از این قرار باشد: سرزمین سومر در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مانند یونان چندین قرن بعد از چند دولت‌شهر تشکیل می‌شد که برای احراز برتری بر سراسر سومر با یکدیگر همواره رقابت و کشمکش داشتند. یکی از این شهرهای مهم در آن زمان کیش بود که طبق اساطیر سومری- سلطنت را بلافاصله پس از طوفان، از آسمان دریافت کرده بود؛ ولی در همان زمان دولت‌شهر دیگری به نام ارک (اوروک) در دوردست‌های جنوب کیش وجود داشت. ارک روزبه‌روز بر نفوذ و اعتبار خود می‌افزود و برتری کیش در سومر را به مخاطره می‌انداخت. پادشاه کیش متوجه خطر شد؛ بنابراین از کشور ارک خواست که حاکمیت او را بپذیرد؛ در غیر این صورت، آماده جنگ باشد. در چنین شرایط بحرانی‌ای بود که مجلس شیوخ و مجلس مردان قادر به حمل سلاح (جنگجویان) تشکیل جلسه دادند. دو مجلس می‌بایست یکی از دو راه را برمی‌گزیدند: به زیر بوغ پادشاه کیش

رفتن و بهره‌مندی از صلح و آرامش، یا به‌دست‌گرفتن سلاح و نبرد در راه حفظ استقلال.^۱ این درست است که برخی از پادشاهان سومری فقط ادعای تعیین شدن از سوی خداوند را داشتند، ولی آنچه برای ما اهمیت دارد این است که عموم سومریان به تنصیب الهی معتقد بوده‌اند. آنچه از الواح گِلین به دفعات به دست ما رسیده، مبنی بر اینکه پادشاهان، نوادگان خدایان هستند و از سوی خدایان تعیین می‌شوند، مؤید این مدعاست. قرآن داستانی نقل کرده که نشان‌دهندهٔ منازعه‌ای است که در سومر یا سرزمین بین‌النهرین بین یکی از پادشاهان مدعی حکمرانی، با ابراهیم خلیل (علیه السلام) - که حاکمی منصوب از طرف خدا بود- روی داده است:

﴿الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (آیا ندیدی آن کسی را که با ابراهیم - که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود- دربارهٔ پروردگارش مجاجه کرد؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق برمی‌آورد، تو آن را از مغرب برآور. در این زمان آن کافر حیران شد؛ و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند).^۲

می‌توانیم با مراجعه به متون سومریان، اکدیان و بابلیان این موضوع را به‌وضوح در بسیاری از متون آن‌ها مشاهده کنیم که آن‌ها معتقد بودند حکومت و پادشاهی باید با تنصیب الهی صورت گیرد؛ همان‌طور که در باور دین الهی صحیح در تورات، انجیل و قرآن نیز همین‌گونه است. این مطلب آشکارا حکایت از آن دارد که سومریان دین الهی کهن را به ارث برده‌اند و به تعالیم آن نیز - که مهم‌ترین قسمتش قوانین شرعی مقدس و

^۱ از الواح سومر، ساموئیل کریمر، ص ۸۳ و ۸۴.

^۲ بقره، آیه ۲۵۸.

تعیین مجری آن بود. پایبند بوده‌اند؛ ولی با گذشت زمان، همان چیزی اتفاق افتاد که همیشه رخ می‌دهد و آن تحریف دین الهی، غصب حکمرانی الهی و مقهور ساختن حاکم تعیین شده از سوی خداوند است؛ همان طور که در ماجرای حضرت ابراهیم (علیه السلام) شاهدیم که وی در نهایت مجبور شد سرزمین پدرانش را ترک گوید تا در زمانی که خدا اراده فرموده بود، فرزندانش بازگردند؛ یعنی بازگشت پسرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) به سرزمین سومر و اکد یا شومر یا شنعار یا سرزمین بین‌النهرین یا عراق فعلی.

این یکی از متونی است که دکتر کریم‌زاده از کتیبه‌های سومریان نقل کرده و در آن اعتقاد آن‌ها به دین الهی و تعیین پادشاه یا حاکم از سوی خدا را بیان می‌دارد:

«ای سومر، ای سرزمین عظیم، در بین تمام سرزمین‌های جهان،

تو در نور ثابت و راسخ غوطه‌ور هستی،

که از محل طلوع آفتاب تا محل غروب آن قوانین الهی را بین همه مردم منتشر

می‌سازد،

به راستی قوانین الهی مقدس تو، قوانینی برجسته و والاست و درک آن دست‌نیافتنی.

قلبت چنان ژرف است که درک عمق آن ممکن نیست،

معرفت درست از آن سرچشمه می‌گیرد، ... چونان آسمان است که نمی‌توان لمسش

کرد،

و پادشاه تاجدار که با تاج ابدی به دنیا می‌آید،

و آقایی که هنگام به دنیا آمدن، تاج را برای ابد بر سر خود می‌گذارد،

آقایی بس ارجمند است و پادشاهی‌ات با خدایگان بر تخت آسمانی جلوس

می‌کند.

به راستی پادشاهی‌ات مانند کوه عظیم است...»^۱

*** ** *

^۱ از الواح سومر، ساموئیل کریم‌زاده.

مراجع با بازداشت سید حمای می خواهند مناظره کنند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ دسامبر ۲۰۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خداوند می خواهم همهٔ بازدیدکنندگان این صفحه، در خیر و عافیت باشند و خطاکارانِ آن‌ها را بیامرزد و عقل کسانی را که به شکلی ناشایست رفتار می کنند اصلاح فرماید.

مدتی پیش نامه‌ای از طرف یکی از مراجع به ما رسید که به‌طور کلی نزد شیعیان و به‌طور خاص در حوزه‌های نجف و قم مشهور است. او -که خداوند پاداش خیر عطایش فرماید- گفت که در حال حاضر به شکلی دقیق و مفصل در حال مطالعهٔ دعوت است و امید دارد که به حقیقت برسد. از خداوند می خواهم او را توفیق عطا فرماید و گام‌هایش را استوار بدارد؛ چراکه گام‌هایی به سوی خدا برداشته و با «من / انا»، دنیا و شیطان به مبارزه برخاسته است و خداوند چنین شخصی را هرگز رها نمی کند، ان شاء الله. از خدا می خواهیم او را ختم به خیر فرماید و توان و استواری عطایش فرماید تا اگر خداوند به او توفیق داد و ایمان آورد، ایمانش را علنی سازد. از خداوند مسئلت داریم که به او برکت عنایت کند و با رحمت خود بر او رحم آورد؛ که او مهربان‌ترین مهربانان است. او سرپرست من است و نیکوکاران را سرپرستی می کند.

این مطالب را می گویم تا همگان بدانند؛ سخن پیشین و آتی بنده متوجه مثل چنین مرجعی -خداوند توفیقش دهد- یا کسانی که با دعوت حق به ستیز بر نمی خیزند نیست. روی سخن ما فقط متوجه مراجع و علمای بی عملی است که با حق ستیز می کنند؛ در حالی که بر باطلی که در آن به سر می برند اصرار می ورزند؛ حتی پس از آنکه باطل بودنش را با رديه‌ای تام و تمام که توان پاسخ دادن به آن را ندارند بیان نمودیم.

چند روز پیش درخواستی برای مناظره با مراجع ارائه کردم و از آن‌ها خواستم تا عقیده

واجب بودن تقلید از غیر معصوم را که به آن اعتقاد دارند پس از آنکه این عقیده را به طور کامل نقض نمودم. اثبات کنند و از آن‌ها درخواست کردم دلیل دعوت مهدوی ما را - که در کتاب «وصیت مقدس» منتشر شده است - پاسخ گویند.

سپس ادامه دادم و برخی از پرسش‌های علمی مرتبط با اثبات وجود خدا را برای آن‌ها طرح کردم و منتظر پاسخشان ماندم تا مناظره علمی میان من و آن‌ها آغاز شود و ما و مردم ببینیم که آن‌ها چه خواهند کرد.

متأسفانه دیروز پاسخ مراجع را دریافت کردم؛ یعنی بازداشت سید پاک - حسن حمامی - فرزند مرجع فقید محمد علی حمامی (علیه السلام). آن‌ها همچنین شیخ بزرگوار کاظم ناصری را در نجف اشرف دستگیر کردند. و اینکه پدر سید حسن حمامی یکی از مشهورترین مراجع شیعه و جدش نیز یکی از فقهای مشهور شیعه بوده است؛ از نظر آن‌ها شفاعتی برای سید حسن حمامی محسوب نشد. و اینکه حسن حمامی امام نماز جماعتی است که در حرم امام علی (علیه السلام) برپا می‌شود نیز برای او فایده نداشت؛ و اینکه خود او یکی از فقهای شیعه است و روبه‌روی حرم امام علی (علیه السلام) «محلّی آزاد» برای تدریس علوم حوزه و تأمین معیشت فقرا و طلاب حوزه دارد نیز به حالش سودی نبخشید. همچنین کهن‌سالی و بیماری‌اش نیز شفیعی‌اش نشد. این چنین این سید بزرگوار پاک مرتب بازداشت می‌شود تنها به این دلیل که ایمان دارد احمدالحسن حق است؛ وگرنه سید حسن حمامی - که فقرا را دستگیری می‌کند و به کسی تعدی نمی‌کند - چه جرمی دارد؟ آیا به خاطر گناهی او را دستگیر می‌کنید تا هرچند وقت یک‌بار به زندان انداخته شود؟! به خدا سوگند این کاری که با این سید پاک - حسن حمامی - می‌کنید، به‌زودی ننگ بزرگی خواهد شد که بر شما سایه خواهد افکند.

ای مردم! ای کسانی که انصاف دارید! دقت کنید من چه پیشنهاد می‌دهم و اینانی که خود را مراجع می‌نامند چگونه پاسخ می‌دهند! من دانش و معرفتی را که امامان و پدران بزرگوارم (علیهم‌السلام) ارائه کرده‌اند تقدیم می‌کنم؛ ولی این کسانی که خود را «مراجع» می‌نامند جهل و نادانی را تقدیم می‌کنند و بر نادان نگه‌داشتن مردم اصرار می‌ورزند. پاسخ

آن‌ها به من همانند پاسخ طاغوت‌ها به انبیا و فرستادگان و به پدرانم -ائمہ علیہ السلام- است: زندان و قتل:

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يُدْرِكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ * قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و او، تو و خدایانت را ترک گوید؟ گفت: پسرانشان را خواهیم کشت و زنانشان را زنده نگاه می‌داریم، و ما بر آنان مسلطیم * موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بجوید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست و آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد به میراث می‌دهد؛ و فرجام [بیک] از آن پرهیزگاران است).^۱

موسی بن جعفر علیہ السلام در زندان درگذشت؛ چون عمامه‌داران بنی‌عباس از رد کردن دلیل و علمش ناتوان بودند و چاره‌ای جز به زندان انداختن و به قتل رساندنش نیافتند؛ تا به این ترتیب از گرفتاری و تنگنایی که در آن گرفتار بودند رها شوند. آیا در شباهت امر من به پدرانم -ائمہ- برای کسی که طالب حقیقت باشد ابهام و پوشیدگی باقی مانده است؟ متأسفانه جهل مردم، علی علیہ السلام را بیست و پنج سال خانه‌نشین کرد و سهم او چنین شد: پنج سال تلخ که همه شیاطین انس و جن برای کشتنش به تکاپو افتادند و هشت سال ناسزا و دشنام بر بالای منبرهایی که معادل شبکه‌های دینی ماهواره‌ای امروز است. ولی -در نهایت- نسلی پدید آمدند، سخنان علی علیہ السلام را خواندند، حقیقت را فهمیدند و بر قبر معاویه آب دهان انداختند.

اینان امروز بر سر اینکه سهم احمدالحسن همچون سهم علی علیہ السلام باشد، شرط‌بندی می‌کنند؛ ولی آیا ایمن خواهند بود از اینکه نسلی بیاید و آنچه را که احمدالحسن نوشته

^۱ اعراف، ۱۲۷ و ۱۲۸.

است بخوانند، حقیقت را درک کنند و بر قبرهایشان آب دهان بیندازند؟ البته این در صورتی است که قبری برایشان باقی مانده باشد!

*** **

تسلیمت به مناسبت یادبود شهادت رسول خدا ﷺ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

سلام بر تو ای رسول خدا.

از خدایی که تو را برگزید، انتخابت کرد، تو را هدایت کرد و ما را با تو هدایت فرمود
مسئلت دارم که بر تو صلوات بفرستد.

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد در روز آنگاه که روز آشکار می شود،

و درود فرست بر محمد و آل محمد در شب هنگامی که می پوشاند،

و درود فرست بر محمد و آل محمد در عالم آخرت و عالم اولی،

و درود فرست بر محمد و آل محمد آنگاه که شب و روز نمایان می شوند،^۱

و درود فرست بر محمد و آل محمد آنگاه که مشرق و مغرب در پی هم می آیند،^۲

و درود فرست بر محمد و آل محمد آنگاه که دو ستاره مشخص طلوع می کنند،^۳

و صلوات فرست بر محمد و آل محمد آنگاه که شب روی می آورد و می رود، و به شدت

۱ - اصل عبارت عربی: و صل علی محمد و آل محمد ما لاح الجدیدان.

۲ - اصل عبارت عربی: و صل علی محمد و آل محمد ما اطرد الخافقان.

۳ - اصل عبارت عربی: و صل علی محمد و آل محمد ما حدا الحادیان.

تاریک می‌گردد، و صبح آشکار گشته و سپیده‌دم روشن می‌شود.^۱
 بارخدا یا! محمد (ص) را سخنور مؤمنانی که بر تو وارد می‌شوند قرار داده و هنگامی
 که در پیشگاهت می‌ایستند، جامه‌های نور را بر تنش بیوشان، و هنگامی که زبانها لال
 می‌شوند زبان او را به مدح و ثنای خویش بگشای.

خداوند! مقام و منزلت او را بالا ببر، درجه‌اش را رفیع گردان، حجت او را آشکار نما،
 شفاعتش را پذیرا باش، او را به آن مقام ستایش‌شده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما
 و آنچه را که بدعت‌گزاران امتش پس از او به انجام رساندند، بر وی ببخشای [و محو
 کن].

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
 وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (و محمد جز
 فرستاده‌ای از سوی خدا که پیش از او هم فرستادگانی [آمده و] گذشته‌اند، نیست. پس آیا
 اگر او بمیرد یا کشته شود، به روش گذشتگان و نیاکان خود بازمی‌گردید؟! و هرکس به
 روش گذشتگان خود بازگردد، هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند؛ و یقیناً خدا سپاسگزاران را
 پاداش می‌دهد).^۲

خداوند پاداش شما را در یادبود شهادت رسول خدا محمد ﷺ بزرگ بدارد.
 در مثل چنین شبی، رسول خدا ﷺ وصیت مقدس بازدارنده از گمراهی خود را نوشت. با
 وجود دردی که داشت این وصیت را در شب وفاتش نوشت و آن را به «بازدارنده بودن امت
 از گمراهی تا روز قیامت» توصیف فرمود؛ حتی در برابر آن‌هایی که در «مصیبت روز
 پنجشنبه» این وصیت را نپذیرفتند و مانع از نوشتن آن در برابر عموم شدند.

۱ - اصل عبارت عربی: و صل علی محمد و آل محمد ما عسعس الیل و ما ادلهم ظلام و ما تنفس صبح و ما
 اضاء فجر.

۲. آل عمران، ۱۴۴.

پس خوشا به حال کسانی که وصیت رسول خدا را نقل کردند و خوشا به حال آنانی که به آن چنگ زدند و چنگ می‌زنند.

*** **

روشنگری از اخلاص داوود (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۶ ژانویه ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

روشنگری از اخلاص داوود:

﴿فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ أَنَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾
(پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داوود، جالوت را کُشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می‌خواست به او آموخت؛ و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرامی‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است).^۱

داوود کوچک‌ترین فرزند پدرش بود و پدرش او را بر گوسفندان گمارده بود تا آن‌ها را بچراند. او حتی در شمار سپاهیان نیز نبود. او با فلاخن (قالب‌سنگ) سنگ پرتاب می‌کرد. طبق حساب و کتاب هیچ کسی، ممکن نبود پایان کارزار، با او و فلاخنش باشد!

تعدادی که به حساب نمی‌آمد «یعنی داوود»

و ابزاری که در حساب مردم جایگاهی نداشت «یعنی سنگ‌ها»

در نظر خدا تمامی «عِدّه و عُدّه» (تعداد نفرات و ابزار و وسایل) بود.

سنگی که بناها دور انداختند تبدیل به سنگ زاویه شد.

آن محاسبات مردم بود

و این حساب خداوند سبحان و متعال است.

مردم، ماده و اجسام را می بینند، ولی خدا به ارواح و اخلاص می نگرد.

خدای سبحان به اخلاص این جوانمرد بزرگوار - داوود علیه السلام نگریست و پیروزی را به

دست او رقم زد.

این چه درس بزرگ و رسایی است برای کسانی که همراه طالوت علیه السلام بودند؛

همان‌هایی که برای اسباب و علل مادی جایگاه بزرگی متصور بودند؛ پس هنگامی که:

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ

أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي

الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (و پیامبرشان به آنان گفت:

به راستی که خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است. گفتند: چگونه او را بر ما

پادشاهی باشد حال آنکه ما برای پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از مال، چندان داده

نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و نیروی

جسمانی بر شما برتری بخشیده است، و خدا پادشاهی خود را به هر که بخواهد می دهد، و

خدا گشایشگر داناست).^۱

و زمانی که تعداد و تجهیزات سپاه جالوت را دیدند: ﴿قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ

جُنُودِهِ﴾ (گفتند امروز ما را یارای مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست).^۲

در این درس رسا، خداوند سبحان و متعال بیان می فرماید که در عمل و در آوردگاه

رویارویی، اسباب مادی در برابر اخلاص برای او ارزشی ندارد. در حقیقت خداوند

۱. بقره، ۲۴۷.

۲. بقره، ۲۴۹.

سبحان و متعال در برابر سپاه انبوه و پرتعداد جالوت که مجهز به جدیدترین و کشنده‌ترین سلاح‌های آن زمان بود، با اخلاص داوود (علیه السلام) مقابله کرد. امروز ما چه بسیار به این درس رسا نیازمندیم تا معنای اخلاص و توکل به خداوند سبحان را بی‌آنکه معادلات زمینی ما را از رویارویی با شیطان و سپاهش رویگردان کند- بیاموزیم.

*** **

تبریک به مناسبت ولادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خداوند می‌خواهم در یادبود ولادت رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و فرزندش امام جعفر بن محمد (سلام و صلوات خدا بر او) به شما برکت عنایت فرماید و با رحمت فراگیر خود بر شما رحم آورد؛ که او مهربان‌ترین مهربانان است. او سرپرست من است و نیکوکاران را سرپرستی می‌کند...

*** **

وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

در وصیت رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به علی (صلوات خدا بر او):

«از محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از علی بن نعمان از معاویه بن عمار

نقل شده است: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: در وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) آمده است: «ای علی! تو را درباره خودت به خصلت‌هایی سفارش می‌کنم؛ آن‌ها را از من [بگیر و] حفظ کن. سپس فرمود: خداوندا، او را یاری فرما! اما اولین خصلت، راست‌گویی است و مبادا از دهانت دروغی برآید. دوم، پاک‌دامنی در پیش‌گیر و هرگز جسارت خیانت میاب. سوم، ترس از خداوند عزیزالذکر آن‌چنان که گویی او را می‌بینی. چهارم، بسیار گریستن از خوف خداوند، که در برابر هر قطره از آن، برایت هزار خانه در بهشت ساخته می‌شود. پنجم، بخشش مال و جانت در راه دینت. ششم، پیروی از سنت و روش من در نماز و روزه و صدقه؛ اما نماز پنجاه رکعت است؛ و اما روزه، سه روز در هر ماه است: پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه؛ اما صدقه؛ بسیار کوشش کن؛ تا جایی که بگویند زیاده‌روی کردی، در حالی که زیاده‌روی نکرده‌ای. بر تو باد به نماز شب. بر تو باد به نماز ظهر، بر تو باد به نماز ظهر، و بر تو باد به نماز ظهر؛ و بر تو باد به تلاوت قرآن در همه حال. بر تو باد به بلندکردن دست‌ها هنگام نماز و برگرداندن آن‌ها. بر تو باد مسواک‌زدن هنگام هر وضو، و بر تو باد رعایت اخلاق نیک و دوری از اخلاق زشت؛ پس اگر چنین نکردی کسی غیر از خودت را ملامت و سرزنش نکن.»^۱

*** **

گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ابوذر غفاری

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۹ دسامبر ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به ابوذر غفاری (رضی الله عنه) فرمود:

^۱ کافی، ج ۸، ص ۷۹.

«در دنیا چنان باش که گویا غریب هستی،
و خودت را از مردگان بشمار،
در وقت صبح با خودت دربارهٔ شب سخن مگو،
و شب هنگام با خودت از صبح سخن مگو،
و از تندرستی‌ات برای بیماری‌ات [توشه] بگیر،
و از جوانی‌ات برای کهن‌سالی‌ات،
و از زندگانی‌ات برای مُردنت.»^۱

*** **

پشتیبانی حکومت آمریکا از وهابیت در سوریه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ فوریه ۲۰۱۳:

حکومت آمریکا، وهابی‌های قصاب را در سوریه پشتیبانی می‌کند و همان اشتباه گذشتهٔ خود در افغانستان در دوران اشغال شوری را - که منجر به تأسیس القاعده و بن‌لادن شد - تکرار می‌کند.

*** **

ابراز انزجار از تصویب قانون ازدواج هم‌جنس‌گرایان در فرانسه و انگلستان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ فوریه ۲۰۱۳:

ما به شدت از تصویب قانون ازدواج هم‌جنس‌گرایان در کشورهای فرانسه و بریتانیا، توسط مجلس ملی فرانسه و مجلس عوام بریتانیا ابراز انزجار می‌کنیم.^۲

۱ - ارشادالقلوب، دیلمی، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸.

۲ - مجلس ملی فرانسه در تاریخ ۲۰۱۳/۲/۳ به‌طور رسمی، قانونی را تصویب کرد که ازدواج هم‌جنس‌گرایان را مجاز می‌شمارد. این خبر در آدرس زیر در دسترس است:

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ فوریه ۲۰۱۳:

تصویب قوانین ازدواج هم‌جنس‌ها لکه ننگ و رسوایی در تاریخ انسانیت است.

** ** *

حوزه علمی مهدوی، بنیادی علمی و مبارک.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۳:

حوزه علمی مهدوی، بنیاد علمی مبارکی است که علمایی پرورش می‌دهد که از دین خدا دفاع خواهند نمود.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۳:

برادران و خواهران مؤمن! علما و طلاب حوزه مبارک مهدوی، نمایندگان و فرستادگان شما به سوی خدا هستند؛ پس آن‌ها را گرمی بدارید.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۳:

متأسفانه در سال‌های اخیر کسانی هستند که با رفتارهایی ناشایست به عمامه اهانت می‌کنند؛ ولی این توجیهی برای بی‌احترامی به عمامه یا افراد معمم پاک نمی‌شود.

** ** *

http://www.bbc.com/arabic/worldnews/2013/02/130212_gay_marriage_law_france

مجلس عوام بریتانیا نیز در تاریخ ۲۰۱۳/۲/۵ اقدام مشابهی انجام داد که خبر آن در آدرس زیر در دسترس است:

http://www.bbc.com/arabic/worldnews/2013/02/130205_uk_same_sex_marriage

علما سزاوارترین مردم برای رهبری هستند؛ اگر اخلاص داشته باشند و زهد بورزند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۳:

علما، سزاوارترین مردم برای رهبری هستند؛ اگر اخلاص داشته باشند و از دنیا و زینت‌هایش رویگردان باشند.

*** **

تأسیس حوزه‌های علمیّه خواهران برای اقتدا به زینب عالم و دانشمند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۳:

زینب دختر علی (علیه السلام) زنی عالم و دانشمند بود و برای اینکه خواهران مؤمن به او اقتدا کنند باید حوزه‌هایی تأسیس شود که مسئولیت آموزش زنان مؤمن را عهده‌دار گردد.

*** **

پشتیبانی آمریکا، فرانسه و انگلستان از آدم‌کش‌های القاعده در سوریه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ فوریه ۲۰۱۳:

تقریباً دو سال است که حکومت آمریکا، فرانسه و انگلستان، از منطق کشتار و سر بردن در سوریه پشتیبانی می‌کنند؛ در حالی که آن‌ها به‌خوبی می‌دانند این کار، همانند پشتیبانی از آدم‌کش‌های القاعده است.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ فوریه ۲۰۱۳:

هیگ^۱ اعتراف کرده است که آن‌ها به‌خوبی می‌دانند وهابیونِ آدم‌کش از اقصائقاط

۱ - ویلیام هیگ (William Hague) سیاستمدار بریتانیایی متولد ۱۹۶۱. منصب وزارت خارجه کشورش را از

۲۰۱۰ تا ۸ می ۲۰۱۵ عهده‌دار بود.

زمین برای کشتار در سوریه جمع شده‌اند؛ اما می‌بینیم حکومت او و هم‌پیمانانشان، حامی این کشتارها هستند.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ فوریه ۲۰۱۳:

مردم فرانسه، بریتانیا و آمریکا باید بدانند حکومت‌هایشان - که حامی آدم‌کش‌ها هستند- گناهان کشتاری را که وهابی‌های قصاب در سوریه مرتکب می‌شوند به دوش می‌کشند.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ فوریه ۲۰۱۳:

مردم فرانسه، بریتانیا و آمریکا باید بدانند حکومت‌هایشان - که حامی آدم‌کش‌ها هستند- شریک اصلی تمام نتایج مصیبت‌باری هستند که در اثر وقایع سوریه به وجود می‌آید.

** ** *

انفجارهای کویته و بغداد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ فوریه ۲۰۱۳:

بمب‌گذاری‌های مصیبت‌بار کویته و بغداد^۱ تأکید می‌کند که دین شیطنی وهابی‌های

۱ - در تاریخ ۲۰۱۳/۲/۱۶ هجوم انتحاری کامیون بمب‌گذاری‌شده در شهر «کویته» پاکستان منجر به کشته و مجروح شدن ده‌ها شیعه شد. این خبر در لینک زیر در دسترس است:

<http://archive.arabic.cnn.com/۲۰۱۳/world/۲/۱۷/Paksitan.BlastCause/index.html>

و در تاریخ ۲۰۱۳/۲/۱۷ چند منطقه در پایتخت بغداد شاهد بمب‌گذاری‌های زنجیرواری بود که غالباً با کامیون‌های انتحاری انجام شد. طبق آخرین آمار رسمی، ۲۸ کشته و ۱۲۴ نفر آسیب دیدند. این خبر در لینک زیر در دسترس است:

آدم‌کش، بر دشمنی با آل محمد (صلوات خدا بر آنان) و بدنام کردن اسلام و پیامبرش حضرت محمد ﷺ بنا شده است.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ فوریه ۲۰۱۳:

خداوندا! از وهابی‌های آدم‌کش انتقام بگیر و سوره را -که در آن برای تخریب جمع شده‌اند- قبر آن‌ها و قبر دین شیطانی مبتنی بر تکفیر و کشتارشان قرار بده!

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ فوریه ۲۰۱۳:

دین وهابیون، دین شیطانی ناتوان از رویارویی با دین اسلام حقیقی محمدی است؛ دینی که آل محمد ﷺ نماینده آن هستند. به همین دلیل آن‌ها همان راه فرعون -یعنی کشتار و سر بریدن- را می‌پیمایند.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ فوریه ۲۰۱۳:

در موضع‌گیری بسیار احمقانه و متناقض، وهابیون آدم‌کش را می‌بینیم که در مصر برای تظاهرات علیه خشونت خارج شده‌اند، در حالی که عکس‌های بن لادن خون‌ریز (لعنه‌الله) را برافراشته‌اند.

*** **

http://www.bbc.com/arabic/middleeast/۱۳۰۲۱۸/۰۲/۲۰۱۳_iraq_bombs_qaida

۱ - در تاریخ ۲۰۱۳/۲/۱۵ برخی از افراد حامی رئیس جمهور اسبق مصر محمد مرسی - برای محکوم کردن خشونت‌ها در شهر جیزه در قاهره دست به تظاهرات زدند در حالی که عکس‌های بن لادن مجرم را بالا برده‌اند.

این خبر در این لینک قابل دسترسی است: <http://cutt.us/JipHa>

تأویل رؤیای استاد ضیاء منصوری

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ فوریه ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

استاد ضیاء منصوری خدا حفظش کند و گام‌هایش را استوار فرماید. رؤیایی را در صفحه بنده حکایت کرده و خواستار تفسیرش شده است. ان شاء الله از رمزهایش روشنگری خواهم کرد.

ضیاء منصوری: بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما، سید احمد الحسن یمانی، خداوند برقرارت بدارد، حفظت کند و در پناه خود بگیرد. چشم‌انتظار پاسخ شما و تفسیر رؤیایم هستم. این رؤیایی است که تأثیری قوی بر من داشته و مفسران نتوانسته‌اند تفسیر قانع‌کننده‌ای برایش ارائه کنند و حتی در کتاب‌های تعبیر رؤیا نیز تفسیری نیافتیم؛ پس روی به جنابان نهادم که ان شاء الله به‌حول و قوه الهی- تفسیر آن را تمام و کمال نزد شما خواهم یافت.

بسم الله الرحمن الرحيم. «دیدم گویی بر ساحل دریا نشستهم؛ ولی دریا در حال جزر است. من به‌صورت نشسته نماز می‌خواندم، با سجده و بدون قیام، در حالی که بر گل سجده می‌کردم. در زمین حفره‌هایی کوچک وجود داشت که آب دریا در آن‌ها باقی مانده بود. در یکی از سجده‌هایم هنگام سجده کردن موی سرم - که اندازه متوسط داشت- در حفره پر از آب فرو رفت و چون سرم را بالا آوردم دیدم یک خرچنگ دریایی به یکی از موهای سمت پیشانی‌ام چنگ انداخته و آن را گرفته است. با ضربه‌ای اقدام به انداختنش کردم و افتاد. خرچنگ بسیار کوچکی بود. مجدداً به سجده رفتم و وقتی سر برداشتم؛ در حالی که نشسته بودم، برف‌هایی به اندازه گلوله‌های کوچک پنبه‌ای دیدم و من در حالی که می‌نگریستم، سبحان الله می‌گفتم. برای اولین بار می‌دیدم که در منطقه ما برف می‌بارد و محل بارش برف از سمت مشرق بود. برف روی سرم ریخت، من به آن دست

کشیدم و در پشت سرم ریخته شد. برف به همه جای زمین نمی‌بارید. خورشید بالا نیامده بود و روشنایی آسمان مانند طلوع فجر بود.»

این بود رؤیایی که دیدم و از محضرتان تقاضا دارم بنده را مستفیض فرمایید. خداوند شما را با علم خودش زیادت بخشد و با نور خودش بر شما روشنی بخشد؛ و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. ضیاء منصورى از بصره.

تفسیر:

ان شاء الله از رمزهای رؤیایی که دیده‌ای برای روشننگری می‌کنم تا دیگران هم از تفسیر این نمادها بهره‌مند شوند؛ و بنده اعتقاد دارم اگر شما نمادهای رؤیایت را بشناسی به محض اینکه معانی آنها در ذهنت جمع شود رؤیایت را خواهی فهمید.

دریا: اشاره به خلقای خدا و علمشان دارد؛ به خصوص محمد و آل محمد (علیهم‌السلام).

جزر: اشاره به دورشدن موقت خلیفه خدا در زمین و دورشدن علم او از همه مردم دارد؛ درست به همان صورتی که آب در حالت جزر از ساحل و از مکان زندگی مردم دور می‌شود و ساحل به خشکی تبدیل می‌شود.

سجده‌گزاردن: اشاره‌ای است به اطاعت خدا و ایمان آوردن به جانشینانش، همچون سجده‌گزاردن فرشتگان برای آدم (علیه‌السلام). پس هرکس خودش را در حال سجده‌گزاردن در برابر دریا ببیند به این معنا خواهد بود که موفق به اطاعت از خلیفه خدا و برگرفتن از علمش خواهد شد.

مو: اشاره‌ای است به افکار انسان و آنچه در ذهنش می‌چرخد. بنابراین بلندبودن مو در مقابل خدا می‌تواند مذموم و نکوهیده باشد؛ و در جاهای دیگر بلندی مو می‌تواند پسندیده باشد؛ چراکه نمایانگر علم و معرفت و افکار انسان است؛ همچنان که نوع مو در رؤیا می‌تواند با توجه به مرتب‌بودن یا شانه‌شده‌بودن یا مجعدبودن مو؛ اشاره به منظم‌بودن یا آشفتگی و پریشانی این افکار داشته باشد. در رؤیایی که شما حکایت کردی طول مو اشاره‌ای است به نیکو بودن افکار انسان و معرفتش.

خرچنگ: نمایانگر انسان منحرف از دین خداست که صفت حسادت را در خود دارد.

خرچنگ شباهتی با عقرب دارد که نماد حسادت در ملکوت است و چنگال‌های خرچنگ نمادی است که توانایی این شخص حسود برای اشکال‌تراشی نسبت به افکار و معلومات تو را نشان می‌دهد. وی با این چنگال‌ها یا اشکال‌ها به موی تو یا بهتر است بگوییم به افکار تو چنگ انداخته است؛ زیرا این خرچنگ یا انسان حسود در تلاش برای ممانعت از سجدهٔ توست؛ همانگونه که فرشتگان به خلیفهٔ خدا سجده کردند. او حتی موی نزدیک به محل سجده‌ات را گرفته بود. اینکه خرچنگ را به سرعت از موی خودت دور کردی و به سجده بازگشتی، نشان می‌دهد این خرچنگ یا انسان حسود در دور کردن تو از حق و سجودی که همچون سجود فرشتگان برای آدم بوده، ناکام مانده است.

** ** *

انسان این چنین ویران می‌شود

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳ مارس ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

انسان، این چنین ویران می‌شود:

علت پرداختن به این موضوع، این بود که امروز در حین دیدارم با یکی از انصار-خدا حفظش کند- خبری به دستم رسید که مفادش چنین بود: یکی از احزابی که -آن‌گونه که نامیده می‌شوند- نمایندهٔ مرجعیت است شعاری انتخاباتی در عراق مطرح کرده که مضمونش چنین است: «اول، استانِ خودم.»

اخیراً در آزمایش‌های دانشمندی ژاپنی از دانشگاه کیوتو مشخص شد که ابزار هوشمندی شامپانزه می‌تواند در برخی جنبه‌ها مثل حافظهٔ کوتاه‌مدت- از ابزار هوشمندی انسان برتر باشد.

دیگر حیوانات حتی در انواع دیگر ایثارگری با ما شریک هستند؛ مانند ایثارگری در

مبادله غذا که خفاش‌های خون‌آشام در آن با ما شریک هستند، یا ایثارگری خانواده و فرزندان و نزدیکان که ژن‌ها در بدن‌ها ایجاد کرده‌اند؛ نوعی از ایثارگری که حتی موش‌هایی که در لانه‌های خود زندگی می‌کنند نیز با ما در آن شریک هستند.

آنچه ما را به‌عنوان بشر به‌طور واقعی از دیگر حیوانات منتشر شده بر روی این زمین جدا می‌کند، ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت و آگاهانه است. ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت، تفسیر علمی منطقی و پذیرفته‌شده را زیر سؤال برده است؛ چه این تفسیر از ناحیه علم زیست‌شناسی تکاملی بوده باشد و چه علم زیست‌شناسی اجتماعی. به همین دلیل ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت، تمام‌قد همچون کوه از جهت علمی- در برابر رشد نظریه الحادی [ژن خودخواه] ایستاده است.

آنچه ما نوع بشر را متمایز می‌سازد، این نکته است که ما در حالاتی برخلاف دیگر حیوانات- در برابر خودخواهی ژنتیکی فردی و بنای استواری که در بدن‌هایمان بنیان نهاده‌اند نافرمانی می‌کنیم. ژن‌ها در طول صدها میلیون سال اقدام به ساختن کالبد‌های ما کرده‌اند؛ کالبد‌هایی که به‌صورتی خودخواه رفتار می‌کنند تا برای ژن‌ها سود و منفعت کسب کنند. منفعتی که با بقا و انتقال طی نسل‌ها خودنمایی می‌کند.

ژن‌ها می‌توانند در بدن‌ها سیستم‌هایی مانند غده‌ها و محصولاتمانند آنزیم‌ها را تولید کنند که جسم را وادار به ایثار دروغین و غیرحقیقی نماید- ایثاری که سود و منفعت برای ژن‌ها را به‌دنبال داشته باشد، مثل ایثارگری خانواده برای فرزندان خودش- ولی ممکن نیست ژن‌ها کاری بر ضد مصحلت خودخواهانه فردی انجام دهند و ایثار حقیقی بی‌چشمداشت را در بدن‌ها بنیان نهند یا حتی به چنین ایثاری اجازه دهند به‌عنوان یک فرهنگ در نسل‌ها استمرار داشته باشد؛ زیرا چنین ایثاری -در طبیعت-، به‌معنای انقراض آن بدن‌ها و نیست و نابودشدن آن مجموعه ژنتیکی و منتقل‌نشده‌شان در طول نسل‌هاست.

هویت ما به‌عنوان نوع بشر- که ما را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد، همان ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت است که بدون توقع چیزی در آینده به انجام می‌رسد، نه به آن

صورتی که خفاش‌های خون‌آشام -هنگامی که مجبور می‌شوند مقداری خون به همسایگان خود بدهند- توقع دارند و نه آن نوع ایثارگری که بر اساس غریزه‌ای است که ژن‌ها در ما به وجود آورده‌اند تا ما را به‌عنوان مثال- وادار به ایثارگری نسبت به فرزندانمان کند؛ زیرا آن‌ها وسیله‌ای برای انتقال ژن‌ها به نسل بعدی و باقی ماندن هستند.

ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت، والاترین شاخصه‌ای است که یک موجود زنده می‌تواند در خود داشته باشد. نه فقط در زمین بلکه در سطح کل جهان جسمانی مادی- و جای تأسف دارد که بیشتر مردم از آن تهی شده‌اند؛ در حالی که خود نمی‌دانند با تهی شدن از چنین ایثاری، اجازه می‌دهند وضعیت میمون‌سان بر آن‌ها تسلط یابد و به این ترتیب به دیگر انواع میمون‌های نخستین- مثل شامپانزه، گوریل یا اورانگوتان- تبدیل شوند.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ (و کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان خدا] تجاوز کردند نیک شناختید، پس به آنان نهیب زدیم که به‌صورت بوزینگانی خوار و رانده‌شده درآید).^۱

و می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ (بگو آیا شما را از کسانی که کیفرشان نزد خدا بدتر است، خبر دهم؟ کسانی که خدا لعنتشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به‌صورت بوزینه و خوک درآورده، و [نیز آنان که] طاغوت را پرستیدند؛ اینان‌اند که جایگاه و منزلتشان بدتر و از راه راست گمراه‌ترند).^۲

و می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ (و هنگامی که

۱. بقره، ۶۵.

۲. مائده، ۶۰.

از آنچه نهی شدند سرکشی کردند، به آنان گفتیم به شکل بوزینگانی رانده شده درآیید).^۱

این یعنی آن‌ها کلیدها را از دستان خود انداختند و روحی انسانی که خدا در پدرشان آدم (علیه السلام) جریان داد و آنان را برای به دست آوردن آن ترغیب فرموده بود از کف دادند و جز روح حیوانی در آن‌ها باقی نماند؛ بنابراین به همان اصول حیوانی و بهیمنیت و بدن‌هایی که در خدمت خودخواهی زن‌ها هستند بازگشتند، نه چیز دیگر.

به همین دلیل در برابر کسانی که شما را به «اول خودم یا برادرم یا عمومیم یا پسرعمویم قبل از شخصی غریبه، یا اول شهرم یا استانم یا کشورم» فرامی‌خوانند،

بنده شما را به شعار «اول انسانیت» فرامی‌خوانم.

و انسانیت شما در گرو متمایزبودنتان از دیگر حیوانات است. آنچه شما را به‌واقع از دیگر حیوانات متمایز می‌سازد، تنها مغز نیست؛ زیرا «مغز» محصولی تکاملی است که سایر حیوانات نیز -گرچه در سطحی پایین‌تر- دارا هستند. آنچه شما را متمایز می‌سازد، ایثار واقعی بی‌چشمداشتی است که می‌توانید به آن متصف گردید و با آن «بشر» محسوب شوید.

وقتی به شرافت و انسانیت خود می‌رسی که:

- عهده‌دار فقیر و یتیمی شوی که ارتباط فامیلی با تو ندارد؛ در حالی که خودت نیاز مالی داشته باشی.

- ببخشی بی آنکه توقع سودی در آینده داشته باشی.

شما را به بنیان‌نهادن «انسان» در وجودتان دعوت می‌کنم. شما را به کشتن «من» فرامی‌خوانم و به شعار «همسایه‌ام قبل از من» و «شهر همسایه قبل از شهر خودم»؛ به همان صورتی که رسول خدا ﷺ و ائمه (صلوات خدا بر آنان) و انبیا (صلوات خدا بر آنان) وصیت فرموده‌اند: اول همسایه، اول فقیر، اول یتیم، اول بیوه‌زنان؛ و شما را به ترک گفتن

۱. اعراف: ۱۶۶.

آنچه چنین افرادی به آن دعوت می‌کنند فرامی‌خوانم؛ متأسفانه آن‌ها شما را دعوت می‌کنند به اقتدا به شیطانی که گوینده «اول خودم» و پیوست‌هایش مثل «اول شهر خودم» و «اول استان خودم»- است. این‌ها شما را دعوت می‌کنند به اینکه مصداق این سخن حق تعالی باشید: ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ (و هنگامی که از آنچه نهی شدند سرکشی کردند، به آنان گفتیم به شکل بوزینگانی رانده‌شده درآید).

این‌ها با جهل خود و شعارهایشان، انسان را به ویرانی می‌کشاند و وقتی انسان ویران شود، نمی‌تواند به‌عنوان یک مولد و عنصر سودرسان و فعال در زندگی اجتماعی سالم، ایفای نقش کند؛ بلکه بمبی ساعتی خواهد بود که منتظر وقت یا فرصت مناسب است تا سمومش را در دیگران منتشر نماید.

این همان واقعیتی است که امروزه مردم در آن زندگی می‌کنند و متأسفانه بسیاری از دزدها و کارمندان فاسد، قربانی این افراد و شعارها و رهبری نابکارشان هستند. فرد عاقل باید بداند که حتی رفاه اجتماعی دنیوی را هم نمی‌توان از طریق این افراد به دست آورد؛ زیان آخرتی که با پیروی از آن‌ها حاصل می‌شود جای خود دارد.

*** **

کمردرد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ مارس ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.

کمردرد:

در بسیاری اوقات، پزشکی نوین در تشخیص علت کمردرد ناتوان می‌شود؛ به همین دلیل خواستم توضیح مختصری دربارهٔ اسباب آن بنویسم تا خود شما بتوانی معالجه‌شان

کنی.

سبب بیولوژیکی:

بدن‌هایی که ما به‌عنوان نوع بشر برای امتحان در این دنیا به کار می‌گیریم، طی میلیون‌ها سال اخیر در دشت‌های نرم ساوانای آفریقا تکامل یافته است؛ در نتیجه مفاصل بدن‌های ما بر این پایه ساخته شده‌اند؛ یعنی برای حرکت روی زمین نرم. به همین دلیل مفاصل‌های ما برای مقاومت در برابر آسیب‌هایی که بر اثر حرکت روی زمین سخت پدید می‌آیند مناسب نیست؛ زمین سختی که امروزه پس از ساختن خانه‌ها، شهرها و راه‌هایی که با مواد ساختمانی سخت پوشیده شده‌اند بر آن حرکت می‌کنیم. این مشکل را می‌توان با پوشیدن کفشی با کفی انعطاف‌پذیر درمان نمود که صدمات را به‌خود بگیرد و تأثیر این صدمات را بر ستون فقرات و مفاصل کم کند.

سبب روحی:

جن یا حسادت و امور مشابه آن:

معاینه:

شروع کن به خواندن سوره فلق (سه بار)، سپس سوره ناس (سه بار)، سپس آیه‌الکرسی (هفت بار):

اگر حین خواندن، خمیازه کشیدی به این معنا خواهد بود که شما نیاز به درمان داری.
درمان: در طول سه روز این کارها را انجام بده:

- سوره نور را بخوان و وقتی به آیه نور رسیدی آن را هفتاد مرتبه تکرار کن.

- خدا را با این ذکر یاد کن: «سبحانه هو الله الواحد القهار» ده‌هزار مرتبه.

- در کاغذی سفید با گلاب و زعفران، فاتحه، معوذتین (سوره‌های فلق و ناس) و

آیه‌الکرسی را بنویس. سپس نوشته را در سه تا پنج لیتر آب حل کن و با آن آب، غسل نما و اجازه نده آب غسل به مکان نجس برود. آب غسل را جمع کن و در جای پاک (مثل باغچه) بریز.

پس از آنکه این اعمال را در سه روز انجام دادی هر شب پیش از خوابیدن، آیه‌الکرسی

را بخوان:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ (الله، همان خدایی که معبودی جز او نیست؛ زنده و بریاست؛ نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین هست، و آنچه در میان آن دو و آنچه زیر زمین هست از آن اوست. آن دانای غیب و آشکار. اوست رحمان و رحیم. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه را در پشت سرشان است می‌داند؛ و به چیزی از علم او -جز به آنچه خود بخواهد- احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمان‌ها و زمین را فراگرفته، و نگهداری آن‌ها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ).^۱

و آیه سخره: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ بِغُشَى اللَّيْلِ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش، استیلا یافت. روز را به شب -که شتابان آن را می‌طلبد- می‌پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد]. آگاه باش که خلقت و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان * پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد * و در زمین پس از

۱. [بقره: ۲۵۵]

به اصلاح درآمدنش فساد نکند و با بیم و طمع او را بخوانید. به راستی که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.^۱

و آیه ملک: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (بگو: بارخدا یا! تویی که مالک سلطنت هستی؛ هر آن کس را که خواهی سلطنت دهی؛ و از هر کس که خواهی سلطنت را بازستانی؛ و هر که را که خواهی عزت بخشی؛ و هر که را که خواهی خوار گردانی؛ همه خوبی‌ها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی * شب را به روز می‌آوری و روز را به شب؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی؛ و هر که را که خواهی -بی حساب- روزی می‌دهی).^۲

از خداوند برای همگان، سلامتی و عافیت را خواستارم.

*** **

نصیحتی به مادران

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ مارس ۲۰۱۳:

نصیحتی برای مادران:

بر حفظ کودک خود از شرارت‌های انس و جن و هر جنبده‌ای با استفاده از قرآن و دعا اهتمام داشته باش؛ هر شب وقتی او به خواب می‌رود با «معوذتین» (سوره ناس و فلق) و آیه الکرسی او را محافظت کن و سعی کن او نیز همراه شما بخواند که به این ترتیب با گذشت روزها او نیز [این آیات را] حفظ خواهد کرد.

۱. [اعراف: ۵۴-۵۶]

۲. [آل عمران: ۲۶-۲۷]

وقتی کودک به عنوان مثال- از خانه خارج می شود تا به مدرسه برود به او بیاموز خدا را یاد کند تا برایش عادت می شود که با آن بزرگ گردد و هر زمان از خانه بیرون برود خدا را یاد کند. می توانی به اینکه او هنگام بیرون رفتن «یا الله» بگوید بسنده کنی. یاد خدا فقط آخرت کودک تو را اصلاح نمی کند بلکه یاد خدا دنیای کودک شما را نیز از شر انس و جن و هر بدی- محفوظ می دارد. همه شما خواستار سلامتی فرزندانتان هستید و بنده گمان می کنم پرداخت چنین هزینه ای برای یکایک شما امکان پذیر باشد.

*** **

تقلید از غیر معصوم و دلایل دعوت حق

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۱ مارس ۲۰۱۳:

Nazar Nazar نوشته است:

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما. من ابواحمد از بصره، روی سخنم را خطاب به سید احمد الحسن می کنم. آقای فداکار ما! من بر ادله شما مطلع شدم. در آن ها امور حیرت انگیزی وجود دارد. به شما راست می گویم و به خدا قسم می خواهم به شما ایمان بیاورم، ولی در کار خودم حیرانم و نمی دانم چه کنم. شما می فرمایید استخاره کنیم؛ انجام دادم و میانه شد. شما قائل به رؤیا هستید؛ من رؤیای خوب و نیز رؤیای بد دیدم. همه درها را زدم تا حجتی بر من نباشد. از اهل علم سؤال کردم، گفتند این مرد دجال است؛ ولی من به سخنشان اهمیت ندادم؛ اما نمی خواهم مخالفت کنم و پشیمان شوم. آقای من! می گوید شما می توانید معجزه کنید مثل زنده کردن مردگان و.... چون این امر متعلق به غیب است منظورم دعوت شماست. پس اگر معجزه ای برایم نشان دهید که بر دعوتتان دلالت داشته باشد، به خدا قسم یکی از سپاهیان شما، و برای شهادت به خاطر شما و دین و مذهب، راغب خواهم بود؛ وگرنه دعوت شما سست تر از خانه عنکبوت است.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ابواحمد! خداوند تو را توفیق دهد و گام‌هایت را استوار بدارد و از هر بدی‌ای حفظت فرماید.

از همان جایی شروع می‌کنم که تو سخت را به پایان رساندی:
«سست‌تر از خانه عنکبوت.»

آن‌طور که از گفته شما پیداست ادله دعوت احمدالحسن - که همانند ادله جدش محمد ﷺ است - تو را فقط دچار حیرت کرده، ولی به قطع و یقین برای اینکه احمدالحسن حق است نرسانده. با علم به اینکه تو نیز همانند دیگر شیعیان، به واجب بودن تقلید از فقها - آن‌گونه که به شما گفته‌اند - معتقد هستی، بدون هیچ دلیل شرعی یا حتی عقلی، ولی شما متحیر نشدید و از آن‌ها درباره دلیل قطعی، پرس و جو نکردید بلکه متأسفانه - چشم‌پسته از آن‌ها پیروی کردید! آنچه را آن‌ها مطرح می‌کنند، به‌طور کلی برایت بررسی می‌کنم و برای شما بیان خواهیم کرد که آن‌ها چه جهل و دروغی به شما ارائه می‌کنند و امیدوارم پس از امروز، دیگر به فریب‌دادن شما ادامه ندهند و ان‌شاءالله امید من به زودی - یا در یک زمانی - محقق خواهد شد؛ زیرا مطمئنم که عقل و علم و نور، بر جهل و تاریکی و تلاش برای فریب‌دادن و گمراه‌کردن مردم، غلبه خواهد کرد.

بیاید ببینیم این کسانی که شما از آن‌ها سؤال کردید و اهل علم نامیدید چه کسانی هستند! آیا آن‌ها واقعاً اهل علم هستند؟! یا اهل جهل و دروغ؟! حکم میان ما و آن‌ها «دلیل» است، نه «دشنام و ناسزاگویی» که آن‌ها انجام می‌دهند:

دین مبتنی بر مرجعیت آن‌ها - همان دینی که با آن، شیعه آل محمد را فریب می‌دهند و می‌خواهند با نیرنگ‌های خود ادامه‌اش بدهند - مبتنی بر عقیده واجب بودن تقلید از غیر معصوم است؛ ولی هیچ دلیلی نقلی برای اثبات آن در اختیار ندارند و این در حالی است که خود فقهایشان به این نکته اعتراف می‌کنند! آن‌ها هیچ آیه‌ای با دلالت محکم یا روایتی با سند و دلالت قطعی در دست ندارند و شما در این زمینه می‌توانید به سخنان سید

خوبی و سید خمینی (رحمت خدا بر آن دو باد) و سایر فقها مراجعه کنید.^۱ در نتیجه امروز این‌ها به «دلیل عقلی» روی می‌آورند که عبارت است از «واجب بودن مراجعه جاهل به عالم» و بنده این دلیل آن‌ها را به‌طور کامل نقض و بیان کردم که همان طور که شما گفתי «سست‌تر از خانه عنکبوت است»؛ زیرا آن‌ها فقط بر اساس ظن و گمان خود عمل می‌کنند و ظنیاتی اجتهادی ارائه می‌دهند؛ در حالی که خودشان نیز به این نکته اعتراف دارند و کسی از آن‌ها پیدا نمی‌شود که بگوید «یقین» ارائه می‌دهد. در نتیجه این دلیل بر آن‌ها منطبق نمی‌شود؛ زیرا آن‌ها عالمانی که «یقین» ارائه کنند محسوب نمی‌شوند تا رجوع جاهل به آن‌ها واجب شود! علمایی که یقین ارائه می‌کنند و عقل به واجب بودن مراجعه به آنان حکم می‌کند. فقط خلفا و جانشینان خداوند هستند و این همان مطلبی است که ما به آن اعتقاد داریم: آنچه واجب است فقط تقلید از معصوم است.

آنان وقتی دیدند آنچه گذشت در اثبات عقیده‌شان سودی به حالشان ندارد، تلاش می‌کنند عموم مردم را این چنین فریب دهند: دلیل بر عقیده‌شان در واجب بودن تقلید از غیرمعصوم یا فقها، همان رجوع غیرمتخصص به متخصص است؛ ولی این چیزی که آن‌ها پیش می‌کشند عقیده باطلشان را از جایی که خودشان نمی‌دانند نابود می‌کند: ﴿و ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانَعَتْهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (گمان داشتند در هایشان در برابر خدا مانع آن‌ها خواهد بود! ولی خدا از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب و ترس افکند؛ به‌گونه‌ای که خانه‌هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند. پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت بگیرید).^۲

نهایت آنچه در رجوع غیرمتخصص به متخصص می‌توان گفت «جایز بودن» است نه

۱. نگاه کنید به کتاب: الاجتهاد و التقليد، سید خمینی و کتاب الاجتهاد و التقليد، سید خوبی.

۲. [حشر: ۲]

«واجب بودن»؛ و این به آن معناست که آن‌ها با طرح این گفتار برای استدلال بر عقیده خویش، از عقیده باطلی که طرح می‌کنند یعنی وجوب تقلید از غیر معصوم یا فقها، کوتاه آمده‌اند.

آن‌ها برای شما مراجعه بیمار به پزشک را مثال می‌زنند تا بر عقیده خود یعنی وجوب تقلید از غیر معصوم یا فقها، دلیل بیاورند؛ در حالی که مراجعه بیمار به پزشک و عمل به گفته او واجب نیست، بلکه جایز است. آیا وقتی شما بیمار می‌شوی واجب است به پزشک مراجعه کنی؟ و آیا واجب است به ظن و گمان پزشک عمل کنی؟! یک پزشک از آنجا که نسخه‌ای که می‌پیچد بر اساس ظن و گمان است به شما می‌گوید درصد موفقیت چقدر است و درصد شکست چه مقدار، و شما اختیار داری. او به شما نمی‌گوید واجب است به آنچه من می‌گویم عمل کنی یا واجب است درمانی را که من تعیین کرده‌ام انجام دهی یا واجب است عمل جراحی‌ای که به گمان من باعث درمان شما می‌شود، حتماً انجام شود. بسیاری از بیماران زیر دست پزشکان در اتاق‌های عمل یا در اثر خطای پزشک در تشخیص نوع درمان یا دوز لازم برای دارو، فوت کرده‌اند. برخی از بیماران با گله و شکایت از درد نزد پزشک می‌آیند؛ ولی با فلج شدن و ناتوانی از ایستادن بیرون می‌روند و این وضعیت، نتیجه خطای پزشک جراحی بوده که دارای مدرک دکتری در تشخیص مقدار پلاتین لازم برای شکسته‌بندی استخوان‌ها بوده است! در نتیجه بنده گمان نمی‌کنم شخص عاقل به این مطلب معتقد باشد که مراجعه بیمار به پزشک و عمل به گفته او واجب باشد.

حال آیا در این افرادی که خود را «مراجع» می‌نامند شخص شریف و شجاعی وجود دارد که در برابر همگان اعتراف کند آن‌ها در برابر احمدالحسن شکست خورده‌اند و عقیده‌ای که دین مرجع‌گرای فقها را بر آن پایه‌گذاری کرده‌اند سقوط کرده و کارش یکسره شده است؟

کسی که بهره‌ای از شجاعت و شرافتِ اعتراف به حقیقت را داشته باشد باید اقرار و اعتراف کند که احمدالحسن عقیده آن‌ها را ویران کرده و این عقیده بی‌هیچ بازگشتی - به

زباله‌دان تاریخ پیوسته است. آری، در حال حاضر این عقیده به‌عنوان ابزار نادانی و به‌نادانی کشیدن و فریب‌دادن شیعه اهل‌بیت باقی است؛ اما کار، یکسره شده و برای کسانی که خواستار حق و حقیقت‌اند هیچ مصداق علمی‌ای دربر ندارد و -دیر یا زود- روزی خواهد آمد که شیعه اهل‌بیت آگاه شده، خواهد دانست «دجال» همان کسی است که از آن‌ها می‌خواهد به واجب‌بودن تقلید از غیرمعصوم یا فقها اعتقاد داشته باشند؛ چرا که وی (دجال) آن‌ها را به عقیده باطلی امر می‌کند که هیچ دلیل نقلی یا عقلی برایش وجود ندارد!

بنده عبارت «واجب‌بودن» را تکرار می‌کنم تا هوشیار باشید؛ خدا توفیق‌تان دهد. ای شیعیان، چشمان خود را باز کنید و نیک بنگرید و این‌هایی که خود را «فقیه» می‌نامند توجه داشته باشند که آن‌ها معتقد به وجوب تقلید از غیرمعصوم یا فقها هستند، پس باید این واجب‌بودن را برای ما اثبات کنند پس از اینکه ادله‌شان نقض گردید و روشن شد که دلایل آن‌ها همچون خصوصیتی است که شما بیان کردی: «سست‌تر از خانه عنکبوت.» این‌ها شما را با کشاندن بحث به مقوله اجتهاد یا جایز‌بودن تقلید یا حجت‌بودن عمل بر اساس ظن‌وگمان فریب ندهند؛ زیرا تمامی این مسائل از دایره عقیده باطلشان -که اثباتش از آن‌ها خواسته شده است- خارج است. عقیده آن‌ها واجب‌بودن تقلید از غیرمعصوم است؛ پس باید یا آن را اثبات کنند یا به باطل بودنش اقرار نمایند و اعتراف کنند که احمدالحسن این عقیده را ویران کرده و عقیده باطل آن‌ها را به کلی لگدکوب کرده، کارش را یکسره کرده؛ به طوری که دیگر چیزی از آن باقی نمانده است.

اما ادله این دعوت، تمامی دلایلی است که برای تشخیص خلیفه خدا گرد آمده است و من تمامی این دلایل را ارائه کرده‌ام و با اختصاری که شایسته این جایگاه است، برای شما بیان خواهم کرد که این دلایل چه چیزهایی هستند و چه کیفیتی دارند:

نص تشخیصی: متنی است که خلیفه خدا را مشخص می‌کند؛ از جمله:

بیان صریح توسط خدا: مانند تصریح خدا بر آدم در حضور فرشتگان، و همچنین است رؤیاهای متواتری که اطمینان ایجاد می‌کند کسانی که ادعا می‌کنند رؤیا دیده‌اند بر

کذب و دروغ تبانی نکرده‌اند و باید این رؤیایها مطابق متن تشخیصی باشند.
نص از ناحیه خلیفه خدا که بر دو نوع است:

نص بی‌واسطه: که تصریح مستقیم خلیفه خدا بر وصی‌اش است؛ همان طور که رسول خدا ﷺ بر علی (علیه السلام) تصریح کرد؛ و در خصوص امام مهدی (علیه السلام) که رفع شده و غایب است و راه‌های ارتباط او با کسانی که به او ایمان دارند، مکاشفه و رؤیا و ملاقات است؛ و به واسطه این راه‌ها برای تعدادی از افراد که هم‌دستی‌شان بر دروغ‌گفتن ناممکن است شهادت داده‌است احمدالحسن، فرزند و وصی او و از آل محمد (علیهم السلام) است.

نص باواسطه: این نوع نص، تصریح خلیفه خدا بر وصی‌اش به صورت غیرمستقیم (با واسطه) است؛ همان طور که رسول خدا ﷺ بر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) تصریح فرموده است. چنین متنی برای آنکه متن تشخیصی باشد ناگزیر باید تضمینی الهی برای محفوظماندنش از ادعای افراد باطل وجود داشته باشد و در نتیجه کسی که آن را ادعا می‌کند صاحب آن خواهد بود؛ مثال چنین نصی، وصیت رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است که خداوند از زبان پیامبرش محمد (صلی الله علیه و آله) آن را نوشتاری بازدارنده از گمراهی برای کسی که به آن متمسک شود، توصیف فرموده است. نحوه احتجاج به وصیت را و اینکه وصیت، نصی است که مدعی‌اش را به‌عنوان خلیفه خدا مشخص می‌کند به‌طور مفصل در چندین پاسخ بیان نموده‌ام؛ همچنین بیان کرده‌ام که چگونه تنها ادعا کردن من به وصیت، مشخص می‌کند که من از خلفای خداوند هستم؛ زیرا خداوند این نص را به‌خودی‌خود به بازدارنده‌بودن از گمراهی برای کسی که به آن تمسک جوید توصیف فرموده است. پس ناگزیر او سبحانه دانای توانای راست‌گوی حکیم مطلق باید نصی را که به بازدارنده‌بودن از گمراهی برای تمسک‌جوینده به آن توصیف فرموده است از ادعای اهل باطل حفظ فرماید تا صاحبش آن را ادعا کند و هدف از آن محقق شود؛ [چرا] که در غیر این صورت، او نادان یا ناتوان یا دروغ‌گوی حيله‌گری خواهد بود که متمسکین به سخنش را با پیروی از باطل فریب داده است؛ در حالی که محال است او نادان یا ناتوان باشد؛ زیرا او دانا و توانای مطلق است و محال است از ناحیه حق سبحانه و تعالی، دروغ

صادر شود؛ زیرا او راست‌گو و حکیم است و نمی‌توان او را به دروغ‌گویی توصیف کرد که در این صورت، اعتماد کردن به هیچ چیزی از سخنان او امکان‌پذیر نخواهد بود و دین، نقض خواهد شد. شیخ علاء سالم - خدا حفظش کند- این پاسخ‌ها را در کتاب «وصیت مقدس» گردآوری کرده و بنده از فقها خواسته‌ام که برای مناظره با من و پاسخ به آنچه به آن‌ها گفته‌ام اقدام کنند؛ ولی آن‌ها از انجام آن ناتوان شدند و حق ما به اثبات رسید؛ و الحمد لله.

اما معجزه:

نشانه‌ها و معجزاتی در این دعوت حاصل شده است؛ از جمله هلاکت خطیب، علی شکری. این شخص پس از اینکه به احمدالحسن دشنام گفت و بر او اظهار برتری کرد بر فراز منبر و در برابر هزاران نفر خدا را بر گفته و کرده خود گواه گرفت. خداوند خواست که به او مهلت ندهد و در طی روزهایی بسیار کم، هلاکش گرداند و او را نشانه‌ای برای اهل عالم قرار دهد. کسی که از این واقعه پند نگیرد هیچ معجزه دیگری سودی به حالش نخواهد داشت. چه تفاوتی وجود دارد بین هلاکت این ظالم و هلاکت کسی که درخواست عذاب کرد و به تحدی با رسول خدا ﷺ برخاست؟ و چه فرقی است بین هلاکت این ستمگر و هلاکت کسانی که در روز عاشورا حسین (علیه السلام) را دشنام دادند و با وی تحدی کردند که فرجامش آتش است؟ خداوند خواست به او مهلت ندهد و او را نشانه‌ای قرار دهد و عاقبت وی این شد که در آتش سقوط کند و خودش آتش بگیرد! بنده اعتقاد دارم تمامی این‌ها نشانه‌هایی هستند که بیان می‌کنند خدا از اولیای خود دفاع می‌کند تا با این آیات و نشانه‌ها بگوید این افراد اولیای من هستند و من -خدای یکتای یگانه- برای آن‌ها گواهی می‌دهم. خدا را شکر شیخ علی شکری -که مراجعتان خبر مرگش را اطلاع‌رسانی کردند- از فراز منبر گواهی خدا را درخواست کرد و خدا را شاهد گرفت، خداوند به او مهلت نداد و برخلاف میل منافقان، با نشانه معجزه واضح و آشکار برای من گواهی داد و همان طور که برای جدم رسول خدا و جدم حسین (صلوات خدا بر آنان) حاصل شد برای من نیز این چنین شد؛ و خداوند برای شهادت میان من و شما کافی است. این نشانه، با سند و

به صورت تصویری موجود است و شما می‌توانید از آن اطلاع حاصل کنید.^۱
اگر شخص منافقی بگوید: چرا خدا همه کسانی را که به تو دشنام می‌گویند و تعرض می‌کنند هلاک نمی‌کند؟

پاسخ می‌دهم: زیرا حکمت از معجزه، اثبات متصل بودن من به خداست و این حکمت با هلاکت یک نفر محقق شده است. خدا همه کسانی را که در روز عاشورا با امام حسین پیکار کردند با معجزه هلاک نکرد بلکه تنها کسانی را هلاک کرد که می‌خواهد نشانه‌ای باشند. حتی خداوند شمر یا حرمله را - یا اینکه بزرگ‌ترین بدی‌ها را در حق امام حسین (علیه السلام) انجام دادند از جمله دشنام‌گفتن و متهم کردن وی به اهل آتش بودن- هلاک نکرد.

اما اینکه شما نشانه‌ای مخصوص به خودت می‌خواهی، پس بدان - خداوند توفیقت دهد، گام‌هایت را استوار بدارد و به زینت عقل آراسته‌ات فرماید- خلفا و جانشینان خدا نه دلگک هستند نه بازیگر سیرک و نه پهلوان‌های دوره‌گرد در چهارراه‌ها و خیابان‌ها تا حرکت‌ها و کارهایی انجام دهند که نفس را در سینه‌ها حبس می‌کند! نهایت آنچه در خصوص معجزه می‌توان گفت، این است که معجزه، نشانه‌ای از سوی خداست و ثابت می‌کند کسی که معجزه برایش حاصل شده، یکی از اولیای خداوند است و اینکه خدا از او دفاع و او را تأیید می‌فرماید. این امر در این دعوت حق بارها محقق شده است؛ از جمله در واقعه‌ای که برای شیخ علی شکری اتفاق افتاد. او شخصیتی شناخته‌شده در حوزه نجف و قم بود و وقتی خداوند او را هلاک فرمود برخی فقها خبر مرگش را اطلاع‌رسانی کردند! خداوند توفیقت دهد و گام‌هایت را استوار فرماید! هوشیار باش که خداوند در قرآن

۱ - این فیلم، هلاکت خطیب مشهور علی شکری را چند روز پس از اینکه سید احمدالحسن را بر بالای منبر دشنام داد گواهی می‌دهد:

تصریح فرموده که خواهانِ ایمان به غیب است و از همین رو حتی وقتی معجزاتی به پا می‌دارد، در این معجزات مجالی برای ایمان به غیب باقی می‌گذارد و آن‌ها را معجزاتی قهری - که مجالی برای ایمان به غیب باقی نمی‌گذارد - قرار نمی‌دهد. اگر او نشانه‌ای قهری - که جایی برای ایمان به غیب باقی نمی‌گذارد - انجام دهد، ایمان کسی را که در اثر چنین نشانه‌ای ایمان آورده است نخواهد پذیرفت. قصه فرعون در قرآن معروف است و علتی برای پذیرفته‌نشدن ایمان فرعون وجود ندارد، مگر قهری بودن نشانه که مجالی برای غیب باقی نگذاشته بود و بنده این مطلب را به‌طور مفصل در کتاب «تفسیر آیه‌ای از سوره یونس» بیان کرده‌ام؛ می‌توانی مراجعه کنی.

اگر خدا خواهان ایمان آوردن مردم با معجزه‌های انفرادی قهری بود، که مجالی برای ایمان به غیب باقی نمی‌گذارند فرستاده‌اش حضرت محمد ﷺ را اینگونه قرار می‌داد تا فرستادگان خود را با معجزات شخصی به‌سوی حاکمان زمان خویش بفرستد و به‌عنوان مثال - هر فرستاده‌ای در برابر حاکم بایستد و اسبش را به قطعه‌ای طلا یا آهن تبدیل کند و از حاکم می‌خواست تا این معجزه را نزد خود نگهدارد. اگر آن فرستاده چنین می‌کرد قطعاً آن‌ها ایمان می‌آوردند و سایر مردم در ایران یا اروپا به‌یک‌باره ایمان می‌آوردند و کار فیصله می‌یافت. یا - دست‌کم - حضرت محمد ﷺ نامه‌های خود را طبق گویش آن مردم می‌نوشت نه به زبان عربی! یا خداوند قرآن را به همه زبان‌ها نازل می‌فرمود یا دست‌کم به صد زبان! آیا این کار برای اتمام حجت بر مردم استوارتر نبود؟ که اگر چنین کارهایی را انجام می‌داد نشانه‌ای آشکار برای محمد ﷺ و متصل‌بودنش به خدا می‌بود یا - دست‌کم - چه خوب می‌شد اگر محمد ﷺ قرآن را به همه زبان‌ها ترجمه می‌فرمود؛ به جای اینکه این کار را برای واردشدن اجتهادهای شخصی رها کند که در نتیجه چندین ترجمه انگلیسی به‌صورت ترجمه‌های متفاوت و متضاد برای ما باقی بماند! به‌خصوص اینکه برخی از این دروغ‌گوها بر بالای منبر به شما می‌گویند که محمد و امامان به همه زبان‌ها سخن می‌گفتند؛ پس چرا رسول خدا و ائمه علیهم‌السلام قرآن را ترجمه نکرده‌اند؟! آیا مثلاً حضرت محمد و ائمه (صلوات خدا بر آنان) بخیل بوده‌اند؟! چنین نسبت‌هایی از ساحت آنان بسی به‌دور

است! یا ترجمه کردن قرآن در حالی که غیرعرب به شدت به آن نیاز داشتند موافق حکمت نبود؟! یا حدود ۲۵۰ سال، زمانی کافی محسوب نمی‌شود تا رسول خدا و ائمه اقدام به ترجمه کنند؟! یا اینکه تسلط یک شخص به صدها زبان، معجزه‌ای آشکار و حجتی کامل و استوار در طول زمان محسوب نمی‌شود؟!

من به شما اطمینان می‌دهم که بسیاری از ملحدان وقتی می‌گویند اگر خدا وجود دارد چرا برای ما معجزه کوچکی برای اثبات وجود خود ارائه نمی‌دهد تا به او ایمان بیاوریم، در گفتار خود کاملاً راست می‌گویند. بنده در اینجا به نیابت از پروفسور ریچارد داوکینز، درخواستی برای معجزه ارائه می‌کنم. او می‌گوید: چرا خداوند دست قطع‌شده انسان متدین را مثل دوزیستان وقتی بخشی از اعضای بدنشان قطع می‌شود- از نو رشد نمی‌کند تا وجودش را تصدیق کنیم؟! آیا شما که مؤمن به وجود خدا هستی می‌توانی به او توضیح بدهی چرا خدا درخواست او را اجابت نمی‌کند؟ درخواست او خطاب به همه مؤمنان به خصوص به کسانی است که به معجزات مفت و مجانی ایمان دارند و خود را به آب و آتش می‌زنند تا مردم فقط ایمان بیاورند؛ هرچند ایمانی خالی از هرگونه مجالی برای غیب باشد!

کسانی که می‌گویند احمدالحسن باید برایشان معجزه درخواستی‌شان را بیاورد و اگر چنین نکند بر حق نیست، لازم است خودشان معجزه‌ای از پروردگارشان - که به او ایمان دارند- به پروفسور داوکینز ارائه دهند! اعتقاد دارم پروردگار تواناتر از بنده است و اگر معجزه‌ای برای داوکینز ارائه نمی‌کند طبق قانون خود آن‌ها دکتر داوکینز صددرصد حق دارد و طبق همان قاعده‌ای که خود آن‌ها قبولش دارند، الحاد (بی‌خدایی) کاملاً صحیح است. آیا آن‌ها این نتیجه را می‌پذیرند؟! یا این قانون شیطانی آن‌ها فقط در رویارویی با احمدالحسن کاربرد دارد؟!

*** **

چگونه اهالی بحرین و وضعیت کنونی‌شان تغییر می‌کند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ مارس ۲۰۱۳:

Suad Al Hende

پدرجان! ما از بحرین هستیم. تکلیف شرعی ما در برابر آنچه در کشورمان روی می‌دهد چیست؟ ما چه کنیم؟ احزاب سیاسی خواستار حاکمان ظالم هستند؛ و جوانان رودروی اسلحه شکاری دشمن قرار می‌گیرند. آیا ما همراه جوانان در تظاهرات شرکت کنیم؟ یا در خانه بنشینیم؟ من به نیابت از شوهرم نیز سخن می‌گویم. ما زنان در این شرایط چه حقی و چه تکلیفی بر عهده‌مان است؟ آیا بیرون برویم یا در خانه‌های خود بمانیم؟ زیرا این جماعت هیچ سخنی را نمی‌فهمند و میان جوان، زن یا پیر و سال‌خورده تفاوتی قائل نمی‌شوند. حتی بیشتر آن‌ها به عربی هم حرف نمی‌زنند. مقصودم این است که زنان مورد هتک حرمت و... قرار می‌گیرند.

پاسخ:

Suad Al Hende

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خدا می‌خواهم شما را از همه بدی‌ها حفظ، و گام‌هایتان را در آنچه او سبحانه-

می‌پسندد استوار فرماید.

خداوند به شما توفیق دهد،

وضعیت کنونی بحرین با آمریکا و آل سعود در ارتباط است و آن‌ها هرگز آماده خروج از بحرین به نفع اهالی آن -که غالباً شیعه هستند- نیستند حتی اگر خیابان‌های بحرین را با خون، رنگین سازند. متأسفانه شرایط برای دربندکشیدن اهل بحرین، فراهم است و کسانی که مراجع نامیده می‌شوند و بحرینی‌ها پیروشان هستند- آنها را رها کرده‌اند و برای یاری بحرینی‌ها یا دفاع از آن‌ها به‌شکل مؤثری عمل نمی‌کنند؛ در حالی که دشمنشان بر آن‌ها هجوم آورده‌است.

به همین دلیل بحرینی‌ها اگر خواستار تغییر وضع فعلی‌شان هستند پیش از هر چیز دیگری- نیازمند یک رهبری الهی هستند که گردش جمع شوند و به او امکان دفاع از بحرینی‌ها و سخن گفتن به نامشان را بدهند و این راه‌حلی است که ما آن‌ها را به‌سوی شما فرامی‌خوانیم:

جمع شدن گرد پرچم مهدی؛ پرچمی که ما آن را برمی‌افرازیم؛ باشد که خدا به آن‌ها رحم آورد و از قوم ستمگر نجاتشان دهد.

مسئله دیگر: تغییر وضعیت منطقه‌ای و جهانی؛ به‌گونه‌ای که وضعیت جدید منطقه‌ای و جهانی به نفع اهالی بحرین- خداوند حفظشان فرماید- باشد و این وضعیت ان‌شاءالله- در آینده نزدیک واقع خواهد شد و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است و ان‌شاءالله وضعیت بحرین تغییر خواهد کرد؛ خدا برایتان گشایش خواهد فرمود و ستمگران از بحرین فرار خواهند کرد و به پشت سرشان هم نگاه نخواهند کرد.

اما در خصوص شرکت در تظاهرات به نفع احزاب و گروهی از صاحبان نفوذ و منفعت، و وکلای مراجع یا بدون هیچ برنامه‌ریزی و محاسبات قبلی، در چنین تظاهرات‌هایی شرکت نکنید و خودتان را در معرض کشتار و هتک حرمت قرار ندهید- خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار فرماید- و خون‌هایتان را به‌عنوان بهایی برای کرسی‌هایی که این شبیهان به آل زبیر- که با خون‌های شما تجارت می‌کنند- خواهانش هستند نپردازید. به هم‌قطاران آن‌ها در عراق بنگرید که چقدر با خون مسکینان ستم‌دیده شیعه اهل بیت تجارت کردند و چقدر شیعیان عراق در انتفاضه شعبانیه و دیگر موارد قربانی‌ها دادند و دستان خود را- در نهایت- خالی از هر چیزی جز رحمت خدا دیدند که البته بهتر از چیزی است که می‌اندوزند؛ ولی آیا آن‌ها و خانواده‌های قربانیان، حقوق واجب ندارند که باید پرداخت شود؟ آیا حق مردم نیست؛ کسانی که مراجع نامیده می‌شوند- و مردم از آنها پیروی می‌کنند- حقوق مردم را مطالبه کنند و از سال ۲۰۰۳ و حتی پیش از اینکه مردم حقوقشان را مطالبه کنند، دست‌کم درخواست جبران مالی برای آن‌ها می‌کردند؟ بلکه اساساً کسانی که مراجع نامیده می‌شوند و آنان که امروز در عراق حکومت می‌کنند باید

دست این افراد را قبل از پرداخت حقوقشان- ببوسند؛ زیرا خون این افراد و قربانی‌هایی که دادند بهای کرسی‌هایی است که کسانی که امروز به اسم مرجعیت حکومت می‌کنند بر آن می‌نشینند و خون این مردم مسکین بهایی شد تا کسانی که مراجع نامیده می‌شوند بعد از ۲۰۰۳ در عراق امر و نهی کنند. پس ببینید کسانی که مراجع نامیده می‌شوند و کسانی که حکومت می‌کنند چگونه پاداش این مسکینان را دادند؟ اینک این مسکینان پس از گذشت بیش از ده سال، ساده‌ترین حقوق خود را درخواست می‌کنند و گویا گداهایی هستند که از کسانی که بر آنها برتری دارند درخواست می‌کنند.

خداوند توفیقتان دهد! بر حذر باشید که همان افعی از همان سوراخ شما را نگزد و بدانید که خداوند توفیق تحقق آنچه را گفتم به شما خواهد داد. حق را به مردم بشناسانید و آن‌ها را به حق دعوت کنید و ان شاء الله گشایش را خواهید دید.

و اگر خواستار شتاب در گشایش خود و گشایش بحرین و اهالی بحرین هستید لازم است هر فرصت و وقت خالی را با عبادت خدا، اخلاص برای خداوند سبحان و متعال، بیان حق برای مردم و دعا و توسل به او- سبحان- پُر کنید تا شما را در هر خیری وارد و از هر شری خارج کند و بر شما با خیر آخرت و دنیا، منت نهد. شما ای انصار خدا- نه دیگر مردم- نگاه خداوند به شماست؛ پس در عبادت و دعا و تبلیغ، کوشا باشید که گشایش و فرج شما در آن است، و فرج مردم به فضل شما و به فضل طاعت و عمل شماست.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ مارس ۲۰۱۳:

:Sun Rise

سلام بر شما ای آقای من! چقدر نیازمند گفت‌وگو با شما هستم. واقعاً ضروری است ولی نمی‌توانم در محل عمومی سخن بگویم. چند بار از شما درخواست کردم ولی به من پاسخ ندادید. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد. تمنای پاسخ دارم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

خداوند شما را توفیق دهد. می‌توانی خواسته یا نامه‌ای را که نمی‌خواهی در محل عمومی منتشر شود، برای دخترم -دکتر ابتسام احمد- ارسال کنی.

*** **

وصیت رسول خدا ﷺ و اسباب هجوم به خانۀ فاطمه (علیها السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۸ مارس ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما

نیمۀ ماه جمادی‌الاول مصادف با یاد شهادت فاطمۀ زهرا (صلوات خدا بر او) است؛ در حالی که متأثر از جراحی بود که در اثر تعرض به خانۀ محمد فرستادۀ خدا ﷺ -به واسطۀ هجوم عمر و جماعت همراهش- به ایشان وارد شد.

امیدوارم خداوند به مؤمنان توفیق برپایی مجالس عزا در سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم جمادی‌الاول و بیان ماجرا و چگونگی حملۀ عمر به خانۀ رسول خدا ﷺ و تهدید به سوزاندن آن همراه کسانی که در آن بودند -یعنی علی و فاطمه و کودکانشان (صلوات خدا بر آنان)- عطا فرماید.

انتظار دارم بزرگواران و مشایخ طلاب حوزه مهدوی -خداوند محفوظشان بدارد- و دیگر مردان و زنان مؤمن -خداوند حفظشان فرماید- حقیقت واقعۀ هجوم به خانۀ فاطمه (صلوات خدا بر او) را بیان کنند؛ آن‌گونه که هست و آن‌گونه که رخ داده است و با دلایل و

اثبات تاریخی از کتاب‌های مخالفان^۱ بدون گفتن ناسزا یا دشنام یا لعن و نفرین به مهاجمان.

اجازه دهیم مسلمانان شریف با خود انصاف پیشه کنند و بر اساس عدالت میان فاطمه دختر محمد ﷺ سیده بانوان جهانیان و کسانی که به خانه‌اش یورش برده، مسبب آزار و شهادتش شدند، حکم کنند، و به جست‌وجوی اسباب و عللی بپردازند که منجر به این هجوم شد؛ اسبابی که محور و اساسش وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ بود؛ همان وصیتی که آن را بازدارنده امت از گمراهی توصیف فرمود؛ آن هنگام که رسول خدا ﷺ خواست وصیت را برای عموم مردم در روز پنجشنبه در حالی که در بیماری منجر به وفاتش قرار داشت بنویسد و عمر و دارودسته‌اش به جنابش اعتراض کرده، رسول خدا ﷺ را به اینکه هذیان می‌گوید (یعنی خرفت و کودن شده است) متهم می‌کنند؛ و مصیبت مشهور پنجشنبه واقع شد. در نتیجه رسول خدا ﷺ از نوشتن این نوشتار بازدارنده برای کسانی که در روز پنجشنبه آن را نپذیرفتند روی گرداند و پس از آن، در شب وفاتش برای کسانی نوشت که آن را پذیرا بودند. شکر خدا که علی علیه السلام نگارنده این نوشتار و امامان از فرزندانش (صلوات خدا بر آنان) آن را حفظ و برای امت بیان کردند و این نوشتار به شیخ طوسی رحمته الله علیه رسید و او آن را در کتاب «الغیبة»^۲ نقل کرد و روایانش را با صفت «خاصه» یعنی شیعیان مؤمن، توصیف کرد و به این صورت صدق و راست‌گویی‌شان اثبات می‌شود؛ چرا که هیچ نکوهشی برای آنان ثابت نشده است. به این ترتیب «وصیت» برای کسی که با سند استدلال می‌کند «صحیح‌السند» است؛ کما اینکه وصیت، قرینه و تواتر معنوی هم دارد و به این ترتیب صحت صادرشدنش اثبات می‌شود؛ و از آنجا که چنین توصیف شده

۱ - به‌عنوان مثال نگاه کنید به: کتاب الامامة و السياسة، ابن قتیبة، ج ۱، ص ۱۹، تحقیق الزینی؛ تاریخ بلاذری،

ج ۱، ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۹۷۵.

۲ - غیبت، طوسی؛ ص ۱۵۰، تحقیق عبادالله تهرانی، در چاپ فارسی، ص ۳۰۰.

که به تنهایی کافی است تا امت را از گمراهی بازدارد، محال است توسط افراد دیگری غیر از صاحبانش که در آن ذکر شده‌اند مورد ادعا قرار گیرد؛ زیرا اگر امکان ادعای وصیت توسط غیر صاحبانش وجود داشته باشد خداوند سبحان و متعال که آن را به تنهایی - به اینکه برای بازداشتن از گمراهی کافی است توصیف فرموده، متهم به کذب و دروغ‌گویی خواهد شد؛ چرا که او به بازدارنده بودن آن از گمراهی خبر داده، در حالی که بازدارنده نبوده است! یا متهم می‌شود به جهل و نادانی نسبت به غیب یا ناتوانی از حفظ و نگهداری از ادعا توسط افراد باطل قبل از ادعای آن توسط صاحبش؛ در حالی که ساحت او سبحان - از آنچه باطل پیشگان می‌گویند بسی به دور است!

خوشا به حال کسانی که به وصیت رسول خدا محمد ﷺ تمسک می‌جویند، و وای بر کسانی که با وصیت رسول خدا محمد ﷺ در همان ابتدا به نبرد برخاستند و برای جلوگیری از نوشتنش تلاش کردند و گفتند او هذیان می‌گوید؛ به این دلیل که اسم علی (علیه السلام) نخستین اوصیا - در آن بود.

و وای بر کسانی که امروز در مبارزه علیه وصیت از آن‌ها تبعیت می‌کنند و به هر تلاش زشتی - که علت آن نحوسنتشان است - برای اشکال گرفتن به وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ متوسل می‌شوند؛ تنها به این دلیل که اسم احمد اولین مهدیین در آن است.

*** **

ترور شیخ البوطی توسط وهابی‌های تبهکار در سوریه

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۲ مارس ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پیش‌تر گفته‌ام و امروز نیز تکرار می‌کنم: این کسانی که برای تخریب سوریه

چنگ اندازی کرده‌اند و مردمش را به قتل می‌رسانند، گروه‌های وهابی تبهکار و آدم‌کش‌هایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در زمرهٔ گونهٔ انسانی به شمار آورد؛ بلکه آن‌ها عبارت‌اند از مسخ‌شدگانی شیطانی که سگ‌ها و خوک‌ها در مقایسه با آن‌ها ستایش شده به حساب می‌آیند؛ همان طور که رسول خدا ﷺ فرموده است: «در روز قیامت، گروهی از کسانی که خود را به امت من نسبت می‌دهند به خَلْقَتی مبعوث می‌شوند که خوک‌ها در برابرشان ستایش می‌شوند.» آن‌ها امروز با ترور شیخ البوطی،^۱ نه فقط برای انسانیت، بلکه برای هر وهابی فریب‌خورده‌ای که اندک بهره‌ای از انسانیت داشته باشد قطعی ساخته‌اند که آن‌ها عبارت‌اند از مسخ‌شدگان و اینکه دین وهابی‌شان عبارت است از مسخی شیطانی، و لازم است آن‌ها به خود مراجعه کرده، پیروی از این دین وهابی شیطان را - که به عبادت هبلی که در آسمان است دعوت می‌کند و هرکسی را که عبادت این بت را نمی‌پذیرد سر می‌بُرد- رها کنند؛ همان بتی که دو دست دارد، انگشت‌هایی دارد و دو چشم دارد و تمامی این‌ها را حقیقتاً دارد؛ یعنی بتی همانند هبل، با این تفاوت که طبق عقیدهٔ وهابی‌ها اکنون در آسمان قرار دارد.

ترور شیخ البوطی، علامتی واضح در تشخیص تبهکاربودن این گروه‌های وهابی است؛ گروه‌هایی که برای تخریب سوریه و هتک حرمت بیشتر مردمش چنگ اندازی کرده‌اند؛ همان طور که جنایت ترور شیخ البوطی علامتی واضح برای تشخیص تبهکاربودن حامیان این وهابی‌های آدم‌کش و فاقد غیرت و شرف و انسانیت است. خداوندا! این وهابی‌های آدم‌کش را که برای تخریب سوریه و کشتن مردمش هجوم آورده‌اند، خوار و رسوا فرما. خداوندا! سوریه را قبر خودشان و دین شیطانی‌شان قرار ده.

۱ - محمد سعید رمضان البوطی (۱۹۲۹ تا ۲۰۱۳) دانشمند اشعری مذهب سوری، متخصص در علوم اسلامی است. او کتاب‌های متعددی مطابق با مذاهب چهارگانه سنی در زمینهٔ شریعت دارد. وی همراه ۴۲ نفر دیگر در دمشق به دست گروه‌های تکفیری تبهکار ترور شد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ، عَظِيْمُ الْجَبْرُوْتِ، شَدِيْدُ
 الْمِحَالِ، غَيَّبِي عَنِ الْخَلٰقِي، عَرِيْضُ الْكِبْرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلٰى مَا
 تَشَاءُ، قَرِيْبُ الرَّحْمَةِ، صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النِّعْمَةِ،
 حَسَنُ الْاَهْلَاءِ، قَرِيْبٌ اِذَا دُعِيْتُ، مُحِيْطٌ بِمَا خَلَقْتَ، قَابِلُ
 التَّوْبَةِ مَنْ تَابَ اِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلٰى مَا اَرَدْتَ، وَمُنْدِرُكَ مَا
 طَلَبْتَ، وَشُكُوْرٌ اِذَا شُكِرْتَ، وَذُكُوْرٌ اِذَا ذُكِرْتَ، اَدْعُوْكَ
 مُحْتَاجًا، وَارْعَبُ اِلَيْكَ فَقِيْرًا، وَافْرَعُ اِلَيْكَ خَائِفًا، وَابْكِي
 اِلَيْكَ مَكْرُوْبًا، وَاسْتَعِيْنْ بِكَ ضَعِيْفًا، وَاتَوَكَّلْ عَلَيْكَ
 كَافِيًا، اَحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرُّوْنَا وَخَدَعُوْنَا
 وَغَدَرُوْنَا بِنَا وَقَتَلُوْنَا، وَنَحْنُ عَثْرَةٌ نَبِيْكَ، وَوَلَدٌ حَبِيْبِكَ
 مُحَمَّدٌ بِنُ عَبْدِاللهِ، الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ، وَاتَّمَنَّتُهُ
 عَلٰى وَحْيِكَ، فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا
 بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

بار خدایا! تویی بلند مقام، با جبروت بزرگ، با تدبیر استوار،
 بی نیاز از خلائق، کبریایی ات پهناور، توانا به هر چیز که بخواهی،
 رحمتت نزدیک، وعدهات راست و درست، با نعمتهایی بسیار،
 امتحانت نیکو، وقتی خوانده می شوی نزدیک هستی، به
 مخلوقات احاطه داری، پذیرنده توبه هر کسی که به درگاهت
 بازگردد، به هر چه اراده کنی توانایی، هر چه را که طلب کنی
 بیایی، آنگاه که شکرته به جا آید شکرگزاری کنی، یاد کننده ای
 آنگاه که یادت شود، تو را می خوانم در حالی که نیازمندم، فقیرانه
 به درگاهت مشتاقم، هراسناک به درگاهت نالانم، از رنج و درد به
 سوی تو گریانم، عاجزانه از تو یاری می طلبم، و بر تو توکل می کنم
 که کفایت کننده ای. میان ما و قوم ما داوری فرما، که این قوم ما

را فریفتند، با ما خدعه کردند، به ما خیانت کردند و با ما جنگیدند،
در حالی که ما عترت نبی تو و فرزندان حبیب تو محمد بن عبد
الله هستیم؛ همان کسی که تو او را به رسالت برگزیدی و بر وحی
خود امین قرار دادی؛ پس در امر ما گشایش و برون رفتی عطا
فرما! به لطف و رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.^۱

*** **

تبریک و تهنیت به مناسبت ولادت حسین بن علی (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.

حلول این روزهای با کرامت که حسین و خاندان حسین -صلوات خدا بر همه‌شان- را
به ما عطا کرده است بر شما مبارک باد!

سلام بر حسین و بر فرزندان حسین و بر اصحاب حسین که همراه حسین به شهادت
رسیدند -صلوات خدا بر همه‌شان- و لعنت خدا بر یزید و پیروانش تا روز قیامت.

در «المصباح» آمده است: توقیع (دست‌نوشت) شریفی برای قاسم بن علاء همدانی
وکیل حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) آمد؛ با این مضمون که مولایمان امام حسین (علیه السلام)
در روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد؛ پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ
بَكَتِهِ السَّمَاءِ وَ مَنْ فِيهَا وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ لَمَّا يَطَأُ لِابْنَتَيْهَا قَبِيلَ الْعَبْرَةِ وَ سَيِّدِ الْأُسْرَةِ
الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمَعْوُضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ الْأَيِّمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشَّقَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ الْفَوْزَ
مَعَهُ فِي أُوبَتِهِ وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِترَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَ يَنْتَازُوا النَّازَ وَ

^۱ - دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا.

يُرْضُوا الْجَبَّارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ
إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَ أَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَ أَمْسِهِ
يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ
بُؤْتْنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ وَ مَحَلَّ الْإِقَامَةِ اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُفْتِهِ وَ ارْزُقْنَا
مُرَافَقَتَهُ وَ سَابِقَتَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَ يُكْتَبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ
أَوْصِيَائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ النَّجُومِ الزُّهْرِ وَ الْحُجَجِ عَلَى
جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ وَ هَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَ أَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ
الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ عَادَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَ
نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.»

«خدایا از تو می‌خواهم به حق مولودِ در این روز که به شهادتش پیش از برخاستن
صدایش و ولادتش، وعده داده شد و آسمان و هرکه در آن است و زمین و هرکه بر آن
است بر او گریست؛ در حالی که هنوز قدم در جهان نگذاشته بود. کشته اشک، سرور
خاندان، مددیافته به یاری در روز بازگشت [عالم رجعت]. پاداش شهادتش این است که
امامان از نسل اویند و شفا در تربت اوست و پیروزی هنگام بازگشتش با اوست و بعد از
قائم و غیبتش اوصیا از عترت اویند تا آنان انتقام گیرند و خون‌خواهی کنند و حضرت جبار
را خشنود سازند و بهترین انصار باشند؛ صلوات خداوند بر آنان در تمام روزگار. بارالها! به
حق آن‌ها به درگاه تو توسل می‌جویم و درخواست می‌کنم مانند گناه‌کاری که معترف به
گناه خود است و به خودش بد کرده است و از افراط‌کاری روزوشب بر خویش ستم کرده،
از تو درخواست می‌کند که ایمانش را تا وقت مرگ محفوظ داری. خدایا! بر محمد و
خاندانش درود فرست، و ما را در جمع او محشور کن، و همراه وی در بهشت و جایگاه
ابدی جای ده. خدایا! همچنان که ما را با شناختنش گرمی داشتی، پس ما را با تقرب به
آن حضرت گرمی دار، و همراهی و سابقه محبت با او را روزی ما فرما، و ما را از کسانی
قرار بده که تسلیم فرمانش می‌شوند، و هنگام بردن نامش بسیار بر او صلوات می‌فرستند،
و نیز بر همه جانشینان و خاندان برگزیده‌اش، آن یاری‌شدگان از سوی تو، دوازده نفر، آن

ستارگان درخشان، و حجت‌های الهی بر تمام بشر. خدایا! در این روز بهترین موهبت را به ما عطا فرما و همهٔ نیازمندی‌های ما را برآورده ساز؛ چنان که حسین را به جدش محمد عطا فرمودی؛ و فطرس به گهواره‌اش پناهنده شد، ما [هم] پس از شهادتش پناهنده به مزار اویم. بر تربتش حاضر می‌شویم و بازگشتش را انتظار می‌کشیم. آمین ای پروردگار جهانیان.^۱

** ** *

ستارهٔ شش‌پر و رابطهٔ آن با صهیونیسم

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید، و خداوند در این روزهای مبارک ماه شعبان به شما برکت دهد، توفیق‌تان دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد و زنده‌کردن این روزهای مبارک را هر سال با یاد خدای سبحان و اطاعت او روزی ما و شما فرماید.

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که حسین را به ما شناساند. از خدا می‌خواهیم در اقتدا به سیرهٔ او به ما توفیق عطا فرماید و گام‌هایمان را استوار بدارد.

در روزهای گذشته، از نوشتن فاصله گرفتیم. چه بسا تقصیرکار باشم، ولی از آگاهی‌یافتن - گرچه برای مدت‌های کوتاه و بر برخی از عناوینی که مؤمنان در برخی از صفحات ارتباطات اجتماعی می‌نویسند - فاصله نگرفتیم. در این روزها نوشته‌هایی دربارهٔ ستارهٔ شش‌پر و ارتباط آن با صهیونیسم دیدم و اینکه دولت یهودی مقیم در فلسطین ستارهٔ شش‌پر را در پرچم خود قرار می‌دهد.

ظاهراً جمعیتی از بزرگان وهابی و بزرگان شیعهٔ مرجع‌گرا و برخی از نادان‌های پیرو

آن‌ها و نیز کسانی که همراهشان مشغول سوت و کف زدن هستند، همواره اصرار دارند بر اینکه ستاره شش‌پر، نمادی صهیونیستی و مخصوص صهیونیسم و یهود است و نه چیز دیگر؛ با اینکه ما:

بیش از هشت سال است تلاش می‌کنیم به آن‌ها بفهمانیم که ملازمتی همیشگی میان ستاره شش‌پر و صهیونیسم وجود ندارد و این افرادی که فلسطین را اشغال کرده‌اند فقط یک عده از کسانی هستند که در طول دوران- از این ستاره استفاده کرده‌اند.

ما تلاش می‌کنیم حقایق موجود و ملموس را به آن‌ها بفهمانیم؛ مثل وجود این ستاره روی صندوقچه حضرت فاطمه (علیها السلام) در ترکیه و موزه امام حسین (علیه السلام) در کربلا،^۱ و آیا آن‌ها [با چنین ادعاهایی] فاطمه دختر پیامبر اسلام را متهم به صهیونیسم می‌کنند؟!

ما تلاش می‌کنیم به آن‌ها بفهمانیم که ستاره شش‌پر در کهن‌ترین تمدن‌های روی زمین در عراق نوح و ابراهیم و سومر و اکد^۲ یافت شده است؛ یعنی پیش از آنکه شخصی یهودی روی زمین وجود داشته باشد.

ما تلاش می‌کنیم به آن‌ها بفهمانیم که این ستاره، کاربردی اسلامی داشته و برخی از حکومت‌های اسلامی از این نماد در پرچم خود استفاده می‌کرده‌اند.^۳
و ما تلاش می‌کنیم و ما تلاش می‌کنیم ...

۱ - موزه امام حسین (علیه السلام) در کربلا یک کپی از روی صندوقچه موجود در موزه «توبقایی» در استانبول ساخته و روی آن به‌وضوح ستاره شش‌پر وجود دارد و عکس‌های این صندوق موجود است. این خبر در لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://burathanews.com/arabic/news/۱۱۸۸۷۱>

۲ - در موزه ودراسیاتیشز (Vorderasiatisches) در شهر برلین آلمان، قطعه‌ای باستانی مربوط به تمدن سومری وجود دارد که به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد. روی این قطعه، ستاره‌ای شش‌پر دیده می‌شود و زکریا سیچین از آن عکس گرفته است. قابل دسترسی در: <http://www.sitchin.com/>

۳ - به‌عنوان مثال تا سال ۱۹۱۵ ستاره شش‌پر روی پرچم کشور مغرب قرار داشت که با ستاره پنج‌پر جایگزین شد.

ولی همواره «فهمیدن»، برای گروه نادان نافرمانی محسوب می‌شود؛ گروهی که برخی بزرگان دینی نادان پیشاهنگشان هستند.

آیا عاقلانه است که درک نبود ملازمت دائمی بین ستاره شش‌پر و صهیونیسم، تا این اندازه فهمیدنش دشوار باشد؟

هشت‌سال‌واندی سپری شده در حالی که آن‌ها هنوز مسئله‌ای به این سادگی را از طرف ما متوجه نشده‌اند؟!

تعجب می‌کنم، گویا با جماعتی... سخن می‌گویم که حتی یک حرف از گفته‌هایم را درک نمی‌کنند!

بر تو اندوهگینم ای حسین که تو در میان مردمی این‌چنین، ایستاده سخن گفتی،

بر تو اندوهگینم ای علی که تو در میان مردمی این‌چنین، ایستاده سخن گفتی؛

بر تو اندوهگینم ای محمد که تو در میان مردمی این‌چنین، ایستاده سخن گفتی؛

خداوند! تو به حقایق آن‌ها داناتر هستی: ﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ

إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (آیا گمان داری بیشترشان می‌شنوند یا

می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند).^۱

آیا با وجود چنین وضعیتی که گرفتارش هستند نیاز به دلیلی برای صحت نظریه

تکامل خواهیم داشت؟!

*** **

وظیفه اخلاقی مردم عراق در برابر مردم سوریه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳:

بنده معتقدم مردم عراق در برابر مردم سوریه - که امروز نیازمند هرگونه یاری و

[۱] فرقان: ۴۴

مساعدهتی هستند۔ وظیفه اخلاقی بر گردن دارند۔ اتفاق ماهانه چند میلیون دلار از درآمدهای نفتی برای کمک به تأمین غذا و دارو برای مردم سوریه مبلغ زیادی نیست۔

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ جولای ۲۰۱۳:

چهارشنبه، اول ماه رمضان است۔ هر سال در خیر و عافیت باشید۔ از خداوند مسئلت دارم روزه‌داری و شب‌زنده داری این ماه کریم را روزی شما فرماید۔

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ جولای ۲۰۱۳:

ای مؤمنان مصر، خداوند شما را حفظ فرماید و در کارتان برکت قرار دهد۔ از خداوند مسئلت دارم که ماه رمضان برای شما و مردم بزرگوار مصر گشاینده خیر باشد۔

با اشک‌هایتان غسل کنید که آب زندگانی است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ جولای ۲۰۱۳:

این ماه، ماه رحمت و مغفرت و عطای گسترده است۔ آن را با یاد خدا - هرچند با گفتن یا الله - زنده بدارید۔ یتیمان و فقیران را یاد کنید۔ با اشک‌هایتان در پیشگاه خدا غسل کنید که آب زندگانی است۔

تبریک به مناسبت عید بابرکت فطر

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ آگوست ۲۰۱۳:

هر سال در خیر و عافیت باشید۔ عید با برکت فطر مبارکتان باد۔

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ آگوست ۲۰۱۳:

خداوند اعمالتان را قبول فرماید. از خدا می‌خواهم شما را نزد خودش از برترین بندگانی قرار دهد که از هر خیری که در ماه رمضان کریم و در این سال نازل فرموده است بهره‌مند هستند.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ آگوست ۲۰۱۳:

از خدا می‌خواهم این سال را بهترین سالی که برایتان نازل شده است قرار دهد و خیرش را روزی‌تان و از شرش کفایتان فرماید.

** ** *

درخواست بنای ضریح امام حسن بن علی علیه السلام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ آگوست ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند شما را به واسطه محمد و آل محمد (صلوات خدا بر آنان) پاداش خیر دهد! شما نزد خداوند - ان شاء الله - فراوانید و این موضع‌گیری شما - ان شاء الله - در ملاء اعلی یاد می‌شود. از خدا می‌خواهم برای شما و فرزندان‌تان برکت قرار دهد و شما را در پناه خود حفظ فرماید و در غار مستحکم خود پناه دهد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

این پرسش خطاب به فضیله اهل سنت (خدا توفیقشان دهد) است، نه وهابی‌هایی که با آل محمد دشمنی می‌کنند:

چرا از ضریح حسن بن علی (صلوات خدا بر او) دفاع نمی‌کنید؟ چرا بازگرداندن بنای آن را پس از آنکه وهابیون تکفیری دشمنان آل محمد، آن دشمنان محمد و دشمنان خدا، نابودش کردند- مطالبه نمی‌کنید؟

آیا اینکه حسن بن علی سرور جوانان اهل بهشت است از نظر شما صحیح نیست؟! پس چرا از او دفاع نمی‌کنید و از باقی ماندن ضریح وی به همین شکل ویران شده - که

تا همین امروز نیز این چنین است. ابراز انزجار نمی‌کنید؟! روز قیامت وقتی رسول خدا از شما سؤال کند چگونه جانشینانی برایم در میان اهل بیتم بودید به او چه خواهید گفت؟! آیا عاقلانه است شما برای فقیهی همچون ابوحنیفه، ضریحی آن چنانی بسازید، در حالی که برای دفاع از پسر رسول خدا و سرور جوانان اهل بهشت -حسن بن علی (صلوات خدا بر او)- در تردید به سر ببرید و پس از آنکه دشمنان خدا به این ضریح تجاوز کردند، قبول کنید ویران باقی بماند؟



*** **

خودداری کمیته رسانه و ارتباطات از افتتاح رادیویی برای ما در عراق

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۹ آگوست ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در عراق اداره‌ای به نام «کمیته رسانه و ارتباطات» وجود دارد که جماعتی اندک از سرسپردگان مراجع بر آن سیطره دارند و آن طور که به بنده خبر رسیده است مدتی طولانی است که انصار امام مهدی برای کسب مجوز رسمی جهت افتتاح رادیو در عراق و خرید تجهیزات و نصب دکل جهت پخش امواج اقدام کرده‌اند؛ ولی این کمیته از دادن مجوز

برای افتتاح رادیو سر باز می‌زند و علت این است که مراجع آن‌ها در برابر ادله دعوت مهدوی مبارک و پاسخ به این ادله -از نظر علمی- ناتوان هستند؛ به همین جهت آن‌ها ترجیح می‌دهند شبکه‌های وابسته به مراجعشان به‌تنهایی با نشر اکاذیب و سخن‌پراکنی بر ضد دعوت مهدوی مبارک و فریب‌دادن افراد مسکین ستم‌دیده‌ای که در جهل نگهداشته شده‌اند پیروزی‌هایی به دست بیاورند؛ بی‌آنکه هیچ‌گونه دفاعیه یا بیانیه‌ای از طرف کسانی که علیه‌شان دروغ‌سازی می‌کنند وجود داشته باشد. آن‌ها از هرگونه شبکه رادیویی یا ماهواره‌ای یا شبکه اعلام‌جمعی که ادله این دعوت مبارک را منتشر و عرصه را برای بحث و مناظره باز کند تا حق از باطل تمییز داده شود می‌ترسند و وحشت دارند؛ زیرا چنین شبکه‌ای رادیویی یا ماهواره‌ای، جهل و نادانی کسانی را که با این دعوت مقابله می‌کنند آشکار می‌سازد و توخالی بودن اعتقادشان را روشن می‌کند؛ وگرنه اگر توانایی رویارویی و پاسخ‌گفتن دلیل با دلیل، و حجت با حجت را داشتند مانع انصار امام مهدی از افتتاح شبکه رادیویی یا ماهواره‌ای نمی‌شدند. بنده این را بیان می‌کنم تا تاریخ، سرکوبگری حکومت مرجع‌گرای عراق را نسبت به عقیده حقی که ما آورده‌ایم و مراجع آن‌ها ناتوان از رویارویی علمی با آن هستند ثبت نماید.

ما مسئولیت کامل این سرکوب فکری را متوجه آقای نوری مالکی می‌دانیم؛ زیرا اگر او نمی‌خواهد مسئولیت این وضعیت را بر عهده بگیرد باید طبق قانون نوشته‌شده خودشان عمل کند.

*** **

حمایت آمریکا از القاعده در سوریه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ آگوست ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

اخبار از تصمیم دولت آمریکا و دولت‌های غربی برای حمله به سوریه خبر می‌دهند؛ در حالی که ما امروز در سوریه نبردهایی را بین ارتش سوریه و آدم‌کش‌های القاعده شاهد

هستیم. پس کسی که به ارتش سوریه یا به طور کلی به سوریه حمله کند، همان کسی خواهد بود که از ساماندهی القاعده حمایت می‌کند و آن را برای مسلط شدن بر گرده مسلمانان یاری می‌رساند. این یک معادله بسیار ساده است و به هیچ تحلیل دیگری نیاز ندارد؛ بنابراین ما امروز به روشنی کامل - آمریکا و برخی از دولت‌های غربی را می‌بینیم که القاعده را در سوریه و منطقه خاورمیانه پشتیبانی می‌کنند.

*** **

سخنی در حق دکتر محمد عطیه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ سپتامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

تبریک و تحیتی پاک به همه بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

دکتر محمد - خدا حفظش کند - نوشت:

دکتر شیخ محمد عطیه سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقا و مولای من، ای قائم آل محمد (علیهم السلام) احمدالحسن! خداوند شما را گرامی بدارد، با فتح مبین تأییدت فرماید، شما و انصارت را جمع نماید، دشمنانت را هلاک گرداند و مرا همیشه و تا ابد همراه شما قرار دهد! از شما می‌خواهم بنده را عفو کنید و از تقصیر و کوتاهی‌ام در حق شما اهل بیت (علیهم السلام) گذشت نمایید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

دکتر محمد عطیه، خداوند شما و خانواده گرامی و همه کسانی را که به شما پناه می‌آورند حفظ فرماید. از خداوند می‌خواهم به شما برکت ارزانی دارد و از فضل خودش بر شما زیادت فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

این سیره پاک مبارک، گوارایتان باد. سخن و همراهی تو با حق، همواره موجب رنج و به‌سختی‌افتادنت می‌شود و این از فضل خداوند بر توست. پس خدا را به‌خاطر فضلش شکرگزار باش. وقتی در زمان حکومت دیکتاتوری در مصر، گوشه‌ای از حق را بر زبان راندی تو را زندانی و آزار و اذیت کردند و از سرزمین خودت مصر- اخراجت کردند، و وقتی در ایران، حق را بر زبان راندی، به این دعوت مبارک ایمان آوردی و تقلید از مراجع را ترک گفتی، برخی از مراجع حوزه قم، شنیدن صدای تو را تحمل نکردند و حکومت ایران را برای به‌زندان‌اندختن و اخراج تو از ایران، تحریک کردند. تو رنج و سختی را تحمل کردی و به یاری حق متمسک شدی و زندان و اخراج، پشت تو را از همراهی با حق خم نکرد. گوارایت باد، و از خدا می‌خواهم تو را با محمد و آل محمد- صلوات خدا بر همه‌شان- مبعوث فرماید.

** ** *

تعدد همسران در زمان پیامبر ﷺ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

تبریکی پاک به همه بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

استاد Najmat Aljadi:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من.

از خداوند عزوجل امید دارم که برای شما مولای من- به‌زودی فرج حاصل کند و قلب

مادرت فاطمه زهرا علیها السلام را خوشحال گرداند، که خداوند نزدیک و اجابت‌کننده است.

آقا و مولای من! بسیاری از اوقات که با مسیحیان درباره ادله دعوت سخن می‌گوییم

مشاهده می‌کنیم به سراغ امور شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌روند. از جمله این سؤال که چرا

رسول خدا صلی الله علیه و آله نه همسر اختیار کرد؟ مولای من، امیدوارم سبب را بیان فرمایید.

پاسخ:

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

به طور کلی گفت‌وگو با هر مخالفی باید در چهارچوب موضوع معینی قرار گیرد؛ وگرنه فقط به این شاخه و آن شاخه پریدن منجر خواهد شد؛ بی‌آنکه بهره‌ای از این گفت‌وگو حاصل شود.

اما موضوع ازدواج در زمان رسول خدا محمد ﷺ و به طور خاص در محیط زندگی آن حضرت، حتی پیش از اسلام نیز به دلیل زیاد شدن نسبت زنان به مردان ازدواج‌های متعدد وجود داشته و همان طور که مشخص است هیچ راه حل قابل قبول اجتماعی دیگری جز تعدد همسران برای حل این مشکل وجود نداشته است. سبب بروز چنین مشکلی در آن دوران این بود که در آن زمان‌ها جنگ‌ها و معرکه‌های دایمی و راهزنی‌ها وجود داشت و این شرایط همواره باعث کشته شدن تعداد زیادی از مردان می‌شد در حالی که زنان در خانه‌ها می‌نشستند و به طور معمول خارج نمی‌شدند و خطری تهدیدشان نمی‌کرد. حتی در میدان‌های جنگ نیز به اسارت گرفته می‌شدند و مثل مردها کشته نمی‌شدند. این زیاد بودن نسبت زنان در آن محیط باعث بروز مشکلی اجتماعی تا آن حدی می‌شد که بسیاری از زنانی که شوهری پیدا نمی‌کردند پرچم‌هایی برای اعلام تمایل به انجام عمل جنسی با مردان برمی‌افراشتند و زنانی که پرچم‌های سرخ داشتند در آن جامعه مشهور بودند. بسیاری از مردها دختران خود را در خردسالی می‌کشتند؛ پدیده‌ای که به زنده‌به‌گور کردن دختران معروف بود و علت بروز این پدیده افزون شدن زنان در آن جامعه و دست نیافتن بسیاری از آنها به ازدواج و پناه بردن به انجام عمل شهوانی به دور از چهارچوب قانون اجتماعی مثل ازدواج بود.

رسول خدا محمد ﷺ قانونی برای ساماندهی ارتباط جنسی در چنین جامعه‌ای برای ازدواج قانونمند آورد به گونه‌ای که نَسَب‌ها از بین نرود. تعدد همسران را با قانونی اجتماعی به صورتی تشریح فرمود که در چنین وضعیت اجتماعی نامتعادلی، کرامت زن را تضمین نماید به طوری که زن کالایی مثل دارندگان پرچمی که در بالا گفته شد برای

دست به دست شدن میان مردان نباشد بلکه به عنوان همسر محترمی برای یک مرد تلقی گردد که از حقوق قانونی برخوردار است. قانون تعدد همسران که رسول خدا محمد ﷺ آورد تأثیر به سزایی برای حل این پدیده اجتماعی روزافزون از خود بر جای گذاشت و فقط در عرض چند سال پدیده زنده‌به‌گور کردن دختران و همچنین زنان با پرچم‌های قرمز محو گردید. این در خصوص قانون‌گذاری رسول خدا حضرت محمد ﷺ برای تعدد همسران به جهت حل مشکلی اجتماعی یعنی فراوان بودن آمار زنان در آن جامعه بود.

اما در خصوص عملکرد شخصی آن حضرت (صلوات خدا بر او) سببش این بود که بیشتر مردها از ازدواج با چند همسر به دلیل سختی زندگی، تأمین غذا و موارد دیگر، خودداری می‌کردند و اقدام رسول خدا به ازدواج با چند زن - آن هم با وجود دارایی کم آن حضرت ﷺ - تشویقی برای دیگران بود و این عملکرد آن حضرت خارج از حد و مرزهای زندگی اجتماعی محیطی که در آن زندگی می‌کرد نبود؛ محیطی که بر مردانی که در آن بودند لازم می‌گرداند با چند زن ازدواج کنند تا معضل نسبت زیاد زنان به مردان به صورتی اخلاقی - حل شود و نیاز بیولوژیکی جنسی زن برطرف، و کرامتش با ازدواج متعدد، حفظ شود.

با این توضیح معتقدم اشکال گرفتن به مردی که با هفت زن ازدواج کرده در حالی که در محیطی زندگی می‌کند که نسبت زنان به مردان هفت به یک است، از مصادیق سفاهت و بی‌خردی است؛ زیرا شما در قرن بیست و یکم در جامعه‌ای زندگی می‌کنی که نسبت زنان به مردان یک به یک است و بیشتر مردان با یک زن ازدواج می‌کنند. ازدواج شما با هفت زن در زمان خودت و در جامعه خودت اشتباه است و ازدواج آن مرد نیز با یک زن در زمان و جامعه خودش درست نبود و حتی خطایی بزرگتر بود و ویران کننده جامعه محسوب می‌شد؛ زیرا مسبب پدیده‌هایی مثل زنده‌به‌گور کردن دختران و زنان پرچم‌دار می‌شد.

باطل بودن عقیده تقلید از غیر معصوم

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

تحیتی پاک به همهٔ بازدیدکنندگان این صفحهٔ مبارک.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

گفتهٔ پیشین خودم را تکرار می‌کنم:

آن‌هایی که خود را فُقُها و مراجع می‌نامند از ارائهٔ دلیل شرعی یا عقلی بر عقیده‌شان مبنی بر وجوب تقلید - که دین مرجع‌گرای خود را بر پایهٔ آن بنا می‌کنند - عاجزند؛ زیرا هیچ آیهٔ قرآنی محکم‌الدلاله و هیچ روایت قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلاله و نیز هیچ دلیل عقلی تامی برای این عقیده در دست ندارند. قاعدهٔ وجوب رجوع به عالم که از آن دم می‌زنند بر ایشان منطبق نیست؛ زیرا آن‌ها - در بهترین حالت - عرضه‌کنندهٔ ظن و گمان هستند، و جزو گمان‌برندگان محسوب می‌شوند. حقیقت آن است که این عده بعضاً فقط اوهام و خیالات خود را عرضه می‌دارند؛ مثل احکام نماز در مناطق نزدیک به قطب. برخی از این افراد که خود را مرجع می‌نامند - مثل صادق شیرازی و کمال حیدری - حتی قادر به درک آنچه به آن‌ها گفته می‌شود نیز نیستند؛ چرا که وقتی ما از آن‌ها اقامهٔ دلیل بر عقیده‌شان بر وجوب تقلید از غیر معصوم را خواستاریم، می‌بینیم آن‌ها دلیل خود را در باب رجوع به متخصص ارائه می‌کنند!

این سخن در بهترین حالت خود به معنی صدور جواز است و نه وجوب؛ حتی در همین جواز هم جای اما و اگر وجود دارد. اینکه آن‌ها چنین سخنی را به عنوان دلیل عقلی ارائه می‌کنند به این معناست که یا نمی‌دانند ما به ایشان چه می‌گوییم یا خود اذعان دارند که عقیده‌شان باطل و بدعت است و دلیلی بر آن ندارند و پس از آنکه ما بطلان آن را نمایان ساختیم از عقیدهٔ واجب‌بودنش دست کشیدند و آن را به جواز یا استحباب تنزل داده‌اند. اگر قضیه چنین است پس باید چشم‌پوشی از عقیدهٔ باطلشان را علنی کنند و بگویند از وجوب به جواز کوچ کرده‌اند تا ما نیز بحث و مناقشهٔ خود را با ایشان به همین وادی سوق

دهیم و در باب عقیده جدیدشان با آنها به بحث و مناظره پردازیم. منتظر پاسخ این کسانی که خود را مراجع می‌نامند و دفاعشان از عقیده و جوب تقلید از غیرمعصوم، هستم؛ یا اینکه برای مردم علنی کنند که این عقیده، عقیده‌ای ناصحیح است و آنها در بنانهادنش، ره به خطا پیموده‌اند.

** ** *

تبریک به مناسبت ولادت امام رضا علیه السلام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ولادت امام علی بن موسی الرضا (صلوات خدا بر او) بر شما مبارک باد و خداوند اعمالتان را قبول فرماید.

از علی بن فضال از پدرش از ابوالحسن علی بن موسی الرضا (صلوات خدا بر او) روایت شده است: مردی از اهل خراسان به ایشان عرض کرد: ای پسر رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که گویا به من می‌فرمود: «چگونه خواهید بود وقتی پاره تنم در زمین شما دفن شود و شما از امانت من نگهداری می‌کنید و ستاره من در زمین شما غایب شود؟!» امام رضا (صلوات خدا بر او) به او فرمود: «من در زمین شما دفن خواهم شد، و من همان پاره تن پیامبر شما هستم، و من همان امانت و ستاره هستم. آگاه باشید هرکس مرا زیارت کند، در حالی که به آنچه خداوند تبارک و تعالی از حق من و اطاعت از من واجب فرموده است عارف باشد، من و پدرانم در روز قیامت شفیعان او خواهیم بود، و هرکس که ما شفیعان او باشیم نجات خواهد یافت، حتی اگر گناه جن و انس بر گردنش باشد! حقیقتاً که پدرم از جدم از پدرش علیه السلام مرا حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس مرا در خواب خود ببیند قطعاً مرا دیده است؛ زیرا شیطان به صورت من یا به صورت

یکی از اوصیای من یا به صورت یکی از شیعیانشان متمثل نمی‌شود و رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت است.»^۱

*** **

بررسی درک نادرست شیرازی در خصوص دشنام‌دادن و آزار و اذیت زبانی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

تحتی پاک به بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

در این صفحه مبارک سخنی یافتیم به قلم شخصی که اسم خودش را به صورت واضح نوشته بود؛ شاید به دلیل ترس از رسوایی یا مسائل مشابه دیگر بوده باشد. قسمتی از نوشته او را نقل می‌کنم. این تنها بخشی از نوشته اوست که من کپی کردم. بقیه نوشته وی الفاظی زشت و قبیح در خود داشت که پس از نوشتن این پاسخ، دیگر آن را نیافتم و ظاهراً یکی از مؤمنانی که این صفحه را از الفاظ زشت و قبیح پاک‌سازی می‌کند آن را حذف کرده است؛ خداوند به او پاداش خیر دهد.

بخشی از آنچه وی نوشته است:

Talwar Zani»

احمد اسماعیل، تو نشسته‌ای و سخن مرا می‌بینی... می‌خواهم نظر تو را درباره عایشه بدانم!

اولین بار است که می‌بینم یک امام، زنی را که قاتل جدش است لعنت نمی‌کند! ای الاغ! ای بی‌غیرت! این زن، قاتل رسول خداست! تو خجالت نمی‌کشی اجازه می‌دهی

۱. [من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۸۴؛ عیون اخبار الرضا: ج ۱ ص ۲۸۷؛ امالی شیخ صدوق: ص ۱۲۰؛ بحار

الانوار: ج ۴۹ ص ۲۸۳]

ناظم عقیلی درباره عایشه بگوید سلام خداوند متعال بر او باد! ای بیبی غیرت! اگر تو یک مرد هستی از سخن عقیلی اظهار بیزاری کن!
 اما تو نمی‌توانی؛ زیرا تو خودت می‌دانی که هیزم دعوت تو حمای و عقیلی و صادق است.»

پاسخ:

این خُلق و خویی است آشنا.^۱

به نظر می‌رسد این پاسخ صادق شیرازی به نقض علمی‌ای باشد که بنده بر عقیدهٔ وجوب تقلید از غیرمعصوم ارائه کرده‌ام. در هر صورت، ای کسی که این مطلب را نوشته‌ای، تو چه خود صادق شیرازی باشی و چه یکی از وکیلان او یا یکی از جاهلانی که به این جاهل اجازهٔ فریب‌دادنتان را می‌دهد، برایت بهتر می‌بود - اگر عقلی در سر داشتی - به دلیل علمی‌ای پاسخ می‌دادی که در این صفحه برای نقض عقیدهٔ وجوب تقلید از غیرمعصوم ارائه کردم و - از این طریق - جهل و نادانی صادق شیرازی و ضعف ادراک و کوتاه‌بودن فهمش را نیز بیان نمودم؛ که این کار برای او و کسانی که او آن‌ها را به دشنام و ناسزاگویی و بیان الفاظ زشت و قبیح تشویق می‌کند بهتر می‌بود؛ الفاظی که او و برادران و وکیلانش عادت به استفاده از آن‌ها دارند؛ در حالی که هر شخص آزاده و پاک‌سرشتی، خودش را از چنین الفاظی خوددرای می‌کند.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾ (و زمین پاک، گیاهش به‌اذن پروردگارش بیرون می‌آید؛ و از زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی‌سود بیرون نمی‌آید؛ برای گروهی که سپاس‌گزارند این‌گونه نشانه‌ها را بیان می‌کنیم).^۲

۱ - شنشنة اعرفا من اخزم: «شنشنة» یعنی عادت غالب. «اخزم» نام یک شخص در بین عرب‌های قدیم است.

این جمله که امام به کار برده، ضرب‌المثلی است در تشبیه خلق و خو به پدران یک شخص. (مترجم)

۲. [اعراف: ۵۸]

ای دوستانی که از این صفحه مبارک بازدید می‌کنید، از این آیه مبارک حکمتی مبارک، قرآنی و الهی بگیرید: «**آن‌ها را از میوه‌هایشان می‌شناسید.**»

چه بسا بگویی من انسانی ساده‌دل هستم و نمی‌توانم تشخیص بدهم آیا احمدالحسن حق است و این افرادی که با او دشمنی می‌کنند باطل و پیشوایان گمراهی هستند! اما قرآن به سادگی به شما می‌فرماید به میوه نگاه کن؛ زیرا میوه، نوع درخت را به تو می‌شناساند؛ حتی اگر متخصص شناخت انواع درخت‌ها با توجه به شاخه‌ها یا برگ‌هایشان نباشی. کیست که نتواند درخت سیب را بشناسد وقتی ببیند سیب از شاخه‌های آن درخت آویزان است؟! همین‌طور در خصوص درختی که میوه سمی یا تلخ می‌دهد؛ شما وقتی به میوه‌اش نگاه می‌کنی درخت را از روی میوه‌اش خواهی شناخت.

﴿كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾ (برای گروهی که سپاس‌گزارند این‌گونه نشانه‌ها را بیان می‌کنیم).

«**آن‌ها را از میوه‌هایشان می‌شناسید.**»

امام صالح، علمی پاک و مبارک نتیجه می‌دهد، و نتیجه پایبند بودن به علم او، پدید آمدن بندگان صالحی است که از سر حکمت سخن می‌گویند.

اما امامان آتش - که شیطان آن‌ها را خوار و سبک نموده است و آن‌ها از او پیروی کرده‌اند - سخنی سفیهانه و فاسد نتیجه می‌دهند و در نتیجه پیروانی پدید می‌آورند که با زبان شیطان سخن می‌گویند؛ ناسزا، دشنام و سخن زشت و قبیح، فحش، دروغ و افترا!

«**آن‌ها را از میوه‌هایشان می‌شناسید.**»

زمین پاک، گیاه پاک و میوه پاک نتیجه می‌دهد و زمین ناپاک، میوه خبیث. منظور از زمین، امامی است که یاران و پیروانش را با توجه به علم و طرح و برنامه‌ای که ارائه می‌دهد تربیت می‌کند؛ پس امام هدایت را از طرح برنامه و میوه‌ای که نتیجه می‌دهد می‌شناسی: ﴿وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾ (و زمین پاک، گیاهش به‌اذن پروردگارش بیرون می‌آید).

و امام گمراهی را نیز می‌توانی از طرح و برنامه و میوه‌ای که نتیجه می‌دهد بشناسی؛

به‌خصوص وقتی چیزی وجود دارد که به‌روشنی بیان می‌کند آن امام و طرح و برنامه فاسدش، سبب به‌بارآمدن این میوه فاسد بوده است. اینجاست که هر عاقلی حق دارد تعجب کند، وقتی می‌بیند چنین شخص منحرفی با اخلاق فاسد و گفتاری زشت و قبیح یا کسی که به گفتار قبیح دعوت می‌کند. کسانی را می‌یابد که از او پیروی کنند و سخنش را بپذیرند؛ اما حکمت خداوند این چنین است که وقتی بخواهد حق را به‌روشنی آشکار سازد، افراد خبیث را یکی را بدتر از دیگری نشان می‌دهد تا خباثت و زشتی‌اش را به‌روشنی نشان دهد.

﴿وَالَّذِي حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا﴾ (و از زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی‌سود بیرون نمی‌آید).

برای اینکه حجت را بر کسانی که صادق شیرازی و برادرانش فریبشان داده‌اند تمام کنم، دلیل او برای کارهایی که خودش و برادرانش به‌طور مستقیم انجام دادند یا دیگران را تشویق بر دشنام و ناسزاگفتن کردند آنهم با کثیف‌ترین الفاظی که جانهای سلیم انسانی از آن فراری است؛ مورد بحث و بررسی قرار خواهم داد.

این نمونه‌ای تصویری است که در آن، صادق شیرازی علت کارهایی را که خودش به‌طور مستقیم یا توسط برادران و وکیلانش انجام می‌دهد مثل زبان‌گشودن با الفاظی زشت و ناشایستی که اخلاق سلیم انسانی از آن فراری است بیان می‌کند:

<https://www.youtube.com/watch?v=HoR9m7z04TM>

و این هم نمونه تصویری دیگری برای برادرش مجتبی شیرازی است که در آن، وی همین روش منحرف را ترویج می‌کند؛ با الفاظی که نفس‌های سالم انسانی از آن بیزار هستند چه برسد به صاحبان اخلاق و دین. ناسزا می‌دهد و دشنام می‌گوید. مصیبت اینجاست که او بعضی از این دشنام‌ها را با دروغ و تزویر به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نسبت می‌دهد؛ به آن پاک و طاهر، فرزند پاک و طاهری که در اوج دردمندی در میدان نبرد، در حالی که هنوز خون عزیزانش که در آن میدان از دست داده بود خشک نشده بود، از دهان پاکش یک کلمه ناشایست که عایشه را مخاطب قرار دهد

خارج نشد. او به عایشه ناسزا نمی‌گوید در حالی که می‌بیند عایشه مسبب کشتار بزرگی شده که دولت اسلامی را ضعیف و یارانش را پراکنده کرده است.

کلیپ مجتبی شیرازی در حال ترویج راه و روش دشنام‌گفتن و ناسزاگویی:

https://www.youtube.com/watch?v=gBO۰QE_PZbI

<http://www.youtube.com/watch?v=۴AGfC۰TvNsE>

شما را به پروردگارتان قسم، این صادق شیرازی و مجتبی شیرازی که در این کلیپ‌ها مشاهده‌شان می‌کنید، آیا طرحی دینی یا اخلاقی ارائه می‌کنند؟!

شما را به پروردگارتان قسم، آیا این افراد برای ارائه اسلام به میلیاردها بودایی، مسیحی و ملحد در سرتاسر جهان، شایستگی دارند؟!

در فیلم فوق صادق شیرازی برای اینکه روش منحرف خود را در به‌کاربردن الفاظ زشت و قبیح و نیز دشنام و ناسزاگویی که در کلیپ دیگر از برادرش شنیدید- توجیه کند، به خداوند تهمت می‌زند که در قرآن ناسزا می‌گوید، دشنام می‌دهد و الفاظی زشت و ناشایست به کار می‌گیرد! این تهمتی که وی به خداوند سبحان نسبت می‌دهد بنا بر فهم پیشین خودش از کلمه «زَنِمَ» است که در قرآن آمده. او به‌خاطر جهل و نادانی که دارد این کلمه را «محکم‌المعنی»^۱ به حساب می‌آورد و اینکه منظورش «ناسزا، و عبارت ناشایست» است و سپس سراغ آیه محکمی در نهی از ناسزاگفتن می‌رود؛ آنجا که حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (و به آن‌هایی که غیر از خدا را می‌خوانند دشنام ندهید که آنان از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این‌گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشتشان به سوی

۱. « [معنایی که هیچ تأویل دیگری نمی‌تواند داشته باشد] (مترجم)

پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت).^۱ صادق شیرازی می‌گوید این آیه منظوری خاص دارد و به‌طور کلی از «ناسزاگفتن و دشنام‌دادن» نهی نمی‌کند. این جاهل، با برداشتی متشابه از کلمه «زنیم» این آیه را این‌چنین مقید کرده است!

در حالی که ظاهر آیه در نهی از دشنام‌دادن و به‌کار بستن الفاظ قبیح و ناشایست، روشن است. پس این اخلاق درست انسانی نیست و هیچ انسان سلیم متعادلی امکان ندارد به این خصوصیت آراسته شده باشد که خدا را به ناسزا و دشنام‌گویی متهم کند. پاک و مقدس است او. از ساحت او بسی به دور است! اوست نیرومند توانایی که بر همه چیز مسلط است و هیچ نیازی به دشنام و ناسزاگفتن ندارد! او منبع اخلاق، ارزش‌ها و سخن پاک و طاهر است. او سبحانه است که می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز. یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه‌یافتگان داناتر است).^۲ راه و روش کلی قرآن این‌چنین است؛ همان راه و روشی که اوامر الهی باید در چهارچوبش فهمیده شود.

ای عزیزان! ای شیعیان آل محمد! هوشیار باشید؛ خدا توفیق‌تان دهد! این، محکم است؛ اینکه خداوند امر می‌فرماید دعوت شخص مخالف باید با حکمت و موعظه‌ حسنه باشد، نه با دشنام و ناسزاگویی و الفاظ ناشایست و قبیح: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به

۱. [انعام: ۱۰۸].

۲. [تحل: ۱۲۵].

نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز. یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه‌یافتگان داناتر است).

ای عزیزان! ای شیعیان آل محمد! هوشیار باشید؛ خدا توفیق‌تان دهد. این آیه محکم است؛ و خداوند به وضوح و روشنی به ناسزا نگفتن امر می‌فرماید: (وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (و آنهایی را که به جای خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی ندانسته- خدا را دشنام خواهند داد. اینگونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت‌شان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت).

ای عزیزان، ای شیعیان آل محمد؛ این آیه محکم است: (وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...

ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (و آنهایی را که به جای خدا می‌خوانند دشنام مدهید...

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به آنچه نیکوتر است مجادله کن).

این آیه محکم است و این همان است که عقل و انسانیت می‌گوید، و این همان است که ما از اخلاق والای الهی می‌دانیم؛ اخلاقی که از محمد ﷺ یاد گرفته‌ایم.

اما کلمه «زینم» در بهترین حالت- کلمه‌ای با معنای متشابه است. معنایی از این کلمه که از امام صادق (صلوات خدا بر او) روایت شده و نیز معنایی که در برخی از لغت‌نامه‌ها آمده است تقدیم حضور می‌شود. این معانی از تفسیر نادرستی که صادق شیرازی بیان داشته است به‌دورند:

شیخ صدوق در معانی الاخبار روایت کرده و گفته است: «پدرم ﷺ گفت: سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن عیسی از عباس بن معروف از صفوان بن یحیی از ابن مسکان از محمد بن مسلم برایمان نقل کرده است که به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم:

﴿عُتِّلُ بَعْدَ ذَلِكَ زَنْبِيمٌ﴾ فرمود: «عُتِّلُ یعنی کسی که کفر زیاد دارد و زَنْبِيمُ کسی است که در کفر خود غرق شده است.»^۱

و در برخی از لغت‌نامه‌ها:

«زَنْبِمٌ: زَنْمَتَا الْأُذُنِ: هنتان تلیان الشحمة، و تقابلان الوتره.

و زَنْمَتَا الْفُوقِ وَ زَنْمَتَاهُ.

و الأول أفصح: أعلاه و حرفاه.

الرَّزْمَتَانِ: زَنْمَتَا الْفُوقِ، و هما شَرْجَا الْفُوقِ، و هما ما أشرف من حرفیه.

و الْمُرْزَمُ و الْمُرْزَمُ: الذى تقطع اذنه و یتربک له زنمة.

و يقال: الْمُرْزَمُ و الْمُرْزَمُ الْکَرِيمِ.

و الْمُرْزَمُ مِنَ الْإِبِلِ: المقطوع طرف الأذن؛ قال أبو عبيد: و إنما يفعل ذلك بالکرام

منها؛ و التَّزْنِيمُ: اسم تلك السِّمَةِ اسم كالتَّثْنِيتِ.

الأحمر: من السِّمَاتِ فى قطع الجلد الرَّعْلَةَ، و هو أن يُشَقَّ مِنَ الْأُذُنِ شَيْءٌ ثم یتربک

معلقاً؛ و منها الرِّزْمَةُ، و هو أن تَبِينَ تلك القطعة مِنَ الْأُذُنِ، و الْمُفْضَاةُ مثلها.

الجوهرى: الرِّزْمَةُ شَيْءٌ يقطع من أذن البعير فیتربک معلقاً، و إنما يفعل ذلك بالکرام

من الإبل.

يقال: بعير زَنْمٍ و أَرْزَمٍ و مُرْزَمٍ و ناقة زَنْمَةٌ و زَنْمَاءٌ و مُرْزَمَةٌ.

و الرِّزْمُ: لغة فى الرِّزْمِ الذى يكون خلف الطِّلْفِ، و فى حديث لقمان: الضائنة الرِّزْمَةُ

أى ذات الرِّزْمَةِ و هى الکریمه، لأن الضان لا زَنْمَةَ لها و إنما يكون ذلك فى المعز؛ قال

المُعَلَّى بن حَمَالِ العبدى:

و جئت حُلَعَةً دُهِسَ صَفَايَا، يَصُوعُ عُنُوقَهَا أَحْوَى زَنْبِيمِ

يُفَرِّقُ بَيْنَهَا صَدْعُ رَبَاعٍ، لَهُ طَأْبٌ كَمَا صَخَبَ الْعَرِيمِ

و الحَلَعَةُ: خيار المال.

و الرِّزِيمُ: الذى له زَنْمَتَانِ فى حلقه، و قيل: المُرْزَمُ صغار الإبل، و يقال: المُرْزَمُ اسم

^۱ [معانى الاخبار - شيخ صدوق: ص ۱۴۹].

فحل؛ و قول زهیر: فَأَصْبَحَ يَجْرِي فِيهِمْ، مِنْ تَلَادِكُمْ، مَعَانِمَ سَتَى مِنْ إِفَالٍ مُزْنِمٍ.

قال ابن سیده: هو من باب الِيسِمَامِ المُزْعِفِ و الجِجَالِ المُسَجَّفِ لَأَنَّ معنای الجماعة و الجمع سواء، فحمل الصفة على الجمع، و رواه أبو عبيدة: من إِفَالِ المُزْنِمِ، نسبة إليه كَأَنَّهُ من إضافة الشيء إلى نفسه.

و قوله تعالى: عَتَلَّ بعد ذلك زَنِيمٍ؛ قيل: موسوم بالشر لأن قطع الأذن وَسَمٌ [لسان العرب: ج ۱۲ ص ۲۷۵].

ای عزیزان! ای شیعیان آل محمد! از خدا بترسید و از این نادان -صادق شیرازی- قبول نکنید؛ زیرا برای شما با دلیل ثابت شد او جاهلی است که محکمی از قرآن را -که در آن نهی از ناسزاگویی آمده- به برداشت متشابهی از کلمه‌ای که دارای چندین معناست بازمی‌گرداند؛ و در نتیجه این کلمه [زَنِيمٍ] -در بهترین حالت- متشابه است و متشابه به محکم بازگردانده می‌شود! و به این ترتیب برای این کلمه، معنایی حتمی خواهد شد که معنای آن را از این سخن حق تعالی «لا تسبوا = ناسزا نگویند» خارج نکند؛ یعنی همان معنایی که امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «زَنِيمٍ کسی است که بسیار در کفر خود غرق شده است.»

عزیزان! متشابه به محکم برگردانده می‌شود و آل محمد کسانی هستند که متشابهات را به محکمت بازمی‌گردانند نه امثال صادق شیرازی؛ جاهلی که مسئله را به کلی برای شما واژگونه می‌کند و کلام محکم قرآنی را به فهم بیمارگونه‌ای که خودش بنا کرده است بازمی‌گرداند و به این ترتیب خداوند را به ناسزاگویی و دشنام‌دادن متهم می‌کند تا برای خودش، برادرانش و اعوان و انصارش دلیل بتراشد، جهت ناسزاگویی و بیان الفاظ رکیکی که هیچ انسان سلیمی چنین عباراتی را نمی‌پذیرد، چه برسد به اینکه متدین باشد.

اما -ای کسی که به سخنان زشت و ناروای صادق شیرازی آراسته شده‌ای- آنچه در خصوص سخن شیخ بزرگوار و عالم فاضل، ناظم عقیلی -خدا حفظش کند- نوشته‌ای که وی گفته است «عایشه (علیها السلام)»، بنده از این سخن وی آگاهی یافتم. شیخ ناظم عقیلی در حال مناظره با یک شیخ وهابی سلفی بود و بیشتر سخن شیخ ناظم عقیلی

درباره آل محمد (صلوات خدا بر آنان) بود تا حق آن‌ها را برای خلافت اثبات کند و هروقت یادی از آن‌ها به میان می‌آورد به آن‌ها سلام می‌داد - خداوند به او پاداش نیک عطا فرماید - سپس نام عایشه در میان کلامش آمد و بدون هیچ منظوری، زبانش به سلام بر او چرخید.

اما در خصوص موضع‌گیری من درباره عایشه: این مطلب را به‌طور عمومی در جاهای بسیاری بیان کرده‌ام. عایشه همچون همه کسانی است که با امیرالمؤمنین (صلوات خدا بر او) مخالفت کردند؛ در حالی که امیرالمؤمنین، یکی از خلفای خداوند در زمینش است. پس عایشه اگر مؤمن می‌بود لازم بود از علی (علیه السلام) - که آقا و امام او بوده است - اطاعت کند و بر او واجب بود به فرمان او گردن نهد؛ چرا که او امام منصوب از طرف خداوند بر مردان و زنان مؤمن است؛ ولی بنده ناسزا نمی‌گوییم و دشنام نمی‌دهم و به راه و روش قرآنی گردن می‌نهم که همان روش پدرانم، امامان پاک و طاهر است؛ همان راه و روشی که شما نیز در آیات بالای همین صفحه مبارک می‌بینی. و آن شیوه، دعوت بر اساس حکمت و اخلاق پاک است، نه شیوه ناسزا و دشنام‌گفتن و استفاده از عبارات زشت و قبیحی که صادق شیرازی و برادران و اعوان و انصارش بنیان می‌نهند!

درخصوص این سخنان زشتی که این شخص در این صفحه مبارک نوشته است من آنها را دعوت می‌کنم تا توبه کنند و این اخلاق زشت و سخنان ناپسند را ترک گویند.

همچنین صادق شیرازی را به توبه و ترک فریب‌دادن مردم با عقیده و جوب تقلید از غیرمعصوم دعوت می‌کنم؛ همان عقیده‌ای که او حتی از ارائه یک دلیل برایش ناتوان است و هیچ آیه‌ای با دلالت محکم یا روایتی قطعی‌الصدر با دلالت محکم برای عقیده و جوب تقلید از غیرمعصوم در اختیار ندارد. خود فقهای اصولی نیز این آیات و روایات را مورد بحث و بررسی قرار داده و بیان کرده‌اند که این‌ها شایستگی مطرح‌شدن به‌عنوان «دلیل» را ندارند و به همین دلیل به آن چیزی پناه برده‌اند که خودشان «دلیل عقلی» یا «جوب مراجعه جاهل به عالم» نام نهاده‌اند. بنده این ادعا را با این گفته که آن‌ها تنها ظان (گمان‌کننده) هستند نقض نمودم؛ زیرا عالم در اینجا کسی است که یقین ارائه کند،

نه ظن و گمان! برخی از آن‌ها - از جمله صادق شیرازی - گفته‌اند که دلیل عقلی‌شان مراجعه به متخصص است و بنده نیز بیان کردم که او با طرح چنین مسئله‌ای به‌عنوان دلیل، بر طبل جهل و نادانی خود کوبیده و بیان داشته است که نمی‌داند چه می‌گوید؛ زیرا او از یک طرف معتقد به وجوب تقلید از غیر معصوم یا فقیه است و از سوی دیگر دلیل خود را ارائه می‌کند که در بهترین حالت فقط بر جایز بودن دلالت می‌کند نه واجب بودن! چراکه مراجعه به متخصص واجب نیست. من منتظر پاسخ آن‌ها هستم؛ پاسخی که هرگز نخواهد آمد؛ زیرا آن‌ها خود می‌دانند عمر عقیده‌شان پس از اشکالاتی که بیان کردم - به پایان رسیده و چیزی از آن باقی نمانده است.

*** **

سخنی در خصوص انصار امام مهدی (علیه السلام) در ایران

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۰ اکتبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

درودی پاک به بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

تحیتی پاک و مبارک به عزیزان مؤمن در تمامی شهرهای ایران.

سلام بر عزیزان زندانی شده به‌خاطر فکر و عقیده‌شان در همه شهرهای ایران. خداوند شما را به‌جهت آزار و اذیتی که به‌خاطر خدا متحمل می‌شوید یاری فرماید؛ ولی این از نعمت‌های خداوند بر شماست؛ پس خدا را برای فضلش شکرگزار باشید. شما ان‌شاءالله همان امت موعودی هستید که در آخرالزمان میوه می‌دهد. پس صبر کنید، [بر کار خود] مواظبت کنید، و آزار و اذیت و سختی را به‌خاطر خدا تحمل کنید. آن‌ها پس از اینکه خود را ناتوان از رویارویی اعتقادی و فکری با شما ببینند چقدر از شما را به زندان خواهند افکند؟ و آیا آن‌ها خواهند توانست وعده محمد بن عبدالله - صلوات خدا بر او و خاندانش - همان وعده خداوند سبحان و متعال را تکذیب کنند؟! چقدر نادان‌اند! به خدا

قسم اگر من بر حق، و دعوت‌کننده به حق در این زمان و همان مهدی اول یادشده در وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ باشم، آن‌ها هر کاری انجام دهند، هرچقدر که به زندان بیفکنند و هرچقدر هم که مؤمنان به دعوت حق را شکنجه کنند، هرگز نخواهند توانست نور خدا را خاموش کنند. متأسفانه امروز در ایران، مؤمنان به دعوت مبارک مهدوی را فقط به خاطر عقیده و فکرشان بازداشت می‌کنند و پیش از آن‌ها همین کار را در عراق انجام می‌دادند. من آن‌ها را نصیحت می‌کنم که بیندیشند؛ زیرا بازداشت مؤمنان یا یورش بردن به مؤمنان در حالی که در یزد، تبریز، تهران یا دیگر شهرهای ایران نماز جمعه به پا می‌دارند- آنچه آرزوی ایشان را دارند برایشان محقق نخواهد کرد. آن‌ها ده نفر را زندانی می‌کنند و صد نفر ایمان می‌آورند، و صد نفر را بازداشت می‌کنند و هزار نفر ایمان می‌آورند. من به آن‌ها راه‌حلی ارائه می‌دهم که اگر عاقل باشند از من می‌پذیرند؛ آن‌ها باید از آزار مؤمنان دست بردارند؛ چرا که اگر احمدالحسن فردی باطل باشد، دعوتش بی هیچ زحمتی به پایان خواهد رسید؛ اما اگر احمدالحسن بر حق باشد آن‌ها هر کاری انجام دهند دعوتش به پایان نخواهد رسید و هر بار که بخواهند با دهان‌هایشان آن را خاموش کنند خواهند دید که شدت می‌گیرد و فروزان‌تر می‌شود: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يُأْبَىٰ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند).^۱

سلام بر عزیزان مؤمن در ایران، و سلام بر زنان مؤمن پاک در ایران. خوشا به شما و گوارای وجودتان باد که فرستاده خدا محمد ﷺ بیش از هزار سال پیش- شما را یاد کرده و فضل شما را بیان فرموده است. گوارایتان باد که شما در ملاً اعلیٰ یاد شدید. من به خوبی می‌دانم شما مردمی پاک و سخت-همچون سنگ- هستید و می‌دانم شما کوه بلندی

۱. [توبه: ۳۲].

هستید که در برابر سرکشان گردن خم نمی‌کنید. شما نیازی به کلامی از طرف من برای هم‌دردی یا تشویق و دل‌گرمی ندارید؛ ولی به خدا سوگند این سخنی است که با آن، رضای خداوند سبحان و متعال را اراده کرده‌ام و در آزار و اذیتی که تنها به دلیل ایمان به دعوت مبارک مهدوی متعرض شما شده است با شما شریک می‌شوم. گوارایتان باد ای عزیزان؛ زیرا به خدا سوگند این بهشت و راه خداوند سبحان است که با ناخوشایندی‌ها احاطه شده تا خدا بداند چه کسی او و فرستادگانش را در نهان یاری می‌کند؛ و اگر این راه، وحشت‌زا و پوشیده با ناخوشایندی‌هاست، خوشا به حال شما که چه نیکو سرانجامی است: ﴿تَلِكِ الدَّارِ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار هیچ برتری و فسادی نیستند، و فرجام از آن پرهیزگاران است).^۱

به‌زودی یاری خواهید شد و زندانبانان زیان خواهند دید.

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خادم شما

احمدالحسن

*** **

تسلیمت به مناسبت روزهای همیشه جاوید حسین (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۴ نوامبر ۲۰۱۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خداوند می‌خواهم که در خیر و عافیت باشید.

^۱. [قصص: ۸۳].

خداوند پادشاه‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.
 خواستم با نقل ابیات زیر در این روزهای بزرگ -روزهای جاودان امام حسین که کودتا
 علیه تنصیب الهی را خوار و رسوا کرد- با شما مشارکت داشته باشم.

وَمَقْحَمِهِ جَلَّ مِنْ مَقْحَمِ	سَلَامٌ عَلَى الْخَرَفِ فِي سَاحَتِكَ
وَحَجْمِ تَمَزُّقِهِ الْأَشْرَمِ	سَلَامٌ عَلَيْهِ بِحَجْمِ الْعَذَابِ
عَثَبِ الشُّعُوفِ بِهِ الْمُغْرَمِ	سَلَامٌ عَلَيْهِ.. وَعَثَبٌ عَلَيْهِ
وَعُمْرِكَ يَا خُرْلَمَ تَلْجَمِ؟!	فَكَيْفَ ، وَفِي أَلْفِ سَيْفٍ لُجِمْتَ
وَلَوْ كُنْتَ وَحْدِي لَمْ أُحْجِمِ	وَأُحْجِمْتَ كَيْفَ. وَفِي أَلْفِ سَيْفٍ؟
عَلَيْكَ دَوَائِزُهُمْ يَا دَمِي	وَلَمْ أَنْتَظِرْهُمْ إِلَى أَنْ تَدُورَ
وَلَوْ أَنَّ أَرْسَانَهُمْ فِي فَمِي	لَكُنْتُ أَنْتَزَعْتُ حُدُودَ الْعِرَاقِ
فَمَا نَالَ مِنْهُ بَنُو مُلْجَمِ!	تَغَيَّرَتْ تَارِيخُ هَذَا التُّرَابِ

سلامی بر حرّ در میدان‌های نبرد تو و بر ورودش که بزرگ باد آن ورود
 سلامی بر او به مقدار عذاب و زجر و مقدار چاک‌چاک شدن‌های با شهامتش
 سلامی بر او... و عتابی بر او عتابی از دوستدارش و عاشقش
 چگونه؟ با هزار شمشیر مهارت کردند به جان تو ای خُر که متوقف نگردند
 و چگونه تو مانع شدی با آن هزار شمشیر؟ که اگر من تنها بودم مانع نمی‌شدم
 و منتظر آنان نمی‌شدم تا بچرخد بر تو گروه‌هایشان، ای خون من
 که مرزهای عراق را سخت می‌کاویدم حتی اگر از مهارشان در دهانم بود
 به راستی تاریخ این خاک را تغییر دهم تا فرزندان ملجم دستشان به آن نرسد

ابیات از شاعر عراقی: استاد عبدالرزاق عبدالواحد

*** **

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ، عَظِيْمُ الْجَبْرُوْتِ، شَدِيْدُ
 الْمِحَالِ، غَيْبٌ عَنِ الْخَلٰٓئِقِ، عَرِيْضُ الْكِبْرِيَاۗءِ، قَادِرٌ عَلٰٓى مَا
 تَشَاءُ، قَرِيْبٌ الرَّحْمَةِ، صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النَّعْمَةِ،
 حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيْبٌ اِذَا دُعِيْتَ، مُحِيْطٌ بِمَا خَلَقْتَ، قَابِلُ
 التَّوْبَةِ لَمَنْ تَابَ اِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلٰٓى مَا اَرَدْتَ، وَمُنْدِرُكَ مَا
 طَلَبْتَ، وَشَكُوْرٌ اِذَا شُكِرْتَ، وَذِكُوْرٌ اِذَا ذُكِرْتَ، اَدْعُوْكَ
 مُحْتٰجًا، وَاَزْعَبُ اِلَيْكَ فَقِيْرًا، وَاَفْرَعُ اِلَيْكَ خَائِفًا، وَاَبْكِي
 اِلَيْكَ مَكْرُوْبًا، وَاَسْتَعِيْنُ بِكَ ضَعِيْفًا، وَاَتَوَكَّلُ عَلٰٓيْكَ
 كَافِيًّا، اَحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا فَاِنَّهُمْ غَرَوْنَا وَخَدَعُوْنَا
 وَغَدَرُوْنَا بِنَا وَقَتَلُوْنَا، وَتَحْنُ عِيْرَةُ نَبِيِّكَ، وَوَلَدُ حَبِيْبِكَ
 مُحَمَّدٌ بِنُ عَبْدِاللهِ، الَّذِي اَصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ، وَاثْمَنْتَهُ
 عَلٰٓى وَحْيِكَ، فَاَجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا
 بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

بار خدایا! تویی بلند مقام، با جبروت بزرگ، با تدبیر استوار،
 بی نیاز از خلائق، کبریایی ات پهناور، توانا به هر چیز که بخواهی،
 رحمتت نزدیک، وعدهات راست و درست، با نعمت‌هایی بسیار،
 امتحانت نیکو، وقتی خوانده می‌شوی نزدیک هستی، به
 مخلوقات احاطه داری، پذیرنده توبه هر کسی که به درگاهت
 بازگردد، به هر چه اراده کنی توانایی، هر چه را که طلب کنی
 بیایی، آنگاه که شکرته به جا آید شکرگزاری کنی، یاد کننده‌ای
 آنگاه که یادت شود، تو را می‌خوانم در حالی که نیازمندم، فقیرانه
 به درگاهت مشتاقم، هراسناک به درگاهت نالانم، از رنج و درد به
 سوی تو گریانم، عاجزانه از تو یاری می‌طلبم، و بر تو توکل می‌کنم
 که کفایت کننده‌ای. میان ما و قوم ما داوری فرما، که این قوم ما
 را فریفتند، با ما خدعه کردند، به ما خیانت کردند و با ما جنگیدند،
 در حالی که ما عترت نبی تو و فرزندان حبیب تو محمد بن عبد
 الله هستیم؛ همان کسی که تو او را به رسالت برگزیدی و بر وحی
 خود امین قرار دادی؛ پس در امر ما گشایش و برون رفتی عطا

فرما! به لطف و رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.^۱

*** **

اضافه مبلغ هزینه‌های کتاب «توهم بی‌خدایی» (وهم الإلحاد) برای کفالت ایتام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳ دسامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.

از شما می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

تحیتی پاک به بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

امروز یکی از دوستان در عراق درباره مسئله قیمت کتاب «توهم بی‌خدایی» با من صحبت کرد و اینکه اضافه‌مبلغی علاوه بر قیمت تمام‌شده کتاب روی کتاب درج شده است. از آنجا که این موضوعی است عمومی و مخصوص همه کسانی که به خرید کتاب اهتمام می‌ورزند، مایل بودم در این خصوص توضیحی ارائه دهم:

مبلغی اضافه بر هزینه چاپ این کتاب منظور شده است و این اضافه‌مبلغ به سرپرستی یتیمان اختصاص دارد؛ به‌خصوص در بغداد و مناطقی که انفجارهای مجرمانه صورت می‌گیرد و پدران، قربانی می‌شوند و کودکان بدون سرپرست باقی می‌مانند. اگر بازدیدکنندگان این صفحه معتقد باشند این اضافه‌مبلغ، پذیرفتنی نیست، می‌توانند نظراتشان را در همین جا بگذارند و من مطلع خواهم شد و به خواست خدا راه‌حل مناسبی برای همگان وجود خواهد داشت.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / اربعین حسین ص - سوئد / ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

^۱ - دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا.

از خدا می‌خواهیم در خیر و عافیت باشید.

خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید که پرچم «البيعة لله» را به مردم رساندید. از خدا می‌خواهیم هرکدام از مردم را که خود بخواهد به پذیرفتن آن توفیق عطا فرماید.





** ** ** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / اربعين حسين ص - عراق / ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳:
خداوند بهترين پاداش نيکوکاران را به شما عطا فرمايد که حق را به مردم می‌رسانيد.



** ** ** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / اربعين حسين ص - عراق / ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳:
خداوند بهترين پاداش نيکوکاران را به شما عطا فرمايد که حق را به مردم می‌رسانيد.



*** **

جایگاه زبان، و طعنه به رسالت محمد ﷺ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۱ دسامبر ۲۰۱۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند پاداش شما را در یادبود شهادت حضرت محمد ﷺ بزرگ بدارد؛ همان انسان پاکی که به جهت طهارت و پاکی نفسش، سزاوار مقام والا و بلندمرتبه در پیشگاه خداوند سبحان شد.

در این روزها شاهد هستیم که رسالت رسول خدا محمد ﷺ و به خصوص قرآن- از جهت نسبت داشتن به خداوند سبحان در معرض طعنه و تشکیک قرار می گیرد. این ایرادگرفتن ها حول زبان عربی می چرخد و اینکه در عبارت های قرآنی سخنان پوچ و بی معنایی وجود دارد یا الفاظ قرآن در پاره ای موارد مخالف قواعد نحو و اعراب یا مخالف شیوایی و بلاغت است و اینکه سخنان و اشعار عربی ای وجود دارند که بسیار شیواتر از قرآن هستند؛ مثل سخن امریء القیس در شعرش:

مِکْرٌ مَقْرٌ مُقْبِلٌ مُدْبِرٌ مَعاً ... کَجُلْمُودٍ صَخْرٍ حَطَّهُ السَّيْلُ مِنْ عَلٍ

... و دیگر ابیات.

چند روز پیش عده ای از انصار- خدا حفظشان کند- با من دیدار و مرا از ویدئویی از یک

شخص معمم شیعه به نام «سید احمد قبانچی» آگاه کردند که در منتسب بودن قرآن به خدا اشکال وارد می‌کرد. در حقیقت روش او در ایرادگرفتن، تفاوتی با اسلوب وهابی‌ها و مراجع شیعه یا نمایندگانشان در ماهواره‌ها ندارد؛ ایرادگرفتن به این دعوت مبارک با استفاده از خدعه و دروغ‌پردازی، بر اساس آنچه آن‌ها مخالفت قواعد نحوی و بلاغت زبان عربی نامیده‌اند؛ مثل طعنه‌زدن به قرائت احمدالحسن در کلمه «ضیزی» و ایرادگیری‌های بی‌هوده مشابه دیگر که با آن‌ها افراد نادان را فریب می‌دهند و می‌گویند احمدالحسن زبان عربی نمی‌داند یا [سخنانش] فصیح نیست. مؤمنان از جهل و نادانی این افراد حتی نسبت به قواعد استقرایی زبان عربی پرده برداشته‌اند؛ مؤمنانی که برخی از آن‌ها در زبان عربی مدارکی با سطوح عالی دارند و در دانشگاه‌های عراق سِمَت استادی را دارا هستند. شکر خدا که این مؤمنان، جهل و نادانی این افراد را حتی نسبت به قواعد استقرایی زبان عربی بیان کردند و حتی جهل آن‌ها را نسبت به قرائت‌های هفت‌گانه مختلف قرآن و نیز به وجود قرائت اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان نمودند؛ قرائتی که از آن در روایات بسیاری سخن به میان آمده، و آمده است که این قرائت با قرائت‌های هفت‌گانه مشهور تفاوت دارد و... .

اکنون نوبت پاسخ‌گویی آن‌هاست. ما منتظر پاسخ تفصیلی این وهابی‌ها و مراجع (یا کسانی که این افراد آن‌ها را به طعنه‌زدن به دعوت حق - بر اساس مخالفت با زبان عربی - سوق داده‌اند) هستیم و تکرار می‌کنم: پاسخ تفصیلی به همه مطالبی که احمد قبانچی گفته است؛ یعنی طعنه‌هایی به زبان عربی و فصاحت قرآن و نیز اشکال‌تراشی‌های مسیحیان نسبت به قرآن مبنی بر اینکه قرآن، مخالف زبان عربی است، بلیغ نیست و عبارتش پوچ و بی‌معناست. چه بسا نیازی به بیان این نکته نباشد که پاسخ‌ها باید با پرداختن به اشکال‌گرفتن‌ها و ارائه پاسخ به یکایک آن‌ها باشد، نه آن‌گونه که برخی از کسانی که پر از نابخردی هستند انجام می‌دهند و عبارتی از قرآن را - که کسی به آن طعنه‌ای نزده است - برمی‌گیرند و می‌گویند قرآن، بلیغ‌ترین کلام است و توجیهاتی از این دست. آنچه خواسته شده این نیست که ثابت کنند برخی از عبارات‌های قرآن، فصیح یا

بلیغ است زیرا چنین مطالبی در پاسخ دادن به اشکالی که بر دیگر عبارات است، هیچ مزیتی ندارد. بلکه آنچه خواسته شده پاسخ تفصیلی به طعنه‌هایی است که مسیحیان و سید احمد قبانچی و دیگران مطرح کرده‌اند؛ یعنی پرداختن به اشکال و پاسخ دادن با پاسخی علمی. ما منتظر پاسخ آن‌ها هستیم.

و بنده اعلام می‌کنم اگر آن‌ها به همان روشی که ما اشکالاتشان را پاسخ داده‌ایم پاسخ دهند معلوم می‌شود دجال هستند و در دین با دو پیمانانه سنجش می‌کنند. وقتی آن‌ها نسبت به ما و دعوت حق اشکال تراشی می‌کنند اشکالاتی مطرح می‌کنند که معتقدند هیچ ارزشی ندارد. آن‌ها تنها به یک علت چنین اشکالاتی را مطرح می‌کنند و آن، فریب دادن و در نادانی نگاه داشتن مردم است نه بیشتر!

در پایان: بیان می‌کنم و تکرار می‌کنم که پاسخ دادن بر آنان واجب و حتمی است؛ زیرا آن‌ها قواعد استقرایی زبان عربی را مقدس و معصوم می‌شمارند و به اعتقاد آن‌ها جایز نیست شخص معصوم با این قواعد مخالفت کند. - نظرت در خصوص خدای سبحان چیست؟- و در نتیجه پاسخ ندادن آنها به صورت رسمی به معنای نقض کردن ایمانشان به قرآن و حکم دادن به اینکه قرآن از سوی خدا نیست خواهد بود و به این ترتیب رشته اسلامشان را به دست خودشان پنبه کرده‌اند.

- کلیپ ویدئویی زیر اشکالاتی را که وهابی‌ها و برخی از مراجع شیعه یا عمامه‌داران نادانی که مراجع، آنها را برای اشکال گرفتن به قرائت قرآنی احمدالحسن در ماهواره‌ها و دیگر رسانه‌ها به کار گفته‌اند بیان می‌کند، و اینکه احمدالحسن عربی را به خوبی نمی‌داند و برخی از مؤمنان به دعوت حق پاسخ آن‌ها را داده و جهلشان را حتی نسبت به قواعد زبان و قرائت‌های هفت‌گانه آشکار کرده‌اند:

<http://www.youtube.com/watch?v=qC9TSRFuk0Q>

- کلیپ بعدی مربوط به احمد قبانچی است که در فصاحت و عربیت قرآن طعنه وارد

می‌کند:

<http://www.youtube.com/watch?v=ry0lwfeDqgI>

- کلیپ زیر نیز فیلم دیگری از احمد قبانچی است:

http://www.youtube.com/watch?v=Kk_KS\KrPWA

و در اینجا اشکال تراشی‌های خیلی زیادی در زمینه مخالفت‌بودن قرآن با نحو و بلاغت و فصاحت وجود دارد که به‌طور معمول ارائه می‌شود و این تنها یک نمونه از آن‌هاست. در دو آیه یک مرتبه «صابئین» و بار دیگر «صابئون» را شاهد هستیم، در حالی که این دو کلمه -طبق قواعد زبان عربی- جایگاه نحوی یکسانی دارند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ...﴾ (در حقیقت، کسانی که ایمان آوردند و آنان که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را نزد پروردگارش خواهد داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد...)^۱.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی و صابئی و مسیحی‌اند، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار نیکو کند، پس نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین خواهند شد...)^۲.

سخن خود را با بیان این نکته به پایان می‌رسانم که راه و روش ما در پاسخ به احمد قبانچی و آنچه مسیحیان و دیگران درباره قرآن و صحت نسبتش به خدا از طریق اشکال‌تراشی در آن از نظر نحو و بلاغت -یا به‌طور کلی مخالفت قرآن با قواعد عربی- مطرح می‌کنند، هرکسی می‌تواند آن را در کتاب‌های بنده بیابد. ما معتقد به قداست زبان نیستیم و اعتقاد داریم که زبان، تحت سیطره قانون عمومی تکامل جهان قرار دارد و

[۱] بقره: ۶۹.

[۲] مائده: ۶۹.

صحیح بودن این اعتقاد پیرو صحیح بودن اثبات نظریه تکامل است که در کتاب «توهم بی‌خدایی» به‌طور مفصل- صحت آن و بی‌ارزش بودن پاسخ‌های جاهلانی که آن را رد کرده‌اند بیان کرده‌ام. به این ترتیب اعتقاد به اینکه قواعد بی‌نقص و ثابتی برای زبان وجود دارد که زبان باید از این قوانین پیروی کند ساده‌لوحانه است. روی سخن من تنها منحصر به زبان عربی نیست، بلکه به‌طور کلی هر زبان انسانی یا حیوانی را شامل می‌شود.

حال که این نکته به‌شکل علمی و با ادله صحیح ثابت شد، امام صادق (علیه السلام) در بیش از هزار سال قبل، بی‌ارز بودن اعتقاد به وجود قواعد ثابت یا بی‌نقص برای زبان عربی یا دیگر زبان‌ها را بیان فرموده است:

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) قرائت کرد: ﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحًا﴾ (و نوح ما را ندا کرد). عرض کردم: نوح! سپس عرض کردم: فدایت شوم، ای کاش در این باره دقت می‌فرمودید! مقصودم زبان عربی است. فرمود: «مرا از این بوی گندتان رها کنید.»^۱

*** **

فایل صوتی که منتسب بودن این صفحه به سید احمد الحسن را ثابت می‌کند

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما^۲

۱. [مستدرک الوسائل: ج ۴ ص ۲۷۸].

۲- فایل پیوست عبارت است از فایل صوتی ضبط شده‌ای با متن زیر:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. این صفحه برای ارتباط با عزیزان مؤمن و به‌طور کلی- با جامعه انسانی افتتاح شده است و به‌فضل خدا در حال حاضر هدفش را محقق می‌کند و برای به‌انجام رساندن هدفش به‌شکلی کامل‌تر و برای بستن راه بر شیاطین انس و جن- که جهت ایجاد شک و تردید در انتساب این صفحه به صاحب صفحه تلاش می‌کنند- سلام خود به شما را ضبط کردم و آن را در این صفحه منتشر نمودم و امید دارم عزیزان کاملاً مطمئن باشند که من همان کسی هستم که ان‌شاءالله- همواره در اینجا [مطلب]

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۶۱۸۳۲۶۳۷۸۲۱۵۰۲۹/?type=۳&theater>

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. یابود ولادت رسول خدا حضرت محمد ﷺ و فرزندش جعفر صادق (علیه السلام) بر شما مبارک باد، و از خداوند خواستارم که آن را برای شما خیر دنیا و آخرت گرداند.

** ** *

تسلیت به شیخ محمد حریشاوی به مناسبت فقدان دو برادرش

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴:

خداوند پاداش شما را در مصیبت شهادت دو تن از برادراتان - خدا مقامشان را رفیع گرداند- بزرگ بدارد.

شیخ محمد حریشاوی پاک و عزیز؛ خداوند پاداش شما و پدر پاک و خانواده بزرگوارتان را بزرگ بدارد. از خداوند خواستارم به شما صبر عنایت فرماید.

غم من به این دلیل بیشتر می شود که در این روزها در کنار شما نیستم؛ دوست و یار عزیزم و برادر گران قدرم شیخ محمد حریشاوی! خداوند شما را از هر بدی حفظ فرماید.

به خدا قسم این قاتلان برای ما از صدام بدترند و اینان تلخ تر از آنچه صدام به ما چشاندند. مثل صدام و مثل آنها همچون بنی امیه و بنی عباس است. از خداوند خواستارم دردهای ما را سبب تعجیل در پایان یافتن روزگار اینان و آزادشدن عراق از

می نویسم. پس این صفحه به حمد خدا در امنیت، و در برابر نفوذ، ایمن است؛ مگر آنچه خداوند سبحان و متعال اراده فرماید؛ و الحمد لله رب العالمین. از خدا می خواهم با رحمت واسعة خود بر همه ما رحمت آورد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می کند؛ و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.»

شَرّ آن‌ها قرار دهد. به خدا قسم آنان گنهکاران و دزدانی هستند که به هیچ قانونی پایبند نیستند؛ حتی اگر خودشان بنیان‌گذارش بوده باشند!

هر روز رسوایی و آبروریزی عده‌ای از آنان را می‌شنویم و می‌خوانیم؛ اینکه اموال مردم را به یغما می‌برند یا جماعتی تروریست ایجاد می‌کنند. آنان کاری ندارند جز انتشار فرهنگ کشتار، دزدی، انتقام، کینه‌توزی و ایجاد فتنه‌های طایفه‌ای در سراسر عراق به صورت شبانه‌روز. آنان نیز مانند سَلَف خود، صدام، هیچ کاری را جز قتل و غارت و انتقام، به خوبی انجام نمی‌دهند.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴:

شاعر و قاری: ^۱ خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

<http://www.youtube.com/watch?v=oIZTsr·UkyE>

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ فوریه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

برادران و خواهران مؤمن در مصر: خدا شما را حفظ و بهترین پاداش نیکوکاران را به

شما عطا فرماید که حق را به مردم می‌رسانید.^۲

<https://www.youtube.com/watch?v=Ui۳iJIQphyM>

۱ - کلیپ ویدئویی پیوست‌شده شامل قصیده «بکیناگم / بر شما اشک ریختیم» از شعرهای شاعر احمد الخلیجی، و خواننده سرود: مسلم الجیاشی است.

۲- فایل پیوست شده شامل یک فیلم مستند در مورد روز نهم نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره و مشارکت «نجمه الصباح للطباعة و النشر و التوزیع» با کتاب «توهم بی‌خدایی» در آن، می‌باشد.

*** **

حکم هاسکی، و نگهداری و لمس کردن و بازی با سگ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ فوریه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند متعال خواستارم همگی در خیر و عافیت باشید.

پرسشی را در این صفحه دیدم و پاسخش را دادم. پرسش و پاسخ را اینجا می آورم:

Ya Howa Ya Howa نوشته است:

سلام بر شما ای خاندان نبوت و رحمت، و معدن علم و جایگاه رسالت.

مولای من! از من خواسته اند این سؤال را از شما بپرسم، و خواستار پاسخ از طرف

شخص خود شما هستند.

آقای من:

- آیا «هاسکی» نجس شمرده نمی شود؟ زیرا گفته می شود این حیوان، نتیجه زادوولد

سگ و گرگ است... اگر صحت این مطلب ثابت شود... آیا این حیوان نجس نخواهد بود؟

- آیا بازی کردن با سگ ها جایز است؟ آیا نگهداری و تربیت سگ برای این منظور

(یعنی بازی) - در صورت وارد نکردن آن به منزل - جایز است؟

- کسی که سگ را لمس کند چگونه پاک می شود؟ آیا مانند ظرفی که سگ آن را

لیسیده است پاک می شود؟ یا شستن معمولی - به همان صورتی که از هر نجاست دیگری

پاک می شود - کفایت خواهد کرد؟

خدا به شما بهترین پاداش را عطا فرماید.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

همه سگ ها با چشم پوشی از ریشه ای که از آن آمده یا از آن حاصل شده اند نجس

هستند؛ اما در کتاب «شرایع»^۱ روشن ساختیم که «صفات» بر دسته‌بندی و نام‌گذاری حیوان و در نتیجه ملحق کردن آن در دسته سگ‌ها و اطلاق حکم شرعی بر نجس بودن یا نبودن، تأثیرگذار است.

به‌طور خاص درباره «هاسکی» این حیوان از نظر احکام نجاست به سگ‌ها ملحق نمی‌شود. می‌توان این حیوان را تربیت و تکثیر کرد و برای منظوری به فروش رساند؛ مثل انتقال و کشیدن سورتمه روی یخ یا مراقبت از کودکان و آرام‌ساختن کودکان، همان‌گونه که بعضی از افراد چنین می‌کنند. این حیوان نجس شمرده نمی‌شود و حکمش از نظر نجس‌العین بودن همانند گرگ است و مثل سگ‌های دیگر «نجس‌العین» نیست. باید توجه داشت اطمینان حاصل کردن از اینکه این حیوان، هاسکی است و از لحاظ شرعی کاملاً پاک هست، واجب است، و این اطمینان حاصل کردن را می‌توان با توجه به زوزه کشیدن حیوان -شبهه گرگ‌ها- به جای پارس کردن، و شکل دم و پوستش یا از طریق یک مربی که می‌توان به خبرگی و گواهی‌اش اعتماد کرد به دست آورد.

اما در خصوص مسئله نگهداری از سگ به‌طور کلی (غیر از هاسکی) جایز نیست؛ مگر برای هدفی عقلانی مثل نگهداری یا هوشیار کردن مانند هوشیار کردن اهل خانه یا اطلاع دادن از وجود مواد منفجره یا مواد مخدر یا راهنمایی نابینا یا نگهداری از گوسفندان یا اهداف منطقی و عقلانی مشابه دیگر و نه فقط برای بازی و لهو و لعب؛ و اگر کسی سگی را برای هدفی عقلانی -مانند مواردی که بیان کردیم- نگهداری کند بازی با آن مانعی نخواهد داشت. همچنین می‌توان سگ‌ها را تربیت و برای فروش به قصد موارد ذکرشده فوق تکثیر کرد و واجب نیست از مشتری علت و هدف خرید سگ را بپرسد؛ بلکه کافی است نوع سگ‌هایی که اقدام به تربیت و تکثیر و فروششان می‌کند برای اهداف عقلانی -که بعضی از مثال‌هایش را بیان کردیم- صلاحیت داشته باشد.

۱. احکام نورانی اسلام.

اگر با دست خشک، سگ خشکی را لمس کند دستش نجس نمی‌شود؛ بلکه فقط وقتی نجس می‌شود که رطوبتی سرایت‌کننده (آب) - که از یکی به دیگری منتقل می‌شود - وجود داشته باشد. اگر دست یا موضعی از لباس یا بدنش توسط سگ نجس شده باشد کافی است فقط با آب آن را پاک کند، و مانند پاک کردن ظرف غذا یا نوشیدنی که سگ آن را لیسیده است نخواهد بود.

وارد کردن سگ به منزل یا ماشین جایز است اما اگر با وجود رطوبت سرایت‌کننده، چیزی را لمس کند آن محل، نجس خواهد شد و متنجس به شمار می‌رود که نیاز به پاک‌شدن دارد؛ اما خودش چیز دیگری را نجس نمی‌کند.

*** **

اعلام رسمی مکتب در نجف اشرف

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۴:

سلام رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند متعال مسئلت دارم همگی در خیر و عافیت باشید.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به فضل خداوند سبحان مکتبی رسمی در نجف اشرف وجود دارد که نماینده من است و افراد زیر آن را اداره می‌کنند: سید حسن حمامی، سید واثق حسینی و شیخ ناظم عقیلی. آن‌ها ان‌شاءالله بیانات رسمی موافق با دلایل شرعی را صادر خواهند کرد؛ بیاناتی که بنده روشن ساخته‌ام یا پاسخ‌هایی که به پرسش‌های آن‌ها درباره تفسیرهای درخواستی‌شان به آن‌ها می‌رسانم. من با آن‌ها در ارتباط هستم و ان‌شاءالله به صورت مستقیم بر کار این مکتب مبارک نظارت خواهم داشت.

احمدالحسن

۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ ق

*** **

حکم تغییر جنسیت و ناهنجاری‌های جنسی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۶ فوریه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

تحیتی پاک و مبارک به بازدیدکنندگان این صفحه مبارک.

Abdullah Hashem نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً

آقا و مولای من، احمدالحسن!

پرسی می‌دارم که شخصی از من خواسته است آن را از شما بپرسم.

او می‌گوید:

من از کودکی احساس می‌کردم مؤنث هستم، و حتی از این موضوع مطمئنم و

احساس می‌کنم در بدنی غیر از بدن خود قرار دارم.

می‌خواهم بدانم آیا فتوای خمینی در مورد انجام عمل تغییر جنسیت، صحیح و شرعی

است یا خیر؟

و آیا جایز است من اقدام به این عمل کنم و آیا این کار برای من بهتر است؟ زیرا من

عملاً نمی‌توانم با این احساس که مؤنث هستم بجنگم.

با توجه به اینکه من از مؤمنان به دعوت مبارک هستم، از عبد الله هاشم خواستم این

پاسخ را به شما ارسال کند؛ زیرا برای خودم دشوار بود که از شما بپرسم. اگر عمل تغییر

جنسیت جایز نباشد آیا کاری وجود دارد که مرا اصلاح کند و تبدیل به مردی عادی نماید

که تمایلی به مردان نداشته باشم؟

د. ی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

در انسان، آنچه جنسیت را مشخص می‌کند وضعیت بدن و داشتن اعضای تناسلی

است که به رشد کامل رسیده باشد. اگر اعضای تناسلی، نرینه باشد او مذکر است و جایز نیست تغییر جنسیت دهد، و همچنین اگر اعضای تناسلی ماده بوده باشد وی مؤنث است و نباید تغییر جنسیت دهد؛ اما اگر اعضای تناسلی رشد کاملی نداشته یا با یکدیگر آمیخته شده یا نقص‌های آفرینشی مشابهی داشته باشد می‌تواند جنسیت خود را انتخاب و عمل جراحی که او را به صورت مشخص مذکر یا مؤنث کند انجام دهد. این پاسخ از منظر حکم شرعی این کار است.

اما اینکه انسان احساس کند درونش مونثی قرار دارد در حالی که مذکر است یا بر عکس- این مورد را می‌توان با توجه به دانستن این نکته که جنسیت در مراحل بعدی تکامل بر روی زمین حاصل شده است درک کرد، زیرا زندگی با تولید مثل جنسی آغاز نشد بلکه در ابتدا با تکثیر غیرجنسی آغاز شد و سپس تکثیر جنسی پدید آمد. در این خصوص نکاتی شایان توجه است؛ از جمله: دو جنسیتی بودن حیوان؛ یعنی حیوان هم دارای اعضای تناسلی نر و هم اعضای تناسلی ماده است. از جمله: رفتار بعضی از ماهی‌ها؛ ماهی‌هایی که در یکی از مراحل زندگی خود نری با اعضای تناسلی کامل هستند و اقدام به تلقیح می‌کنند و سپس در مرحله‌ای دیگر به حیوانی ماده با اعضای تناسلی کامل تبدیل می‌شوند و تخم‌گذاری می‌کنند. از جمله: وضعیتی که ما در آن به سر می‌بریم؛ یعنی مذکر و مؤنث جدا از هم با جنسیتی معین در طول زندگی‌شان. در این حالت جنین قابلیت اینکه مذکر یا مؤنث شود را دارا است و آنچه رشد اعضای تناسلی معینی و نه دیگری- را مشخص می‌کند کرموزوم‌های جنسیتی است و این یعنی در داخل هر بدنی، یک مذکر و یک مؤنث، یا بهتر است بگوییم قابلیت مذکر یا قابلیت مؤنث بودن وجود دارد، و آنچه حاصل شده تنها این فرایند است که یکی از آن‌ها هنگام اجرای نقشه ژنتیکی مخصوص به آن بدن، بر دیگری تسلط پیدا کرده و در نتیجه فرد، مذکر یا مؤنث شده است. این نکته در بعضی از حالات بیماری یا اختلال در کرموزوم‌ها واضح است، مثل وضعیتی که در سندرم حساسیت آندروژنی وجود دارد، به‌طوری که گاهی اوقات مؤنث، دارای اعضای مذکر پنهان در بدن می‌شود. بنده این نکته را در کتاب «توهم بی‌خدایی» بیان کرده‌ام.

متن زیر، این مسئله را برای شما روشن خواهد ساخت:

«جهشی ژنتیکی وجود دارد که بر گیرنده‌های آندروژنی یا سندرم هورمون مردانه جنین (XY ϵ 6) تأثیر می‌گذارد. این جهش، تأثیر ژن جنسی مردانه را بیشتر می‌کند و به این ترتیب دستگاه تناسلی زنانه تشکیل می‌شود؛ و بر حسب نوع جهش و میزان تأثیرگذاری آن در گیرنده‌های آندروژنی، وضعیت موجود در این سندرم شکل می‌گیرد. به این ترتیب اندام مردانه و زنانه تکمیل نمی‌شوند و تنها یکی از آنها کامل می‌گردد که معمولاً ظاهری زنانه دارد.

اگر جنین حامل ژن‌های مذکر یا XY ϵ 6، به سندرم حساسیت کامل آندروژن مبتلا باشد، از نظر ظاهری به‌طور کامل مؤنث خواهد شد و حتی معمولاً در ابتدا و بدون معاینه دقیق نمی‌توان وضعیت او را تشخیص داد. در چنین جنینی اعضای ظاهری زنانه وجود دارد؛ بنابراین یک مؤنث معمولی خواهد بود، اما بدون رحم و تخمدان؛ یعنی جنس مؤنث با دستگاه تناسلی زنانه ناقص شکل گرفته است. در چنین جنینی، دستگاه تناسلی مردانه پنهان و پوشیده‌ای نیز در داخل شکم وجود دارد»^۱.

یعنی طبق آنچه تقدیم شد می‌توانیم درک کنیم که هر مذکری درون خود مؤنثی مرده، و هر مؤنثی درون خود مذکری مرده حمل می‌کند، و آنچه افراد ناهنجار انجام می‌دهند بیدار کردن این باطن جسمانی خفته در مرحله نمو ژن است، آنهم با تلقین نفسانی؛ با وجود اینکه این باطن خفته، به واقع و در عمل هیچ تأثیر قابل اعتنایی بر بدن ندارد، که بتواند یک نر را مجبور کند نقش ماده را ایفا کند، یا اینکه ماده نقش نر را. و در حقیقت تنها انسان نیست که چنین کاری را انجام می‌دهد بلکه حیوانات دیگر نیز به نسبت ده درصد یا اندکی بیشتر یا کمتر- چنین کاری را انجام می‌دهند. و علت، همان است که در آنچه گذشت بیان کردم. به این توضیح روشن می‌شود همجنس‌گرایی-تنها به این دلیل که حیوانات دیگر نیز آن را انجام می‌دهند- مساله‌ای طبیعی نیست بلکه حالتی

^۱ - توهّم بی‌خدایی، فصل سوم، ص ۱۹۸.

ناهنجار و خارج شدن از طبیعت مسلط بر بدن موجود زنده محسوب می‌شود و وضع کردن قوانینی که بازدارنده از این انحراف باشد و فرد را محدود کند امری است طبیعی نه بر عکس! اما متأسفانه این بهانه -که ناهنجاری جنسی، صفتی موجود و شایع در دایره حیوانیت است- برای قانع کردن برخی سیاستمداران در بریتانیا و فرانسه -که بیشتر آن‌ها اطلاعی از زیست‌شناسی تکاملی ندارند- استفاده شد تا قوانین مربوط به ازدواج همجنس‌گراها رایج شود.

حقیقت علمی این است که ما و دیگر حیواناتی که بدن آن‌ها تنها به یک سیستم تناسلی اختصاص دارند در طول زندگی خود به‌طور کامل تک‌جنسیتی هستند و تلاش برخی افراد در راستای همجنس‌گرایی، این انحراف را تبدیل به چیزی طبیعی نمی‌کند بلکه همجنس‌گرایی، خارج شدن از طبیعت جسمانی و فیزیولوژیکی محسوب می‌شود. موجود زنده به‌خصوص موجود هوشمندی مثل انسان -می‌تواند از این انحراف به آسانی جلوگیری کند- به همین دلیل، درست آن است که قوانینی وضع شود که از همجنس‌گرایی جلوگیری و به دور شدن از این انحراف کمک کند نه برعکس؛ آنگونه که با تأسف بسیار- امروز شاهدش هستیم، تا آنجا که اخباری که پشت سر هم می‌رسد حکایت از تصویب ازدواج همجنس‌گراها توسط حکومت‌ها دارد!

بنابراین علاج در دست خود شخصی است که خودش را متمایل به همجنس‌گرایی می‌بیند؛ اگر الهامی شیطانی وجود دارد که به او می‌گوید درون او یک مونث خفته وجود دارد و او را به زنده کردن مونث خفته برمی‌انگیزاند، خودش به خوبی می‌داند که درونش نری آشکار با اعضای تناسلی کامل وجود دارد. در مورد فرد مؤنث نیز وضعیت به همین صورت است. اگر بخواهیم این وضعیت را در قالب یک مثال روشن‌تر کنیم: می‌گوییم در هر مذکری نود درصد نر و ده درصد ماده وجود دارد و همچنین در هر مؤنثی، نود درصد ماده و ده درصد نر وجود دارد، طبیعی است که صفات و تمایلات مردانه، بر مذکر چیره می‌شوند -زیرا مردانگی نسبت بیشتری را در ترکیب بدنی او از آن خود کرده است- و همین وضعیت در مورد مؤنث نیز وجود دارد و به ناچار باید صفات زنانه بر او چیره شوند. پس ده

درصد را بر بدن مسلط کردن و بدن را از مذکر به مؤنث یا بر عکس- تبدیل کردن وضعیتی ناهنجار و منحرف محسوب می‌شود و فرض این است که انسان توانایی جلوگیری از انحراف و تسلط بر آن را داراست؛ زیرا این عمل، عبارت است از خروج از طبیعت بدنی مسلط بر بدن در اثر الهاماتی فریبنده که می‌توان در رویارویی با حقیقت جنسی مسلط بر بدن، آن را مجاب و از آن جلوگیری کرد.

آنچه باقی می‌ماند این نکته است که ممکن است حالاتی ناشی از بیماری وجود داشته باشد که بر بدن تأثیر بگذارد مانند کم یا بسیار بودن ترشح برخی هورمون‌ها یا موارد دیگر- که چنین حالت‌هایی را می‌توان با مراجعه به پزشک متخصص معالجه کرد.

*** ** *

پیام صوتی دیگری که منتسب بودن این صفحه را به سید احمدالحسن ثابت می‌کند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ فوریه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما^۱

۱ - فایل پیوست عبارت است از یک فایل صوتی ضبط‌شده با متن زیر:

«بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا. هر روز که سپری می‌شود به فضل خدا- بسیاری از مردم، اعم از طلاب علوم دینی و دیگران ایمان خود را به دعوت حق آشکار می‌کنند؛ اما همانند همه دعوت‌های الهی، برخی افراد برای اهداف خبیث پنهان، اعلام و اظهار ایمان می‌کنند. در دعوت حق، بسیاری از این منافقان که شیطان با اغراض معینی فریضشان داده است وارد شده‌اند؛ ولی در نهایت، ناکام و بی‌یاور از آن بازگشتند: ﴿وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُنَوِّرُ﴾ (و کسانی که حيله‌های زشت به کار می‌گیرند، برای آنان عذابی سخت خواهد بود، و بی‌تردید حيله آنان نابود می‌شود). [فاطر، ۱۰] در این روزها به من [خبر] رسیده است که بعضی از کسانی که ادعای ایمان به مرا دارند، نسبت به مکتب رسمی در نجف اشرف و نسبت به این صفحه مبارک- که در آن پیامی با صدای خودم منتشر کردم- ایجاد شک و تردید کرده‌اند. بعد از این پیام صوتی، عذری برای هیچ‌یک از اینان باقی نخواهد ماند؛ پس اگر دچار اشتباه شده‌اند باید هم‌اکنون به‌طور علنی توبه و استغفار کنند؛ در غیر این صورت باید از من

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۶۳۴۱۳۱۷۱۶۶۳۴۴۹۵/?type=۳&theater>

*** **

مدل‌های فریدمان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۲ فوریه ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

به جهت بهره‌مند شدن، در این صفحه به انتشار بعضی از قسمت‌های کتاب «توهم

بی‌خدایی» خواهم پرداخت؛ ان شاء الله.

مدل‌های فریدمان:

نسبیت عام، جهانی نایستا (یویا) را پیش‌بینی می‌کند. اینشتین هنگام وارد کردن ثابت

کیهانی در معادله خود می‌کوشید از این موضوع اجتناب ورزد. اینشتین و بسیاری از

فیزیکدان‌های آن زمان معتقد بودند کیهان ایستا و ثابت است، و تا زمانی که انرژی یا

نیرویی که در برابر گرانش ماده و نیروی کیهانی تاب بیاورد وجود نداشته باشد، جهان

ایستا (استاتیک) - لاجرم - در خود فرو می‌ریزد.

الکساندر فریدمان فیزیکدان روسی این مسئله را به روشی دیگر حل کرد. وی به جای

اینکه ثابت کیهانی را وارد معادله نماید، راه حلی برای مدل غیرثابت کیهان که با نسبیت

عام هماهنگی داشته باشد ارائه نمود. در نهایت اینشتین موافقت خود را با راه حل

فریدمان ابراز داشت و اعتراف کرد که با وارد کردن ثابت کیهانی و ایستا فرض گرفتن

جهان هستی، دچار اشتباه شده است. ولی در ادامه اشاره خواهیم کرد که پس از این

ماجرای انرژئی تاریک کشف شد. انرژئی تاریک ضد گرانش عمل می‌کند؛ یعنی هم‌ارز عملکرد ثابت کیهانی در مقاومت کردن در برابر نیروی گرانش ماده و انرژئی است.

سپس سه مدل فریدمان برای جهان غیرثابت که به‌طور معمول مدل‌های فریدمان نامیده می‌شود، کامل شد. به این ترتیب درها به روی کیهان گسترش یافته - که آغاز و ابتدایی دارد - گشوده شد. مدل‌های فریدمان بر این نظر است که کیهان دارای انبساط و گسترده‌گی است؛ پیش از آنکه ادوین هابل از طریق نتایج رصد کهکشان‌ها دریابد که تغییر بسامد نور ساطع شده از آن‌ها به سمت رنگ سرخ تمایل دارد و هر چه فاصله بیشتر شود، این تغییر رنگ شدت می‌یابد. این به آن معنا است که بر اساس پدیدهٔ دوپلر کهکشان‌ها به سرعت در حال دور شدن از یکدیگر هستند.

مدل‌های فریدمان عبارت اند از:

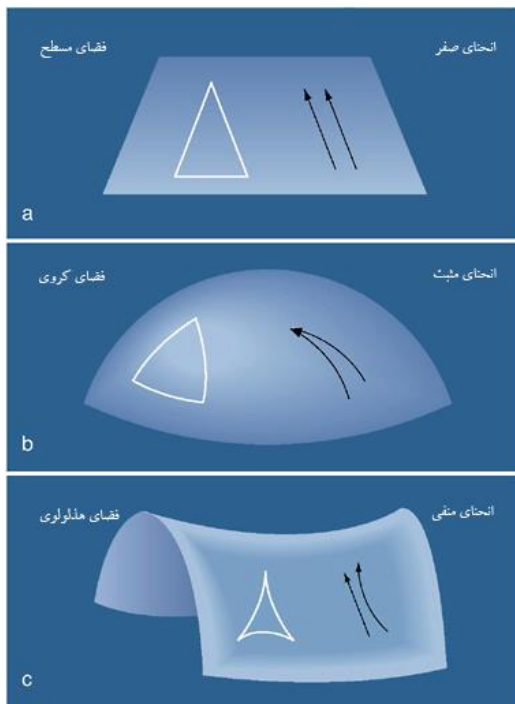
مدل اول: جهان مانند سطح کره دارای انحنای مثبت است و اگر انبساط داشته باشد، عملکرد جاذبه باعث می‌شود در نهایت کارش به انقباض کشیده شود و انبساط بدون توقف جهان، ادامه نخواهد یافت.

مدل دوم: جهان مانند سطح هذلولی سهموی یا زین اسب انحنای منفی دارد و اگر انبساط داشته باشد، انبساطش بدون توقف ادامه خواهد داشت.

مدل سوم: جهان فاقد انحنای به عبارت دیگر مسطح است و اگر انبساط داشته باشد، میانگین انبساطش به تدریج کم شده، به صفر میل می‌کند ولی هیچگاه به صفر نمی‌رسد؛ یعنی آهنگ انبساطش کند می‌شود ولی به ایست کامل نمی‌رسد و به این ترتیب انرژئی مثبت آن که توسط ماده پدید می‌آید، با انرژئی منفی که از جاذبه سرچشمه می‌گیرد برابر خواهد شد.

تمام مدل‌های فریدمان پیش‌بینی می‌کنند که در ابتدای تشکیل جهان، فاصلهٔ بین کهکشان‌ها صفر بوده، زیرا حجم جهان صفر و در نتیجه تراکم آن بی‌نهایت بوده است و این به معنی آن است که مدل‌های فریدمان که بر اساس نظریهٔ نسبیت بنا شده‌اند می‌گویند: نقطه‌ای وجود داشته است که جهان از آن آغاز شده است و در این نقطه،

نظریه نسبیت عام از اعتبار ساقط می‌گردد. این نقطه، نقطه تکینگی (singularity) نامیده می‌شود و انفجار بزرگ از این نقطه آغاز شده است.



*** **

انرژی تاریک

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۳ فوریه ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

انرژی تاریک:

مشاهدات نجومی در قرن بیستم به کشف یک اَبَرنواختر (یا سوپرنوا) از نوع Ia که پس

از انفجار یک کوتوله سفید با جرم $۱/۴$ برابر جرم خورشید به وجود آمده بود انجامید. این نوع سوپرنوا استاندارد در ستاره‌شناسی است که با آن می‌توان فواصل کیهانی را به دقت تعیین نمود؛ زیرا این نوع کوتوله‌های سفید به هنگام انفجار و تبدیل شدن به ابرنواختر، همه یک میزان روشنایی از خود ساطع می‌کنند و با سرعت یکسانی درخندگی خود را از دست می‌دهند؛ چرا که تقریباً همگی از یک ترکیب برخوردار هستند و هنگام رسیدن به همان جرم مزبور یعنی $۱/۴$ برابر جرم خورشید منفجر می‌شوند؛ این جرم به این صورت حاصل می‌شود که اجسام دوردست خوراکی برای این کوتوله‌های سفید می‌شوند. آن‌ها شروع به جذب گازهای غنی از هیدروژن ستاره پیری که همراهشان است می‌کنند و در نتیجه چگالی و حرارتشان به‌طور مرتب زیاد می‌شود، تا به دمایی بیش از ۱۰ میلیون درجه می‌رسد و در نتیجه برای کل کوتوله سفید یک همجوشی هسته‌ای رخ می‌دهد؛ ستاره مشتعل شده، انفجار بزرگی رخ می‌دهد و در نتیجه ستاره شعله‌ور و از هم گسیخته، ابرنواختری از نوع Ia پدید می‌آید.

اما آنچه باعث افزایش یا کاهش میزان درخندگی آن‌ها می‌شود فاصله بین آن‌ها تا ناظر، یا دوری و نزدیکی ابرنواختر نسبت به رصدکننده است؛ و همین نکته همان‌طور که پیشتر شرح داده شد- استاندارد برای تعیین دقیق فواصل کیهانی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال اگر ما بدانیم ابرنواختری چقدر با ما فاصله دارد، سپس خواهیم فاصله خودمان تا یک ابرنواختر دیگر را که یک‌چهارم ابرنواختر اول درخندگی دارد اندازه‌گیری کنیم، به این معنی است که فاصله ما تا ابرنواختر دوم، دو برابر فاصله‌مان تا ابرنواختر اول است؛ زیرا میزان تابش متناسب با عکس مربع فاصله است؛ به عبارت دیگر اگر ما فاصله میان خود و ابرنواختری را بدانیم می‌توانیم میزان درخندگی آن را نیز محاسبه نماییم. از آنجا که ابرنواخترها در هستی پیرامون ما به‌طور پیوسته در حال انفجار هستند، اطلاعات زیاد و دقیقی از فواصل کیهانی برای ما فراهم شده است. همچنین بررسی آن‌ها سرعت انبساط هستی (ماده و انرژی) را نیز نشان می‌دهد.

در پایان قرن بیستم گروهی از پژوهشگرانی که به رصد ابرنواخترها می‌پرداختند متوجه

شدند یکی از ابرنواخترهای دور از ما سریع‌تر از آنچه مورد انتظار بود، درخشندگیش را از دست داد. این به آن معنا است که هستی با سرعتی بیش از آنچه پیشتر گمان می‌رفت، در حال انبساط است. این هم به نوبه خود به این معنی است که یک انرژی بزرگ و غول‌پیکر مجهول وجود دارد که در برابر گرانش جرم ماده کیهانی ایستادگی می‌کند و هستی را به سمت انبساط با شتاب بیشتر سوق می‌دهد.

پس از فراهم آمدن ابزارهایی برای اندازه‌گیری دقیق مسافت‌های کیهانی، با اندازه‌گیری فاصله‌های کهکشان‌ها و سرعت دور شدن آن‌ها، کیهان‌شناسان دریافتند انرژی بزرگ ناشناخته‌ای وجود دارد که با نیروی گرانش ماده در هستی مقابله می‌کند و در فرایند انبساط دائمی و پرشتاب هستی مشارکتی فعال دارد. این انرژی را «انرژی تاریک» نام نهادند.

با توجه به مبانی ریاضی، و بر اساس مطالب گفته‌شده و نتایج رصدهای صورت‌گرفته، اخترشناسان توانستند مقدار اختلاف $\Omega_{\Lambda} - \Omega_M = 0.46$ را با دقت 0.03 اندازه‌گیری کنند.

Ω_{Λ} عبارت است از نسبت چگالی انرژی تاریک به چگالی بحرانی.

Ω_M عبارت است از نسبت میانگین چگالی کل ماده موجود در هستی به چگالی بحرانی.

چگالی بحرانی، یعنی چگالی که طبق معادلات اینشتین، انحنای کیهان در آن چگالی صفر می‌شود.

طبق یافته‌های به دست آمده از مشاهدات نجومی، در کیهان مرئی میانگین نسبت چگالی کل ماده موجود در هستی به همراه ماده تاریک - که بر اساس جاذبه‌اش در این فرایند مشارکت دارد - به چگالی بحرانی تقریباً برابر است با 0.25 یعنی تقریباً:

$$\Omega_M = 0.25$$

و از معادله فوق مقدار Ω_{Λ} قابل محاسبه است:

$$\Omega_{\Lambda} = \Omega_M + 0.46$$

و به طور تقریبی:

$$\Omega_{\Lambda} = 0.25(\pm 0.03) + 0.46 = 0.71$$

یعنی $\Omega_{\Lambda} + \Omega_M = 0.96 \sim 0.99$ و این مقدار از نظر برخی دانشمندان فیزیک و اخترشناسان تقریباً برابر «یک» است و این یعنی انحنای جهان برابر با صفر است. از معادلات نسبیت اینشتین در مورد شکل هستی و انبساط یا پایداری آن می‌توان مقدار چگالی بحرانی ماده در کیهان را به دست آورد. چگالی بحرانی یعنی چگالی ماده در هستی که در آن، انحنای فضا صفر می‌شود. ولی در حال حاضر چگالی محاسباتی هستی از طریق جرم معادل مقدار انرژی که معادله اینشتین یعنی $E = mc^2$ به دست می‌دهد، محاسبه می‌شود، که به چگالی واقعی معروف است.

اگر چگالی واقعی بیشتر از چگالی بحرانی باشد، یعنی هستی انحنای مثبت دارد. مانند سطح کره. و این خود به آن معنا است که اگر هستی ما منبسط و گسترده شود، نهایت کارش به انقباض کشیده خواهد شد و انبساط بدون توقف آن ادامه نخواهد یافت. اگر چگالی واقعی کمتر از چگالی بحرانی باشد، به مفهوم این است که جهان انحنای منفی پیدا می‌کند مانند سطح هذلولی سهموی یا زین اسب. و انبساط آن بی‌توقف ادامه خواهد داشت.

معنای مساوی بودن چگالی واقعی و چگالی بحرانی هم این است که هستی فاقد انحنا است یا به عبارت دیگر مسطح است. در این حالت انبساط آن ادامه خواهد یافت؛ ولی میانگین انبساطش به تدریج کم خواهد شد تا در نهایت به صفر نزدیک شود. بر اساس نتایج پیشین، این نسبت تقریباً برابر یک است، یعنی چگالی فعلی برابر با چگالی بحرانی است یا به عبارت دیگر، هستی بدون انحنا یا مسطح است.

علاوه بر اطلاعات به دست آمده از اَبَرنوآخترها - که بیشتر بحث شد - رصد تابش پس‌زمینه کیهانی و ترسیم نقشه دقیق انحرافات آن، در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم، به وسیله ابزارهای پیشرفته‌ای که بر بالن‌ها و ماهواره‌های فضایی سوار می‌شوند، دانشمندان توانستند مجموع Ω_{Λ} و Ω_M را که تقریباً 1.02 بود، با دقت

احتمالی به میزان 0.702 دریاوند. اگر ما برای درک تفاوت مقدار بین این دو، به نتیجه به دست آمده از ابرنواخترها مراجعه کنیم، تقریباً به همین نتیجه می‌رسیم یعنی اینکه مجموع این دو تقریباً عدد صحیح «یک» است و این یعنی:

ثابت کیهانی در معادله اینشتین بر خلاف آنچه قبلاً انتظار می‌رفت، صفر نیست؛ بلکه در این بین انرژی ناشناخته‌ای - یا آن‌طور که نام گرفته انرژی تاریک - وجود دارد که در واقع بخش اعظم انرژی مؤثر در هستی است؛ و اگر آن را به جرم تبدیل کنیم، سهم بیشتری نسبت به جرم هستی خواهد داشت.

موضوع دیگر اینکه جهان بدون انحنا یا مسطح است.

*** ** *

اگر جهان مسطح است، چرا اشیاء کروی شکل دیده می‌شوند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ فوریه ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

Noor Ala Noor نوشته است:

وعليکم السلام و رحمة الله و برکاته.

با احترام، پرسشی دارم: اگر جهان مسطح است، چرا هرچیزی در هستی کروی شکل

دیده می‌شود؛ همان‌گونه که اینشتین اثبات کرده است که کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه،

خط مستقیم نیست؛ بلکه کمائی منحنی شکل با زاویه‌ای معین است. با تشکر خالصانه.

پاسخ:

اینکه جهان انحنا ندارد به این معنا نیست که دو بعدی است؛ بلکه جهان سه بُعد

مکانی قابل مشاهده برای ما دارد و بُعد زمان به آن اضافه می‌شود و به این ترتیب حداقل

چهاربعدی می‌شود. به همین دلیل مسطح‌بودن جهان مانع از آن نمی‌شود که جرم اجسام در جهان، در بافت داخلی یا بافت چهاربعدی جهان ایجاد انحنا کند. به‌طور کلی این مسئله به‌تفصیل در کتاب «توهم بی‌خدایی» شرح داده شده است و قسمتی از توضیح این مطلب را از کتاب «توهم بی‌خدایی» نقل می‌کنم. شما می‌توانی به کتاب مراجعه کنی و مطالب بیشتری از آن را بخوانی؛ ان‌شاء‌الله.

«نظریه نسبیت عام:

طبق قوانین نیوتن، نیروی جاذبه گرانش بین دو جسم، به جرم آن‌ها و نیز فاصله بین آن دو در یک لحظه بستگی دارد. مفهوم این سخن آن است که اگر یکی از این دو جسم حرکت کند به گونه‌ای که مسافت بین این دو تغییر یابد، نیروی گرانش بر جسم دوم فوراً تغییر خواهد کرد؛ به عبارت دیگر تغییر در لحظه و به صورت آنی ایجاد می‌شود. این به آن معنا است که اثرگذاری نیروی گرانش با سرعت بی‌نهایت منتقل می‌شود، و این با نسبیت خاص - که می‌گوید سرعت نور، بالاترین سرعت‌ها است - سازگاری دارد. از این رو اینشتین ده سال تمام در کار ارائه نظریه گرانشی بود که با نسبیت خاص در تعارض نباشد. وی در سال ۱۹۱۵ میلادی نظریه نسبیت عام را مطرح کرد که کیهان را از نظر تأثیر گرانش ماده و نیروی آن و نیز تأثیر مواد بر یکدیگر، به صورت یک مجموعه کلی و یکپارچه در نظر می‌گیرد که با آنچه اینشتین در نسبیت خاص مطرح کرده بود، در تعارض ناست؛ اینکه در کیهان سرعتی بالاتر از سرعت نور نیست، و زمان به‌طور مطلق از دیگر ابعاد کیهانی - که ما آن‌ها را مکان می‌نامیم - مستقل نیست، ما با یک بافت کیهانی که از ابعاد چهارگانه تشکیل شده است، مواجه می‌باشیم.

در نظریه نسبیت عام، تأثیر گرانش در نتیجه خمیدگی ابعاد چهارگانه کیهانی زمان-مکان به دلیل وجود ماده و انرژی است؛ گویا بافت موجود در هستی به صورتی است که می‌توان در آن خمیدگی ایجاد کرد و هر ماده‌ای در جهان با مقدار جرم خود، این بافت را خمیده می‌سازد. هر انرژی نیز به همین صورت این بافت را به اندازه‌ای که معادل مقدار مشابه ماده‌ای آن طبق معادله‌ای که اینشتین در نظریه نسبیت خاص مطرح کرده است $(E = mc^2)$ خم می‌کند.

به عنوان مثال جرم و انرژی خورشید، بافت زمان-مکان را خم می‌کند و زمین در این

مسیر منحنی که بسیار شبیه به مسیر مستقیم و در واقع کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه در ابعاد چهارگانه است حرکت می‌کند. ما در جهان سه‌بعدی، این مسیر را تقریباً به صورت دایره‌ای شکل می‌بینیم. دقیقاً مشابه هواپیمایی که در ابعاد سه‌گانه، بر خط مستقیمی بین دو نقطه در هوا حرکت می‌کند، ولی مسیر سایه آن بر روی سطح دو بعدی زمین الزاماً خط مستقیم نیست و در نتیجه پستی و بلندی‌های سطح زمین، مسیر سایه منحنی می‌شود.

بسیاری از برنامه‌ها و آزمایش‌ها ثابت کرده است که پیش‌بینی نظریه نسبیت عام، با واقعیت همخوانی دارد. به عنوان مثال تقسیری که این نظریه از مدار عطارد به دست می‌دهد، دقیق‌تر از تفسیر قانون گرانش نیوتن است. این نظریه همچنین توانسته انحراف پرتو نور و تأثیرگذاری آن بر میدان‌های گرانشی را مشخص کند، که در عمل درستی آن در آزمایش ثابت شده است. نسبیت عام همچنین وجود سیاهچاله‌ها را پیش‌بینی کرده بود که با کشف سیاهچاله‌ها، این پیش‌بینی نیز تأیید شد.

مهم‌ترین چیزی که نسبیت عام در خصوص موضوع مورد بحث ما مطرح کرده، این است که زمان و مکان فضای منجمدی که رویدادها در آن واقع می‌شود، نیست بلکه زمان و مکان خم می‌شوند و از چیزهای موجود در خود تأثیر می‌پذیرند؛ به عبارت دیگر وجود آن‌ها دینامیکی و متحرک است.

برخی کیهان‌شناسان با استناد به همین نظریه، چنین فرض گرفته‌اند که گستره هستی فقط به ماده و انرژی محدود نمی‌شود؛ بلکه فضایی را که این دو را در بر می‌گیرد نیز شامل می‌گردد». پایان نقل قول از کتاب توهّم بی‌خدایی.

توجه: آنچه در مطالب پیش‌گفته قصد بیانش را داشتم این نکته است: نتیجه‌گیری علمی از رصدها و معادلات ریاضی این نکته است که جهان، مسطح است و آغازی ساده داشته و پس از آن، رو به افزونی نهاده و پیچیده شده است؛ به‌گونه‌ای که شخص پیگیر این مسئله، تأثیر این نتایج را در مباحثی که در آینده درباره نظریه تکامل مطرح خواهد شد و تلاش برخی نادان‌ها برای رد این نظریه را خواهد شناخت.

*** **

مجموعه دگرگونی، انتخاب طبیعی و وراثت قطعاً به تکامل می‌انجامد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ فوریه ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند مسئلت دارم که در خیر و عافیت باشید.

پس از اینکه به اختصار بیان کردم که جهان مسطح است و طبق دستاوردهای علمی دقیق، آغازی داشته و پس از آن گسترش یافته و هنوز هم در حال گسترش است، اکنون می‌خواهم به اختصار، صحت نظریه تکامل را بیان کنم. پس از این توضیح، ارزش نظرات بزرگان دین و جهالت‌هایی را که پیش کشیده و پنداشته‌اند با آن ادله، نظریه تکامل را رد کرده‌اند خواهیم شناخت. در حقیقت آن‌ها تا به امروز، ناتوان از فهم این نظریه هستند، چه برسد به توانایی برای ارائه هرگونه اشکال ارزشمندی بر نظریه‌ای علمی که از موارد ثابت شده علم جدید است و در مدارس و دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود و به‌عنوان بیگانه تفسیرکننده علمی تکامل حیات و تنوع آن روی کره زمین شمرده می‌شود. در این صفحه به طرح برخی ادله ژنتیکی بر صحت نظریه تکامل، بسنده خواهیم کرد. همچنین قبل از این - قطعی بودن تکامل و تنوع حیات در صورت فراهم شدن عناصر تکامل و تنوع را بیان خواهیم داشت. هرکس خواهان دلایل بیشتری است می‌تواند کتاب «توهم بی‌خدایی» را مطالعه نماید.

دلایل نظریه تکامل:

ترکیب دگرگونی، انتخاب طبیعی و وراثت قطعاً به تکامل می‌انجامد

برای ساده کردن موضوع چند مثال می‌آورم:

مثال: نیاکان انسان اروپایی افرادی بودند که پوست تیره‌ای (سیاه) داشته‌اند. با این حال می‌بینیم امروزه پوست اروپایی‌ها سفید و حتی با درجات مختلفی از سفیدی است. مثلاً سفیدی پوست مردم جنوب اروپا کمتر از شمال آن است. دلیل این موضوع آن است که طبیعت، نژادهای برتر را انتخاب می‌کند؛ اما انتخاب شدن پوست سفید توسط طبیعت می‌تواند علت ساده‌ای داشته باشد؛ اینکه نور خورشید باید از پوست عبور کند تا ویتامین D ساخته شود. پوست تیره مانع عبور نور خورشید می‌شود یا شدت نور را کاهش می‌دهد. در

اروپا که نور خورشید کمتر است، کسانی که پوست تیره دارند به شدت در معرض خطر کمبود ویتامین D قرار می‌گیرند و این مسئله، تهدیدی برای زندگی و تولید مثل آن‌ها به شمار می‌رود. به این ترتیب بقای اصلح، شکل می‌گیرد. از آنجا که دگرگونی در رنگ پوست قطعاً وجود دارد، پوست روشن برگزیده می‌شود چرا که دارنده آن قادر است در محیطی که نور خورشید در آن کم است باقی بماند و زندگی کند. به این ترتیب فرایند غربالگری که فرایندی حتمی است، نسلی پس از نسل دیگر روی می‌دهد تا رنگ پوست به آنچه که با محیط تناسب دارد برسد. این موضوع در مورد اندازه بینی، قد و دیگر صفات نیز صادق است.

مثال: در جریان انقلاب صنعتی، رنگ پروانه‌ها از سفید به سیاه تغییر یافت، چرا که پروانه‌ها از رنگ سفید خود برای استتار بر پوسته سفید رنگ درختان سود می‌جستند و از دید پرندگان مخفی می‌شدند ولی پس از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، در برخی مناطق صنعتی، آلودگی ناشی از سوخت ذغال سنگ، باعث سیاه شدن پوست درختان شد و پروانه‌های سفید رنگ در معرض دید پرندگان قرار گرفتند. گروهی از پروانه‌ها از جهشی که رنگ آن‌ها را تیره می‌ساختند برخوردار شدند و این دسته توانستند به خوبی مخفی شوند و باقی بمانند. به این ترتیب رنگ پروانه‌ها در دورانی نه چندان طولانی تغییر یافت؛ چرا که دوره زندگی پروانه‌ها کوتاه است و تغییر رنگ به زمان‌های طولانی - مثلاً میلیون‌ها سال - نیاز ندارد؛ بلکه یک دوره نسبتاً کوتاه برای پدید آمدن صدها و هزاران نسل از آن‌ها و نیز پدید آمدن تکامل زیستی در آن‌ها کفایت می‌کند.

مثال: طول گردن اجداد زرافه‌ها مختلف و گردن برخی درازتر از دیگری بوده است. اگر فرض کنیم این زرافه‌های اولیه در محیطی زندگی می‌کردند که زرافه‌های گردن‌درازتر بیش از زرافه‌هایی با گردن کوتاه‌تر می‌توانستند غذا به دست آورند؛ طبیعت، زرافه‌هایی را که برای زندگی در آن محیط سازگاری بیشتری داشتند انتخاب می‌کرد و به همین دلیل زرافه‌های گردن کوتاه از گرسنگی می‌مردند یا به علت کمبود غذا نمی‌توانستند جفت‌گیری و تولید مثل نمایند و یا قادر به تغذیه فرزندان خود نبودند. به این ترتیب در این محیط تعداد زرافه‌های گردن کوتاه رو به کاستی می‌گذارد و چه بسا به‌طور کلی منقرض شوند، در حالی که زرافه‌های گردن‌دراز زنده می‌مانند و به خوبی زاد و ولد می‌کنند. در نتیجه تعداد

زرافه‌هایی که از ویژگی درازی گردن برخوردارند افزایش می‌یابد و آن‌ها این ویژگی‌های ژنتیکی را برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند. نقشه ژنتیکی زرافه‌ها، ویژگی کوتاهی گردن را نسل به نسل کنار می‌گذارد.

این امور بدیهی به نظر می‌رسند و امروزه استدلال به آن‌ها با استفاده از ژن‌ها، همانند استدلال به چرخش زمین به دور خورشید طبق تصاویر گرفته شده، واضح است. با این حال، بسیاری از مردم فقط به این دلیل که اعتقاد دارند این مطالب با متون دینی در تعارض است، آن‌ها را انکار می‌کنند!

مثالی دیگر: حیوانات درنده. به عنوان مثال گرگ‌ها همانند دیگر موجودات زنده در همه چیز تفاوت‌هایی دارند. اگر گرگ‌ها در محیطی قرار بگیرند که شکار از سرعت بالایی برخوردار باشد، گرگ‌های پا کوتاه و کُند از گرسنگی می‌میرند و در نتیجه صفات خود را به نسل بعدی منتقل نمی‌کنند. با گذشت زمان، در اثر انتخاب طبیعی در آن محیط گرگ‌هایی با پاهای بلند و سرعت زیاد شکل خواهند گرفت. در محیط برفی، فقط گرگ‌های سفید باقی خواهند ماند زیرا گرگ‌های تیره در معرض دید حیوانات شکارشونده قرار می‌گیرند و در نتیجه نمی‌توانند غذای خود را صید کنند و از گرسنگی می‌میرند. به همین دلیل رفته رفته رنگ موی گرگ، سفید می‌شود. چه بسا این وضعیت برای حیوانات شکارشونده نیز پدید آید، مثلاً رنگ سفید موی خرگوش، حیوان را در استتار کمک می‌کند. شاید اگر رنگ سفید خرس‌های قطبی نبود، این حیوانات در به دست آوردن غذا ناتوان می‌ماندند، زیرا این رنگ، حیوان را در مخفی شدن، بسیار کمک می‌کند و هنگامی شکار، او را می‌بیند که دیگر بسیار دیر شده است. حیوان این رنگ سفید را یک شبه به دست نیآورده است بلکه قطعاً فرایند تکاملی مشابه تکامل پروانه‌های انقلاب صنعتی رخ داده است. هر دو این فرایندها پس از بروز جهش‌های ژنتیکی که گزینه مناسب برای زنده ماندن، و زیاد شدن یک ویژگی و تثبیت آن نسبت به سایر ویژگی‌ها را در اختیار قرار می‌دهد حاصل شده است. البته بنا به گفته دکتر ایان استرلینگ، زمان مورد نیاز برای به وجود آمدن خرس قطبی از خرس قهوه‌ای تقریباً ۱۵۰ هزار سال است؛ که بسیار طولانی‌تر از زمان مورد نیاز در تکامل پروانه‌های انقلاب صنعتی است؛ و همان طور که پیشتر اشاره کردم، دلیل آن به درازی و کوتاهی دوره زندگی حیوان بازمی‌گردد.

یک مثال دیگر: امروزه همه ما می‌گوییم با اینکه از لحاظ معماری، فن‌آوری و پزشکی به پیشرفت‌های زیادی دست یافته‌ایم، ولی مشکلات بهداشتی و سلامتی ما بیشتر شده و بیماری‌ها فراوان‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. همه ما و چه بسا برخی پزشکان نیز- یک صدا می‌پرسیم: علت چیست؟! در حالی که یکی از دلایل این موضوع، واضح و بسیار ساده است: ما با پیشرفت خود، یکی از طرفین معادلهٔ تکامل در خصوص نوع انسانی (از نظر جسمانی) را به هم زده و ملغی نموده‌ایم و آن، همان انتخاب طبیعی است.

بیشتر توضیح می‌دهم: یک بیماری ارثی مانند دیابت را در نظر می‌گیریم. رعایت کردن مراقبت‌های بهداشتی (پزشک + آزمایشگاه + کارشناسان + داروساز + دارو...) باعث می‌شود زندگی بیمار مبتلا به دیابت طولانی‌تر شود؛ تا جایی که وی می‌تواند به حد بلوغ رسیده، تولید مثل کند و ژن‌های خود را به فرزندانش منتقل نماید. این موضوع باعث می‌شود تعداد افرادی که دارای این ژن‌ها هستند، بین ما افزایش یابد. به این ترتیب ما با پیشرفت خود، انتخاب طبیعی را ملغی کرده‌ایم. اگر ما مراقبت‌های بهداشتی و درمانی را در این معادله دخالت نمی‌دادیم انتخاب طبیعی روی می‌داد و در نتیجه بسیاری از افراد مبتلا به دیابت پیش از آنکه بالغ شوند و بتوانند تولید مثل کنند می‌مردند و به این ترتیب آرام آرام تعداد افراد حامل این نوع ژن‌ها، رو به کاستی می‌گذاشت.

همچنین از آنجا که ما امروزه در خانه‌هایی عموماً مستحکم زندگی می‌کنیم، بسیاری از افراد نمی‌توانند مشکلات زندگی در محیط طبیعی از قبیل مقاومت در برابر میکروب‌ها یا نیش حشرات را تحمل کنند.

تحقیقاتی دربارهٔ قتل عام بیولوژیکی که قبلاً برای ساکنان بومی قاره‌های جدید روی داده، صورت گرفته است. این گُشتار به دلیل وجود میکروب‌های نهفته در حیوانات خانگی که مهاجران جدید آن‌ها را با خود به قاره‌های مزبور آورده‌اند، روی داده است. در حالی که اروپایی‌ها برای زندگی با آن میکروب‌ها سازگاری یافته و در برابر آن‌ها مقاوم بودند، ساکنان بومی قاره‌های جدید نتوانستند در مقابل این میکروب‌ها مقاومتی از خود نشان دهند که باعث تغییر و بازسازی ساختار بدن آن‌ها بر اساس نظام تکامل گردید.

*** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ فوریه ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم که در خیر و عافیت باشید.

دلایل ژنتیکی بسیاری برای تکامل وجود دارد؛ از جمله:

- همجوشی (ادغام) کروموزوم شماره دو در انسان که عبارت است از ادغام یک جفت از کروموزوم‌های جدا از هم در شامپانزه، اورانگوتان و گوریل. انسان دارای ۲۳ جفت کروموزوم است، در حالی که باقی اعضای خانواده انسان‌واره‌ها ۲۴ جفت کروموزوم دارند.

The data we present here demonstrate that a telomere-to-telomere fusion of ancestral chromosomes occurred, leaving a patho-gnomonic relic at band ۲q۱۳.

This fusion accounts for the reduction of ۲۴ pairs of chromosomes in the great apes (chimpanzee, orangutan and gorilla) to ۲۳ in modern human and must, therefore, have been a relatively recent event. Comparative cytogenetic studies in mammalian species indicate that Robertsonian changes have played a major role in karyotype evolution (۲۳/۲۴). This study demonstrates that telomere-telomere fusion, rather than translocation after chromosome breakage, is responsible for the evolution of human chromosome ۲ from ancestral ape chromosomes.

داده‌هایی که در اینجا ارائه می‌کنیم نشان می‌دهد که همجوشی صورت گرفته بین دو تلومر (که اطراف کروموزوم‌ها هستند) در کروموزوم‌های نیاکان، اثری ثابت و قدیمی در عصب ۲q۱۳ برجای گذاشته است.

این همجوشی باعث شد ۲۴ جفت کروموزوم‌های شامپانزه، اورانگوتان و گوریل، به ۲۳ جفت کروموزوم در انسان امروزی کاهش یابد؛ بنابراین، روشن است که این رویداد باید به‌تازگی رخ داده باشد.

مطالعات سیتوژنتیک تطبیقی در گونه‌های پستانداران، حاکی از آن است که تغییرات روبرتسونی در تکامل کاریوتیپ نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که

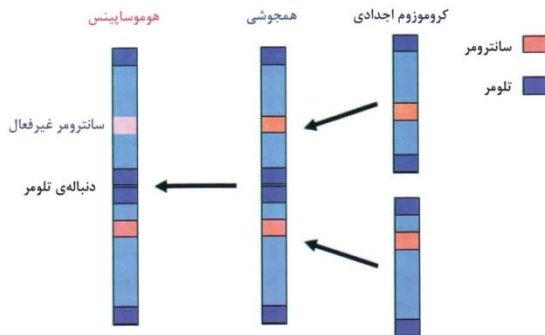
همجوشی بین دو تلومر (به جای تغییر موضعی پس از شکست کروموزومی) دلیل اصلی تکامل کروموزوم شماره دو از کروموزوم‌های نیاکان میمون است.^۱

این پژوهش توسط دکتر یاکوب ایجدو^۲ از دانشگاه آیوا در آمریکا صورت گرفته است. همچنین ویدئوی توضیحی زیر که توسط دکتر کیت میلر^۳ تهیه شده است، موضوع

ادغام کروموزوم شماره دو در انسان را توضیح می‌دهد:

شبکه ویدئویی کتاب وهم‌الحداد، کروموزوم شماره دو، کنت میلر. قابل دسترس در نشانی:

<http://www.youtube.com/watch?v=wySVojm۲x۳Q>



شکل ۳: تصویری که همجوشی کروموزوم شماره دو انسان را نشان می‌دهد.

۱- ایجدو، منشأ کروموزوم انسان، ۲: همجوشی تلومر، تلومر اجدادی، قابل دسترس در نشانی:

<http://www.pnas.org/cgi/reprint/۸۸/۲۰/۹۰۵۱.pdf>

۲- دکتر یاکوب جرج ایجدو (Dr. Jacob George Ijdo)، روماتولوژیست و استاد رشته پزشکی داخلی بالینی و ایمنی‌شناسی (Immunology) در دانشگاه آیوا در آمریکا، دکتری از دانشگاه آستردام در هلند.

۳- دکتر کیت میلر (Kenneth R. Miller) (زاده ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۸) زیست‌شناس آمریکایی، متخصص زیست‌شناسی سلولی و زیست‌شناسی مولکولی است. وی در حال حاضر سمت استادی زیست‌شناسی دانشگاه براون را برعهده دارد.

- مشترک بودن انسان و دیگر سرتیره‌ها در ویروس‌های پسگرد (رتروویروس)

All but two (CERV ۱/PTERV ۱ and CERV ۲) of the ۴۲ families of chimpanzee endogenous retroviruses were found to have orthologs in humans.

تمام ۴۲ خانواده ویروس‌های پسگرد داخلی شامپانزه، به جز دو مورد

(که عبارتند از CERV ۱/PTERV ۱ و CERV ۲) به صورت

همساخت اورتولوگ در انسان نیز یافت شده است.

پژوهشی از پروفیسور جان مک دونالد.^۲

برای توضیح این موضوع و اینکه چطور می‌تواند دلیلی بر تکامل باشد، فرض می‌کنیم یک نوار (صوتی یا ویدئویی) که در آن رویدادهای زندگی گونه انسان و بقیه انسان‌واره‌ها ضبط شده است، در اختیار داریم. با مطالعه این نوار درمی‌یابیم که اینها جملگی نشانه‌های یکسانی را که آثار آسیب‌های خاصی است و از میلیون‌ها سال قبل بر آنان وارد شده است، دارا می‌باشند. برای یکی بودن این آثار هیچ تفسیری نمی‌توان ارائه کرد جز اینکه همه گونه‌های امروزی، نیای مشترکی داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت بر اساس محاسبه احتمالات، تقریباً ناممکن است که کمیت و کیفیت این آسیب‌ها یکسان باشد تا همان آثار در یک زمان و یک مکان ایجاد شده باشد.

مثالی جهت روشن‌تر شدن:

۱- مک دونالد، شناسایی، توصیف و مقایسه ژن‌های ویروس‌های پسگرد داخلی شامپانزه. قابل دسترس در نشانی:

<http://genomebiology.com/۲۰۰۶/۷/۶/R۵۱>

۲- دکتر جان مک دونالد (John McDonald) دکتری ژنتیک دانشگاه کالیفرنیا:

<http://www.biology.gatec.edu/people/publications/john-mcdonald>

فرض می‌کنیم ما دو نفر به نام‌های «الف» و «ب» داریم. همچنین سوابقی در اختیار ما هست که در آن‌ها تاریخ اجداد هر یک از این دو ثبت شده است. با بررسی این تاریخ‌ها موارد زیر را مشاهده کرده‌ایم:

یکی از اجداد «الف» - مثلاً جد صدم وی - در فلان تاریخ، جراحی به طول یک سانتی‌متر در فلان قسمت از بازوی راستش پدید آمده است.

یکی از اجداد «ب» - باز مثلاً جد صدم وی - در همان تاریخ، جراحی به طول یک سانتی‌متر در همان قسمت از بازوی راستش پدید آمده است.

یکی از اجداد «الف» - مثلاً جد هفتم وی - در فلان تاریخ ضربه‌ای به چشم چپش وارد شده و او نابینا گشته است.

یکی از اجداد «ب» - باز مثلاً جد هفتم وی - در همان تاریخ ضربه‌ای به چشم چپش وارد شده و او هم نابینا گشته است.

و به همین ترتیب، این رویدادهای مشترک و کاملاً همسان، ده‌ها بار بین اجداد این دو تکرار شده است.

اکنون هر کس این تاریخ را مطالعه کند خواهد گفت که این اجداد در واقع یک گروه از اشخاص هستند، و آن‌ها نیاکان مشترکی بین «الف» و «ب» می‌باشند.

حقیقت آن است که دلایل علم ژنتیک برای تکامل، بسیار است و من در اینجا قصد ندارم همه این دلایل را بررسی کنم. از این رو مبحث را با سخنان یکی از متخصصان ژنتیک خاتمه می‌دهم. دکتر فرانسیس کالینز در مورد برخی شواهدی که خود وی هنگام مطالعه نقشه ژنتیکی انسان، گروهی از پستانداران و دیگر موجودات به دست آورده است، اشاره می‌کند:

When I contracted malaria in West Africa in ۱۹۸۹, that was despite having taken the recommended prophylaxis (chloroquine). Randomly occurring natural variations in the genome of the malarial parasite, subjected to selection over many years of heavy use of

chloroquine in that part of the world, had ultimately resulted in a pathogen that was resisted to the drug, and therefore spread rapidly. Similarly, rapid evolutionary changes in the HIV virus that causes AIDS have provided a major challenge for vaccine development, and are the major cause of ultimate relapse in those treated with drugs against AIDS. Even more in the public eye, the fears of a pandemic influenza outbreak from the H^۵N^۱ strain of avian flu are based upon the high likelihood that the current strain, devastating as it already is to chickens and a few humans who have had close contact with them, will evolve into a form that spreads easily from person to person. Truly it can be said that not only biology but medicine would be impossible to understand without the theory of evolution.

در سال ۱۹۸۹ در آفریقای غربی، با وجود پیشگیری‌های توصیه‌شده (استفاده از کلروکوین^۱) به بیماری مالاریا مبتلا شدم. تغییرات طبیعی تصادفی در ژنوم انگل مالاریا به دلیل مصرف بسیار زیاد کلروکوین در آن قسمت از دنیا طی چندین سال، در نهایت، منجر به پیدایش نوعی انگل بیماری‌زای مقاوم به دارو شد و در نتیجه بیماری به سرعت گسترش یافت. به‌طور مشابه، تغییرات تکاملی سریع در ویروس HIV (عامل بیماری ایدز) چالش اصلی برای کشف واکسن آن است و همین‌طور، علت اصلی عدم موفقیت داروهای ضد ایدز به شمار می‌آید.

حتی در بین عموم مردم، نگرانی از شیوع آنفلوآنزای ناشی از ویروس H^۵N^۱ (آنفلوآنزای مرغی) وجود دارد. در مورد این بیماری که در پرندگان

و نیز تعداد کمی از انسان‌هایی که تماس نزدیک با آن‌ها داشته‌اند، مشاهده شده است. نگرانی از این است که این ویروس به شکلی تکامل یابد که به آسانی از یک شخص به شخص دیگر منتقل شود. در حقیقت می‌توان گفت نه تنها درک زیست‌شناسی بلکه فهم پزشکی نیز بدون نظریهٔ تکامل، غیرممکن خواهد بود...

The study of genomes leads inexorably to the conclusion that we humans share a common ancestor with other living things.

از بررسی ژنوم‌ها این نتیجهٔ قطعی به دست می‌آید که ما انسان‌ها اجداد مشترکی با دیگر موجودات زنده داریم.

This evidence alone does not, of course, prove a common ancestor; from a creationist perspective, such similarities could simply demonstrate that God used successful design principles over and over again. As we shall see, however, and as was foreshadowed above by the discussion of "silent" mutations in protein-coding regions, the detailed study of genomes has rendered that interpretation virtually untenable-not only about all other living things, but also about ourselves.

البته از دیدگاه خلقت‌گرایان (متدیستین)، این نتیجه به تنهایی وجود یک نیای مشترک را ثابت نمی‌کند. از دید آنان این شباهت‌ها به سادگی نشان می‌دهد که خداوند بارها و بارها از اصول طراحی موفقی استفاده نموده است. به هر حال همان طور که خواهیم دید و با توجه به بحث قبلی در مورد جهش‌های خاموش^۱ در نواحی رمزگشای پروتئین، مطالعهٔ

دقیق ژنوم‌ها، نه تنها برای سایر موجودات زنده، بلکه حتی در مورد خود ما انسان‌ها، بیانگر این است که این دیدگاه یک تفسیر تخیلی غیرقابل دفاع است.

As a first example, let us look at a comparison of the human and mouse genomes, both of which have been determined at high accuracy. The overall size of the two genomes is roughly the same, and the inventory of protein-coding genes is remarkably similar. But other unmistakable signs of a common ancestor quickly appear when one looks at the details.

به عنوان اولین مثال، نگاهی به مقایسه ژنوم‌های انسان و موش می‌اندازیم که هر دو به صورت کاملاً دقیق مشخص شده‌اند. اندازه کلی هر دو ژنوم تقریباً مشابه است و فهرست ژن‌های رمزگشای آن‌ها تشابه چشمگیری دارد، اما با نگاهی به جزئیات، سایر نشانه‌های قطعی اجداد مشترک به سرعت ظاهر می‌گردند...

Unless one is willing to take the position that God has placed these decapitated AREs in these precise positions to confuse and mislead us, the conclusion of a common ancestor for humans and mice is virtually inescapable. This kind of recent genome data thus presents an overwhelming challenge to those who hold to the idea that all species were created ex nihilo.

مگر آنکه انسان بخواهد این موضع را اتخاذ کند که خداوند این عناصر تکراری قدیمی را در این محل‌های معین جهت گیج ساختن و گمراه کردن ما قرار داده است؛ بنابراین پذیرفتن این نتیجه که انسان و موش دارای اجداد مشترکی هستند، گریزناپذیر است؛ بنابراین کشف اینگونه اطلاعات جدید در مورد ژنوم، بیانگر چالش عظیمی است که در

برابر معتقدان به «پیدایش بی‌واسطه همه گونه‌های مختلف از عدم» قرار گرفته است.

When one compares chimp and human, occasional genes appear that are clearly functional in one species but not in the other, because they have acquired one or more deleterious mutations.

در مقایسه شامپانزه و انسان به نظر می‌رسد برخی ژن‌ها در یک گونه به‌طور واضحی دارای عملکرد هستند، در حالی که در گونه دیگر این طور نیست؛ زیرا این ژن‌ها دچار یک یا چند جهش زیانبار شده‌اند.

The human gene known as caspase-۱۲, for instance, has sustained several knockout blows, though it is found in the identical relative location in the chimp. The chimp caspase-۱۲ gene works just fine, as does the similar gene in nearly all mammals, including mice. If humans arose as a consequence of a supernatural act of special creation, why would God have gone to the trouble of inserting such a nonfunctional gene in this precise location?

به عنوان مثال ژنی در انسان به نام کاسپاس-۱۲ چندین ضربه فنی مخرب را متحمل شده است. این ژن در شامپانزه نیز در محل متناظری وجود دارد. ژن کاسپاس-۱۲ در شامپانزه همانند ژن مشابه تقریباً همه پستانداران دیگر، از جمله موش، به درستی عمل می‌کند. اگر انسان در نتیجه عمل آفرینش خاص ماوراءالطبیعه ظاهر شده است، چرا خداوند

زحمت وارد کردن چنین ژن فاقد عملکردی را در این مکان مشخص
متحمل گشته است؟!۱

سپس فرانسیس کالینز، دانشمند ژنتیک، دلایلی را که علم ژنتیک برای اثبات نظریهٔ تکامل ارائه نموده است، فهرست کرده، چنین بیان می‌دارد:

At this point, godless materialists might be cheering. If humans evolved strictly by mutation and natural selection, who needs God to explain us? To this, I reply: I do

در اینجا، مادی‌گرایان مُلحد ممکن است سرمست شوند که انسان حقیقتاً بر اثر جهش‌ها و انتخاب طبیعی تکامل یافته است. پس برای توضیح آن، چه کسی به خداوند نیاز دارد؟ من در پاسخ به این پرسش می‌گویم: من نیاز دارم!

The comparison of chimp and human sequences, interesting as it is, does not tell us what it means to be human. In my view, DNA sequence alone, even if accompanied by a vast trove of data on biological function, will never explain certain special human attributes; such as the knowledge of the Moral Law and the universal search for God. Freeing God from the burden of special acts of creation does not remove Him as the source of the things that make humanity special, and of the universe itself. It merely shows us something of how He operates.

مقایسهٔ ترتیب ژنتیکی انسان و شامپانزه در عین حال که جالب است، به ما نمی‌گوید که انسان بودن به چه معنا است. از دیدگاه من، ترتیب و

توالی DNA به تنهایی، حتی اگر با گنجینه‌های وسیعی از اطلاعات در مورد عملکرد زیست‌شناختی همراه گردد، هرگز صفات ویژه انسانی همانند قانون اخلاقی و مطالبه همگانی برای وجود خداوند را توضیح نخواهد داد. میرا ساختن خداوند از آفرینش مستقیم اشیاء سبب نمی‌شود او مبدأ آنها نباشد که به انسانیت و همچنین خود کائنات، هویت می‌بخشد! این علم صرفاً چیزهایی را در مورد چگونگی عملکرد خداوند به ما می‌آموزد.^۱

** ** *

علم کالبدشناسی تطبیقی تکامل را تأیید می‌کند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

حقیقت آن است که می‌خواستیم به دلایل ژنتیکی که در این صفحه بیان کردم بسنده کنم و به جهالت‌های ردکنندگان نظریه تکامل بپردازم؛ ولی وقتی برخی اظهارنظرها را مشاهده کردم تصمیم گرفتم اندکی بر دلایل ژنتیکی که پیش‌تر آورده بودم بیفزایم و هرکس خواهان مطالب بیشتری است می‌تواند به کتاب «توهم بی‌خدایی» مراجعه کند و دلایل مفصل بر صحت نظریه تکامل را در آنجا خواهد یافت.

علم کالبدشناسی تطبیقی:

کالبدشناسی تطبیقی، تأییدکنندهٔ تکامل است. در این خصوص مثال‌های فراوانی وجود دارد ولی من به موضوع عصب حنجره که در ماهی‌ها، دو زیستان، آهو، انسان و زرافه وجود دارد بسنده می‌کنم. در ماهی این عصب از مغز حرکت کرده، به دور قلب می‌پیچد و وارد آبشش می‌شود.

حال اگر جسم هر حیوان به صورت جداگانه و مجزا طراحی شده باشد و همچنین اگر دیگر حیوانات از ماهی تکامل نیافته باشند، عصب آن‌ها باید به‌طور مستقیم از نزدیکی مغز به انتهای بالای حنجره - که مسافتی کوتاه است - رفته باشد، ولی آنچه در طبیعت مشاهده می‌شود آن است که این عصب در سایر حیوانات همان شیوه‌ای را در پیش گرفته است که در ماهی‌ها دیده می‌شود. این به آن معنا است که این حیوانات از ماهی تکامل یافته‌اند. دراز شدن گردن و فاصلهٔ زیاد آن از قلب باعث شده که به ناچار عصب مزبور تا اعماق بدن حیوان به پیش رود تا به دور سرخرگی که از قلب بیرون می‌آید بپیچد؛ همان‌طور که در ماهی چنین است. این عصب حتی در زرافه نیز مسافتی بسیار طولانی را طی می‌کند، بدون آنکه در عمل - آنگونه که زیست‌شناسان و متخصصان کالبدشناسی تطبیقی می‌گویند - هیچ فایده‌ای در بر داشته باشد. دلیل پیمودن این مسافت طولانی آن است که عصب به دور سرخرگی که از قلب خارج می‌شود می‌پیچد سپس تقریباً همانند این مسافت را درمی‌نوردد تا به بالای گردن رفته، از بالا به حنجره وارد شود؛ بنابراین، این عصب که در ماهی پیچ خورده است، به دلیل تکامل، همین پیچ خوردگی را در دیگر حیوانات نیز دنبال کرده است؛ به عبارت دیگر این پیچ خوردگی در واقع یک میراث تاریخی است.

بنابراین از آنجا که اصولاً این عصب برای هر حیوان به صورت جداگانه طراحی و ساخته نشده است، این چرخش و گردش غیرضروری یعنی پیمودن مسافت از مغز تا ابتدای قفسهٔ سینه، سپس پیچیدن و برگشت به سمت قسمت بالایی حنجره، وجود تکامل و ارتقا را ثابت می‌کند. در هر مرحله از تکامل، کشیده شدن بسیار اندک عصب، بسیار آسان‌تر از ورود مستقیم آن است؛ در حالی که اگر جسم هر حیوان به‌طور

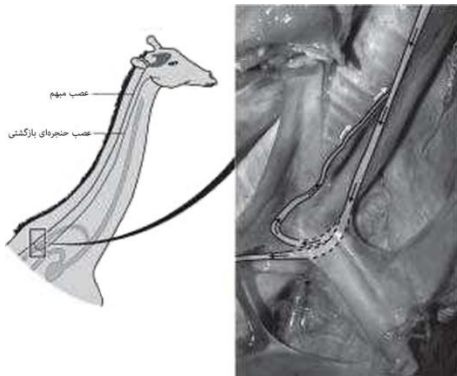
جداگانه‌ای طراحی و خلق شده بود، می‌بایست عصب به‌طور مستقیم وارد حنجره می‌شد و دلیلی برای زیاده‌روی در انتخاب این مسیر طولانی -مثلاً در زرافه- وجود نمی‌داشت. عده‌ای مطالب پیش‌گفته را به عنوان دست‌آویزی برای انکار طراحی هوشمند در نظر می‌گیرند، چرا که از دید آن‌ها این نقص در طراحی که در جریان فرایند تکامل نمودار گشته است، ثابت می‌کند که این طراحی، هوشمند نیست و به عنوان مثال برای تمام حیوانات ایده‌آل ناست. طراحی اولیه باعث کشیدگی عصب حنجره در بسیاری از حیوانات و به ویژه در حیوانات گردن‌درازی از قبیل زرافه شده است، بدون اینکه مزیت و ثمری به همراه داشته باشد. این موضوع از باطل بودن طراحی هوشمند در تکامل حکایت دارد!

آنچه بیان شد، خلاصه‌ای از شیوه‌های استدلال از طریق کالبدشناسی تطبیقی برای اثبات تکامل و همچنین اشکالی که ملحدان به طراحی هوشمند می‌گیرند، بود. من کوشیده‌ام تا حد ممکن مطلب را به زبانی ساده بیان کنم و تصاویر نیز در این ساده‌سازی کمک‌کار خواهند بود.

به خواست خدا در آینده این اشکال را حلاجی نموده و خواهم گفت انتقاداتی که در جریان تکامل در اندام‌ها دیده می‌شود، نمی‌تواند اشکال قابل قبولی بر قانونمندی و هدفدار بودن این نظریه محسوب گردد. نقشه ژنتیکی اولیه، هدفمند و ساخت‌یافته است و بر وجود طراح و سازنده‌ای که آن را برای دستیابی به نتیجه‌ای مشخص طرح‌ریزی کرده، دلالت دارد. آری، اشکال عصب حنجره -که به آن اشاره شد- برای کسانی که مدعی آفرینش یک‌باره هستند و تکامل را انکار می‌کنند الزام‌آور است؛ زیرا در طراحی و اجرای یک مرحله‌ای نباید چنین نقصی که در کشیدگی عصب حنجره می‌بینیم وجود داشته باشد. حتی اگر ما معتقد باشیم که کشیدگی عصب حنجره به هر حال مزیتی در پی دارد، این اعتقاد نفی‌کننده دلالت روشن آن بر این نکته نیست که چنین چیزی یک میراث تکاملی باستانی است و آفرینش دفعی را رد می‌کند.

من عصب حنجره را مثال زدم؛ زیرا نه فقط برای اثبات نظریه تکامل بلکه به عنوان شاهدهی بر نقض قانونمندی و هدفدار بودن تکامل مطرح می‌شود. در بخش‌های بعدی با

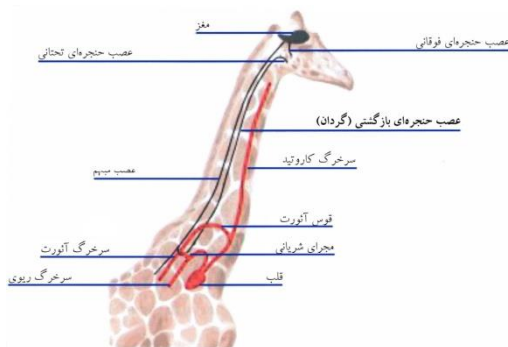
اشاره به نادرست بودن این استدلال، بیان خواهد شد که ایده‌آل نبودن نتایج تکامل به معنای قانونمند نبودن آن نیست، بلکه حداکثر دلالتی که دارد این است که آفرینش به یک باره صورت نگرفته بلکه در آن، مراحل و تکاملی وجود داشته است.



شکل ۱: این تصویر کشیدگی عصب حنجره در زرافه را در جریان مسیر تکامل توضیح می‌دهد؛ چرا که این عصب به دور رگ‌های خونی قلب می‌پیچد؛ سپس به حنجره در بخش پایینی سر بازمی‌گردد.^۱

۱- منبع: ریچارد داوکینز، کتاب بزرگ‌ترین نمایش روی زمین؛ مدرکی برای تکامل.

Dawkins R. ۲۰۰۹, The Greatest Show on Earth: The Evidence for Evolution, Free press, Transworld, Page ۱۷۴.



شکل ۲: این تصویر کشیدگی عصب حنجره (رنگ سیاه) در زرافه را در جریان مسیر تکامل توضیح می‌دهد؛ چرا که این عصب به دور رگ‌های خونی می‌پیچد؛ سپس به حنجره در بخش پایینی سر بازمی‌گردد.^۱

*** **

خلاصه‌ای در خصوص نظریه تکامل

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

پیش از آنکه به ساده‌لوحانه‌بودن اعتراضات به نظریه تکامل بپردازم، خلاصه زیر را از

۱- این ویدئو در مورد شرح این مسأله است:

شبكة ویدئویی کتاب وهم الحاد، توضیح عصب بازگشتی حنجره در زرافه، قابل دسترس در نشانی:

<http://www.youtube.com/watch?v=kAJKZdHmiTg>

کتاب «توهم بی‌خدایی» نقل می‌کنم.

خلاصه:

دلایل صحیح بودن نظریه تکامل بسیار زیادند. از سوی دیگر اشکالات بنیادین بر ایده آفرینش یکباره نیز فراوانند؛ مانند اشکال عصب حنجره - که گذشت - و دیگر اشکالات مشابهی که در کالبدشناسی تطبیقی یافت می‌شود و نیز اشکالات زمین‌شناسی تاریخی که به‌طور قطعی ثابت کرده است حیوانات و نباتات در فواصل زمانی متوالی رو به تکامل نهاده‌اند. در ابتدا باکتری به وجود آمد، سپس با گذشت زمانی طولانی سلول‌های یوکاریوت (سلول دارای هسته حقیقی) پدیدار شد و به دنبال آن موجودات چندسلولی پا به عرصه وجود نهاد، و به این ترتیب حیات آرام آرام رو به تکامل گذاشت.

اگر آفرینش به صورت دفعی و یک باره صورت گرفته، و هدف خدا آفرینش انسان، محیط و موجودات پیرامون او بوده باشد، و اگر انسان در زمانی بسیار نزدیک در مقایسه با تاریخ زمین‌شناسی به وجود آمده باشد، چرا خدا دسته‌های اولیه را با نظم و ترتیب آفریده به گونه‌ای که هر دسته جدید، مشابه دسته قبلی ولی تکامل یافته‌تر و تطابق یافته‌تر از آن است؟! آیا مثلاً به این دلیل خدا آن‌ها را طی دوره‌های زمانی و تکاملی آفرید، چون قصد فریب انسان را دارد و می‌خواهد هنگامی که او فرایند آفرینش را در لایه‌های زمین به گونه‌ای که منظم و مرتب بوده و به تدریج رو به تکامل و پیشرفت می‌نهد، می‌بیند به تکامل معتقد گردد؟! مسلماً چنین نیست! خدا می‌خواهد انسان حقیقت را همان گونه که هست بشناسد، و می‌خواهد آدمی به خدا و خلقت همان گونه که خدا آن را پدید آورده است، ایمان بیاورد.

تنها پاسخ قانع‌کننده، منطقی و قابل قبول که با مراجعه به زمین‌شناسی تاریخی به آن می‌رسیم، این است: زندگی به گونه‌ای ساده آغاز شد، سپس به تدریج تکامل و ارتقا یافت.

اگر معتقدان به آفرینش دفعی جواب منطقی و قانع‌کننده‌ای دارند که از ارزش علمی برخوردار است و پژوهش‌های ژنتیکی، کالبدشناسی تطبیقی و زنجیره جانداران موجود و

غیره آن را تأیید می‌کند، به ما ارائه نمایند. این افراد یا چون نظریهٔ تکامل را دوست نمی‌دارند، آن را رد می‌کنند و یا اقدام آن‌ها به این دلیل است که برخی از ملحدان از این نظریه برای انکار وجود خدای سبحان بهره‌برداری می‌کنند و این عده نیز از پاسخ‌گویی به آن‌ها ناتوانند؛ بنابراین به عناد و لجاجت و رد نظریهٔ تکامل روی می‌آورند؛ علی‌رغم دلایلی که برای درستی آن ارائه می‌شود. همچنین اشکالات علمی فراوانی برای ایدهٔ آفرینش دفعی، با وجود دلالت متون دینی بر تکامل وجود دارد. این، بی‌انصافی و لجاجتی کورکورانه است.

برای مجادله‌کنندگانی که از سر جهل یا لجاجت نظریهٔ تکامل را رد می‌کنند دیگر چه باقی مانده است؟! یک چیز باقی مانده است: هر کسی می‌تواند این نظریه را نقض کند، به این صورت که یا آن را از اعتبار علمی ساقط نماید یا به محض یافتن شاهد و مدرکی که با پیش‌بینی‌های این نظریه سر‌ناسازگاری داشته باشد، به آن استناد نماید. نظریهٔ تکامل، استوار ایستاده است و تمام انکارکنندگان را به تحدی و مبارزه دعوت می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که فقط یک شاهد و دلیل ارائه کنند که با پیشگویی‌های این نظریه همخوانی نداشته باشد؛ فقط یک دلیل نه بیشتر. واقعیت آن است که چنین سرنخی وجود ندارد و هزاران پژوهش و آزمایش صورت گرفته در علم زیست‌شناسی، کالبدشناسی تطبیقی و ژنتیک، از زمان پیدایش نظریهٔ تکامل تا امروز نتوانسته است مدرکی در علم زمین‌شناسی تاریخی بیابد که با پیش‌بینی‌های نظریهٔ تکامل متعارض باشد. این به آن معنا است که نظریهٔ تکامل کاملاً صحیح بوده است و هیچ نقص و خللی در آن راه ندارد. گذشت بیش از یک‌صد سال که سرشار از هزاران آزمایش، پژوهش و مشاهدات عینی بوده است و جملگی بدون استثنا با مبانی یک نظریهٔ مشخص مطابقت داشته‌اند، بر اثبات درستی آن نظریه کفایت می‌کند.

*** **

آیا روش علمی، نظریهٔ خلقت یک‌باره یا چندباره را می‌پذیرد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۴ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

آیا روش علمی، نظریهٔ خلقت یک‌باره یا چندباره را می‌پذیرد؟

کسی که دارای پیشینهٔ علمی هرچند اندک در موضوع تکامل و چگونگی وقوع آن باشد، یا کتاب‌های یک دانشمند متخصص در موضوع تکامل را مطالعه کرده و به پاسخ‌های او به اشکالات دقت نموده باشد، یا حتی کتاب داروین را که در قرن نوزدهم نوشته شده و در آن تعداد زیادی اشکال مطرح نموده و خودش به آن‌ها پاسخ داده است، بخواند، سپس نوشته‌های افرادی که خود را مرجع و رجال دینی به شمار می‌آورند مطالعه نماید، درمی‌یابد که این‌ها افرادی هستند که دربارهٔ آنچه اطلاعی از آن ندارند سخن می‌رانند. آن‌ها حتی نمی‌دانند تکامل طبق آنچه زیست‌شناسان تکاملی مطرح می‌کنند، چیست و چگونه رخ می‌دهد! و حتی آن را به گونه‌ای نادرست و معکوس درک کرده، سپس بر اساس همین فهم نادرست، اشکالاتی را به صورت کاملاً ابتدایی و سطحی ایراد می‌نمایند. این عده گاه حتی همان اشکالات داروین را که خودش در کتاب خویش مطرح نموده و به آن‌ها پاسخ داده است، بیان می‌کنند. البته ما این موضوع را در بیان اشکالات سطحی و بی‌مایهٔ آن‌ها بر قوانین و سازوکارهای زمین‌شناسی تاریخی در خصوص طبقه‌بندی دقیق لایه‌های قدیمی‌تر زمین با اینکه نیاز به استدلال چندانی ندارد، شرح دادیم. یا اشکال آن‌ها بر نظریهٔ تکامل که به ختنه کردن کودکان و اینکه چرا به ارث برده نمی‌شود؛ و یا به میمونی که راه رفتن را تعلیم می‌بیند، چرا این صفت راه رفتن را به فرزندانش ارث نمی‌دهد!

هنگامی که مردم عامه که چیزی از معنای تکامل نمی‌دانند، این مطالب را بخوانند ممکن است فریفته شوند، ولی این اشکالات از دید کسانی که نظریهٔ تکامل را می‌دانند و

با چگونگی وقوع آن آشنا هستند، بسیار سطحی و پیش پا افتاده به شمار می‌روند. صفاتی که از طریق وراثت به نسل بعدی منتقل می‌شود، صفاتی است که در نقشه ژنتیکی جاندار ثبت شده است، نه صفات اکتسابی، مانند راه رفتن میمون آموزش دیده یا ختنه شدن نوزاد. این موضوعات برای زیست‌شناسان تکاملی کاملاً بدیهی و پیش پا افتاده است.

این کسانی که بر نظریه تکامل ردیه می‌زنند، چنین می‌پندارند که زیست‌شناسان تکاملی می‌گویند اندام مرکب و پیچیده نظیر چشم از طریق یک جهش پدیدار شده است؛ در حالی که حتی داروین نیز قائل به چنین سخنی نیست، چه برسد به دانشمندان کنونی! این معترضان ابتدا باید برای آنچه در دانشگاه‌های معتبر سراسر جهان تدریس می‌شود پاسخ ارائه کنند؛ حال آنکه در این دانشگاه‌ها گفته نمی‌شود که اندام مرکب و پیچیده نظیر چشم از طریق یک جهش پدیدار شده است؛ و نه حتی با ده‌ها یا صدها جهش.

حقیقت آن است که این افراد از الفبای تکامل بی‌اطلاعت و آن را به صورت تحریف شده عرضه می‌دارند و می‌خواهند بر مبنای فهم غلط خود این نظریه را رد کنند. چنین شیوه‌ای باعث می‌شود خوانندگان این کتاب‌ها احساس نفرت و بی‌زاری کنند و چنین دریابند که گویندگان چنین کلماتی، به‌طور کامل نه تنها در برابر تکامل، بلکه حتی در برابر جریان الحادی و خدا ناپاوری نیز به‌طور کامل شکست خورده‌اند؛ همان کسانی که می‌کوشند جریان خدا ناپاوری را با نظریه آفرینش ناگهانی به جای تکامل رو به رو کنند؛ تکاملی که هیچ تعارضی با علم زیست‌شناسی، زمین‌شناسی تاریخی و باستان‌شناسی ندارد. حتی متون صریح دینی نیز با گفته‌های آنان در تعارض است. هنگامی که در بخش‌های بعدی به متون دینی (نظیر قرآن) برسیم به وضوح روشن خواهد شد که آفرینش به صورت مرحله‌ای و طی فرایند تکامل صورت پذیرفته است.

فقط یک پرسش می‌تواند نظریه آفرینش دفعی و بدون تکامل را از اعتبار بیاندازد؛ اینکه در زمین‌شناسی تاریخی به‌طور قطعی ثابت شده است که هر چه لایه‌های زمین قدیمی‌تر باشد، دربرگیرنده جانوران ساده‌تر و هر چه این لایه‌ها جدیدتر باشد، حاوی موجوداتی پیشرفته‌تر از قبلی‌ها است. این موضوع از باکتری شروع می‌شود و به

یوکاریوت، چندسلولی‌ها، ماهی‌های باستانی، مهره‌داران، ماهی‌ها، دوزیستان، حیوانات خشکی و سپس به پستانداران می‌رسد، و در ادامه از گوناگونی پستانداران و حجیم شدن بدن آن‌ها سر درمی‌آورد. چرا خداوند موجودات را به صورت تدریجی در دوره‌های زمانی مختلف آفریده و در هر دوره، گروه بزرگی از حیوانات متعدد را که از پیشینیان خود پیشرفته‌تر و تکامل‌یافته‌ترند، خلق کرده است؛ به گونه‌ای که هر کس آن‌ها را ببیند تصور می‌کند که از پیشینیان خود تکامل یافته‌اند؟ آیا همان طور که این منکران نظریه تکامل مدعیند خداوند می‌خواهد ما را فریب دهد؟! شأن خداوند بالاتر از این است.

آیا می‌توانند برای وقوع این دوره‌ها که از لحاظ زمانی، پیشرفت و پیچیدگی، به دنبال هم صورت گرفته است، یک تفسیر علمی و منطقی به غیر از تکامل ارائه نمایند؟

یک مثال دیگر: احتمال می‌رود نهنگ‌ها و دلفین‌ها که امروزه در آب زندگی می‌کنند، از موجوداتی که پیشتر در خشکی می‌زیسته‌اند تکامل یافته باشند. در سنگواره‌هایی که تاکنون کشف شده است، زنجیره‌ای از حیوانات واسطه که پی در پی ظاهر شده‌اند شناسایی شده که از لحاظ زمانی، بعضاً میلیون‌ها سال با هم فاصله دارند. این زنجیره، از پستانداران خشکی شروع می‌شود؛ سپس به تدریج به وارد شدن در آب و زندگی کردن در آن می‌رسد. ما می‌بینیم که هر گروه برای زندگی در آب سازگاری بیشتری پیدا می‌کند، تا اینکه در نهایت به نهنگ می‌رسیم. آیا برای اینکه چرا خدا این موجودات را در دوره‌های زمانی متوالی و پشت سر هم آفریده هیچ دلیل یا پاسخ معقولی وجود دارد؟! این در حالی است که هر کس این موجودات را ببیند، مطمئن می‌شود که نهنگ ثمره حتمی این زنجیره پی‌درپی است و اینها از لحاظ زمانی پشت سر هم آمده‌اند و یکی پس از دیگری به تدریج برای زندگی در آب تکامل یافته‌اند.

من معتقدم به جز تکامل هیچ پاسخ منطقی دیگری وجود ندارد؛ وگرنه پاسخ‌های دیگری که با علم نیز متعارض است، خداوند سبحان را متهم می‌کند که وی تمام این کارها را برای فریب دادن انسان انجام داده است! خداوند از این تهمت‌ها به دور است! با نگاهی دوباره به نهنگ‌ها و دلفین‌ها درمی‌یابیم که این حیوانات با موج‌دار کردن

جسم خود و حرکت به سمت بالا و پایین شنا می‌کنند؛ یعنی دقیقاً همانند شیوهٔ دیدن پستانداران خشکی؛ و نه آنگونه که ماهی‌ها عمل می‌کنند زیرا ماهی‌ها عموماً با موج‌دار کردن دو طرف خود به جلو حرکت می‌کنند. در ضمن نهنگ‌ها بچه می‌زایند و از غدد شیری، به نوزاد خود شیر می‌دهند، دقیقاً مشابه پستانداران خشکی.

اینان گاهی اوقات به کتاب‌ها و تألیفات آن دسته از زیست‌شناسان و دانشمندان ژنتیک که با نظریهٔ تکامل سر مخالفت داشته و یا آن را به نقد کشیده‌اند مراجعه می‌کنند؛ حال آنکه متوجه نیستند که این عده به بطلان نظریهٔ تکامل قائل نیستند؛ بلکه این نظریه را قابل اصلاح می‌دانند و یا نظریهٔ تکامل را در شکل و ساختار جدیدی مطرح می‌نمایند. مثلاً در مکانیسم جهش (سرعت، توقف آن و ...) که در گوناگونی زیستی اثرگذار است، با هم اختلاف دارند و فرق زیادی است بین کسی که می‌گوید نظریهٔ تکامل درست است ولی خدایی وجود دارد که فرایند تکامل را هدایت می‌نماید، با کسی که نظریهٔ تکامل را از اساس نادرست می‌داند. در واقع آنچه بین این دو گروه مشترک است، اذعان به وجود خدا است، نه باطل دانستن نظریهٔ تکامل. ضمناً این گونه نیست که عقیده و سخن هر زیست‌شناسی، از لحاظ علمی ارزشمند و معتبر به شمار رود. فرض بر این است که شخص، فقط به طرح دیدگاه خود بسنده ننماید - به ویژه هنگامی که شخص دیگری نیز آن را عرضه کرده و بر آن تأکید ورزیده است - بلکه باید استدلال آن را نیز عرضه نماید تا مردم قضاوت کنند که آیا این یک نظر علمی و ارزشمند است یا نظری است که بیش‌تر پاسخ علمی به آن داده شده و قضیه‌اش فیصله یافته است.

در نقاط مختلف جهان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی وجود دارند که بر اساس استانداردهای دقیق علمی فعالیت می‌کنند و در آنجا کسانی هستند که پژوهش‌ها، کتاب‌ها و انتقاداتی را که به نظریه‌های علمی وارد می‌شود ارزیابی می‌نمایند. اگر یک کارشناس، به نظریه‌ای نقد علمی و معتبری وارد نماید، این دانشگاه‌ها و مراکز علمی، آن را با اشتیاق می‌پذیرند و آن را منتشر و ترویج کرده، در مورد آن نشست‌های علمی برگزار می‌نمایند؛ ولی آنچه ما شاهد آن هستیم، دقیقاً عکس این مطلب است؛ چرا که اکنون در

تمام دانشگاه‌های وزین و معتبر جهان، نظریهٔ تکامل تنها مفسر پیدایش حیات بر روی زمین تلقی می‌شود؛ بنابراین کسی که می‌خواهد خودش در این خصوص به تحقیق بپردازد و دست به کاوش‌های علمی بزند، حداقل اولاً باید در علم زمین‌شناسی تاریخی، زیست‌شناسی تکاملی، علم ژنتیک، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی، از بُن‌مایهٔ علمی برخوردار باشد و ثانیاً انتقادات علمی صورت‌گرفته به نظریهٔ تکامل و پاسخ‌های داده شده را مطالعه کند تا موضع‌گیری وی در نظر اندیشمندان، علمی و ارزشمند تلقی گردد؛ اما اینکه کسی بیاید و بگوید فلان زیست‌شناس در فلان کتاب نظریهٔ تکامل را رد کرده و از همین رو، این نظریه باطل است، یا بگوید فلان دانشمند در مورد تکامل فلان چیز را گفته، لذا نظریه بی‌اعتبار است، یا اینکه احیاناً کار به جایی برسد که به موضع‌گیری‌های افراد غیرکارشناس استدلال کند، در واقع دیدگاهی سرهم‌بندی‌شده و غیرعلمی ارائه نموده است. به هنگام خواندن نقد علمی این پاسخ‌ها، درمی‌یابیم که گاهی پاسخ‌هایی بدون مصداق خارجی هستند؛ به طوری که برخی از این افراد نظریهٔ تکامل را به گونه‌ای واژگونه و تحریف‌شده ارائه می‌کنند و بر آن ردیه می‌نویسند؛ گویی این پاسخ‌ها برای عامهٔ مردم که از نظریهٔ تکامل چیزی نمی‌دانند، تهیه شده است. اسباب جا انداختن این بحث‌های بی‌ارزش بین عموم مردم این نیست که این‌ها ردی علمی به حساب می‌آیند، بلکه این است که مؤلف آن صرفاً مدرکی در علم زیست‌شناسی دارد و یا حتی مدرکی دارد که از این تخصص فاصله دارد، مانند کیهان‌شناسی.

مخلص کلام: اگر کسی مدعی است که می‌خواهد نظریهٔ تکامل را رد کند و به آن پاسخ دهد، نیازی نیست زمین و آسمان را به هم ببافد، بلکه کافی است این نظریه را همان گونه که امروز در دانشگاه‌های معتبر و وزین سراسر جهان مطرح است به نقد بکشد، نه بر اساس توهماتی که او از ارائهٔ اشتباه این نظریه توسط برخی مخالفان به دست می‌آورد!

تذکر: من متوجه شده‌ام تمام کسانی که به نظریهٔ تکامل معترضند، به سراغ همان اشکالاتی می‌روند که زیست‌شناسان تکاملی خودشان مطرح کرده و می‌کنند و به آن‌ها

پاسخ داده‌اند. چنین رفتاری زبیده کسی که ادعای علم می‌کند و ادعا دارد که نظریهٔ تکامل را به شیوه‌ای علمی رد می‌نماید نیست. چنین کسی باید بخواند و ببیند که اشکالات او را پیش‌تر زیست‌شناسان تکاملی پاسخ داده‌اند و حتی برخی از این اشکالات را خود داروین در قرن نوزدهم مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ داده است؛ بنابراین کسی که این انتقادات را تکرار می‌کند، یا توانایی مباحثه با زیست‌شناسان تکاملی و رد کردن نظرات آن‌ها را ندارد، یا چیزی از نوشته‌های این زیست‌شناسان نخوانده و نمی‌داند که خود آن‌ها اولین کسانی بوده‌اند که این اشکالات و ده‌ها اشکال دیگر را مطرح نموده و به آن‌ها پاسخ داده‌اند. در هر دو حالت او نباید قلم به دست بگیرد و از روی جهل بنویسد!

** ** *

سید محمد شیرازی و ماجرای او با داروین

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

پس از آنکه روشن ساختم نظریهٔ تکامل از نظر علمی ثابت شده است به بررسی جهالت‌های مخالفان این نظریه خواهم پرداخت و روشن خواهیم کرد آیا پاسخ‌های آن‌ها از کمترین ارزش علمی برخوردار است؟ یا آن‌ها در مسئله‌ای علمی سرک کشیده‌اند که از درک آن عاجزند؛ حال چه برسد به اینکه توانایی بررسی یا پاسخ‌دادن به آن را داشته باشند.

سید محمد شیرازی و ماجرای او با داروین:

سید محمد شیرازی در کتابی که آن را «مناظره بین اسلام و داروین» نام نهاده، ردیه‌ای بر نظریه داروین نگاشته است^۱ و در ابتدای کتاب خودش را این‌گونه معرفی نموده است:

«مرجع دینی اعلی، حضرت امام شیرازی - دام ظلّه -»

بد نیست برخی اشکالات را که وی به علم زمین‌شناسی تاریخی و نظریه تکامل وارد کرده مرور کنیم، تا ببینیم آیا از ارزش علمی برخوردار است؟ یا به قول معروف مصداق «بد شنید و بد پاسخ داد» است؟! در نظر داشته باشید که شیرازی به نام داروین مطالبی می‌نگارد و جملاتی را به او نسبت می‌دهد. سپس با این پندار که جملات گفته شده، سخنان داروین است، به آن‌ها پاسخ می‌دهد. وی در این داستان خود را «مسلمان» نام نهاده است.

شیرازی در کتاب خود نوشته است:^۲

داروین (آنچه به گمان شیرازی کلام داروین است): تجربه یعنی استقرا و دیگر دلایل.

استقرا:

هنگامی که انسان لایه‌های زمین را کاوش می‌کند، در آن سنگواره‌های گیاهان، حیوانات و انسان‌هایی را می‌یابد. اغلب فسیل‌های هر لایه، از فسیل‌های دیگر لایه‌ها متفاوت است. هر چه فسیل به پوسته

۱- محمد شیرازی، مناظره بین اسلام و داروین، چاپ اول ۱۳۹۲ هـ. ق ۱۹۷۲ م. قابل دسترس در:

<http://www.alshirazi.com/compilations/nirai/darwin/fehres.htm>

۲- محمد شیرازی، مناظره بین اسلام و داروین، چاپ اول ۱۳۹۲ هـ. ق ۱۹۷۲ م. فصل استقرا، قابل دسترس در:

<http://www.alshirazi.com/compilations/nirai/darwin/fehres.htm>

زمین نزدیک‌تر باشد، به کمال نزدیک‌تر است و بر عکس، هر چه فسیل از پوسته زمین دورتر باشد، از کمال دورتر است.

مسلمان (شیرازی به آنچه گمان کرده کلام داروین است پاسخ می‌دهد): این موضوع چه ربطی دارد به تکامل، درک منشأ چیزها و اینکه انسان میمون بوده است؟!

داروین (آنچه به گمان شیرازی کلام داروین است): الآن عرض می‌کنم. ارتباطش در این است که:

۱- لایهٔ زیرین زمین شامل فسیل‌های «صدف»، «اسفنج»، «مرجان»، «میگو»، «ماهی»، «حیوان صدف‌دار تک سلولی» و «یونجه» است.

۲- لایهٔ دوم شامل «کاج»، «نخل»، «خزندگان»، «پرنندگان»، «ماهی‌ها» و «حیوانات کیسه‌دار» است.

۳- لایهٔ سوم شامل «مارها»، «یاک‌ها»، «میمون» و «درختان امروزی» است.

۴- لایهٔ چهارم شامل «ماموت‌های منقرض شده»، «چهارپایان پشم‌دار»، «انسان» و «تمام درختان امروزی» است.

.....

مسلمان (شیرازی):

اول: این فسیل‌های طبقه‌بندی شده را که مورد ادعای شما است چگونه ثابت می‌کنی؟ و همچنین ادعای خود را مبنی بر اینکه فسیل‌های هر لایه تکامل یافته‌تر از فسیل‌های لایهٔ قبلی است، چگونه ثابت می‌کنی؟

.....

پنجم: اگر فرض کنیم در لایه‌های زیرین هیچ انسانی وجود نداشته باشد، آیا این طبقه‌بندی فسیل‌ها دلیلی است بر تکامل مورد گمان شما؟

اگر کسی به شما بگوید که خدا در لایه‌های پایینی اسفنجی... خلق کرده است، پاسخ شما چه خواهد بود؟

آیا وجود یک خودروی کوچک در طبقه اول ساختمانی، و خودروی بزرگ‌تر در طبقه دوم و خودروی بزرگ‌تر در طبقه سوم و ... که همه آن‌ها در شکل و شمایل با هم متفاوت هستند، دلالت بر تکامل یافتن خود به خودی خودرو دارد، بدون در نظر گرفتن این موضوع که هر خودرو به‌طور مستقل ساخته شده است؟

اگر فرض کنیم نیویورک در زمین فرو رود و بعد از هزار سال کسی بیاید و ساختمانی را که خودروها در طبقات آن قرار دارد، کشف کند، آیا حق دارد که همانند تو سخن بگوید؟ و اگر چنین گفت، چگونه پاسخش را می‌دهی؟ بین سخنان شما و او چه تفاوتی وجود خواهد داشت؟!^۱

پاسخ: اینگونه است که نویسنده با حرکت بی‌محابای قلم و اشکالاتی بسیار کوتاه‌فکرانه می‌خواهد علم زمین‌شناسی تاریخی را با تمام دقت و توانایی که در تعیین عمر لایه‌های زمین دارد به چالش بکشد و به دنبال آن، عمر موجودات زنده فسیل شده در زمین را از اعتبار ساقط کند.

شیرازی می‌گوید: «این فسیل‌های طبقه‌بندی‌شده را که شما مورد ادعای شما است چگونه ثابت می‌کنی؟» سپس می‌پندارد که در این بحث، علم یا داروین یا طرف مقابل او ناتوان شده و نمی‌تواند به این اشکال یا پرسش پاسخ دهد!

۱- محمد شیرازی، مناظره بین اسلام و داروین، چاپ اول ۱۳۹۲ هـ ق ۱۹۷۲ م. فصل استقراء، قابل دسترس در:

از مثال زدن ساختمان توسط سید محمد شیرازی، به نظر می‌رسد که او می‌پندارد زمین‌شناسان لایه‌های زمین را فقط بر اساس قرار گرفتن هر یک بر دیگری طبقه‌بندی می‌کنند و در این کار هیچ ملاک علمی یا قوانینی را که از بروز خطا تا حد بسیار زیادی جلوگیری کند، در نظر نمی‌گیرند. گویی آن‌ها در این فرایند به حوادث طبیعی از قبیل به زمین فرو رفتن، زلزله، آتشفشان و حرکت لایه‌های پوسته زمین بی‌اعتنا نیستند و بدون اینکه با استفاده از یک سری ضوابط علمی که برای طبقه‌بندی مقرر کرده باشند، وقوع این حوادث را در نظر نمی‌گیرند! وی ابتدا می‌بایست از نحوه طبقه‌بندی لایه‌های زمین در علم زمین‌شناسی مطلع می‌شد و چگونگی تعیین عمر لایه‌ها و سازوکارهای آن و شیوه کاوش و ابزارآلات مربوط به این کار را می‌دانست و مشخص می‌کرد که آیا از نظر علمی دقیق است یا خیر. تا او -که خودش را امام و آیت الله می‌نامد- اشکالی به این سادگی و بی‌محتوایی را مطرح نمی‌نمود!

به‌طور معمول، هر فرد جو‌بای حقیقت باید بداند که تعیین عمر لایه‌های زمین بر اساس شیوه‌های علمی صورت می‌گیرد، از جمله:

۱- روش تاریخ‌گذاری نسبی^۱:

در این روش از بعضی امور استفاده می‌شود؛ از جمله مقایسه سنگ‌های طبقه طبقه که دچار خرد شدن یا به هم ریختگی نشده باشند. لایه‌ای که در زیر است، قدیمی‌تر از لایه بالایی است و به همین ترتیب؛ بنابراین تعیین سن لایه زیرین بر خلاف پندار شیرازی تصادفی نیست بلکه بر اساس ملاک‌های علمی صورت می‌پذیرد. به‌طور کلی این روش برای تعیین سن لایه‌های سنگی نسبت به یکدیگر کاربرد دارد و در آن سن واقعی هر لایه مشخص نمی‌شود.

۲- روش تاریخ‌گذاری مطلق^۱:

این روش از ایزوتوپ پرتوزای عناصر استفاده می‌کند. با گذشت زمان هسته اتم تحلیل می‌رود و به صورت پرتو واپاشی می‌کند. در هر عنصر، این تغییر در میانگین زمانی ثابتی رخ می‌دهد. بر این اساس می‌توان سن لایه سنگی حاوی ایزوتوپ پرتوزا را از طریق مقایسه با اصل شناخته شده آن، به دست آورد. مدت‌ها پیش از آنکه شیرازی کتابش را به نگارش در آورد، ده‌ها سال است که این روش مشهور و شناخته‌شده است و اکنون نیز در تاریخ‌گذاری دقیق لایه‌های زمین کاربرد دارد. از ایزوتوپ‌های مختلفی برای تعیین سن صخره‌ها، سنگواره‌ها و مواد آلی استفاده می‌شود که از آن جمله کربن (C)، آرگون (Ar) و ... قابل ذکر است.

اما این سخن شیرازی خطاب به دانشمندان تکاملی یا داروین که می‌گوید: «ادعای خود را مبنی بر اینکه فسیل‌های هر لایه تکامل یافته‌تر از فسیل‌های لایه قبلی است، چگونه ثابت می‌کنی؟» پاسخ بسیار ساده‌ای دارد.

ما لایه‌های زمین را که برخی بر روی برخی دیگر قرار دارد، در اختیار داریم. آن‌ها را با روش‌های بسیار دقیق علمی که خطاناپذیر است کاوش کرده‌ایم و مشخص شده که لایه‌های زیرین قدیمی‌تر و لایه‌های بالایی جدیدتر هستند. تفاوت سنّ این دو گاهی اوقات به صدها میلیون سال می‌رسد. همچنین دریافته‌ایم که لایه‌های قدیمی‌تر دربرگیرنده موجودات ابتدایی هستند و هر چه به سمت زمان حال بیاییم، در لایه‌ها موجودات پیشرفته‌تر و کامل‌تری دیده می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان گفت تمام آفرینش یک‌باره و یک‌جا حادث شده است؛ زیرا برخی از این موجودات صدها میلیون سال پس از برخی موجودات دیگر ظاهر شده‌اند؛ بنابراین با استناد به داده‌های دقیق علمی چاره‌ای

نیست جز اینکه بگوییم برخی از این موجودات پس از برخی دیگر آمده‌اند، و ازدیاد و پیچیدگی در اجسام صدها میلیون سال پس از سادگیِ پیشینِ آن‌ها، حاصل شده است. سپس با بررسی، تاریخ‌گذاری و مقایسهٔ فسیل‌ها که بر اساس علوم دقیقی همچون کالبدشناسی تطبیقی و با استفاده از جدیدترین ابزار کاوش صورت گرفته، به استناد دلایل علمی و پژوهشی مشخص شده است که برخی از آن‌ها نسل‌های پیشرفتهٔ برخی دیگر هستند.

پس اکنون هر کس نتیجهٔ این بررسی‌ها و تحقیقات علمی را نپذیرد، خواهد گفت: اینها بی‌درنگ و ناگهانی خلق شده‌اند؛ ولی باید توضیح دهد که چرا خدا آن‌ها را در دوره‌های مختلف آفریده و آن‌ها را به گونه‌ای قرار داده که گویی برخی از برخی دیگر تکامل یافته‌ترند. آیا برای این است که بشر را فریب دهد؟ خداوند سبحان از چنین نسبتی به دور است!

بنابراین، مسئله ساده است: اینکه برخی از برخی دیگر تکامل یافته‌اند. ما می‌توانیم این موضوع را در آزمایشگاه به بوتۀ آزمایش گذاریم و با دستکاری ژن‌ها، گونه‌های جدیدی از جانداران به وجود آوریم.

شیرازی می‌گوید:

نهم: فرض موجود بودن سلول اولیهٔ زنده، برای زندگی بخشیدن به میلیون‌ها میلیون موجود زنده کفایت نمی‌کند. پس این جانداران از کجا حیات یافته‌اند؟ آیا وجود یک قطعه آهن برای اثبات و توضیح وجود میلیون‌ها تن آهن کفایت می‌کند؟ هرگز!^۱

۱- محمد شیرازی، مناظره بین اسلام و داروین، چاپ اول ۱۳۹۲ هـ. ق ۱۹۷۲ م. فصل استقراء، قابل دسترس در:

پاسخ: نمی‌دانم آیا شیرازی با چیزی به نام تکثیر شدن آشنا هست یا خیر؟! و آیا می‌داند که در آزمایشگاه می‌توان یک سلول باکتری را به میلیون‌ها سلول باکتری دیگر تبدیل کرد؟! به نظرم همین مقدار برای توضیح دادن این مسئله کافی باشد که اگر مواد اولیه و شرایط مناسب برای رشد و ازدیاد حیات فراهم گردد، وقوع آن یک مسئله طبیعی و کاملاً عادی است. من معتقدم کسی شک ندارد که آنچه برای افزایش حیات بر زمین مورد نیاز است، در آن به فراوانی وجود دارد. این موضوع را می‌توان به آسانی در آزمایشگاه محک زد. اگر بدانیم نقشه ژنتیکی اساس زندگی جسمانی را تشکیل می‌دهد، قضیه تنوع حیات، موضوعی کاملاً طبیعی بوده و وقوع آن نیز حتمی است. جهش‌هایی در این نقشه روی می‌دهد که می‌تواند همیشگی باشد و به دگرگونی و تمایز منجر گردد، و وقتی دگرگونی و ازدیاد به وجود آید، طبیعت آن را که بر زندگی تواناتر است برمی‌گزیند و با منتقل کردن ژن‌ها توسط موجود زنده به نسل‌های بعدی، به‌طور قطع تکامل حاصل خواهد شد.

شیرازی می‌گوید:

دوم: اگر طبیعت بهترین‌ها را انتخاب می‌کند، چرا گیاهان و حیوانات اولیه به حال خود باقی مانده‌اند؟ چرا میمون‌ها به حال خود باقی مانده‌اند؟ و چرا طبیعت آن‌ها را به جانوران بهتری تبدیل نکرده است؟ سوم: چرا دیده می‌شود^۱ که غیرشایسته‌تر بر شایسته‌تر غلبه می‌کند و او را از بین می‌برد؟ همان‌طور که شیر انسان را می‌درد، و حیوانات سمی نظیر عقرب و مار انسان یا حیوان برتر را نیش می‌زنند و از بین می‌برند و میکروب‌ها جان انسانی را که برتر از آن‌ها است، می‌گیرند.

۱- در نسخه الکترونیکی این کتاب جمله فوق به این صورت است: «چرا دیده نمی‌شود که...» و این عبارت جمله را متناقض می‌کند و چه بسا ناشی از خطای چاپی باشد.

چهارم: چرا موجودات شایسته‌تر به چیزهای غیرشایسته‌تر عقب‌گرد می‌کنند؟ همان طور که انسان ضعیف شده، می‌میرد و سپس به خاک تبدیل می‌گردد؛ همین طور در مورد گیاه و حیوان؟
پنجم: چرا در فسیل‌ها، حیوانات منقرض‌شده‌ای که از برترین نوع حیوانات هستند (مانند داشتن جثه بزرگ و برتر بودن وضعیت بدنی) یافت می‌شود؟

ششم: طبیعتی که انتخاب می‌کند چیست؟ اگر دارای عقل و فهم و شعور است، ماهیتش چیست؟ و اگر فاقد عقل و ادراک است، پس چگونه گزینش می‌کند؟

آیا اگر کسی بگوید: «این آهن، آن آجر را به عنوان هم‌نشین خودش برگزیده است» خود را در معرض خنده و تمسخر دیگران قرار نداده است؟ پس چگونه می‌توان به طبیعت، چنین انتخابی را (که مورد ادعا است) نسبت داد؟ به طوری که بهتر از تمام دانشمندان، حکما، فلاسفه و صاحبان دانش و درک و تجربه دست به گزینش می‌زند؟^۱

پاسخ: سخن محمد شیرازی که می‌گوید: «میمون‌ها و گیاهان تکامل نیافته‌اند» نادرست است. این مسائل، تاریخی هستند و به آسانی و از طریق کاوش سنگواره‌ها، می‌توان بطلان آن را نشان داد. در این امور می‌توان به داده‌های باستانی و فسیل‌های کشف شده مراجعه کرد. به عنوان مثال ثابت شده گیاهانی که قبلاً بدون گل بودند، اکنون گلدار شده‌اند و این یعنی گیاهان تکامل پیدا کرده‌اند. میمون‌ها نیز تکامل و تغییر یافته‌اند. میمون‌هایی که امروزه مشاهده می‌کنیم به طور کلی با میمون‌های اولیه تفاوت دارند. به عنوان مثال قبل از هفتاد میلیون سال پیش هیچ انسان‌واره‌ای وجود نداشته

است و حتی هیچ نوع میمونی وجود نداشت بلکه پستانداران کوچکی وجود داشتند که از آن‌ها پستانداران تکامل یافته دیگر بروز کرده‌اند و پس از انقراض دایناسورها، میمون‌ها از آن‌ها متولد شده‌اند.

اما این ایراد او در خصوص اینکه حیوانی از مرتبه پست‌تر، حیوان با مرتبه بالاتر از خود را از بین می‌برد با این سخن خود:

«همان طور که شیر انسان را می‌دزد، و حیوانات سمی نظیر عقرب و مار انسان یا حیوان برتر را نیش می‌زنند و از بین می‌برند و میکروب‌ها جان انسانی را که برتر از آن‌ها است، می‌گیرند»

شیرازی این مثال را نقض انتخاب طبیعی به شمار می‌آورد و این خود به این معنا است که وی چیزی از انتخاب طبیعی نمی‌داند. شیر، عقرب، مار، باکتری و ویروس همگی بخشی از ابزار طبیعتی هستند که پیرامون موجود گزینش شده (در مثال وی انسان) را احاطه کرده‌اند. اینها آن دسته از افراد گونه را که برای بقا شایسته‌ترند یا می‌توانند خود را بهتر نجات دهند و از آن‌ها گردنه‌های دشوار عبور کنند و ژن‌های خود را به نسل بعدی منتقل سازند، انتخاب می‌نمایند. بلکه حتی برخی از افراد یک گونه این نقش را با درندگی و خشونت بیشتر از دیگر گونه‌ها، به افراد دیگری از همان نوع خود اعمال می‌کنند؛ زیرا آن‌ها همگی از یک گونه هستند و اشتراکات زیست محیطی بین آن‌ها بیشتر است.

مثال دیگری مشابه مثال‌های شیرازی به کار می‌برم تا کسانی که فریب سخن او را خورده‌اند، کلامم را درک کنند:

فرض کنیم ما به دو میلیون سال پیش برگردیم. در آن زمان، گونه انسانی هومو اریکتوس^۱ (انسان راست‌قامت) که دارای مغز کوچکی است (بزرگ‌تر از مغز شامپانزه

و کوچک‌تر از مغز هوموساپینس^۱ یا انسان امروزی) زندگی می‌کرده است. پیش فرض آن است که هوموساپینس از هوموارکتوس تکامل یافته تا اینکه در حدود ۲۰۰ هزار سال پیش، از لحاظ گونه‌ای، از آن مستقل شد و به صورت یک گونه انسانی جدید درآمد.

اکنون تصور می‌کنیم که ما گروهی از هوموارکتوس‌ها شامل ده مونث غیربالغ و ده مذکر غیربالغ را که اطرافشان پر است از حیوانات درنده از قبیل شیر و حیوانات سمی و کشنده نظیر افعی و عقرب و میکروب‌های کشنده، زیر نظر گرفته‌ایم. فرض ما این است که این ده نفر با هم تفاوت‌هایی دارند؛ همان طور که همیشه نیز همین گونه بوده است. برخی بلندقد هستند و برخی کوتاه‌قد. برخی راست‌قامت هستند و پای برخی دارای انحنا است و گویی آن را از پیشینیان به ارث برده و این، سرعتش را کم می‌کند. برخی قوی هستند و برخی بنیه ضعیفی دارند. برخی ذاتاً در مقابله با میکروب‌ها بسیار قوی هستند و عده‌ای دیگر در این خصوص ضعیف‌ترند. مغز برخی از آن‌ها نسبت به میانگین بزرگ‌تر است و برخی مغز کوچک‌تری دارند.

حال اگر حیوانات وحشی و درنده به اعضای این گروه حمله کنند، قاعدتاً فرد قوی‌تر، سریع‌تر و باهوش‌تر نجات می‌یابد و فرد کم هوش‌تر، ضعیف‌تر و کندتر از بین می‌رود؛ چرا که به عنوان مثال افراد باهوش می‌توانند بیش از افراد با درجه هوشی کمتر راهی برای محافظت از خود در برابر نیش افعی پیدا کنند. بر همین اساس فرد باهوش (آنکه مغز بزرگ‌تر و برتری دارد) زنده می‌ماند، بالغ می‌شود، جفت‌گیری می‌کند و ژن‌های خود را به نسل بعدی منتقل می‌نماید. همین طور با گذشت نسل‌های متوالی، دگرگونی، انتخاب و ازدیاد باعث می‌شود اندازه مغز بزرگ‌تر شود، پاها راست و استوار گردند، مقاومت بدن به باکتری افزایش یابد... و الخ.

بر همین اساس انسان، آهو، عقرب، افعی و باکتری جزئی از ابزارهای گزینشگر طبیعت در خصوص گونه‌های شیرها به شمار می‌روند. اگر ما دو شیر را در نظر بگیریم که یکی قوی است و سریع و دیگری ضعیف است و کند به صورتی که سرعت دومی از میانگین سرعت آهوها و بز کوهی موجود در طبیعت پیرامون‌شان کمتر باشد، به‌طور معمول، شیر ضعیف از بین می‌رود یا بنیه ضعیفی پیدا خواهد کرد، به گونه‌ای که نمی‌تواند با دیگر جنس‌های نر رقابت کند و به جفت‌گیری، تولید مثل و انتقال ژن‌های خود به نسل بعدی بپردازد. این در حالی است که شیر قوی و سریع غالباً می‌تواند جفت‌گیری و تولید مثل کند و ژن‌های خود را به نسل بعدی انتقال دهد. به این ترتیب طبیعت، جانور قوی‌تر را برای نجات و بقا برمی‌گزیند.

از آن طرف، شیر خود یکی از ابزارهای گزینش‌گر طبیعت در خصوص آهوها به شمار می‌رود؛ چرا که طبیعت آهوی قوی‌تر و سریع‌تر را که بهتر می‌تواند از آرواره حیوانات درنده رهایی یابد، گزینش می‌کند. به این ترتیب ژنی که بتواند خود را بهتر با محیط اطرافش وفق دهد، باقی می‌ماند و ژنی که از این کار ناتوان باشد، حذف می‌گردد.

این همان انتخاب طبیعی و بقای اصلح است. نه آن گونه که شیرازی تصور کرده که می‌گوید انتخاب طبیعی یعنی ناتوان بودن فرد یک گونه پایین‌تر و کم‌تکامل‌یافته‌تر برای آسیب رساندن به افراد گونه بالاتر و تکامل‌یافته‌تر؛ و اینگونه طرح اشکال بر این اساس، ناشی از فهم غلط او است.

سایر اشکالاتی که شیرازی در این خصوص مطرح نموده، از برداشت نادرست وی از انتخاب طبیعی ناشی شده است؛ چرا که اگر می‌دانست انتخاب طبیعی یعنی بقای موجود قوی‌تر برای زندگی و تولید مثل در محیط طبیعی پیرامون موجودات، این مجموعه از اشکالات سطحی را مطرح نمی‌نمود.

مفهوم انتخاب طبیعی به عنوان مثال برای حیوان بلندقدی که در محیطی جای دارد که غذا در ارتفاع مشخصی در اختیارش قرار می‌گیرد، این است که حیوانی باقی می‌ماند که قدش به غذا می‌رسد و صفت بلند بودن قد را برای فرزندانش به ارث می‌گذارد. این

موضوع همچنین مردن حیوان کوتاه قد یا ناتوان شدن او در دسترسی به غذای موجود، و نیز عدم توانایی وی بر تولید مثل و انتقال ژن‌های خود به نسل بعد را به دنبال دارد. همچنین محیطی که غذای فراوانی در اختیار حیوانی خاص قرار می‌دهد، باعث افزایش حجم آن حیوان می‌شود؛ هنگامی که جهش ژنتیکی مناسب با افزایش حجم آن روی دهد.

بنابراین معنای انتخاب طبیعی برای اصلح این است که شرایط طبیعی اجازه می‌دهد که برخی افراد از یک گونه که دارای ژن‌های برتر هستند، بقا یابند؛ و دیگران خیر. چرا که این شرایط برای بازمانده‌ها مناسب است ولی برای حیوانات از میان رفته یا گروهی که به دلیل ناتوانی در زاد و ولد نتوانسته‌اند ژن‌های خود را به نسل آتی منتقل سازند، مناسب نبوده است.

شیرازی همچنین گفت‌وگویی خیالی را با عنوان تکامل میان خود و داروین به نگارش درآورده است. بیایید به آنچه شیرازی نوشته است نگاهی بیفکنیم:

داروین: دلیل دوم، تکامل: آنچه که در بسیاری از گونه‌های مختلف حیوانات رخ می‌دهد. ما می‌بینیم انسانی که در اقلیم سردسیر به دنیا بیاید، سفید پوست می‌شود. این موضوع در مورد حیوانات نیز صادق است؛ بنابراین تیره خاصی از یک گونه حیوان در هر اقلیم، حالات، شکل و عادت‌های خاصی پیدا می‌کند. در مورد گیاهان نیز همین طور است. اگر چنین چیزی روی دهد، تفاوتی بین تکامل عرضی یعنی تغییر در رنگ، اندازه و عادت‌های یک نوع حیوان به دلیل تفاوت آب و هوا و سایر شرایط، و تکامل طولی، به سبب تبدیل شدن سلول به گیاه، گیاه به حیوان و حیوان به انسان وجود نخواهد داشت.

مسلمان (شیرازی): استدلال شما واقعاً عجیب است. اینجا دو

موضوع وجود دارد:

۱- تفاوت داشتن در یک نوع حیوان، گیاه یا انسان به دلیل متفاوت بودن اقلیم و آب و هوا، تفاوت‌هایی جزئی است؛ ضمن اینکه همه افراد تحت یک تیره قرار می‌گیرند؛ مثل انسان‌ها که یکی سیاه است، یکی سرخ و دیگری زرد.

یا تمام افراد آن از گونه خرس باشند؛ ولی خرس قطبی دارای ویژگی‌های مشخصی است و خرس مناطق گرمسیری نیز ویژگی‌های خاص خود را دارا است.

یا تمام افراد آن گندم هستند؛ ولی گندم عراقی ویژگی‌های خودش دارد و گندم استرالیایی ویژگی‌هایی دیگر.

۲- اینکه یک چیز به دلیل دگرگونی‌های محیط زیست، واجد تفاوت‌های بنیادین شود. مثلاً این یکی میمون شود، و آن دیگری انسان، و این گیاه؛ در حالی که همگی از یک نیای مشترک نشات گرفته باشند.

آنچه ما مشاهده می‌کنیم و همگان می‌دانند، از نوع اول است. اما نوع دوم؛ دلیل شما در این مورد چیست؟ این مانند آن است که بگویی: همان طور که از گل می‌توان آجر و سفال و خشت ساخت، می‌توان آهن و عاج و آب نیز پدید آورد. آیا چنین قیاسی امکان‌پذیر است؟ داروین: تأمل می‌کنم!

مسلمان (شیرازی): بنابراین دلیل دوم شما باطل شد. دلیل سوم شما

چیست؟^۱

پاسخ: این گفت‌وگوی خیالی که شیرازی با داروین به تصور کشیده است، در واقع توهین و افترا به داروین است؛ چرا که داروین نه تنها تکامل را به دو بخش عرضی و طولی تقسیم نمی‌کند بلکه وی از تبدیل سلول به گیاه، گیاه به حیوان و حیوان به انسان هیچ سخنی به میان نیاورده است. وی همچنین به جهش از گونه‌ای به گونه دیگر نیز قائل نیست و حتی بین زیست‌شناسان تکاملی و حتی سایر زیست‌شناسان امروزی نیز کسی یافت نمی‌شود که معتقد به جهش گونه‌ای باشد.

اما این سخن شیرازی که می‌گوید: «آنچه ما مشاهده می‌کنیم و همگان می‌دانند، از نوع اول است» به این معنا است که شیرازی بدون اینکه خودش متوجه باشد، تکامل را تأیید نموده ولی آن را به حد و مرز تیره‌ها -مانند تیره خرس‌ها- محدود کرده است. ولی هنگامی که بحث تکامل به طبقات بالاتر می‌رسد، آن را رد می‌کند. به همین دلیل اینجا است که وی باید برای توقف تکامل در مرز دگرگونی تیره‌ها دلیل بیاورد و بگوید که چرا این تکامل به مرحله بالاتر (جدا شدن تیره‌ها) نمی‌رسد، در حالی که رسیدن به این مرحله با گذشت زمان اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که این مرحله حاصل زیاد شدن دگرگونی در طول زمان است.

ما می‌گوییم جهش ژن‌ها قطعاً به دگرگونی منجر می‌شود و اگر در کنار جهش ژنتیکی و انتخاب طبیعی، تولید مثل نیز وجود داشته باشد، مجموع اینها به بروز صفات جدید و ویژه برای موجود زنده از قبیل تغییر در اندازه، شکل، نوع موها و پنجه‌ها و ... منجر می‌گردد؛ و با گذشت زمان و با تجمع تغییرات، این تفاوت‌ها بیشتر و بیشتر خواهد شد. شیرازی و همفکران او همه اینها را فقط در یک تیره قبول دارند؛ یعنی با انباشتگی در فاصله زمانی صدها هزار سال یا بعضاً چند میلیون سال. ولی هنگامی که این تغییرات به حد دگرگونی تیره می‌رسد، تکامل را رد می‌کند! با وجود اینکه این دگرگونی نتیجه قطعی انباشت دگرگونی‌هایی است که در مدت زمان طولانی تری -مثلاً ده‌ها میلیون سال- رخ داده است، به گونه‌ای که زمان کافی برای ظهور این نوع تفاوت‌های بنیادین فراهم گردد، تا طبق مباحث علم زیست‌شناسی، بتوان جاندار را در یک تیره دیگر جای داد.

او پذیرفته است که بازشکل‌گیری و تجدید ساختار جاندار که به تبعیت از شرایط محیطی آن صورت می‌گیرد، فرایندی است مستمر و همین فرایند است که باعث ایجاد تمایز و تفاوت بین خرس قطبی و خرس آفتاب می‌شود؛ این دو از نظر شکل، اندازه، وزن، رنگ، نوع غذا و سوخت و ساز (متابولیسم) تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر دارند. ولی او (شیرازی) نمی‌پذیرد که این بازشکل‌گیری به حدی از تفاوت و تمایز برسد که مثلاً آن‌ها را در دو تیرهٔ مختلف قرار دهد. این همان چیزی است که شیرازی باید بر آن دلیل اقامه کند؛ زیرا طبقه‌بندی نتیجهٔ انباشت بازشکل‌گیری و تجدید ساختاری است که مبتنی بر جهش ژنتیکی روی می‌دهد. به لحاظ نظری، جهش ژن‌ها در طبیعت به شرط فراهم بودن زمان کافی، می‌تواند به ایجاد انواع جانداران، دامنه‌ها و تیره‌ها منجر شود.

تغییر ترکیب ژنتیکی موضوعی است که در آزمایشگاه به اثبات رسیده است. این کار شدنی است، چه به شکل کنترل نشده همان‌طور که در بمباران پرتویی شاهد هستیم. یا به شکل کنترل شده که در حال حاضر به شکل گسترده‌ای صورت می‌پذیرد.

اکنون کار به جایی رسیده که می‌توان از مواد شیمیایی غیرزنده نقشهٔ ژنتیکی کامل باکتری را تولید نمود. بر این اساس به لحاظ تئوری می‌توانیم در آزمایشگاه، از تخمک و اسپرم شامپانزه یا فقط از هسته‌های سلول شامپانزه و تخمک یک زن که هستهٔ آن بیرون آورده شده است، انسانی به وجود آوریم. تنها چیزی که نیاز داریم عبارت است از اصلاح ساختار کروموزوم‌های شامپانزه به گونه‌ای که از لحاظ تعداد و ترکیب، با کروموزوم‌های انسان برابر شود؛ و این کار نیز از لحاظ تئوری امکان‌پذیر است.

موضوع بسیار فراتر از اینها رفته است. همان‌طور که در آزمایشگاه، پس از تولید نقشهٔ ژنتیکی کامل باکتری از مواد شیمیایی غیر زنده و کاشت آن در سیتوپلاسم باکتری، کروموزوم‌ها توانستند به حیات و تولید مثل خود ادامه دهند، به همین ترتیب، امکان

تولید نقشه کامل کروموزوم‌های آدمی از مواد شیمیایی غیرزنده امکان‌پذیر است؛ چرا که بین کروموزوم‌های باکتری و کروموزوم‌های انسان تفاوتی وجود ندارد، مگر تفاوت‌هایی که بین یک ساختمان کوچک و یک ساختمان بزرگ که هر دو از مواد یکسانی ساخته شده باشند، مشاهده می‌گردد.

از سوی دیگر علم زیست‌شناسی، انسان، شامپانزه، گوریل و اورانگوتان را جملگی در یک تیره که همان تیره انسان‌واره است، جای می‌دهد. همان طور که تمام خرس‌ها نیز در تیره یکسانی به نام تیره خرس‌ها قرار می‌گیرند. تفاوت انسان و شامپانزه، از جنس همان تفاوتی است که بین خرس آفتاب و خرس قطبی وجود دارد؛ و چه بسا تفاوت‌های جسمانی شامپانزه و انسان کمتر از تفاوت‌هایی باشد که در اندام خرس قطبی و خرس آفتاب وجود دارد. بر این اساس، اذعان پیش‌گفته شیرازی به اینکه تکامل وجود دارد و او آن را در داخل افراد یک تیره می‌بیند، باعث می‌شود شیرازی بدون اینکه بداند چه می‌گوید، قبول داشته باشد که شامپانزه، بونوبو و انسان همگی از یک اصل مشترک تکامل پیدا کرده‌اند؛ چرا که همگی آن‌ها افراد یک تیره می‌باشند.

این سخن شیرازی که می‌گوید:

«این مانند آن است که بگویی: همان طور که از گل می‌توان آجر و سفال و خشت ساخت، می‌توان آهن و عاج و آب نیز پدید آورد. آیا چنین قیاسی امکان‌پذیر است؟»

سخنی است بی‌معنا؛ چرا که ساختن آجر از گل، تغییری در ساختار ذرات هسته‌ای آن به وجود نمی‌آورد، تا به عنوان مثال گفته شود: آیا می‌توان بر این اساس تبدیل شدن گل به ماده دیگری همچون آهن را بسنجیم؟ اصولاً فرایند تبدیل عنصری به عنصر دیگر، به تجدید ساختار اتم‌ها نیاز دارد و لذا ما با دو موضوع متفاوت روبه‌رو هستیم و این قیاس از ریشه بی‌معنا است. این مقایسه شیرازی و استفاده از این مثال سطحی، هیچ ربطی به آنچه از تکامل حاصل می‌شود ندارد؛ زیرا گوناگون شدن در تکامل در سطحی از مولکول‌های جانداران صورت می‌گیرد که هم‌ساختار با آن دسته از کروموزوم‌هایی است

که دارای ترکیب مولکولی یکسانی هستند. آنچه در این خصوص از جاننداری تا جاندار دیگر تفاوت دارد، ترکیب این ساختار مولکولی است. واقعیت آن است که اگر شیرازی این مقایسه را بیان نمی‌کرد، برای او بهتر بود. در اینجا پاسخ به اشکال شیرازی پایان یافت، ولی اندکی موضوع را بیشتر شرح می‌دهم:

به نظر می‌رسد شیرازی نمی‌داند از چه سخن می‌گوید؛ چرا که ما در تکامل حیات، از تجدید ساختار اجزای تشکیل‌دهنده عناصر زندگی‌ساز یعنی کروموزوم‌ها صحبت می‌کنیم و معادلی که برای آن در سطح عناصر برای بازشکل‌گیری ساختار یک عنصر می‌توان پیدا کرد، هسته اتم‌ها می‌باشند، و عناصر شیمیایی از قابلیت بازشکل‌گیری و شکل‌دهی برخوردار هستند. وی می‌توانست از یک کیهان‌شناس یا فیزیک‌دان درباره آهن بپرسد، تا دریابد که آهن خود از عناصر دیگری که در مقادیر انبوه، در هستی پیرامون ما وجود دارد تشکیل یافته است. آهن و بسیاری دیگر از عناصر، از فرایند همجوشی هسته‌ای در ستارگان پیرامون ما به وجود آمده است و این فرایند منجر به پیدایش و تشکیل عناصر شده است. هنگامی که سخن ما درباره ذرات زیراتمی و بازشکل‌گیری هسته اتم‌ها است، بین آهن، اکسیژن، کربن، هلیوم و هیدروژن تفاوتی وجود نخواهد داشت؛ چرا که همه اینها از همان اجزای سازنده به وجود آمده‌اند و بر همین اساس امکان بازشکل‌دهی یا تجدید ساختار آنها برای تولید مواد دیگری از همان مواد سازنده اولیه عناصر وجود دارد. این همان چیزی است که در ستارگان نیز روی می‌دهد. در ستارگان هیدروژن و هلیوم می‌سوزد و به دنبال وقوع همجوشی هسته‌ای، عناصر سبک به هسته‌های سنگین‌تری که در آنها پروتون و نوترون بیشتری وجود دارد، تبدیل می‌گردد. به این ترتیب کربن، اکسیژن و دیگر عناصر تولید می‌شود و به عنصر پایدارتر که همان آهن است، منجر می‌شود. سپس با انفجار ابرنواختری ستاره، فرایند همجوشی هسته‌ای به عناصر سنگین‌تری همچون اورانیوم منجر می‌گردد.

بنابراین اگر ما بتوانیم بر ذرات تشکیل‌دهنده هسته اتم (پروتون و نوترون) تسلط یابیم، می‌توانیم از دیگر عناصر، آهن به وجود آوریم. آنچه در این فرایند نیاز داریم، انرژی

عظیمی است که عناصر را به فاصله اندک و مناسبی که در آن، نیروی هسته اتمی به شدت اثرگذار است و همجوشی هسته‌ای روی می‌دهد بکشاند، که به عنوان مثال این وضعیت در ستارگان فراهم می‌شود. بر این اساس تولید عنصری از یک عنصر دیگر، فرایندی است که در جهان پیرامون ما به‌طور مرتب در حال وقوع است.

البته راه آسان‌تری هم برای تولید اتم‌های سبک از اتم‌های سنگین‌تر وجود دارد که شکافت هسته‌ای است. در این فرایند برای نزدیک ساختن ذرات به هم به انرژی زیادی نیاز نداریم، بلکه تنها چیز مورد نیاز، واداشتن هسته‌های ناپایدار مانند اتم‌های اورانیوم ۲۳۵ به شکافت هسته‌ای است. این همان فرایندی است که در نیروگاه‌های هسته‌ای به صورت کنترل شده رخ می‌دهد؛ مثلاً با افزودن ماده‌ای همچون آلیاژ کادمیوم برای جذب نوترون‌های اضافی جهت کنترل فرایند شکافت هسته‌ای تا در حد قابل قبولی باقی بماند، و شکافت هسته‌ای به میزان غیر قابل کنترلی نرسد که به بمب اتمی تبدیل گردد.

*** ** *

و جوب رسوا کردن دین وهابی و اینکه آنچه پیروانش انجام می‌دهند ایثار نیست

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

Khalil AL-alwani نوشته است:

موضوع پرسش. پس از تحیت و سلام به سید احمدالحسن، موضوع درباره کتاب «توهم بی‌خدایی» است. در صفحه ۲۷۹ این کتاب آمده است: «از چه ایثاری سخن می‌گوییم». با اینکه من مخالف افکار تکفیری‌ها هستم و اینکه هرکسی را که مخالف اعتقادشان است به قتل می‌رسانند، و با اینکه آن‌ها مرا تکفیر و خونم را حلال می‌دانند زیرا

به خلافت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و نه غیر او ایمان دارم ، با وجود این، آنان یعنی تکفیری‌ها و سلفی‌ها را می‌بینم که در چین، صربستان، افغانستان، مالی، عراق و سوریه، ایثار حقیقی دارند؛ زیرا همه‌چیز را از مال و فرزند و همسر‌ها می‌کنند و در پی یاری دینی می‌روند که معتقدند درست است! ما می‌بینیم آن‌ها خود را منفجر می‌کنند در حالی که به هیچ چیزی اهمیت نمی‌دهند و طوری می‌جنگند که گویا بهشت را با چشم خود می‌بینند و گویا به‌سویبش می‌شتابند. آیا از نظر شما بزرگوار، اسلوب یا راه نفوذی برای گفت‌وگو وجود دارد تا بتوانیم افکار آن‌ها را تغییر دهیم و آن‌ها را زیر پرچم بیعت به‌سوی خدا گرد آوریم تا اسلام از ایثار و اقدامات آن‌ها و اینکه دیگران را بر خود مقدم می‌دارند بهره‌مند گردد؟ چندین سؤال اینجا مطرح کرده‌ام ولی پاسخی نگرفتم؛ شاید به‌خاطر زیادی توضیحات و نبود وقت برای خواندن همه آن‌ها توسط شما بوده باشد. ارادتمند شما، خالد العلوانی.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

هیچ ملازمی بین قربانی کردن خود و ایثارگری واقعی بی‌چشمداشت وجود ندارد. این امکان وجود دارد که یک موجود زنده به‌جهت مصلحت معینی - که به‌عنوان مثال زن‌ها به‌خاطر آن با ایجاد غددی که هورمونی معین ترشح می‌کنند آن موجود زنده را وادار کنند- خود را به کشتن دهد. وقتی زنبور کارگر خود را به کشتن می‌دهد عامل محرک این قربانی کردن، ژنتیکی است؛ زیرا مهم‌ترین شاخصه در مجموعه ژن‌های فردی، حساب سود و زیان در مسیر تکامل و انتخاب طبیعی است؛ بنابراین ژنی که در محیط خود از بقای مجموعه‌ای از زن‌های معین محافظت می‌کند، تا امکان عبور آن‌ها از فیلترهای انتخاب طبیعی از نسلی به نسل دیگر را فراهم کند، در ضمن آن مجموعه ژنتیکی فردی، ثابت و استوار می‌شود، حتی اگر عمل این زن، واداشتن جسم به خودکشی و هلاکت در موقعیت‌های معین باشد که این مطلب را در کتاب توهم بی‌خدایی روشن ساخته‌ام. زیان دیدن بدن یک زنبور که مجموعه‌ای از زن‌های فردی را حمل می‌کند در برابر حفظ

بدن هزاران زنبور دیگر که همان ژن‌ها را حمل می‌کنند بی‌شک سودی بسیار برای آن مجموعه ژن‌ها فراهم می‌کند.

وضعیت در خصوص خانواده یا به‌طور خاص راجع به مادر به همین صورت است؛ وقتی مادر به‌خاطر فرزندانش، خود را به کشتن می‌دهد. آری این مصلحت ژنتیکی است که مادر و زنبور را به‌سوی قربانی‌کردن خود سوق می‌دهد؛ بنابراین قربانی‌شدن مادر به‌خود می‌خورد. ایثار حقیقی نیست؛ بلکه قربانی‌شدنی است که مصلحت ژن‌های فردی، آن را مقرر می‌کند تا بتوانند به نسل بعدی منتقل شوند؛ بنابراین هر وقت موضع‌گیری خاصی، سودی برای بقای مجموعه ژن‌های فردی حاصل کند ملاحظه می‌کنیم که بدن به‌سوی آن می‌شتابد، حتی اگر هلاکت و پایان‌یافتن زندگی‌اش در این مسیر رقم بخورد؛ زیرا این عمل باعث بقای بدن‌ها یا بدنی دیگر می‌شود که آن ژن‌ها را در خود حمل می‌کند. پس ژن‌ها در بدن، سازوکارهایی را بنیان نهاده‌اند که بدن را به‌سوی این عمل می‌کشاند، حتی اگر باعث هلاکتش شود؛ زیرا این کار باعث حفظ مجموعه‌ای از ژن‌های فردی، ضمن مجموعه ژن‌های عمومی موجودات زنده می‌شود.

متن زیر از کتاب «توهم بی‌خدایی» است که این مطلب را روشن می‌کند. هرکس خواهان تفصیل بیشتری است می‌تواند به کتاب مراجعه نماید:

«اگر به پیرامون خود نگاهی بیندازیم، می‌بینیم برخی حیوانات بعضاً رفتارهای ایثارگرانه‌ای از خود نشان می‌دهند. مثلاً می‌توانیم نمود آن را در رفتار پدران و مادران در قبال فرزندانشان، رفتار زنبورهای کارگر در برابر ملکه و دیگر کارگران و نیز کل کندو مشاهده کنیم؛ ولی آیا این، ایثارگری واقعی است یا به ظاهر ایثار کردن و در واقع خودخواهی ژنتیکی است؟! چراکه خاستگاه چنین رفتارهایی خودخواهی ژن‌ها، یا خویشاوندسالاری و یا تمایل به حفاظت کردن بدن‌های حامل این نوع ژن‌ها است که اینها چنین رفتارهای ایثارگرانه‌ای از خود بروز می‌دهند؛ به عبارت دیگر نرمش و مدارای والدین نسبت به فرزندان و خوردن غذا به آن‌ها و نیز فداکاری زنبورهای کارگر برای محافظت از کندو و ملکه و خواهرانش، بر اساس خودخواهی ژن‌هایی است که از ویژگی موفقیت در انتقال، استمرار و بقا برخوردارند. واقعیت بیولوژیکی آن است که پدر و مادر به این دلیل از

فرزندان خود مراقبت می‌کنند که ژنی در ژنوم آن‌ها، ایشان را به چنین رفتاری سوق می‌دهد مثلاً از طریق تأثیری که بر ساخت سیستم عصبی، مغز، غدد و یا هورمون‌ها از خود بر جای می‌گذارد و یکی از دلایل موفقیت ژنوم آن‌ها در انتشار و بقا، وجود این ژن است که ایشان را به آن رفتار ایثارگرایانه سوق می‌دهد.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چگونه ژنوم والدین، در بقا و استمرار فرزندان بهره‌مند می‌گردد؟ پاسخ این سؤال را می‌توان به سادگی بیان کرد: زیرا فرزندان، حامل درصد معینی از ژن‌های والدین خود هستند. به عنوان مثال بچهٔ انسان، حامل نیمی از ژن‌های مادر و نیمی از ژن‌های پدرش است.

بنابراین آن دسته از والدینی که در ترکیب ژنتیکشان، ژن ایثار نسبت به فرزندان و برآورده ساختن نیازهای آن‌ها یافت می‌شود، به گونه‌ای که فرزندان را شایسته و آمادهٔ رسیدن به سن بلوغ و تولید مثل می‌نماید، این والدین استمرار و بقای ژن‌های خود را در نسل‌های آتی، محقق خواهند نمود. در نتیجه این نوع ایثارگری (ایثار والدین برای فرزندان) در واقع ژنتیکی و خودخواهانه است؛ یعنی خودخواهی ژن‌ها آن را به وجود آورده و ایثار واقعی محسوب نمی‌گردد. آن دسته از والدینی که توجه کافی به فرزندان خود ندارند و از آن‌ها حمایت نمی‌کنند، یا به عبارت دیگر والدینی که ژنوم آن‌ها شامل ژن‌هایی نیست که آن‌ها را به حمایت از فرزندان وادارد (از قبیل فراهم نمودن لانه، غذا و مراقبت) نمی‌توانند ژن‌های خود را به نسل‌های بعد انتقال دهند؛ زیرا به‌طور خلاصه آن‌ها در تربیت فرزندانی که به سن بلوغ، تولید مثل و انتقال ترکیب ژنتیکی خود به نسل‌های بعد برسند، ناموفقند. به این ترتیب این والدین یا به عبارت دیگر این ترکیب ژنتیکی یا نقشهٔ ژنوم، مجازات شده و در این زندگانی، ژن‌های خاص آن‌ها استمرار نیافته، از گردونهٔ رقابت حذف می‌شود.

مسئلهٔ توجه و اهتمام والدین به فرزندان، به‌طور کامل دلیل ژنتیکی دارد و اگر ژن‌ها راهبرد موفق دیگری به جز توجه مستقیم والدین به فرزندان بیابند، چه بسا همان را به کار بگیرند. این قضیه در مورد پرنده‌ای به نام کوکو اتفاق افتاده است. این پرنده تخم‌هایش را در لانهٔ قربانیانش جا می‌دهد تا آن‌ها فرزندانش را تربیت کنند. او خودش نسبت به فرزندانش بی‌توجه است و نسبت به آن‌ها هیچ عاطفه‌ای نشان نمی‌دهد. این پرنده به

محض برآورده ساختن نیاز جوجه‌ها، با قرار دادن آن‌ها در لانه پرنده قربانی که به جای وی آن‌ها را پرورش می‌دهد، رابطه‌اش را با جوجه‌هایش پایان می‌دهد. این مثال دلیل واضحی است مبنی بر اینکه مسئله بدن‌ها، به حیطة زن‌ها مربوط می‌شود.

همین مسئله در مورد زنبورهای کارگر نیز وجود دارد. آن‌ها نزدیکی بسیار زیادی با خواهران خود دارند و از مادر به آن‌ها نزدیک‌ترند، زیرا خواهران همگی نسخه همانندی از زن‌های پدر را دارا می‌باشند. از این رو در فداکاری و پیشی گرفتن برای حمله به دشمن، دلیل منطقی وجود دارد؛ با وجود اینکه زنبور کارگر پس از نیش زدن می‌میرد. این زن اینثاگر در ازدیاد، استمرار و بقا موفق بوده زیرا توانسته است در محافظت از کندو بهتر عمل کند. منفعتی که مرگ زنبور کارگر برای زن‌های او به دنبال دارد بیش از منفعت زنده ماندن آن است؛ زیرا آن‌ها با سبقت گرفتن در مرگ به جای خواهرانشان و نیز با دفاع از مادر (زنبور ملکه)، در بقا و استمرار نسخه‌های زیادی از زن‌های موجود خویش در بدن همه خواهران کارگر نقش دارند و همچنین در بقای زن‌های موجود در تخمک‌ها و اسپرم‌های موجود در بدن مادر (زنبور ملکه) نیز تأثیرگذارند. بی‌تردید چنین ترکیب ژنتیکی از آن ترکیبی که در فداکاری بر یکدیگر پیشی نمی‌گیرند، برای بقا و استمرار توانا تر است. طبیعت، آنهایی را انتخاب خواهد کرد که در فداکاری، شجاع و ... پیش قدم هستند؛ یا باید بگوییم آن نوع ترکیب ژنتیکی که به خوبی می‌تواند بقا و استمرار یافته، در برابر شرایط طبیعی محیط پیرامونش مقابله کند.

به‌طور کلی تا زمانی که فداکاری، برای زن‌ها منفعت بیشتری همراه داشته باشد - حتی با چشم‌پوشی از قرابت بین آن‌ها - خودخواهی زن‌ها می‌تواند ویژگی اینثاگری در قبال یک موجود دیگر را تفسیر کند».

اما در خصوص انسان به‌طور خاص، در کتاب «توهم بی‌خدایی» مسئله اخلاق انسانی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام، و اینکه مؤلفه جدیدی در معادله انسان وجود دارد که همان اینثا حقیقی بی‌چشمداشت است و هرکس خواهان جزئیات بیشتری است می‌تواند به کتاب «توهم بی‌خدایی» مراجعه نماید؛ اما در اینجا می‌خواهم به مسئله اقدام به نابودکردن «بدن» برای اهدافی معین بپردازم؛ چه این اهداف دینی باشد، چه لیبرالی، چه مارکسیستی، میهنی، انسانی یا حتی نفسانی بوده باشد، و برای همه این جوانب و نیز

جنبه‌های دیگر- می‌توانیم مثال‌هایی از قربانیانی ارائه دهیم که خود و زندگی خود یا حتی مهم‌ترین شاخصه‌ای را که موجودات زنده به آن اهتمام دارند تقدیم کرده‌اند؛ یعنی انتقال ژن‌های فردی به نسل بعد. بنده معتقدم شناسایی این نمونه‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر است؛ به‌طوری که هیچ‌کس در فهمیدنشان دچار اشتباه نمی‌شود. بسیاری از مردم در سرتاسر جهان به چیزهایی اعتقاد دارند که آن‌ها را «ایثارگرایانه» ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که این موارد هیچ ارتباطی با دین ندارند مانند «چه‌گوارا»^۱ - و با چشم‌پوشی از مثال‌های فردی، ایثار حقیقی به اعتبار اینکه صفتی است که هر نفس انسانی می‌تواند به آن متصف شود- مسئله‌ای حقیقی و واقعی است. آنچه در بسیاری موارد رخ می‌دهد این است که این صفتِ نفسانی، وقتی جایگاه صحیح طراحی شده خود را - که خیر آخرت و دنیایش را تأمین می‌کند- نیابد، انسان را به‌سوی زیان و خسران زودگذر در دنیا و آخرت سوق می‌دهد و به این ترتیب می‌تواند او را به‌سوی خودکشی به منظوری پوچ و بیهوده بکشاند یا او را به آنجا برساند که خود را در میان جمعیتی از مردم در خیابان منفجر کند؛ همان‌گونه که -چه در گذشته و چه حال- سلفی‌ها می‌کرده‌اند و می‌کنند؛ پس مهم‌ترین نقش این صفت نفسانی -که هر انسانی می‌تواند در نتیجه منتشر شدن نفس آدمی در او به آن متصف شود- این است که این صفت، اهمیت جسم و بقای آن را برای انسان در برابر نقش ژن‌هایی که برای بزرگداشت اهمیت جسم حامل ژن، وارد عمل شده و مانع از قربانی کردن جسم می‌شوند کاهش دهد مگر برای هدف ژنتیکی بالاتری که این هدف، عبارت است از محافظت از مجموعه ژن‌های فردی به‌طور عمومی؛ یعنی همان‌گونه که درباره زنبورهای کارگر و خانواده‌شان مطرح است.

۱ - رهبر و نماد انقلاب مارکسیستی در کوبا، وی در سال ۱۹۲۸ در آرژانتین متولد شد و در سال ۱۹۶۷ در بولیوی پس از سال‌های طولانی که در جنگ چریکی و انقلاب آزادی در آمریکای جنوبی و آفریقا سپری کرد- با شلیک گلوله اعدام شد.

اگر مطالب پیش‌گفته برایتان روشن شود خواهید دید که خودکشی و انتحار مجموعه‌های سلفی (وهابیت) هیچ شاخصه به‌خصوصی ندارد تا برای هدایت آن‌ها و شناساندن حق به آن‌ها، خواهان سخن خاصی خطاب به آن‌ها باشی؛ زیرا این قاتلانی که می‌بینیم مردان و کودکان و زنان را با چاقو و با سنگدلی -که هیچ نظیری برایش پیدا نمی‌شود- ذبح می‌کنند و جگرهای انسان‌ها را به دندان می‌گیرند، به‌طور قطع و یقین چیزی از عطف و اخلاق نمی‌شناسند و به این دلیل این عده دورترین افراد از هدایت و شناخت حقیقت و دین الهی هستند.

یک نکته باقی می‌ماند که پیش‌تر به آن پرداختیم و آن بیان فساد دین سلفی و انحرافش از اسلام، در راستای بیدارکردن مردم و شناساندن حقیقت به آن‌هاست؛ زیرا طبق عقیده سلفی وهابی، خداوند دو دست حقیقی دارد و در هر دستش، پنج انگشت حقیقی و دو چشم حقیقی دارد و ... به همین ترتیب دیگر جهالت‌ها و نادانی‌های دین سلفی بت‌پرستانه؛ پس ناگزیر باید به اعتقادات آن‌ها و ریشه اختلاف بین دین سلفی و دین اسلام، یا حتی تفاوت آن با عقاید کنونی سنی و شیعه پرداخته شود. منظور از اختلاف این نکته نیست که کلمه «ید = دست» در متن دینی آمده است یا نه؛ بلکه اختلاف در فهم نادرست سلفی وهابی از متون دینی است؛ فهمی که درباره پروردگار سبحان محال است؛ همان برداشتی که آن‌ها را به عقیده جسم‌انگاری بت‌پرستانه می‌کشاند؛ به‌طوری که هیچ تفاوتی میان آن‌ها و عبادت هبل در جاهلیت وجود ندارد. مسلمانان سنی و شیعه خدایی را می‌پرستند که از صفت «دو دست» یا انگشتان یا دو چشم حقیقی منزّه است و متن‌هایی که وارد شده است -از نظر سنی و شیعه- حمل بر معنای ظاهری نمی‌شود؛ زیرا درباره آن معبود سبحان و متعال محال هستند. مثال چنین صفاتی، مثال نیان و فراموشی است که در حق آن معبود سبحان و متعال محال است؛ در حالی که در متن آمده است: ﴿فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا﴾ (پس همان گونه که دیدار امروزشان

را فراموش کردند، ما نیز امروز فراموششان می‌کنیم).^۱

آیا وهابیون - همان طور که متن‌های صورت و دست و چشم را حمل بر ظاهر می‌کنند و می‌گویند خدا دو دست دارد و در هر دستی پنج انگشت، و دو چشم و صورت دارد، و همه این‌ها حقیقی هستند- این متن را نیز حمل بر ظاهر می‌کنند و می‌گویند خدا فراموش م- می‌کند؟!

سلفی‌ها حتی از صِرْفِ توصیف کردن پروردگارشان با صفت دو دست و دو چشم حقیقی هم فراتر می‌روند. آن‌ها برای پروردگارشان - که او را می‌پرستند- صفاتی ردیف می‌کنند و او را به‌طور خاص- همانند «شکل انسان» توصیف می‌کنند و می‌گویند او صورت، و فقط دو چشم دارد (نه یک چشم و نه سه چشم) با اینکه متن قرآنی می‌گوید: ﴿لَتُصَنِّعَ عَلٰی عَيْنِي﴾ (تا در برابر چشم من ساخته شوی).^۲ و می‌فرماید: ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (برای حکم پروردگارت صبر کن که تو در برابر دیدگان مایی).^۳ پروردگار آن‌ها دو دست دارد (نه یک دست و نه سه دست)؛ با اینکه آنکه خداوند سبحان و متعال می‌فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (و آسمان را با دستان خود بنا کردیم و ما قطعاً توسعه‌دهنده‌اش هستیم).^۴

واضح است اینان، بتی را می‌پرستند که با صفات جسم انسانی توصیفش می‌کنند. او دو دست دارد و در هر دست پنج انگشت یعنی مثل انسان است و تعداد انگشتانش بیشتر یا کمتر از تعداد انگشتان انسان نیست. او دو چشم و صورت دارد و می‌گویند او در آسمان است و... . برای دقیق‌بودن در بیان عقیده آن‌ها [عرض می‌کنم که] آنان تنها در

۱. [اعراف: ۵۱].

۲. [طه: ۳۹].

۳. [طور: ۴۸].

۴. [ذاریات: ۴۷].

خصوص اینکه دو چشم پروردگارشان در صورت قرار دارد یا جایی دیگر، اطمینانی ندارند؛ اما تأکید می‌کنند که انگشتان در دست قرار دارد و تعدادشان همانند تعداد انگشتان دست انسان یعنی پنج انگشت است؛ ولی از طول انگشتان مطمئن نیستند.

این سخن یکی از فقهای بزرگ سلفی وهابی یعنی ابن جبرین- در پاسخ ضمیمه شده به شرح کتاب «لمعة العقائد» است؛ آنجا که او می‌گوید:

«پرسش: این سؤال کننده می‌گوید: آیا صحیح است که گفته شود در صورت خدای متعال دو چشم و در دست او انگشتان و غیره وجود دارد؟ یا اینکه اینها از باب تشبیه است؟

پاسخ: در این خصوص چیز قابل اعتمادی وارد نشده است لیکن درباره انگشت‌ها، حدیثی وارد شده که در آن آمده است یک یهودی نزد پیامبر ﷺ آمد و به دست و انگشتان خود اشاره نمود و گفت: «ما در کتاب‌های خود چنین یافته‌ایم که خداوند آسمان را بر این می‌گذارد و زمین‌ها را بر این می‌گذارد و کوه‌ها را بر این می‌گذارد و آب‌ها و دریاها را بر این می‌گذارد و مخلوقات را بر این می‌گذارد؛ و آن یهودی در هر مرتبه به انگشتانش اشاره می‌کرد. پیامبر ﷺ پس از آن این آیه را خواند: (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (خدا را نشناختند آن چنانکه شایسته شناخت او است و در روز قیامت زمین بجزا در قبضه او است) و به جهت تصدیق گفته یهودی، خندید.» پس اگر وی اینگونه آن مطلب را تأیید کرده باشد چنین رسانده است که خدا انگشتانی در دست دارد، ولی با این حال الزامی وجود ندارد که در سرانگشتان و طول انگشتان و فلان و فلان خصوصیت همانند انگشتان مخلوقین باشد بلکه آنچه ثابت می‌شود، وجود دست و انگشتان در وی است.»

بنده اعتقاد دارم بیان این امور برای مردم، واجب است تا مردم بدانند که دین سلفی تکفیری - که خون مردم را مباح می‌شمرد و امروز کشتن نیکوکاران را ترویج می‌کند- در سطح اصل اعتقاد به خدای اسلام هیچ ارتباطی با دین اسلام ندارد؛ پس ظالمانه است که جرایم دین سلفی بر اسلام حمل شود؛ به همین دلیل از واجبات شرعی این است که اسلام را از نسبت دادن به مسخ شده‌ای شیطانی به نام «دین سلفی وهابی» منزه بداریم.

روشن شده است که در سطح عقیده، دین سلفی وهابی - از همان گام نخست- جدای از اسلام است. آری، پروردگار سلفی وهابی غیر از پروردگار اسلام است؛ یا می‌توانیم بگوییم غیر از پروردگار اهل سنت و شیعه است - که روشن شد- و در سطح اخلاق نیز دین سلفی وهابی عبارت است از کارخانه تولید قاتلان، خون‌ریزها و خون‌خوارهایی که از سربریدن

کودکان و زنان و خوردن جگر کسانی که می‌کشند سیر نمی‌شوند؛ درست به همان صورتی که در سوریه رفتار کردند و پیرو سیرهٔ مادرشان هُند. که مشهور به زناکاری است شده‌اند؛ همان زنی که در معركةٔ مشهور احد، جگر حمزه را به دندان گرفت! و حتی اعتقاد دارم عریان کردن دین سلفی و بیان برائت اسلام از آن، بر هرکسی که امروز ادعای مسلمان بودن دارد واجب است؛ چه سنی باشد و چه شیعه؛ زیرا تسامح در برابر دین سلفی وهابی و تکفیری در انتساب این دین به اسلام، قطعاً به‌معنای نابودکردن اسلام و به لجن کشیدن آبروی اسلام و هر مرد و زن مسلمانی محسوب می‌شود. چه سنی باشند و چه شیعه. آن هم با زشت‌ترین جنایات‌ها مانند کشتار و تکه‌تکه کردن بدن‌ها که نفس‌های راست و استوار انسانی از آن بیزار هستند!

*** **

تسلیم به مناسبت شهادت صدیقه فاطمه زهرا (علیها السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ مارس ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

خداوند اجر شما را در شهادت برادران عباس^۱ (رحمت خدا بر او باد) بزرگ گرداند و از

خدا می‌خواهم او را به صورتی نیکو پذیرا شود؛ که او ارحم الراحمین است.

در این روزهای دردناکی که مصادف با روزهای شهادت فاطمه دختر محمد (صلوات

۱ - شهید عباس سبتی، متولد سال ۱۹۶۶ در استان میسان است. وی پس از سقوط صدام طاغوت به دعوت

حق ایمان آورد. پس از سال ۲۰۰۸ دستگیر شد و در تاریخ ۱۳/۳/۲۰۱۴ به فوز شهادت نایل گردید.

خدا بر او) است آنچه را پیش‌تر در این صفحه مبارک منتشر نموده بودم، دوباره نشر می‌دهم. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما

نیمه ماه جمادی‌الاول مصادف با یاد شهادت فاطمه زهرا (صلوات خدا بر او) است؛ در حالی که متأثر از جراحی بود که در اثر تعرض به خانه محمد فرستاده خدا ﷺ به واسطه هجوم عمر و جماعت همراهش- به ایشان وارد شد.

امیدوارم خداوند به مؤمنان توفیق برپایی مجالس عزا در سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم جمادی‌الاول و بیان ماجرا و چگونگی حمله عمر به خانه رسول خدا ﷺ و تهدید به سوزاندن آن همراه کسانی که در آن بودند- یعنی علی و فاطمه و کودکانشان (صلوات خدا بر آنان)- عطا فرماید.

انتظار دارم بزرگواران و مشایخ طلاب حوزه مهدوی- خداوند محفوظشان بدارد- و دیگر مردان و زنان مؤمن- خداوند حفظشان فرماید- حقیقت واقعه هجوم به خانه فاطمه (صلوات خدا بر او) را بیان کنند؛ آن‌گونه که هست و آن‌گونه که رخ داده است و با دلایل و اثبات تاریخی از کتاب‌های مخالفان^۱ بدون گفتن ناسزا یا دشنام یا لعن و نفرین به مهاجمان.

اجازه دهیم مسلمانان شریف با خود انصاف پیشه کنند و بر اساس عدالت میان فاطمه دختر محمد ﷺ سیده بانوان جهانیان و کسانی که به خانه‌اش یورش برده، مسبب آزار و شهادتش شدند، حکم کنند، و به جست‌وجوی اسباب و عللی بپردازند که منجر به این

۱ - به‌عنوان مثال نگاه کنید به: کتاب الامامة و السياسة، ابن‌قتیبة، ج ۱، ص ۱۹، تحقیق الزینی؛ تاریخ بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛ الاستیعاب، ابن‌عبدالبر، ج ۳، ص ۹۷۵.

هجوم شد؛ اسبابی که محور و اساسش وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ بود؛ همان وصیتی که آن را بازدارنده امت از گمراهی توصیف فرمود؛ آن هنگام که رسول خدا ﷺ خواست وصیت را برای عموم مردم در روز پنجشنبه - در حالی که در بیماری منجر به وفاتش قرار داشت - بنویسد و عمر و دارودسته اش به جنابش اعتراض کرده، رسول خدا ﷺ را به اینکه هذیان می گوید (یعنی خرفت و کودن شده است) متهم می کنند؛ و مصیبت مشهور پنجشنبه واقع شد. در نتیجه رسول خدا ﷺ از نوشتن این نوشتار بازدارنده برای کسانی که در روز پنجشنبه آن را نپذیرفتند روی گرداند و پس از آن، در شب وفاتش برای کسانی نوشت که آن را پذیرا بودند. شکر خدا که علی (علیه السلام) نگارنده این نوشتار - و امامان از فرزندان (صلوات خدا بر آنان) آن را حفظ و برای امت بیان کردند و این نوشتار به شیخ طوسی رحمته الله علیه رسید و او آن را در کتاب «الغیبة»^۱ نقل کرد و روایانش را با صفت «خاصه» یعنی شیعیان مؤمن، توصیف کرد و به این صورت صدق و راست گویی شان اثبات می شود؛ چرا که هیچ نكوهشی برای آنان ثابت نشده است. به این ترتیب «وصیت» برای کسی که با سند استدلال می کند «صحیح السند» است؛ کما اینکه وصیت، قرینه و تواتر معنوی هم دارد و به این ترتیب صحت صادرشدنش اثبات می شود؛ و از آنجا که چنین توصیف شده که به تنهایی کافی است تا امت را از گمراهی بازدارد، محال است توسط افراد دیگری غیر از صاحبانش که در آن ذکر شده اند مورد ادعا قرار گیرد؛ زیرا اگر امکان ادعای وصیت توسط غیر صاحبانش وجود داشته باشد خداوند سبحان و متعال که آن را به تنهایی - به اینکه برای بازداشتن از گمراهی کافی است توصیف فرموده، متهم به کذب و دروغ گویی خواهد شد؛ چرا که او به بازدارنده بودن آن از گمراهی خبر داده، در حالی که بازدارنده نبوده است! یا متهم می شود به جهل و نادانی نسبت به غیب یا ناتوانی از حفظ و نگهداری از ادعا توسط افراد باطل قبل از ادعای آن توسط صاحبش؛ در حالی که ساحت او

سبحان- از آنچه باطل پیشگان می گویند بسی به دور است!

خوشا به حال کسانی که به وصیت رسول خدا محمد ﷺ تمسک می جویند،
و وای بر کسانی که با وصیت رسول خدا محمد ﷺ در همان ابتدا به نبرد برخاستند و
برای جلوگیری از نوشتنش تلاش کردند و گفتند او هذیان می گوید؛ به این دلیل که اسم
علی (علیه السلام) نخستین اوصیا- در آن بود.

و وای بر کسانی که امروز در مبارزه علیه وصیت از آن ها تبعیت می کنند و به هر تلاش
زشتی - که علت آن نحوستشان است - برای اشکال گرفتن به وصیت رسول خدا حضرت
محمد ﷺ متوسل می شوند؛ تنها به این دلیل که اسم احمد اولین مهدیین در آن است.»

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۹ مارس ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
از خدا می خواهم در خیر و عافیت باشید.
Ahmad Alyamany نوشته است:

سلام بر شما، آقا و مولای من، احمدالحسن!

پدرم از انصار کویت- حاج حبیب یوسف حبیب چراغ- امروز به رحمت خدای متعال
رهسپار شد. از خدا می خواهم او در دنیا و آخرت از انصار شما باشد و از شما- ای پدرم-
خواستار دعا برای بخشایش پدرم هستم؛ بخشایش و مغفرت برای کوتاهی ما؛ و الحمد لله
و حده.

به خدا سوگند که او با وجود تمامی چیزهایی که با آن ها رویارو شد- برای یاری حق
احمد (علیه السلام) خستگی های بسیاری متحمل گردید ولی ثابت قدم ماند.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته
خداوند پادشاه های شما را بزرگ بدارد و اعمالتان را ببذیرد.
رحمت خدا بر پدر پاکتان باد. از خدا می خواهم منزلت او را بالا ببرد و او را با محمد و

آل محمد مبعوث فرماید و او را شفاعتگری شفاعت‌کننده قرار دهد؛ چراکه او در زمانی که یاور اندک بود، حق را یاری کرد و بر حق ثابت‌قدم ماند. خداوند او را به‌خاطر محمد و آل محمد، بهترین پاداش نیکوکاران عطا فرماید.

*** **

پاسخی جز بدزبانی ندیدم

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ مارس ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید.

برای بحث علمی و دقیق و منصفانه‌ای که بر نوشته مرجع پیشین - شیرازی - داشتم پاسخی جز بدزبانی ندیدم. شما می‌توانید به‌عنوان خوانندگان و بازدیدکنندگان این صفحه حکم کنید که پاسخ‌گفتن با بدزبانی به یک طرح دقیق علمی چه معنایی دارد:

<http://www.youtube.com/watch?v=YUQMKfBKDJg>

پس از آنکه روشن ساختم نظریه تکامل از نظر علمی ثابت‌شده است، به بحث دربارهٔ جهالت‌ها و نادانی‌های ردکنندگان این نظریه پرداختم تا روشن شود آیا پاسخ‌های آن‌ها کوچک‌ترین ارزش علمی دارد یا آن‌ها خود را گرفتار مسئله‌ای علمی کرده‌اند که حتی از فهمیدن آن نیز عاجزند، چه برسد به اینکه توانایی بحث و بررسی یا دادن پاسخ علمی به آن را داشته باشند. پیش‌تر در همین صفحه آنچه را که محمد شیرازی در کتاب خود - به‌نام «مناظره بین اسلام و داروین» - آورده بود مورد بحث و بررسی قرار دادم و با دلایل علمی دقیق غیرقابل‌انکار روشن ساختم که این کتاب عبارت است از جهلی مرکب و نه بیشتر؛ با اینکه نویسنده متوفای این کتاب، مرجع و شیرازی اول به حساب می‌آید و آن‌ها او را امام خود می‌دانند و کسانی که پس از او آمدند آنچه را که او ارائه کرده است برگرفته‌اند.

این چیزی است که در صفحه رسمی آن‌ها برای معرفی او آمده است:

<http://www.alshirazi.com/autobiography/shirazi/shirazi.htm>

و این صفحه تألیفات اوست و کتاب «مناظره میان اسلام و داروین» در این صفحه به عنوان یکی از تألیفات او درج شده است:

<http://www.alshirazi.com/compilations/nirai/nirai.htm>

من منتظر ماندم تا کسی که او را امام می نامند و طرحش را علمی می داند پیش قدم شود و به آنچه مطرح کردم و گفتیم که عمده کتاب وی عبارت است از جهل و نادانی نه چیزی بیشتر، پاسخ بدهد؛ ولی جز بدزبانی - که البته در این کار مهارت دارند- نیافتم. نظر مرجع فعلی آن ها صادق شیرازی و وکیلان او بر همان اساس است و اوست که آن ها را به همان کار دعوت می کند و آن ها نیز اجابت می کنند. این ویدئویی است که برخی از مؤمنان - خدا حفظشان کند- گردآوری کرده اند و حاوی سخنی از صادق شیرازی است که وکلای خود را به بدزبانی فرمان می دهد و از برادران و وکلایش می خواهد فرمان او را اجابت، و الفاظ ناشایست بر زبان جاری کنند! شاید کلمه «ناشایست» توصیف دقیقی برای الفاظ آن ها نباشد.

<http://www.youtube.com/watch?v=YUQMKfBKDJg>

اکنون به بحث و بررسی آنچه دیگران پیشنهاد یا اتخاذ کرده اند خواهیم پرداخت و منتظر می مانیم (هرچند انتظاری ناامیدانه است) صادق شیرازی یا حتی وکیلانش از جهلی که امامشان محمد شیرازی در کتاب «مناظره بین اسلام و داروین» مطرح کرده است دفاع نمایند.

*** **

بررسی آنچه سیستمی در خصوص نظریه تکامل اتخاذ کرده است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ مارس ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

بررسی آنچه سید علی سیستمی در خصوص نظریه داروین اتخاذ کرده است:

«سید علی سیستانی:

سایت مرکز پژوهش‌های اعتقادی، وابسته به آقای سیستانی و بیانگر افکار اعتقادی مرجع شیعه آقای سیستانی است و تحت اشراف ایشان است. در صفحه معرفی این مرکز در سایت آن آمده است:

و می‌بینیم که مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (مد ظله) دارای برنامه‌ها و پروژه‌هایی برای دفاع از مذهب تشیع و نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در اقصی نقاط جهان است که برترین نمونه در این حوزه به شمار می‌رود.

«مرکز پژوهش‌های اعتقادی» یکی از این پروژه‌های مبارک است که با نظارت و پشتیبانی جناب حجت الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی تأسیس شده است و افتتاح رسمی این مرکز همزمان با سالگرد میلاد امام رضا (علیه السلام) در یازدهم ماه ذی‌القعدة سال ۱۴۱۹ ه. ق، صورت پذیرفت و هدف آن پاسداری از عقیده، گسترش مفاهیم استوار و یاری مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) از طریق فعالیت‌های گوناگون است. ...

با هدف لبیک گفتن به رهنمودهای مرجع دینی عالیقدر آیت‌الله العظمی سید علی حسینی سیستانی (سایه‌شان مستدام باد) درباره ضرورت مقابله با افکار سکولار و پاسخ به شبهات آن‌ها، مقرر شده که مرکز ما انجام مأموریت اشاره شده را بر عهده بگیرد.^۱

در این سایت همچنین آمده است:

نظرات وارد شده در سایت مرکز پژوهش‌های اعتقادی الزاماً

نشان‌دهنده نظر جناب آقای سیستانی نیست.

یعنی ممکن است بیانگر نظر وی باشد یا نباشد، و به‌طور کلی در خصوص این موضوع مهم، این تنها چیزی است که من در سایت اعتقادی وابسته به آقای سیستانی یافته‌ام. اگر اینها بیانگر نظرات وی نباشد، می‌تواند آن‌ها را رد کند و نظر خودش را اعلام

۱- سایت مرکز پژوهش‌های اعتقادی (۱۴۳۳ ه. ق) معرفی مرکز، قابل دسترس در:

نماید؛ وگرنه اینها همان نظرات وی محسوب می‌شود و این پاسخ، او را نیز مُلزم خواهد نمود.

در مرکز عقایدی سیستانی موسوم به مرکز پژوهش‌های اعتقادی آمده است:

پرسش: بطلان نظریهٔ تکامل

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مایلم نظر حضرتعالی را درباره نظریهٔ علمی داروین در خصوص تکامل و ارتقا بدانم. این نظریه می‌گوید موجودات زنده از موجوداتی ساده‌تر پدیدار شده‌اند. مثلاً حیوانات در طول قرن‌ها در معرض جهش‌هایی قرار گرفته‌اند و به موجوداتی پیچیده‌تر تبدیل شده‌اند. نظر شما دربارهٔ این نظریه چیست؟ آیا با اسلام تعارض دارد؟ و آیا بر انسان هم انطباق دارد؟ از شما متشکرم و از خدا می‌خواهیم شما را حفظ فرماید و همواره ما را در کسب معارف سودمند از شما موفق بدارد.

مصطفی از آمریکا

پاسخ:

برادر محترم مصطفی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

باطل بودن این نظریه از نظر علمی ثابت شده است و شاید ساده‌ترین استدلالی که این نظریه را رد می‌کند، این باشد که از نظر احتمالات تبدیل شدن سلولی ساده به سلولی پیچیده‌تر، به میلیون‌ها سال زمان نیاز دارد. این در مورد یک سلول است، چه برسد به تبدیل شدن حیوانی به حیوان دیگر! چرا که به میلیارد‌ها سال زمان نیاز خواهد داشت و این چیزی است که بطلان آن ثابت شده است. این یکی از استدلال‌هایی است که با آن نظریهٔ مزبور رد می‌شود و البته دلایل دیگری هم اقامه شده که بر اساس آن‌ها نظریهٔ تکامل در برابر نقد علمی کاملاً رنگ می‌بازد.

ما در عقیده اسلامی خود دیدگاه روشنی درباره چگونگی آغاز آفرینش انسان داریم. این قرآن کریم است که به آن تصریح می‌کند و می‌فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»^۱ (آن که هر چه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید و خلقت انسان را از گل آغاز کرد)؛ بنابراین آغاز آفرینش انسان از گل بوده است، نه آنگونه که هواداران نظریه تکامل می‌گویند، از انسان یا حیوانی دیگر. خداوند متعال می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ»^۲ (آدمی را از گل خشک‌شده‌ای چون سفال بیافرید) و نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ نُفُوسًا صَوْرًا كَمَا كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ»^۳ (و شما را بیافریدیم، و صورت بخشیدیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید همه سجده کردند جز ابلیس، و ابلیس در شمار سجده‌کنندگان نبود) و نیز می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ»^۴ (ما آن‌ها را از گلی چسبنده آفریده‌ایم) و نیز می‌فرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ* فَاذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۵ (و پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بشری از گل خشک بیافرینم* چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به

۱- قرآن کریم، سوره سجده، آیه ۷.

۲- قرآن کریم، سوره رحمن، آیه ۱۴.

۳- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۱.

۴- قرآن کریم، سوره صافات، آیه ۱۱.

۵- قرآن کریم، سوره حجر، آیات ۷۱ و ۷۲.

سجده بیفتید). علاوه بر این اخباری از پیامبران و اوصیاء علیهم السلام وارد شده است که در آن‌ها کیفیت آفرینش آدم ابوالبشر شرح داده شده است. آنچه نظریهٔ تکامل آورده است با اینها هم‌خوانی ندارد. همواره در پناه خدا باشید.

ذیل این پاسخ فردی با نام ابوحسین چنین نوشته است:
در خصوص پاسخ: خدا شما را بر هر خیر موفق گرداند، لطفاً پاسخ را مفصل‌تر بیان دارید. از شما بسیار سپاسگزارم.

پاسخ:

برادر محترم ابوحسین

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در کتاب «میوه‌های اندیشه‌ها»^۱ به قلم شیخ علی کورانی عاملی ص ۳۵۴ تا ۳۵۷ آمده است:

نظریهٔ تکامل با برخی از علوم جدید ناسازگار است. ... و این موضوع، آن را در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد.

یکی از این تناقضات، ناسازگاری این نظریه با واقعیت‌های علم فیزیک است...؛ مانند این تناقض: خورشید و ستارگان دیگر می‌سوزند و مقادیر بسیار عظیمی انرژی حرارتی، تابشی و نورانی به اعماق هستی می‌فرستند، ولی نمی‌توان توقع داشت که این انرژی‌های بسیار انبوه به وسیلهٔ فرایندهای خودکار، به‌سوی خورشید و دیگر ستارگان بازگردند. هر چیزی را که مدت زمانی به حال خود رها کنی، آسیب و نابودی به

سراغش می‌آید. ... اگر تکه‌ای گوشت یا مقداری میوه یا غذا را به حال خود بگذاری، می‌بینی که پس از مدت زمان مشخصی فاسد می‌گردد و مجبور می‌شوی با استفاده از راهکارهایی خاص، آن را از فساد محافظت کنی (مثلاً آن را در یخچال قرار دهی). حتی این تدبیر هم فقط در مدت زمان معینی کاربرد دارد. اگر خانه یا کاخی را به حال خود واگذاری، پس از چند سال فرسایش و ویرانی به سراغش می‌آید. ... و همین طور ... همه چیز در مسیر حرکت به سمت یک هدف گام برمی‌دارد؛ در جهت فرسایش، ویرانی، تجزیه شدن و فساد. آنتروپی؛ دانشمندان برای اینکه بتوانند مفهوم نظم یا آشفتگی در هستی یا در هر سامانه‌ای^۱ را شرح دهند، به استفاده از اصطلاح «آنتروپی»^۲ روی آورده‌اند. آنتروپی به مقدار بی‌نظمی و آشفتگی اشاره دارد؛ یعنی مقداری از انرژی که نمی‌توان از آن استفاده کرد. به همین دلیل قانون دوم ترمودینامیک را به نام قانون افزایش آنتروپی می‌شناسند.

پروفسور «ف. بوش» می‌گوید: «وقوع تمام تغییرات خود به خودی، به سمت افزایش آشفتگی در جهان هستی است، و این به سادگی همان شکل قانون دوم است که بر تمام هستی انطباق دارد».

دانشمند آمریکایی «آیزاک آسیموف»^۳ می‌گوید طبق دانسته‌های ما، تمام تغییرات و تحولات، جملگی به سمت افزایش آنتروپی، افزایش بی‌نظمی، افزایش آشفتگی و به‌سوی فرو پاشی و متلاشی شدن است».

۱ - System

۲ - Entropy

۳ - Isaac Asimov

وی این موضوع را در همان مقاله بیشتر توضیح داده، می‌گوید:

«روش دیگری برای شرح قانون دوم وجود دارد؛ اینکه هستی با آهنگی ثابت به سمت افزایش آنتروپی حرکت می‌کند و ما تأثیر قانون دوم را در اطراف خود در همه چیز شاهد هستیم. (مثلاً) ما بسیار می‌کوشیم تا اتاق را مرتب و منظم کنیم ولی به محض اینکه آنجا را ترک و به حال خود رها کنیم، آشفتگی و هرج و مرج به سرعت و به آسانی در آن منتشر می‌شود. حتی اگر وارد اتاق نشویم، باز هم غبار و آلودگی همه جا را می‌گیرد، و هنگامی که خانه و ماشین‌آلات را نظافت و نگهداری، و یا بدنمان را تمیز می‌کنیم و آن را در بهترین حالت قرار می‌دهیم، با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌گردیم. ولی رها کردن آن‌ها برای تلف شدن و ویران گشتن، کار بسیار آسانی است. در حقیقت آنچه ما باید انجام دهیم، این است که دست به هیچ کاری نزنیم؛ چرا که همه چیز به خودی خود به سمت ویرانی، زوال و نابودی در حرکت است؛ و این همان قانون دوم است.

می‌توانیم قانون اول و دوم را به این صورت خلاصه کنیم:

زیست‌شناس تکاملی جرمی ریفکین^۱ دربارهٔ قانون دوم می‌گوید: «آلبرت اینشتین گفته است: این قانون، قانون بنیادی برای تمامی دانش‌ها است و سر آرتور ادینگتون آن را قانون متافیزیکی همهٔ هستی به شمار آورده است.» این قانون جامع تأکید دارد که تمام تغییرات و تحولاتی که در هستی صورت می‌گیرد، جملگی به سمت افزایش آنتروپی است. ... یعنی به سمت افزایش آشفتگی، و تحلیل‌رفتگی و نابودی. ...

یعنی هستی به سمت مرگ و نیستی رهسپار است. فیزیکدانها می‌گویند: «جهان در حال حرکت به سمت مرگ گرمایی است». این به آن جهت است که انتقال حرارت و گرما از اجسام داغ (از ستارگان) به اجسام سرد (مثلاً سیارات و غبار کیهانی) روزی متوقف می‌شود و آن زمانی است که دمای تمام اجرام و اجسام در هستی با یکدیگر برابر شود. ... در این حالت انتقال گرما بین اجسام متوقف خواهد شد و به عبارت دیگر تمام واکنش‌ها متوقف می‌گردد.

این به معنای مرگ جهان هستی است.

می‌توانیم دو نظریهٔ تکامل و علم فیزیک را با هم بررسی کرده، در قالب یک جمله بیان داریم: بین این دو نظریه، تناقضی آشکار وجود دارد: نظریهٔ تکامل می‌گوید که تغییرات و تبدیل شدن‌هایی که در دنیای ما و در هستی رخ می‌دهد، به سمت پیچیده‌تر شدن و افزایش ساخت‌یافتگی حرکت می‌کند؛ یعنی تکاملی هست که به‌طور فزاینده با آهنگی مستمر در حال جریان است.

ولی علم فیزیک بر این باور است که تمام تغییر و تبدیلاتی که در هستی (و در دنیای ما) جاری است، به سمت زیاد شدن «آنتروپی» یعنی افزایش بی‌نظمی، تحلیل رفتگی و نابودی گام برمی‌دارد.

یعنی جهان به سمت برتر و بهتر شدن نمی‌رود بلکه به‌سوی افول و بدتر شدن گام برمی‌دارد؛ به سمت مرگ؛ و هیچ فرایند خود به خودی یافت نمی‌شود که به افزایش نظم و پیچیدگی و ترکیب منجر گردد.

از اینجا معلوم می‌شود که زمان، عامل ویرانی است و نه عامل سازندگی. به علاوه تمام تکامل‌گراها برای توضیح تمامی اعتراضات و مشکلاتی که نظریهٔ تکامل با آن روبه‌رو است، به زمان پناه می‌برند. اگر بگوییم بعید است که حادثه‌ای کور بتواند چنین نظم، پیچیدگی و زیبایی را

که جهان سرشار از آن است بیافریند، به شما می‌گویند: «البته این طی یک میلیون سال اتفاق نیفتاده بلکه در طول صدها و بلکه هزاران میلیون سال صورت گرفته است!» گویی وقتی آن‌ها از یک مسیر طولانی در زمان سخن می‌گویند، می‌پندارند تمام مشکلات و پیچیدگی‌ها را حل می‌کنند و راه حلی برای تمام معجزاتی که به فراوانی در کیهان دیده می‌شود ارائه می‌نمایند!

این نادانی و حتی جهل مرکب است. ما از این افراد تقاضا می‌کنیم برخی کتاب‌های فیزیک را ورق بزنند تا بدانند این زمانی که آن را عامل سازندگی و تکامل می‌دانند، چیزی جز عامل ویرانی و تجزیه و تفکیک نیست! حال ما از کدام نظریه طرفداری کنیم؟! آیا به سراغ یک فرضیه (یا در بهترین حالت یک نظریه) که تاکنون درستی آن ثابت نشده است و بسیاری از دانشمندان با آن مخالفت می‌کنند برویم؟ یا در کنار یک قانون علمی بایستیم که به وسیله هزاران آزمایش ثابت شده است؟! هر دستگاه و ابزار مورد استفاده، شاهدهی است بر درستی این قانون؛ قانونی که تمام دانشمندان بدون استثنا آن را قبول دارند.

بنابراین نظریه تکامل ذاتاً با علم ناسازگار است.

بنابراین در جهانی که تمام حرکت‌ها و واکنش‌هایش به سمت تجزیه و از هم پاشیده شدن می‌رود، احتمال وقوع رویدادی به سمت بهتر شدن، امکان‌پذیر ناست؛ بنابراین از دیدگاه علمی، تکامل غیرممکن به شمار می‌رود. «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا

تَصِفُونَ»^۱ (بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم، تا آن را در هم کوبد؛ و باطل نابودشونده است و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می‌دهید).
در پناه خدا باشید.^۲

پاسخ: آنچه تقدیم شد، نشان دهنده دیدگاه آقای سیستانی در خصوص نظریه تکامل و پاسخ وی به آن است، یا حداقل این پاسخ مورد تأیید آقای سیستانی است؛ بنابراین ایرادی ندارد که ارزش و اعتبار این پاسخ و سطح آن را ارزیابی نمایم.

۱- وی گفته است: «باطل بودن این نظریه از نظر علمی ثابت شده است و شاید ساده‌ترین استدلالی که این نظریه را رد می‌کند، این باشد که از نظر احتمالات تبدیل شدن سلولی ساده به سلولی پیچیده‌تر، به میلیون‌ها سال زمان نیاز دارد. این در مورد یک سلول است، چه برسد به تبدیل شدن حیوانی به حیوان دیگر! چرا که به میلیاردها سال زمان نیاز خواهد داشت و این چیزی است که بطلان آن ثابت شده است».

او می‌گوید: بطلان نظریه تکامل از نظر علمی ثابت شده است. من نمی‌دانم کجا علم چنین چیزی را ثابت کرده است؟! این فقط پندارهای آن‌ها است؛ زیرا در واقع نظریه تکامل از لحاظ علمی ثابت و تأیید شده است - به ویژه پس از پیدایش علم ژنتیک و پیشرفت صورت گرفته در آن- و اکنون این نظریه در مدارس کشورهای پیشرفته و تمام دانشگاه‌های معتبر سراسر جهان تدریس می‌شود. علاوه بر این بسیاری از واکسن‌ها و درمان‌های پزشکی بر اساس مبانی همین نظریه تولید و توسعه می‌یابند.

۱- قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۱۸.

۲- سایت مرکز پژوهش‌های اعتقادی وابسته به آقای سیستانی (۱۴۳۳ ه. ق)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، آفریتش، بطلان نظریه تکامل، نشانی اینترنتی:

وی در ادامه، دلایل علمی خود را به ما ارائه کرده که کلامی بسیار ساده و سطحی است و این خود از جهل نویسندهٔ مطلب نسبت به تکامل خبر می‌دهد. نظریهٔ تکامل قائل به جهش از گونه‌ای به گونهٔ دیگر و از حیوانی به حیوان دیگر و یا پیدایش ناگهانی اندام پیچیده نیست - مثلاً جهش از حیوان فاقد چشم به حیوان چشم دار و... - تا از این طریق بتوان اشکال احتمالات ریاضی را به نظریه وارد نمود.

تکامل طی گام‌های کوتاه و بسیار متعدد صورت می‌پذیرد و از آنجا که این مراحل به صورت انباشتی هستند، هیچ اشکال ریاضی در احتمال وقوع هر کدام از این گام‌ها به صورت تک به تک، رخ نمی‌دهد. بلکه احتمال وقوع هر مرحله پس از مرحلهٔ پیش از آن بسیار بالا خواهد بود و این به دلیل وجود دگرگونی، تولید مثل و انتخاب طبیعی در طول مسیر است. اگر این سه با هم جمع شوند، قطعاً تکامل به وجود می‌آید. این، یک مسئلهٔ علمی است که کسی را یارای انکار آن نیست؛ مگر کسانی که از مفاهیم دگرگونی، تولید مثل، انتخاب طبیعی و معانی آن‌ها بی‌اطلاع باشند. من آقای سیستانی و مرکز پژوهش‌ها را به خواندن کتاب‌هایی که زیست‌شناسان تکاملی به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند توصیه می‌کنم؛ تا شاید پیش از نوشتن این جملات - که از بی‌اطلاعی آن‌ها نسبت به تکامل و ساز و کارهای آن حکایت دارد - این نظریه را درک کنند و بشناسند.

۲- اشاره کردن به آیات متشابه قرآنی برای رد کردن یک نظریهٔ علمی - که خود با دلایل علمی ثابت شده است - از منظر علمی برای زیست‌شناسان فاقد ارزش است، و حتی از نظر دینی هم اعتباری ندارد. هیچ یک از این آیات مطلقاً تعارضی با نظریهٔ تکامل ندارند تا مثلاً گفته شود: دین با نظریهٔ تکامل یک جا جمع نمی‌شود. به عنوان مثال این سخن آن‌ها که «آغاز آفرینش انسان از گِل بوده است» و استدلال به آیات قرآنی در این خصوص را می‌توان با اشاره به اینکه منظور از این آیه، خلقت نفس است به سادگی رد کرد؛ چرا که خلقت از گِل در بهشت رخ داده است و این موضوع در همان آیاتی که داستان آفرینش را شرح می‌دهد، آمده و در روایات هم ذکر شده است. بهشت، عالم

آنفس است و یک عالم جسمانی مادی مشابه این عالم به شمار نمی‌رود. ما در آینده به خواست خدا این موضوع را تبیین خواهیم نمود.

به علاوه می‌توان اینگونه پاسخ داد که آفرینش انسان از زمانی آغاز شد که خداوند نقشه ژنتیکی اولیه یا پروتئین ابتدایی را که از قابلیت رونویسی برخوردار بود خلق نمود؛ به این صورت که خداوند از مواد شیمیایی موجود در این زمین یا در خاک آن یا از پاره‌ای صلصال (گل خشک شده) انسان را خلق کرد، و به این ترتیب این سخن که خدا انسان را از گل آفرید و از خاک، از گل خشک شده و از زمین آفرید، تصدیق می‌شود؛ چرا که انسان، هدف نهایی از آفرینش - که مطلوب، رسیدن به آن بوده است - است.

بنابراین آن دسته از آیاتی را که به طرح آفرینش انسان از گل و خاک می‌پردازند می‌توان به صورتی تماماً موافق با نظریه تکامل، درک کرد. ما همچنین آیات دیگری می‌یابیم که به روشنی تئوری تکامل را تأیید می‌نماید. خداوند می‌فرماید: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا * وَاللَّهُ أُنَبِّئُكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا»^۱ (و شما را به گونه‌های مختلف بیافریدیم * آیا نمی‌بینید چگونه خداوند هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید؟ * و ماه را روشنی آن‌ها، و خورشید را چراغشان گرداند؟ * و خدا شما را چون نباتی از زمین رویانید). آیات کاملاً روشن است «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ... وَاللَّهُ أُنَبِّئُكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» (و شما را به گونه‌های مختلف بیافرید. ... و خدا شما را چون نباتی از زمین رویانید). شرح معنی آیات در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

۳- خلاصه عبارتی که از کتاب کورانی نقل کرده‌اند چنین است: آنتروپی در هر صورت سامانه‌های پیچیده را به سمت نابودی سوق می‌دهد. هستی به‌طور کلی به سمت نابودی در حرکت است. همین‌طور زمین و آنچه در آن است؛ بنابراین به گمان آن‌ها،

۱- قرآن کریم، سوره نوح، آیات ۱۴ تا ۱۷.

اینجا بازگشت به قهقرا و انحطاط رخ می‌دهد و نه تکامل و پیشرفت. خلاصه‌ای که آن‌ها در نهایت از کلام پیشین خود ارائه کرده‌اند چنین است:

بنابراین نظریهٔ تکامل ذاتاً با علم ناسازگار است.

بنابراین در جهانی که تمام حرکت‌ها و واکنش‌هایش به سمت تجزیه و از هم پاشیده شدن می‌رود، احتمال وقوع رویدادی به سمت بهتر شدن، امکان‌پذیر ناست؛ بنابراین از دیدگاه علمی، تکامل غیرممکن به شمار می‌رود. «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَكُلُّمُ الْوَيْلُ لِمَا تَصِفُونَ»^۱ (بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم، تا آن را در هم کوبد و باطل نابودشونده است و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می‌دهید).

در حقیقت دکتر هنری موریس^۲ اولین کسی است که این اشکال را مطرح نموده است. وی بیان می‌دارد:

قانون دوم ترمودینامیک می‌گوید همه چیز به سمت آشفتگی و بی‌نظمی میل می‌کند؛ که فرایند تکامل را غیرممکن می‌سازد.

The second law of thermodynamics says that everything tends toward disorder, making evolutionary development impossible.

برخی مسیحیان متدین در آمریکا و اروپا این مطلب را برای رد نظریهٔ تکامل دستاویز قرار دادند و برخی عرب‌ها نیز پس از ترجمه‌های خود، همین مسیر را پیمودند. کورانی نیز این اشکال را نقل کرده است ولی ای کاش آن را به حال خود وامی‌گذاشت؛ چرا که او

۱- قرآن کریم، سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۱۸.

۲- هنری موریس (۱۹۱۸-۲۰۰۶ م) استاد مهندسی عمران، یک آمریکایی مسیحی متدین و رئیس انستیتوی پژوهش‌های آفرینش و دارای تعدادی تألیفات علمی و دینی می‌باشد.

کلامی را به آن افزوده که از جهل شدید وی حکایت دارد. کورانی این مطلب را گرفته و در کتابش قرار داده و سایت اعتقادی وابسته به آقای سیستانی هم از آن اقتباس کرده و چنین پنداشته که یک واقعیت (علمی) است و دلیلی بر نقض نظریه تکامل است.

به هر حال، این اشکال، یک اشکال بی‌اهمیت و ناقص محسوب می‌شود و از دیدگاه علمی نیز نادرست به شمار می‌رود. هرچند در بخش‌های بعدی این کتاب اشاره خواهد شد که نتیجه مشاهدات و بررسی‌ها که علم نیز آن را پذیرفته و به ویژه اکنون تأیید کرده است، آن است که جهان مسطح و باز بوده و به سرعت در حال گسترش است؛ ولی کوتاه می‌آییم و همراه این افراد، فرض می‌کنیم عالم جسمانی سیستمی بسته باشد و قانون دوم ترمودینامیک بر آن صدق می‌کند. از آنجا که در یک سیستم بسته، آنتروپی نمی‌تواند رو به کاهش باشد، و با فرض اینکه آنتروپی در هستی در حال افزایش است، این به آن معنا نیست که تمام اجزای موجود در هستی در این مسیر یعنی افزایش آنتروپی حرکت می‌کنند؛ چرا که هیچ مانعی وجود ندارد که بخش‌هایی از هستی (سیستم بسته، طبق فرض) مانند زمین، روزی روزگاری به سمت ساخت‌یافتگی و نظم بیشتر حرکت کند؛ هرچند که بخش‌های دیگر آن به سمت افزایش آنتروپی گام برمی‌دارد. مهم این است که سیستم به عنوان یک مجموعه کامل، قانون دوم ترمودینامیک را نقض نمی‌کند. از اینجا معلوم می‌شود اشکالی که بر زمین گرفته شده، منطقی نبوده است و از درک سطحی قانون دوم ترمودینامیک سرچشمه می‌گیرد.

این در حالی است که ما می‌دانیم زمین به خودی خود یک سیستم بسته نیست؛ زیرا بیش از یک سیستم برای تبادل انرژی در زمین و با زمین وجود دارد. خورشید به زمین گرما و نور می‌بخشد. بخش‌های زمین نیز پی در پی با شب و روز مواجه می‌شوند و اینها زمین را به سامانه‌های مختلفی تقسیم می‌کنند، که در آن تبادل انرژی به صورت متغیر و دایمی در حال رخ دادن است؛ چرا که زمین دارای چندین سیستم است و سیستمی یکتا نیست. درون زمین که شامل ماگما است، داغ است بنابراین بین درون زمین با پوسته و جو آن، یک سری عملیات تبادل انرژی به صورت بی‌قاعده جریان دارد.

فضای اطراف زمین نیز خود یک سیستم است و بین آن و زمین تبادل انرژی برقرار است.

ماه نیز با جاذبه‌اش بر زمین اثر می‌گذارد؛ البته تأثیرات ماه بر زمین با زمان تغییر می‌کند زیرا ماه به‌طور مداوم در حال دور شدن است!

بنابراین بر اساس وضعیت‌های زمین ما که پیشتر شرح آن رفت، قانون ترمودینامیک در بین دو سیستم به این صورت است: «هنگامی که بین دو سیستم انرژی گرمایی مبادله شود، آنتروپی کلی دو سیستم کاهش نمی‌یابد» و این به این مفهوم است که افزایش نظم در زمین، شدنی است؛ چرا که زمین با جهان پیرامون خود به تبادل انرژی می‌پردازد. افزایش نظم در برخی قسمت‌های زمین نیز امکان‌پذیر است؛ زیرا در زمین سیستم‌های متعددی وجود دارد که تبادل انرژی بین آن‌ها برقرار است. مهم این است که اولاً آنتروپی کلی برای این دو سیستم کاهش نمی‌یابد و ثانیاً آنتروپی فقط به یکی از این دو سیستم تعلق ندارد.

زمین، نه یک سیستم بسته است و نه فقط یک سیستم یکتا، بلکه سیستم‌های متعددی در آن وجود دارد و هیچ مانعی نیست که آنتروپی در بخشی از زمین افزایش یابد و در جایی دیگر از آن رو به کاهش نهد. همچنین مانعی نیست که حیات رو به زوال یا ویرانی نهد و زلزله و سیل در بخشی از زمین رخ دهد، در حالی که همزمان، سازندگی و رشد و پیشرفت در بخش دیگری از آن حادث گردد؛ و این چیزی است که ما همه روزه شاهد آن هستیم و قانون دوم ترمودینامیک را نقض نمی‌کند.

۱- ماه با سرعت اندک $3/8$ سانتی‌متر در سال در حال دور شدن از زمین است. (سایت سازمان فضایی آمریکا ناسا)

علاوه بر این ما می‌دانیم که هستی نه در گذشته و نه در حال حاضر به سمت فروپاشی کامل حرکت نمی‌کند. ضمناً از طریق رصد یکی از انواع اَبَرنواخترها، تابش پس‌زمینه کیهانی و اثر دوپلر به لحاظ علمی ثابت شده که جهان مسطح است و به سرعت در حال انبساط بوده و تا مدت‌های مدیدی نیز این وضعیت ادامه خواهد داشت. هنگام پرداختن به انرژی تاریک به این موضوع خواهیم پرداخت.

فکر می‌کنم آنچه در خصوص آنتروپی و قانون دوم ترمودینامیک بیان داشتیم، برای برطرف ساختن اشکال ساده پیشین کافی باشد. اکنون برای ساده‌سازی مطلب، آنتروپی را رها می‌کنیم و به نتیجه‌ای که به آن رسیده‌اند و به آن نیز سخت معتقد شده‌اند می‌پردازیم؛ اینکه آن‌ها می‌گویند هستی در گذشته و حال به سمت زوال و نابودی و فروپاشی حرکت می‌کند. این نتیجه‌گیری آن‌ها نه تنها درست نیست بلکه طبق مشاهدات و رصد دقیق کیهان که صحت یافته‌های آن نیز به اثبات رسیده است موضوع کاملاً برعکس است. با توجه به اثر دوپلر، تابش پس‌زمینه کیهانی و رصد اَبَرنواخترها جملگی حاکی از آن است که کهکشان‌ها به سرعت در حال دور شدن از یکدیگر هستند و جهان مادی که ما در آن زندگی می‌کنیم، در گذشته و حال رو به رشد، انبساط و ازدیاد بوده است. حتی کهکشانی که در آن زندگی می‌کنیم یعنی کهکشان راه شیری نیز همچون گذشته دارای ابرهای گازی و غبار است و به همین دلیل ستارگان جدیدی در آن متولد می‌شود و تا آینده‌های بسیار دور نیز تولد ستارگان ادامه خواهد یافت. این یک واقعیت علمی ثابت شده و غیر قابل تردید است که برای نقض آنچه کورانی در کتاب خود آورده، کفایت می‌کند.

این مطلب را نیز اضافه می‌کنم که جهان بر اساس مدل استاندارد یا تئوری انفجار بزرگ، در آغاز پیچیده و مرکب نبوده و این مطلب به لحاظ علمی ثابت شده است. بر اساس مستندات علمی همچون دور شدن کهکشان‌ها از یکدیگر و سرد شدن هستی در طول زمان، هستی از یک تکینگی [singularity] یا یک رویداد کوانتومی آغاز شده است. سپس انفجاری رخ داد و ماده آرام آرام شکل گرفت. اکنون هستی در حال انبساط

و افزایش است و مرحله جوانی خود را می‌گذراند و بر اساس محاسبات متقن علمی - که از رصدهای دقیق سرچشمه گرفته است- نه در گذشته و نه در حال به سمت نابودی و فروپاشی حرکت نمی‌کرده و نمی‌کند؛ بلکه با سرعت در حال گسترش است.

حتی اگر فرض کنیم جهان مسطح نیست بلکه مانند سطح یک توپ دارای انحنا باشد و در پایان نیز به انقباض و فروپاشی برسد، این مطلب از نظر علمی تا زمانی که هستی به حداکثر انبساط نرسیده باشد و سپس به سمت انقباض و متلاشی شدن روی نیاید، صحیح نخواهد بود؛ یعنی تا هنگامی که انرژی که جهان را به سمت انبساط سوق می‌دهد یا همان انرژی مثبت جهان، دیگر نتواند در برابر جاذبه ماده مقاومت کند. جهان تا کنون به حداکثر انبساط ممکن نرسیده است، بلکه همچنان به سرعت در حال گسترش است.

بنابراین سخن آن‌ها مبنی بر اینکه با توجه به قانون دوم ترمودینامیک، هستی در گذشته و حال به سمت زوال و فروپاشی پیش می‌رود از لحاظ علمی فاقد دقت و اعتبار است و با واقعیت‌های ناشی از مشاهدات نجومی و محاسبات علمی ریاضی همخوانی ندارد. اثر دوپلر و تابش پس‌زمینه کیهانی نشان می‌دهند که در حال حاضر جهان به سمت نابودی حرکت نمی‌کند و نیز هستی در ابتدا پیچیده و مرکب نبوده که بعداً به نقصان و زوال دچار شود، بلکه برعکس، جهان در ابتدا بسیط (ساده) بوده و سپس به سمت افزایش و ترکیب و پیچیدگی حرکت کرده و تا کنون نیز مسیر آن به همین صورت بوده است.

اگر ما همه آنچه را که در هستی بر زمین رخ داده و رخ می‌دهد یک پارچه در نظر بگیریم - که از صفر شروع شد و سپس انبوه گشت- و موجودات زنده آن را نیز رصد کنیم - همان طور که منظور کورانی و سیستانی و مرکزش بوده است- درمی‌یابیم که تکامل بر روی زمین و حرکت به سمت ازدیاد حیات یا موجودات زنده و نیز افزایش پیچیدگی آن، فاقد اشکال است و با مسیر عمومی هستی در انبساط و ازدیاد از گذشته تا کنون کاملاً همخوانی دارد.

با اینکه در آنچه پیشتر اشاره شد، اشتباه کورانی را در کتابش و اشتباه آقای سیستانی را در سایت اعتقادیش پاسخ دادم و بیان داشتم که عالم هستی پیوسته در حال انبساط و ازدیاد است و تا آینده‌های بسیار دور نیز همین گونه خواهد بود؛ ولی برای پاسخ دادن به اینها کافی است بگوییم رشد و افزایش و ازدیاد، و حرکت از سادگی به سمت پیچیدگی و فراوانی و بهینه شدن، چیزی است که هر روز آن را در حیات زمینی مشاهده می‌کنیم. اگر تکامل، ناقض قانون دوم ترمودینامیک باشد باید نتیجه گرفت که رشد و ازدیاد گیاهان نیز ناقض آن است و اگر به این دلیل تکامل را غیرممکن می‌دانند پس رشد و ازدیاد گیاهان نیز باید غیرممکن تلقی شود. زندگی گیاهان از بذری که در واقع نقشه ژنتیکی آن است شروع می‌شود و سپس گیاه با گذشت زمان رشد می‌کند و انبوه می‌گردد. رشد جنین و بچه‌های حیوانات نیز بر همین منوال است. هیچ فرقی بین رشد جنین، رشد گیاهان و رشد نوزاد و تکامل وجود ندارد؛ چرا که اینها همگی عبارت‌اند از زیاد شدن و حرکت از سادگی به سوی پیچیدگی در طول زمان. نقض شدن قانون دوم ترمودینامیک توسط قانون تکامل -آنگونه که مدعای اینان است- از نقض شدن آن توسط رشد جنین و گیاهان و نوزادان بیشتر نیست. با این حال ما می‌بینیم همچنان جنین‌ها، گیاهان و نوزادان رشد می‌کنند و افزون و تکثیر می‌گردند.

توضیح: نمی‌دانم کورانی و مرکز اعتقادی سیستانی و خود سیستانی -که به سخنی که پیش‌تر ارائه شد معتقدند- چگونه علم فیزیک را به عنوان یکی از محورهای این شیوه گفتمان به کار می‌گیرند. در واقع این اولین بار است که می‌شنوم علم فیزیک با همه زبر و بَم‌هایش در چنین گفتمانی، نقش محوری دارد. از آن‌ها خواهم می‌کنم نبوغ خود را از مردم دریغ نمایند و این نوع استدلال را به دانشگاه‌های معتبر سراسر جهان بفرستند؛ تا این دانشگاه‌ها دریابند چگونه علم فیزیک می‌تواند نقش محوری در چنین گفتمانی بر عهده بگیرد، تا منفعت آن فراگیر شود. اگر هم نمی‌دانند علم فیزیک چیست، بد نیست تعریف ساده‌ای از آن را به ایشان ارائه نمایم. علم فیزیک علم مطالعه رفتار ماده، انرژی و

ابعاد (مانند سه بعد فضا و یک بعد زمان) و واکنش‌ها و روابط قانونمندی است که آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد.

من در اینجا آن‌ها و آنچه را که از روی جهل به نگارش درآورده‌اند، به ریشخند نگرفته‌ام؛ آنچه بر سر ما آمده است، ما را در وضعیتی قرار داده است که فرصت مسخره کردن دیگران را نداریم! من فقط دوست داشتم توجه شیعیان مظلوم اهل بیت که فریب این افراد را خورده‌اند به میزان درک این افراد جلب کنم و نشان دهم که اینها از سخن‌پردازی بدون دانش هیچ‌یابایی ندارند؛ بنابراین بر هر کس به محمد و آل محمد علیهم‌السلام ایمان دارد و بر دین و آخرتش بیمناک است لازم است برای تعیین وضعیت خود در آخرت، بر امثال این افراد تکیه نکند».

*** **

درخواست کمک به انجمن سرپرستی ایتام و کودکان مبتلا به سرطان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ می ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

<https://youtu.be/nCvVIHJbjQA>

آیا بعد از دیدن این ویدیو کلمهٔ سگ را ناسزا تعبیر خواهید کرد؟
در رابطه با وضعیت کودک بینوا؛ معتقدم گذشتن تو از کنار بیمارستانی که کودکان مبتلا به سرطان در آن هستند (همانگونه که امروز وضعیت در عراق اینگونه است) بدون

اینکه تلاش به پرداختن چیزی کنی، تفاوت زیادی با رفتار آن افراد تیره‌روز با این کودک نمی‌کند. در مورد خودم، من مدتی پیش از مکتب نجف اشرف درخواست کردم که انجمنی برای سرپرستی ایتام و حمایت از کودکان مبتلا به سرطان ایجاد کنند؛ هرکسی توان کمک کردن یا کارهای خیرخواهانه دارد می‌تواند با مکتب ارتباط برقرار کند.

نکته: از شما معذرت‌خواهی می‌کنم که فیلم به زبان انگلیسی است و بطور کلی وضعیت سگی را که اقدام به نجات سگ مجروح دیگری می‌کند، بیان می‌کند که بعد از آن سگ مجروح مداوا می‌شود و نجات می‌یابد و همچنین وضعیت کودکی دوساله را که اتومبیلی به او برخورد کرده است بیان می‌کند و متأسفانه چندین نفر از کنار او عبور می‌کنند بدون اینکه از او دستگیری کنند تا اینکه مرد.

*** **

به تنهایی فکر نکن و تصمیم‌های خود را انفرادی نگیر

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۱ می ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

«حصص الحق»^۱ نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

آقای من! پدرم! این پریشی است در خصوص حدود صلاحیت‌های مکتب نجف اشرف و دیگران در سیستم جدید. آقا و پدرم! ما این پریشی را به‌صورت صوتی و تصویری

۱ - اسمی مستعار در فیس‌بوک که شخص منافقی به‌نام «علی غریفی» به این اسم مطلب می‌نویسد.

مطرح کرده‌ایم تا به شکل بهتری به شما برسد.

عنوان این ویدئو در یوتیوب "پانورامای دعوت یمانی، قسمت اول، پیام صوتی برای

سید احمدالحسن" است.

<https://www.youtube.com/watch?v=dGIK۳TyUAI>

علی الغریفی

علیاء شریف

از سوئد»

پاسخ:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

وظایفی که مکتب نجف انجام می‌دهد بسیار است؛ از جمله تعیین ائمه نماز جمعه، تعیین وکیلان مکتب در اقصانقاط عالم، انتشار بیانیه‌ها در قضایای مختلفی که در آنها نیاز به بیان نظر احمدالحسن وجود دارد، پاسخ به سؤالات شرعی، استقبال از مردم، ارتباط با آنها و همکاری برای حل برخی مشکلاتشان و تا جایی که امکان داشته باشد یاری کسانی که نیاز به مساعدت دارند - چه مساعدت مادی باشد و چه غیرمادی - و نظارت بر برخی مؤسسات پیرو دعوت. شما می‌توانید از مسئولین دفتر در خصوص وظایف دفاتر دیگر و جزئیات کار و صلاحیت‌های آنها سؤال کنید و بنده فکر نمی‌کنم آنها در پاسخ‌گویی به شما تأخیر کنند؛ ان شاء الله.

در خصوص بیانات یا ارشاداتی که از طرف اداره مکتب صادر می‌شود همان طور که پیش‌تر بیان داشتیم - ناگزیر باید مستند به متن شرعی باشد و اگر خلاف این بود، اعتراض‌کننده می‌تواند سؤالی برای من بنویسد و از مکتب بخواهد اعتراضش را به من برساند.

به‌طور کلی توصیه من به هر انسان عاقل و متعادلی این است که به‌تنهایی فکر نکند و تصمیم‌های خود را به‌صورت انفرادی نگیرد. خدا در قرآن، حاکم الهی معصوم و منصوب از طرف ایشان را پیش از گرفتن تصمیم به مشورت فراخوانده است. حال وضعیت

خصوص شخص دیگری غیر از او [یعنی حاکم الهی] به چه صورت خواهد بود؟! حق تعالی می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (پس به واسطه رحمتی از سوی خداست که با آن‌ها مهربان شدی و اگر خشمگین و سنگ‌دل بودی قطعاً آن‌ها از اطرافت پراکنده می‌شدند. پس، از آن‌ها درگذر و برای آن‌ها طلب مغفرت کن و در امور با آن‌ها مشورت نما و آن‌گاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. به راستی خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد).^۱ فرستاده خدا محمد ﷺ در بسیاری امور که مربوط به اداره زندگی جامعه و دفاع از آن بود، با مؤمنان مشورت می‌کرد. داستان مشورت سلمان فارسی درباره کندن خندق برای دفاع از مدینه روایت شده است. و نیز می‌توانید به آنچه خلفای قبلی خدا (صلوات خدا بر آنان) در تشویق مردم بر مشورت بیان کرده‌اند مراجعه نمایید.

وقتی می‌خواهی تصمیمی بگیری، به سخن دیگران درباره اقدام یا قضیه مطرح شده، گوش بده و شنونده‌ای خوب باش. شنونده‌ای که تا بالاترین حد ممکن از آنچه می‌شنود بهره می‌برد. و مبادا به نفس خود فریفته شوی؛ زیرا مثلاً چه بسا شما در مسائل آکادمیک بسیار باهوش و دقیق باشی، اما در راه‌حل‌های عملی چندان مهارت نداشته باشی، و چه بسا شما دارای مدرک دکترای مهندسی و استاد دانشگاه باشی، ولی در ارائه راه‌حل عملی برای مشکلی درباره مسئله‌ای معین موفق نباشی؛ در حالی که شاید مهندسی با مدرک تحصیلی پایین‌تر، راه‌حل عملی بهتر و موفق‌تری برای این مشکل بیابد.

اما در خصوص کار در دعوت: اول و پیش از هرچیز، پذیرفته نیست که انسان با این بهانه که برای دعوت کار می‌کند یا اقدام به تبلیغ می‌کند؛ در کار اجتماعی خود کوتاهی کند. مثلاً در خصوص دکتر علیا شریف و دکتر علی غریفی (خدا حفظشان کند) پذیرفته

۱. [آل عمران، ۱۵۹]

نیست که مثلاً در عرصه پزشکی یا افزودن معلومات پزشکی یا درمان بیماران، از ناحیه آن‌ها کوتاهی شود و بعد بهانه بیاورند که برای دعوت کار و تبلیغ می‌کنند! و ان‌شاءالله آن‌ها بزرگ‌تر، حکیم‌تر و متعادل‌تر از آن هستند که به این صورت بیهوده عمل کنند.

بنابراین راجع به دعوت کردن به سوی حق و شناساندن حق به مردم، هر شخصی می‌تواند بخشی از وقت خود و زندگی‌اش را به آن اختصاص دهد ولی در افزایش توان معرفتی و فرهنگی و توسعه آنها و قرائت و اطلاع بر هر مطلبی که مفید است تا حد امکان نباید کوتاهی کند و همین طور در عمل اجتماعی‌اش نیز نباید کوتاهی نماید و در رابطه با خانواده‌اش (شوهر، همسر یا فرزندان) نیز نباید کوتاهی کند، حتی در خصوص رفاه کودکانش یا بردن آن‌ها به مکان‌های علمی یا طبیعی برای بالابردن افق اندیشه و معرفتشان.

از سوی دیگر فعالیت برای دعوت، محدودیتی ندارد و هر انسانی می‌تواند هرطور صلاح و مناسب می‌داند یا هر کاری که عمل به آن برایش امکان‌پذیر باشد عمل نماید، حتی اگر احمدالحسن آن را مناسب نداند؛ و این، به آن معنا نخواهد بود که این شخص مرتکب معصیتی شده یا آن شخص به هیچ حسنه‌ای دست نیافته است. اعمال تنها بر اساس نیت‌ها سنجیده می‌شود و خداوند در ورای همه قصدها و نیت‌هاست. آری! اگر بنده شخصی را به‌طور مشخص نهی کرده باشم باید از آن کار دست بردارد؛ ولی به‌طور کلی و در خصوص هر عملی و به‌عنوان نصیحتی از طرف خدمتگزار شما -احمد- عرض می‌کنم: همواره بکوشید همه نظرات را بشنوید و نیز باید طریقه طرح آرا و نظرات در میان شما و در گردهمایی‌های شما (حتی در میدان عمل) به‌صورت همسو و نه متعارض انجام شود تا به خود و برادرانتان برای شنیدن نظر مخالف کمکی کرده باشید؛ مثلاً به‌جای اینکه بنشینیم و مجادله کنیم و یکی از ما بگوید این روش شکست می‌خورد چون چنین است و دیگری بگوید این روش موفق است چون چنان است، بهتر است همه با هم بنشینیم و نکات مثبت این روش را بیان کنیم و همه با هم نکات مثبت را بگوییم و هرکدام از ما مثلاً بر اساس تصور خودش، نکات مثبتی را برای این روش بیان کند؛

سپس بگوییم نکات منفی چیست و همه با هم نکات منفی را مطرح کنیم و نیز تلاش کنیم تا به راه‌حل‌های پیشنهادی و اصلاحاتی که امکان‌پذیر است دست یابیم و ... الخ. به این ترتیب عمل کنیم تا در نتیجه این اجتماع و مباحثه، در تصمیم‌گیری درست و پُر ثمر به ما کمک کند. واجب است هرکدام از ما بیندیشد و آنگاه که سخن درباره نکات مثبت است، نکات مثبت را مطرح و آنگاه که سخن درباره نکات منفی است، به نکات منفی بیندیشد و آن‌ها را مطرح کند. و همین‌طور در خصوص بقیه مسائل مطرح‌شده و فرد نباید تنها به یک جنبه بسنده نماید. به این ترتیب می‌توانیم به نتیجه‌ای خوب برسیم و عملی نیکو را تحقق بخشیم؛ اما اینکه یک شخص، به صورت خشک و تنها بر اساس یک طرز تفکر، به‌طور کاملاً بسته و تنها با نگاه کردن به مسایل از یک دیدگاه بماند، متأسفانه این روش او را به تصمیماتی می‌رساند که در بیشتر اوقات نادرست است و در نتیجه حتی اگر در عمل پیروزی هم به دست آورد می‌توانم با تأکید بیان کنم اگر به دیگران گوش می‌سپرد و از نظرات و رویکردهای آن‌ها و طرز تفکرشان استفاده کرده بود پیروزی بیشتری به دست می‌آورد و بیش آنچه به انجام رسانده بود می‌توانست محقق سازد.

راجع به دکتر علی و دکتر علیا، اگر برنامه‌ای درباره موضوع الحاد (بی‌خدایی) دارید یا پرداختن به کتاب «توهم بی‌خدایی» یا کتاب‌های دیگر است باید یکی از اهداف شما این باشد که در شبکه‌های اطلاع‌رسانی عمومی که در دسترس همگان قرار دارد مثل شبکه ماهواره‌ای- پخش شود و بنده معتقدم می‌توانید با شنیدن نقد موجه بر برنامه‌تان، آن را به برنامه‌ای مفید و موفق برای همگان تبدیل کنید؛ مثلاً برنامه‌های آماده‌شده تا این لحظه را که در اختیار دارید به دیگران مثل برادران‌تان در شبکه ماهواره‌ای یا حوزه علمیه یا مکتب و دیگران- عرضه کنید و از آن‌ها بخواهید هرگونه نقدی را که امکان‌پذیر است- چه علمی باشد و چه فنی- بر برنامه شما وارد آورند و نیز بر اساس تفکراتی که دارند نکات مثبت موجود در برنامه را مشخص کنند و نیز راه‌حلی را که پیشنهاد می‌کنند بیان بدارند و اگر در کار شما نقص هست، حتی اگر نقص فنی مانند کارگردانی و مونتاژ که مربوط به غیر از شما است، سعی کنید از اول کارتان را شروع کنید و نیز ضرورتی ندارد که

به همه یا برخی نظرات عمل کنید؛ زیرا ممکن است این نظرات یا برخی نظراتشان اشتباه باشد؛ ولی تقدی را که بر شما و عملکرد شما وارد می‌شود با گوشی شنوا و قلب گشوده و فکری باز نظرات مخالف را بشنوید و بکوشید در هر عملی که به شما سپرده می‌شود به حد کمال برسانید.

در پایان: امیدوارم نقص در عمل، شما را از انجام وظیفه باز ندارد و به صورت عام بگویم که «عمل کنم»؛ حتی اگر در عملم نقص‌هایی باشد بهتر از آن است که در نهایت از عمل بازایستم.

امیدوارم نصیحتم به فضل خدای سبحان سودمند باشد، که فضل او بر من بزرگ است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

گناهکار تقصیرکار

احمد الحسن

۱۱ رجب رحمت و مغفرت ۱۴۳۵ق

*** **

السلام علیک یا موسی بن جعفر

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۱ می ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام بر تو به اندازه درد و ستمی که جرعه جرعه نوشیدی.

سلام بر تو که در سیاه چال‌های تاریک زندانی شدی تا آنجا که وفات تو با صفت «فرج

و گشایش» توصیف شد.

سلام بر تو به اندازه صبری که داشتی؛ چنان صبری که هنوز زندانبان‌هایت را تازیانه

می‌زند.

سلام بر تو در روز زفاف آسمانی‌ات در حالی که شادمان بودی که بعد از این همه سال‌های سپری‌شده در پلیدی‌های این دنیا، با جامه‌ای سپید و خالص - که لیاقت شخصی همچون تو را دارد- از آن خارج شدی.

سلام بر تو ای موسی بن جعفر و رحمت و برکات خدا بر تو باد!
بر تو گریه می‌کنم، اگر گریه به سوزش درون سوخته من تسکین دهد؛ و به یاد تو سخن می‌گویم، اگر گفتن سخن، درد مرا التیام بخشد.

برای تسلی دل به صبر جمیل پناه می‌برم، اگر صبر جمیل تسلی بخش دل من باشد.
آنچنان می‌گریم که اشک‌هایم فراوان شود و گاهی به بزرگواری و شرم و حیای خود پناه می‌برم.

چه بسیار اشکی که با سرانگشتانم پنهان کردم، و آن اشک‌ها را با ردایم پوشاندم.
به دشمن، صبر و شکیبایی نشان می‌دهم، که اگر او از بی‌تابی من باخبر می‌شد خوشحال می‌شد و تسلی می‌یافت.^۱

*** **

با شنیدن شکایت یا انتقادی، سینه‌ام تنگ نمی‌شود

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۲۱ می ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

Hani Shaker AlYamani نوشته است:

«آقا و مولای من، احمدالحسن! شما امام ما هستی و ما پیرو شما هستیم و بر شما واجب است در برخی امور مهم دخالت کنی؛ زیرا بلاها و مصیبت‌های بزرگی وجود دارد که شاکله دعوت ضربه وارد می‌کند و این آخرین مرتبه‌ای است که بنده در این صفحه مطلب می‌نویسم؛ زیرا بسیار بسیار نوشتم و هیچ پاسخی ندیدم. شاید کسی این سخنان را به شما نرسانده باشد؛ زیرا آن‌ها جرئت ندارند یا می‌کوشند بسیاری از امور را از شما پنهان کنند. آقای من! آیا شما می‌پذیری برخی کسانی که خود را مسئول می‌نامند جاسوس‌هایی داخل حسینیه‌ها و مکتب‌ها بگمارند؟! آیا ما تشکیلات حزبی هستیم؟! یا یک حزب سیاسی؟! این دعوت، دعوت خداست، دعوت قائم آل محمد است، همان دعوت وعده داده شده‌ای که انبیا و اولیا از هزاران سال قبل در انتظارش بوده‌اند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ چگونه؟! چگونه چنین وضعیتی در دعوت آل محمد وجود دارد؟! آقای من! بنده با صراحت تمام به شما بیان می‌کنم؛ چراکه به سبب چنین رفتارهای غیرمسئولانه خطری بزرگ برای این دعوت وجود دارد. آقای من! در این مسئله مداخله فرما و ما را از آتش جهنمی که پیش از آخرت در دنیا خواهد سوزانده نجات بده و بنده تصور نمی‌کنم شما هرگز راضی به چنین کاری باشی و راضی نیستی ما را رها کنی تا بعضی از ما بر بعضی دیگر غضب، و بعضی بر بعضی دیگر دشمنی پیشه کنند. برای دین خدا عزا خواهیم گرفت و سیاه خواهیم پوشید تا آنکه پاسخ شما به من برسد؛ و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

این دعوت، دعوت خداوند سبحان و متعال است و این مسیری که به خدای سبحان و متعال می‌رساند ما را دور هم گرد می‌آورد و جز به واسطه تقوا، هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد. اگر بر اساس نظر یکی از شما، احمدالحسن، روزی از روزها عدالت پیشه

نکند یا به صورتی نادرست دخل و تصرفی نماید، رودرروی من بایست و هرچه می‌خواهی بگو و هیچ خیری در احمدالحسن نخواهد بود اگر به سخن مؤمنان گوش ندهد. بنده در نجف زندگی می‌کردم و درب منزل برای مؤمنان و مخالفان باز بود؛ در حالی که بسیاری از مخالفان فقط به منظور جدل و بیهوده‌گویی و نه هیچ منظور دیگری- می‌آمدند و با این وجود درب منزل من برای آن‌ها گشوده ماند و من با آن‌ها همچون میهمانانی گرمی رفتار می‌کردم، به آن‌ها گوش می‌سپردم و پاسخشان را می‌دادم. پس کسی از شما گمان نکند که سینه من از شنیدن شکایت‌ها یا نقد یا هر سخنی از هر انسانی-چه مؤمن باشد و چه مخالف- تنگ می‌شود.

اما درباره شکایتی که شما در نامه بزرگوارانه‌ات مطرح نمودی، به هیچ‌وجه پذیرفته نیست که احدی، در احوال مردم تجسس کند. همه در دعوت الهی یکسان‌اند و اگر یکی از وکیلان مکتب اشتباهی انجام دهد حسابرسی می‌شود و هیچ‌کس مسئولیت تقیث از باطن مردم را ندارد. ما فقط امر شده‌ایم طبق ظاهر مردم و آنچه برای خود ادعا می‌کنند با آن‌ها رفتار کنیم. امیدوارم شما با مکتب در نجف اشرف ارتباط برقرار کنی و بنده از اداره مکتب در نجف اشرف می‌خواهم در این باره تحقیق کند و نتیجه تحقیق را به من برساند. خدا به همه شما جزای خیر دهد و توفیق و پایداری برای همه شما را از خدا آرزومندم.

اما اینکه شما در این صفحه مطلبی نوشتی و بنده پاسخ ندادم، از همه کسانی که می‌نویسند ولی پاسخی دریافت نمی‌کنند عذرخواهی می‌کنم و عذرخواهی را انسان‌های بزرگ می‌پذیرند. امیدوارم همه شما متوجه باشید که من نیز کارهایی برای انجام‌دادن دارم-همان طور که شما نیز کارهایی برای انجام‌دادن دارید- و به همین دلیل تقریباً به صورت روزانه، مدتی نسبتاً کوتاه صفحه‌ام در فیس‌بوک را مطالعه می‌کنم که اجازه خواندن همه نظرات را نمی‌دهد.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ ژوئن ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

هیئتی برای اداره بیت‌المال عمومی، مسئولیت نظارت مالی بر بیت‌المال‌های پیرو دعوت حق را در کل جهان بر عهده دارد و هیچ بیت‌المال یا اداره رسمی دیگری پیرو دعوت حق، از این نظارت مالی معاف نیست. این کمیته حق دارد ماهانه یا سالانه هر مبلغی را که در هر بیت‌المال یا اداره رسمی پیرو دعوت حق، وارد یا مصرف می‌شود کشف و ثبت نماید و تخلف یا درنگ کردن و تعلل در پاسخ‌گویی به آن‌ها به هر دلیلی - جایز نیست. همچنین مایلم توجه داشته باشید که اقدام به درخواست کمک مالی تحت عنوان فعالیت برای دعوت، بدون اجازه گرفتن از این هیئت یا یکی از بیت‌المال‌ها جایز نیست. همه بدانند که احمدالحسن، خودش را تحت نظر این نظارت مالی قرار می‌دهد و از آن معاف نیست و این هیئت از هر مبلغی که به صورت شخصی به من می‌رسد مطلع می‌شود.

** ** *

دفاع از خود به اجازه نیاز ندارد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴:

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

امیدوارم همگی در خیر و عافیت باشید.

اندکی پیش پرسش زیر از طرف شیخ ناظم عقیلی (خدا حفظش کند) در مکتب نجف اشرف به من رسید، و این پرسش و پاسخش را در اینجا نقل می‌کنم؛ زیرا این کوتاه‌ترین راه برای رساندن پاسخ به شیخ و به انصار است؛ خدا حفظشان کند و از هر مکروهی دورشان گرداند.

«پرسش: انصار امام مهدی (علیه السلام) در تلغفر و بلد و مناطقی که مورد هجوم تروریست‌ها و

داعش قرار گرفته‌اند، آیا جایز است انصار به عشایر یا نیروهای امنیتی مدافع مناطقی که تروریست‌ها مورد هجوم قرار داده‌اند -از باب دفاع از خود- ملحق شوند؟! به‌خصوص وقتی این مناطق محاصره می‌شوند و ارتشی برای دفاع از آن‌ها وجود نداشته باشد؟ طبق آنچه بنده مطلع شدم، مردم تلعفر و بلد در محاصره قرار گرفته‌اند و چندین سؤال در این باره در مکتب به ما رسیده است.»

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله

دفاع از خود نیاز به اجازه ندارد. خدا به شما توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد. هرکس ببیند به سرزمینش هجوم شده یا ممکن است مورد هجوم قرار گیرد، حق دارد هر کاری که می‌تواند برای دفاع انجام دهد. خدا شما را حفظ و از هر بدی دور فرماید. مؤمنان (خدا حفظشان کند) در مناطق دیگر مانند بغداد باید مهیا و آماده وضعیت بدتری باشند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

*** ** *

زندگی علی (علیه السلام) سرشار از درد و رنج

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۶ جولای ۲۰۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

در چنین روزهایی زندگانی علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) خاتمه یافت؛ زندگانی سرشار از درد و رنج که در آن هیچ آسایشی ندید. وقتی کودک بود فرصتی نیافت تا همچون هر کودک دیگری -که از دوران کودکی

خود بهره می‌برد. بازی کند. خداوند خواست که پرورش دهنده او را یک پیامبر، مبعوث فرماید تا آن حضرت خود را در مشاجرات کلامی ببیند که بیشتر اوقات به پرتاب سنگ و حتی گاهی به پاره کردن شکم‌ها با نیزه نیز منجر می‌شد.

در چنین اوضاع و احوالی به دوران جوانی رسید تا خود را ناگزیر از شمشیر به دست گرفتن ببیند که از دین جدید و پیامبر خود و ایمان آوردگان به او دفاع می‌کند.

پیش از اینکه محمد ﷺ رحلت کند خداوند علی را جانشین و خلیفه خود در زمینش بعد از خلیفه خود محمد منصوب فرمود همان طور که سنت همیشگی و جاری خدا این چنین بوده است.

محمد وفات کرد.

و به این ترتیب علی خود را ناگزیر چنین دید که حق الهی خود را - که قوم برای غصب کردنش جمع شده بودند - درخواست نماید؛ درخواستی که باعث شد قوم بر وی یورش آورند و سپاهیان و گروه‌های خود را جمع کنند تا به منزلش هجوم برده، ایشان را با طناب بسته، بکشند و حضرتش را تضعیفش کنند، مورد اهانت قرار دهند و باعث آزار و اذیت همسر بزرگوارش فاطمه دُخت محمد ﷺ شوند که - بنابه روایت صحیح - هر کس او را آزار دهد پدرش پیامبر خدا محمد را آزرده و خشم خدای سبحان را برافروخته است.^۲

فاطمه درگذشت،

و علی بیش از بیست سال مظلومانه خانه‌نشین باقی ماند.

اشتباهات، فزونی یافت و فریادهای مظلومان بلند شد و بعد از آن سه نفر، مردم راه

۱ - به عنوان مثال نگاه کنید به: کتاب الامامة و السياسة، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۹، تحقیق الزینی؛ تاریخ بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۹۷۵.

۲ - نگاه کنید به: من لایحضره الفقیه، صدوق؛ ج ۴، ص ۱۲۵؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰، باب مناقب مهاجرین و فضیلتشان؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ باب فضائل فاطمه؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۵.

حلی جُز علی برای وضعیتی که در آن به سر می‌بردند پیدا نکردند. شیطان با سه جنگ با او رو به رو شد. سپاهییانی از تمامی شیاطین زمین گرد آورد: یک مرتبه آن‌ها را عایشه رهبری می‌کند، یک بار معاویه و ابن عاص، و در انتها، خود شیطان آن‌ها را رهبری کرد. این جنگ‌ها هنوز به پایان نرسیده بود که علی (علیه السلام) خون‌آلود در بسترش بود.

سلام بر تو ای ابا الحسن به مقدار آن دردها و رنج‌هایی که جرعه جرعه نوشیدی. سلام بر تو ای ابا الحسن؛ چقدر سبقت گرفتی و آیندگان پس از خود را چه بسیار به دشواری افکندی. به راستی که مصیبت تو در آسمان‌ها بزرگ است و ماتم تو مردم را در هم کوفته است. همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم. خداوند پادشاه‌های شما را در یادبود مصیبت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) بزرگ بدارد.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ جولای ۲۰۱۴:

خدایا از تو درخواست می‌کنیم در آن فرمان بی‌بازگشت و تبدیل‌نشدنی حتمی که در شب قدر حکم می‌کنی و مقدر می‌نمایی به لطف و رحمت خودت. بیشترین نصیب بندگان را از هر خیری که نازل یا شری که دفع می‌فرمایی برای ما مقرر بداری؛ زیرا هرگز به خیری نرسیده‌ایم جز از سوی تو و هیچ کس هرگز از ما بدی دفع نکرده مگر تو. خداوند امسال را بهترین سالی که بر ما نازل شده است قرار بده! به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۹ جولای ۲۰۱۴:

هر سال در خیر و عافیت باشید و عید بابرکت فطر، مبارکتان باد. از خدا می‌خواهم اعمالتان را با به بهترین شکل، پذیرا باشد.

*** **

روز ترویبه، خارج شدن حسین از مکه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

روز هشتم ذی حجه یا -انگونه که در مناسک حج معروف است- روز ترویبه، می بینیم حسین فرزند علی (علیه السلام) و فرزند فاطمه - دُخت محمد (صلی الله علیه و آله) و سرور جوانان اهل بهشت و یکی از افراد عترت - که طبق فرمایش صریح رسول خدا بازدارنده از گمراهی هستند - و وارث اذان جدش ابراهیم (علیه السلام) (وَ اَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوك) (در میان مردم برای حج بانگ برآور تا به سوی تو بیایند) [حج: ۲۷] از مکه به سوی عراق خارج می شود و به مراسم حج پشت کرده و آن را ترک می کند در حالی که از چندین ماه قبل در آنجا اقامت داشت.

این چنین حسین (علیه السلام) مدعیان اسلام را در جایگاهی قرار داد که بر او حسادت نمی کنند، و حج آنان را تا همین روز سوت کشیدن و کف زدن قرار داد؛ (وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ) (و نمازشان در خانه [ی خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس این عذاب را بچشید، به سزای آنچه کفر می ورزیدید) [انفال: ۳۵].

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می خواهیم در خیر و عافیت باشید.

هر ساله در خیر باشید؛ و از خدا می خواهیم در این روز کریم، به شما برکت دهد و شما را از بندگان با بیشترین نصیب از هر خیری که نازل و هر شری که دفع می کند قرار دهد.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

همیشه و در سالگرد اعلان رسول خدا ﷺ به فرمان خداوند سبحان که علی (علیه السلام) نخستین خلفای خداوند پس از اوست؛ در خیر و خوبی باشید.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

هر انسانی - غیر از آن کس که خدا به او رحم آورد - به حبس کردن خودش در صندوق حافظه مبتلا است و به طور معمول حافظه نیز کوتاه مدت است. او را می بینی که خود را در صندوقی تنگ، با مجموعه ای از مشکلات یا قضایایی که در هر لحظه از زندگی اش با آنها مواجه است حبس می کند و با توجه به اینکه مشکلات و قضایایی که انسان به آنها مبتلا است به پایان نمی رسد؛ مگر با مردنش. پس هر انسانی را - جز آن کسی که خدا به او رحم آورد - چنان می بینی که حتی هنگام نماز، به صندوقی که نفس خود را در آن حبس کرده است می اندیشد و حتی درحالی می میرد که خود را در این صندوق تنگ و خفه کننده، زندانی کرده است.

به مناسبت نزدیکی حلول ماه حسین، ماه آزادی حقیقی، ماه محرم الحرام، این فراخوانی است برای هر انسانی تا این صندوق را بشکند و از آن خارج شود. آزادی موجود در خارج از صندوق مشکلات و قضایایی که با آنها در این دنیا مواجه می شوی، ارزش رنج کشیدن را دارد؛ بلکه یقین داشته باش که در این آزادی، راه حل تمامی مشکلات و قضایای زندگی تو به بهترین صورت وجود دارد.

این صندوق را بشکن و نفس خود را از این حبس انفرادی که در طول حیات گذشته ات برگزیده ای بیرون بیاور.

با خدا باش و همیشه خدا را یاد کن و در فضای رحمت خدا، فضای آزادی حقیقی و فراگیر، شنا کن. این صندوق را بشکن و هرگاه افکار و مشکلات و قضایایی که در دنیا با

آن‌ها مواجه هستی تو را به حبس شدن همراه خودش در این زندان انفرادی فرابخواند، با یاد خدا با آن‌ها روبه‌رو شو و بکوش تا بار دیگر در این صندوق وارد نشوی.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۶ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام بر حسین بن علی. سلام بر زینب دخت علی. سلام بر تو ای آقای من عباس بن علی. سلام بر علی بن حسین. سلام بر عبدالله شیرخوار. سلام بر اصحاب حسین. سلام بر آنان که حسین را یاری دادند. سلام بر آنان که همراه حسین به شهادت رسیدند. انا لله و انا الیه راجعون؛ و کسانی که بر آل محمد ستم کردند به‌زودی خواهند دانست به کدامین بازگشتگاه بازخواهند گشت و فرجام از آن پرهیزگاران است.

** ** *

قتل مالک بن نویره

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ اکتبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

حکایت اول:

پیامبر ما محمد ﷺ پس از جنگ بدر، اسیران کفار را فقط در برابر دریافت فدیهای ساده آزاد کرد. این فدیبه تا به آنجا رسید که هرکدام از این اسیران به جمعی از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزد.^۱

این اسیران که رسول مهربان و کریم و نمونه انسانیت، آزادشان کرد به محمد ﷺ ایمان نداشتند؛ بلکه بالاتر از این؛ در جنگی بودند که می‌خواستند حضرتش را به قتل برسانند و کارش را یکسره کنند؛ اما آنچه پیامبر خدا محمد ﷺ انجام داد دقیقاً همان

۱ - نگاه کنید به: مسند احمد، ج ۱، ص ۲۴۷؛ البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۹۷.

چیزی است که از اخلاق انبیا و صالحان می‌دانیم و انتظار داریم و حتی از هرکسی که در اخلاق انسانی جهت اقتدا کردن به بعضی از رفتارهایشان مثال‌هایی زده شده است مثل گاندی و ماندلا^۱ - [نیز انتظار داریم].

حکایت دوم:

مالک بن نویره تمیمی از اشراف عرب، مُطیعانه به‌سوی پیامبر خدا محمد ﷺ آمد، حرف‌های او را شنید، به او ایمان آورد و به‌سوی قومش برگشت و پس از ابلاغ دعوت پیامبر ﷺ به آن‌ها، آن‌ها نیز ایمان آوردند. پس مالک نه‌تنها یک مسلمان بود بلکه دعوت‌کننده‌ای بزرگ بود که باعث شد تعداد بسیاری هنگام فراخوان او به اسلام، مسلمان شوند. مالک از جمله کسانی است که در بیعت غدیر حاضر بود و دانست که علی خلیفه خدا بعد از رسول خدا محمد ﷺ است. او مردی متدین و معتمد قومش و نیز رسول خدا ﷺ بود. پیامبر او را مسئول صدقات قوم خود قرار داد^۲ و به همین دلیل آن‌ها زکات خود را تسلیم او نمودند تا به پیامبر برساند. وقتی مالک به مدینه وارد شد دانست پیامبر وفات یافته و به رحمت خدا پیوسته است و ابوبکر را دید که در مسجد نشسته و پیراهن خلافت پیامبر را به تن کرده است. وی غضب خلافت توسط ابوبکر را کاری ناشایست دانست و آن را نپذیرفت و به‌سوی قوم خود بازگشت و اموال زکات را به صاحبانش بازگرداند و ابیات معروف زیر را سرود:

۱ - گاندی: مهنداس کارامچاند گاندی (۱۸۶۹ - ۱۹۴۸) رهبر سیاسی و معنوی هند در جنبش استقلال هند از بیوغ استبداد از طریق نافرمانی مدنی مسالمت آمیز بود که الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های فراخوان آزادی و حقوق مدنی در جهان شد.

ماندلا: نلسون ماندلا (۱۹۱۸ - ۲۰۱۳) فعال سیاسی مخالف آپارتاید (نژادپرستی) در آفریقای جنوبی بود. فعالیت او منجر به ۲۷ سال زندان شد و در سال ۱۹۹۰ در اثر فشارهای بین‌المللی از زندان آزاد شد تا پس از آن برای تحقق اهدافش فعالیت کند.

۲ - به‌عنوان مثال نگاه کنید به: اسد الغابة، ابن الاثر، ج ۴، ص ۲۹۵؛ الاصابة، ابن حجر، ج ۵، ص ۵۶۰.

فقلت خذوا أموالکم غیر ناظر
ولا خائف فیما یجیء من الغد
فان قام بالأمر المخوف قائم
منعنا وقلنا الدین دین محمد

(پس گفتم اموالتان را بدون ترس بگیرید و از آنچه فردا رخ می دهد ترسان نباشید.
اگر کسی به کاری هراسناک اقدام کند، او را منع کرده، خواهیم گفت: دین تنها دین
محمد است).

این ابیات واضح است و تمام حکایت را در خود دارد. مالک می گوید دین را محمد ﷺ
آورد و در نتیجه جانشین، کسی است که محمد ﷺ جانشین بودنش را در غدیر اعلام کرد.
این شخص همان علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) است، نه کسی همچون ابوبکر
که خودسرانه اقدام به کار بسیار ترسناکی کرده است. به همین دلیل من اموال زکات را به
صاحبانش برمی گردانم و به خلیفه غیر شرعی تحویل نمی دهم.

واکنش ابوبکر این بود که خالد بن ولید را فرستاد تا مالک بن نویره را به قتل برساند؛
اما مالک و قومش به اعتبار اینکه آنان مسلمان هستند با خالد به جنگ برخاستند؛ ولی
خالد به آنها خیانت کرد و آنان را به اسارت گرفت و سپس آنها را در حالی که اسیر
بودند به قتل رساند و بعد زن مالک را غصب کرد. او به این کار بسنده نکرد؛ بلکه کاری
وحشیانه و زنده انجام داد و سر مالک بن نویره را در اجاق سوزاند.^۱

حال بیابید تمام این حکایت را از یاد ببریم و فرض کنیم مالک بن نویره شخصی
مؤمن به پیامبر خدا محمد ﷺ نبود، و ابوبکر، خالد را برای قتل او فرستاده بود. آیا هیچ
توجیهی برای قتل مالک، تجاوز به همسرش و سوزاندن سرش وجود دارد، جز اینکه او
تنها مشتی اموال را به حاکم (ابوبکر) نداده است؛ و آیا عذری برای ابوبکر وجود دارد که
خالد را به خاطر این رفتار وحشیانه ای که هیچ پیوندی با انسانیت ندارد یعنی قتل مالک،
تجاوز به همسر او و پختن سرش بازخواست نکند؟!

۱ - به عنوان مثال مراجعه کنید به: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۱ تا ۵۰۳؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۵، ص ۵۶۰ و ۵۶۱.

آیا واقعاً شما اعتقاد دارید که یک حاکم حکومت اسلامی که رهبر سپاهش، انسانی را کشته و به زنش تجاوز کرده، ولی او را بازخواست نمی‌کند، حاکمی عادل بوده است؟! آیا واقعاً می‌پذیرید که دین خالد و ابوبکر همان دین محمد ﷺ است که اسیران کفار را آزاد کرد؟!

در آنچه نوشتیم هیچ سخن ناروا و ناسزا و تجاوز و تعدی به کسی نیست و به همین دلیل من توقع پاسخ‌های مؤدبانه دارم؛ اما راجع به دادوقال و ناسزاگویی، بدانید دین شما را وصله‌پینه و دردهایتان را کمتر نخواهد کرد؛ بلکه دلیلی روشن بر سردرگمی شما خواهد بود.^۱

<https://www.youtube.com/watch?v=RfXfZTOgodA>

<https://www.youtube.com/watch?v=Pkb0KIS0YKA>

*** ** *

ازدواج دختر بچه در قانون ازدواج

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ نوامبر ۲۰۱۴:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

Hadil El-Khouly نوشته است:

«سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقای و مولای من، احمدالحسن!

از دوران کودکی به مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و حقوق بشر علاقه‌مند بودم. همواره درد و رنج و ظلم در جوامع ما، مرا آزار می‌داده است و می‌دهد. در برخی از نهادهای اجتماعی در زمینه حقوق بشر، و در دوره‌های اخیر به‌طور مشخص در زمینه حقوق زن در

۱ - فایل‌های پیوست شامل دو کلیپ ویدئویی است. در اولی شیخی از الازهر درباره کشته‌شدن صحابی، مالک بن نویره و زنا با همسر او و پختن سر او در آتش توسط خالد بن ولید سخن می‌گوید، و در دومی شیخی سلفی سخن می‌گوید و مقتل مالک به دست خالد بن ولید را به طرزی بسیار مجرمانه و نفرت‌انگیز ترسیم می‌کند.

اسلام شروع به کار کرده‌ام.

من ایمان دارم که تمام شریعت و احکام خداوند سبحان و متعال، رحمت و عدل، و در هر زمان و مکان عهده‌دار کرامت انسان است؛ اما با توجه به حرفه‌ام با بعضی از سؤالات مربوط به حقوق زن در اسلام مواجه شدم؛ سؤالاتی که مرا به حیرت واداشت و پاسخی برایشان پیدا نکردم. آقای من! برخی از این سؤالات را تقدیم حضور شما می‌کنم؛ زیرا چه بسیار از دین برای توجیه ظلم به زنان و تباه کردن حقوقشان بهره‌برداری می‌شود. آقای من! به شما رو می‌کنم، زیرا واقعاً در جست‌وجوی مشیت و حکمت خداوند هستم و واقعاً می‌خواهم بفهمم؛ چراکه تنها راه برطرف شدن درد و رنج و ظلم از بشریت، در مشیت و حکمت خدا وجود دارد. پیشاپیش از جهل و نادانی‌ام عذرخواهم و سعی می‌کنم تا با علم شما پاک و پیراسته گردم.

از خداوند متعال خواستارم که برای شما اهل بیت، زینتی باشیم و خداوند با فتح آشکار شما را استوار بدارد؛ ان شاء الله.

۱. در کتاب شرایع (احکام نورانی اسلام) در قسمت ازدواج نوشته شده است: «نزدیکی با زن قبل از اینکه به سن نه‌سالگی برسد حرام است.» از این مطلب چنین برداشت کردم که از ابتدای سن نه‌سالگی نزدیکی با زن جایز است.

با توجه به حرفه و محیط اطرافم در بسیاری اوقات با دخترانی روبه‌رو شده‌ام که با توجه به اینکه بدنشان تحمل رابطه جنسی با شوهر را ندارد، دچار آسیب‌های بدنی می‌شوند. همان طور که در جامعه امروزی شاهد هستیم که دختران در این سن و سال کودک محسوب می‌شوند و هنوز آمادگی عقلی و جسمانی کافی برای برعهده گرفتن واجبات و مسئولیت‌های سنگین با این درجه از اهمیت را ندارند؛ پس چرا خداوند سبحان و متعال ازدواج با دختران را در این سن و سال کم مجاز فرموده است؟ و آیا صحیح است که ازدواج با دختران از زمان ولادتشان جایز است؟

۲. آیا با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی در طول زمان، برخی احکام شرعی مربوط به ازدواج و خانواده در برخی حالات تغییر می‌کند؟

این طور متوجه شده‌ام که حقوق مردان بیشتر از حقوق زنان است؛ زیرا مسئولیت‌ها و تکالیف مرد بیشتر از زن است؛ اما چه می‌شود اگر مرد در انجام وظایفش کوتاهی کند و به

آنها عمل نکنند؟ آیا در این صورت حقوقش همچنان پابرجا خواهد بود یا ساقط می‌شود؟ به‌عنوان مثال مردی که خرجی خانواده‌اش را نمی‌دهد و اهمیتی برای فرزندانش قائل نمی‌شود؛ گویی او هیچ وجود مادی یا معنوی در زندگی آن‌ها ندارد و اگر قوام خانواده و تربیت، همگی بر عهده زن باشد، آیا باز هم این شوهر چنین حقوقی دارد؟ حقوقی مثل اطاعت‌شدن، سرپرستی و ...؟

متأسفانه در جوامع عربی و اسلامی خانواده‌هایی یافت می‌شوند که به‌دلیل کوتاهی شوهر یا نبودش، این خانواده‌ها را زنان به‌تنهایی اداره می‌کنند یا به‌دلیل وجود شرایط سخت اقتصادی و تسلط طاغوتیان، با شوهرانشان مشارکت دارند. تأثیر این وضعیت بر معادله مذکور چیست؟ (اینکه شوهر حقوق بیشتری دارد، چون او مسئول است).

۳. حق تعالی می‌فرماید: (وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا)^۱ (و اگر زنی از بی‌مهری یا بی‌زاری شوهرش بیمناک باشد، بر آن دو گناهی نیست که هر دو در میان خود طرح سازش و آشتی افکنند، که سازش بهتر است؛ ولی بخل و فرومایگی در نفوس، حضور [و غلبه] دارد، و اگر نیکی و پرهیزگاری پیشه کنید قطعاً خدا به هرچه انجام می‌دهید آگاه است). تعریف «نشوز: نافرمانی» مرد چیست؟ و آیا در شریعت، عقوبتی برای مرد ناشز (نافرمان) وجود دارد؟ و حکم مردی که نسبت به خانه، همسر و فرزندانش بی‌توجهی می‌کند چیست؟

۴. وقتی درباره زدن زن ناشزه (نافرمان) در حوزه دین صحبت می‌کنیم، همه اتفاق نظر دارند که زدن باید بدون شکنجه و عذاب باشد؛ ولی وقتی به واقعیت زندگی می‌رسیم مشاهده می‌کنیم وضعیت بسیار متفاوت است و ضرب‌و‌شتم بدنی همسر بسیار اتفاق می‌افتد. به‌طور دقیق حدود زدن زن ناشزه چیست؟ و سزای مردی که از این حدود تجاوز می‌کند چیست؟ آیا ارزش قائل شدن و اصلاح نفوس با صبر و رفتار نیکو شایسته‌تر است از آزار جسمانی - که احساس خواری و زبونی را به‌دنبال دارد - نیست؟ به‌خصوص

هنگامی که طرف مقابل ضعیف‌تر از شما و تحت حمایت و پشتیبانی شما باشد؟
 ۵. نقش زنان مؤمن به دعوت مبارک یمانی هنگام قیام قائم علیه السلام و شروع جنگ‌ها علیه دشمنان آل محمد علیهم السلام چیست؟ آیا ایشان در میدان جنگ حضور خواهند داشت؟ و در آن مرحله چگونه سربازانی واقعی برای امام مهدی علیه السلام باشند؟
 هدیل الخولی - مصر»

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته

۱. موضوع جایز بودن ازدواج دختر نُه‌ساله در اسلام عبارت است از بیان حدود وضعیت شرعی، و اگر شرایط حکم‌رانی برای خلیفه خداوند مهیا گردد و قانون ازدواج را وضع نماید، این قانونی نیست که (الزاماً) حکومت الهی طبق آن عمل کند.
 بنابراین اگر حکومت به خلیفه خدا داده شود می‌تواند قیدهایی را برای منع از ازدواج دختر در سنی که به‌طور معمول اعضای تناسلی زنانه‌شان کامل نشده باشد وضع نماید، مثل اینکه شرط می‌کند وجود ضرورتی برای این نوع ازدواج وجود داشته باشد و این [شرط] که وضعیت جسمانی دختران از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و... و به‌طور کلی حلال دانستن این نوع ازدواج در شریعت اسلام همان‌طور که بیان شد دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد بلکه این تشریح تنها بیانگر نهایت سنی است که در آن سن دختران جوان - در صورت وجود ضرورت - امکان ازدواج پیدا می‌کنند. به عنوان مثال اگر تصور کنیم فاجعه‌ای روی زمین رخ بدهد و تنها اندکی از نوع بشر یا از مؤمنان باقی بمانند، در چنین وضعیتی مسئله ازدواج و زادآوری زود هنگام - یا در نظر گرفتن اقدامات احتیاطی - به جهت ضرورت حفاظت از نوع بشر و یا حفظ مؤمنان خواهد بود وگرنه احتمال انقراض نوع بشر بیشتر خواهد شد. کسی که نظریه تکامل و چگونگی عملکرد مجموعه ژن‌ها را در طبیعت درک می‌کند آنچه من می‌گویم را (به خوبی) خواهد فهمید. در این مورد به خصوص اگر ضرورتی برای ازدواج زود هنگام - یا به عبارت دیگر آمادگی جنس ماده نوع بشر برای لقاح در سنین پایین - در محافظت از نوع

بشر در ادوار پیشین تکامل «هومو»ها وجود نمی‌داشت، بدن نوع مؤنث به این صورت تکامل نمی‌یافت؛ یعنی به صورتی که آمادگی تلقیح در سنین پایین را داشته باشد.

اما در مورد اینکه برخی طبق نظر شخصی خودشان این حکم شرعی را پیاده می‌کنند آن هم بدون ضوابطش و باعث آسیب رساندن به جسم دختران کم سن و سال می‌شوند، این خطایی از سوی آن‌ها است و خطای شریعت نیست. آن‌ها و فقهایشان، نه شایستگی پیاده‌سازی شریعت را دارند و نه شناخت حدود آن را به صورت کامل؛ از همین رو خداوند موضوع تطبیق و پیاده‌سازی را بر عهدهٔ خلیفه و جانشین خود در زمینش قرار داده است.

۲. تغییر احکام در هر زمان به خلیفه و جانشین خدا بازمی‌گردد؛ بنابراین احکام می‌توانند تغییر کنند یا منسوخ شوند؛ و بنده پیش‌تر این مطلب را یادآور شده‌ام.^۱

۳- مسئله «نشوز: نافرمانی» شوهر را در کتاب «شرایع»^۲ بیان کرده‌ام و به این معناست که هرگاه مرد، از ادای همه یا برخی از حقوق زن خودداری کند در این هنگام زن، حق مطالبه و دریافت آن‌ها را دارد.

۴. کتک‌زدن زن، یک وضعیت طبیعی یا وضعیتی نیست که به‌طور معمول عمل به آن صحیح باشد؛ بلکه در حکومت الهی اگر زن به‌دلیل کتک‌خوردن از شوهر اقامهٔ دعوی کند به شکایت او رسیدگی می‌شود و اگر ثابت شد که مرد خطایی مرتکب شده، مجازات خواهد شد.

۵. اگر خدا بخواهد و حکومت الهی در یک زمانی بر پا شود، زن می‌تواند در بسیاری از جایگاه‌ها در دولت الهی نقش داشته باشد. شایستگی زن در بسیاری از جایگاه‌ها و کارها

۱- به‌عنوان مثال نگاه کنید به کتاب مشابیهات، ج ۳، سؤال شمارهٔ ۸۶.

۲- سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمود: «اگر نافرمانی از طرف مرد با اداکردن حقوق زن باشد، زن می‌تواند (نزد حاکم) حشش را مطالبه و حاکم می‌تواند مرد را مجبور کند (که حقوق زن را ادا کند). زن می‌تواند بعضی از حقوقش مانند نفقه و حق هم‌خوابی را ترک کند تا دل شوهرش را به دست آورد، و بر شوهر حلال است که آن را قبول کند.» احکام نورانی اسلام، ج ۳، توضیح نافرمانی.

کمتر از مرد نیست و حتی در برخی از کارها، زن بسیار بهتر از مرد است. اسلام قیدی برای متولی شدن زن قرار نمی‌دهد؛ حتی در مناصبی که جامعه را رهبری می‌کند؛ اگر شایستگی این کار را داشته باشد و کار را به شکل تمام و درست به انجام برساند.

*** **

حسین و مدافعانش، آهنگ و نوای دوران نخستین هستند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۴ نوامبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای حسین بن علی!

گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در زمینش و حجت او بر بندگانش هستی. به راستی که رسول خدا محمد ﷺ در شب وفاتش به تو وصیت فرمود؛ در همان وصیتی که آن را [این گونه] توصیف فرمود: نوشتار بازدارنده از گمراهی تا روز قیامت برای کسی که به آن تمسک جوید.

و گواهی می‌دهم که تو -ای حسین- و زنان و مردان و کودکانی که از تو دفاع کردند، جزو برترین برگزیدگان خداوند از میان خلقش هستید و اینکه شما آهنگ و ناله دوران‌های نخستین هستید. دین‌های نخستین از زمان آدم و از هزاران سال پیش -قبل از اینکه نوح و ابراهیم و اقوامشان متولد شوند بر مصیبت تو نوحه سر دادند- و به پای عزا نشستند.

*** **

شهید جلال اسدی، تو نسیمی از بهشت‌ها هستی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ نوامبر ۲۰۱۴:

شیخ مجاهد فاضل و عالم بزرگوار، جلال اسدی:

دوست و عزیز و نور دیدگانم! کسی که تو را بشناسد چاره‌ای جز دوست‌داشتنت ندارد. تو نسیمی از بهشت‌ها هستی که این دنیا لیاقتت را ندارد. ای محبوب من، چه بسیار مشتاق تو هستم.



** ** ** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۷ نوامبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
به کسانی که درست بودن نظریه تکامل را انکار می کنند:
از غار تاریک جهالتی که در آن زندگی می کنید خارج شوید!

** ** ** **

نمونه ای برای مصداق این سخن حق تعالی: «إِن هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ...»

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۷ نوامبر ۲۰۱۴:

﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾
(آیا گمان داری بیشترشان می شنوند یا می اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند؛ بلکه
گمراه ترند).^۱

هر ابلهی - که چقدر هم بسیار هستند - می تواند این آیه را قرائت کند یا معنایش را
بخواند و با استفاده از آن، مخالفان عقیدتی خود را قصد کند، و این چنین - با حماقتی
بی نظیر - تصور کند حق بودن خودش و ناحق بودن مخالفانش را اثبات کرده است؛ بی آنکه
توجه داشته باشد اگر دلایل مخالفان خود را نشنود و خودش را بشخصه مورد کنکاش قرار

^۱. [فرقان: ۴۴].

ندهد و بدون شناخت کامل آنچه مخالفش مطرح می‌کند تصمیم‌گیری کند یا به شخص دیگری به این دلیل که او عالم و متخصص است یا بنا به دیگر دلایلی که در امت‌های گذشته‌ای که با انبیا و اوصیا رویارو می‌شدند وجود داشت اعتماد کند تا برای سرنوشتش تصمیم بگیرد، خود او اولین مقصود این آیه خواهد بود. این چنین شخصی - که به این صورت عمل می‌کند- نمونه‌ای برای مصداق این آیه خواهد بود: ﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (آیا گمان داری بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند).

من هرچه هستم و هرچه باشم نصیحت من به شما این است: از مخالفت بخوان، بشنو و تفکر کن تا در پایان، خودت را در حالی نبینی که زندگی‌ات را در این توهم که «حقیقت مطلق را در خود داشته‌ای» سپری کرده‌ای، حال آنکه «تو فقط یکی در میان ناحق‌ها بوده‌ای»!

*** **

آدرس الکترونیکی مطالعه رایگان کتاب «توهم بی‌خدایی»

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ نوامبر ۲۰۱۴:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آدرس الکترونیکی مطالعه رایگان کتاب «توهم بی‌خدایی»: ^۱

<http://www.almahdyoon.org/arabic/documents/live/wahmilhad>

*** **

۱ - آدرس الکترونیکی مطالعه رایگان ترجمه فارسی کتاب «توهم بی‌خدایی»:

تغییر عکس پروفایل شخصی توسط Ahmed Alhasan احمدالحسن در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴ انجام شد:



تسلیمت به مناسبت وفات مهندس «موفق اعرجی»

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ﴾ * كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿﴾ (و ما پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاودان اند؟ * هر نفسی چشنده مرگ است، و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود؛ و به سوی ما بازگردانده می شوید).^۱

خداوند اجر شما را در وفات برادر و دوست عزیزم مهندس «سید موفق اعرجی» بزرگ بدارد. خداوند به حق محمد و آل محمد به او بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید که تا آخرین لحظه از زندگانی مبارکش - که آن را با یاد خدای سبحان لبریز کرده بود- حق را یاری کرد و بر حق ثابت قدم ماند. پس سلام و رحمت و برکات خداوند بر او روزی که به دنیا آمد، روزی که به سوی پروردگارش بازگشت و روزی که زنده مبعوث می شود.

۱. [انبیاء، ۳۴ و ۳۵].

** ** *

تسلیت به مناسبت وفات مادر عقیل کعبی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ ژانویه ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

خداوند پاداش‌های شما را بزرگ گرداند.^۱

خداوند رحمتش کند که ضعف و ناتوانی و بیماری و پیری، او را از یاری حق بازداشت.

از خدا می‌خواهم مقام او را رفیع گرداند و به حق محمد و آل محمد او را جزای خیر عطا فرماید.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳>

[۰۷۹۶۸/۷۹۱۹۳۳۵۸۴۱۸۷۶۴۰/?type=۳&theater](https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳/?type=۳&theater)

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱ فوریه ۲۰۱۵:

خدا را بخوان تا قلب تو را از محبت خودش - سبحانه و تعالی - لبریز کند؛ زیرا هیچ چیز

دیگری ارزش سختی کشیدن را ندارد.

** ** *

ذکر شهادت فاطمه زهرا (علیها السلام) و هجوم به خانه‌اش

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ مارس ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - فایل پیوست، عزاداری به مناسبت وفات حاجیه پاک مادر عقیل کعبی است. خداوند با رحمت فراگیرش او را رحمت فرماید.

و الحمد لله رب العالمین

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

این روزها مصادف با یاد شهادت فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان است. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بدارد.

متأسفانه پس از شهادت رسول خدا، ابوبکر و عمر به خانه فاطمه یورش بردند تا علی بن ابی‌طالب را مجبور به بیعت با ابوبکر کند. این حادثه منجر به مصدوم‌شدن فاطمه (صلوات خدا بر او)، سقط‌شدن محسن و مرگ آن حضرت پس از مدت کوتاهی شد؛ به همان صورتی که رسول خدا محمد ﷺ به او بشارت داده بود که فاطمه ﷺ اولین کسی است که به او خواهد پیوست.^۱ به این ترتیب او اولین شهید وصیت مقدس نبوی شد. پس خوشا به حال آنان که به وصیت رسول خدا ﷺ در شب وفاتش تمسک جستند و تمسک می‌جویند؛ همان وصیتی که فاطمه دختر محمد ﷺ بانوی زنان جهانیان و جنینش، اولین قربانیانش شدند. حافظان و مورخان اهل سنت در کتاب‌های خود، حادثه حمله به خانه فاطمه دختر محمد ﷺ^۲ و حتی تهدید عمر به سوزاندن خانه فاطمه ﷺ را با اینکه آن حضرت و کودکش در خانه بودند. روایت کرده‌اند و بهترین شعرای اهل سنت در حادثه هجوم به خانه فاطمه، اشعاری سروده‌اند. حافظ ابراهیم ملقب به شاعر نیل در قصیده عمریه خود که در آن عمر بن خطاب را ستایش می‌کند. گفته است:

و آن سخنی که عمر به علی گفت؛ همان که شنونده‌اش کریم و گوینده‌اش بزرگ است.
که خانه‌ات را آتش زدم تا بر این نمایی که بیعت نکنی؛ هرچند دختر مصطفی در آن باشد.
غیر از پدر حفصه کسی نتواند چنین بگوید در برابر دلاور بی‌ظنیر عدنان و حامی آن‌ها.^۳

۱ - مراجعه کنید به: بحار الانوار، مجلسی: ج ۱۸ ص ۱۱۲؛ صحیح بخاری: ج ۴ ص ۱۸۳.

۲ - به‌عنوان مثال مراجعه کنید به: کتاب امامت و سیاست - ابن‌قتیبیه: ج ۱ ص ۱۹ تحقیق زینی؛ تاریخ بلاذری: ج ۱ ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری: ج ۲ ص ۴۴۳؛ استیعاب، ابن‌عبدالبر: ج ۳ ص ۹۷۵.

۳ - وقوله لعلی قالها عمر / اکرم بسامعها اعظم بلقیها

پشیمانی ابوبکر در پایان عمرش را ببینید؛ به خاطر کاری که با فاطمه کرده و منجر به شهادت آن حضرت در اثر یورش به خانه‌اش شده بود. این حدیث را مورخان و راویان حدیث اهل سنت مثل طبرانی در «المعجم الکبیر»، طبری در کتاب تاریخش، ابن زنجویه در «الاموال»، و متقی هندی در «کنز العمال»، ابن عبد ربّه در «العقد الفرید» و دیگران روایت کرده‌اند؛ آنجا که ابوبکر می‌گوید: «... ای کاش به خانۀ فاطمه تعرض نمی‌کردم و رهایش می‌کردم...»^۱

اما اینکه برخی از آن‌ها می‌گویند این روایت به دلیل ضعف یکی از راویانش یعنی علوان بن داوود- ضعیف است واقعیت این است که علوان بن داوود به هیچ وجه ضعیف نیست و ضعف فقط در عقل‌های آن‌هاست! این دو کلیپ ویدئویی از دکتر سعدالدین هلالی -یکی از علمای معاصر اهل سنت- است. وی در این دو فایل به روشی علمی خطای آن‌ها را در تلاش برای ضعیف‌انگاشتن علوان بن داوود بیان می‌کند و او در حقیقت در این دو فایل از بازی آن‌ها -که هیچ ارتباطی با بحث علمی جدی ندارد- پرده برمی‌دارد.

<https://www.youtube.com/watch?v=NpyNH۰j۹۱۱Q>

<https://www.youtube.com/watch?v=M۶MNOU۸keOQ>

*** ** *

اشکال در خصوص عمر پیامبر خدا نوح (علیه السلام)

حرقت دارک لا ابقی علیک به / ان لم تبایع و بنت المصطفی فیها

ما کان غیر ابی حفص یفوه بها / امام فارس عدنان و حامیها

۱ - المعجم الکبیر - طبرانی: ج ۱ ص ۶۲؛ تاریخ طبری: ج ۲ ص ۶۱۹؛ کنز العمال - متقی هندی: ج ۵ ص ۶۳۱

و ۶۲۳؛ تاریخ شهر دمشق - ابن عساکر: ج ۳۰ ص ۴۱۸؛ تاریخ اسلام - ذهبی: ج ۳ ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۵ مارس ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

Ali Alansari نوشته است:

«سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خداوند عزوجل می‌خواهم که به‌زودی برای شما گشایش قرار دهد و قلب مادرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را شاد فرماید، که او نزدیک و اجابت‌کننده است.

آقا و مولای من! چه بسیار وقتی درباره ادله اثبات وجود خداوند با ملحدان گفت‌وگو می‌کنیم می‌بینیم آن‌ها سمت‌وسوی بحث را به مسائلی که درخصوص معجزه‌های ذکر شده در قرآن است می‌کشاند؛ از جمله سال‌های طولانی که انبیا (علیهم السلام) و به‌خصوص پیامبر خدا نوح (علیه السلام) زندگی کرده‌اند. بنده پرسش زیر را در تالار گفت‌وگوی انصار امام مهدی (علیه السلام) دیدم که برادرمان عیسی از جمهوری صربستان از شما پرسیده بود و مایلم آن را نقل قول کنم و امیدوارم شما تفضل فرموده، پاسخ دهید؛ چراکه در بحث و مناقشه با ملحدان سودمند خواهد بود. مولای من! از اینکه وقت شما را گرفتم عذر می‌خواهم و از خدا مسئلت دارم ما را از متمسکین به ولایت محمد و آل محمد - صلوات پروردگارم بر همه آنان باد - و از شهیدان زیر پرچم شما قرار دهد.

پرسش:

«سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من!

از شما می‌خواهم پاسخ این پرسش را به بنده مرحمت فرمایید؛ زیرا در تلاش برای فهمیدنش با دشواری مواجه شده‌ام... هموساینس - از طریق فرایند تکامل - از گونه‌های پست‌تر از خودش تکامل یافته است - از نسلی به نسلی دیگر با تکاملی بیشتر - تا اینکه مغزش به حجم و توانایی (گنجایش) مطلوب رسید. حال چگونه می‌توان برای سال‌های طولانی که انبیای گذشته مثل نوح (علیه السلام) زندگی کرده‌اند تفسیری ارائه کرد؛ چراکه خداوند

سبحان در قرآن کریم می‌فرماید او قوم خود را ۹۵۰ سال دعوت کرد. آیا این سال‌ها از سال‌های همین جهان‌اند؟ همچنین روایاتی وجود دارد مبنی بر اینکه نوح ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال زندگی کرده است و کتاب مقدس تصریح می‌کند که انسان‌های نخستین مدت‌زمان بیشتری نسبت به بشر امروزی زندگی می‌کرده‌اند... آقای من! آیا این صحیح است؟ و آیا خداوند سبحان عمر برگزیدگان خودش -مثل نوح- را افزایش می‌دهد؟ و اگر چنین است آیا اجداد نزدیک آدم زندگی طولانی‌تری داشته‌اند؟ یا این مسئله جزو متشابهات است؟ و چگونه با نظریهٔ تکامل تناسب دارد؟ از شما تقاضا دارم روشن فرمایید. خداوند سبحان و متعال در فرج شما تعجیل فرماید؛ ان‌شاءالله. بسیار مشتاق شما هستم...

عیسی، جمهوری صربستان.»

پاسخ:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خداوند می‌خواهم شما و عیسی را توفیق عنایت کند و گام‌هایتان را استوار فرماید. خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

از آنجا که با ادلهٔ علمی، ضرورت وجود خدا را اثبات، و الحاد علمی را نیز در حوزهٔ علم نقض کردیم و پاسخ گفتیم، پس هرکس که بر اساس استدلال علمی، خدا ناباور و منکر وجود خداست، باید مباحث و استدلال علمی ما را به صورت علمی و درست و دقیق نقض کند؛ یا اقرار کند آنچه ما اثبات کرده‌ایم، درست است؛ وگرنه معاندی ستیزه‌جو خواهد بود که طالب شناخت حقیقت نیست؛ بلکه شخصی پوچ‌گراست، نه بیشتر.

اما عمر انسان در گذشته از نظر علمی دقیقا معلوم است. چرا که امروزه ژن‌های انسانی بدون هیچ تردیدی و با جزئیات شناخته شده است. دانشمندان علت‌های ژنتیکی را به خوبی می‌شناسند و می‌فهمند که چرا و در چه زمانی سلول‌ها پیر می‌شوند و بدن انسان از بین می‌رود. آنان تحقیقاتی را در دست بررسی دارند تا با استفاده از جهش‌های ژنتیکی عمر انسان را طولانی‌تر کنند و ممکن است روزی به این هدف دست یابند. در نتیجه دانشمندان به صورت قطعی می‌دانند انسان در زمان نوح علیه السلام و قبل از آن، عمر

هزارساله یا حتی نزدیک به آن نداشته است؛ دقیقاً همان گونه که ما طول خطاکشی را که در دست داریم، به دقت می دانیم.

اما مسئله عمر نوح (علیه السلام) و دیگر مسائلی که با واقعیت های علمی موجود انطباق ندارد، نمی تواند اثبات وجود خدا را دچار اشکال کند؛ چون ما می توانیم به اختصار زیاد بگوییم: هیچ اشکالی ندارد که خداوند معجزاتی را انجام دهد؛ گرچه برخی از آن ها مخالف واقعیت های علمی موجود باشند؛ زیرا این معجزات حالاتی استثنایی هستند که هدف از آن ها در ابتدای راه انسانیت قراردادن انسانیت نوع انسان در مسیر ایمان به خدای خالق هستی است؛ به علاوه بعضی از این امور اساساً معجزه نیست؛ بلکه گزاره هایی است که فهم آن ها برای کسانی که زبان متکلم را نمی دانند دشوار است؛ زیرا کسانی که عوالم فوقانی را که قرآن از آنجا نازل شده، نمی شناسند، زبان قرآن را نیز نمی دانند.

برای توضیح علمی مسئله به اختصار باید عرض کنم: آنچه یک ناظر خارجی از یک سیستم فیزیکی می بیند، با آنچه یک ناظر داخلی می بیند متفاوت است. مثلاً هنگام انبساط یا انقباض در یک سیستم فیزیکی، قیاس های ناظر واقع در داخل سیستم، به طور کامل از قیاس های ناظر خارجی مجزاست؛ چراکه ناظر داخلی خودش جزئی از سیستم است و در نتیجه مشمول انبساط و انقباض سیستم است؛ پس اسباب و عوامل قیاس او نیز مشمول همین انبساط و انقباض سیستم خواهد بود. این فرایند باعث می شود او نتواند هر تغییر کلی شامل همه سیستم را بشناسد یا قیاس کند.

البته اگر خود آن موجود مانند ما یک زندگی نفسانی داشته باشد، مانعی نخواهد داشت که خودش هم احساس کند که در سیستم جهانی وی تغییر، افزایش سرعت یا کاهش سرعتی وجود دارد؛ همچنان که امروز بسیاری از مردم احساس می کنند زمان شتاب گرفته است؛ با اینکه آن ها وقتی زمان را اندازه گیری می کنند، نشانه ای از تغییر پیدا نمی کنند.

برای توضیح این سخن مثالی بیان می کنم: فرض می کنیم انسانی در اتاقی زندگی می کند و وسیله ای مانند خطاکش برای سنجش طول در اختیار دارد. از او می خواهیم

طول یک میزِ قرارگرفته در اتاق را با استفاده از آن خطکش اندازه‌گیری کند. فرض می‌کنیم پس از این اندازه‌گیری اتاق و آنچه در آن است، به‌صورت یکسان در همهٔ ابعاد به یک نسبت منبسط شود. حال اگر از آن شخص بخواهیم دوباره طول آن میز را اندازه‌گیری و با مقدار اولیه مقایسه کند، خواهیم دید اندازه‌گیری وی هیچ تغییری را در طول میز نشان نمی‌دهد؛ چراکه خود خطکش نیز منبسط شده است و ابعاد میز نیز به همان نسبت طول خطکش افزایش یافته است.

حال که این مطلب روشن شد، می‌توان فهمید اندازه‌گیری‌های ناظری که می‌تواند از خارج از سیستم جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، این جهان را مشاهده کند، قطعاً با اندازه‌گیری‌های خود ما که در درون این عالم زندگی می‌کنیم متفاوت و مختلف خواهد بود. پس اگر رفتار جهان مادی به‌طور کلی تغییر کند مثل اینکه زمان (به‌عنوان بعد چهارم جهان) منبسط یا منقبض، یا به بیان ساده‌تر کندتر یا تندتر شود. ما که در درون این جهان زندگی می‌کنیم نمی‌توانیم این تغییر را بسنجیم یا آن را تشخیص دهیم؛ اما ناظری که از بیرون سیستم جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم می‌تواند جهان را مشاهده کند، به ما ارقامی خواهد داد که با اندازه‌گیری‌های ما بسیار متفاوت خواهد بود.

این موضوع به‌اختصار برای ما روشن می‌کند که ناظر خارجی (مثلاً خداوند سبحان یا فرشتگان) هنگامی که دربارهٔ عمر نوح (علیه السلام) و قومش از آن‌ها سؤال کنید یا خودشان سخن بگویند، به شما عددی می‌دهند که با آنچه شما در داخل این سیستم آفرینش اندازه‌گیری کرده‌اید بسیار متفاوت است. همچنین هنگامی که از آن ناظر خارجی بخواهی عمر انسان امروزی را با عمر انسان ۱۵۰۰۰ سال قبل مقایسه کند، به شما اعداد مختلفی خواهد داد، با اینکه شما (که داخل سیستم هستید) هیچ اختلاف ملموسی را در اندازه‌ها و حدود مادی نمی‌بینید.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ آوریل ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

امیدوارم همه بازدیدکنندگان و دوستداران این صفحه مبارک در خیر و عافیت دین و دنیا باشند.

ماه رجب الحرام، ماه مغفرت و رحمت است و در آن، پاداش چند برابر می شود؛ پس به سوی تجارت با خداوند بشتابید که تجارتی سودبخش است و نابودنشدنی. روزهایش را روزه بگیرید و در آن، خدا را بسیار یاد کنید. صد مرتبه از خداوند استغفار بطلبید و او را صد بار شکر گوید و صد بار بگویید: «سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» هر روز سه مرتبه یا هفت مرتبه یا به مقداری که در توان دارید آیه الكرسي، آیه مُلک، آیه شهادت، آیه سخره، آیه

۱ - آیه مُلک: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدْلِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَ تُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَزُزُّ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

(بگو بار خدایا، تویی مالک حکومت؛ هرکس را که خواهی، حکومت بخشی، و از هرکه خواهی، حکومت بازستانی؛ و هرکس را که خواهی عزت بخشی و هرکس را بخواهی خوار گردانی؛ همه خوبی ها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی * شب را به روز درمی آوری و روز را به شب درمی آوری؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می سازی؛ و هرکه را بخواهی، بی حساب روزی می دهی). [آل عمران، ۲۶-۲۷]

۲ - آیه شهادت: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾

(خدا و فرشتگان و دارندگان علم گواهی می دهند که معبودی جز او نیست، که قائم به قسط است. هیچ معبودی جز او نیست، و اوست عزیز و حکیم * به راستی دین نزد خدا، اسلام است؛ و کسانی که کتاب به آنان داده شده است، از روی تجاوزگری میان خویش با یکدیگر به اختلاف نپرداختند، مگر پس از آنکه علم برای آنان آمد؛ و هرکس به آیات خدا کفر ورزد، پس خدا سریع الحساب است). [آل عمران، ۱۸ و ۱۹]

نور^۲ و آخرین آیه سوره کهف^۳ را قرائت کنید، و دعاها و اذکار ماه رجب را از دست ندهید.

۱ - آیه سحره: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بَأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾

(در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش، استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبید می‌پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد]. آگاه باش که خلقت و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان * پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد * و در زمین پس از به‌اصلاح‌درآمدنش فساد نکند و با بیم و طمع او را بخوانید. به‌راستی که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.) [اعراف، ۵۴ تا ۵۶]

۲ - آیه نور: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ اسْتَوَىٰ فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ اسْتَوَىٰ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ اسْتَوَىٰ لِيُخْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَزُزُّ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

(خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی است، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری است درخشان که از درخت خجسته زیتونی - که نه شرقی است و نه غربی- آفروخته می‌شود. نزدیک است روغنش روشنی بخشد هرچند به آن آتشی نرسیده باشد. نوری بر روی نوری است. خدا هرکه را بخواهد با نور خود هدایت می‌کند، و این مثل‌ها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هرچیزی داناست * [این نور] در خانه‌هایی است که خدا اذن داده رفعت یابند و نامش در آن‌ها ذکر شود. همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند * مردانی که نه تجارت و نه هیچ دادوستدی، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد؛ در حالی که از آن روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیوروی می‌شود در هراس اند * تا خدا بهتر از آنچه انجام می‌دادند به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا هرکه را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.) [نور، ۳۵ تا ۳۸]

۳ - آخر کهف: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا * قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

از خدا بخواهید شما را ختم به خیر فرماید و از وسوسه‌ها و تشویق‌های شیطان و توطئه‌ها و فریب‌هایش دورتان گرداند. چه بسیار عابدی که با عبادتش به عیون ارتقا یافت، در حالی که در غفلتی از سوی او، شیاطین انس و جن او را در «اسفل السافلین» انداختند.

از خدا بخواهید هنگامی که سختی‌ها بر شما شدت می‌گیرد و فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریکی پس از دیگری- بر شما سایه می‌اندازد، غار شما، دژ استوار شما و پناهگاه شما از حيله‌های شیاطین و تاریکی‌های منافقان و آزار ستمگران باشد.

مبادا این روزهای مبارک را از دست داده، بهره خود را تباه کنید. حتی در حین کارهای روزمره می‌توانید تسبیح بگویید، استغفار کنید و ذکر بگویید. بیاموزید، بدانید، خالص شوید و از خدا بخواهید از بندگانی باشید که نزد او بیشترین بهره را از هر خیری که فرو می‌فرستد و هر شری که دفع می‌فرماید دارا هستند.

به خدا سوگند این روزها، روزهای مسابقه و رقابت در نزدیک شدن به خدا و رسیدن به مقامات بالا نزد اوست؛ و چه نیکو مسابقه‌ای است! پس بار خود را ببندید، گام‌ها را سریع کنید و به سوی خدا حرکت کنید و با عمل و اخلاصتان جز به بالاترین درجات نزد خدا رضایت ندهید.

پیوسته منتظر شنیدن صدای گام‌هایتان در ملاً اعلی هستیم؛ پس برای مامایه افتخار باشید.

و در اول و آخر، و ظاهر و باطن سپاس و ستایش تنها از آن خداوند است، او سرپرست

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحْدَا ﴿﴾

(بگو اگر دریا برای کلمات پروردگار مُرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد قطعاً دریا پایان می‌یابد، هرچند نظیرش را به یاری بیاوریم * بگو من تنها بشری همچون شما هستم که به من وحی می‌شود؛ اینکه خدای شما خدایی یگانه است. پس هرکس به دیدار پروردگار خود امید دارد باید به کاری شایسته بپردازد، و هیچ‌کس را در

پرستش پروردگارش شریک نسازد). [کهف، ۱۰۹ و ۱۱۰]

من است و صالحان را سرپرستی می کند.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ می ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

خداوند پاداش های شما را بزرگ گرداند و اعمالتان را قبول فرماید.

بانوی شاعر و قاری،^۱ خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

<https://www.youtube.com/watch?v=i۶۶۵HODU۶JM>

*** **

بحث آیه اکمال الدین

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ می ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به مناسبت حلول ماه مبارک شعبان، هر سال در خیر و عافیت باشید. از خدا می خواهم

روزه و به پاداشتن آن و دعا در شب ها و روزهای این ماه را روزی شما فرماید.

فایل زیر بحث «آیه اکمال دین» است که در «دانشکده عالی پژوهش های دینی و

زبان شناسی» به صورت صوتی ضبط شده است:^۲

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳>

[۰۷۹۶۸/۸۴۰۹۴۸۸۵۰۹۵۲۷۷۹/?type=۳&theater](https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳/?type=۳&theater)

*** **

۱- قصیده «زینب و صبر» از سروده های «طاهره احمد» و اجرای «مسلم الجیاشی».

۲- می توان به این مبحث به صورت مکتوب و مفصل در کتاب عقاید اسلام، سید احمد الحسن (علیه السلام)، ص ۸۶ مراجعه نمود.

تشکیل نیروهای مبارز برای دفاع از سرزمین عراق و مقدسات

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۲ می ۲۰۱۵:

﴿إِذْ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنصَرْنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شد، رخصت [جهاد] داده شد؛ چرا که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر یاری آنان سخت تواناست * همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. جز این نبود که می‌گفتند «پروردگار ما خداوند است» و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که او را یاری می‌کند، یاری می‌رساند، که خداوند سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است * همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا می‌دارند، زکات می‌دهند، به کارهای پسندیده امر می‌کنند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداست).^۱

مدت‌ها پیش از تسلط یافتن برخی از وهابی‌ها تحت تشکیلات معروف به «داعش» - بر برخی از مناطق و استان‌های عراق، بیان کردم که این اتفاق خواهد افتاد. مطلب زیر را بنده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۲ در همین صفحه مبارک کنشتم:

«به مناسبت:

- نبرد صفین

- ورود اسیران آل محمد به شام

۱. [حج: ۳۹ تا ۴۱].

- آنچه امروز در سوریه روی می‌دهد

دعوت خود را بار دیگر تکرار و آن را متوجه مسلمین در هر مکانی به‌خصوص در عراق- می‌کنم تا گرد این پرچم حق مهدوی برای رویارویی با آدم‌کش‌های القاعده سفیانی یکپارچه شوند؛ آدم‌کش‌هایی که در سوریه با پشتیبانی حکومت آمریکایی و پیروانش جمع شده‌اند و عراق را به‌عنوان گام بعدی خود در نظر دارند»

و پس از وقایعی که در عراق اتفاق افتاد پرسش‌های افسران و سربازان عراقی که به دعوت حق مهدوی ایمان آورده‌اند بسیار شد. آن‌ها پرسش‌های فراوانی دربارهٔ تکلیف خود می‌پرسند و من در همان زمان گفتم تکلیف آن‌ها جنگ و جلوگیری از سلطهٔ این مجرمان بر سرزمین عراق و مقدسات است؛ و خداوند چنین خواست که برخی از این افسران و سربازانی که از سرزمین و ناموس و آبرو و مقدساتشان دفاع می‌کنند به شهادت برسند. همان طور که انصار از «بلد» و نیز «تلعفر» پیش از آنکه سقوط کند دفاع می‌کردند و آن‌طور که به من خبر دادند انصار در نجف آمادگی خود را برای دفاع از نجف به حکومت محلی اعلام کرده‌اند؛ اما در کربلا -طبق آنچه مؤمنان به من خبر رسانده‌اند- حکومت محلی که بر کربلا حکم می‌راند اقدام به بستن حسینیهٔ انصار امام مهدی کرده است؛ آن هم به این دلیل که مؤمنان در کربلا آمادگی خود را برای دفاع از کربلا و فداکردن خون خود اعلام کرده بودند؛ اما پاسخ حکومت محلی یا اندک‌جماعت حاکم بر کربلا -در عمل- بستن حسینیهٔ انصار امام مهدی در کربلا بود. متأسفانه این وضع عمومی عراق است. عراق محکوم به منطق گروه‌ها یا کسانی است که بر هر کاری که غالب شوند همان را انجام می‌دهند. هیچ قانونی وجود ندارد تا بر کسانی که بر عراق حکومت می‌کنند حاکم باشد یا آن‌ها بر اساس آن حکم کنند، و نه حتی قانونی که خودشان وضع کرده باشند.

آشفته‌گی، بی‌برنامگی و تفکرات وابسته به ذهنیت‌های احزاب که شاخصهٔ حکمرانی در عراق است -چه در سطح حکومت مرکزی و چه منطقه‌ای- از زمان ورود آمریکا تا امروز مهم‌ترین عامل سقوط تلعفر و دیگر مناطق عراق بوده است.

بنده در اینجا نمی‌خواهم نقدی به کسی وارد کنم. وضعیت، در نهایت خطرناک بودن

است؛ به طوری که نیاز به سخن‌پردازی بسیار نیست. از ما و دیگران تنها فداکاری و قربانی شدن خواسته می‌شود تا مقدسات و سرزمین و ناموس و آبرو حفظ شود. هرآنچه گفتم به دلیلی که در ادامه خواهد آمد در نهایت خلاصه‌گویی بود.

آنچه می‌خواهم امروز بگویم و حجت را تمام کنم: پس از سیطرهٔ تشکیلات وهابی بر الانبار عراق و تدمر در سوریه، وضعیت واقعاً خطرناک شده است. آن‌ها شروع به پیشروی به سوی بغداد کرده‌اند و زمان به نفع بغداد و کربلا و نجف و دیگر استان‌های عراق نیست؛ به همین دلیل، ما آمادهٔ تشکیل نیروهای مبارز برای دفاع از سرزمین عراق و مقدسات هستیم. پس اگر حکومت مرکزی عراق، آمادهٔ همکاری با انصار امام مهدی برای دفاع از سرزمین عراق و مقدسات باشد، لازم است نخست‌وزیر عراق یا نمایندهٔ رسمی او، یا وزیر دفاع یا نمایندهٔ رسمی او، یا وزیر کشور یا نمایندهٔ رسمی او، با مکتب رسمی در نجف اشرف تماس حاصل کند تا برای تشکیل نیروهای جنگی و مسلح کردن و تجهیز آنان به منظور دفاع از سرزمین عراق و مقدسات همکاری به عمل آید.

خدایا شاهد باش که ما رساندیم و حجت کامل را اقامه کردیم؛ به طوری که در آن هیچ پوشیدگی‌ای نیست.

*** **

تشکیل سرایا القائم

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ژوئن ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

هر سال در خیر و عافیت باشید و ان شاء الله بر خلاف کینه‌توزانی که مایل نیستند

امروز پرچم قائم برافراشته شود، به فتح و پیروزی نزدیک باشید.

مایلم به دنبال‌کنندگان این صفحهٔ مبارک عرض کنم که ما در پی تشکیل «سرایا

القائم» برای دفاع از سرزمینمان هستیم؛ زیرا ما عراقی هستیم و این حق شرعی ماست؛ چه حکومت عراق راضی باشد، چه راضی نباشد. ما حجت را بر آنان اقامه کردیم و از آن‌ها خواستیم در صورتی که تمایل داشته باشند به صورت رسمی با مکتب همکاری کنند.

سرزمین عراق، سرزمین ما و امام حسین (علیه السلام) و امام علی (علیه السلام) و امام موسی کاظم (علیه السلام) است. آن‌ها امامان ما و مقدسات ما هستند.

ارتش عراق -در چشم برهم‌زدنی- استان‌ها را به‌طور کامل تسلیم کرد و ما یک روز بیدار شدیم و دیدیم ارتش، موصل و دیگر جاها را تسلیم کرده و سلاح‌های پیشرفته‌ای را که با اموال بصره و نفت جنوب خریداری کرده بود تسلیم داعش کرده است. ارتش، تلفر را تسلیم کرد و حتی اقدام به مسلح‌سازی انصار مؤمن در تلفر نیز نکرد تا از سرزمین خود دفاع کنند و آن‌ها پس از اتمام مهمات خود ناگزیر به عقب‌نشینی شدند تا خانواده‌های خود را به مکان‌های امن منتقل کنند. عراقی‌ها در همین روزهای اخیر بیدار شدند و دیدند ارتش، «رمادی» را در چشم برهم‌زدنی تسلیم کرده و داعش را در سرحدات کربلا و نجف قرار داده است و این سفیانی‌های ملعون شروع کرده‌اند به عربده‌کشی و تهدید به تخریب ضریح امام حسین (علیه السلام). به همین دلیل ما بیش از این -حتی یک لحظه دیگر نیز- منتظر نمی‌مانیم تا شاهد باشیم در یکی از همین روزها ارتش، داعش را وارد نجف و کربلا یا بغداد کند تا مرقد‌های امامان ما نجس و آلوده شود.

بنده عراقی‌های مظلوم و ستم‌دیده را مخاطب قرار می‌دهم: ما می‌خواهیم از عرض و آبروی خود و شما و کشورمان و مقدساتمان دفاع کنیم. این حق شرعی ماست؛ به خصوص وقتی که خطر -درست مثل وضعیتی که امروز وجود دارد- بزرگ باشد؛ زیرا داعش استراتژی عمیقی دارد که تا دوردست در عمق سوریه کشیده می‌شود. هر افسری که از دانشکده نظامی یا دانشکده افسری فارغ‌التحصیل می‌شود -و از افسران شبه‌نظامی که امروز ارتش عراق با آنان عجین شده است نباشد- به‌خوبی می‌فهمد من چه می‌گویم. اگر این نکته را نیز در نظر بگیریم که نیروهای زمینی -در نهایت- کار را به جایی رساندند که داعش به مرزهای کربلا و نجف و بغداد رسید، این مسئله روشن‌تر خواهد شد.

دوستان بزرگوایم، فرزندان ستم‌دیدهٔ عراق: ما تصمیم به تشکیل «سرایا القائم» برای دفاع از کشور و مقدسات گرفتیم و ما می‌دانیم احزاب بسیاری وجود دارند که شما آن‌ها را می‌شناسید و می‌دانید که آن‌ها خواهان این امر نیستند؛ بنا به علتی که برای کسانی که وقایع ظهور را دنبال می‌کنند شناخته شده است. ما برای حمایت از برادران و فرزندان مؤمن شما - انصار امام مهدی - به شما نهیب می‌زنیم و من با اطمینان کامل می‌گویم در میان شما افراد نیکوکار و پاک‌سرشت بسیاری وجود دارند که در کنار ما خواهند ایستاد و همراه ما در یک صف به نبرد برواوند خاست؛ ان شاء الله.

مایلم از برخی اشخاص یا رهبران «حشد الشعبی» [نیروهای بسیج مردمی عراق] تشکر کنم که به صورت تلفنی تماس گرفتند یا با مکتب در نجف اشرف دیدار کردند و احساسات و تمایل خود را برای حمایت از انصار امام مهدی (علیه السلام) جهت تشکیل نیروهای مبارز برای دفاع از سرزمین عراق و عرض و آبرو و مقدسات ابراز نمودند. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

*** **

هدف از تشکیل سرایا القائم

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۵ ژوئن ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

«سرایا القائم» با هدفی که آن را به صراحت و روشنی اعلام کرده‌ام تأسیس شد که عبارت است از حمایت از مقدسات، ناموس و نیز کشورمان در برابر هجوم آنچه داعش نامیده می‌شود؛ گروهی که کشور ما عراق را در هم کوبیده است. ما هیچ هدف یا تمایلی برای روبه‌روشدن با پلیس یا ارتش یا آزار و اذیت آن‌ها نداریم؛ بلکه برعکس - دشمن ما و دشمن شما یکی است؛ یعنی همین سفیانی‌هایی که کشور ما را در هم کوبیده‌اند و

می‌خواهند مقدسات ما را آلوده کنند. همچنین ما حزب سیاسی که مثلاً در انتخابات عراق شرکت کند نیستیم تا یکی از سیاسیون تصور کند ما می‌خواهیم [به این وسیله] برای رقابت با آنان برای به اشغال درآوردن منصب‌ها و کرسی‌ها تبلیغات سیاسی انجام دهیم. به همین دلیل همه شما را فرا می‌خوانم که برادران و فرزندان خود را در سرایا القائم یاری کنید، اینان کسانی هستند که جز حفظ مقدسات، ناموس و سرزمین‌ها از هجوم این وهابی‌های سفیانی، خواهان هیچ چیز دیگری از اموال فناپذیر این دنیا نیستند.

و برای آنکه همگان بدانند [می‌گویم که] ما مجبور به تأسیس «سرایا القائم» شدیم؛ پس از آنکه ارتش، الرمادی را به داعش - لعنت خدا بر آنان - تسلیم کرد و این سفیانی‌ها شروع به پیشروی به سوی بغداد و تهدید به ویران کردن ضریح امام حسین (علیه السلام) کردند، پیش روی ما بیش از یک انتخاب باقی نماند که به هیچ وجه نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کنیم و آن، عبارت است از دفاع از سرزمین و مقدساتمان در برابر تهاجم وهابی‌های سفیانی.

همچنین می‌خواهم برادران سنی و دیگران مطمئن باشند که سرایا القائم هدفی جز دفاع از عراق و مقدساتش ندارد و هدفش در عراق فقط این وهابی‌های سفیانی است که به کشورمان هجوم آورده‌اند و به نابود کردن مقدساتمان تهدید می‌کنند.

*** ** *

توصیه‌هایی به سرایا القائم

احمدالحسن / ۵ ژوئن ۲۰۱۵: Ahmed Alhasan

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

عزیزان مؤمن در سرایا القائم:

از شما می‌خواهم از هرگونه تظاهرات مسلحانه در داخل شهرها پرهیز کنید؛ مگر با

هماهنگی نیروهای امنیتی آن شهرها در صورت ضرورت یا نیاز به این کار. و از شما ای عزیزان من- می‌خواهم هیچ دلیل یا بهانه‌ای به دست شیاطین- برای طعنه‌زدن به شما و پاکی و دوربودنتان از زینت‌های دنیوی، خودنمایی، فخرفروشی و صفات نکوهیده‌ای که خداوند سبحان و متعال دوستشان ندارد- ندهید.

بر عبادت‌ها و نماز خود- به‌خصوص نماز شب- محافظت کنید و نیز بر نظم، آموزش و به دست آوردن درجه بالایی از استقامت جسمانی و روانی محافظت کنید. از فرماندهان جنگی می‌خواهم از مؤمنان فارغ‌التحصیل دانشکده‌های تربیت بدنی یاری بگیرند و برنامه‌ای دقیق برای آمادگی جسمانی تنظیم کنند.

عیزان: به فرماندهان جنگی خود اعتماد کنید؛ چراکه آن‌ها متخصص و بسیار باکفایت هستند؛ ان‌شاءالله. دیشب به‌طور رسمی یکی از مؤمنان را مکلف به فرماندهی عملیاتی «سرایا القائم» کردم. او یکی از فارغ‌التحصیلان اولین دانشکده نظامی و نیز دانشکده فرماندهان است. برادران شما در مکتب را نیز مکلف کردم که پرچم سرایا القائم را در اولین فرصت ممکن به او واگذار کنند؛ ان‌شاءالله. از شما می‌خواهم با برادرتان «ژنرال ابو حمزه»- خدا حفظش کند- همکاری و از او اطاعت کنید.

همچنین: ان‌شاءالله برادر عزیزم محمد- خدا حفظش کند- با شما مشارکت خواهد کرد. او نیز فارغ‌التحصیل اولین دانشکده نظامی و متخصص تانک است. به فضل خدا بسیاری از برادران متخصص شما وجود دارند که این سرایا (پیش‌قراولان) را بی‌وقفه به پیش خواهند برد- ان‌شاءالله- تا شایستگی رویارویی نظامی با هجوم وهابی‌های سفیانی (یا آنچه داعش خوانده می‌شود) را برای عراق و مقدساتش و یکسره‌کردن کار آنان به دست آورند؛ ان‌شاءالله.

سفارش من به شما در این روزها، عبادت، سپس آموزش جسمانی و نفسانی و مطیع کردن خویش به فرمانبرداری از فرمانده نظامی ناحیه‌ای، و گردن‌نهادن به اوامر است؛ و دل‌مشغولی همیشگی شما باید یاد خدا و اطاعت از خدا و جاری‌ساختن خواسته خداوند سبحان و متعال باشد.

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

** ** *

شعار و سرود رسمی «سرایا»

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ ژوئن ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

عیزان در «سرایا القائم» - که خدا حفظتان کند و گام‌هایتان را استوار بدارد:

شعار رسمی شما باید:

«لا قوة الا بالله» (نیروی نیست مگر با خداوند) باشد.

و سرود رسمی شما باید:

قصیده سید حسینی باشد؛^۱ خداوند او را حفظ و عمرش را به‌عنوان یاری‌گری برای

حق و آل محمد - صلوات خدا بر همه‌شان - طولانی فرماید.

خداوند خواننده مجاهد، یاریگر آل محمد (صلوات خدا بر آنان) «مسلم جیاشی» را

پاداش خیر عطا فرماید، او را حفظ و گام‌هایش را استوار بدارد.

و خداوند به کسانی که در موسسهٔ یمانی کار می‌کنند بهترین پاداش نیکوکاران را عطا

فرماید:

https://www.youtube.com/watch?v=۸_scpgoKgBo

** ** *

۱ - قصیده‌ای با عنوان «دقت طول الحرب هاشمیه / طبل‌های جنگ هاشمی نواخته شد».

فرم نام نویسی فرمانده میدانی

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ٧ ژوئن ٢٠١٥:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

فرم نام نویسی برادر عزیز، فرمانده عملیاتی سراپا القائم که خداوند حفظش بفرماید:



التاريخ: ٣ / ١٠ / ١٤٠١ <

رقم الاستمارة:

				الاسم الرباعي واللقب	
واسط ١٩٦٨-				تاريخ ومحل الولادة	
تاريخ التنظيم:		دائرة الاحوال		رقم هوية الاحوال المدنية	
رقم الدار:	المحلة:	القضاء:النجف	البلد: العراق	عنوان السكن	
لا توجد		رقم احد اقرابه		رقم هاتف المتنوع	
لا توجد	المعاملات المستديمة	لا توجد	الامراض المزمنة	فصيلة الدم	
ماجستير علوم عسكرية -خريج الكلية العسكرية الاولى دورة ٧٣- كلية الاركمان دورة ٦٦-				التحصيل الدراسي	
ضابط الرتبة :- لواء ركن				الرتبة الحالية وفق برنامج الترقية المنتظم لضباط الجيش	
عدد الاولاد: ٤		متزوج: متزوج		الحالة الزوجية	
في القيادة والتدريب والتنظيم والتخطيط والعمل الاستخباري				الخبرة والتدريب القتالي	
عدد سنوات الخدمة ٢٣		نعم	نعم	هل لديك خدمة عسكرية سابقة	
صواريخ ارض ارض				الصف العسكري	
دورات التخصص صف متعددة دورات مجال الاستخبارات		نعم	نعم	هل سبق ان شاركت في دورات عسكرية	
المسدس -البندقية-القذيفة-اسلحة الصواريخ		نعم	نعم	هل توجد استخدام السلاح	
الهاتف		الاسم		جهة التعريف	
		١ مكتب السيد احمد الحسن ع-النجف			
				٢	

تعهد خطي:

التي (أتعهد أمام الله سبحانه وتعالى وخلفائه الطاهرين عليهم السلام بالدفاع عن أرض العراق ومقدساته وفق التوجيهات الصادرة من مكتب السيد أحمد الحسن عليه السلام.



التوقيع:

فرم نام نویسی سید محمد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۷ ژوئن ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

فرم نام نویسی برادر عزیزم محمد که خداوند حفظش فرماید:



مکتبه
السید احمد الحسن علیه السلام
المکتب الأنوار

((استمارة تطوع شباط الحادي عشر))

رقم الاستمارة: _____ التاريخ: 11 / 1

الاسم الرباعي واللقب		محمد احمد علي صالح الحسيني والمسمى	
تاريخ ومحل الولادة		3/4/1965 / حماة منطقة البصرة /	
رقم جوية الأحوال المدنية		دارة الاحوال	
عنوان السكن	البلد	المدينة	القضاء
رقم هاتف الملتصق	رقم اعد قاريه	البريد	
اصية الدم	B+	البريد	
التحصيل الدراسي	بكالوريوس في الآداب / جامعة البصرة / كلية الآداب / جامعة البصرة /		
قرية النائية وفق برنامج	الغزو		
الوقفة المنتظم لخدمة الجهاد	مزوج ✓ عند الزوار (بصحة (D)		
الحالة الزوجية	متركة		
الخبرة والتدريب القتالي	خبرة في القتال / 01 سنة		
هل لديك خبرة عسكرية سابقة	نعم ✓	كلا	لا
الصف العسكري	متركة		
هل سبق ان شاركت في	نعم ✓	لا	
ثورات عسكرية	نعم ✓		
هل لديك استعداد للتلاح	نعم ✓		
جهة التعريف	الاسم		
	الوالد		

تعهد بالتطوع:

ان (محمد احمد علي صالح الحسيني) كونه اسم له سعة (تعالى وعائلته والذوات الخاضعين عليه السلام والتفاح من ارض العراق ومقتله وفق التوجيهات الصادرة من مكتب السيد احمد الحسن عليه السلام



الاسم محمد احمد علي صالح الحسيني واللقب الحسيني
التوقيع

با شادمانی به عرصه‌های کارزار رو می‌کنید

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ ژوئن ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
شما نور دیدگانید. شما تاج سرهایید.
جایگاه شما در قلبها و در ملکوت آسمانهاست.
ای پادشاهان آخرت،
ای غیرتمندان، ای شرافتمندان،
ای کسانی که برای دفاع از مقدسات خود، آبروی خود و از عراق علی و حسین که
وهابیهای سفیانی از تمامی نقاط زمین بر آن حملهور شدهاند، ندای واجب را لبیک
گفتید.
کلمات از وصف شما ناتواناند.
بشارت داده شده، شادمان و خندان به عرصه‌های کارزار رو می‌کنید تا با خون‌هایتان
دلیرانه‌ترین قصه‌های ایثار را به نگارش درآورید.



پی نوشت / ۹ ژوئن ۲۰۱۵:

Ahmed Alhasan احمدالحسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
وقتی آب بالا بیاید موش‌ها و موش‌صفتان سرهای خود را بیرون می‌آورند.
منافق و خواهان دنیا و جاه و منصب، امروز نمی‌تواند سر به گریبان بگیرد؛ زیرا آب

خیلی بالا آمده است.

همه شما به فضلی که خداوند بر ما دارد دیدید که دعوت خداوند از مدتی پیش و در این روزها با شتاب، از منافقان خالص می‌شود؛ کسانی که اگر در میان شما می‌ماندند جز فساد و تباهی بر شما نمی‌افزودند.

﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد بر شما نمی‌افزودند، و قطعاً خود را میان شما می‌انداختند تا در میانتان فتنه‌جویی کنند، و در میان شما جاسوسانی برای خویش دارند، و خدا به ستمکاران داناست).^۱

پس شادمان باشید به‌خاطر رهاشدنتان از این کسانی که آفت آنها را پوسانده، عقل‌هایشان متعفن شده و بوی گند گرفته‌اند و خداوند و فرشتگان آسمان راه‌افتادن آنها را برای جهاد خوش نداشتند.

﴿كِرَهُ اللَّهُ أَنْبِعَانَهُمْ فَتَبَّطَهُمْ وَ قِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ (خداوند راه‌افتادن آنان را خوش نداشت؛ پس ایشان را منصرف کرد و [به آنان] گفته شد: «با ماندگان بمانید.»).^۲

پی‌نوشت / ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵:

Ahmed Alhasan احمد الحسن: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما.

چند روز پیش نوشتم: وقتی آب بسیار بالا بیاید موش‌ها چاره‌ای نخواهند داشت جز اینکه سرهایشان را بالا بیاورند. پس از اعلام تشکیل «سرایا القائم» منافقان نتوانستند پنهان شوند. آن‌ها تنها با یک انتخاب و نه بیشتر- محاصره شدند؛ اینکه چهره‌های خود

۱. [توبه: ۴۷].

۲. [توبه: ۴۶].

را عیان کنند تا مردان و زنان مؤمن آن‌ها را بشناسند و دعوت حق از آن‌ها خلاص شود و آن‌ها به زباله‌دان تاریخ بپیوندند و گفته شود: الحمد لله رب العالمین.

اخیراً «علی غریفی» سر خودش را بالا آورده است و ما چنین انتظاری از او داشتیم. خداوند از مدتی پیش به فضل خودش- ما را از کار این منافق آگاه کرده بود و اکنون این منافق اقدام به بارگزاری ویدئویی کرده و آن را پر از اشکالات و بی‌خردی‌هایی نموده است که بزرگان ناصبی‌اش علیه دعوت و حرکت حق تکرار می‌کنند. و او نیز که دنباله آن‌هاست- همین اشکال‌تراشی‌ها را نُسخوار کرده که سراسر مغالطه‌گری‌ها، اشکال‌تراشی‌ها و بی‌خردی‌هایی هستند که در سیره انبیا و ائمه و روایت‌هایشان و اعتقادات ثابت‌شده و شرعی، پاسخ داده شده‌اند. این پاسخ‌ها برای مؤمنان - خداوند جزای خیرشان دهد- پوشیده نیست؛ همان کسانی که چهل علی غریفی را بیان کرده و می‌کنند؛ همان طور که جهل و نادانی بزرگان او را -از شیاطین انس و جن که متصدی پیکار با این دعوت یاری‌شده توسط خداوند هستند- بیان نموده‌اند. از سوی دیگر علی غریفی این ویدئو را با دروغ‌ها، افتراها، اتهامات و نتیجه‌گیری‌هایی مبتنی بر توهمات پُر کرده است و حتی برادر عزیزم محمد- خدا حفظش کند- نیز از تیر تهمت‌های او در امان نمانده است! این منافق چیزی در دعوت حق یا رکنی از ارکانش را باقی نگذاشته است، جز اینکه تلاش کرده به‌صورتی کور، عبث، کودکانه و ابلهانه به آن حمله کند؛ تلاشی از سر تیره‌روزی و بیچارگی از سوی ابلیس و سپاهیان‌ش، و آن‌ها در آخرین نفس‌ها و آخرین لحظات برای آسیب‌رساندن به دعوت حق به سر می‌برند؛ اما هیئات! آن‌ها چگونه می‌توانند چنان کنند. همان طور که چند روز پیش عرض کردم این غربال و جداسازی و خالص‌سازی برای خالص کردن دعوت حق از منافقان و خواهندگان دنیا و هوا و هوس و بندگان شهوات است. خداوند خوارشان کند! از خداوند مسئلت داریم برادران و خواهران مؤمن را در پناه خویش محفوظ بدارد و آن‌ها را از شر منافقان، تاریکی‌ها و بی‌خردی‌هایشان در امان بدارد.

«علی غریفی» کسی است که ابلیس لگامش زده و زبانش را علیه تمامی کسانی که با

من در ارتباط هستند دراز کرده است؛ همان کسانی که پس از اینکه خودم از آن‌ها خواستم- مرتبط‌بودنشان با من را برای همهٔ مردم اعلام کردند. او تنها به سبب جهل و نادانی خود زبان طعن علیه دکتر عبد الرزاق هاشم دیراوی گشوده است؛ این آیت بزرگ و برادر و دوست عزیز! کسی که همهٔ زندگی مبارکش را نذر یاری دعوت حق کرده است و کتاب‌ها و برنامه‌هایش در این خصوص برای او گواهی می‌دهند. همان کسی که بنده به‌طور مستمر و مستقیم با او در ارتباط هستم و محتوای کتاب «توقف‌گاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و آکد» را در این صفحه منتشر کردم و این پس از آن بود که او در دیداری حضوری با من صحبت کرد و از من خواست که به برخی از سؤالاتش در رابطه با بحث علمی آکادمیک پاسخ دهم. من نیز به‌طور مختصر پاسخ دادم و به او گفتم پاسخ تفصیلی به شما را از طریق صفحه‌ام در فیس‌بوک ارائه خواهم کرد زیرا پاسخ‌ها طولانی بود- و در این صفحه، پاسخ او را از طریق انتشار بحث «چشم‌اندازها» ارائه کردم؛ و الحمد لله رب العالمین.

اما رحمت آل محمد (صلوات خدا بر همه‌شان) که تو از آن سؤال می‌کنی، تو و منافقانِ امثال تو- که خداوند رسوایشان کند- در جایگاه رحمت آنان قرار ندارید. جایگاه رحمت، مؤمنان و مخالفانی هستند که دشمنی را «نصب‌العین» خود نکرده‌اند (آشکار نکرده‌اند)؛ اما منافقان دروغ‌زنی همچون تو و نواصبی (دشمنان) که دشمنی خود را آگاهانه اعلام می‌کنند و بر آن اصرار می‌ورزند و با حق به پیکار برمی‌خیزند، چنین افرادی در جایگاه این رحمت قرار ندارند. پس خداوند همهٔ شما را لعنت می‌کند و به شما وعدهٔ فرود آمدن بدترین عقوبت‌ها را می‌دهد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ (خدا آتش دوزخ را به مردان و زنان منافق و کافران وعده داده است؛ در آن جاودانه‌اند؛ همان برای آنان بس است و خدا لعنتشان کرده و برای آنان

عذابی پایدار است).^۱

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾
(قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می کند، و برای آنان عذابی خوارکننده مهیا ساخته است).^۲

﴿وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند عذاب کند؛ پیشامد بدِ زمانه فقط بر خودشان باد. خدا بر آنان خشم گرفته، لعنتشان کرده و دوزخ را برای آنان آماده نموده و بد بازگشت گاهی است).^۳

این را نوشتیم تا حجت را اقامه کنیم و تا اینکه پس از امروز، موضع گیری هیچ فرد یا جماعتی ناواضح باقی نماند؛ زیرا منافقان در میان ما جایی ندارند. به همین دلیل از عبدالله هاشم و جماعتی که در مصر با او همکاری می کنند می خواهیم از علی غریفی -خدا خوارش گرداند- و نیز از گمراهی و انحرافی که او به سوبش دعوت می کند به طور علنی و به سرعت، بدون هیچ فوت وقتی و یک به یک، اعلام بیزاری کنند. متأسفانه عبدالله هاشم خودش را به وسیلهٔ اموری مالی به علی غریفی مرتبط ساخته است؛ آن هنگام که علی غریفی در تلاشی -به وضوح و آشکارا- این مطلب را به آن ها عرضه داشت تا از عبدالله هاشم و همراهانش بهره کشی کند. به همین دلیل من آن ها را مخاطب قرار داده، به آن ها می گویم امروز می توانید در نهایت کم ارزشی باشید و قیمتتان -حتی با معیارهای مادی- اندک و ناچیز باشد و این همان چیزی است که علی غریفی -که دشمنی

۱. [توبه: ۶۸].

۲. [احزاب: ۵۷].

۳. [فتح: ۶].

را نصب العین خود کرده است. تقدیم می‌کند و به این ترتیب همراه او و دشمنان انبیا و اوصیا به سوی جهنم و زباله‌دان تاریخ رهسپار شوید؛ یا انتخاب کنید جواهری ملکوتی باشید و بهایتان بهشت و رضایت خداوند سبحان و متعال همراه با احمد الحسن باشد.

*** **

پاسخ به شبهات سید حسن نصرالله درباره دعوت یمانی

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۴ ژوئن ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

دکتر علاء السالم، خداوند تو را پاداش خیر عطا فرماید که با وجود مشغله‌های فراوانت. از حق دفاع می‌کنی: ۱

<https://www.youtube.com/watch?v=zsaEjzεεswIA&feature=youtu.be>

*** **

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۷ ژوئن ۲۰۱۵:

Ali Alali نوشته است:

«مدیریت برنامه «الحقیقة» افتخار می‌کند که سید و امام احمد الحسن (علیه السلام) به صورت ویژه در برنامه «الحقیقة» دعوت کند و امید است سیدمان این دعوت را بپذیرد. با تشکر فراوان از شما.

با تحیات، خدمتگزار شما، عاملی.»

پاسخ:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

اصولاً مانعی وجود ندارد و دعوت شما ان شاء الله مقبول است و اگر عمری باقی باشد در خدمت شما خواهیم بود؛ شاید در ماه مبارک رمضان. فقط لطفاً با مکتب نجف گفتگو و با آنان همکاری کنید و ان شاء الله آن‌ها را به این کار توصیه خواهیم کرد.^۱

*** **

عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک‌تر است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ ژوئن ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، هر سال در خیر و عافیت باشید.

روزه‌تان مقبول و گناهانتان آمرزیده باد؛ ان شاء الله.

قرائت قرآن، هم‌نشین روزه این ماه کریم است. پس باید قرائت قرآن ما، همراه با تدبیر

باشد و باید از اکنون تلاش کنیم به مضامین قرآن عمل نماییم.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (ای اهل ایمان! همواره قیام‌کننده برای خدا و گواهان به عدل‌وداد باشید. و نباید دشمنی با گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک‌تر است. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است).^۲

دلیل بر اینکه قرآن از سوی خداوند است، حکمت والایی است که قرآن آورده. از نظر

بنده همین سخن حق تعالی که «عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک‌تر است»

به‌تنهایی کافی است تا ثابت کند قرآن از سوی خداوند است.

۱ - در فایل پیوست بعدی، لینک دیدار منتشر خواهد شد.

۲. [مائده: ۸].

عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیکتر است...

محمد ﷺ با ناملایمات و دشمنی بسیاری از افراد پیرامونش احاطه شده بود؛ زیرا آن حضرت از دید آن‌ها- آمده بود تا شکوه و بزرگی یا سلطهٔ دینی یا حکومت دنیوی آن‌ها را نابود کند؛ علاوه بر منافقانی که درصدد به‌دام‌انداختن آن حضرت بودند. ملاحظه می‌کنیم که آن حضرت این کلمات را آورد؛ کلماتی که به او و پیروانش دستور می‌دهد با دشمن به عدالت و انصاف رفتار کند، حتی در سخن‌گفتن.

عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیکتر است...

آیا می‌خواهید بدانید میزان حکمت نهفته در این آیه را و اینکه این آیه دربردارندهٔ چه معنای بزرگی در نبرد با نفس و «من» یا روزه در بالاترین درجاتش است؟ اعمال خود را به آن عرضه بدارید.

به خودتان بنگرید و اینکه با دشمنان یا کسی که دشمنی خود را با شما علنی می‌کند چگونه رفتار می‌کنید و نفستان چه دستوری به شما می‌دهد. آیا با کسی که با شما دشمنی می‌کند به عدالت و انصاف رفتار می‌کنید؟ آیا از دروغ‌بستن و افترازدن بر او خودداری می‌کنید؟ آیا او را فقط به همان چیزی که هست توصیفش می‌کنید؟ آیا اگر او کار خوبی کرد می‌گویید کار خوبی انجام داد همان‌طور که به‌دنبال شکار هر خطایی از او هستید، یا از هر کاری، برای او گناهی نابخشودنی می‌سازید؟!

آیا می‌خواهید بدانید عمل کردن به این آیه چقدر دشوار است؟

بنگرید بیشتر مردم چگونه با دشمنان خود رفتار می‌کنند. خواهید دید بیشترشان مخالفان خود را تحمل نمی‌کنند و آن‌ها را با زشت‌ترین اوصاف، افتراها و دروغ‌ها توصیف می‌کنند. پس با کسانی که با آن‌ها دشمنی می‌کنند چگونه رفتار خواهند کرد!

عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیکتر است...

در این ماه رمضان باید تلاش کنیم به این آیه عمل کنیم. خواندن قرآن بدون عمل، هیچ ارزشی ندارد. چه فایده‌ای خواهد داشت اگر قرآن بخوانی و بی‌تفاوت از کنار آن عبور کنی!

ای عزیزان: خواندن الفاظ به تنهایی، هیچ بهره یا منفعتی حقیقی ندارد.
حفظ قرآن، حمل قرآن و دانستن قدر قرآن، عمل به مضامین قرآن است.

*** **

یادی از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ جولای ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در چنین روزهایی یکی از خوارج یعنی عبدالرحمن بن ملجم منافق- ضربتی بر سر مبارک امام علی (صلوات خدا بر او و خاندانش) زد؛ در حالی که او در محراب بود و امام در اثر این ضربه، به شهادت رسید.

خداوند خوارج اول الزمان و خوارج آخر الزمان را لعنت کند؛ سفیهانی که سوارشدن شیطان بر گرده‌هایشان و فرماندهی‌اش را تا آنجا که بخواهد آسان می‌گردانند. اینان ستوران ابلیس و سپاهیان هستند. شیطان در دهان‌هایشان آب دهان انداخت تا با بی‌خردی و کلام او لب به سخن بگشایند، و در عقل‌های متعفن آنان لانه کرد تا او را به خواسته‌اش برسانند، و سوارشان شد تا با سپاه خدا و اولیای خدا به نبرد برخیزند. ملعون‌هایی که با دین، دنیا را می‌خواهند یا دین خود را به دنیای دیگران می‌فروشدند. آنها باقی نخواهند ماند و از انتقام و لعنت خدا رهایی نخواهند یافت؛ لعنتی که پی‌گیرشان است و نابودشان می‌سازد.

آنچه را که پیش‌تر منتشر کرده بودم دوباره منتشر می‌کنم:

«بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

سلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

در چنین روزهایی زندگانی علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) خاتمه یافت؛ زندگانی

سرشار از درد و رنج که در آن هیچ آسایشی ندید.

وقتی کودک بود فرصتی نیافت تا همچون هر کودک دیگری - که از دوران کودکی خود بهره می‌برد - بازی کند. خداوند خواست که پرورش دهنده او را یک پیامبر، مبعوث فرماید تا آن حضرت خود را در مشاجرات کلامی ببیند که بیشتر اوقات به پرتاب سنگ و حتی گاهی به پاره کردن شکم‌ها با نیزه نیز منجر می‌شد.

در چنین اوضاع و احوالی به دوران جوانی رسید تا خود را ناگزیر از شمشیر به دست گرفتن ببیند که از دین جدید و پیامبر خود و ایمان آورندگان به او دفاع می‌کند.

پیش از اینکه محمد ﷺ رحلت کند خداوند علی را جانشین و خلیفه خود در زمینش بعد از خلیفه خود محمد منصوب فرمود همان طور که سنت همیشگی و جاری خدا این چنین بوده است.

محمد وفات کرد.

و به این ترتیب علی خود را ناگزیر چنین دید که حق الهی خود را - که قوم برای غصب کردنش جمع شده بودند - درخواست نماید؛ درخواستی که باعث شد قوم بر وی یورش آورند و سپاهیان و گروه‌های خود را جمع کنند تا به منزلش هجوم برده، ایشان را با طناب بسته، بکشند و حضرتش را تضعیفش کنند، مورد اهانت قرار دهند و باعث آزار و اذیت همسر بزرگوارش فاطمه دُخت محمد ﷺ شوند که - بنابه روایت صحیح - هر کس او را آزار دهد پدرش پیامبر خدا محمد را آزرده و خشم خدای سبحان را برافروخته است.^۲

فاطمه درگذشت،

۱ - به عنوان مثال نگاه کنید به: کتاب الامامة و السياسة، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۹، تحقیق الزینی؛ تاریخ بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۹۷۵.

۲ - نگاه کنید به: من لایحضره الفقیه، صدوق؛ ج ۴، ص ۱۲۵؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰، باب مناقب مهاجرین و فضیلتشان؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ باب فضائل فاطمه؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۵.

و علی بیش از بیست سال مظلومانه خانه‌نشین باقی ماند. اشتباهات، فزونی یافت و فریادهای مظلومان بلند شد و بعد از آن سه نفر، مردم راه حلی جز علی برای وضعیتی که در آن به سر می‌بردند پیدا نکردند. شیطان با سه جنگ با او رو به رو شد. سپاهسانی از تمامی شیاطین زمین گرد آورد: یک مرتبه آن‌ها را عایشه رهبری می‌کند، یک بار معاویه و ابن عاص، و در انتها، خود شیطان آن‌ها را رهبری کرد. این جنگ‌ها هنوز به پایان نرسیده بود که علی (علیه السلام) خون‌آلود در بسترش بود.

سلام بر تو ای ابا الحسن به مقدار آن دردها و رنج‌هایی که جرعه جرعه نوشیدی. سلام بر تو ای ابا الحسن؛ چقدر سبقت گرفتی و آیندگان پس از خود را چه بسیار به دشواری افکندی. به راستی که مصیبت تو در آسمان‌ها بزرگ است و ماتم تو مردم را در هم کوفته است. همه از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم. خداوند پادشاه‌های شما را در یادبود مصیبت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) بزرگ بدارد.»

*** **

الهی به درگاه تو ایستاده‌ام

Ahmed Alhasan احمدالحسن ۱۶/ جولای ۲۰۱۵:

خدایا این ماه بزرگ تو بود که روزهایش به پایان رسید؛ در حالی که من عملی ندارم که بر آن تکیه کنم. به فقرم رحم فرما و دستان خالی‌ام را که به ساحت تو بلند است پُر کن؛ چرا که تو بدون درخواست می‌بخشی. خدایا به درگاه تو ایستاده‌ام. اگر بر من تفضل فرمایی و مرا در خدمت خویش به کار گیری، چه بسیار که با من کریم و نیکوکار بوده‌ای.

و اگر مرا به کار نگیری، از آن روست که من شایستگی‌اش را نداشته‌ام. همین که مرا

توفیق ایستادن بر درگاهت عطا فرمودی و با وجود کوتاهی و کم بودن عملم، مرا از درگاهت نراندی، بر من بسیار است.

پی نوشت / ۱۸ جولای ۲۰۱۵:

Ahmed Alhasan احمدالحسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. هر سال در خیر و عافیت باشید. خداوند اعمالتان را بپذیرد و از خداوند مسئلت دارم که شما را جزو آن بندگان قرار دهد که در هر خیری که نازل و هر شری که دفع می فرماید بیشترین سهم را دارند. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می کند.

** ** *

اولین دیدار در برنامه پالتاک

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ آگوست ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می خواهم دنبال کنندگان این صفحه در خیر و عافیت باشند. فایل زیر مربوط به دیدار روز پنجشنبه در برنامه پالتاک است؛ برای کسانی که شنیدن این برنامه در پالتاک یا مشاهده اش در شبکه المنقذ را از دست داده اند:

<https://www.youtube.com/watch?v=XLPAGVIOwlk&feature=youtu.be>

** ** *

استحباب روزه گرفتنی روزهای نه گانه پیش از عید قربان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين
و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما
سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مستحب است نه روز از ذی‌الحجه پیش از عید قربان، روزه گرفته و گفته شود: «السلام علی‌الحسین الذی ذبح عطشاناً» «سلام بر حسینی که تشنه سر بریده شد» و گریه کردن بر مصیبت حسین مستحب است. اگر نتوانستی روزه بگیری، سلام‌دادن بر حسین و یاد تشنگی او را در این روزه‌های ذی‌الحجه ترک نکن.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵:

آنچه را که در سال گذشته در این صفحه منتشر کردم بازنشر می‌کنم:

« روز هشتم ذی‌حجه یا -آنگونه که در مناسک حج معروف است- روز ترویبه، می‌بینیم حسین فرزند علی (علیه السلام) و فرزند فاطمه - دُخت محمد (صلی الله علیه و آله) و سرور جوانان اهل بهشت و یکی از افراد عترت - که طبق فرمایش صریح رسول خدا بازدارنده از گمراهی هستند و وارث اذان جدش ابراهیم (علیه السلام) (وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوك) (در میان مردم برای حج بانگ برآور تا به سوی تو بیایند) [حج: ۲۷] از مکه به سوی عراق خارج می‌شود و به مراسم حج پشت کرده و آن را ترک می‌کند در حالی که از چندین ماه قبل در آنجا اقامت داشت.

این چنین حسین (علیه السلام) مدعیان اسلام را در جایگاهی قرار داد که بر او حسادت نمی‌کنند، و حج آنان را تا همین روز سوت کشیدن و کف زدن قرار داد؛ (وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَ تَصَدِيَةً فِدْوَقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ) (و نمازشان در خانه [ی خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس این عذاب را بچشید، به سزای آنچه کفر می‌ورزیدید)»^(۱)

[۱]. [انفال: ۳۵].

به سوی تو حج می گزارم ای قبله خدا

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵:

ای حسین! در روز ترویبه آن را ترک کردی^۱ و هنوز هم لعنت غضب آن روز را بر آنان فرود می آوری. پس به سوی تو حج می گزارم ای قبله خدا!

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ اکتبر ۲۰۱۵:

ای دیده، گریان بر آنان اشک بریز... چرا که زمان بسیار گریستن و اشک ریختن رسیده است.^۲

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۹۰۸۰۸۰۲۹۵۹۰۶۳۰۱/?type=۳&theater>

** ** *

چرا ستمگران حسین (علیه السلام) را کشتند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ اکتبر ۲۰۱۵:

«الْسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ عَلَیْکَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ عَلَیْکَ يَا بَنَ امیر المؤمنین وَ ابْنِ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ الْاِسْلَامُ عَلَیْکَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ الْاِسْلَامُ عَلَیْکَ يَا تَارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوَثَرَ الْمُؤْتَوَّرَ الْاِسْلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ عَلَیْکُمْ مَنِّی جَمِیْعًا سَلَامٌ لِّلّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِیَّةَ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمْتَ الْمُصِیْبَةَ بِکَ عَلَیْنَا وَ عَلَی جَمِیْعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمْتَ مُصِیْبَتُکَ فِی السَّمَوَاتِ عَلَی جَمِیْعِ اَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعْنُ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ

۱ - شاید منظور، ترک گفتن مکه و حج خانه خدا باشد. (مترجم)

۲ - بیت «یا عین اُبکیهم وجودی بعبرة... فقد آن للتسکاب و الهملات» از قصیده دعبل خزاعی و فایل پیوست شده، ویدئوی مرثیه خوانی مرحوم شیخ عبدالزهرا کعبی است.

الْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَزَبْتُمْ اللَّهُ فِيهَا وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِيثٌ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...»

سلام بر تو ای ابا عبدالله! سلام بر تو ای فرزند رسول خدا! سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین و ای فرزند سید اوصیا! سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سیده زنان اهل عالم! سلام بر تو ای کسی که خداوند خون‌خواه خون پاک تو و پدر بزرگوارت است و از ظلم و ستم وارد بر تو دادخواهی می‌کند! سلام بر تو و بر ارواح پاک‌ی که در حرم مطهرت با تو مدفون شدند. بر جمیع شما تا ابد از من درود و تحیت و سلام خدا باد؛ تا من هستم و شب و روز برقرار است. ای ابا عبدالله! همانا تعزیت بزرگ و مصیبت در جهان بر ما شیعیان و تمام اهل اسلام سخت و عظیم و ناگوار و دشوار بود و تحمل آن مصیبت بزرگ در آسمان‌ها بر جمیع اهل آسمان‌ها سخت و دشوار بود. پس خدا لعنت کند امتی را که اساس ظلم و ستم را بر شما اهل بیت رسول بنیان نهادند و خدا لعنت کند امتی را که شما را از جایگاهتان دور کرد و از مراتبی - که خداوند شما را در آن مراتب قرار داده بود- کنار زد؛ خدا لعنت کند امتی را که شما را کشتند و خدا لعنت کند آن مردمی را که از امرای ظلم و جور برای قتال با شما تمکین و اطاعت کردند. من به‌سوی خدا و به‌سوی شما از آن ظالمان و شیعیان آن‌ها و پیروان و دوستانشان بیزار می‌جویم؛ ای ابا عبدالله، من تا قیامت در صلح با هرکه با شما صلح است و در جنگ و جهاد با هرکه با شما در جنگ است...»

امام باقر (صلوات خدا بر او) در سرآغاز زیارت معروف عاشورا بیان می‌فرماید که چرا ستمگران اقدام به کشتن حسین (صلوات خدا بر او) کردند.

این همان قصه‌ای است که با خلفای خدا تکرار می‌شود: «خدا لعنت کند امتی را که شما را از جایگاهتان دور کرد و از مراتبی - که خداوند شما را در آن مراتب قرار داده بود- کنار

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

مصطفی حمید: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، جانم به فدای تو... الحمد لله که پیروز شدی و خدا را شکر. روح و روانم به فدای شما ای آقای من! و برای کوتاهی‌ام عذرم را پذیرا باش... اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و عليكم السلام و رحمة الله و برکاته... خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید. از خداوند برای شما دوام توفیق و پیروزی و استواری را خواستارم.

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

کار صالحی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای حبيب من! اگر تمام فلک بگردد و تو تنها باشی -مولای من- انصار تو باقی خواهیم ماند ای احمد؛ و تو ای دنیا، شاهد باش.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و عليكم السلام و رحمة الله و برکاته... ان شاء الله من خدمتگزار شما هستم؛ و خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

ام‌زینب احمد: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و رحمت، و معدن علم، و جایگاه رسالت. از خداوند سبحان و متعال خواستارم که شما ای پدرِ بزرگِ ما، و اهل بیت پاک و طاهرت در خیر و عافیت باشید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و عليكم السلام و رحمة الله و برکاته... دکتر ابتسام، خداوند تو را زنده بدارد و بهترین پاداش نیکوکاران را عطایت فرماید.

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

نسمة العامری: به تو پناه آوردم ای احمدالحسن.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته... خداوند شما را زنده بدارد. همه ما به خدای سبحان پناه می‌جوییم و بر او وارد می‌شویم و در غار او پناه می‌گیریم و از او توفیق و استواری را خواستاریم. امیدوارم مرا در دعا و استغفار فراموش نکنید. خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید!

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

Ahmed Eqabi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پسر رسول خدا!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ و خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به تمامی شما عطا فرماید. سلام من به همه کسانی که در این صفحه هستند. امیدوارم مرا در دعا و [طلب] استغفار فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

Adil Abdullah Al-Saeedy عادل عبدالله السعیدی: بسم الله الرحمن الرحيم.

و الحمد لله رب العالمين و صلى على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم

تسليما. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

سید من، ای یمانی آل محمد ﷺ! از خدا می‌خواهم شما و هرکس که به شما پناه می‌آورد در خیر و عافیت باشید. پرسشی از شما دارم؛ گرچه همچون منی شایسته پرسیدن از همچون شمایی نیست؛ زیرا همچون منی آنچه را که در گذشته محکم شده، تباه کرده است؛ پس چطور حق دارد از چیزی که در آینده متشابه می‌شود سؤال کند؛ اما از آنجا که بزرگواری همچون شما، بخیلی همچون مرا رد نمی‌کند، به جود و بخشش شما و علم شما اهل بیت (صلوات خدا بر آنان) امیدوار شدم؛ هرچند بر شخصی همچون من واجب است از همچون شمایی بپرسد. سؤال کردن بر ما واجب است، ولی پاسخ‌دادن بر شما واجب نیست: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (این بخشش ماست، آن را بی‌شمار

ببخش یا نگاه دار).^۱

در معنای جهاد با اموال و جان‌ها گفت‌وگو می‌کردیم و اینکه کدام یک اولویت دارد و به یاد واقعه‌ای افتادیم که بخشی از آن را روایت می‌کنم: «حسین (علیه السلام) حرکت کرد تا اینکه در قصر بنی‌مقاتل فرود آمد. آنجا خیمه‌ای برپا، نیزه‌ای نصب‌شده، شمشیری آویزان و اسبی ایستاده بر آخور بود. امام حسین (علیه السلام) فرمود: این خیمه از آن کیست؟ گفتند: برای مردی است به نام عبیدالله بن حر جعفی. گفت‌وگویی میانشان انجام شد... امام حسین (علیه السلام) فرمود: ای ابن‌حر، بدان که خداوند در برابر کارهایی که انجام داده‌ای و گناهایی که در ایام گذشته مرتکب شده‌ای، از تو بازخواست خواهد کرد، و من در این لحظه از تو می‌خواهم که با آب توبه، گناهانت را شست‌وشو دهی و تو را به یاری خاندان اهل‌بیت فرامی‌خوانم. اگر حقان را به ما دادند خدا را بر آن شکر کرده و می‌پذیریم و اگر آن را از ما بازداشتند و به ظلم و ستم بر ما چیره شدند تو در طلب حق، از یاوران من خواهی بود و در هر دو صورت زبانی نخواهی دید. عبیدالله بن حر عرض کرد: به خدا سوگند! ای فرزند رسول خدا، اگر در کوفه کسانی بودند که تو را یاری کرده و در رکابت پیکار می‌کردند، من سرسخت‌ترین آنان در برابر دشمنانم بودم؛ ولی من در کوفه شاهد بودم که مدعیان پیروی تو از ترس بنی‌امیه و شمشیرهایشان، به خانه‌های خود خزیدند. تو را به خدا سوگند که این خواهش را از من مکن. من هرچه بتوانم -از کمک‌های مالی- از تو دریغ نخواهم کرد. این اسب را از من بپذیر که با آن در پی کسی روان نشدم مگر آن که بر او دست یافتیم و با آن از مهلکه‌ای نگریختم جز آن که نجات یافتیم، و این شمشیر را تقدیم تو می‌کنم که به هرچه فرود آوردم آن را برید.

حسین (علیه السلام) فرمود: ای ابن‌حر! ما به قصد اسب و شمشیرت نیامدیم؛ ما آمدیم تا از تو یاری بطلبیم. اگر از تقدیم جانت در راه ما دریغ می‌ورزی، هیچ نیازی به مالت نداریم. من کسی نیستم که از گمراهگران یآوری برگزینم؛ زیرا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: هرکس دعوت اهل‌بیت را بشنود و آن‌ها را برای حقشان یاری نکند، خداوند او را با صورت

۱. [ص: ۳۹].

به آتش اندازد.»

همان طور که می‌بینیم در حادثه فوق، جان بر مال مقدم شده است و حتی مال پذیرفته نشده است و همان طور که دانسته‌ایم بخشیدن جان، نهایت بخشش است... پس کلام آخر در آیات زیر چیست که مال بر نفس مقدم شده است؟

برخی از این آیات را بیان می‌کنم:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزُنْأُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده‌اند و سپس شک نمی‌آورند، و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ اینان‌اند که راست‌کردارند).^۱

﴿لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند. اینان‌اند که همه خیرات برای آنان است و اینان‌اند که رستگارند).^۲

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولَى الضَّرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (مؤمنان خانه‌نشینان - که زیان‌دیده نیستند - با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نیستند. خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای - بر خانه‌نشینان برتری بخشیده، و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده است، ولی مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است).^۳

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. زنده باشی حاج عادل. از خداوند برای شما

۱. [حجرات: ۱۵].

۲. [توبه: ۸۸].

۳. [نساء، ۹۵].

توفیق و استواری را مسئلت دارم و امیدوارم مرا از دعای خود فراموش نکنی.
 جهاد اکبر (مجاهده با نفس) به طور قطع بر جهاد اصغر (جهاد بوسیله نفس) مقدّم است؛ زیرا کسی که با نفس خود مجاهده نمی کند نمی تواند به توفیق جهاد بوسیله نفسش در کنار خلیفه خداوند در زمینش دست یابد؛ و جهاد با مال، از جمله جهاد نفس است و به همین دلیل مقدم بر جهاد با نفس است؛ به همین دلیل از کسی که از دادن اموالش خودداری می کند توقع نداری به توفیق جهاد همراه با خلیفه خداوند در زمینش نایل شود؛ زیرا کسی که مالش برایش عزیز است، جانش برایش عزیزتر خواهد بود. از سوی دیگر هرکس که اموالش را می دهد الزاماً شخصی نخواهد بود که با نفس خود به مجاهده برخاسته و موفق به جهاد با خلیفه خدا در زمینش شود. اسباب فراوانی وجود دارد که موجب می شود انسان بدون اخلاص برای خدای سبحان و متعال، مالش را بدهد؛ به همین دلیل گاهی انسان مالش را می دهد ولی جانش برایش عزیز است. اگر اموالش را با اخلاص تقدیم خداوند می کرد، قطعاً جانش را نیز می داد و برای جهاد همراه با خلیفه خداوند در زمینش توفیق می یافت.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند پادشاه های شما را بزرگ بدارد و اعمالتان را قبول فرماید.^۱

<https://www.youtube.com/watch?v=un۳IMz۲EFKQ&feature=youtu.be>

*** **

۱- به مناسبت شهادت امام حسن بن علی (صلوات الله علیه) این قطعه، شامل قصیده ای با عنوان «ای صبحه حق» است. کلمات: طاهره احمد. اجرا: حسنین الربیعی.

دیدار در خصوص مسائل مربوط به الحاد علمی در برنامه پالتاک

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ دسامبر ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

هر سال در خیر باشید.

به مناسبت یادبود ولادت رسول خدا محمد ﷺ:

اقبلت تحمل لاهوت الابد

هذه أمانة بنت وهب

فله الاملاك خرت سجدا

فاسجدوا ذللاً له فيمن سجد

اذ تجلى نوره في آدم

آمده و لاهوت ابد را حمل می کند

این آمنه است دُخت وهب

که پادشاهان برایش به سجده درافتادند

در میان سجده کنندگان، خاضعانه سجده اش

کنید

وقتی نور او در آدم تجلی یافت

فایل پیوست، برنامه ضبط شده دیدار اخیر است^۱ برای کسانی که شنیدن آن را از

دست دادند و مایل به شنیدنش هستند:

<https://www.youtube.com/watch?v=O۲ottFGdRLE>

*** ** **

تبریک به مناسبت فرارسیدن سال ۲۰۱۶ میلادی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به مناسبت حلول سال جدید میلادی، هر سال در خیر و عافیت باشید.

از خداوند می خواهیم در روزها و شب هایش برایتان برکت قرار داده، آن را بهترین سالی

۱ - دیدار با سید احمد الحسن (علیه السلام) در خصوص مسائل مربوط به الحاد. مجری دیدار: دکتر عبدالرزاق دیراوی.

که بر شما فرود می‌آید مقرز بدارد و شما را از بندگانی قرار دهد که نزدش بیشترین بهره را از هر خیری که فرو می‌فرستد و از هر شری که دفع می‌شود به دست می‌آورند. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

*** **

تسلیت به مناسبت کشته شدن شیخ نمر

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ ژانویه ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

انا لله و انا الیه راجعون. اظهار تسلیت صمیمانه دارم به خانواده و دوستداران «شیخ نمر باقر النمر»؛ کسی که مقامات وهابی آل سعود ستمگرانه و بی هیچ حقی، به کشتن وی اقدام کردند.

از خدا می‌خواهم به خانواده او صبر بر مصیبت عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:

ت. محمود علی بهادلی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته... خداوند شما را زنده بدارد ای مولای من و پاداش شما را بزرگ گرداند و به حق محمد و آل محمد علیهم‌السلام به قلب خانواده اش صبر عنایت فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد و به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید. از خدا می‌خواهم پدر گرامی شما را حفظ کرده، گام‌هایش را برای هر خیری استوار بدارد. سلام من به او و خانواده بزرگوارتان و همه برادران مؤمنان.

پی‌نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:

زکریا فیصلی زکی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم؛ و فرجام از آن پرهیزگاران است. خداوند آل سعود را لعنت کند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد و به شما پاداش نیکو عطا فرماید. سلام من به پدر عزیزت - خدا حفظش کند- و به خانواده بزرگوارت.

پی‌نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:

Sarmed Alyamani: آقا و مولای من، خداوند پاداش شما را در فقدان کودک برادرمان مهندس شوقی عبدالکریم بزرگ گرداند. امروز اجلش فرارسید؛ پس از اینکه اهل و عیالش او را به سبب دعوت حق ترک کردند، این کودک در این دنیا مایه دل‌خوشی او بود. تقاضا دارم او را در دعای خود فراموش نفرمایید ای آقا و مولای من. خداوند شما را و اهل بیت و خانواده و انصارت را حفظ فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

انا لله و انا الیه راجعون.

خداوند پاداش مهندس شوقی را در مصیبت پسرش، بزرگ گرداند. از خدا می‌خواهم در مصیبتی که به او وارد شده است صبر الهام فرماید و به او جزای خیر دهد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌فرماید.

پی‌نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:

مصطفی حمید علی الوائلی: سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

برادرانم، می‌خواهم امروز همه را به هم بزنم، هرچه بادا باد؛ چون دیگر حوصله‌مان از صبر کردن سر رفته و حتی صبر هم حوصله‌اش از من سر رفته است. من از برادران شما هستم که به گروه عملیات خاص ملحق شدم. ما را در منطقه «طوز خرماتو» انداختند. نه از سیاستمداران، نه از افسران ارشد و نه از حکومت. هیچ‌کس به ما سر نمی‌زند یا حال ما را جويا نمی‌شود. ما اگر بمانیم حالمان این است. نامه‌ای را برای هر صاحب حقی می‌فرستم تا آن را به مولایم یمانی برساند، شاید نامه‌ام را بخواند. چون به خدا قسم حوصله‌مان سر رفت و خسته شدیم. هر ساعت می‌گوییم همه‌چیز را رها کنیم و سربازی را

کنار بگذاریم؛ ولی فقط این خداوند است که به ما صبر داده. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

فرزند عزیزم علی وائلی و همه فرزندان عزیزم که عزیزترین داشته خود را برای دفع خطر از مقدسات، عرض و آبرو و سرزمین عراق عزیز و پاک شده به وسیله انبیا و اوصیا از زمان آدم و نوح و ابراهیم تا رسیدن به مهدی، قربانی می کنند؛ به خدا قسم وضعیت شما مرا اندوهگین می کند و ما می دانیم بسیاری از این هایی که بیان کردی اشخاصی هستند که هم وغمشان دنیا و خوشی هایش است؛ اگرچه بهایش خون های شما باشد؛ اما من چیزی جز دعا برای شما در اختیار ندارم. ای عزیز من! شما نمی توانید عرصه را برای این وهایی های پلید داعش و دیگرانی که همتشان تجاوز به مقدسات و ناموس شماست، خالی بگذارید. ان شاء الله دوستان در مکتب و نیز در فرماندهی سرايا القائم را توجیه خواهیم کرد تا هرچه در توان دارند برایتان تقدیم کنند؛ از جمله پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی.

پی نوشت / ۳ ژانویه ۲۰۱۶:

حیدر نور الموسوی: سلام بر شما ای آل محمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می خواهم شما و کسانی را که به شما پناه می آورند حفظ، و گام هایتان را برای هر خیری استوار فرماید و از هر شری دورتان گرداند.

*** **

ارتباط با رادیو المنقذ دیترویت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ ژانویه ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.

ارتباط با رادیو المنقذ از دیترویت، برای کسانی که تمایل به شنیدن دارند:

<https://www.youtube.com/watch?v=۱Efy۶IUUD۰A>

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۶ فوریه ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

عزیزان مؤمن، اساتید، سادات و شیوخ فاضل در ایران: خداوند بخاطر همه کارهایی

که برای رساندن حق به مردم انجام می‌دهید به شما پاداش خیر عنایت فرماید.^۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳>

[۰۷۹۶۸/۹۶۴۳۷۲۶۷۳۶۱۰۳۹۶/?type=۳&theater](https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳)

*** **

تبریک به ملت‌هایی که عید نوروز را جشن می‌گیرند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ مارس ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به مناسبت اعیاد نوروز، به مردمانی که این مناسبت را جشن می‌گیرند، تبریک عرض

می‌کنم. هر سال در خیر باشید.

۱ - فایل پیوست، قطعه‌ای ویدئویی است از صفحه «زمان ظهور» به زبان فارسی که انصار امام مهدی در ایران منتشر می‌کنند.



** ** *

بارخدایا! قلب‌های ما را به حضور در ساحت قدسیات مشغول بدار.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ آوریل ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ماه رجب الحرام فرا رسیده است؛ پس فرصت را غنیمت شمارید.

روزهایش را روزه بدارید و شب‌هایش را با دعا و تضرع به درگاه الهی زنده نگه دارید تا

شاید از نگاه رضایت آن حبیب سبحان بهره‌ای ببرید.

بارخدایا! قلب‌های ما را در هر لحظه‌ای با حضور در ساحت قدسیات مشغول بدار تا

دل‌باختهٔ محبت تو شود.

** ** *

تظاهرات و اعتصاب‌ها یأس و ناامیدی را از زندگی بسیاری از عراقی‌ها دور کرده است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ آوریل ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند طاعات شما در ماه رجب عزیز را قبول فرماید.

به کسانی که از حوادث عراق در این روزها^۱ هراس دارند می‌گوییم:
نتایج تظاهرات و اعتصاب‌های گذشته و کنونی هرچه بوده باشد دست‌کم یأس و
ناامیدی را از زندگی بسیاری از عراقی‌ها دور کرده است.
نتیجه‌های وضعیت زایمانی که هم‌اکنون در جریان است هرچه باشد دست‌کم پس از
سال‌های متوالی، از هیمنه و تسلط ظلم و ستم و سرکشی، افقی برای ورود به وضعیت
جدید گشوده است.

*** **

به همین دلیل است که عاشق علی هستیم و محبت او در رگ‌های ما جاری است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ آوریل ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
هر سال در خیر، و به علی (علیه السلام) نزدیک‌تر باشید.
اینکه زندگی‌ات را برای رفاه خود یا برای خانواده و نزدیکان یا حزب و گروهت سپری
کنی، این‌گونه زندگی کردن تو را از زندگی هیچ حیوان دیگری - که در زندگی بر روی این
زمین با ما مشترک است - چندان متفاوت نمی‌کند.
آنچه به زندگی تو معنایی انسانی و ارزشی حقیقی می‌افزاید این است که زندگانی‌ات را
با اخلاص برای دیگرانی بگذرانی که هیچ ارتباط نزدیک یا منفعتی با آن‌ها نداری.
علی بن ابی‌طالب زندگی‌اش را این‌گونه سپری کرد. به همین دلیل است که عاشق
علی هستیم و محبت او در رگ‌های ما جاری است.^۲

۱ - در تابستان سال ۲۰۱۵ به سبب کاهش سطح خدمات و قطع جریان برق، عراق شاهد تظاهرات عظیمی بود.
سپس در ابتدای سال ۲۰۱۶ پس از فراخوان سید مقتدی صدر در ۲۶ فوریه به آمدن به خیابان‌ها، حادثی به
دنبال آن پیش آمد زد و خوردهایی بین تظاهر کنندگان و طرف‌های دیگر روی داد.

۲ - یا هند لم أعشق و مثلی لا یری عشق النساء دیانة و تحرجا

عشق زنان را دیانت و دوری ازگناه نمی‌داند
در سینه خیمه می‌زند و فوران می‌کند
اوست سبب نجات از عذاب آنکه نجات‌یافت

ای هند عشق نورزیدم و فردی چون من
اما محبت من به وصی‌ای است که
اوست چراغ روشنی‌بخش و

*** ** *

هشدار در خصوص وضعیت کرکوک

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ آوریل ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
در سایه شرایط سختی که بر عراق می‌گذرد، واجب می‌دانم همه کسانی را که به عراق
اهمیت می‌دهند از موضوع زیر آگاه سازم:

اول: وضعیت واقعی امروز به این صورت است که عراق یک حکومت یکپارچه نیست؛
بلکه عبارت است از دو دولت؛ دولت کردستان در شمال که فقط احزاب گرد بر آن
حکومت می‌کنند، و دولتی عراقی در مرکز و جنوب که برخی از ساکنان آن‌ها بر آن
حکومت می‌کنند و احزاب گرد در اداره حکومت آن و نابود کردنش با آن‌ها مشارکت
می‌کنند.

دوم: کرکوک شهری با قومیت‌های چندگانه است و هیچ‌یک از بخش‌های آن -حتی
اگر از اکثریت آنجا برخوردار باشد- حق ندارد پیوستن به حکومت وابسته به قومیت آن
بخش را بر دیگر ساکنانش الزامی کند. چنین کاری طبق تمام معیارهای انسانی، اخلاقی
و قانونی، قضیه‌ای ناعادلانه است و باید موضوع کرکوک، به همین شکل مورد بحث و
بررسی قرار گیرد؛ زیرا چنین وضعیتی یک همه‌پرسی برای استقلال کرکوک از عراق
نیست تا کرکوک، دولتی با قومیت‌های گوناگون -که کرد و عرب و ترکمن در آن زندگی

می‌کنند. باشد؛ بلکه آن‌ها می‌خواهند همه‌پرسی را برای پیوستن کرکوک به دولتی با قومیت کُردی به اجرا درآورند؛ یعنی آن‌ها می‌خواهند از طریق همه‌پرسی کردها در کرکوک، صدها هزار ترکمن و عرب را مجبور کنند زیر سایه حکومتی با قومیت کُرد زندگی کنند و چنین کاری، ظالمانه و ناعادلانه است؛ بنابراین بر هر عراقی و انسان شریفی که ظلم و سرکشی را ناخوش می‌دارد واجب است برای اینکه احزاب کرد، ترکمن‌ها و عرب‌ها و دیگر قومیت‌های کرکوک را برای زندگی در سایه دولتی با قومیت کُردی مجبور نکنند، در راستای حق آن‌ها موضع‌گیری کند.

*** **

دولت به دنبال گوسفند قربانی است تا هیمنه خودش را بازگرداند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱ می ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

#عراق #انقلاب

تقریباً سیزده سال است مجموعه‌ای بر عراق حکومت می‌کنند که ثروت‌های مردم ستم‌دیده عراق را چپاول می‌کنند و به هدر می‌دهند.

سیزده سال است که آن‌ها مردم عراق و بینوایان عراق را روی زمین می‌کشند، بینی و دهان و سر و دست و پاهای مردم را می‌شکنند و تا آخرین نفس اقدام کشیدن مردم در کوچه‌های تنگ و باریک می‌کنند و هیچ ابهتی برای مردم باقی نگذاشته‌اند؛ و خودشان هیچ اندوهی به دل راه نمی‌دهند.

مردم قیام کردند تا بخشی از حق خود را مطالبه کنند. آن‌ها هم گفتند: مردم موجب چرکین کردن کرسی‌ها و سیلی خوردن نماینده شده‌اند و ابهت دولت را از بین برده‌اند.^۱

۱ - پس از حمله به مجلس ملی عراق در منطقه خضراء در تاریخ ۲۰۱۶/۴/۳۰ این اتهامات را به تظاهرکنندگان

و اکنون در میان بینوایان سرکوب شده به دنبال قوچی قربانی هستند تا محاکمه‌اش کنند و به این ترتیب «ابهت» به دولت بازگردد.
مرگ بر شما باد.

*** **

۳ می / تصویر صفحه شخصی، توسط Ahmed Alhasan احمدالحسن تغییر داده شد:



*** **

۶ می / تصویر صفحه شخصی توسط Ahmed Alhasan احمدالحسن تغییر داده شد:



*** **

آیا باید مسئولین برای امنیت داخلی عراق بازخواست شوند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۱ می ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

#عراق #انقلاب

ویرانی و خون‌ها در عراق پایانی ندارد.

آیا نباید مسئولین امنیت داخلی عراق (نخست‌وزیر و وزیر کشور) به‌جهت کوتاهی در انجام وظایفشان بازخواست شوند؟! همان‌گونه که آن‌ها می‌خواهند مردم را بازخواست کنند و گوسفندی قربانی پیدا کنند و به اتهام حمله به مجلس ملی، او را محاکمه کنند؟ در حمله به مجلس حتی یک نفر هم کشته نشد؛ در حالی که امروز ده‌ها فقیر و بینوا کشته شدند.^۱ پیام‌های شما به مردم عراق رسید و آن را خوب درک کردند؛ شما در حال کشیدن مردم در خیابان هستید.

پی‌نوشت / ۱۷ می ۲۰۱۶:

Alaa Alkadhmi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... آقای من! ای پسر رسول خدا! هیچ روزی به فکرم خطور نمی‌کرد که شما را اندوهگین کنم؛ ولی آنچه نقل می‌کنم تنها امانتی از طرف کسانی است که شما را دوست دارند و حسرت دیدار شما را دارند. اینان انصار شما در سراسر زمین هستند، ای پسر پاکیزگان! برخی از آن‌ها انصار جنوب تایلند و دیگر جاهایش هستند که مرتب از من می‌خواهند سلامشان را به شما ای آقای من- برسانم؛ چرا که آن‌ها شما را دوست می‌دارند و مشتاق شما هستند (از جمله کسی که از دست داده‌ایم). امروز یکی از آن‌ها به نام «انصار» درگذشت و بر من گران است این خبر را به شما برسانم؛ ولی این دنیایی است که راحتی در آن راه ندارد. انا لله و انا الیه راجعون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. خداوند به شما جزا دهد که امام رؤوف و رحیم هستی و

۱ - چهارشنبه ۲۰۱۶/۵/۱۱ سه انفجار بزرگ، بغداد را لرزاند و ده‌ها قربانی به‌جا گذاشت. قابل دسترسی در:

<https://www.alhurra.com/a/iraq-sadr-city-explosion/۳۰۵۹۰۵.html>

از کسی که ستم بر تو روا داشته است درمی‌گذری و کسی را که به تو بدی کرده است می‌بخشی و با کسی که از تو بریده است پیوند برقرار می‌کنی. در حالی که ما مرکب‌های آرزویمان را به ساحت کرم شما فرود آورده‌ایم، پس بر برادر ما «انصار» و بر ما تصدقی فرما به آنچه که شما اهلش هستی - ای فرزند کریمان - که تو بهترین صدقه‌دهنده‌ای. از خداوند سبحان مسئلت دارم در پیروزی و تمکینی که به شما وعده داده است شتاب فرماید؛ و صلی الله علی النبی الامین و علی آله الطاهیرین الائمة و المهدیین و سلم تسلیما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند پاداش‌های همه شما را در وفات برادران «انصار» بزرگ بدارد. از خدا می‌خواهم بر خانواده و همه دوستدارانش و مؤمنان در تایلند، مالزی و استرالیا با صبر بر مصیبتی که بر آنان وارد شده است منت بگذارد؛ و از خدا می‌خواهم مقام او را نزد خودش رفعت دهد و نصیب او را بهشت جاودان قرار دهد و در روزی که سایه‌ای جز سایه خداوند سبحان و متعال نیست او را در میان امنیت‌یافتگان همراه محمد و آل محمد مبعوث فرماید.

*** **

تسلیت به مناسبت وفات یکی از انصار تایلند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ می ۲۰۱۶:

به رحمت فراگیر خداوند.^۱

۱ - تصویر «انصار» یکی از مؤمنان متوفای به دعوت حق در تایلند.



*** ** *

انتشار روز مقابله با ترس از هم جنس گرایی در رسانه های اجتماعی و بررسی آن از نظر علمی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ می ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

«در رسانه های ارتباطات جمعی، روز ۵/۱۷ به عنوان روز حمایت از هم جنس گرایی یا آن گونه که آن ها می نامند «روز مقابله با ترس از هم جنس گرایی» منتشر شده است و پوشیده نیست که بسیاری از دولت های جهان، قانون ازدواج هم جنس گرایان را تصویب کرده اند یا در حال تصویب هستند. ما پیش تر به این مطلب اعتراض کردیم و معتقدیم نه فقط از دیدگاه دینی، بلکه حتی از دیدگاه اجتماعی و بیولوژیکی نیز کاری زشت و ویران کننده است. شخصاً این مسئله را از نظر علمی مورد بحث و بررسی قرار دادم و به روشنی بیان کردم توجیهاتی که برای انحراف جنسی مطرح می کنند باطل

است.

آنچه پیش‌تر نوشتم:

مشخص‌شدن جنسیت در مراحل بعدی تکامل بر روی زمین حاصل شده است؛ زیرا زندگی با تولیدمثل جنسی آغاز نشد؛ بلکه در ابتدا با تکثیر غیرجنسی آغاز شد و سپس تکثیر جنسی پدید آمد. در این خصوص نکاتی شایان توجه است؛ از جمله: دوجنسیتی‌بودن حیوان؛ یعنی حیوان، هم دارای اعضای تناسلی نر و هم اعضای تناسلی ماده باشد. از جمله: رفتار بعضی از ماهی‌ها؛ ماهی‌هایی که در یکی از مراحل زندگی خود موجود نری با اعضای تناسلی کامل هستند و اقدام به تلقیح می‌کنند و سپس در مرحله‌ای دیگر به ماده‌ای با اعضای تناسلی کامل تبدیل می‌شوند و تخم‌گذاری می‌کنند. از جمله: وضعیتی که در آن به سر می‌بریم؛ یعنی مذکر و مؤنث جدا از هم با جنسیتی معین در طول زندگی‌شان. در این حالت، جنین توانایی این را دارد که مذکر یا مؤنث شود و آنچه رشد یکی از اعضای تناسلی معین - نه دیگری - را مشخص می‌کند، کروموزوم‌های جنسی است و این یعنی در داخل هر بدنی، یک مذکر و یک مؤنث، یا بهتر است بگوییم قابلیت مذکر یا مؤنث‌بودن وجود دارد، و آنچه حاصل شده تنها عبارت است از اینکه یکی از آن‌ها هنگام اجرای نقشه ژنتیکی مخصوص به آن بدن، بر دیگری تسلط پیدا کرده و در نتیجه فرد، مذکر یا مؤنث شده است. این نکته در بعضی از حالات بیماری یا اختلال در کروموزوم‌ها واضح است؛ مثل وضعیتی که در سندرم عدم حساسیت آندروژنی وجود دارد؛ به‌طوری که گاهی اوقات مؤنث، دارای اعضای مذکر پنهان در بدن می‌شود. این نکته را در کتاب «توهم بی‌خدایی» بیان کرده‌ام.

متن زیر، این مسئله را برای شما روشن خواهد ساخت:

«یک [نوع] جهش ژنتیکی وجود دارد که بر گیرنده‌های آندروژنی یا سندرم

هورمون مردانه جنین (XY ϵ 6) تأثیر می‌گذارد. این جهش، تأثیر ژن جنسی مردانه را بیشتر می‌کند؛ به این ترتیب دستگاه تناسلی زنانه تشکیل می‌شود، ولی بر حسب نوع جهش و میزان تأثیرگذاری آن در گیرنده‌های آندروژنی، حالت شخص دچار شده به این سندرم مشخص خواهد شد. این شخص ممکن است اندام‌های مردانه و زنانه ناقصی داشته باشد و ممکن است تنها به یکی از آن‌ها اکتفا کند؛ ولی به‌طور معمول ظاهری زنانه خواهد داشت.

اگر جنین حامل ژن‌های مذکر یا XY ϵ 6، به سندرم عدم حساسیت کامل آندروژن مبتلا باشد، از نظر ظاهری به‌طور کامل مؤنث خواهد شد و حتی معمولاً در ابتدا و بدون معاینه دقیق نمی‌توان وضعیت او را تشخیص داد. در چنین جنینی اعضای ظاهری زنانه وجود دارد؛ بنابراین یک مؤنث معمولی خواهد بود؛ اما بدون رحم و تخمدان؛ یعنی جنس مؤنث با دستگاه تناسلی زنانه ناقص شکل گرفته است. در چنین جنینی، دستگاه تناسلی مردانه پنهان و پوشیده‌ای نیز در داخل شکم وجود دارد.»

یعنی طبق آنچه تقدیم شد می‌توانیم درک کنیم که هر مذکری در درون خود، مؤنثی مُرده و هر مؤنثی، در درون خود مذکری مرده را حمل می‌کند، و آنچه افراد ناهنجار انجام می‌دهند بیدارکردن این باطن جسمانی خفته در مرحلهٔ نموژن، با تلقین نفسانی است؛ با وجود اینکه این باطن خفته، به‌واقع و در عمل، بر بدنی که در آن قرار دارد هیچ اثر حقیقی و عملی ندارد و به این ترتیب یک نر می‌تواند مجبور شود نقش ماده را ایفا کند، یا اینکه ماده نقش نر را. در حقیقت تنها انسان نیست که چنین رفتاری را انجام می‌دهد؛ بلکه حیوانات دیگر نیز به نسبت ۱۰٪ یا اندکی بیشتر یا کمتر- چنین کاری را انجام می‌دهند و علت، همان است که در آنچه تقدیم شد بیان کردم. به این ترتیب روشن می‌شود ناهنجاری جنسی تنها به این دلیل که حیوانات دیگر نیز آن را انجام می‌دهند- مسئله‌ای طبیعی نیست؛ بلکه حالتی ناهنجار و خارج‌شدن از طبیعت چیره‌شده بر بدن موجود زنده

محسوب می‌شود و وضع کردن قوانینی که بازدارنده از این انحراف باشد و فرد را محدود کند، امری است طبیعی نه برعکس! اما متأسفانه این بهانه - که ناهنجاری جنسی، صفتی موجود و شایع در ویژگی‌های حیوانی است - برای قانع کردن برخی سیاستمداران در بریتانیا و فرانسه - که بیشتر آن‌ها اطلاعی از زیست‌شناسی تکاملی ندارند - به خدمت گرفته شد تا قوانین مربوط به ازدواج هم‌جنس‌گراها رایج شود.

حقیقت علمی این است که ما و دیگر حیواناتی که بدنشان تنها به یک سیستم تناسلی اختصاص دارد، در طول زندگی خود از نظر جنسی به‌طور کامل تخصصی می‌شویم و تلاش برخی افراد برای انجام کارهای ناهنجار و منحرف، این انحراف را به‌صورت امری طبیعی توجیه نمی‌کند؛ بلکه این انحراف، وضعیت خروج از طبیعت جسمانی و فیزیولوژیکی محسوب می‌شود. موجود زنده به‌خصوص موجود هوشمندی مثل انسان - می‌تواند از این انحراف به‌آسانی جلوگیری کند. به همین دلیل درست آن است که قوانینی وضع شود که از این انحراف جلوگیری و به دور شدن از این انحراف کمک کند نه برعکس - آن‌گونه که - با تأسف بسیار - امروز شاهدش هستیم؛ تا آنجا که اخباری که پشت‌سرهم می‌رسد حاکی از تصویب ازدواج هم‌جنس‌گراها توسط حکومت‌هاست.

بنابراین علاج در دست شخصی است که خودش را متمایل به انحراف جنسی می‌بیند؛ اگر خواسته‌ای شیطانی وجود دارد که به او می‌گوید درون او یک مؤنث مرده وجود دارد و او را به زنده کردن مؤنث مرده برمی‌انگیزاند، او به‌خوبی می‌داند که درونش نری آشکار با اعضای تناسلی کامل وجود دارد. در خصوص مؤنث نیز وضعیت به همین صورت است. می‌توانیم وضعیت را در قالب یک مثال روشن‌تر کنیم: مثلاً اگر بگوییم در هر مذکری ۹۰٪ نر و ۱۰٪ ماده وجود دارد، همچنین در هر مؤنثی، ۹۰٪ ماده و ۱۰٪ نر وجود دارد، طبیعی است که صفات و تمایلات مردانه، بر مذکر چیره می‌شود - زیرا در ترکیب بدنی او مردانگی نسبت

بیشتری را از آن خود کرده است. و همین وضعیت در خصوص مؤنث نیز وجود دارد و به ناچار باید صفات زنانه بر او چیره شود. حال ۱۰٪ را بر بدن مسلط کردن و بدن را از مذکر به مؤنث یا برعکس- تبدیل کردن وضعیتی ناهنجار و منحرف محسوب می‌شود و فرض این است که انسان توانایی جلوگیری از انحراف و تسلط بر آن را داراست؛ زیرا این عمل، عبارت است از خروج از طبیعت جسمانی مسلط بر بدن در اثر وسوسه‌های فریبنده که می‌توان در رویارویی با حقیقت جنسی مسلط بر بدن، آن را مجاب ساخت و از آن جلوگیری کرد.

آنچه باقی می‌ماند این نکته است که امکان دارد حالاتی ناشی از بیماری وجود داشته باشد که بر بدن تأثیر بگذارد. مانند کم یا بسیار بودن ترشح برخی هورمون‌ها یا مسائل دیگر- که چنین حالت‌هایی را می‌توان با مراجعه به پزشک متخصص معالجه کرد.»

پی‌نوشت / ۱۸ می ۲۰۱۶:

Warethin Malakoot: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. انا لله و انا الیه راجعون. جوان انصاری «ولید عیسی مزرعه» از طالقان به رحمت خداوند رفت. مولای من! برای او دعا و از خداوند طلب مغفرت فرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند پادشاه‌های شما و پادش پدر پاک و خانواده گرامی او را بزرگ بدارد. از خدا می‌خواهم برای مصیبتشان به آن‌ها صبر عطا فرماید و بهره او را بهشت‌های جاودانی قرار دهد که برای پرهیزگاران مهیا فرموده است.

*** **

وقتی ساختمانی در حال سقوط یا فروپاشی باشد، نابود کردنش بهترین راه حل است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ می ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

#عراق #انقلاب

وقتی ساختمانی در حال سقوط یا فروپاشی باشد، نابودکردنش بهترین راه حل برای ایجاد یک خانه ایمن است که برای ساکنانش زندگی کریمانه‌ای تأمین کند.



*** **

بر آنان که در زمین‌اند رحم آورید تا آن که در آسمان است بر شما رحم آورد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ ژوئن ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

به‌مناسبت حلول ماه مبارک رمضان هر سال در خیر باشید.

رمضان، ماه رحمت است؛ نه فقط به‌جهت اینکه ما در آن، توقع رحمت خدا را در روزی دادن خیر به ما و دفع شر از ما در روزهای آینده از سال جدیدمان بعد از شب مبارک قدر داریم. بلکه رمضان ماه رحمت است چون روزه در آن ما را به این سو سوق می‌دهد که درد و رنج دیگران را درک کنیم و در نتیجه به مهربانی با آنان و تلاش برای رفع زورگویی و ستم از آن‌ها توجه کنیم. پس نباید بهره شما از این ماه، [صرفاً] گرسنگی و تشنگی باشد؛

بلکه باید رحمت و مهربانی باشد.

بر آنان که در زمین اند رحم آورید، تا آن که در آسمان است بر شما رحم آورد.

*** **

دعای روز اول ماه رمضان

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۷ ژوئن ۲۰۱۶:

﴿قُلْ مَا يَعْבוُّا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دَعَاؤُكُمْ﴾ (بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ

اعتنایی به شما نمی کند).^۱

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاصَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوْلَا قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ، يَا بَاقِيَا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَزُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نَزُولُ الْبَلَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَ الْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَ عَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ، اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، وَ رَبَّ

[۱]. [فرقان: ۷۷].

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ رَبِّ السَّعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ رَبِّ إِسْرَافِيلَ وَ
 ميكَائِيلَ وَ جِبْرَائِيلَ، وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ
 النَّبِيِّينَ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ، أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ
 بِالْعَظِيمِ، وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ، وَ تُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ، وَ تُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ
 وَ بِالكَثِيرِ، وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ،
 وَ الْبَشَرَى فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ، وَ نَصْرُ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَ أَجْبِنِي
 بِمَحَبَّتِكَ، وَ بَلِّغْنِي رِضْوَانِكَ، وَ شَرِيفَ كِرَامَتِكَ، وَ جَسِيمَ عَطِيَّتِكَ، وَ أَعْطِنِي
 مِنْ خَيْرٍ مَا عِنْدَكَ وَ مِنْ خَيْرٍ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَ الْبَشَرَى مَعَ
 ذَلِكَ عَافِيَّتِكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا عَالِمَ كُلِّ
 خَفِيَّةٍ، وَ يَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُرِ، تَوَفَّنِي عَلَى
 مِلَّةِ إِزْرَاهِيمَ وَ فَطْرَتِهِ، وَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَى
 خَيْرِ الْوَفَاةِ تَوَفَّنِي، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ وَ جَنِّبْنِي فِي
 هَذِهِ السَّنَةِ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَ اجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ
 قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ امْتَنِعْنِي مِنْ كُلِّ
 عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ، وَ أَخَافُ مَقْتَكَ إِبَائِي عَلَيْهِ
 حِدَارٌ أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَأَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّي لِي عِنْدَكَ يَا
 رَءُوفُ يَا رَحِيمُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَ فِي
 جِوَارِكَ وَ فِي كَنَفِكَ، وَ جَلَلِي سِتْرَ عَافِيَّتِكَ، وَ هَبْ لِي كِرَامَتَكَ، عَزَّ جَاوِزُكَ وَ
 جَلَّ تَنَاوُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ،
 وَ الْآخِقِنِي بِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ، وَ أَعُوذُ بِكَ
 اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَ طُلْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَ اتَّبَاعِي لِهَوَايَ، وَ
 اشْتِغَالِي بِشَهْوَاتِي، فَيَحُولُ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مُنْسِيًّا
 عِنْدَكَ، مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَ نِقْمَتِكَ، اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ
 عَنِّي، وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

هَؤُلَ عَدُوَّهُ، وَ فَرَّجَتْ هَمَّهُ، وَ كَشَفَتْ غَمَّهُ، وَ صَدَّقْتَهُ وَعَدَّكَ، وَ أَنْجَرْتَهُ لَهُ
 عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَافْكِنِي هَؤُلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَ آفَاتِهَا وَ أَسْقَامَهَا وَ فِتْنَتَهَا وَ
 شُرُورَهَا وَ أَخْزَانَهَا وَ ضَيْقَ الْمَعَاشِ فِيهَا، وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ
 دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَ ظَلَمَ وَ اسْتَكَانَ
 وَ اعْتَرَفَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفْظَتِكَ، وَ
 أَحْصَيْتَهَا كِرَامًا مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَ أَنْ تَعْصِمَنِي يَا إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ
 عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ
 مُحَمَّدٍ، وَ آتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنَّكَ أَمْرْتَنِي بِالِدَّعَاءِ وَ
 تَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱

«خدایا از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که همه‌چیز در برابرش فروتن
 شده، و به رحمتت که همه‌چیز را فراگرفته، و به عظمتت که همه‌چیز در
 آستانش تواضع نموده، و به عزتت که بر همه‌چیز چیره شده، و به نیرویت که
 همه‌چیز در برابرش خضوع یافته، و به جبروتت که بر همه‌چیز غالب گشته، و
 به علمت که همه‌چیز را فراگرفته، ای نور، ای قدوس، ای اول پیش از
 هرچیز، ای باقی پس از هرچیز، ای خدا، ای رحمان، بر محمد و خاندان
 محمد درود فرست و از من بیامرز گناهایی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد،
 و بر من بیامرز گناهایی را که کینه‌ها را فرومی‌فرستد، و بر من بیامرز گناهایی
 را که امید به تو را قطع می‌کند، و بر من بیامرز گناهایی را که دشمنان را چیره
 می‌سازد، و بر من بیامرز گناهایی را که دعا را برمی‌گرداند، و بر من بیامرز
 گناهایی را که مردم به سبب آن سزاوار فرود آمدن بلا می‌شوند، و بر من بیامرز
 گناهایی را که بارش آسمان را بازمی‌دارد، و بر من بیامرز گناهایی را که پرده‌ها

۱. مصباح‌المتهدج، طوسی: ص ۶۰۴، دعای اولین روز ماه رمضان.

را کنار می‌زند، و بر من بیامرز گناھانی را که در نابودی شتاب می‌افکند، و بر من بیامرز گناھانی را که سبب پشیمانی می‌شود، و بر من بیامرز گناھانی را که پرده‌ها را می‌برد، و زرّه محکمت را بر من بیوشان، زرهی که نفوذناپذیر است، و مرا از شر آنچه در شب و روز و آینده این سال از آن حذر می‌کنم عافیت بخش. خدایا، ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه، و ای پروردگار زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنهاست، و آنچه میان آنهاست، و پروردگار عرش بزرگ، و پروردگار سبع‌المثانی و قرآن عظیم، و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرائیل، و پروردگار محمد (درود خدا بر او و خاندانش) آقای رسولان و خاتم انبیا، از تو می‌خواهم به حق ذات پاکت و به حق آنچه خود را به آن نام نهادی، ای بزرگ، تویی که به نعمت بزرگ تفضّل می‌کنی، و هر محذوری را دفع می‌کنی، و هر نعمت برجسته‌ای را عطا می‌نمایی، و نیکی‌ها را به کم و زیاد دو چندان می‌سازی، و هرکاری بخواهی انجام می‌دهی، ای توانا، ای خدا، ای رحمان، بر محمد و اهل‌بیتش درود فرست، و در آینده این سال لباس سترت را بر من بیوشان، و چهره‌ام را به نورت شاداب ساز، و به دوستی‌ات دوستم بدار، و مرا به خشنودی‌ات، و شرافت کرامتت، و بزرگی عطایت برسان، و به من عطا کن از بهترین چیزی که نزد توست و بهترین چیزی که به بنده‌ای از بندگانت عطا می‌فرمایی، و افزون بر این، لباس عافیت و تندرستی بر من بیوشان، ای جایگاه هر شکایت، ای حاضر در هر گفت‌وگوی پنهان، ای دانای هر نهان، ای دفع‌کننده بلاها آن‌گونه که خود بخواهی، ای بزرگواری گذشت، ای نیکو درگذر، مرا بر آیین ابراهیم و بر فطرت او، و بر دین محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) و روش او، و بر بهترین مرگ‌ها بمیران، بمیران در حالی که دوستدار اولیایت، و دشمن دشمنانت باشم. خدایا مرا در این سال از هر کار یا گفتار یا کرداری که از تو دورم می‌کند برکنار بدار، و به جانب هر عمل یا گفتار یا کرداری جلب نما که مرا در این سال

به تو نزدیک می‌کند، ای مهربان‌ترین مهربانان، و بازدار مرا از هر عمل یا گفتار یا کرداری که از من سر می‌زند، و من از سرانجام زینبارش می‌ترسم، و از خشمت به خاطر آن بر خود بیمناکم. ترسم از این است که روی کریمانهات را از من بگردانی، در ثنای تو، و معبودی جز تو نیست.

خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیای نتیجه سزاوار کم‌شدن بهره‌ای که پیش تو دارم گردم، ای پرلطف، ای مهربان. خدایا در آینده این سال مرا در حفظ و پناه و حمایت خود قرار بده، و پرده تندرستی را بر من پیوشان، و از کرامتت بر من ببخشای، عزیز است پناه تو، و بزرگ است گذشتهات قرار بده، و به آنان ملحقم فرما، و تسلیم آن‌که از آنان از طرف تو راست گفت قرارم بده. خدایا به تو پناه می‌آورم از اینکه خطایم و ستمم، و زیاده‌روی بر نفسم، و پیروی از هوا و هوسم، و سرگرمی‌ام به شهوت بر من احاطه کند، در نتیجه همه این‌ها میان من و رحمت و خوشنودی‌ات حایل گردد، و من نزد تو فراموش شوم، و در معرض خشم و کینه‌ات قرار بگیرم. خدایا مرا برای هر عمل شایسته‌ای که به سبب آن از من خوشنود شوی موفق بدار، و مرا به مقام قربت نزدیک کن. خدایا همچنان که از پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) هراس از دشمنش را کفایت کردی، و اندوهش را برطرف نمودی، و غمش را زدودی، و وعده‌ات را برای او وفا کردی، و پیمان‌ت را برایش به پایان آوردی، خدایا به همان‌گونه هراس این سال و آفات و امراض و فتنه‌ها و شرور و اندوه‌ها و تنگی معیشت را در آن از من کفایت کن، و به رحمتت مرا به کمال عافیت، با کامل کردن ریزش نعمت بر من تا پایان عمرم برسان. از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که بد کرده و ستم روا داشته و درمانده شده و اعتراف به گناه نموده است، و از تو درخواست می‌کنم مرا بیامری از آنچه از گناهان بر من گذشته، که آن‌ها را نگهبانان ثبت نموده و فرشتگان بزرگوارت برشمرده‌اند و اینکه خدایا در آنچه از عمرم باقی مانده، تا پایان عمر، مرا از گناهان محفوظ

بداری، ای خدا، ای رحمان، ای رحیم، بر محمد و اهل بیت محمد درود فرست، و هر آنچه از تو خواستم، و در طلب آن به جانب تو رغبت نمودم به من عنایت فرما. به درستی که تو مرا به خواستن فرمان دادی و برایم عهده‌دار اجابت شدی، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

** ** *

تظاهرات، واجب اخلاقی است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ ژوئن ۲۰۱۶:

#عراق #انقلاب

۱۳ سال

حکومت احزاب در برج‌و باروهای خود ایمن هستند؛ در حالی که مردم در فضای باز سر بریده می‌شوند.

منطقه «خضرا»، منطقه «صفرا» و...

غریبان به عراق آمده، جا خوش کرده‌اند؛ و در غریب‌بودنشان با سکوت زشتشان در مورد این ملت مظلوم گوشه‌گیرتر نیز شده‌اند.

ناکامی مفتضحانه در کنترل وضعیت امنیتی، و نتیجه، کشتار بدون هزینه مردم عراق در معابر.

ناکامی مفتضحانه در مدیریت وضعیت اقتصادی، و نتیجه، هدر دادن صدها میلیارد و اموال چپاول شده.

ناکامی مفتضحانه در مدیریت وضعیت اجتماعی، و نتیجه، گسترش فرهنگ تنفر، کینه‌توزی و خون‌ریزی‌ها.

از عراق چه باقی گذاشته‌اید؟

عزیزان من و هم‌وطنان عراقی! تظاهرات، واجب اخلاقی است و به هیچ‌وجه نمی‌توان از آن شانه خالی کرد.

عزیزان من! باقی ماندن در خانه پس از این بیدادگری و ستم- قصور و کوتاهی است.^۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳>

[۰۷۹۶۸/۱۰۲۴۵۵۵۵۴۰۹۲۵۴۴۲/?type=۳&theater](https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳)

*** **

پاره‌های عشق از آن توست ای صاحب عصر و زمان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

استاد جعفر، خداوند تو را حفظ و گام‌هایت را در آنچه مورد رضایش است استوار

فرماید.

از خدا می‌خواهم شما و کسانی که به شما پناه می‌آورند در خیر و عافیت باشند.

سلام من به همه مردان و زنان مؤمن در قطیف و در تمام سرزمین حَرَمین مبارک.

جعفر الشیبی نوشته است:

«پاره‌های عشق از آن توست ای صاحب عصر و زمان...»

ای آقای آب...

آن را بگیر...

مرا بگیر...

"سفره آسمانی را".

تاریخ را برایت با گل و ساحل خواهیم ساخت

و با نجوای هوای تو، بندرهایی خواهیم گسترد.

در قَدَح‌های وحی تو، خالص‌ترین‌هایم را خواهیم ریخت

۱ - فایل پیوست، بخشی از ویدئوی گزارش شبکه ماهواره‌ای دجله، از یکی از بمب‌گذاری‌های بغداد است که

قربانی‌های بسیاری از عراقی‌های بی‌گناه بر جای گذاشت.

و سطرهای تشنه را با دو دیدگان تو سیراب خواهیم ساخت.
من زمینم...

آیا زمین را سرمه‌ای هست تا آراسته‌اش کند؟
و آیا جامه‌ای از نور را برای گرم شدن به تن خواهد کرد؟
چراکه از گذشته دور در سینه، میلیاردها شب جوشیده
چاهی پر از قساوت و سنگدلی آماده شده.
پس از آنکه باغچه‌ای بودم، غربت را نشانم داد
بیابان گرد شدن، همه جا را با تمسخر، چون بالش زیر سر نهاد.
پس ای سرور خورشید که با هوا آبیاری می‌کند
تو را به همان رنگ غدیری، عاری از هر عیبی شناختم.
تو هزار روزه گرفتی، و دانه‌ها از پشت دانه‌ها
و اینک این صدای گیتار زنگار بسته‌ام است که به آرامی می‌نوازد.
بیا و قلب و صورت خاطرات مرا فرش خود بنمای
سفره‌هایی آسمانی...

و خادمت را با نوای خود، مقدس کن.
خون من محدود است، با شیرینی‌اش عجین شده‌ام
در پیری و جوانی، آشتفشان‌ها را به آن خورانده‌ام.
بیا و مرا از زندان و غربتم بر کن
و از فقر روزگارم...
و ازدحام زشتی‌ها.
و وعده‌ای - چون وعده‌ای دهم خلافش نمی‌کنم -
تاریخ را برایت مهیا کنم
با گل
و ساحل...

یکشنبه، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ / ۷ رمضان ۱۴۳۷

جعفر الشیبب.»

*** **

بوسه یهودای خائن

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

#عراق #انقلاب

چوپانِ نابکار گوسفندانِش را رها می کند تا طعمه گرگ ها شوند.
آن ها شما را به قربانگاه برده اند. آیا اکنون آن ها را شناختید؟! اینکه شما را به خاطر
خدا نپرورانده اند؟

شما هیزم آبرو و آسایش آن ها هستید. آیا این حقیقت را درک کرده اید؟

تصویر پیوست شده به «بوسه یهودای خائن» معروف است:

این تصویر کشاورزی است که گوساله ای را پرورش داد تا گاو شود و در پایان، آن را
فروخت تا شکنجه، و به شکلی وحشیانه و غیرانسانی در میدان گاوبازی کشته شود. گاو
مجروح، در اوج هیجان و جوشش خون که بر عقل های حاضران سیطره می یابد، مربی
خود را می بیند و به سمتش می رود تا از او کمک بگیرد؛ ولی قبل از اینکه گاو مسکین به
فرجام دردناک خود بازگردد، به جای یاری و کمک، این بوسه را از مربی خائن دریافت
می کند.



*** **

رهايش می‌کنم؛ مادام که امور مسلمانان سالم بماند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ ژوئن ۲۰۱۶:

«والله لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً، التَّمَاثَا لِأَجْرِ ذَلِكَ وَ فَضْلِهِ

وَ زُهْدًا فِيمَا تَنَاقَسْتُمُوهُ مِنْ زُخْرُفِهِ وَ زِبْرَجِهِ»^۱ «به خدا قسم آن را رها می‌کنم؛ مادام که امور

مسلمانان سالم بماند، و ستم جز بر من واقع نشود؛ به امید پاداش و فضل آن، و

روی‌گردانی از زر و زیور دنیا که شما بر سر آن رقابت می‌کنید.»

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

۱ - از سخنان امیر المومنین (صلوات خدا بر او) در خطبه‌اش وقتی مردم تصمیم به بیعت با عثمان گرفتند. نگاه

کنید به: نهج البلاغه: ص ۱۰۲ - تحقیق: صبحی سالم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسلیم
سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به نظر می‌رسد افرادی هستند که فهم گواهی‌جستن بنده به سخن امیرالمؤمنین (صلوات خدا بر او) بر آنان دشوار باشد: «به خدا قسم آن را رها می‌کنم؛ مادام که امور مسلمانان سالم بماند، و ستم جز بر من واقع نشود؛ به امید پاداش و فضل آن، و رویگردانی از زر و زیور دنیا که شما بر سر آن رقابت می‌کنید» در حالی که معنایش واضح است. این بیان، علت دخالت‌کردن من در امور عمومی و به‌طور خاص ظلم و ستم بر مردم است و دخالت‌کردن من همان‌طور که از تمامی گفته‌های پیشینم و تقریباً از یک سال پیش روشن است. در چهارچوب تظاهرات مسالمت‌آمیز و مطالبه حقوق است، نه فراتر از آن.

ما می‌دانیم کسانی که زندگی مخصوص به خود را به‌دور از زندگی فقرا و گرسنگان و یتیمان سپری می‌کنند، چه بسا این سخن را درک نمی‌کنند و به آن اهمیت نمی‌دهند. ولی ما به‌طور مرتب با هزاران یتیم در تماس هستیم؛ کسانی که اغلب به‌علت ناکامی‌های حکومت در اداره کشور، یتیم شده‌اند. ما حال‌وروز این یتیمان و فقیران را می‌بینیم که گاه از تأمین ساده‌ترین نیازهای زندگی ناتوان هستند و اگرچه ما متکفل هزاران نفر از آن‌ها شده‌ایم، اما قادر نیستیم به هزاران نفر دیگر که به رسیدگی ما یا به مبلغ مالی اندکی برای رفع گوشه‌ای از نیازهای روزانه خود احتیاج دارند رسیدگی کنیم. ما همچنین با بیمارانی در تماس هستیم که می‌توانیم برخی از آن‌ها را یاری کنیم؛ ولی از یاری بسیاری دیگر ناتوانیم. آن‌ها را می‌بینیم که درد می‌کشند و می‌میرند؛ بی‌آنکه این حکومت شکست‌خورده - که حتی درمان پزشکی را بر آن‌ها سخت گردانده است - اهمیتی بدهد.

ای عزیزان! سخن بسیار است ولی به‌طور خلاصه: ما دردی را که بسیاری از مردم در عراق متحمل می‌شوند می‌بینیم و به همین دلیل مجبور به سخن‌گفتن هستیم؛ زیرا نه دین ما، نه اخلاق ما و نه اصول ما به ما اجازه سکوت نمی‌دهد. به همین دلیل ما انگیزه داریم و به تظاهرات مسالمت‌آمیز برای درخواست حقوق، تشویق می‌کنیم.

*** **

ای سوار بر مجد و شکوه...

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶:

أَمَّيَا الرَّاكِبِ الْمُجِدُّ زُوَيْدًا بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهِهَا
 إِنَّ تَرَاءَتْ أَرْضَ الْغَرِيِّينَ فَاخْضَعُ وَاخْلَعْ النَّعْلَ دُونَ وَادِي طَوَاهِهَا
 وَإِذَا شَمَمْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ الْأَعْلَى وَأَنْوَارَ رَبِّهَا تَعْشَاهَا
 فَتَوَاضِعْ فَنَمَّ دَارَةُ قُدُسٍ تَتَمَمَّى الْأَفْلَاكُ لَنَمِّ تَرَاهَا
 قُلْ لَهُ وَالِدُمُوعٌ سَفْحٌ عَقِيقٍ وَالْحَشَا تَصْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا
 يَا بِنَّ عَمَّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ الْآتِي عَمَّ كُلِّ شَيْءٍ نَدَاهَا
 أَنْتَ قُرْأَنُهُ الْقَدِيمِ وَأَوْصَا فُكَّ آيَاتُهُ الْآتِي أَوْحَاهَا
 حَصَّكَ اللَّهُ فِي مَا يُرَشِّقِي هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَتَنَاهَى
 لَيْتَ عَيْنًا بِغَيْرِ رُؤُوسِكَ تَرَعَى قَدَيْتَ وَأَسْتَمَرَّ فَمَا قَدَاهَا

ای سوار بر مجد و شکوه، با قلب‌هایی که از درون تغییر کرده، با آرامی رفتار کن.
 آن هنگام که سرزمین‌های غریب را دیدی فروتنی پیشه کن، و پاپوشت را به‌درآور که اینجا کم از وادی
 طور نیست؛

و اگر خواستار قبهٔ عالم‌العلی هستی، همان جایی که آنوار پروردگار آن را پوشانده،
 پس فروتنی کن که آنجا همان سرای قدسی است که آسمان‌ها در آرزویش هستند تا آن را در برگینند.
 به او بگو در حالی که اشک دامن‌کشان است، در حالی که دل با آتش شاخسارش خود را گرم
 می‌کند،

ای پسر عم پیامبر، تو همان دست‌خدايي که بخشندگي‌اش همه‌چيز را دربرگرفته است.
 تو همان قرين دبيرين اوبي، که اوصافت آن آیاتی است که بر او وحی شد.
 خداوند آثار نیکویی را مخصوصت گرداند، همچون اعدادی که نه‌ایتی ندارد.
 ای کاش چشمی که به غیر از روضهٔ تو دیده بگشاید کور شود و در کوری بماند!



پی نوشت / ۲۷ ژوئن ۲۰۱۶:

شیخ ابواشتر طایی: «تهدمت والله ارکان الهدی» «به خدا سوگند، ارکان هدایت نابود شدند».

به اسم خود و عشیره ام به مولایمان مستحفظ آل محمد بقیة الله حجت بن الحسن (علیه السلام) و وصی و فرستاده بر حق او یمانی آل محمد سید احمد الحسن (خداوند او را در زمینش تمکین فرماید) و نیز به همه مردان و زنان مؤمن، در یادبود شهادت امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) تعزیت عرض می کنیم. خداوند پاداش های شما را بزرگ و عزاداری شما و ما را به بهترین شکل قرار دهد.

از خداوند سبحان و متعال مسئلت داریم به حرمت صاحب این یادبود (علیه السلام) ما را از شیعیان خالصش قرار داده، دین خود را با ما زیر لوای ولی و پسر اولیای خود (علیه السلام) یاری فرماید.

شیخ حکمت امین، شیخ عشیره الاوند الطائیه

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

خداوند پاداش های شما را بزرگ گرداند و اعمالتان را پذیرا باشد. شیخ حکمت، خداوند تو و یکایک عشیره پاکت را زنده بدارد. از خداوند مسئلت دارم - با فضل و منت خودش - تلعفر را به اهل پاکش برگرداند و آن ها را با عزت و احترام به آنجا بازگرداند.

*** **

درخواست برای حکومت مستقل کارآمد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

دکتر حیدر العبادی در صفحه شخصی خود نوشته است:

:Haider Al-Abadi

اولویت کنونی، آزادسازی موصل و تحقق استقرار سیاسی و اقتصادی و بهبود جریان برق است - به خصوص در بصره - و بنده برای اصلاح کابینه اصراری ندارم.

می گویم:

تقریباً یک سال پیش وقتی تظاهرات شروع شد و دقیقاً از بصره هم شروع شد - در دیداری با مدیر شبکه ماهواره‌ای المنقذ و در اولین سؤالی که از من پرسیده شد، عرض کردم:

«... من مردم عراق را نصیحت می‌کنم تا مشخص شود کسانی که بخشی از این حکومت، و شاهد این شکست و چپاول روشمند و به‌هدردادن ثروت‌ها بودند و در دوران گذشته هیچ تغییری ایجاد نکردند، اینان امین نیستند و توانایی اصلاح یا تغییر ندارند. عزیزان من! شما چطور امید خیر از کسانی دارید که حتی منصب‌های مدیران کل و وزارتخانه‌ها را با یک هدف تقسیم کرده‌اند؛ با هدف دستیابی به امتیازاتی که این منصب‌ها در اختیارشان قرار می‌دهد؟ آن‌ها به‌خوبی می‌دانند وزیری که به کار گماشته‌اند، از وزارتتی که در اختیار دارد، چیزی نمی‌داند و با این حال این منصب را با تعیین نمایندگان ناکارآمد وزارتخانه، برای خود نگه می‌دارند. وضعیت در رابطه با مدیران کل نیز به همین صورت است. در نهایت، دزدی‌ها، چپاول اموال، قراردادهای طرح‌های شکست‌خورده‌ای که هیچ حاصلی ندارند! آن‌ها در طول دوازده سال گذشته به همین منوال ادامه داده‌اند. آیا به‌دنبال تجربه دوازده‌ساله دیگری هستید؟»

آیا می‌خواهید باز هم تجربه کنید؟! تجربه دوازده ساله دیگری با همان مشخصه‌هایی که مسبب رنج و گرفتاری شما در طول سال‌های گذشته بوده است؟!»

امیدوارم عزیزانی که دست به تظاهرات می‌زنند به این پرسش پاسخ دهند؟!»

[پس] یا شما باید برای انقلاب و ایجاد تغییر واقعی آنچه در آن هستید خارج شده

باشید، یا باید راضی شوید به اینکه بار دیگر، طعمه نیرنگ‌ها و فریب‌های اینان شوید!

ای عزیزان: وزیر، معاونان و مدیران به تقسیم‌بندی‌های حزبی گردن می‌نهند و در

نتیجه کارآمد نیستند و بسیاری از آن‌ها نه از نظر علمی شایستگی دارند و نه حرفه‌ای. به علاوه اینکه بیشترشان به نفع احزاب خود عمل می‌کنند، نه به نفع هم‌وطنان عراقی با چشم پوشی از وابستگی‌های دینی، عراقی یا سیاسی. نتیجه‌ای که عراق به‌خاطر ناکارآمدی‌های نزدیک به یک سال به آن رسیده، نتیجه طبیعی همین مقدمات بوده است.

پس کمترین چیزی که از حکومت افراد مستقل کارآمد انتظار می‌رود، به‌انجام‌رساندن دو وظیفه اساسی زیر است:

اول، تشخیص عوامل ناکارآمدی با دقت فراوان، مطابق با معیارهای علمی و عملی، و معالجه وضعیت عراق به‌طور عام و به‌صورت خاص فساد در حال سرایت.

دوم: محاکمه کسانی که مسبب این شکست در طول دوره گذشته شده‌اند و دست‌کم بازخواست و محاکمه مسببین اشغال بخش بزرگی از سرزمین عراق و بازخواست مسببین ریخته‌شدن خون عراقی‌ها در موصل و اسپایکر^۱ و دیگر جاها.

امروز دکتر حیدر العبادی به نقطه صفر بازگشته است و از ما می‌خواهد او را با همان مقدماتی که منجر به نتایجی شده است که در آن زندگی کرده‌ایم و می‌کنیم بپذیریم و او پایداری سیاسی و اقتصادی و ... را محقق خواهد ساخت.

تصور نمی‌کنم هیچ شخص عاقلی از همان مقدمات، توقع نتایج متفاوتی داشته باشد. به‌طور کلی بنده توقع چنین رفتاری را تقریباً از یک سال پیش در دیدار مذکور و نیز در آنچه در همین صفحه در طول این مدت گذشته نوشته‌ام، از آن‌ها داشته‌ام.

آنچه امروز می‌خواهم بگویم این است که:

۱ - قتل‌عام اسپایکر در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ در دوره دوم حکومت مالکی رخ داد. پس از تسلط سازمان تروریستی داعش بر شهر تکریت بیش از ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان نیروی هوایی در پایگاه هوایی اسپایکر را اسیر کرد و آن‌ها را به کاخ‌های ریاست‌جمهوری در تکریت بردند و قتل‌عامشان کردند.

نگاه شما واقعاً کوتاه‌بینانه است. فلوچه و موصل، حلقه یا جلیقه نجات نیست!

بی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

صفا خزعلی: سلام بر تو ای آقای من، یمانی آل محمد!

شما همیشه بهترین خیرخواه و امین ملت عراق بوده و هستی؛ مردمی که دیر زمانی است از فساد و ستم و فشار حاکمانی که آن را تا رسیدن به مرحله‌ای که دیگر هیچ‌کس به آن غبطه‌ای نمی‌خورد پیش برده‌اند در رنج هستند. اگر وضعیت کشورمان را با دیگر کشورها مقایسه کنیم - که البته لازم است حکومت‌های همسایه مثل ایران، کویت و... را در مقایسه با خود مورد توجه قرار دهیم - خواهیم دید در همه سطوح اقتصادی، خدماتی، امنیتی و بسیاری سطوح دیگر، تفاوت فاحشی وجود دارد؛ بنابراین باید اشکالات، مشخص و درمان شوند و بنده اعتقاد دارم اشکالات برای عراقی‌ها واضح شده‌اند؛ پس ناگزیر باید به اصلاح آن توجه شود؛ وگرنه سکوت کردن سودی نخواهد داشت... اما ربط دادن پیروزی‌های قوای امنیتی بر تروریست‌های وهابی داعش، با عملکردها، این تلاشی است ناامیدانه برای پوشاندن ناکارآمدی حکومت؛ زیرا امروز می‌بینیم بسیاری از افراد این پیروزی‌ها را به نفع خود مصادره می‌کنند به‌خصوص حکومت و احزاب صاحب نفوذ و در مقابل می‌بینیم کسانی که با داعش نبرد کرده و خون خود را قربانی کرده‌اند از ساده‌ترین حقوقی که باید به آن‌ها داده شود محروم هستند... .

از خداوند مسئلت دارم شما را - ای آقای من - توفیق عطا فرماید و ما را همراه شما در خدمت شما قرار دهد. ما را از دعای خود فراموش نفرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. مرا نیز از دعای خود فراموش نکنید.

بی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

Sajjad Karim: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای مولای من...

مولای من! شما را بشارت می‌دهم. من در پایه ششم علمی با معدل ۹۶/۷۱ موفق

شدم و همه این‌ها به فضل خدا و به برکت شما آل محمد ﷺ است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. موفقیت مبارک، عزیزم. از خدا می‌خواهم تو را به هر آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است موفق گرداند. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

Muthana Al-taeه: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد،

ای سید پاک ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد و به شما پاداش خیر عطا فرماید. بنده معتقدم این یک درگاه اجتماعی است؛ پس درست آن است که شخص، اسم خود و نیز عکس خودش را در صورت امکان- قرار دهد. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

Najeeb Al-Meahy: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقایان من، ای اهل بیت.

از خدا می‌خواهم برای شما فتحی نزدیک قرار بدهد و امرتان را برایتان آسان فرماید... اما حکومت عبادی و حتی حکومت‌های پیش رو هرچه باشند ما از آن‌ها امید هیچ خیر و اصلاحی نداریم. آن‌ها این لاشه گندیده‌ای را که بر آن چنگال انداخته‌اند رها نخواهند کرد، مگر وقتی که استخوانی پوسیده شده باشد یا کسی بیاید که سگ‌ها را از این لاشه گندیده براند و زندگی را به آن بازگرداند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد و بهترین پاداش نیکوکاران را عطایتان فرماید. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

منسا عباس الربیعی: سپاس و ستایش خدای را که با شما بر ما منت نهاد؛

سپاس و ستایش خدای را که ما را با شما رها کنید؛
سپاس و ستایش خدای را که ما را با شما هدایت فرمود؛
سپاس و ستایش خدای را که مستحق ستایش است؛ آن گونه که او شایسته اش است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما
عطا فرماید. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

پی نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

Khalid Hussen: سلام بر تو ای آقای من. خداوند در روز ورود، شفاعت شما را روزی

ما فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. از خدا می خواهم توفیق آنچه را که دوست
می دارد و به آن راضی است به شما عنایت فرماید.

پی نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶:

حسن العقیلی: سلام بر شما، مولای من، یمانی آل محمد ﷺ.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد؛ و سلام من به پدر و
مادر پاک شما. امیدوارم مرا در دعایشان یاد کنند.

خوشامدگویی به همه در این صفحه؛ چه اسم صحیحشان را نوشته باشند چه مستعار

پی نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

دیروز یکی از مؤمنان را نصیحت کردم که اسم صحیح خودش را قرار دهد و نیز در
صورت امکان، عکس شخصی خودش را. این تنها یک نصیحت در جهت ارتباط صحیح

با دیگران در صفحات ارتباط اجتماعی است؛ چون وقتی برای سلام دادن به شخصی می‌آیی، لازم است دست کم با اسم صحیح خودت سلام کنی تا او بداند شما چه کسی هستی، و اگر ممکن باشد عکس خود را نیز قرار بدهی؛ اما اشکالی هم ندارد که یک شخص صفحه‌ای با یک نام نمادین به‌عنوان مثال- برای بحث و مناقشه اعتقادی یا به دلیل منطقی دیگری ایجاد کند؛ همچنین اشکالی ندارد که شخص، عکسی نمادین قرار بدهد؛ به‌خصوص برای بانوان. شاید در بسیاری اوقات برای یک خانم مناسب نباشد عکس خودش را قرار دهد.

مایلم یادآور شوم همگی محترم هستند و به آنها خوش آمد می‌گوییم؛ چه اسم‌های صحیح خود را بنویسند و چه با اسم‌های مستعار بوده باشند، چه عکس خود را قرار بدهند و چه عکس‌های نمادین استفاده کرده باشند. خداوند همه شما را زنده بدارد.

وضعیت زنان در وسایل ارتباطات اجتماعی از نظر شرعی

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

شاعر میثم الطفیلی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. آری ای مولایم، همان گونه است که تفضل فرمودی... مولای من، پرسش بنده: آیا صحیح است زن عکس پوشیده خود را قرار بدهد یا اشکال شرعی دارد... پروردگارا بر ما لطف کن.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد عزیز من؛ اشکال شرعی ندارد. این کار به‌خود خود- مباح است.

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

عماد حسین عبدالله السویدی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. آقای ما، آقای ما! ما تحت امر تو هستیم -چه با عکس، چه بدون عکس- جانمان فدای شما. ان شاء الله همیشه از صابران باشیم. خادم شما صادقانه عرض می‌کند مایل نیست عکس [خود را]

بگذارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد، عزیز من. اگر مایل نیستی عکست را بگذاری مهم نیست؛ اما اسمت را بگذار و نه فقط لقب را. ما به عشیره پاک شما مشرف خواهیم شد، ان شاء الله.

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

Hussain Almoali: سلام بر شما ای سید عزیز ما. جمعه مبارک باشد. از خدا گشایش و فرج سریع را خواستاریم، یا الله... با توضیح شما، برادرانمان را دیدیم و دلمان به آشنایی با آنها مسرور شد... از خدا می‌خواهیم ما و شما را در آینده‌ای نزدیک گرد هم آورد، ان شاء الله.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

علیکم السلام. خداوند شما را زنده بدارد عزیز من. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید.

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

صدرا علی‌پور^۱ خداوند شما را زنده بدارد عزیزم؛ و سلام من به همه مؤمنان در تهران و سرتاسر ایران عزیز. مرا از دعای خود فراموش نکنید. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید و شما را از بندگان که نزدش بیشترین بهره را از هر خیری که در این ماه کریم و این سال فرو می‌فرستد و هر شری که دفع می‌فرماید قرار دهد. از خدا می‌خواهم درهای رحمتش را برایتان باز کند و شما را یاری پیروزمندانه عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

۱ - این پی‌نوشت هم‌اکنون در میان پی‌نوشت‌های صفحه رسمی موجود نیست.

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

Hamid Jasim: سلام بر تو ای نور دیده‌ام. ارواح ما فدای تو. ای مولای من! به حق مادرت فاطمه زهرا-بر او و شما برترین صلوات و سلام باد- خواستار دعا از جنابتان هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم‌السلام. خداوند شما را زنده بدارد عزیز من؛ و از خدا می‌خواهم شما را از بندگانی قرار دهد که نزدش بیشترین نصیب را از هر خیری که در این ماه کریم فرو می‌فرستد و از هر شری که دفع می‌کند عطا فرماید.

حکم روزه با وجود ضعف بنیه برای دختر

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۶:

آه ای زینب: آقای من، جمعه بر شما مبارک باد. مولای من! دختر خواهرم ده سال دارد و روزه بر او واجب است. او ساکن آمریکاست و روزهای آنجا طولانی است. او خیلی ضعیف است و تاب‌وتوان کافی ندارد و حتی نمی‌تواند حرف بزند. خواهرم به من گفت او واقعاً رنجور است و در سن رشد قرار دارد. آیا او باید روزه بگیرد؟ با توجه به اینکه پدرش هم نمی‌پذیرد او روزه نگیرد و مادرش حال و روز دختر را می‌بیند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

به‌طور کلی -ان‌شاءالله- روزه ضرری نمی‌رساند. من نیز دختری نُه‌ساله دارم که بنیه جسمانی‌اش قوی نیست و الحمد لله روزه گرفت. به‌طور کلی اگر یقین داشتید که روزه برایش ضرر دارد می‌تواند افطار کند و در زمانی دیگر قضا نماید.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۶:

الیاس الناصری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مولای من! برادران در مشرق، از شما درخواست دعا دارند و نمی‌خواهند شناخته شوند. آیا در ایران جایز است اسم‌ها را علنی کنند و عکس‌هایشان را در صفحات فیس‌بوک منتشر نمایند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

در خصوص ایران و همه دولت‌هایی که حکومت‌های دیکتاتوری بر آن‌ها حکومت می‌کنند و مؤمن از ستم آن‌ها بر خود بیمناک است، می‌تواند اسم و نیز عکس خودش را قرار ندهد.

توصیه بنده این بود که اسم (اسم صحیح) قرار داده شود؛ اما در خصوص عکس، به کسانی توصیه کردم که امکان انتشار عکس را بدون هرگونه به سختی افتادن داشته باشند؛ یعنی مطلوب، اسم و لقب صحیح است و مهم، اسم است نه عکس. عکس امری ثانوی است. از همین رو این مطلب را به کسانی گفتم که امکان گذاشتن عکسشان را داشته باشند؛ یعنی عکس، موردی اضافه است؛ ولی عجیب اینجاست که یکی از مؤمنان را دیدم که با اسم سمبلیک مطلب می‌نویسد در حالی که عکس خودش را منتشر می‌کند!

پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص تظاهرات و حمله به مجلس

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۶:

صدام الزاملی: سلام بر شما.

آیا شما تظاهرات جریان صدر و حمله به مجلس و هیئت وزیران را تأیید می‌کنید؟ و آیا آن‌ها را حمایت می‌کردید؟ مثلاً با آن‌ها مشارکت داشتید؟

حسین مطر: برادر عزیزم، امام احمدالحسن تظاهرات را از آنجا که یکی از حقوق مردم است تأیید می‌فرماید؛ زیرا احزاب سیاسی، حقوق مردم را سلب کرده‌اند. این تأیید به آن جهت است که امام احمدالحسن، پدری است مهربان و متعلق به شماس‌ت و علت دیگری ندارد. شما می‌توانی آنچه را که امام در گذشته نوشته است بخوانی؛ اینکه علت دخالت‌کردنش در امور سیاسی را بیان فرموده است؛ اما در خصوص شرکت انصار در تظاهرات، امام احمدالحسن انصار را توجیه فرموده است، هرکدام از آن‌ها که می‌خواهد در تظاهرات شرکت کنند باید به‌عنوان یک عراقی شرکت کند و حقوق خود را مطالبه نماید، نه به‌عنوان انصار دعوت یمانی.

صدام الزاملی: حسین مطر، برادر عزیزم! درست است که تظاهرات حق قانونی مردم عراق برای درخواست حقوقشان است، اما در تظاهرات گذشته شاهد بودیم سیاست‌بازی‌ها تظاهرات را به سمت‌وسویی معین هدایت می‌کند و هرکس که شرکت کند چه بخواهد چه نخواهد از آن‌ها به شمار خواهد رفت.

درمورد رهبر آنها نمی‌خواهم چیزی بگویم. این نکته اول.

دوم: زمان تظاهرات مناسب نبود. به دلیل [وجود] داعش و حکومت‌هایی که عراق را احاطه کرده‌اند.

سوم: در تمام عمرم نشنیده‌ام شخصی از پارلمان، بوسیله تظاهرات‌کنندگان تهدید کند یا رهبر یک حزب، حکومت را با تظاهرات‌کنندگان تهدید نماید. در حالی که خودش قسمتی از فساد است و با تظاهرات‌کنندگان مشارکت می‌کند، گویی هیچ اشکال و لغزشی ندارد.

بنده نمی‌دانم به‌طور دقیق دیدگاه و موضع‌گیری‌های شما درباره جریان صدی به‌دور از شفافیت و دیپلماسی-چیست.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

تشکر می‌کنم از حسین مطر عزیز-خدا حفظش کند- به‌خاطر پاسخی ارزشمندی که ان‌شاءالله کافی است. اما اگر اجازه دهید به‌عنوان پاسخ به پرسش‌های چهارگانه‌ای که سید صدام الزاملی-خدا حفظش کند- مطرح کرده است نکات زیر را اضافه کنم.

اول: ما تظاهرات و اعتصاب‌ها را تأیید می‌کنیم و بنده از مدت‌ها قبل به این نکته تصریح داشته‌ام؛ اما در خصوص جزئیاتی که بر آن مترتب است، ضرورتی ندارد با تمامی جزئیاتش موافق باشم.

دوم: جهت‌دهی‌های سیاسی به تظاهرات به این معنا که از طرف سمت‌وسوی سیاسی معینی رهبری شده است یا اینکه بگوییم از طرف سید مقتدی صدر و جریان صدر به‌طور خاص- رهبری شده است به این اعتبار که پیروانش بیشترین تعداد تظاهرات‌کنندگان را تشکیل می‌دهند، این برای ما خیلی واضح است؛ ولی شما باید بدانی

ما یک حزب و تشکل سیاسی یا یک حزب مشارکت‌کننده در انتخابات نیستیم. تنها نکته‌ای که برای ما اهمیت دارد رفع برخی از ظلم و ستم‌ها و زورگویی‌ها از مردم عراق است نه بیشتر. اگر کسی باشد که از وجود ما به عنوان مثال- در جهت منافع شخصی یا حزب‌گرایی بهره‌برداری کند ما اهمیتی نمی‌دهیم؛ زیرا این به خود او مربوط است نه ما. نهایت آنچه برای ما اهمیت دارد بالاگرفتن خواسته‌هایی است که ممکن است برای همگان مقبول باشد یا دست کم طبقه سیاسی ستمگر را تحت فشار بگذارد؛ و در صورتی که این مطالبات گرفته شود، منجر به رفع ظلم و ستم از مردم عراق گردد.

سوم: نبود امنیت در عراق، چه در اثر این گروه وهابی سلفی بوده باشد، چه به علت دیگری؛ این مسئله‌ای است که ما پیش از داعش نیز با آن زندگی می‌کرده‌ایم و با پایان یافتن داعش نیز پایان نخواهد پذیرفت و در نتیجه اگر بگویم وجود آن‌ها مانعی برای تظاهرات است، در این صورت هیچ وقت مناسبی برای تظاهرات و مطالبه حقوق وجود نخواهد داشت. اضافه می‌کنم این کسانی که ملت عراق برای تظاهرات علیه‌شان خروج می‌کنند کسانی هستند که مناطق گسترده‌ای از عراق را تسلیم داعش کرده‌اند و امروز این مناطق جز با خون مردم عراق باز پس گرفته نشده است؛ و متأسفانه تا به امروز به دلیل این جرمی که مرتکب شده‌اند بازخواست و محاکمه نشده‌اند!

چهارم: ما یک گروه سیاسی نیستیم و در انتخابات یا فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنیم و تعامل ما با دیدگاه‌هاست، نه اشخاص و جریان‌هاست. در خصوص جریان صدر به عنوان یک حزب سیاسی، هیچ‌گونه ارتباط خاصی ما را به آن‌ها پیوند نمی‌دهد.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۶:

Ammar Alansar: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا. سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت. سلام بر تو ای وصی حجت بن الحسن، ای احمدالحسن! ای آن‌که تمام زندگی و امید و نجات من هستی. تو پدر مهربان و غیرتمند من هستی. جان و روحم و ارواح جهانیان فدای خاک قدومت باد. خدایا تو را به آسمای نیکویت قسم

می‌دهم که به این دو قائم عادل از آل محمد علیهم‌السلام لباس سلامت و عافیت بیوشانی و آن‌ها را از تمامی بلاها و بیماری‌ها محفوظ بدارم. خدایا! و از تو می‌خواهم قلبشان را از من راضی بگردانی، ای خدا! ای پدرم، ای احمدالحسن المهدی! بابت رنجاندن و طولانی‌شدن سخنم در این نامه عذرخواهم. از شما می‌خواهم نزد خدا همه گناهان و جرم و خطاهایی را که مرتکب شده‌ام ببخشایی. از خدا بخواه که مرا از حب دنیا و طلب فراوانی مال و زینت زندگی دنیا دور بدارد. مولای من، ای پدرم! چندماهی است برای ادامه تحصیل در مدرسه و دانشگاه مردود هستم. من شدیداً مشتاق تحصیل و درس خواندن در حوزه علمیة مهدوی مبارک هستم و اکنون در حال ورود به دانشگاه در رشته‌ای از علوم تجربی در ایران هستم. بنده بنا به دلایل بسیاری تمایلی به تحصیل در این رشته ندارم. من به‌عنوان یک انسان - که حق تصمیم‌گیری برای آینده‌اش را دارد - در این خصوص از بسیاری از برادران مؤمن مشورت گرفتم، ولی به نتیجه مطلوبی برای آرامش خاطرم نرسیدم. به همین دلیل از خداوند استخاره کردم و به کتاب خدا برای تحصیل در حوزه مهدوی مبارک تقاضای زدم و پاسخ خیر و نیکو آمد اگر انجامش بدهم؛ ولی نهی نفرمود؛ اما به‌خاطر والدینم از این کار ترسیدم؛ زیرا آن‌ها به این دعوت حق و مبارک ایمان ندارند. از شما خواهش‌مندم و تمنا دارم برای هدایت آنان دعا بفرمایید تا به این دعوت و راه نجات ایمان بیاورند. پدرم، از شما خواهش می‌کنم برای من دعا فرمایی تا از «منیت» رها شوم و نفسم را در راه شما فدا کنم، ای مولای من! بیش از یک سال است به شما ایمان آورده‌ام؛ اما در این شهری که من هستم تعداد مؤمنان بیشتر از انگشت‌های دو دست نیست و این واقعاً از کوتاهی من است. پدر مهربان من، از خدا می‌خواهم این پیام من به شما، موجب رنجش و آزرده‌گی خاطر پاکت نشود. ای بهتر از جانم و سزاوارتر به خودم، شما را قسم می‌دهم به علی اکبر فرزند حسین علیه‌السلام که پاسخ پیام مرا به‌شکلی واضح و کامل بیان بفرماید. مولای من! چند مرتبه در این صفحه برای شما نوشتم ولی پاسخم را نفرمودی. شما را قسم می‌دهم به دو دست بریده عمویت عباس که توجه فرموده، پاسخم را بفرماید... و در همه حال، سپاس و ستایش تنها از آن خداوند است؛ و سلام رحمت و برکات خداوند بر شما؛ و هیچ تغییر و نیرویی نیست مگر با خدای بلند مرتبه بزرگ. اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و از خدا می‌خواهم کارهایت را برای آنچه دوست می‌دارد و به آنچه او سبحان- رضایت دارد آسان بگرداند. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند. درست را ادامه بده و در آن کوشا باش تا خداوند سبحان و متعال آنچه را که می‌خواهد برایت میسر فرماید.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳ جولای ۲۰۱۶:

در پیام قبلی، احزاب حاکم در عراق و به خصوص کسانی را که گمان می‌کنند آزاد کردن فلوجه حلقه نجاتشان است با این عبارت مخاطب قرار دادم:
«نگاه شما واقعاً کوتاه‌بینانه است. فلوجه و موصل حلقه یا جلیقه نجات نیستند.»
ویدئوی زیر خشم مردم عراق بخاطر ناکارآمدی احزاب حاکم در زمینه تأمین امنیت عراقی‌ها در طول ۱۳ سال را نشان می‌دهد.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۳۸۲۱۷۲۲۶۲۲۵۹۴۰/?type=۳&theater>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

حسن الجبر: ناگزیر مردم باید بدانند که راه‌حل در این حکومت فاسد نیست. چیزی که فاسد است هرگز دست به اصلاح نمی‌زند...
خداوند شما را جزای خیر عطا فرماید، سید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شیخ حسن الجبر، خداوند تو را زنده بدارد و شما را برای آنچه در راه یاری حق انجام دادید و انجام می‌دهید پاداش خیر عطا فرماید. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان گرداند؛ که او ارحم الراحمین است.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

محمد الشراوی: صلوات خداوند بر تو ای سید و مولای ما، ای احمدالحسن، و

صلوات خداوند بر پدران پاک و فرزندان مقدست. برای شما از خداوند، فتح مبین و تمکین باشتاب را خواستارم. ای پدرم و آقای من، از خدا بخواه مرا بهترین سرباز و شهید همراه شما قرار دهد. پدرم، من گناहانی دارم که رویم را سیاه و دعایم را در حجاب کرده است؛ پس درخواستم را فراموش نفرما که دعای شما مستجاب است؛ چون شما از پرهیزگاران هستی که خداوند از آنان می‌پذیرد؛ اما من از ستمکارانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام بر شما، خداوند تو را زنده بدارد، عزیز من. از خدا می‌خواهم شما را داخل در هر خیری کند که محمد و آل محمد را در آن داخل کرده و از هر شری که محمد و آل محمد را خارج کرده است خارج فرماید (صلوات خدا بر او و خاندان او).

آیا دعوت به حاکمیت خدا جدا از دخالت در امور عامه است؟

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

عارف الحلّی الخفاجی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... آقای ما! شخصی است که می‌گوید سید احمدالحسن چگونه به حاکمیت، پادشاهی خدا و تنصیب الهی دعوت می‌کند، اما در عین حال راه‌حل‌ها و نظرات سیاسی برای حل مشکلات عراق ارائه می‌کند که بر واقعیت سیاسی کنونی عراق متمرکز است و مبتنی بر دموکراسی است؟! همان دموکراسی ای که شما آن را جایگزینی شیطانی برای حاکمیت خدا ارزیابی می‌کنید! از خدا می‌خواهم شما را به نهایت آرزویتان برساند. با دعای خالصانه و محبت برای شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد، حبیب من. بنده عقیده خودمان را در باب «حاکمیت خدا» به روشنی تمام بیان کرده‌ام؛ به طوری که برای کسی که در جست‌وجوی حقیقت باشد هیچ پوشیدگی در آن راه ندارد؛ اما علت دخالت در مسائل عمومی را نیز به روشنی بیان کرده‌ام و گفته‌ام که این، کاری از سرِ اضطرار برای مطالبه حقوق مردم یا پایین‌ترین حد حقوق مردم است، و به این سخن امیرالمؤمنین (صلوات خدا بر او) گواهی هسته‌ام: «به خدا قسم آن را رها می‌کنم؛ مادام که امور

مسلمانان سالم بماند، و ستم جز بر من واقع نشود؛ به امید پاداش و فضل آن، و روی گردانی از زر و زیور دنیا که شما بر سر آن رقابت می کنید..»

شیخ عارف حلی، خداوند شما را حفظ فرماید: تو می دانی که من آن ها را نصیحت و راه را بیان کردم؛ اما آن ها رفتن به سمت وسوی دیگری را انتخاب کرده اند و به آنچه اکنون در آن هستند رسیده اند. آیا شما معتقدی من بنشینم و مثلاً به آن ها ناسزا بگوییم؟ قطعاً نه! این اخلاق ما نیست و به همین دلیل تلاش می کنم با هر آنچه می توانم کمک کنم.

در مطالبه حقوق و ارائه پیشنهادها، اهداف فراوانی - غیر از تلاش برای رفع برخی از ظلم ها و ستم ها از مردم عراق- وجود دارد؛ از جمله بر ملا کردن فساد راهی که احزاب حاکم، بر آن سیر می کنند و سخت گیری بر آن ها و بیان پایبندی آن ها به مصالح شخصی و حزبی شان به قیمت ضربه زدن به منافع مردم ستمدیده عراقی .

پی نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

اباذر التیمی: مولای من، خداوند شما را زنده بدارد. چه خوب فرمودید! از خدا می خواهم در عافیتی از سوی خدای سبحان باشی و از خداوند برای شما آل محمد، تمکین را خواهانم؛ و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و به تو بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

پی نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

Sarmed Alyamani: وقایع و چشم اندازها گواهی می دهند که فلوجه و موصل حلقه و جلیقه نجات نیستند... پس انفجارها و کشتار و کشیدن مردم روی زمین چه در صورت اشغال فلوجه یا آزاد کردن آن ادامه خواهد یافت... پس هرگز فرقی وجود نخواهد داشت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. مقصود بنده این نکته بود که آزادسازی فلوجه حلقه نجات برای احزاب حاکم نیست؛ زیرا آن ها فلوجه را حلقه نجات خود ارزیابی می کنند و اینکه

موجب راضی شدن عراقی‌ها از آنان خواهد شد.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

رؤیا احمد: مولای من با «لا قوة الا بالله» استوار شده است. پروردگاران تو را یاری فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را پاداش خیر عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

Sara Al-Ameri: آقای عزیز ما... ما یلم شما را بشارت دهم که از پایه ششم علمی و امتحانات پایانی با موفقیت فارغ‌التحصیل شدم؛ و سپاس و ستایش تنها از آن خداست... و این به فضل خدا و فضل شما آل محمد (علیهم‌السلام) بوده است. از خدا می‌خواهم این چیزی که حتی استحقاق آن را هم ندارد که صفت اندک بر آن اطلاق گردد، عامل شادی شما شده باشد و از شما تقاضا دارم -ای ابوالعباس- در کاری که موجب دل‌نگرانی‌ام شده است دعایم فرمایید.

امیدوارم دعا فرمایید مرا در دانشگاهی که به آن راغب هستم بپذیرند... اینجا پذیرفته‌شدن در دانشگاه‌ها قدری دشوار است، که اگر خدای‌نخواسته مرا نپذیرند ناگزیر خواهم شد یک سال کامل منتظر بمانم و نمی‌دانم آیا در این یک سال امکان تحصیل در پایتخت را خواهم داشت یا نه؛ اما به‌طور کلی اگر ممکن هم باشد باز هم وضعیت سخت خواهد بود؛ چون پایتخت یک ساعت و نیم از ما دور است و برای رشته داروسازی فقط همین دو دانشگاه وجود دارد...

و الحمد لله در همه حال. آقای بزرگوار ما، مرا به‌خاطر کوتاهی‌ام ببخشید.

خداوند شما را حفظ و برایتان تمکین و شما را یاری پیروزمندانه عطا فرماید و ما را همراه شما ثابت‌قدم بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. موفقیت مبارک باشد، ان‌شاءالله. از خدا می‌خواهم آنچه را که

خیر و صلاح آخرت و دنیایت در آن هست برایت میسر فرماید.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

شیخ حسین آل حماد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند ماه مبارک رمضان را برایتان مبارک گرداند و شما را با خیر و برکت به سال بعد برساند. با همه وجود از خدا آرزو دارم پاسخ سلامم را بفرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و به شما پاداش خیر عطا فرماید. شیخ فاضل حسین آل حماد برای دعای پاک و طیبیت از خداوند خواستارم تو را در هر خیری که محمد و آل محمد را در آن داخل کرده است، داخل کند و از بندگانی قرار دهد که در هر خیری که امسال نازل می‌فرماید نزدش بیشترین سهم را دارند. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

على القلاف: سلام بر شما ای آقای ما!

شما در کتاب وصیت فرموده‌ای: «در نتیجه، دانای توانای راست‌گوی حکیم مطلق سبحان، باید متنی که آن را به بازدارنده‌بودن از گمراهی برای هرکسی که به آن چنگ بزند توصیف کرده است، از ادعاکردن توسط افراد باطل بازدارد؛ تا اینکه صاحب (اصلی) آن مدعی‌اش شود و هدف از آن نص، محقق گردد.»

سؤال: وقتی صاحبش آن را ادعا کند و غرض از آن محقق شود، آیا پس از آن، شخص دیگری قادر به ادعایش (نص تشخیصی) خواهد بود؟! ... یعنی آیا ادعای وصیت، با پیشی‌جستن خواهد بود؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد، حبیب من. در کتاب «عقاید اسلام» - که در پایان این ماه بزرگ منتشر خواهد شد - ان‌شاءالله توضیح و تفصیل [آن] خواهد آمد. به این کتاب مراجعه کن. خداوند تو را توفیق دهد و گام‌هایت را استوار بدارد.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

انیس کوتیا: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای ما... این اوضاع ما را به گریه می‌اندازد. ما ساکنان بریتانیا هستیم... آیا چیزی یا مسئولیت خاصی در توان ما هست که انجامش دهیم تا وضعیت برادرانمان در عراق بهتر شود؟ ان‌شاءالله تحت فرمان شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد، حبیب من، انیس کوتیا؛ و سلام من به همه مؤمنان در بریتانیا. مرا از دعای خود در این روزهای مبارک فراموش نکنید و خداوند بهترین پاداش نیکو را به شما عطا فرماید.

*** **

دعوت به تظاهرات مسالمت‌آمیز در عراق

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳ جولای ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از تمام اقشار ستم‌دیده ملت عراق تمنا می‌کنم برای رفع ظلم و ستمی که بر تمام ملت سایه افکنده است جهت تظاهرات مسالمت‌آمیز در میدان «التحریر» بغداد در روز جمعه پیش‌رو خارج شوند؛ و الباقی علی الله.^۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳>

[۰۷۹۶۸/۱۰۳۸۴۷۶۶۴۶۱۹۹۹۹۸/?type=۳&theater](https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳)

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

۱ - فایل پیوست بخشی از ویدئوی است که در آن یک زن پس از یکی از بمب‌گذاری‌های جنایتکارانه‌ای که هم‌زمان با عید مبارک فطر موجب از هم پاشیدن زندگی بسیاری از بی‌گناهان در الکرادقه بغداد گردید صحبت می‌کند.

امنیت داخلی شهرها و وظیفه پلیس و ارتش است و آن‌ها مادام که در تعامل با فرزندان ملت عراق -صرف نظر از دین و نژاد- بی طرف باشند، نیروهای امنیتی قابل احترام از طرف ملت عراق خواهند بود و ما نمی‌پذیریم وظیفه امنیت داخل شهرها به گروه‌های مسلح پیرو مقامات سیاسی واگذار شود.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

جواد طاهر الغرابی الحسینی:

تا به کی؟ تا به کی؟

وعده تا به کی، موعود؟ پرچم‌های ما چه وقت آشکار می‌شود؟

آیا کسی هست صدایم را بشنود و پیام سنگین را از طرف من ابلاغ کند؟

از ستم و تجاوزگر و نفس‌هایی که بر ما قهر گرفته‌اند، خسته‌ایم.

آسیب‌هایی در جان ماست که غم و اندوه را به تلاطم می‌آورد؛

پس لبیک ای که کفایتان می‌کنی و ای بزرگ‌تر از عنبر.

روح من برای فداشدن ساخته شده است و صدایم در هوا می‌غزد.

مردم را به حق دعوت کردیم، به مهدی، به آن پاک‌ترین؛

پس برخیزید ای حامیان دین، بگویید «هو الاکبر».

هویت ما یمانی است، حسینی‌هایی برای محشر.^۱

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد سید بزرگوار جواد طاهر الغرابی الحسینی. از خدا می‌خواهم تو را حفظ فرماید و از بندگانی قرار دهد که نزد او بیشترین نصیب را دارند. سلام من به شما و به همه کسانی که به شما پناه می‌آورند و به سید بزرگوار، پدر گرامی‌تان؛ خداوند حفظش فرماید.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

شیخ ابوحیدر الناصری: صلوات و برکات و رضوان و خیرات و رحمت‌ها بر شما، و سلام تام همیشگی کامل بر شما آل محمد بن الحسن المهدی ستمدیده (صلوات خدا بر او) و رحمت و برکاتش بر شما باد. خداوند شما را تمکین دهد و آن چیزی را به شما عطا فرماید که به احدی از جهانیان پیش از شما نداده و پس از شما [نیز] نخواهد داد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، شیخ ابوحیدر ناصری پاک، خداوند تو را زنده بدارد. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

ماجد المعالی: ما عده‌ای از طلاب نجف هستیم. می‌خواهیم با شما ملاقاتی داشته باشیم و حجت و دلیل شما را ببینیم. اگر دلیل و حجتی باشد به شما ایمان بیاوریم. اگر تو احمدالحسن صاحب دعوت هستی به ما پاسخی بده؛ با تشکر.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. امام محمد بن الحسن العسکری جدم من است. ان شاء الله. و این مطلب برای عموم نیز منتشر شده و قبلاً پاسخ داده شده است، ان شاء الله. این پرسش شما پیش‌تر پاسخ داده شده است و مؤمنان می‌توانند اینجا به آن‌ها پاسخ دهند. من به زودی دور خواهم شد و نمی‌توانم بیش از این [در این مکان] بمانم. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به تو عطا فرماید و بار دیگر خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

غیث الصائغ: عزیز من، احمدالحسن.

اکنون وقت تظاهرات نیست. اجازه بده از داعش خلاص شویم و بعد خدا کریمه. به جان امام حسین قسم که یک نقشه صهیونیستی وجود داره و می‌خواد بین ما شیعیان جنگ بندازه؛ چون قضیه داعش در حال تمام‌شدنه و انتظار می‌ره این نقشه، هرچه زودتر به دست تو و امثال تو عملی بشه. آیا بس نیست؟ از خدا نمی‌ترسید؟ دنیا رو به پایانه. با کی می‌خواهید مقابله کنید؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. تظاهرات مسالمت‌آمیز است - ان شاء الله - و در خصوص داعش، ما «سرایا القائم» را برای پیکار با آنان تشکیل داده‌ایم.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۶:

Hussain Alhabeه: هیچ فایده‌ای ندارد؛ مگر اینکه پروردگار جهانیان آن را حل کند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

حبيب من، خداوند تو را زنده بدارد. آری، با خداوند است؛ اما ما در دنیای امتحان هستیم و ناگزیر باید در آن تلاش کنیم: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَ أَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يَرَى * ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى﴾ (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست * و تلاش او به‌زودی دیده خواهد شد * سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد).^۱

*** **

فراخوان تظاهرات در بغداد، وفاداری به خون عراقی‌ها

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ جولای ۲۰۱۶:

حضور تمام اقشار مردم عراق در جمعه پیش‌رو برای تظاهرات در میدان التحرير

۱. [نجم: ۳۹ تا ۴۱].

بغداد، وفاداری به خون‌هایی است که -قبل از هرچیز- فساد احزاب حاکم از ۱۳ سال پیش آن را ریخته است و می‌ریزد.
#فساد شما ما را می‌کشد



*** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ جولای ۲۰۱۶:

#بغداد-میدان-التحریر-جمعه

تمنا داریم عکس‌های شهدای عراق که در الکرادة^۱ بر زمین افتاده‌اند برافراشته شود و در تظاهرات روز جمعه برای تسلی خانواده‌های داغ‌دیده و برملا کردن فساد احزاب حاکمی که ما را کشتند و هر روز می‌کشند، شمع‌هایی افروخته شود.
#فساد شما ما را می‌کشد

۱ - بمب‌گذاری الکرادة در ۳ تموز (تیرماه) ۲۰۱۶ از خونین‌ترین بمب‌گذاری‌ها از زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ ارزیابی شد. قابل دسترسی در:

http://www.bbc.com/arabic/middleeast/160705/07/2016_iraq_death_toll_rises



پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

هر سال در خیر باشید. از خدا تمنا می‌کنم برای همه شما قبول اعمالتان و خیر آخرت و دنیا را ثبت کند. ای دوستان، مرا از دعایتان فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

عباس فتحي: سلام خدا بر تو ای سید و مولای ما، قائم آل محمد ﷺ.

ما در عراق زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه از سرزمین مقدس به دور هستیم و به دلیل حکم دادگاه‌های حکومت برای ما، از سفر به عراق محروم و ممنوع شده‌ایم.

ای کاش با شما بودیم تا به رستگاری می‌رسیدیم؛ به رستگاری بزرگ!

اما هر طوری که باشد، ما ان شاء الله سر به فرمان و مطیع امر شما هستیم؛ اما

اکنون در مشرق‌زمین آیا چیزی بر ما واجب است تا مطابق امر شما درباره روز جمعه انجام دهیم؟

خداوند ما را از عاملین، رزمندگان و شهیدان همراه شما قرار دهد، ای آقای ما. خداوند

به شما هزاران خیر عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و شما را جزای

خیر عطا فرماید. از خدا می‌خواهم سرزمین عزیز ما ایران را از شرّ دین و هابی سلفی تبهکار

دور بدارد و شیعیان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در همه جا، از شرارت‌های وهابیت سلفی

حفظ فرماید. تظاهرات در بغداد فقط برای عراقی‌هاست.

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

علی محمد: بارخدا یا! آمین، ای مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

در ایران عزیز هر سال در خیر باشید. مرا از دعایان فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

حمزة السرای: سبحان‌الله. من وحید عبدالواحد. اندکی پیش درباره شتافتن به سوی خانواده‌های شهیدان گفت‌وگو می‌کردم که شما نوشتید عکس‌های شهدا را برای تسلی خاطر آن‌ها برافرازیم. این مهربانی است؛ ولی کسی خودش را برای تسلیت‌گویی به خانواده‌های قربانیان به‌سختی نینداخت؛ و خودش را فرمانده آن‌ها می‌پندارد. به خدا قسم از تو عذر می‌خواهیم ای سید، چون اهل و عشیره‌های ما و فرزندان سرزمین‌مان بر تو ستم کرده و با تو جنگیده‌اند. به خدا قسم وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم از اینکه از سرزمین عراقی هستیم که چه بسیار بر آل محمد ستم کرده است خجالت می‌کشیم و آرام و قرار نداریم تا وقتی که خون‌هایمان در نصرت و یاری تو ریخته شود و رویمان نزد نبی و آل بیت پاکش -صلوات پروردگارم بر آنان- سپید گردد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، شیخ حمزة السرای: خداوند تو را زنده بدارد، و تو و کسانی که به تو پناه می‌آورند هر سال در خیر و عافیت باشید؛ و سلام من به همه کسانی که در نزدیکی شما هستند. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

الحقوقی علی العکریش: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من.
هر سال در هزار هزار خیر باشی. از مولای بلندمرتبه توانا برای شما -ای آقای من-
تمکین را خواستارم؛ تا خداوند زمین را با شما لبریز از قسط و عدل کند همان طور که با

ظلم و جور پر شده است. آقای من! خداوند ما را بر ولایت تو - اقرارکنان به حاکمیت تو و زیر پرچم تو - ثابت قدم فرماید. ارواح ما فدای خاک قدمت. کسانی که بر آل محمد ستم کردند به زودی خواهند دانست به کدامین بازگشتگاه بازخواهند گشت و فرجام از آن پرهیزگاران است... خواستار دعای شما مییم، ای آقای من...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد، و هر سال در خیر و عافیت باشی. از خدا می خواهم شما را به هر خیری موفق و از هر شری دور فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می کند.

پی نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

احمد رمضان المنصوری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما آل محمد را با حلول عید فطر مبارک، سعادت مند گرداند. آقای ما! از خدا می خواهم این عید را عید خیری برای شما آل محمد و عراقی ها قرار دهد؛ عیدی که ما را به وسیله شما از افراد فاسد رهایی می بخشد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد، و هر سال در هزار خیر باشی. از خدا می خواهم تو را حفظ کرده، خیر آخرت و دنیا را روزی ات فرماید. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

ابن ساسم احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای اهل بیت نبوت و رحمت، و معدن علم و جایگاه رسالت!
ای پدر ما، عید برای شما و اهل بیت پاک و طاهرتان مبارک باد.
خداوند آن را با همه خیر بر شما عید گرداند.
آمین رب العالمین.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. دکتر ابتسام، خداوند شما را زنده بدارد. شما و خانواده بزرگوار هر سال در خیر و عافیت باشید. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید.

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

مصطفی‌العقیلی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، مولای من... آیا حضور در تظاهرات، یاری‌دادن حق است... و در نتیجه بر مؤمنان واجب است در تظاهرات حضور یابند؟ مولای من! خداوند شما را در زمین تمکین عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد. هر سال در خیر باشید. آیا کسی که واقعاً مرا تصدیق می‌کند گمان می‌کند من به چیز باطل یا بیهوده فرامی‌خوانم؟!

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۶:

ابوطیبه:

#پرسش

به سید احمدالحسن

اول: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

دوم: آیا تقویم هجری صحیح است؟ یا آمیخته با برخی اشکالات است؟

در میان بررسی‌هایم از برخی از سایت‌ها متوجه شدم گفته می‌شود تقویم هجری آمیخته با اشکالاتی است؛ زیرا کسی که تقویم هجری را وضع کرد عمر بن خطاب بوده است.

به ما پاسخ بده، خداوند شما را به هر خیری موفق گرداند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تقویم قمری عربی - در اصل - تقویم عبرانی یا همان یهودی است؛ یعنی تقویم قمری شمسی است و نه

بر خلاف آنچه که اکنون عمل می‌شود- فقط قمری.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ جولای ۲۰۱۶:

پیامی به دکتر حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق:

این ویدئو روشن می‌سازد که شما گروهی از جوانان الکراده را - که داغدار عزیزانشان هستند- بازداشت کرده‌اید؛^۱ به این علت که آن‌ها به خودروهای نظامی شما حمله کرده و خساراتی به خودروهای شما وارد ساخته‌اند.

امیدواریم آن‌ها را آزاد کنید یا اینکه من - احمد اسماعیل صالح- در برابر آزادی فوری آن‌ها شخصاً حاضرم هرگونه خسارت مالی‌ای را که این جوانان مسبب شده‌اند بپردازم و برای جبران هرگونه خسارتی که برآورد می‌کنید به خودروهای شما وارد شده است آماده امضای قراردادی با شما یا حکومت عراق هستم. این قرارداد به نیابت از من توسط سید حسن حمامی در دفتر بنده، در نجف اشرف امضا می‌شود.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۳۹۹۸۴۷۲۹۳۸۲۵۲۳/?type=۳&theater>

حضور بانوان در تظاهرات

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

پرسش‌های فراوانی درباره شرکت زنان در تظاهرات فردا، جمعه، در میدان التحرير

۱ - پس از انفجار تروریستی که در الکراده در تموز سال ۲۰۱۶ روی داد و از خونین‌ترین بمب‌گذاری‌هایی به شمار می‌رود که عراقی‌های بی‌گناه را درو کرد.

بغداد مطرح شده است؛ تظاهراتی که برای مطالبه حقوق و برملا کردن فساد احزاب حاکم و تسلی خاطر خانواده‌های داغ‌دیده شهیدای عراق در الکراده برگزار می‌شود. اما پاسخ: از زنان نمی‌خواهم در تظاهرات شرکت کنند؛ ولی وقتی عمه ما، زینب دختر علی (علیه السلام) برای مطالبه حقوق و رسواکردن حکومت اموی ستمگر در حضور همگان خارج شد، من نمی‌توانم یک زن را از ایفای چنین نقشی منع کنم.

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۶:

ارشد الخالدی: سلام بر حسین زمان ما.

سلام بر قائم حق، احمدالحسن.

لیبک

لیبک

لیبک، حبیب من.

مولای من، قلب من به جهت مشارکت نکردنم در این تظاهرات به درد آمده و علت شرکت نکردنم وضعیت سلامتی‌ام بوده است. خواهش می‌کنم برایم دعا کنی، ای مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

ارشد الخالدی، سلام بر شما. خداوند تو را زنده بدارد عزیزم؛ و خدا را شکر که سلامتید. از خداوند شفای عاجل را برای شما خواستارم؛ به فضل و منت او سبحان!

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۶:

حسین احمد الحسینی: آقا و مولای من، یمانی آل محمد! اگر حادثه‌ای مثل حادثه گذشته - که برای بینوایان روی داد - و... رخ دهد، انصار چه وظیفه‌ای دارند و توصیه‌های شما به آن‌ها چیست؟ خداوند شما را با نصرت خودش استوار فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

تظاهرات، مسالمت‌آمیز است.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

Farhan Azmi: سلام خداوند بر شما ای آقای من. انصار شما ضعیف هستند. هر

سال در خیر باشی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد، و سلام من به همه مؤمنان پاک در مالزی. خداوند شما را حفظ فرماید. هر سال در خیر باشید. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

** ** *

دعوت به راهپیمایی، جمعه، ۸ تیر ۲۰۱۶ در بغداد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۸ جولای ۲۰۱۶:

امروز جمعه در میدان التحریر بغداد، عصرگاه، تظاهرات ضد فساد حکومت‌های وابسته به احزاب که عراق را نابود کرده‌اند.

در این تظاهرات شرکت کن و در حق کشورت عراق کوتاهی نکن.

در حق خون‌های عراقی‌هایی که به سبب این افراد فاسد، ریخته شد و هر روز ریخته می‌شود، کوتاهی نکن.

در هم‌دردی با خانواده‌هایی که داغ‌دار عزیزانشان هستند، کوتاهی نکن.

این تظاهرات، سیاسی‌کاری و مختص حزبی مشخص نیست و حزب خاصی هم آن را

جهت‌دهی نمی‌کند و حزب مشخصی هم آن را فرماندهی نمی‌کند.



پی نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شعارهای دینی و جناحی به ضرر تظاهرات است.

سلامتی بدن در کم خوردن و حرکت داشتن است.

پی نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

سید عبدالله الغالبی: پروردگارم توفیقت دهد. به روی چشم مولای من. پسر من را فرستادم؛ چون من خودم بیمار هستم و نمی توانم حرکت کنم. برایم دعا کنید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، سید عبدالله. خداوند تو را زنده بدارد. ان شاء الله شفا می یابی. سلامتی جسم در کم خوردن و حرکت داشتن است.

پی نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

ضیاء شاکر الموسوی الانصاری: سلام علیکم.

مولای من، با تمام وجودم از خداوند امید دارم که شما پاسخ سلامم را بدهید.

حبیب من، کوتاهی ام را ببخشید، ای حبیب من، مولای من!

از شما می خواهم دعا فرمایی برای کارکردن توفیق بیابم، حبیب من!

و از شما می خواهم برای خانواده ام دعا فرمایی تا به سوی آل محمد هدایت شوند.

آقای من، حبیب من، مرا خوشحال کن، ای نور دیدگانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است توفیق عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

ماجد الزیدی: ای آقای من! با نیرو و قوت خدا، ما - ان شاء الله - اکنون در الکراهه نزدیک میدان الحریة خروج خواهیم کرد. از شما خواستار دعا هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد عزیز من، ماجد الزیدی. خداوند شما را جزای خیر عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

ام‌هاشم احمد: سلام بر شما ای پسر پاکیزگان... خداوند شما را بر قوم ستمگران یاری فرماید.

سلامی از سرزمین مغرب.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را حفظ کرده، برای خیر آخرت و دنیا استوارتان بدارد.

فرج از خداوند است، ولی مانعش مردم هستند.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

Alaa Qahtan: لیبیک ای پسر پاکیزگان.

آیا فرج نزدیک است؟

چشم‌انتظار دعا برای دوستم محمد عیدان هستم تا به راه حق و مستقیم هدایت شود.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد عزیزم. فرج از خداوند است ولی مردم مانعش هستند. از خدا

می‌خواهیم احوال همگان را اصلاح و شما را به خیر آخرت و دنیا توفیق عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

عرفان الشکری: سلام بر تو و پدران و پسران پاکِ پاکیزه‌ات. ما منتظر یک اشاره‌تو هستیم. ای سید، ای احمدالحسن! لیبک ای قائم آل محمد، لیبک ای یمانی آل محمد! صلوات پروردگار بر همگی شما، و از شما خواستار دعا هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد عزیز من، و خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

AJ: والله که از این حرف‌ها دیگر خسته شدیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد عزیز من. اگر با من موافق هستی که خون‌های عراقی‌ها به سبب فساد حکومت‌های احزاب ریخته می‌شود من به شما می‌گویم این جنبش، برکت دارد و ما تنها آنچه را که بر ما واجب است انجام می‌دهیم و بقیه با خداوند است.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

اکرم الدخیلی: خداوند به شما برکت دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد حبیب من. از خدا می‌خواهم بوسیله‌تو و برای تو برکت دهد و برای خیرت آخرت و دنیا توفیقت عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۸ جولای ۲۰۱۶:

Safaa Al Battat: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد

ای سید ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد، عزیز من.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

مازن ولیم: سلام بر شما ای سید و مولای من، ای قائم آل محمد ﷺ.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد، حبیب من.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

عباس النداوی: گوش به فرمان تو هستیم ای دلیرمرد. بدان که در کنار رود فرات و رود دجله در الکراده، فداییانی داری، و خداوند یاری‌رسان است. التماس دعا دارم مولای من احمدالحسن؛ وعلیکم السلام.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به خیر آخرت و دنیا توفیق عطا فرماید.

تظاهرات، یک گام در جهت صحیح است.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

یوسف العکیلی: تظاهرات دسته‌جمعی که ما واردش می‌شویم یا اعتصاب عمومی هیچ سودی نخواهد داشت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تظاهرات یک گام در جهت درست است و به‌مثابهٔ اعلام نارضایتی و خشم مردم از طبقهٔ سیاسی حاکم در عراق امروز به دنیاست؛ اما دربارهٔ اعتصاب عمومی یا نافرمانی مدنی، بنده با دیدگاه شما موافقم که این کار، فشار بسیار

بیشتری از تظاهرات دارد و این را در نوشته‌هایم^۱ از سال ۲۰۰۱ بیان کرده‌ام؛ نافرمانی مدنی یک راه‌حل مؤثر برای ساقط کردن حکومت‌های ستمگر است.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

حسین یاسر: تظاهرات چه کاری می‌تواند انجام دهد؟
و چه فایده‌ای دارد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

حبيب من، خداوند تو را زنده بدارد. تظاهرات گامی در جهت درست است و دست‌کم نشان‌دهنده نارضایتی مردم است و به وجود شکاف در سیستم حکومتی و حکومت‌های پی‌درپی عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون اشاره دارد و این شکاف را به همه عالم اعلام می‌دارد. ان‌شاءالله نتیجه خوبی خواهد داشت. رحمت خدا فراگیر است.

*** ** *

تظاهرات‌کنندگان در عراق مجبور به تظاهرات هستند تا کمترین حقوق خود را مطالبه کنند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ جولای ۲۰۱۶:

تظاهرات در عراق نه از سرِ گردن‌کشی است و نه کاری اختیاری. ما ناگزیر به تظاهرات هستیم. این کار برای مطالبه کمترین حد از حقوق انسان یعنی حق زندگی است. مردم عراق هر روز به سبب [اعمال] احزاب فاسد مسلط بر حکومت در عراق، کشته می‌شوند؛ در حالی که آن‌ها ثروت‌ها را میان خود تقسیم می‌کنند تا بسیاری از فرزندان عراق در ادامه قتل و مهاجرت اجباری و گرسنگی و خواری، روزگار سپری کنند.
در ادامه مبحث یا گفتاری بسیار کوتاه را نقل می‌کنم که در کتابچه‌ای کوچک به نام

۱. نگاه کنید به کتاب گوساله - سید احمدالحسن: ج ۲ بحث از اسباب غیبی.

«حاکمیت الله» نوشتیم و در سال ۲۰۰۴ چاپ و نشر شد:

«دموکراسی و ثروت

کسی که پولی برای هزینه کردن در تبلیغات، دروغ‌پراکنی، پوشاندن حقایق و اجیرکردن جیره‌خواران و اراذل در اختیار ندارد، جایگاهی هم در دموکراسی ندارد و این چنین قدرت ثروت در نظام دموکراسی به‌شکلی غیرطبیعی آشکار می‌شود. احزاب و سازمان‌ها ابتدا به هر روشی، اموال فقرا و نیازمندان را چپاول می‌کنند و از طبقه کارگر آغاز می‌نمایند.»

پی‌نوشت ۹ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیزان من! اندکی پیش با شیخ ناظم عقلی صحبت می‌کردم و او به من گفت متأسفانه دوسوم انصار در تظاهرات روز جمعه در میدان التحرير حضور نیافته‌اند، و اکنون چندین سؤال از اشخاص متخلف دیدم.

می‌گویم: ان‌شاءالله از تظاهرات آینده شانه خالی نکنید و این کار، هر جمعه ادامه خواهد یافت تا اینکه خداوند امر را به پایان برساند. کسی که نمی‌تواند در میدان التحرير بغداد حضور یابد مادام که سایر فرزندان عراق تظاهرات می‌کنند در استان خودش به تظاهرات بپردازد.

مطالبه حکومت افراد کارآمد مستقل، خواسته‌ای مرحله‌ای است

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

Muhammad Fadil: پیش از آنکه این کشور دچار فساد شود و قتل و ویرانی در آن فراوان گردد، پیامی آسمانی برای نجات این کشور وجود داشت... ای مولای من! من به آن‌ها خیانت نکردم و [این کار] از شما نیز به‌دور است. من بهترین نصیحت‌کننده بودم. من این بحث را که در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است شمعی برای نورانیت راه و هدایت آن‌ها به صراط مستقیم قرار دادم؛ اما برخی از آن‌ها تکبر ورزیدند و برخی از میراث‌بت‌گونه پدری

بی‌نیاز نشدند.

ای مولای من! یک پرسش: آیا راه‌های معینی غیر از تظاهرات وجود دارد تا ما را با آن نصیحت بفرمایی و بتوانیم برای شتاب‌گرفتن به‌سوی حکومت تکنوکرات و رساندن افراد کارآمد به‌سکان حکومت به‌کار بندیم؟
خداوند اجر شما را با آنچه در منطقه سید محمد سبع الدجیل واقع شد بزرگ بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیزم، خداوند تو را زنده بدارد. مطالبه حکومت افراد کارآمد مستقل (وزیران، وکیلان، مدیران و ...) خواسته‌ای مرحله‌ای و از طرف عموم مردم پذیرفته شده است. در خصوص خودم -بشخصه- از این خواسته فراتر خواهم رفت؛ به‌خصوص پس از سپری‌شدن یک سال به‌بازیچه‌گرفتن مردم عراق توسط آن‌ها. ان‌شاءالله راه‌های بسیاری برای تغییر وضعیت تلخ فعلی مردم عراق وجود دارد. تنها آنچه از مردم، به‌خصوص افراد مستقل و رها از بت‌پرستی -که اکثریت را تشکیل می‌دهند- خواسته می‌شود این است که بیرون بروند و حقوق خود را مطالبه کنند.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

Dr-Firas Alsalemy: سید احمد اسماعیل صالح، تشکر بابت واضح‌بودن کلامت؛ به‌طوری که حتی ساده‌ترین شخص مطلع از صفحات هم درک می‌کند. واضح است که هیچ پوشیدگی و ابهامی در اهدافی که شما توضیح می‌دهی برای آن‌ها وجود ندارد و مادام که شهروندان عراقی به‌صورت جمعی به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند، چه بسا به‌طور صحیح این سخنان را درک می‌کنند...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

دکتر فراس، عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. مرا از دعای خود زیر قبه امام حسین (علیه السلام) فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

حسین صاحب‌علاوی: ان‌شاءالله افراد شریف بسیاری خواهی یافت که دعوت شما را

لیبک می‌گویند تا راه نجاتشان را بیابند. بسیاری از مردم حتی از شناختن خواسته خود نیز ناتوان هستند چه برسد به چگونگی رسیدن به خواسته‌هایشان؛ و این به سبب سیاستی مذهبی است که در آن زندگی کرده‌اند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد. ان شاء الله با تلاش‌های شما.

بی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

حسین المنصوری: متأسفانه عموم مردم با تأثیرپذیری از خِرَد جمعی در مسیری در ورای سراب دموکراسی، مدهوش شده‌اند. گویا این مسئله برای آن‌ها تبدیل به بدیهیات و امور ثابت‌شده‌ای شده است که جای هیچ چون‌وچرایی ندارد؛ در حالی که به سبب سلوکشان در این راه، به وضعیت کنونی رسیده‌اند، و متأسفانه آن‌ها تا امروز حتی از نظر فکری -حتی از باب جدل- به جست‌وجوی راه‌حل دیگری نپرداخته‌اند... در انتهای طرحی که در این خصوص در صفحه‌ی یکی از دوستان مطرح کردم سخن فوق را به صورت پرسشی مطرح کردم و پاسخ من به این شکل داده شد که هنوز وقت پرسش من فرا نرسیده است!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

حبیب من، ابو فاطمه، خداوند تو را زنده بدارد. مرا از دعای خود فراموش نکن. عزیز من، در دموکراسی امور مثبتی وجود دارد که مردم درکش می‌کنند؛ زیرا مطابق واقعیتی است که در جهان امروز بر آن‌ها احاطه یافته است، و علی‌رغم همه جنبه‌های منفی‌ای که در واقعیتی که در آن زندگی می‌کنند - بر چهره‌شان خراش می‌اندازد، هنوز هم خوش‌بینانه به آن نگاه می‌کنند؛ به این امید که یک روز به آن امور مثبت دست یابند؛ اما «حاکمیت الله» همچون پرنده‌ای اسطوره‌ای است که هیچ‌چیزی از آن نمی‌دانند جز اینکه روزگاری علی (علیه السلام) در کوفه به آن عمل کرده است.

بی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

الاعلامی و لاء الدین الربیعی: سلام و رحمت خدا بر شما ای اهل بیت نبوت.

از خدا برای شما تمکین عاجل را خواهانم و از خدا می‌خواهم ما را به وجود و دعای شما پیامرزد، ای پسر پاکیزگان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

Kasem Kasem: سلام بر شما، آقا و مولای من، یمانی آل محمد (علیهم‌السلام) اجمعین.

پرسش: به نظر بزرگوارانه شما آیا در ساقط کردن حکومت فعلی -حکومت فساد- خطری برای عراق از نظر هرج و مرج و سلب و غارت و احتمال تسلط داعش بر برخی از شهرها وجود دارد؟ یا هرگونه خطر دیگری؟ زیرا تظاهرات به‌طور اجمالی - با وجود این افراد فاسد هیچ سودی نخواهد داشت؛ چون آنها حیا نمی‌کنند و کنار نمی‌روند، مگر با زور و کشیدن تظاهرات کنندگان در خیابان. از اینکه سختم به درازا کشید عذرخواهم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. دکتر عزیز خداوند تو را زنده بدارد. راه‌هایی برای جلوگیری از هرج و مرج وجود دارد.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

Fahim Al Asady: سلام و رحمت خدا بر شما.

هیچ امیدی نیست جز با شما، ای حبیب من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد، عزیز من. ان‌شاءالله امید با همه شماسست و من خادم شما هستم. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

ماجد الزیدی: به تظاهرات و انقلاب علیه حکومت فاسد ادامه می‌دهیم تا این واقعیت

تلخی که در آن زندگی می‌کنیم تغییر کند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به شما جزای خیر دهد. از خدا می‌خواهم برای شما برکت قرار دهد. ما چیزی بیش از حق زندگی نمی‌خواهیم و این، کمترین حقوق انسان است.

فساد آن‌ها ما را می‌کُشد.

به عراقی: «منگدر نتحمل ریحتهم بعد.» «دیگر نمی‌توانیم بوی آن‌ها را تحمل کنیم.»

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

اوس هاشم الطائی: سلام بر شما

هر دعوتی به هر چیزی که فرا بخواند،

نیازمند رهبری انقلابی و معتمد است؛

به‌گونه‌ای که شایستگی اعتماد مردم را داشته باشد

چرا که چندین بار است مردم به انقلاب دعوت می‌شوند،

و رهبران انقلاب یک قدم جلو می‌گذارند و ده قدم برمی‌گردند.

من مطمئنم که ما نیازمند دعوت‌کننده به اصلاح نیستیم و واجب است خودمان

خروج کنیم؛

اما بیشتر مردم، فقط وقتی خروج می‌کنند که ندایی از رهبران خود و مُمثالشان

باشوند و این خطای بزرگی است.

وقتی من ستم‌دیده باشم نیازی ندارم شخصی به من بگوید تو ستم‌دیده هستی و خروج

کن و در برابر ستمی که بر تو روا شده است دفاع کن.

بیشتر مردم نیاز به ادراکی درونی دارند تا از بندگی و دنباله‌روی آزاد شوند.

باید آن‌ها آزاد باشند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. تظاهرات یک گام در

جهت درست است؛ تنها یک گام بر این راه است نه همه‌چیز.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۶:

محمد چراغ: ای آقا و مولای من، از خدا می‌خواهم برایتان تمکین عطا فرماید و ما را از عمل کنندگان تحت لوای شما قرار دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. خداوند به شما جزای خیر عطا فرماید. از خدا می‌خواهم به شما برکت دهد؛ و مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

Ali Al Hasuna: می‌دانید تمامی حاکمان عراق طی سال‌های پیاپی، یا کشته‌اند یا تظاهرات مسالمت‌آمیز را غبارآلود کرده‌اند. پاسخ نمی‌دهید که سرکشان چه نتیجه‌ای خواهند داشت؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. تظاهرات گامی در جهت درست و ان‌شاءالله خیر است.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

Zainab Alshammari: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقای من!

از خداوند می‌خواهم در خیر و عافیت باشی... پرسشی در خصوص این فرمایش شما دارم «شعارهای دینی و جناحی به ضرر تظاهرات است». آیا مقصود شما این است که حاضرین در تظاهرات به‌طور کلی جناح و دین خود را مشخص نکنند؟ همچنین انصار؟ آیا این به آن معناست که پرچم «البیعة لله» و دیگر نمادهای دعوت مبارک برافراشته نشود؟ ای پدر من و آقای من، خداوند به شما جزای خیر دهد. از شما درخواست دعا داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. دخترم، خداوند تو را زنده بدارد. آری همین‌طور است. مطلوب این است که فرزندان عراق یا بیشترشان یا بخش اعظم آن‌ها از همه طایفه‌ها و نژادها قیام کنند و در نتیجه، برافراشتن شعارهای دینی خاص یا جناحی

خاص، اشتباه است؛ چون موجب می‌شود افرادی که در این مسائل اختلاف دارند دور شوند و به این صورت آنچه غرض و به‌انجام‌رسیدنش مدنظر است نقض خواهد شد.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

Ali Hasan: هنگام حضورمان در میدان التحریر احساس می‌کنیم عراقی‌ها دسته‌دسته هستند. حتی نحوه ایستادن تظاهرات‌کنندگان؛ علی‌رغم اینکه همه‌شان ستم‌دیده هستند می‌بینیم مردم چند دسته‌اند. حتی نشانه‌های تردید را که در چهره دو گروه هم‌جوار رد و بدل می‌شود می‌توان دید که دقیقاً همین احساس را القا می‌کند. متأسفانه بزرگان فاسد دین و سیاست‌مداران مفسد در دسته‌دسته‌کردن مردم به روشی واقعاً مؤثر موفق شده‌اند. ای سید من، از خدا بخواه تو را بر بناکردن آنچه دیگران فاسد کرده‌اند نصرت و یاری دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. نیت خود را در جهت‌گیری با دیگران صاف کن و دلت را برایشان گشوده بدار. این چیزی است که از شما خواسته شده است؛ اما در خصوص نیت‌ها و رفتار دیگران، تو مسئول نیستی. اگر بدی کنند خودشان گناه رفتار و نیت‌هایشان را به دوش خواهند کشید.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

نسمة العامری: سلام بر شما ای یمانی آل محمد ﷺ. صبح شما و همه خانواده به خیر.

در پی‌نوشت قبلی نوشته بودید:

«... آنچه از مردم به‌خصوص افراد مستقل و رها از بت‌گرایی - که اکثریت را تشکیل

می‌دهند - خواسته می‌شود این است که بیرون بروند و حقوق خود را مطالبه کنند.»

من متوجه نشدم افراد مستقل و رها از بت‌گرایی، چگونه اکثریت را تشکیل می‌دهند؟

آیا ممکن است این جمله را به‌طور دقیق توضیح بفرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

برای اینکه مقصود من از سخن فوق را دریابی به نسبت مشارکت در انتخابات مجلس استان‌ها در سال ۲۰۱۳ مراجعه کن. با وجود همه وعده و وعیدها و ترس و ارباب‌هایی که جناح‌های سیاسی و حتی جناح‌های دینی که انتخابات را واجب کردند- انجام دادند نسبت مشارکت در بغداد فقط اقلیت ۳۳ درصدی بود. اگر اکثریت، از آن‌ها اطاعت می‌کردند [در انتخابات هم] شرکت می‌کردند؛ همچنین در بصره نسبت مشارکت اندک بود. تا آنجا که نسبت روی گردانی مردم در انتخابات مجلس نواب با وجود فشار جناح‌های سیاسی و دینی و خطبای منابر- واقعاً زیاد بود. حال به نظر شما- امروز وضعیت چگونه است؟

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

Sahar Al Ansari: آقای من، آن‌ها با گفتن اینکه زنان دچار سختی و گرفتاری می‌شوند و سازماندهی آن‌ها دشوار است و شرایط سخت است و... و... قلبم را شکستند. آن‌ها حتی مرا برای تشویق زنان هم نمی‌خواهند؛ با اینکه زنان گرمای شدید و نیز چیزهای دیگری را تحمل کرده‌اند.

اکنون اگر زن‌ها این سخن را بفهمند چه فکری خواهند کرد؟! من نرفتم و قلبم به درد آمده است؛ پس وضعیت آن‌ها چگونه خواهد بود... من نمی‌توانم به آن‌ها خبر بدهم چه چیزی به من گفته شده است...

نمی‌دانم چه کنم

ای آقای من! اعتقاد من این بود همان طور که حسین (علیه السلام) زنانش (علیهم السلام) را فدا کرد، اجازه‌دادن به حضور زنان در تظاهرات ساده‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد...

نمی‌دانم درست چیست؟

چرا ما خانواده به شمار می‌رویم، نه کمک‌حال و یاور؟!

شکایتیم را به خدا و به شما ای آل محمد (علیهم السلام) می‌آورم.

حتی با وجود اینکه ضعیف هستیم اگرچه تلاش کردیم کمک کنیم، اما با گفتن اینکه شما زن هستید، دل شکسته شدیم؛ در حالی که فرصت‌های عمر ما در همراه‌بودن با قائم آل محمد (علیهم السلام) از دست می‌رود.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند همه شما را زنده بدارد. هرکدام از زنان که می‌توانند در جمعه پیش رو حضور یابد، باید در تظاهرات حاضر شود.

من در ماه شوال ان‌شاءالله وقت خود را به شما اختصاص خواهم داد

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

علاء الطفیلی: سلام بر تو ای پدر و رهبر... در خیر باشی... تردید دهم بنویسم یا نه... چون می‌دانم مشغله‌ها و کارهای مهم بسیاری داری. خداوند در گرفتاری‌های شما گشایش ایجاد کند... در عالم حقیقت و ملکوت دیدم گویا با شما نامه‌نگاری می‌کنم و شما از طریق این صفحه پاسخ می‌دهی... و بعد از یک شب شروع به پاسخ‌دادن به پیام خانواده‌ات کردی... از خدایی که تو را به ما شناساند بخواه... که ما را با تو ثابت‌قدم بدارد... ای کسی که از حال من آگاهی، این مرا از سؤال کردن بی‌نیاز می‌کند... عذر می‌خواهم در وعده خودم به نوشتن تخلف کردم و رنج خواندن را بر شما تحمیل کردم... اما شور و اشتیاقم کار خودش را کرد... جان منی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبيب من، خداوند تو را زنده بدارد. بنده در ماه شوال ان‌شاءالله وقت خود را به شما اختصاص خواهم داد و در طول این ماه در خدمت شما خواهم بود. از خدا می‌خواهم برای شما گشایش ایجاد کند و درهای رحمتش را به رویت باز نماید و خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات گرداند؛ چراکه او ارحم الراحمین است.

حسین برای انقلاب و رسواکردن باطل، خروج کرد

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

احمد القطرانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای آقای من! شما این مطلب را در فیس‌بوک منتشر فرمودی که امام حسین (علیه السلام) برای تظاهرات از مکه به کربلا خارج شد، چون خواهان اصلاح بود و این را در تاریخ، جاودانه فرمود؛ پس حسین (علیه السلام) راه را برای

شیعیان روشن کرد تا جبت و طاغوت را در هر زمان ترک بگویند. پس ما باید ضد افراد فاسد تظاهرات، و در مسیر جاودانه امام حسین (علیه السلام) زندگی کنیم تا مادام که هستیم در گفتار و کردار، حسینی باشیم.

با بیان یکی از وجوه مسیر امام حسین -صلوات خدا بر او- بر ما تفضل فرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبيب من، خداوند تو را زنده بدارد. حسین برای انقلاب خروج کرد و قطعاً بخش بزرگی از آن، رسواکردن باطل و بیان فساد است؛ همان طور که شما امروز انجام می‌دهید. چه بسیار پند و خطبه‌ای که حسین در راه خود و در کربلا بیان فرمود و چه بسیار نصیحت کرد و چه بسیار فساد نظام حکومتی و حاکم را بیان فرمود.

شما امروز خروج کردید و می‌کنید و ان شاء الله بی‌شک و بی‌تردید بر همان راه حسین (علیه السلام) هستید؛ راهی طولانی و نیازمند صبر و درنگ و ثابت ماندن بر اصول؛ زیرا خواسته‌ها با خواهش و تمنا به دست نمی‌آید.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

حسنین البارون: آقا و مولای من، احمدالحسن، قائم آل محمد. ﷺ

ای چوپان صالح. از تو می‌خواهم از خداوند سبحان و متعال صلاح آخرت و دنیایم را بخواهی و اینکه مرا از گناهی که در آن هستم و کوتاهی و تقصیری که در حق تو دارم و از من جدا نمی‌شود. مگر به برکت دعای شما به توفیق یافتن ما برای عمل کردن و اخلاص در عمل - خالص گرداند... خداوند شما را محفوظ بدارد و طبق آن وعده‌ای که به تو داده است برایت تمکین فرماید و ولایت خودش سبحان و متعال را به تو دهد و از تو راضی شود. ای آقای من، همه ما سربازان و کارگزاران وفادار و مطیع تو هستیم، به حول و قوه الهی.

آقای من، می‌دانم که من مستحق سلام و دعای مبارک شما - که حال مرا بسیار تغییر می‌دهد- نیستم...

اما معتقدم رحمت شما به‌گونه‌ای است که گناهکارانی همچون مرا شامل شود و با نیرو و نشاط آن‌ها را فرا بگیرد و آنچه ده‌ها سال از عمرم با من نکرده است انجام دهد.

دعا و نصیحت شما زندگی مرا به سوی زندگی نورانی و ابدی سوق می‌دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به خیر آخرت و دنیا موفق گرداند.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

حسن رمضان المنصوری: سلام علیکم آقای من. اکنون که پاسخ انصار را می‌دهید آرزو می‌کنم از جمله کسانی باشم که سعادت گرفتن پاسخ از طرف شما را دارند و برای آن‌ها خواهان توفیق یاری خودتان هستید. امیدوارم پاسخ مرا هم بدهید؛ چراکه شما سخاوتمندی از تبار سخاوتمندترینان هستی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به خیر آخرت و دنیا توفیق عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

علی ناصر الیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. پدر عزیزم، من قبلاً هر کسی را که برای تظاهرات علیه این حکومت - که سکان حکومت را به دست نگرفته است مگر از طریق همان انتخاباتی که مردم این گروه را انتخاب کرده‌اند - بیرون می‌رفت مسخره می‌کردم؛ اما امروز علم یقینی دارم به اینکه در فرمان خلیفه خدا به تظاهرات برای همگان خیر بسیاری نهفته است؛ اما ای پدر عزیزم این گروهک [حاکم] ظاهراً هیچ خواسته‌ای را هرگز برای مردمش اجرا نخواهد کرد و با این حال از خدای تعالی می‌خواهم از کسانی باشم که برای شما - مولای گرامی و عزیزم - قربانی می‌شوند و خود را فدا می‌کنند؛ و به خدا سوگند من خودم را اولین مقصر در قبال شما می‌بینم. خداوند شما را دوام خیر و عافیت دهد و در تمکین شما شتاب کند و ما را به خدمت شما بگمارد و بر اطاعت از شما و تسلیم شدن به شما ثابت قدم نگه دارد، ای پدر عزیزم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. در این خصوص با شما موافقم. قطعاً آن‌ها تحقق هیچ خواسته‌ای را هر قدر هم ساده و پیش‌یافتاده باشد نمی‌خواهند؛ حتی اگر عراقی‌ها بر آن خواسته متفق‌القول شوند؛ اما حق، بدون مطالبه رها نمی‌شود. من در سال ۲۰۱۱ همراه سایر مردم عراق را درخواست کردم و در سال ۲۰۱۵ خارج شدن برای مطالبه ساده‌ترین حقوق سلب شده را درخواست کردم؛ اما حکومت‌های احزاب هیچ درخواستی را محقق نکردند و هیچ رفتار مثبتی از خود نشان ندادند و موجب نشد اندکی کوتاه بیایند و گوش فرادهند، مگر از ترس صدی‌ها؛ به این دلیل که آن‌ها فراوان و تأثیرگذار بودند. همان طور که گفته می‌شود این‌ها می‌ترسند ولی هیچ شرم و حیا ندارند. اکنون از شما می‌خواهم به قیام ادامه دهید نه به دلیل اینکه تصور می‌کنم احزاب یا حکومت احزاب، خواسته مردمی را محقق خواهند کرد، هرگز؛ بلکه به خاطر یقینم به اینکه شما حقوق خود را به‌عنوان عراقی‌های ستم‌دیده به‌زودی یا در زمانی معین خواهید ستاند و تظاهرات گامی است در این مسیر؛ ان‌شاءالله.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

علی حبیب المختار: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای ما. تا پای جان با

تو هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. علی عزیزم، خداوند تو را زنده بدارد. مشتاق تو هستم. ماشاءالله.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

احمد جاسم العیسوی: سلام بر شما آقای من. بیماری دارم و پزشکان گفته‌اند علاجی ندارد. می‌ترسم نزد پزشکان بروم؛ زیرا پزشک‌ها خودشان موجب بیماری دخترم فاطمه هستند، و از طرفی هم اگر او را نزد پزشکان نبرم، می‌ترسم در حقیقت کوتاهی کرده باشم و خودم عامل بیماری شوم. آقای من! اکنون با وجود این همه مشکلات

نمی‌دانم چه کار کنم. درسم از شنبه آینده شروع می‌شود و من نمی‌خواهم در این شرایط دشوار، ترک تحصیل کنم؛ از طرفی هم نمی‌خواهم به قول قدیمی‌ها از اینجا رانده و از آنجا مانده شوم؛ نه به ادامه تحصیل در مرکز پژوهش برسم و نه به درمان دخترم. همسرم دیروز در رؤیا مردی به نام احمد را دیده که به او گفته درمان دختر شما در بین الحرمین است. اینک این درمان را چگونه بیابیم ای یوسف آل محمد؟ خداوند را به حق مادرت فاطمه قسم می‌دهم هر آنچه غم و اندوه است از شما دور گرداند و هرچه زودتر به شما تمکین دهد. آمین یا رب العالمین.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد. معالجه او و مراجعه به پزشکان متخصص را ترک نکن؛ اما پیش از هر چیزی او را به زیارت امام حسین (علیه السلام) ببر.

زن نقش بزرگی دارد که مرد نمی‌تواند انجامش دهد

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۶:

ایهام عدنان: سلام و رحمت خدا بر شما.

حکم بانوان انصاری که با شوهرانشان که مخالف دعوت هستند زندگی می‌کنند و طبیعتاً شخص مخالف، ما را از شرکت در تظاهرات منع می‌کند چیست؟ زیرا او برخلاف یک انصاری- از اصل و اساس، به امر شما پایبند نیست.

نصیحت شما به نحوه رفتار من با مادرم چیست که مخالف، ولی مسکین است و ما را دوست دارد و نمی‌خواهم او دلگیر شود؟

و آیا تظاهرات بر ما واجب است؟ و اگر به خاطر ناراحتی مادری که سختی‌های زندگی را چشیده است امتناع کنیم چه؟

از شما درخواست دعا دارم؛ چون سینه‌ام تنگ شده و راه گریز ندارم و نمی‌توانم بیش از

این تحمل کنم.

دختر شما، ای نور دیده.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. دخترم خداوند تو را زنده بدارد. قطعاً زن نقش بزرگی دارد و یک مرد نمی‌تواند به‌جای یک زن ایفای نقش کند؛ زیرا زن خصوصیتی دارد که مرد ندارد، و تأثیر اجتماعی زن در برخی موقعیت‌ها بسیار بیشتر از تأثیر مرد است. زن خردمند و زنی که قدرت مخاطب قراردادن جامعه و تأثیرگذاری در آن را دارد، قطعاً در برابر جامعه، واجب اخلاقی بر گردن دارد؛ به‌خصوص که می‌بیند ظلم و ستم، مردمش و حقوق آن‌ها را درهم شکسته است و قطعاً زنان دیگر باید او را پشتیبانی و حمایت کرده و همراهش خروج کنند.

اما مسئله خروج زنان برای تظاهرات، پاسخی بیش از آنچه در پاسخ قبلی گفته‌ام وجود ندارد. می‌توانی از آن پاسخ مطلع شوی؛ و بنده نگفتم تظاهرات برای زن، واجب شرعی است.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

احمد الکربلائی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...

خداوند شما را از هر بدی حفظ فرماید، آقای ما!

پرسش: برخی افراد مطالبه حکومت تکنوکرات از طرف ما را قابل فهم نمی‌دانند چراکه ما اصحاب عقیده الهی هستیم و به حاکمیتی ایمان داریم که آن را نقش بر آب می‌کند... بهترین جواب به چنین افرادی چیست؟ خداوند به حق محمد و آل محمد- توفیق ثبات قدم و یاری همراه شما را به ما عطا فرماید. التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. آنچه را که بیشتر نوشتم بخوان. بیان کرده‌ام که چرا ما در تظاهرات شرکت می‌کنیم و چرا این خواسته ما به‌صورت مرحله‌ای است و هدفمان از آن چیست و...؛ اما آن کسی که می‌گویی این را غیرقابل فهم می‌داند امیدوارم -اگر شما مؤمن هستی- وقت خود را با ناصبی‌ها ضایع و تباه نکنی.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

زهرا الحسینی: با دل‌هایی لبریز از یقین حتی با نمرود نیز رویارو خواهیم شد. خداوند از ما پیمان گرفته است که قائم موعودش را یاری کنیم. به ما درس آزادی داده و ما از قیود و زنجیرها رها شده‌ایم. خداوند به قائم، ارتشی از تمامی سرزمین‌ها عطا فرماید؛ سربازانی که به پا خیزند و دعوت‌کننده به خدا را یاری کنند **** صبر نکن که صبر حدودی دارد، صدای اذان بالا گرفته **** اکنون عصر ظهور فرارسیده است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم با رحمت خود به سید جلیل مجاهد، عبدالامام الحسینی رحمت کند و او را در علیون بالا ببرد و مقامش را به فضل و منت خود رفعت بخشد.

زبان در سیطره قانون تکامل است

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

حیدر دعیج الکربلائی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقای من از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشی.

شما در صفحه شخصی خود نوشته‌ای در طول ماه شوال برای ما فرصت خواهید داشت؛ به همین دلیل خواستم برخی از پرسش‌هایی را که چندین ماه است در ذهن خود نگه داشته‌ام از شما بپرسم:

پرسش: ملحدان می‌گویند قرآن پر است از تناقضات علمی، جغرافیایی، ... و... و... و

از جمله این اشکالات، اشکال تشکیل جنین است که در قرآن آمده است:

﴿جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ (او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آنگاه

مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم).^۱

و آیات دیگر در همین معنا.

اشکالی آن‌ها می‌گوید قرآن مراحل تکوین جنینی را از نطفه به علقه به مضغه به استخوان‌ها بیان کرده است و پس از مرحله تکوین استخوان، به مرحله پوشاندن آن استخوان با گوشت می‌رسد (بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم)، و این به‌طور کامل با پژوهش‌های علمی در تعارض است؛ اینکه استخوان و گوشت هم‌زمان تکوین می‌یابند. آن‌ها حتی هیچ جایگاهی برای این دیدگاه که این مراحل می‌تواند با فاصله زمانی اندکی هم انجام شود در نظر نمی‌گیرند؛ زیرا این دو مرحله جداکردن گوشت از استخوان- دقیقاً مرحله یکسانی هستند و آن را به مرحله جداسازی کاغذ به دو نیم تشبیه می‌کنند؛ طوری که هر قسمت از دو نیمه در همان لحظه‌ای که قسمت دوم مشتق می‌شود تکوین می‌یابد و جدا می‌شود. در نتیجه برای تکوین استخوان و گوشت هیچ چیزی وجود ندارد که اسمش مرحله قبلی یا مرحله بعدی بوده باشد.

فرزند شما، حیدر دعیج.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

الزامی وجود ندارد که حروف عطف، دلالت بر «بعبدون» داشته باشد. این نکته برای

پاسخ به پرسش شما کافی است.

به علاوه: ما معتقد به «زبان قانونمندشده» نیستیم؛ به این معنا که طبق تصور و دیدگاه ما زبان (یعنی زبان انسانی) تابع قانون تکامل است. در نتیجه محاکمه یک زبان مربوط به یک بازه زمانی با متن‌هایی از زبان افرادی که در همان منطقه در دوره‌های زمانی قبل یا بعد با همان زبان سخن می‌گفته‌اند و صددرصد دقیق و صحیح دانستن چنین محاکمه‌ای اشتباه است؛ و متأسفانه این چیزی است که در وضع قواعد زبان عربی

۱. [مؤمنون: ۱۳ و ۱۴].

که در زمان نازل شدن قرآن با آن زبان سخن گفته می‌شد. روی داده است. طبیعتاً این یک مفهوم جدید است؛ به خصوص در عرصه دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی عربی؛ زیرا آن‌ها به نظریه تکامل اعتقاد ندارند. ما به طور کلی این مطلب را به گونه‌ای که شک و تردیدی در آن راه ندارد اثبات کردیم و ان شاء الله افراد بسیاری به آن اعتقاد پیدا خواهند کرد، حتی مخالفان ما. بنده مطلع شده‌ام که افراد بسیاری حتی برخی از رجال دین که مخالف ما هستند. پس از انتشار کتاب «توهم بی‌خدایی» عقیده خود در مورد نظریه تکامل را تغییر داده‌اند. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Ali Bajalan: سلام بر تو ای عزیز و مولای من احمدالحسن. سلام از طرف انصار

سوئد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خداوند می‌خواهم که تو و همه مردان و زنان مؤمن در سوئد را به آنچه خیر آخرت و دنیایتان در آن است توفیق دهد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌فرماید. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

جنان الشهداء: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من. از خدا می‌خواهم به زودی برای شما تمکین عطا فرماید. سلام مادر و خواهران و عمه و همه خانواده‌ام را به شما می‌رسانم. آن‌ها از شما طلب دعا دارند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

عباس الظاهر: بمب‌گذاری اخیر الکراده در پایتخت بغداد- قطعاً تأثیر دردناکی بر جان عراقی‌ها داشت؛ ولی آنچه مشاهده کردیم ظاهرشدن تاجران خون در عرصه رسانه است. آن‌ها زنگ‌ها را برای ابراز درد به صدا درمی‌آورند، ردای رهبانیت می‌پوشند و مردم عراق برای اولین مرتبه متعرض چنین ویرانی و تباهی شدند بدون هیچ تفاوتی میان کودک و زن و پیرمرد، به طوری که جوی‌های خونی که از زمان سقوط مجسمه صدام در مرکز پایتخت بغداد- از این مردم ستم‌دیده جاری شده است به دست فراموشی سپرده می‌شود.

ماحصل قربانی‌های «جسر الائمة» ۱۵۰۰ شهید بود و قربانی‌های تبهکاری اسپایکر ۱۷۰۰ شهید، ملعب بابل ۲۰۰ شهید، و این آخری -که آخرین بمب‌گذاری تروریستی نخواهد بود- در الکراده بود که ۵۰۰ شهید شد. آنچه من دیدم این بود که زالوصفتان با مردم فقط با یک کلمه ما موافق این کارها نیستم در رسانه حاضر شدند... می‌خواهم بگویم چراغ رسانه‌ها جادو می‌کند؛ آری، اما تیغ دولبه است و در همان وقت که نقاب از حقیقت برمی‌دارد دروغ مدعیان را از جایی که خودشان نمی‌دانند برملا می‌کند... به همه مقدس‌نماهای دروغ‌پرداز و راهبان ریاکاری که با خون بی‌گناهان تجارت می‌کنند می‌گویم اظهاردردهای دروغ‌نیتان را رها، و اشک‌های تمساح‌وارتان را پاک کنید. آن کسی که حق دارد در بمب‌گذاری یکی از کنیسه‌های بغداد -که محل اجتماع مسلمانان نیست ولی آنجا بی‌رحمانه کشته شدند- بگرید و خواش نگیرد همان کسی است که خداوند او را رحمتی برای جهانیان قرار داده است و گرسنگان همه جای زمین و بیوزنان ماتم‌زده همسران و پسران و دختران و یتیمان‌شان در انتظارش هستند و منتظرند تا بر سرهایشان دست بکشد... راه را برایش باز کنید زیرا او پس از پدرش حجت بن الحسن (علیه السلام) آقای مردم زمانش است... او همراه انصارش به خیابان‌ها خارج شده‌اند و اهمیتی به کسانی که در پی دشمنی هستند نمی‌دهند و سخن خود را رو در روی دزدان و ستمگران فریاد می‌زنند. ما صدایمان و انگشتمان را به سوی شما بلند می‌کنیم «میدان را برای اولاد انبیا و اوصیا خالی کنید» تا [همراه انصارش] جراحت‌های مردم را مرهم نهند و سرهای آسیب‌دیدگان را ببندند و بر سرهای یتیمان دست نوازش بکشند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد، و بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید. از خدا

می‌خواهیم با رحمت خود بر ما رحمت بورزد و با همه ما با لطف خودش رفتار کند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

المنشد حسنین الربیعی: مولای من، خداوند قلبت را یاری کند. شما به اتفاقی که حاصل می‌شود داناتری. کسی که به شما متمسک شود ناکام نمی‌گردد و کسی که به شما پناه بیاورد ایمن می‌گردد و کسی که شما را ترک کند مأیوس و خاموش می‌گردد و کسی که به شما پناه نیاورد سرگردان می‌شود. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای حبیب من. سپاس و ستایش خدایی را که برای گناهکارانِ تقصیرکاری چون من این در را باز کرد تا با شما گفت‌وگو کنیم و گفت‌وگو کردیم. سپاس خدای را بر این نعمت آمده از طرف پروردگاری کریم و مهربان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است توفیق دهد. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

منسا عباس الربیعی: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما. خداوند امن و امان روزی شما فرماید و همان طور که به شما وعده داده است شما را تمکین دهد. مولای من! خجالت می‌کشم از شما بخوایم قاضی الحاجات را قسم دهید؛ ولی می‌دانم شما اهل رحمت و عفو و کرم هستید و سائلی را که به درگاه شما ایستاده است رد نمی‌کنید. امروز من به درگاه شما ایستاده‌ام و توقع کرم و مهربانی شما را دارم و می‌دانم که تو کریم و از اولاد کریمان هستی و عفو و کرم، خُلق و خوی شماست؛ پس با دعا کردن به ثبات قدم و یاری آل محمد بر من منت بگذار تا آن هنگام که در برابر پروردگارم مبعوث می‌شوم.

و سلام و صلوات بر محمد و آل محمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا بخوایم شما را

توفیق دهد و خیر آخرت و دنیا را روزی تان فرماید.

پی نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Suehila Smith: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقا و مولای من! ای قائم

آل محمد ﷺ!

سلام و رحمت و برکات خداوند بر همه شما.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا.

اللهم، آمین یا رب العالمین.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می خواهم شما را توفیق دهد و بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

پی نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

زهة عدنان المحنة: سلام بر شما ای حجت خدا در زمینش...

و دلیل او برای بندگانش...

شهادت می دهم شما بسیار نصیحت کردید...

گوارا باد بر انصارت، ای پدر بسیار مهربان و معلم دانا...

سپاس و ستایش از آن خدایی است که ما را به وسیله شما از هلاکت نجات داد و در

تاریکی های جهل و کوری رهایمان نکرد...

پدرم، از شما درخواست دعا داریم برای یاری ات و اجرای فرمان هایت. از شما پیشی

نمی گیریم تا از حد بگذریم و از شما عقب نمی افتیم تا هلاک شویم...

ای پدرم، مرا به خودم وامگذار...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می خواهم مرا توفیق خدمت به شما عطا فرماید و اینکه عملی صالح که مورد رضایتش باشد به انجام

برسانم.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

یمانیة الهوی: آری؛ به خدا قسم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد و بهترین پاداش نیکوکاران را عطایت فرماید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

احمد یا املی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. به نظرم می‌رسد گناهانم رویم را سپاه کرده‌اند و شما از ما رنجیده خاطر هستی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم مرا توفیق خدمت به شما عطا فرماید و اینکه عمل صالحی انجام دهم که او را راضی بگرداند.

جایز بودن اینکه خلیفه خدا امی باشد

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

احمد ابو حسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید کریم ما.

در کتاب عقاید اسلام چنین نوشته شده است:

«اما روایاتی که بیان می‌کنند رسول خدا توانایی خواندن و نوشتن دارد، بیش از این نیست که در مرحله اثبات این توانایی هستند و منظور از آن‌ها تطبیق دادن نیست.»
ما با برخی از برادران در این خصوص گفت‌وگو کردیم که آیا رسول خدا ﷺ امی بود و توانایی خواندن و نوشتن نداشت؟

برخی از دوستان پیشنهاد کردند در این خصوص از شما سؤال کنیم...

و اگر پیامبر خواندن و نوشتن را به‌طور کلی- می‌دانست چرا از نویسندگان وحی و علی رضی الله عنه کمک می‌گرفت تا صلح‌نامه بنویسد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. آنچه در اینجا

بررسی می‌کنم این است که اگر فرد مخالف برای اثبات عقیده‌اش به این روایت احتجاج کند، با چشم‌پوشی از صحیح بودن یا نبودن و صلاحیت یا عدم صلاحیت این روایت می‌گوییم: نهایت آنچه این روایت در این باب دلالت می‌کند اثبات وجود توانایی است نه تطبیق. اثبات داشتن توانایی، سودی برای آن‌ها و نفعی جواز امی بودن رسول خدا ندارد؛ زیرا -فراتر از آن- جواز امی بودن خلیفه خدا ثابت شده است. رسول خدا با آن‌ها مانند یک امی که خواندن و نوشتن نمی‌داند برخورد کرده است و کسانی که با آن حضرت برخورد داشته‌اند این مطلب را دانسته‌اند (با این استدلال، حتی اثبات اینکه او توانایی نوشتن و خواندن دارد در عمل برای نفعی جایز بودن اینکه رسول خدا یعنی فرستاده یا خلیفه خدا زمینش - نمی‌خواند و نمی‌نویسد ارزشی ندارد؛ یعنی امی است).

امیدوارم مرا از دعای خود فراموش نکنی. از شما به خاطر این تلاش برای خواندن و دقت و بحث تشکر می‌کنم. از خدا می‌خواهم شما را از علمای با عمل و مدافع محمد و آل محمد قرار دهد و درهای رحمتش را برایت بگشاید و توفیقت دهد و گام‌هایت را استوار بدارد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

انوار الزهراء الطائی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من، قائم آل محمد!

آقا و مولای من! یک نفر با شبهه‌ای اعتراض کرد و پس از اینکه پاسخش را دادیم پی‌نوشت زیر را برایم نوشت:

«انوار الزهراء الطائی... آیا احمدالحسن مناظره زنان با مردان را مباح کرده است؟ ... آیا به تعداد کافی مرد ندارد که از زنان کمک می‌گیرد؟ ...»

واقعاً از این افراد تعجب می‌کنم!

آیا از نقش زینب حورا -صلوات پروردگارم بر او- آگاه نیست که این بزرگوار حق را حتی در حضور امام سجاد (علیه السلام) یاری می‌داد؟!

خداوند قلبت را یاری دهد

و تو را یاری فرماید، ای نور دیدگانم.

دختر شما و خادم شما: انوار الزهرا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

بی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

محمد عبد الرزاق القطرانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید من،

یمانی آل محمد!

گاهی اوقات در خصوص کارهایی که انجام می‌دهیم مسئله‌ای پیش می‌آید و می‌گوییم «شاء الله ذلک: این خواست خدا بود» یا به تعبیر عراقی خودمان «الله رآها هیچ: خدا آن را هیچ کرد»؛ با وجود اینکه گاهی اوقات ما خود را آماده چنین وضعیتی نکرده‌ایم یا اسباب و آدوات لازم را برای آن در نظر نگرفته‌ایم. حال آیا درست است بگوییم خدا چنین خواسته است، با وجود اینکه ما اسباب لازم را برای آن آماده نکرده‌ایم؟ و آیا اراده خدا در چنین کاری دخالتی دارد؟ از خدای سبحان می‌خواهم به‌زودی برای شما تمکین عطا فرماید و از خدا و شما به خاطر همه چیز عذرخواهم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیزم، خداوند تو را زنده بدارد. کسی که چیزی را بخواهد اسبابش را نیز فراهم می‌کند؛ یعنی آیا عاقلانه است شخصی که می‌داند برای نماز صبح -جز با قراردادن زنگ هشدار کنار سرش- بیدار نخواهد شد، هشداردهنده قرار ندهد و وقتی نماز صبحش فوت شد بگوید «خدا هیچش کرد»؟! قطعاً پاسخ منفی است! عزیز من، این خدا نبود که آن را هیچش کرد؛ خود تو هیچش کردی.

بی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

نوفل عدنان البصراوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پیش‌تر برای شما نوشتم. امیدوارم دعایم فرمایی تا از انصار شما باشم و خودم و خانواده‌ام فدای شما شویم. من از شما درخواستی دارم؛ می‌خواهم کلمه «پسرم» را از شما بشنویم. فدایتان شوم. دلم را شاد فرما و مراد مکن؛ ای نور دیدگانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. همه شما -ان شاء الله- فرزندان من هستید. از خدا می‌خواهم مرا خدمت توفیق به شما عطا فرماید و اینکه عمل صالحی انجام دهم که او را راضی سازد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

ساره حسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید بزرگوار ما!
مولای من، پرسشی ذهن من و خانواده‌ام را بسیار مشغول کرده است.
آقای من، پدر من قربانی نظام سرنگون شده گردید...
ولی ما بسیار رؤیا می‌بینیم که او زندانی است.
آقای من، در رؤیا دیده‌ایم که او با شما بیعت کرده است و گفت: «دعوت را شنیدم و آمدم بیعت کنم.»
اما دیدن مرده‌ای که زندانی است چه معنایی دارد؟
دعای خالصانه ما و محبت و ولایت ما از برای توست.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از طرف او صدقه بدهید یا نماز بگزارید یا ثواب کارهایی را که انجام می‌دهید به او هدیه کنید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای پدر بزرگوارم...
از خدا می‌خواهم شما و خانواده بزرگوار در هزار خیر باشید...
مولای من، ای نور دیدگانم، نیازمند دعاهای پاک شما برای آسان شدن امورم هستم...
از خدا امید آن دارم که سلامم را پاسخ دهید؛ گرچه شایسته‌اش نیستم...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی شما فرماید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

محمد ماجد النصار: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقای من. خداوند شما و انصارت را حفظ فرماید. از خدا می‌خواهم هرچه زودتر به شما در زمین تمکین دهد... آقای من، از شما می‌خواهم برای صلاح نفسم و تغییر حال بدم و حسن عاقبتم و هدایت شدن پدرم به دعوتتان دعا فرمایید...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی شما بفرماید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

شیخ مرتضی شریفی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید عزیز ما! از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید و خداوند شما را از هر بدی و ناخوشایندی حفظ فرماید و بر شما با پیروزی و تمکین، مَتَّ نَهْد، به حق محمد و آل محمد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، شیخ مرتضی شریفی، خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات بگرداند. مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

شیخ علی ابراهیمی Sheikh Ali Alabeahime: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. ای پسر کریمان، این همان روز انقلاب جهانی است؛ همان روزی است که همه انبیا و فرستادگان ﷺ انتظارش را می‌کشند تا پیروزی و ظفر به‌دست تو حاصل شود و ان‌شاءالله همراه تو ای پسر پاکیزگان. مولای ما، ما تا آخرین نفس ایستاده‌ایم تا عدالت سراسر این زمین را فراگیرد و این از نعمت‌های خداوند بر ماست که حجتی از حجت‌های خداوند سبحان و متعال در زمان ما باشد تا ان‌شاءالله یاری‌اش کنیم. مولای من، انصار در خیر و برکت و در خدمت شما هستند. امیدوارم با دعا برای ثبات و حسن عاقبت، بر ما

تصدقی فرمایید که خداوند صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد. به حضرت زهرا (ع) قسم، من مشتاق دیدار تو هستم، دل‌هایمان برای تو می‌تپد و چشمانمان گریان است. مولای من، خواسته‌ای دارم که امیدوارم به نرمی پذیرایش باشید. پسری دارم به نام احمد که به چهار سال و اندی رسیده است و نمی‌تواند سخن بگوید. شما را به مادرت سوگند می‌دهم برایش دعا کنی یا راهی برای معالجه‌اش به من بفرمایی. او قبلاً سخن می‌گفت، ولی وقتی دو سال داشت ناگهان هنگام مغرب شروع کرد به گریه کردن و بعد از آن دیگر صحبت نکرد! نزد پزشک بردم و آن‌ها فکر کردند از گلویش است. به خدا سوگند - مولای من - وقتی او را می‌بینم که نمی‌تواند سخن بگوید خیلی ناراحت می‌شوم. فدایت شوم؛ او فرزند شماست و شما خود بهتر می‌دانی.

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، شیخ علی ابراهیمی! خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد و یاری پیروزمندانه عطایتان فرماید. پسرت ان شاء الله سخن خواهد گفت و زبانش به فضل خدای سبحان گشوده خواهد شد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

غسان الانصاری: سلام بر شما ای آقا و مولای من، قائم آل محمد! از خدا می‌خواهم شما و خانواده بزرگوار در خیر و عافیت باشید. از طرف ابومحمد (شیخ نصیف) به شما سلام می‌رسانم. او درخواست دعا و حسن عاقبت همراه شما را دارد، ای آل محمد؛ او وضعیت سلامتی خوبی ندارد. بنده نیز از شما درخواست دعا و حسن عاقبت دارم و اینکه میان ما و شما یک آن، فاصله نیفتد، به حق محمد و آل محمد.

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Iyoob Yomyai: سلام بر تو ای سید ما و ای بندگان صالح خدا! اسم من ایوب

یومیای متولد شهر «ترانگ» در جنوب تایلند هستیم. ما مشتاق شماییم و واقعاً خوشحالیم از اینکه از دوستداران شما هستیم، ان شاء الله. تعدادمان به زودی بیشتر خواهد شد. از شما می‌خواهیم دعایمان کنید ای مولای ما. سلام بر شما از طرف خودم و خانواده و دوستانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم همه مردان و زنان مؤمن پاک در تایلند را به آنچه مورد رضای او سبحان است توفیق عطا، و خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید. مرا در دعای خود فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

محمد رمضان المنصوری: سلام بر شما ای آل محمد ﷺ.

از خدا می‌خواهم شما و خانواده و انصارت را از هر بدی حفظ فرماید.

خداوند به زودی شما را تمکین عطا فرماید؛ به حق سیده زنان جهانیان جدّهات فاطمه

زهرا!

خواستار دعایت هستیم، ای پسر کریمان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

محمد سعید العطی: سلام بر شما ای سید و مولای من! از خدا می‌خواهم شما را در

زمینش تمکین دهد و به حق فاطمه زهرا علیها السلام شادی و سرور را به دلت وارد فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را توفیق دهد و در هر خیری که محمد و آل محمد را وارد کرده است وارد فرماید؛ و مرا از دعای خود فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

علی الحسنی الانصاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من، ای

احمد. از خدا تمنا دارم برای من و برادران انصارم جهت ثبات قدم و فرجام نیک، دعا فرمایی، ای نور دیدگانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به آنچه دوست دارد و راضی است و آنچه خدای سبحان اهلش است توفیق عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

عفوکی فاطمة: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید و مولا و پدر مهربان
ما...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

عباس العثمان: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای بزرگوار من. از خداوند سبحان و متعال می‌خواهم شما را توفیق عطا فرماید و به حق محبوب‌ترین خلائق محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) یاری‌تان نماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Nrges Albatoll: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، ای
یمانی آل محمد (علیهم‌السلام)، و بر اهل بیت پاک و مطهرت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Hadi Al Moheb: سلام بر شما ای سید و مولای من. از خدا می‌خواهیم به‌زودی زود شما را تمکین عطا فرماید تا در سایه حکومت شما، امن و امان و راستی و عدالت فراگیر شود. از خدا می‌خواهیم به حق تو ای سید من- تسلیم تو شدن و اطاعت از اوامرت و عمل همراه تو را روزی ما فرماید. ای پدر مهربان، و تو چه نیکو پدری هستی. از شما درخواست دعا داریم ای مولای من، ای پسر پاکان. روح من و پدر و مادر و فرزندانم و مالم فدای تو. امیدوارم ای مولای من، مرا به‌خاطر کوتاهی‌ام ببخشی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Muhammad Al-Matrouk: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای

من، قائم آل محمد!

هر سال در هزار خیر باشی، ای پدر مهربانی که هر کس ولایتش را نداشته باشد، بهره خود در دنیا و آخرت را تباه کرده است. خداوند ما را از ثابت‌قدمان بر ولایت قرار دهد. من -و به خدا پناه می‌آورم از من- بنده گنهگار و تقصیرکار، پرسشی در خصوص روایتی از کافی دارم. از شما می‌خواهم -ای آقای من- برایم توضیح دهید که معنای «اکثروا من سهیم: آنان را زیاد سب و ناسزا گویند» چیست؟ آیا این حدیث صحیح است یا ناصحیح؟ و معنای این حدیث چیست؟ با تشکر برای هر عملی که به‌جهت یاری دین به انجام می‌رسانید.

کافی، ج ۲، ص ۳۷۵: محمد بن یحیی، از محمد بن حسین، از احمد بن محمد بن ابی‌نصر، از داوود بن سرحان، از ابوعبدالله امام حسین (علیه‌السلام) نقل می‌کند که فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: «پس از من وقتی تردید کنندگان و بدعت‌گزاران را دیدید، بی‌زاری از آن‌ها را آشکار کنید و زیاد سب و ناسزایشان گویند و بسیار درباره آن‌ها سخن بگویند و عیب‌جویی کنید و آن‌ها را متهم کنید تا برای ایجاد فساد در اسلام طمع نکنند و مردم از آن‌ها برحذر باشند و از بدعتشان نیاموزند تا خداوند با این کار برایتان حسنه بنویسد و درجاتتان را در آخرت بالا ببرد.»

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. نظر خود را درباره مسئله سب و ناسزا به وضوح گفته‌ام و در این صفحه منتشر شده است. محکم قرآن از سب کردن و ناسزاگفتن نهی فرموده است. تمام.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

حیدر الکرار: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... ای مولای من، قائم آل محمد (علیهم السلام). مرا از دعای خود فراموش نفرما... می‌دانم تقصیر و کوتاهی من عاملی است که باعث می‌شود از پاسخ شما محروم شوم؛ اما آرزومند این باقی خواهم ماند که روی کریمت را از من برنگردانی... به راستی که دنیا را با روی تیره‌ام تاریک کرده‌ام و شما تنها امید ما هستی؛ پس ما را از گرم خود محروم نفرمایید، به حق محمد و آل محمد (علیهم السلام). (دختر مقصر شما، مها العثمان)

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

قدوتنا فاطمه زهرا: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، قائم آل محمد (علیهم السلام)!

آقای من، اگر یکی از انصار-چه مرد، چه زن- احکام شرایع را مطالعه کند، اما دچار بیماری شک و وسواس باشد و احکام را به سبب این بیماری پیاده نکند و نتواند بر نفس «امرکننده به بدی» غلبه کند، آیا در حالی که عالم به حکم است به خاطر این عمل گناهکار است؟

نصیحت شما به آن‌ها وقتی می‌دانند و به سبب شک و وسواس انجام نمی‌دهند چیست؟

ما را روشن فرمایید. خداوند به شما جزای خیر دهد، ای سید ما، چشم‌انتظار پاسخ شما هستیم ای مولای من؛ گرچه من مستحق و شایسته آن نباشم که پاسخمان را بفرمایید. ما بار گناهان و معاصی را به دوش می‌کشیم ولی شما اهل جود و کرم هستید و کسی را که شما را قصد کرده و از شما خواسته‌ای دارد هرگز رد نمی‌کنید. ای آقای من، از

شما می‌خواهم دعا کنید تا از خادمان و انصار شما و از سیرکنندگان بر روش شما آل محمد ﷺ و از ثابت‌قدمان باشیم و خداوند احوال ما را اصلاح فرماید و در رحمت فراگیرش واردمان کند و ما را از گناہانی که در آن هستیم خارج نماید و خطاها و تقصیراتمان در حق شما را بیامزد، به حق محمد و آل محمد ﷺ.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. عمل کند و به شک توجهی نکند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

مفید المؤمن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای مولای من: از شما فقط خواهان دعا برای توفیق یافتن برادران انصارم هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم با رحمت خود بر شما رحمت آورد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشی و از خدا خواستار ثبات قدم بر ولایت شما اهل بیت هستم ... از شما می‌خواهم دعا بفرمایی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

الشیخ جهاد الغزی jihad algazy: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می‌خواهم بر شما و اهل بیت با همه خیر، منت بگذارد و شما را تمکین دهد، و ما را بر ولایت شما ثابت قدم بدارد. التماس دعا برای پدر و مادر و خانواده داریم، ای سید ما. پدرم در شرایطی است که می‌خواهم برای گشایش از آن برایش دعا فرمایم و نیز حُسن عاقبت

همراه شما، و وضعیت سلامتی مادرم نیز هیچ خوب نیست. او شما را دوست دارد و همیشه یادتان می‌کند، آقای من. خداوند شما را برای ما به‌عنوان ذخیره و عطیه الهی حفظ بفرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من -شیخ جهاد الغزی- خداوند شما را زنده بدارد. از خدا برای تو و خانواده کرمیت طلب خیر دنیا و آخرت می‌کنم.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Mohamed A. Alsalehy: مولای من، روحم به فدایت. قَسَمَت می‌دهم به حق مادرت فاطمه زهرا - برترین سلام و صلوات بر او و شما- برایم دعا کنی؛ تو که کرم‌ترین کریمان هستی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم توفیقت دهد و گام‌هایت را به آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است توفیق عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

سید طالب صافی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید عزیز ما! خداوند تو را یاری دهد، ای سید من! به خدا سوگند -ای پسر زهرا (علیها السلام)- که ما مشتاق تو هستیم. «آیا آن روزهای ما دوباره برمی‌گردند و تو را دوباره می‌بینیم؟! آیا آن روزها برمی‌گردند؟!» پروردگارا! ما را به دیدار آل محمد مشرف فرما و همراهشان ثابت‌قدم گردان. دایمان کن ای سید ما، ای نور دیدگانم، که ما با دعای تو توفیق خیر می‌یابیم و رضایت پروردگار سبحان را به دست می‌آوریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. حبیب من، سید طالب صافی، خداوند زنده‌ات بدارد. از خدا می‌خواهم شما و خانواده کرمیت و هرکس که به شما پناه می‌آورد در خیر

باشید. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

جعفر الیمانی: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، جایگاه رسالت، محل آمدوشد فرشتگان، محل فرود وحی، معدن رحمت، خزانه‌های علم، نهایت بردباری، بنیان‌های جود و کرم، و رهبران امت‌ها. از خدا به حق فاطمه زهرا عزیزه محمد (صلوات خدا بر آنان) می‌خواهیم که تو و انصارت را از هر بدی حفظ و همه شرها را از شما دفع فرماید. سلام و رحمت و برکات خداوند بر ائمه بقیع.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند زنده‌ات بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

سفینه النجاة: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید من، نور دیدگانم و پدر بزرگوام. از خداوند بزرگ توانا تمنا دارم شما را در زمین تمکین عطا فرماید. آقای من، از شما می‌خواهیم برای ما دعا کنید تا بر ولایت شما ثابت‌قدم باشیم و برای هدایت شوهرم دعا فرمایید. از شما می‌خواهم برای خودم و همه خانواده‌ام و انصار در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین دعا فرمایید و امیدوارم از ما راضی باشی، به حق سیده زنان جهانیان فاطمه زهرا علیها السلام.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

یهمه‌انیهة و ته‌أجهیه‌ أجهمه‌د: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد، ای مولای من. ارواح ما فدای تو ای سید و مولای من. از خداوند خواستار تمکین هرچه زودتر شما هستیم، ان‌شاء‌الله. ای مولای من، از شما التماس دعا داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Rasoul Ibrahim Alkaabi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. حال شما چطور است. ای سید و مولای من. از خدای کریم می‌خواهیم همیشه در صحت و عافیت باشید و خداوند بر عمرتان بیفزاید. ای کسی که حقیقت را به ما آموخت و ما را از بندگی بت‌های سخن‌گو بیرون آورد. محبت خالصانه ما برای توست ای سید و مولای من. از شما خواستار دعا هستیم، ای سید و مولای من. ما همیشه برای تمکین شما و اینکه تا آخرین نفس، دوستان طالقانی تو باشیم و شعارمان احمد احمد باشد دعا می‌کنیم، ای آقای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Noora AL Lawati: سلام بر شما ای سید و مولا و پدر گرامی‌ام. خداوند کمک‌کار قلبت باشد. آقای من، آنچه از مردم دولت‌های دیگر غیر از عراق خواسته شده است چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. برای برادرانتان در عراق دعا کنید که خداوند برایشان گشایش ایجاد کند و از شر ستمگران کفایتشان فرماید.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Saba Jasim: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ای سید و امام و پدرم، برایم دعا فرما. من به شما ایمان دارم، اما همیشه احساس می‌کنم نزد شما پذیرفته‌شده نیستم؛ چون در خدمت به شما و یاری‌تان کوتاهی می‌کنم و در نشر دعوت مبارک کم‌کار هستم.

تمام آنچه تمنا دارم این است که خداوند مرا بیمارزد و به حق و منزلت شما مرا توفیق خدمت به شما و خدمت به انصارتان را عطا فرماید.

از خدا می‌خواهم مرا به‌عنوان خادم خود پذیرا باشید.

آنچه مرا بیشتر به درد می‌آورد این است که قدرت رویارویی با خانواده‌ام و اعلام اینکه

به شما ایمان آورده‌ام و روحم را فدایتان می‌کنم ندارم و این نیز از تقصیر و گناهان و تاریکی من است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی شما بفرماید و گام‌هایت را استوار بدارد و نیروی کافی به تو بدهد تا حق را یاری کنی. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

فاطمه الحسینی: سلام بر شما ای سید من... از شما خواهان دعا هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

نهجنا الحق: ای سید و مولای من، بسیار امیدوارم که با لطف و احسانت بر من کرم فرمایی که تو اهل لطف و کرم هستی، و مرا مشرف سازی و پاسخم را بدهی، ای مولای من و امید این بنده ذلیلی که دارنده هیچ سودی و زبانی نیست. تو کسی هستی که بر او عنایت فرمودی و به آفریدگارش نزدیک کردی که اگر تو نبودی در زر و زیور این دنیا سرگردان می‌ماند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را به خیر آخرت و دنیا توفیق‌تان دهد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

عباس العطبی: سلام بر شما ای آقای من. من عباس پسر محمد سعید، مشتاق شما هستم و آرزو دارم در کنار شما باشم. من شما را بسیار دوست می‌دارم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

علی المرتضی: سلام بر شما ای سید و مولای من، احمد (علیه السلام). به حق مادرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از تو می‌خواهم برایم دعا کنی. ما بدون شما آل محمد (علیهم السلام) هیچ نیستیم و ان شاء الله به من حُسن ظن داشته باشی و ان شاء الله دیدگان ما با رویت روشن گردد و مشرف به یاری شما شویم، ای آل محمد (علیهم السلام).

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۱ جولای ۲۰۱۶:

Mahdi Irani: سلام و رحمت خدا بر شما ای سید ما.

اخیراً احساس می‌کنم شما به سبب کارهایی که از من ناراحت هستید... ای سید ما، مرا مؤاخذه نفرما که شما کریم هستی. از شما التماس دعا دارم، چون من کلام شما را برای برخی از انصار ایران (به زبان فارسی) ترجمه می‌کنم؛ اما این کار برایم سخت است چون زبان عربی را به خوبی نمی‌دانم. از شما می‌خواهم دعا کنید که خداوند سبحان در این راه به من توفیق عطا فرماید.

فقط خدا می‌داند چقدر دوستان دارم.

ان شاء الله یکی از انصار شما، امیر از ایران.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم به شما توفیق دهد و کشور عزیزمان ایران را از نیرنگ ستمکاران محفوظ بدارد. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

حسین صاحب علاوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید... ای سید و مولای من، سؤالی دارم که بسیار مرا مشغول کرده است. از برادران انصار پرسیدم اما پاسخ قانع‌کننده‌ای ندادند... پرسش من درباره سخن شما در کتاب در محضر عبد صالح، جلد ۱ است «... سپس نه در طلب بهشت باشد، نه در طلب

دور شدن از آتش و نه هیچ چیز دیگر؛ بلکه فقط در درگاه الهی بایستند و به آنچه خواست حضرت حق است عمل کند؛ سپس بدانند که اگر بگویند مرا شفا بده، به من عطا کن، مرا روزی برسان، با من چنین و چنان کن، در همه این دعاها می‌گویند من! ان شاء الله از گردن نهندگان به دستورات شما باشیم و اعتراضی بر آن نیست؛ اما مولای من، این چگونه است در حالی که خداوند عزوجل به موسی (علیه السلام) می‌گوید مرا برای بند کفشت و نمک خمیرت بخوان؟ آیا ارتباطی وجود دارد که سخن شما را به سخن خدای عزوجل به موسی (علیه السلام) ربط می‌دهد؟! مضاف بر اینکه دعاها و زیارت‌های بسیاری برای خواستن بهشت و خواستن روزی و خواسته‌های دیگر وجود دارد؟ ممکن است روشن بفرمایید؟ خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد... محتاج دعای تو هستم، ای مولای من. از من برای کوتاهی‌ام درگذر. از خدا می‌خواهم بر من برای یاری دینش منت نهد. (بتول خالد)

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. این پرسش در همان کتاب پاسخ داده شده است. به‌طور کلی، چوب و زغال، آتش را به اندازه شعله آتش نمی‌شناسند.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

صادق الانصاری: سلام بر تو ای بقیة الله.

من از انصار شما در ایران شکایت دارم.

مسئولین ترجمه و انتشار کتاب‌های شما.

گویا کتاب شما را به‌صورت (متن همراه ترجمه) منتشر نمی‌کنند و فقط به زبان فارسی

ترجمه می‌کنند.

پدر من، نظر شما چیست؟

آیا شما می‌خواهی کتاب‌هایتان فقط به زبان فارسی منتشر شود؟ یا به زبان عربی

همراه ترجمه فارسی؟

ای سید من! نمی‌توانم به زبان شما به‌درستی سخن بگویم، به همین دلیل اشتباهاتم

بسیار است. عذرخواهم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کافی است ترجمه شود و ترجمه‌اش منتشر گردد؛ همان طور که به‌طور معمول در ترجمه کتاب‌ها متعارف است؛ و اگر خودتان مایل باشید در برخی نسخه‌های به‌خصوص، اصل عربی همراه ترجمه وجود داشته باشد اشکالی نیست. مرا از دعایت فراموش نکن. کلامت ان‌شاءالله واضح است و نیازی به عذرخواهی نیست. خداوند تو را جزای خیر دهد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

Batool Alkabi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من!

ای سید من، آیا جایز است زن در عرصه طبابت، مرد را به‌قصد معاینه لمس کند در حالی که پزشک مرد وجود دارد، ولی ما به این روش تعلیم نمی‌بینیم؟ گاهی اوقات ما را مجبور می‌کنند مردها را معاینه کنیم با این بهانه که ما به‌طور کلی در عرصه پزشکی فعالیت می‌کنیم نه فقط برای زنان. حکم شما چیست ای مولای من؟
ای سید و پدر بزرگوارم، محتاج دعای پاکت هستیم. مرا فراموش نکن، ای پسر پاکان. من بسیار نیازمند دعای شما هستیم.

حکم لمس کردن مرد توسط زن به‌قصد معاینه

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در صورت پوشیدن دستکش جایز است؛ همچنین در صورت وجود ضرورت جایز است؛ مانند اینکه تنها راه معالجه باشد. از خدا برای شما خواهان توفیق هستیم.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

Mahdien Vasiat: سلام و رحمت خدا بر شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

Sayed Rasoul Almousawi Alyamani: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من. خداوند قلبت را یاری کند... ای مولای من، فراموش نکنید برای ثابت قدم ماندن دعا کنید. مولای من، از خدا بخواه یقینم را به تو و ذریه پاکت افزون کند... مولای من، سؤالی دارم و تمنا می‌کنم پاسخ دهید حتی اگر از طرف مکتب آن را برسانید، و عذر می‌خواهم که وقت شما را می‌گیرم... مولای من، آیا ایرانیان به خصوص اهالی اهواز- می‌توانند با برادران عراقی خود در تظاهرات شرکت کنند؟ یعنی آیا می‌توانیم به عراق بیاییم و با شما مشارکت کنیم...؟ عفو بفرمایید ای مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. جایز نیست غیر عراقی‌ها مشارکت کنند. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید. از خدا می‌خواهم شما را به آنچه خیر آخرت و دنیایتان در آن است توفیق دهد. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

** ** *

بیرون برو و سُخت را رُودررُوی فاسدان بگو

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

#فسادشما-ما-رمی-کشد

بزرگ‌ترین جهاد، سخن حق است در برابر سلطان ستمگر؛ پس این سخن را رُودررُوی حکومت‌های احزاب ستمگر بگو.

بیرون برو و سُخت را رُودررُوی این فاسدان بگو.

به‌خاطر یتیمانی که به‌سبب فساد آن‌ها یتیم شدند.

به‌خاطر خون‌هایی که به‌سبب فساد آن‌ها ریخته شد.

به‌خاطر عراق که فساد آن‌ها نابودش کرد.

بیرون برو و سُخت را بگو؛ زیرا زندگی، «موضع‌گیری» است.

زندگی بدون موضع‌گیری، یک آش بی رنگ‌وروی بی ارزش، بدون هیچ طعم و عطر و بویی است.^۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۴۳۴۶۱۱۲۳۶۹۷۱۸/?type=۳&theater>

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

حسین ابوشهد اسماعیلی: سرورم وقاحت این‌ها به جایی رسیده که حتی از حال آن شخصی که از تاج و تختشان دفاع کرده هم نمی‌پرسند. امروز دختر بچه‌ای را دیدم سر چهار راه در استان ناصریه، وسط گرمای ظهر گدایی می‌کرد. به او گفتم پدرت مرده؟ گفت نه، زنده است.

گفتم چرا کار نمی‌کند و خرج زندگیتان را نمی‌دهد؟

گفت: در حشد الشعبی تیر خورده و نمی‌تواند کار کند.

گفتم: چطور زندگی می‌کنید؟

گفت: من و برادر کوچکم گدایی می‌کنیم و خرج خانواده‌مان را می‌دهیم.

سرورم بخدا قسم این سیاستمداران، بشر نیستند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. ان‌شاءالله انقلاب مردم عراق آن‌ها را ریشه‌کن می‌کند. ان‌شاءالله چیزی باقی نمانده و رحمت خدا فراگیر است: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (و هرکس به خدا اعتماد کند، خدا برایش کافی است. به‌راستی که خدا به‌انجام‌رساننده فرمانش است. خداوند برای

۱ - فایل پیوست بخشی از ویدئویی است که در آن، یک کودک شرکت‌کننده در تظاهرات درباره درد و رنج عراقی‌ها و ظلم و فساد حکومت صحبت می‌کند.

هرچیز اندازه‌ای مقرر کرده است).^۱

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

Dr-Firas Alsalemی: یا مرگ یا پیروزی بر این‌هایی که شبیهشان در اقوام گذشته نبوده است. اعتقاد ما برگشت‌ناپذیر است؛ پس باید مرگ، جامه من از این دنیای متعفن باشد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را حفظ و از نیرنگ و شر ستمگران کفایتتان فرماید.

پاسخ نامه جوانان بصره

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

سجاد القطرانی: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما و خانواده بزرگوارت، ای سید من، ای قائم آل محمد!

آقای من، ما گروهی از جوانان بصره هستیم و با تو و فرزندان مه‌دیون (علیهم‌السلام) تجدید میثاق می‌کنیم.

ان‌شاءالله این بیعت با خون‌های ما نوشته شده است و از خداوند خواهان قبولی آن هستیم.

آقای من، ان‌شاءالله ما را لیبیک‌گو و مطیع اوامرت خواهی یافت و در میدان التحریر حضور یافته، انقلاب بر ستمگران را علنی خواهیم کرد تا خداوند امری را که فرمان داده است به انجام برساند؛ با توفیقی از سوی خدا و به برکت دعای شما برای ما. این‌ها برخی از پیام‌های جوانان بصره است که خواسته‌اند به پدر عزیزشان برسانند:

۱. [طلاق: ۳]

۱. الاعلامی ماهر الحسین: ای سید بزرگوار ما، دوستت دارم و عمرم نذر توست و آن را فدایت می‌کنم، ای پسر فاطمه.
۲. رضا الیعقوبی: خون برای توست... و من امانت‌دارش هستم.
۳. سید حسام الحسن: ما در خدمت تو هستیم سید ... اول و آخرش مرگ است
۴. احمد ماجد: مردن تنها از برای توست و هر آن اشاره کنی دوباره برایت می‌میریم.
۵. حیدر العطبی: خداوند حفظت کند سید، و ان‌شاءالله هر جمعه ما را خواهی دید.
۶. عبدالله الشمیری: سلام بر شما ای سید و مولای ما! همه انصارت فدای تو هستند. ما بر نمی‌گردیم؛ تا دم مرگ با تو هستیم.
۷. قاسم جعفر: ای سید و مولای من، احمدالحسن! ما ارواح، بدن‌ها و همه‌چیزمان را فدای تو می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم از ما بپذیرد. خداوند به‌زودی زود برایت گشایش حاصل کند و چشم ما با دیدنت روشن شود؛ زیرا انتظار به درازا کشیده و اشتیاق فزونی یافته است. ای مولای من، از تو می‌خواهیم برای حسن عاقبتمان دعا کنی.
۸. سجاد القطرانی: جوانان انقلابی بصره می‌گویند: لیبک یا ابن‌الحسن.
۹. کاظم التمیمی: ای پدر مهربان ما، همراه تو خواهیم بود تا آنچه مستحقش هستیم برایم تثبیت شود؛ به امید اینکه آنچه را که تقدیم می‌کنم بپذیری. از کوتاهی‌ام عذرخواهم که تو اهل کرم هستی.
۱۰. الاعلامی رعد الشمیری: ای سید و مولای من، قائم آل محمد! ارواحمان فدای تو. ما در اعلام انقلاب علیه ستمگران، همراه تو هستیم و ان‌شاءالله هر جمعه حضور خواهیم یافت تا خداوند آن امری را که فرمان داده است به انجام برساند و با یقینمان پیروز خواهیم شد. لا قوة الا بالله.
۱۱. سید هشام الحسن: مولای من، از خدا می‌خواهم تو را و خانواده‌ات را محفوظ بدارد و در آینده‌ای نزدیک تمکینت دهد. ان‌شاءالله همه ما را در خدمت خودت می‌بینی.
۱۲. علاء الغانم: سید و مولای من، ما در خدمت تو و در کنارت هستیم، ان‌شاءالله.
۱۳. احمد السالم: روحم فدای تو. از خدا می‌خواهیم به‌زودی زود شما را تمکین عطا فرماید.
۱۴. رحیم العطبی: سلام بر شما ای سید و مولای من. از خدا می‌خواهم برایتان

گشایش ایجاد فرماید.

۱۵- وسام العیدانی: سپاس و ستایش خدایی را که شما را به ما شناساند. از خدا می‌خواهم ما را از یاران و اطاعت‌کنندگان شما قرار دهد، و از شما امید آن داریم که از تقصیر و اسراف ما درگذری، و از خدا می‌خواهم تو و همه انصارت را از هر ناخوشایندی محفوظ بدارد، به حق حضرت زهرا (صلوات الله علیه).

۱۶. احمد تحسین الموسوی: زراره از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است: «نهایت امر و بلندای کلید آن و دروازه تمام چیزها و رضایت رحمان تبارک و تعالی، اطاعت از امام است پس از شناخت او.» عزیز من، نور دیدگانم! همه وجود برای تو و در گرو اشارت توست.

۱۷. محمد قاسم: از خدا می‌خواهیم به‌زودی زود برای شما تمکین حاصل فرماید و ان‌شاءالله تا دم مرگ به تظاهرات ادامه می‌دهیم. از خدا می‌خواهیم ما را توفیق اطاعت از شما عنایت فرماید.

۱۸. سید جعفر الحسن: از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشی و ان‌شاءالله ما تا دم مرگ با تو هستیم. التماس دعا.

۱۹. مهدی الریاحی: ما تا آخرین نفس با تو هستیم، ای مولای من.

۲۰. حمد عبدالمطلب: خداوند، ما را از خادمان تحت فرمانت قرار بده!

۲۱. حیدر الصالح: سلام بر نور هدایت. سلام بر دستاویز استوار. سلام بر ریسمان محکم خدا. سلام بر رحمت پروردگار جهانیان. سلام بر اولین مهدیون، صلوات پروردگارم بر همه‌شان.

۲۲. سید یس حسن: مولای من و نور دیدگانم، از خدا می‌خواهم به‌زودی زود شما را تمکین عطا فرماید و ما را از انصار برگزیده‌ات قرار دهد، به حق فاطمه زهرا (علیه السلام).

۲۳. سید عبدالله حسن: سید و مولای من، ای قائم آل محمد! از خدا می‌خواهم تو را حفظ و ما را تا آخرین نفس، توفیق یاری شما عنایت فرماید، ان‌شاءالله.

۲۴. مرتضی القطرانی: سید و مولای من! تو پدر ما هستی و فرزند وقتی عاق شود پدرش او را ترک نمی‌کند. من جز روحم چیزی ندارم که تقدیم شما کنم. آرزو دارم از کسانی باشم که روح خود را فدای تو می‌کنند.

۲۵. حیدر محمد: از خدا می‌خواهیم در خیر و عافیت باشی، ای سید بزرگوار ما. من

بیمار هستم و کمردرد دارم و به من گفتند درمانی ندارد. از تو خواستار دعا برای شفا و ثبات قدم هستم و ان شاء الله ای سید ما. ما در خدمت تو هستیم و ما پیوسته در تظاهرات شرکت می‌کنیم تا تغییرات را لمس کنیم.

۲۶. محمد طارق: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید و مولای من! از شما خواستار دعا برای انصار زندانی و بیمار هستیم.

۲۷. حسین طارق: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید و مولای من.

۲۸. سید محمد حسن: تحت امر تو هستیم، ای سید و مولای من! ان شاء الله در خدمت تو هستیم و تا ساقط کردن افراد فاسد و پست و فرومایه تظاهرات می‌کنیم. ای سید من، ما با وجود تو به فساد و مفسده‌ها پایان خواهیم داد. برای خیر و توفیقمان دعا کنید. با عذر تقصیر از برادرانی که اسمشان را بیان نکردم و تأکید کرده‌اند که با ما هستند و سخن ما را تأیید می‌کنند.

ای پدر عزیز ما! این میثاقی است که با خداوند بسته‌ایم و با تو نیز بر آن پیمان بستیم و ان شاء الله با دعای شما برای ما، بر آن استوار خواهیم بود. از خدای سبحان می‌خواهیم به‌زودی زود به شما تمکین دهد و برای شما فتح مبین حاصل کند و رؤیای انبیا و فرستادگان را با تحقق دولت عدل الهی، محقق سازد و با فرج شما، این اندوه را از این امت بزداید. از او سبحان می‌خواهیم ما را با تو و زیر لوای تو جمع فرماید، ای عزت‌بخش مؤمنان و ذلیل‌کننده کفار! از خدای سبحان می‌خواهیم ما را از کسانی قرار دهد که شادی را به قلب شما وارد می‌کنند. خدایا ما را داخل در هر خیری بفرما که محمد و آل محمد را در آن وارد کردی و از هر شری خارج کن که محمد و آل محمد را از آن خارج ساختی.

جوانان بصره

سه‌شنبه ۲۰۱۶/۷/۱۲ مصادف با ۷ شوال ۱۴۳۷ق

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را حفظ و از نیرنگ و شرّ ستمگران حفظ کند.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

علی عدنان النصار: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای سید ما. مطلبی است

که اگر ممکن باشد می‌خواهم با شما در میان بگذارم و موضوعی شخصی است. نمی‌خواهم در اینجا مطرح کنم و اگر امکان گفت‌وگو وجود داشت بهتر بود. ان‌شاءالله شما راه‌حلی دارید. خدا توفیق‌تان دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. گفت‌وگوی خصوصی بسته است - از شما عذر می‌خواهم - اما اگر سؤال مهمی داری می‌توانی به دکتر علاء سالم یا دکتر توفیق مغربی برسانی و ان‌شاءالله آن‌ها کوتاهی نمی‌کنند و سؤال‌ت را می‌رسانند.

پاسخ پرسش مربوط به کثیر السفر

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۶:

Hussain Ben Zaid: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید

و کارتان را آسان گرداند.

سؤالی دارم که امیدوارم کرم فرموده، با پاسخ‌دادن بر من تفضل کنید.

من در جایی که کار می‌کنم پنج روز از هفته را داخل کشور مسافت شرعی طی می‌کنم

بهمین خاطر نماز و روزه‌ام را تمام و کامل انجام می‌دهم.

و اکنون من در تعطیلات هستم و می‌خواهم به خارج از کشور مسافرت کنم.

آیا در طی هفته اقامت در خارج، کثیرالسفر به شمار می‌روم؟

حسین از کویت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تا وقتی از وضعیت پیشینت خارج نشده‌ای، در تمام حالات، به حالت تمام‌خواندن باقی بمان (پاسخ

این مسئله و جزئیات آن را در پاسخ‌های فقهی پیدا می‌کنی که قبلاً پاسخ داده‌ام).^۱

حکم تکرار استخاره

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶، ساعت ۵:۰۱ صبح:

یمانیة الهوی: مولای من، آیا در موارد خاصی، تکرار استخاره جایز است؟ با این دلیل که شرایط ممکن است تغییر کند و ممکن است در یک وقت مناسب نباشد و در وقت دیگر مناسب باشد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. آری، با توجه به انتظاری که از تغییر شرایط یا علل و موجبات می‌رود، تکرار استخاره امکان‌پذیر است؛ اما تکرار بیهوده در حالی که انسان به وضعیت خودش و واقعیت آگاه باشد جایز نیست.

*** ** *

حکومتی که بر پایه ویران کردن قبرهای شما بنا شده، فرجامش نابودی و زوال است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

سلام بر امامان هدایت.

حکومتی که بر پایه ویران کردن قبرهای شما بنا شده، فرجامش نابودی و زوال و پیوستن به زباله‌دان تاریخ است.

در سال ۲۰۱۳ در این صفحه نوشتیم:

«این پرسش خطاب به فضلالی اهل سنت (خدا توفیقشان دهد) است، نه وهابی‌هایی که با آل محمد دشمنی می‌کنند:

چرا از ضریح حسن بن علی (صلوات خدا بر او) دفاع نمی‌کنید؟ چرا بازگرداندن بنای

۱ - مراجعه کنید: پاسخ‌های فقهی، نماز، مسئله کثیر السفر، پرسش ۱۶۵ و ۱۶۹.

آن را پس از آنکه وهابیون تکفیری دشمنان آل محمد، آن دشمنان محمد و دشمنان خدا، نابودش کردند. مطالبه نمی‌کنید؟

آیا اینکه حسن بن علی سرور جوانان اهل بهشت است از نظر شما صحیح نیست؟! پس چرا از او دفاع نمی‌کنید و از باقی ماندن ضریح وی به همین شکل ویران شده که تا همین امروز نیز این چنین است، ابراز انزجار نمی‌کنید؟! روز قیامت وقتی رسول خدا از شما سؤال کند درباره اهل بیتم چگونه جانشینانی برایم بودید به او چه خواهید گفت؟!

آیا عاقلانه است که شما برای فقیهی همچون ابوحنیفه، ضریحی آن چنانی بسازید، در حالی که برای دفاع از پسر رسول خدا و سرور جوانان اهل بهشت -حسن بن علی (صلوات خدا بر او)- در تردید به سر ببرید و پس از آنکه دشمنان خدا به این ضریح تجاوز کردند قبول کنید ویران باقی بماند؟»



پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

سید صالح عزیز صافی: سلام بر شما ای باقی‌مانده آل محمد، و رحمت خدا و برکاتش.

از خداوند سبحان می‌خواهم به حق هو-ای کسی که نیست جز او- به شما امکان زنده کردن سنت پیامبرش ﷺ و دل‌های مردم و بازگرداندن حقی که از آل محمد ﷺ سلب شده است عطا فرماید و خدای سبحان ما را یاری کند تا تو را بر دل‌هایمان تمکین دهیم و تسلیم شما باشیم و ما را بر این راه ثابت‌قدم بدارد و به ما توفیق صلوات بر محمد و

آل محمد را با گفتار و کردار و خون مان عطا فرماید، و با ولای شما گناهان گذشته و آینده ما را ببخشاید، که او سبحان شنوایی است که اجابت کننده دعاست.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. سید صالح صافی، خداوند تو را زنده بدارد. شکر خدا که سلامت هستید.^۱ از خدا می خواهم آنچه را که خیر آخرت و دنیایت در آن است روزی ات فرماید.

غسل مس میت واجب نمی شود مگر پس از سرد شدن مرده بر اثر مرگ

پی نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

محمد چراغ: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، ای قائم آل محمد! شما پناهگاه ما در این دنیا هستید. سید و مولای من، از خدا می خواهم شما را تمکین عطا فرماید و ما را از کارگزاران تحت لوی شما قرار دهد.
آقای من، پرسشی دارم:

چند روز پیش یکی از نزدیکان ما وفات یافت، خدا رحمتش کند.

پیش از وفات و صبح همان روز پزشکان گفتند این بیمار دچار تومور و مرگ مغزی شده است (به ایست مغزی مبتلا شده) یعنی در وضعیت مرگ بالینی است و جسمش با دستگاه کار می کند، ولی مرگش را اعلام نکردند و شاید علت این بوده باشد که پزشکها مراعات حال بیمار را کرده بودند تا احساسات خانواده بیمار جریحه دار نشود. بنده شخصاً از پزشکان پرسیدم آیا بیمار زنده است؟ پاسخ دادند نمی توانند مرگ او را اعلام کنند، مگر پس از برداشتن تجهیزات تنفس مصنوعی و معاینه بیمار. این اتفاق پس از چند ساعت روی داد. آنها تجهیزات را از بیمار جدا کردند و بعد از معاینه گفتند فوت کرده است. سؤال این است که هنگام لمس بیمار در این حالتی که روی تخت است و در وضعیت مرگ بالینی است و پزشکان هنوز وفاتش را اعلام نکرده اند آیا غسل مس میت بر ما واجب می شود؟

۱ - سید صالح صافی به خاطر عقیده اش در زندان بود و چند روز قبل از این پاسخ آزاد شده بود.

مولای من، نیازمند دعای شما برای شفای دختر هفت‌ساله‌ام هستم که دچار بیماری کم‌کاری غده تیروئید است. در پایان از خداوند می‌خواهم شما را در زمین تمکین عطا فرماید؛ به حق محمد و آل محمد، ائمه و مهدیون.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. غسل مس میت واجب نیست، مگر پس از سردشدن بدن میت در اثر مرگ و یقین داشتن به مرگش. این مطلب در شرایع گفته شده است: «بر کسی که میتی را قبل از تطهیر و بعد از سردشدنش در اثر مرگ لمس کند، غسل واجب می‌شود.» و از خدا خیر آخرت و دنیا را برای شما خواهانم.

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

ابو سارة الموسی معشر: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. ای سید و مولای من و ای نور دیدگانم، گاهی نماز را طوری ادا می‌کنم که احساس می‌کنم حرکتی خالی از خشوع است و تلاوت سوره‌ها برایم فقط کلماتی است که بر زبان می‌آورم (از خدا طلب بخشایش دارم)، نه چیزی احساس و نه چیزی درک می‌کنم. افکار و مشغول شدن به مشغله‌ها مرا از خشوع دور می‌کند؛ تا آنجا که بسیار به تعداد رکعات شک می‌کنم. ای آقای من، آیا راهی هست که مرا راهنمایی فرمایید تا از آنچه اتفاق افتاده عبور کنم؟ خداوند شما را توفیق دهد، استوارتان بدارد و در زمین تمکینتان دهد. خدا می‌داند چقدر مشتاق شما هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. در همه حالات خدا را یاد کند، نه فقط در نماز.

حکم استفاده از لنزهای رنگی

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید بزرگوار ما...

حکم لنزهای رنگی چشم اگر در برابر نامحرم گذاشته شود چیست؟ به علت ضعف بینایی، نه با هدف آرایش...
امیدوارم پرسش‌م را پاسخ دهی...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.

دعوت مدعی کذاب ناصر محمد

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۶:

سید محمد باقر الموسوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
سید! من از کسانی هستم که به دعوت شما ایمان ندارند ولی حق ندارم به دعوت شما اعتراض کنم یا بی‌احترامی در مورد هیچ سخنی را روا بدارم، نه به شخص شما و نه به دعوت شما؛ چون شاید به طور کلی من جاهل به حق شما باشم. ای سید، سؤالی دارم؛ نظرتان درباره دعوت شخصی که ناصر محمد الیمانی خوانده می‌شود و با این ادعا که او مهدی است به سوی خودش دعوت می‌کند چیست؟ لطفاً نظرتان را بفرمایید، ای سید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این مدعی، دروغ‌گو و ادعایش بی‌دلیل است. دلیل بر خلافت الهی در زمین خدا عبارت است از: نص و وصیت خلیفه الهی قبلی (پیامبر یا امام). امیدوارم کتاب عقاید اسلام را بخوانی تا مسائل برایت روشن‌تر شود. از خدا می‌خواهم به شما توفیق و استواری عطا فرماید.

*** ** **

درخواست از احزاب معین در پادشاهی عمان برای آزادی انصار بازداشت‌شده

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ جولای ۲۰۱۶:

سلام بر تو ای آقای من، قائم آل محمد... آقای من، فردا ان شاء الله دو نفر از برادران بازداشت‌شده در اینجا (عمان) - «ابوادم» و «ابوملاک» - را ملاقات خواهیم کرد... آیا

سفارشی دارید که به آن‌ها توصیه فرمایید؟ ان شاء الله سودمند خواهد بود... مولای من، از شما خواستار دعا هستیم.
امملاک... عمان.

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

خداوند شما را زنده بدارد. سلام من را به آن‌ها برسان. خداوند از جانب محمد و آل محمد بهترین پاداش نیکوکاران را به آن‌ها بدهد. از خدا می‌خواهم در آینده‌ای نزدیک برایشان گشایش ایجاد کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

از احزابی که در پادشاهی عمان، موظف به اجرای قانون هستند یا احزابی که آن‌ها را بازداشت کرده، به زندان افکنده‌اند انتظار می‌رود و توقع داریم با آن‌ها رفتاری عادلانه داشته باشند و آزادشان کنند؛ زیرا حق اعتقاد و ایمان یکی از مهم‌ترین حقوق انسان است.

اما محاکمه آن‌ها با اتهام پیوستن به «سرایا القائم» در عراق، اتهامی است نادرست و ساختگی؛ زیرا سرایا القائم مخصوص عراق و دعوتی است برای عراقی‌ها برای دفاع از سرزمین و مقدساتشان و این پس از آن بود که هجوم وهابیت سلفی تکفیری -معروف به داعش- عراق را در هم کوبید. این تدبیری است که به‌طور معمول همه جوامع انسانی برای دفاع از خود اتخاذ می‌کنند؛ به خصوص هنگام فروپاشی یا ضعیف‌شدن نیروهای اصلی دفاع -مثل ارتش و پلیس- و در نتیجه ارتباطی به مؤمنان در عمان عزیز ندارد و درست نیست دولتی که قانون بر آن حاکم است آن‌ها را با چنین اتهامی محاکمه کند. مؤمنان به این دعوت حق تقریباً در تمامی دولت‌های جهان و دیگر کشورهای حوزه خلیج عربی پراکنده‌اند و هیچ مؤمنی در هیچ دولتی از دولت‌های جهان با چنین اتهامی محاکمه نشده است، غیر از پادشاهی عمان.

امیدوارم در این قضیه تجدید نظر شود، عدالت محقق گردد و آن‌ها آزاد شوند.

Hussam Al-rubaie: سلام علیکم

آیا ممکن است بدانیم این صفحه از آن چه کسی است؛ و احمدالحسن کیست؟!
متشکر می‌شویم اگر لطف بفرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کتاب‌های «عقاید اسلام» و «توهم بی‌خدایی» را
مطالعه کن:

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/live/wahmilhad/>


<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳/qaed-islam.pdf>

*** ** *

اطلاعاتی مفید برای محافظت در برابر گاز اشک‌آور

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ July ۲۰۱۶:

اطلاعاتی سودمند برای محافظت در برابر گاز اشک‌آور یا کاستن از عوارض آن.
«کسی که چیزی را بخواهد اسبابش را فراهم می‌کند.»




THIS GUIDE WAS MADE IN SOLIDARITY WITH THE OCCUPY WALL STREET MOVEMENT AND IS NOT DIRECTLY AFFILIATED METHOD BELOW USED BY MANY, INCLUDING PHOTOGRAPHERS IN GREECE DURING PROTESTS

DEFENDING AGAINST TEAR GAS


THE FOLLOWING TIPS ARE TO BE EXERCISED **ONLY FOR DEFENSE PURPOSES** AND IN THE EVENT OF POLICE/GOVERNMENT OFFICIALS USING TEAR GAS IN PEACEFUL PROTESTS. **NEVER INCITE VIOLENCE.**

ITEMS YOU WILL NEED


PAINTERS/DUST MASK
FOUND IN HARDWARE STORES




EYE PROTECTION
FOUND IN HARDWARE STORES



WATER SPRAY BOTTLE
MAKE SURE WASHED OF ANY CLEANING SOLUTION



LIQUID ANTACID
ANY IN LIQUID FORM SUCH AS MAALOX OR MYLANTA



KNOW YOUR ENEMY

TEAR GAS IS A NON-LETHAL CHEMICAL WEAPON THAT STIMULATES THE CORNEAL NERVES IN THE EYES TO CAUSE TEARRING, PAIN, AND EVEN BLINDNESS. TEAR GAS WORKS BY IRRITATING MUCOUS MEMBRANES IN THE EYES, NOSE, MOUTH AND LUNGS, AND CAUSES CRYING, SNEEZING, COUGHING, DIFFICULTY BREATHING, PAIN IN THE EYES, TEMPORARY BLINDNESS, ETC.


TEAR GAS RELIEF

Liquid Antacid and Water (LAW)

BE PREPARED FOR EXPOSURE. TEAR GAS IS A PARTICULATE, NOT REAL GAS, SO PAINTERS/DUST MASKS HELP.

"GREEKS HAVE BECOME SKILLED AT CHOSING THE RIGHT PROTECTIVE GEAR. MAALOX IS A MUST!"
ARIS MESSINIS/JAPP

- 1) FIND A GOOD SIZE SPRAY BOTTLE AND WASH WELL.
- 2) FILL HALF OF SPRAY BOTTLE WITH LIQUID ANTACID (MAALOX).
- 3) FILL THE REMAINING HALF OF BOTTLE WITH WATER.
- 4) WHEN EXPOSED SPRAY YOUR EYES AND MOUTH, THEN SWALLOW.



ALSO EFFECTIVE AS PEPPER SPRAY REMEDY
A UNIVERSITY OF CALIFORNIA SAN FRANCISCO-BASED STUDY HAS FOUND THAT TOPICAL APPLICATION OF ANTACIDS * FOR CAPSAICIN-INDUCED PAIN IS EFFECTIVE, PARTICULARLY IN EARLY TREATMENT OF EXPOSURE TO REFINED CAPSAICIN.*

HELPING YOURSELF AND OTHERS

- AFTER USING THE LIQUID ANTACID AND WATER METHOD ON YOURSELF, HOLD UP YOUR SPRAY BOTTLE AND START SHOUTING FOR PEOPLE TO COME TOWARDS YOUR VOICE FOR HELP. SPRAY THEIR FACE AND MOUTH.
- IF YOU ARE WEARING EYE PROTECTION OR A MASK, BE PROACTIVE AND KICK THE CANISTER AWAY FROM THE CROWD. IF YOU CAN KICK IT DOWN A GUTTER, OR DOUSE IT WITH WATER, YOU CAN MINIMIZE ITS IMPACT.
- STAY PEACEFUL. PEACEFUL PROTEST IS THE ONLY WAY TO BE TAKEN SERIOUSLY AND TO BE TRULY HEARD.

deprofunitied@weroep@hotmail.com

STAY VIGILANT. STAY UNITED. STAY INFORMED. PROTECT YOUR FELLOW COUNTRYMEN. DO NOT TRUST THE MEDIA.

SOURCES:
@JasonPicard

GLOBAL POST: <http://www.globalpost.com/dispatches/news/regions/europe/protestor-chic-how-greeks-prepare-tear-gas>
 Wikia (Medic Wiki): http://medic.wikia.com/wiki/Pepper_spray_and_tear_gas
 WIKIPEDIA: http://en.wikipedia.org/wiki/Tear_gas

FORM #067-INFO-990368-2A (REV. 10.27.11)

INFORMATION COURTESY OF: DEPT. "UNITED WE RISE" - INFORMATION BRANCH

بی‌نوشت / ۱۴ جولای ۲۰۱۶:

Ahmed Alhasan احمدالحسن: پزشکان و داروخانه‌هایی که می‌توانند، با اطلاعات و راه‌حل‌های عملی قابل اجرا و مفید، آن‌ها را یاری کنند؛ از مطرح کردن داشته‌هایشان مضایقه نکنند.

حکم تغییر رنگ چشم با استفاده از لنز یا به روش‌های دیگر

پی‌نوشت / ۱۴ جولای ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید بزرگوار من...
اول: به‌خاطر اهمیتی که به قضیه انصار در عمان می‌دهی از شما بسیار
سپاسگزارم...

دوم: سؤال واقعاً مهمی دارم:

ای پدر بزرگوارم... دیروز درباره جایز بودن استفاده از لنز رنگی چشم با هدف اصلاح
دیدن- در برابر افراد نامحرم پرسیدم (و تشکر می‌کنم که پاسخ مرا دادید) ... اما اگر فقط با
هدف زینت باشد چه حکمی خواهد داشت؟
از خدا می‌خواهم کوتاهی‌ام در برابر شما را ببخشاید. به خدا قسم من ناتوان از دادن
پاسخی نیکو به شما هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. تغییر رنگ چشم
اشکالی ندارد؛ چه به‌وسیله لنز و چه با روشی دیگر، چه دائمی باشد، چه موقت.

*** **

پیروز خواهید شد و افراد فاسد شکست خواهند خورد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ جولای ۲۰۱۶:

شما یاری و پیروز خواهید شد و افراد فاسد شکست خواهند خورد. ای عزیزان من،
ماندن در خانه‌ها بعد از این همه بیدادگری و ستم، عیب است.



*** **

به قدرت الهی بازخواست خواهید شد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

روز مظلوم بر ظالم، شدیدتر از روز ظالم بر مظلوم است.

به قدرت الهی بازخواست خواهید شد.^۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۴۵۲۸۰۳۱۲۱۸۶۲۹۸/?type=۳&theater>

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

زهرا حسینی: مردم از شدت درد شروع کرده‌اند به شیون و فریاد.

مُسکن مصرف نکنید.

اجازه دهید فریاد شما بر فراز تخت آنان به اهتزاز درآید تا پشت کرده، فرار کنند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

احسنت.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

ابو احمد الزیادی الیمانی: اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم

۱ - فایل پیوست بخشی از ویدئویی است که در آن، زنی عراقی در تظاهرات علیه افراد فاسد صحبت می‌کند.

تسلیم کنی.

پدر و مادرم فدای تو ای مولای من، ای پسر رسول خدا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من ابوالاحمد بزرگوار، خداوند تو را زنده بدارد، مشتاق تو هستیم. سلام من به پدر و مادر پاکت و به خانواده بزرگوارت و همه کسانی که به شما پناه می آورند. مرا از دعای خود فراموش نکن.

حکم پرورش و نگهداری گربه

پی نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

لاهورت الابد: سلام بر شما ای سید و مولای من...

پرسش: ما در خانه چند گربه داریم و گفته می شود موی آن ها مکروه است، موجب بیماری هایی می شود، عده ای از آنان نفرت دارند و سخن های بسیار دیگر. نظر شما در این خصوص چیست ای سید ما؟
خداوند شما را در زمین تمکین عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. پرورش و نگهداری گربه جایز است.

پی نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

نواف فاضل علی: آری ای سید من، این تظاهرات برای رسواکردن کوتاهی حکومت و بی توجهی اش به زندگی عراقی ها و حوادث از جمله بمب گذاری ها و نشان دادن آن ها به جهان است؛ با توجه به اینکه این تظاهرات، دومین تظاهرات پیاپی است؛ یکشنبه هفته پیش هم تظاهرات بود. آقای من، خداوند به شما توفیق دهد و شما را یاور و پناهگاه مظلومان قرار دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

نواف فاضل علی، اگر چنین بوده است پس به طور قطع مشارکت کردن با برادران و خواهرانتان بهتر خواهد بود.

حکم گوش دادن به موسیقی و فرق بین گوش دادن و شنیدن

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

Ansarallah Yamani: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما اهل بیت نبوت. آقای من، سؤالی دارم و پاسخ‌گفتن از طرف شما جز کرم و تفضل نیست. در تمام سالن‌های ورزشی در دسترس، موسیقی پخش می‌شود. آیا حضور من در این اماکن اشکال دارد؟ پدر عزیزم مسئله دیگری فکرم را مشغول کرده است. ما وقتی تهیه بخش‌های برنامه یا گزارش‌های شبکه را تحویل می‌گیریم احساس نگرانی می‌کنم که نکند در به‌جا آوردن حق موضوعی کوتاهی کرده باشم... یا اینکه به بیننده اطلاعاتی با بیانی غیردقیق و ناکارآمد برسانم، در حالی که شاید می‌توانستم به روش دیگری با بیانی بهتر این کار را انجام می‌دادم به خصوص اینکه بارها با برنامه‌هایی بالغ بر ۱۰ صفحه مواجه می‌شویم. می‌دانم در هر حال مقصر هستیم، اما در اینجا مسئولیت بزرگی بر دوش ماست؛ زیرا این شبکه، به‌سوی خلیفه خدا در زمینش دعوت می‌کند. آقای من، کلام از شماست و ان‌شاءالله ما را لیبک‌گویان و اجراکننده خواهی یافت. امیدارم برای خدمتان دعا کنید. به‌خاطر تقصیر و کوتاهی‌ام عذرخواهم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. استماع (گوش کردن) به آغانی (موسیقی و آوازها) حرام است و جزو گناهان صغیره محسوب می‌شود و از جمله اموری است که شرع از آن نهی کرده؛ زیرا چه بسا انسان را به گناهان کبیره پناه بر خدا بکشاند و از محرمانی است که منظور می‌شود و انسان برای انجامشان بازخواست می‌شود؛ خداوند در امانتان بدارد!

اما گوش کردن (استماع) مثل شنیدن (سماع) نیست؛ در گوش کردن قصد گوش‌دادن و توجه کردن مطرح است در حالی که شنیدن بدون هیچ قصد و غرضی

صورت می‌پذیرد؛ یعنی مثلاً شما در مکانی عمومی (مثل هواپیما، رستوران، سالن ورزش) هستی که در آن موسیقی پخش می‌شود و شما توجهی به آن نداری. شنیدن حرام نیست، چرا که خالی از هرگونه قصد و نیت و گوش دادن است.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

نواف فاضل علی: سلام بر شما ای آقای من، قائم آل محمد (علیه السلام). آقای من، ما اولاد و خادمان شما در سیدنی هستیم. اینجا روز یکشنبه پیش رو، تظاهرات خواهد بود. آیا در این تظاهرات شرکت کنیم؟ توصیه‌های شما به خادمانت چیست، ای مولای من؟ از خدا می‌خواهیم به زودی زود برایتان تمکین عطا فرماید، به حق محمد و آل محمد (علیهم السلام).

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. شرکت کردن یا شرکت نکردن به خودتان بستگی دارد. ببینید هدف از تظاهرات چیست.

آشکارشدن دست زن در برابر مرد به قصد معالجه

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

رایة القائم - ع: لا قوة الا بالله... مولای من قائم، سؤالی دارم. مدتی پیش آزمایش خون دادم و به خاطر نبود کادر زن، یک مرد از دست من خون گرفت و این کار مستلزم آشکارشدن دستم تا آرنج بود... آیا در این کار گناهی وجود دارد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. در صورت وجود اضطرار، اشکال ندارد.

کار کنیم تا همهٔ مظلومان برای تظاهرات علیه ظالمان جمع شوند

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

حیدر العبدالله: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...
ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «اگر کریم را اکرام کنی مالکش می‌شوی و اگر

بخیل را اکرام کنی ترمدمی کند...»

سید و امام من، برترین سلام خدا بر تو. اینان بدترین خلق خدا هستند و متأسفانه انجام تظاهرات به شکل مسالمت آمیز را گرمی از طرف این ملت مظلوم تعبیر می کنند. شما داناترین مردم به این نکته هستی؛ اینکه آن‌ها قصد ترک مناصب خود را ندارند. حتی اگر همه مردم خروج کنند و حتی اگر مردم کشته شوند و در خیابان‌ها کشیده شوند، آن‌ها مناصب خود را تسلیم نخواهند کرد...

قسم به ذات خدا -ای قائم آل محمد آن‌ها به واقع بر این مردم فقیر، بخل می‌ورزند. بسیاری از کارمندان قراردادی را دیدم با وجود نیاز شدیدی که به شغل خود داشتند - اخراج کردند صرفاً برای اینکه حقوق خودشان ثابت حفظ شود...

آقای من، مقصود من از این سخنان اظهار چیزی که شما نمی‌دانید نیست؛ هرگز چنین نیست. به خدا قسم ما از آن‌ها و ستمشان خسته شده‌ایم... از خدای بزرگ توانا می‌خواهیم ما را سنگی در دست تو قرار دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. درست است عزیز من؛ اما آنچه خواسته شده، «صبر» است و آنچه در این مرحله واجب است جمع کردن همه مظلومان برای تظاهرات علیه ظالمان است. آن‌ها را تشویق کنیم و برایشان توضیح دهیم. ما در برابرشان عمل کنیم تا آن‌ها هم عمل کنند... الخ.

حکم ناسزاگفتن و زدن همسر

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

عائلتی سر سعادتی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، قائم آل محمد!

آیا یک انصاری حق دارد به زنش ناسزا بگوید و کتکش بزند و [بابت] هر اشتباهی که در خانه اتفاق می‌افتد او را سرزنش کند؟

مثلاً وقتی چیزی به زنش می‌دهد و بعد از مدتی آن را می‌خواهد و زن می‌گوید فراموش کردم و مرد هم بگوید تو به من اهمیت نمی‌دهی و برای همین است که فراموش

می‌کنی.

فقط خدا می‌داند چقدر او را دوست دارم و حتی در ساده‌ترین امور به او اهمیت می‌دهم.

من از خدا و شما ای سیدم عذر می‌خواهم که باعث شدم اذیت بشوی؛ چون می‌دانم وقتی می‌شنوی یک انصاری خطایی کرده است ناراحت می‌شوی. منتظر پاسخ شما هستم و هر پاسخی بدهید خواهم پذیرفت، ای نور دیدگانم. و شما را به مادرت زهرا قسم می‌دهم مرا از دعای خود فراموش نکنی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. قطعاً فحاشی و ناسزا جایز نیست، و جای هیچ بحثی ندارد. باید ارتباط بین زوجین، ارتباطی دوستانه و محبت‌آمیز باشد، نه با نفرت. از دو طرف انتظار می‌رود بر این اساس رفتار کنند.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

Oras Alyamani: سید و مولای من، آیا شرکت ما در تظاهرات روز ۷/۱۵ در سطح مطلوبی بود یا تقصیر و کوتاهی از ناحیه ما در آن وجود دارد؛ چون ما منظم نیستیم و حضور و تأثیر درخوری نداریم؟ امیدوارم این مطلب را روشن فرمایید؛ چون به خدا قسم احساس تقصیر می‌کنیم و از شما خجالت می‌کشیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به شما جزای خیر دهد. ان‌شاءالله در شرکت شما در تظاهرات، برکت و خیر هست، و ان‌شاءالله با خالص کردن نیت‌هایتان برای خدای سبحان، همه‌چیز را تغییر خواهید داد.

مسائل مربوط به حجاب شرعی

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

Resalet Ahmed: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، قائم آل

محمد (علیه السلام)!

سؤال اول: من در اروپا دانشجوی دندان پزشکی هستم. در کار و تحصیل لازم می شود دستم را به طور کامل تا آرنج نمایان کنم. آقا و مولای من! این کار با توجه به حجاب شرعی که شما بیان فرموده اید جایز نیست. چه کار کنم؟ اگر دستم را برهنه نکنم مخالف قوانین درمانگاه دندان پزشکی است.

سؤال دوم: در حین کار، با آقایان و خانمها برخورد دارم و باید سر آنها بسیار نزدیک به شکم من باشد تا بتوانم کارم را به شکل درست انجام بدهم. حکم این مسئله در رابطه با معالجه آقایان به این روش چیست؟

خداوند بهترین جزا را به شما بدهد ای آقا و مولای من، ای قائم آل محمد.

خادم شما، مرسلین الانباری از نروژ.

امیدوارم پاسخ سؤالم را بدهید آقا و مولای من، قائم آل محمد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. التزام به حجاب شرعی واجب است و انتخاب شغلی که لازمه اش هتک حجاب شرعی باشد جایز نیست. برهنه کردن تا بازو جایز نیست و باید راهی برای پوشاندن آن به شکلی قابل قبول یافت شود. اشکالی در معالجه کردن آقایان وجود ندارد.

به ذکر مجهز شوید و سکوت کنید، که حتماً کلمات خدا را خواهید شنید.

پی نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

صادق الوعد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین...

سید احمد الحسن!

از زمانی که دعوت شما را شناختم و درباره اش شنیدم گاهی درباره اش جدل می کردم و گاهی مناظره؛ تا آنجا که انواع تهمت ها را نثار انصار شما می کردم. ارتکاب به هیچ گناه صغیره و کبیره ای را فروگذار نکردم تا شاید موفق بشوم یا وصله پینه هایش را باز کنم و گره هایش را بگشایم. شروع به تلاش کردم، گاهی نزدیک می شدم و گاهی دور. درهای اهل بیت را کوبیدم و به آنها توسل کردم تا حقیقت شما و قربانتان به آنها را برایم بیان

فرمایند، اما خدا قلبم را نگشود، و نفس من که به بدی امر می‌کند به شما اطمینان پیدا نکرد. فکرم سرگردان، و تمرکزم پراکنده شد. گاهی به شما نزدیک هستم و گاهی دور. گویی قلبم در اثر گناهان، در حجاب است و مرا از شما دور می‌کند، یا گناهانم سنگینی می‌کنند و رایحه شما را استشمام نمی‌کنم. پس تا کی به این حالت باقی بمانم و تا چه زمانی سرگردان باشم. آیا راهی به سوی شما دارم و آیا دارویی هست که سینه‌ام را با شما شفا دهد؟ کی به مرادم می‌رسم و کی قلبم پاک می‌شود؟

آقای من، تو را قسم می‌دهم به حق مادرت زهرا دعایم کنی!
 قسمت می‌دهم به امیرالمؤمنین مرا به سوی خودت راهنمایی کن.
 و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.
 دلایل را در کتاب‌ها از جمله کتاب «عقاید اسلام» نوشته‌ام؛ می‌توانی بخوانی و تحقیق و تفحص کنی؛ اما در خصوص غیب، [آن] به دست خدای سبحان است. انسان باید خود را مجهز کند و در ب خدای سبحان را بگوید. پس به یاد و اخلاص برای خداوند مجهز شوید و یقین داشته باشید که خدای سبحان کسی را که قصدش کند ناامید نمی‌کند و کسی را که در بش را با راستی و خلوص نیت بگوید رد نمی‌کند که این کار از ساحت او بسی به دور است! او حتی گناهکاران را و حتی کسی که از او نمی‌خواهد و او را نمی‌شناسد، از سر رحمت و مهربانی اجابت می‌کند؛ اما سنگینی گوش‌ها و مجهز نبودنشان مانع از شنیدن پاسخش می‌شود. پس به ذکر مجهز شوید و سکوت کنید، که حتماً کلمات خدا را خواهید شنید.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

یمانیة الهوی: کسی که، نه بنا به علتی، بلکه به خاطر حزبی که در تظاهرات شرکت دارد و او تأییدش نمی‌کند، حشش را رها کند، درباره چنین شخصی چه نظری دارید؟ چون برخی از افراد به مظلومیت مردم آگاه‌اند، ولی در تظاهرات شرکت نمی‌کنند؛ به این دلیل که جریان مقتدی صدر به گفته آن‌ها، اکثریت را تشکیل می‌دهند و مورد تأییدشان

نیست... من معتقدم و خدا داناتر است. که این یک پوشش برای سوءاستفاده احزاب است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

منیت، خودنمایی، پیشی جستن بر دیگران، ترس، حب بسیار زندگی، منفعت شخصی و ... موانع حقیقی هستند.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

احمد یا املی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. امیدوارم در خیر و عافیت باشید ای سید من. از زمان ماه رجب مشکلی دارم و نمی‌توانم آن را در جای عمومی بنویسم و یقین دارم شما آن را می‌دانی. با برخی از انصار صحبت کردم ولی راه‌حلی پیدا نکردم. همه حرف بنده این بود که منتظر باشید تا سوال بیاید، و پس از آن رؤیای شما را دیدم که نزد ضریح پیامبر (صلی الله علیه و سلم) بودی و به من می‌گفتی به اینجا دعوت کن. پایان رؤیا. سبحان الله وقتی ماه شوال آمد شما را دیدم به انصار پاسخ می‌دادی و گویا بشارت خیر بود آقای من و اینکه شما به من پاسخ خواهی داد. ای پسر پاکیزگان چشم امید دارم شما پاسخ را بدهی؛ گرچه من مستحق پاسخ نیستم. مرا عفو بفرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اگر مشکل یا پرسش خاصی دارید می‌توانید با دکتر علاء سالم یا دکتر توفیق ارتباط برقرار کنید تا به من ارسال شود.

استفاده از کلیپس زیر حجاب (روسری، شال و ...)

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

برحمتک استجیر: سلام بر شما ای سید و مولای من...

من در عرصه شغلم به‌عنوان یک معلم زن سوالات بسیاری دارم که با آنها درگیر هستم... و امیدوارم از شما به پاسخ این سوالات برسم، آقای من...
۱. گاهی دانش‌آموزان دختر لباس‌هایی می‌پوشند که مطابق قانون نیست و بعد از

بارها تنبیه این لباس‌ها و چیزهای دیگر مثل کلیپس‌های بزرگ مو و دستبند را از آن‌ها می‌گیریم. آیا از بین بردن آن‌ها جایز است؟ یا باید به دانش‌آموز یا ولی او تحویل داده شود؟ و اگر این وسایل زمان زیادی باقی بماند و دانش‌آموز از مدرسه برود با آن‌ها چه باید بکنیم؟ تکلیف وسایلی که قبلاً از بین رفته است چیست؟ آیا ما باید به این دانش‌آموزان بازگردانیم و ذمه خود را بری کنیم؟

۲. آیا استفاده از کلیپس‌های بزرگ مو زیر روسری که موجب بزرگ شدن سر و شبیه شدن آن به دو سر یا شتر دو کوهان می‌شود جایز است یا مکروه؟ یا کاری حرام است؟ مولای من، شما و تمامی دوستدارانت همیشه تندرست باشید...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. چون اینها وسایل شخصی دانش‌آموز است به او بازگردانده شود؛ اما در خصوص گذشته، از آنجا که مسائل ساده و گسترده‌ای را در برمی‌گیرد احتیاجی نیست آنچه از بین رفته، بازگردانده شود؛ اگرچه بهتر است عین یا مبلغشان صدقه داده شود.

استفاده از چیزی در موها حتی اگر حجاب را برجسته کند مباح است و حرام نیست. به‌طور کلی دین زن را تشویق می‌کند که به زینت خود در چهارچوب خانه و برای شوهرش اهتمام داشته باشد؛ چراکه این کار سبب بسیار مهمی برای حفظ خانواده و بازداشتن شوهر از فکر کردن به غیر همسرش (پناه بر خدا) است.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۶:

امیر الشمری: ما چرا باید تظاهرات کنیم، وقتی خودمان مسبب این نابسامانی‌ها هستیم؟! خود ما این حاکمان را انتخاب کردیم. هرکدام از ما افرادی را که از قوم و قبیله‌اش هستند انتخاب کرده است و من اولین کسی هستم که به این مطلب اعتراف می‌کنم.

من خودم از طایفه خودم انتخاب کردم. هرچند قسم خوردن درست نباشد، ولی به خداوند قسم که مقصر اول و آخر، همه ما هستیم.

به فرض که ما حکومت را برانداختیم و دوباره انتخابات برگزار شد؛ به نظر شما نامزدهایی از افراد مستقل که به هیچ حزب و گروهی وابسته نباشند یا تکنوکرات‌ها را انتخاب می‌کنیم؟

نه. به خدا که همچون گذشته نامزدهای حزب یا طائفه خود را انتخاب می‌کنیم. خلاصه عرض می‌کنم: عیب از خودمان است. خود ما آن‌ها را بر سر کار آوردیم؛ پس ما باید توانش را پس بدهیم.

در آخر دعا می‌کنم خداوند متعال اسباب وحدت کلمه و همبستگی ما را فراهم سازد و بدانیم که ما مثل برادر در کنار هم زندگی کردیم، یک پروردگار داریم، یک پیامبر، یک پیشوا و یک امام.

و از خداوند متعال خواستاریم فرج امام ما قائم آل محمد را تعجیل فرماید.

پول و احزاب حکومتی بر انتخابات تسلط دارند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. انتخابات تحت سیطره ثروت، احزاب مسلط و دولت‌های دیگر است و در نتیجه هیچ انتخابات جدیدی، تغییر ارزشمندی ایجاد نخواهد کرد.

در ادامه، مبحث یا گفتاری بسیار کوتاه را که در کتابچه‌ای کوچک به نام «حاکمیت خدا» نوشتم و در سال ۲۰۰۴ چاپ و نشر شد نقل می‌کنم:

«دموکراسی و ثروت

کسی که پولی برای هزینه کردن در تبلیغات، دروغ‌پراکنی، پوشاندن حقایق و اجیر کردن جیره‌خواران و اراذل در اختیار ندارد، جایگاهی هم در دموکراسی ندارد، و این‌گونه است که قدرت ثروت در نظام دموکراسی به‌شکلی غیرطبیعی آشکار می‌شود. احزاب و سازمان‌ها ابتدا به طریقی اموال فقرا و نیازمندان را چپاول می‌کنند و از طبقه کارگر آغاز می‌نمایند.»

تظاهرات یک گام بر راه درست است.

معالجه افکار بد

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

ایهام عدنان: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پدرم! یکی از خواهران از خانواده سنی از سلیمانیه است و او به‌تنهایی اهل بیت (علیهم‌السلام) و یمانی آن‌ها را دوست دارد. او درباره‌ی معالجه وضعیت خودش پرسشی دارد: سؤالش این است که او در طول خواندن نماز و به‌طور خاص خواندن قرآن از افکار بد رنج می‌برد؛ به خصوص هنگام خواندن سوره یس. می‌گوید این حالت به‌قدری شدید است که می‌ترسد قرآن بخواند؛ چون مثلاً افکاری برعکس آیه به سراغش می‌آید.

آیا راهی برای رهایی از این وضعیت وجود دارد؟

ای پدر ما! برای ما استغفار کن که ما خطا کاریم.

التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. خدا را بسیار یاد کن و وقت فراغت را با ذکر پر کن. حتی هنگام کار کردن نیز می‌توانی با ذکر خدا، استغفار، حمد و شکر و تسبیح، ثنا بگویی.

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

اریحیا احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقای من! آیا می‌توان قرآن، دعا یا نماز خواند و به شخص زنده هدیه کرد؟

إسراء احمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.

حکم تعامل با پیشگوها و عمل به تعویذ یا حرز و مسائلی از این قبیل

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

عقیل المنصوری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... آقا و مولای من، قائم آل محمد. از خدا می‌خواهیم توفیق یاری شما را به ما عطا کند و شما را در زمین تمکین فرماید و دشمنانتان را خوار و رسوا سازد. سؤالی راجع به برخی پیشگوها دارم؛ اینکه اقدام به نوشتن آیات یا سوره‌های قرآنی و برخی از طلسم‌ها می‌کنند و ما آن‌ها را پوشانده، زیر سر کودک و حتی بزرگ‌ترها قرار می‌دهیم و این‌ها را به نام «تعویذ یا حرز» می‌شناسیم. سؤال این است که آیا تعامل با این افراد یعنی گرفتن نوشته‌های آن‌ها جایز است؟ با علم به اینکه آن‌ها از انصار نیستند. خداوند هدایتشان کند. از خدا می‌خواهم با جواب و پاسخ از طرف شما بر ما منت بگذارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر آنچه را که روی برگه‌ای که از او می‌گیری نوشته شده، می‌شناسی و می‌دانی قرآن یا دعاست اشکالی ندارد؛ اما در صورت ندانستن، بهتر است از آن پرهیز کنی. به‌طور کلی بهتر است حرز یا قرآن یا دعا توسط مؤمن نوشته شود.

فراموش کردن نذر

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

فاطمه حسینی: سلام بر شما ای سید من. سؤالی درباره نذر دارم. اگر چندین نذر داشته، ولی فراموش کرده باشم باید چه کار کنم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

اگر به‌طور کامل فراموش کنی چیزی بر عهده‌ات نیست، و در صورت یادآوری برخی از جزئیات، به آنچه به یاد می‌آوری و آنچه منجر به اطمینان یافتن از وفای نذر می‌شود وفا کن.

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

نسمة العامری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای امام قائم ما.

در غرب از افزودنی‌های حاصل از منشأ حیوانی برای غذاها استفاده می‌شود. این مواد در کیک‌ها، نان و کلوچه‌ها، شیرینی‌جات و موارد بسیار دیگری استفاده می‌شود. این مواد با شماره‌هایی که به E-numbers معروف هستند شناخته می‌شوند. به‌عنوان مثال این ماده:

E۴۷۱ Mono- and diglycerids

Origin: Synthetic fats, produced from glycerol and natural fatty acids, mainly from plant origin, but also fats of animal origin

و این ماده:

E۴۰۲ polyphosphate

Phosphate in Europe is also obtained from animal bones

و ده‌ها نوع دیگر از ترکیبات و افزودنه‌هایی که از منشأ حیوانی گرفته شده‌اند. آیا این‌ها حرام هستند؟
ارادتمند و سلام خالص ما / انصار خدا از دانمارک.

حکم مواد از نظر نجس بودن پس از انجام فرایند شیمیایی

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در استفاده از هر ماده‌ای که ماحصل فرایندهای شیمیایی باشد - از نظر نجس بودن - اشکالی وجود ندارد؛ بنابراین حتی اگر اصل و منشأ این مواد از عامل نجس بوده باشد (مثل خوک، مردار، شراب، مست‌کننده و ...) پاک محسوب می‌شوند.

پی‌نوشت / ۱۶ جولای ۲۰۱۶:

احمد آلبو حسن: سلام بر شما ای سید کریم ما. خداوند شما را یاری پیروزمندانه عطا فرماید...

پسرتان در شرف ازدواج است و از شما تمنا داریم او را با دعای کریمانه‌تان برکت دهید. همچنین از شما درخواست می‌کنم دعای خود را شامل دخترتان که ان‌شاءالله با او وصلت خواهیم کرد نیز بفرمایید؛ به‌خصوص اینکه او شما را خیلی دوست دارد و از

خانواده‌ای شریف است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. از خدای سبحان می‌خواهم به فضل و منت خویش برای شما و با شما مبارک گرداند.

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

احمد احمد: سلام بر شما ای سید و مولای من. آیا شرکت در تظاهرات در میدان التحرير توسط انصار، ارتباطی به حوادث ترکیه و فرانسه دارد...؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. تظاهرات برای مطالبه حقوق عراقی‌های مظلوم است و ان‌شاءالله منجر به خیر خواهد شد.

وسایل آرایش موقت برای زن

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

نور الیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید عزیز ما. از خدا می‌خواهم خودت و خانواده‌ات در خیر و عافیت باشی و از خدا می‌خواهم ما را در دنیا و آخرت از شما محروم نگرداند. ای سید ما! پرسشی دارم که امیدوارم تفضل فرموده، پاسخ دهید: پرسش: آیا جایز است زن روی دستانش حنا بگذارد و با آن از خانه خارج شود؟ (یعنی نامحرم آن را می‌بیند. آیا این کار جایز است یا زینت به شمار می‌رود؟) در حالی که ازدواج کرده است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در حال حاضر وسایل بسیاری وجود دارد که زن می‌تواند با آن‌ها برای شوهرش آرایش کند و موقتی هستند و می‌توان هنگام بیرون رفتن از خانه آن را پاک کرد.

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

غالب ابو احمد سعیدی: سلام بر شما، سید و مولای من. احمدالحسن، سلام پدر و مادر و برادرانم را به شما می‌رسانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، غالب سعیدی، خداوند تو را زنده بدارد. سلام مرا به پدر و مادرت -خدا حفظشان کند- و به همه برادران برسان. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید. مرا از دعای خود فراموش نکنید.

جمع بین اطاعت خداوند و رفتار نیکو با پدر

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

مصطفی حمید: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقا و مولای من، قائم آل محمد (علیهم‌السلام)!... امروز پدرم با من درباره شرکت کردنم در تظاهرات صحبت کرد و گفت: اگر به تظاهرات بروی بعد از آن نه من تو را می‌شناسم و نه تو مرا می‌شناسی. به او گفتم: از همین لحظه نه من تو را می‌شناسم و نه تو مرا می‌شناسی، و از خانه خارج شدم. او پشت سرم آمد و مرا به خانه برگرداند. مولای من! به خدا قسم نمی‌دانم چه کنم. خانواده‌ام از انصار نیستند و با من در تمام کارهایی که انجام می‌دهم مخالفت می‌کنند؛ زیرا می‌دانند من از انصار هستم. گاهی از کاری که برای دعوت انجام می‌دهم مطلع می‌شوند و با من مخالفت می‌کنند. نمی‌دانم با آنان چه کنم؟ همین که می‌خواهم برای دعوت کاری انجام دهم آن‌ها با من درگیر می‌شوند و به دنبال آن من هم با آنان درگیر می‌شوم. مشکلات بین ما ادامه دارد. به من می‌گویند پس اطاعت از والدین چه می‌شود؟ مولای من! آیا کاری که انجام می‌دهم درست است یا غلط؟ آیا موجب رضایت شماست یا نه؟ و چطور با آنان رفتار کنم؟ خداوند به شما توفیق دهد و امورتان را آسان فرماید؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. قطعاً پدرت با این دید که تو پاره تنش هستی به تو می‌نگرد. او تو را دوست دارد؛ چه بسا بیش از خودش دوست داشته باشد. با توجه به این واقعیت‌ها با او به نرمی رفتار کن و با او با درستی و

سنگدلی رفتار نکن. خداوند توفیقت دهد! پدری که طیب و نیکوست شایسته رفتار سنگدلانه از سوی فرزندانش نیست. سعی کن با تمام نیکی و محبت، اطاعت از خداوند و رفتار با والدینت را یکجا گرد آوری. از خداوند می‌خواهم آنان را هدایت کند و حق را به آنان بشناساند و آن‌ها یاوران تو باشند.

مرا از دعایت فراموش نکن. خداوند توفیقت دهد!

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

Esrafil Esrafil: سلام بر شما ای دعوت‌کننده خدا

آقای من!

برای ایرانی‌ها دعا کنید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را حفظ کرده، از شر ظالمان نگه دارد.

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

ایمانیه الهوی: سلام و رحمت خداوند بر شما.

ای پدرم! من اکنون در قم هستم و نزدیک سیده خواهر امام رضا علیه السلام ان‌شاءالله برایتان دعا می‌کنم. به نیابت از شما به او سلام می‌دهم و در محضرش برای شما، دعا می‌کنم و از خدا می‌خواهم به حق شما از من بپذیرد. من جز محبت شما آل محمد آبرویی ندارم که با آن در برابر خدا بایستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. خداوند به شما جزای خیر دهد و از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان فرماید.

پیش از فرود حضرت آدم علیه السلام حجت در زمین چه کسی بود؟

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

شهد التیمی: سلام و رحمت خداوند بر تو ای سید من.

ای پدر عزیز سؤالی دارم،

در یکی از پاسخ‌هایتان فرموده‌اید:

«مثل امام همانند بند ناف کشیده‌شده از آسمان به زمین است که فیض الهی را به زمین منتقل می‌کند: "به وسیله آن‌ها روزی می‌خورید و به وسیله آن‌ها باران بر شما می‌بارد."

او ریسمان استوار الهی و ستون نور نازل شده از آسمان بر زمین است. اگر او نباشد زمین اهلش را می‌بلعد؛ یعنی نور الهی به زمین نمی‌رسد و در نتیجه زمین متلاشی می‌شود و خود و اهلش به عدم بازمی‌گردند؛ از همین رو نمی‌توان بزرگی و عظمت فضل حجت بر تمام خلائق را وصف نمود.»^۱

پیش از فرود آدم (علیه السلام) وضعیت به چه صورت بود، در حالی که زمین وجود داشت و خلقی نیز بر آن بودند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

موضوع مربوط به وجود آن‌ها (صلوات خدا بر آنان) است که همچون نوری واسطه در خلق هستند و دوام بقای خلق به این نور وابسته است. این وضعیت، پیش از خلقت نفس آدم و پیش از اینکه نفس او به این زمین هیبوط کند وجود داشته است. پیش‌تر این مطلب را بیان کرده‌ام و شما می‌توانی به کتاب عقاید اسلام مراجعه کرده، معنای این آیات را بخوانی:

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (و آسمان را با دست‌ها برافراشتیم، و بی‌گمان ما گسترش دهنده‌ایم).^۲

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾ (آیا ندیده‌اند که ما با آنچه دست‌هایمان به انجام رسانده‌اند برای اینان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالکشان

^۱. متشابهات، ج ۲، س ۲۹.

^۲. [ذاریات: ۴۷]

باشند؟^۱

حکم خوردن پروتئین‌ها و هورمون‌ها

پی‌نوشت / ۱۹ جولای ۲۰۱۶:

Moslem Daliri: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، امام احمدالحسن (علیه السلام) روحم به فدای شما. سؤالی دارم. من -و به خدا پناه می‌برم از من- برای پرورش اندام به باشگاه می‌روم و در این باشگاه مکمل‌های غذایی پروتئینی، هورمون و چیزهای دیگر وجود دارد. آیا این مواد حلال هستند یا حرام؟ آیا می‌توانم این پروتئین‌ها را مصرف کنم. خواهش می‌کنم به سؤال بنده پاسخ دهید.

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين الطيبين الطاهرين و سلم تسليما.

مسلم ابو امجد اليماني طالقان، شعار ما احمد احمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بخرد.

در خوردن پروتئین خالص و همین‌طور هورمون اشکالی وجود ندارد؛ ولی باید از مصرف هورمون دوری کرد و مصرف آن باید در چهارچوب دستور العمل پزشک قابل اعتماد باشد.

*** **

پذیرفتن استعفای شش وزیر توسط حیدر العبادی، گامی مثبت

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

^۱[پس: ۷۱].

اقدام دکتر حیدر العبادی برای پذیرفتن استعفا یا عزل شش نفر از وزیران حکومت احزاب که کشور را ویران کرده‌اند، گامی مثبت و خوب ارزیابی می‌کنیم. این اقدام از آنجا که یک خواسته عمومی مردم را اجابت کرده است به نفع او به حساب می‌آید.

طبیعتاً این در صورتی خواهد بود که موجب شود او وزیران (و وکلا و مدیران و ...) کارآمد و مستقلی تعیین کند، به خصوص وزارت کشور؛ زیرا وزارت کشور، با آزادی و زندگی هر فرد عراقی در ارتباط است و در صورت وجود اشخاصی نامتخصص که خبرگی کافی نداشته باشند و اساساً حزب‌گرا باشند، ناکامی و قتل و ظلم و ستم به شکل غالب و مسلط بر کشور- باقی خواهد ماند.

آنچه ما می‌خواهیم ادامه تظاهرات است؛ زیرا خواسته ما محقق شدن کمترین حد از حقوق انسان - یعنی حق زندگی با کرامت- است.

نکته: مقصود ما از کارآمد بودن: یعنی کمترین میزان تخصص علمی که لازم است یک شخص داشته باشد و نزد عقلا در عرصه عملی از تجربه کاری کافی برخوردار باشد؛ تجربه‌ای که موجب به انجام رسیدن تکلیف او گردد و منظورم این نیست که معلم یا استاد دانشگاه یا مانند آن باشد.

و مقصود ما از مستقل: شخصی است که ثابت نشده باشد به یک حزب معین وابسته یا زیر بیرق آن حزب قرار گرفته است.



پی‌نوشت / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

Masar M-h: شکر خدایی را که با تو بر ما منت نهاد ای آقای من، احمدالحسن
Ahmed Alhasan. از خدا می‌خواهم شما را حفظ فرماید.

ای نور دیدگانم سؤالی دارم*

«درباره پوشیدن شال کمری به شکل چادر- هنگام زیارت اماکن مقدس»: مولای
من، آیا پوشیدن آن جایز است؟

چون هنگام وارد شدن به محل تفتیش، مانع از پوشیدن آن می‌شوند؛ علی‌رغم اینکه
این لباس، پوششی مثل چادر است و فقط رنگش فرق می‌کند و تیره‌رنگ است.
التماس دعا... دختر شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. پوشیدن چادر، عبا یا
هر چیزی بیش از حجاب طبیعی شرعی واجب نیست، و الزامی کردن پوشیدن چادر
هنگام زیارت اماکن مقدس رفتاری است نادرست و چه بسا گاهی ضررش بیش از نفعش
است.

Bent Al Yamani: آری ای مولای من، در اماکن مقدس حتی جوراب نازک را هم
قبول نمی‌کنند و به ما اجازه ورود نمی‌دهند، مگر پس از عوض کردن آن با جوراب ضخیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

برای تغییر دادن آنچه حاکمان بر این اماکن مقدس واجب می‌کنند، فعلاً کاری از
دست من بر نمی‌آید. آن‌ها قوانین را طبق نظر خود واجب می‌کنند؛ گرچه واقعاً محدود و
سخت‌گیرانه بوده باشد.

پی‌نوشت / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

Muhammad Fadil: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

آقا و مولای من، خداوند تو را زنده بدارد.

سؤالی است که از طرف افراد بسیاری مطرح می‌شود و این‌ها غیر از کسانی هستند که
این پرسش در درونشان هست ولی مطرح نمی‌کنند... پرسش: آیا افراد جایگزین «برای

کسانی که امروز حکومت می‌کنند» وجود دارد؟ مثلاً برخی می‌گویند «جعفر پسر محمد باقر صدر». آیا دست کم یک یا دو اسم دیگر وجود دارد که معروف به پاکی و وطن دوستی باشند به آن صورتی که عده‌ای عنوان می‌کنند و می‌توان برای حکومت تکنوکرات، آن‌ها را نامزد کرد؟

مولای من، نیازمند دعای شما هستیم.

بسیاری افراد می‌توانند بر جعفر صدر به‌عنوان کاندیدای مستقل اتفاق نظر داشته باشند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیزم، خداوند تو را زنده بدارد. قطعاً عراقی‌های کارآمد و مستقل بسیاری وجود دارند و مسئله، فقط یک یا دو شخص نیست تا من آن‌ها را در اینجا برای شما نام ببرم؛ ولی نکته در اینجاست که آیا ممکن است احزاب دینی و سیاسی آن‌ها را بپذیرند و... و... و... یا دست کم آیا یکی از آن‌ها از مقبولیت ملی تا آن حدی برخوردار است که منجر شود به اینکه نپذیرفتنش برای آن‌ها دشوار گردد! به نظر من پاسخ روشن است.

اما درباره سید جعفر صدر به‌عنوان کاندیدای مستقل برای اداره حکومت عراق، بنده اعتقاد دارم بسیاری از ملت عراق می‌توانند بر او اتفاق نظر داشته باشند، و به این ترتیب دست کم نگاه مردمی کلی وجود خواهد داشت که هر آدم درمانده‌ای سوار بر حکومت شد؛ پس چه اشکالی دارد اگر پسر سید محمد باقر صدر نیز تجربه شود؛ کسی که حزب دعوت، مجلس، بدر، محمد باقر صدر و جناح او - که امروز سید مقتدی صدر آن را رهبری می‌کند - و دیگرانی که به منسوب بودن به او از نظر اندیشه افتخار می‌کنند یا دست کم او را به‌عنوان نمادی که برخوردار از محبت و احترام است به حساب می‌آورند.

پی‌نوشت / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

Mujtaba Matham: آقای من، احمدالحسن! من ۱۴ سال دارم و از انصار هستم و

انشاءالله تا دم مرگ، جزو انصار باقی خواهم ماند.

امیدوارم پاسخ دهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را به خیر آخرت و دنیایت موفق گرداند.

پی‌نوشت / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

ابوعلی سمیر: استاد شما خیلی خوش‌بین هستید! مگر نه این است که وزارت کشور سهم حزب بدر است؟! یا من اشتباه می‌کنم؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. مسئله، شخص خوش‌بین یا بدبین نیست؛ مسئله مربوط به قبل از استعفا یا عزل وزیران است و ما از او می‌خواهیم افراد کارآمد مستقل را به جای آن‌ها بگمارد و نیز معاونین وزارتخانه‌ها و مدیران کل. قطعاً این درخواست ما به معنای توقع برای اجرایی شدن نیست؛ بلکه یک اعلام نظر نیز محسوب می‌شود.

حکم نماز و روزه در صورتی که از واجب بودن غسل واجب آگاه نبوده باشد

پی‌نوشت / ۲۰ جولای ۲۰۱۶:

احمد علی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من. یک سؤال شرعی دارم: اینکه وقتی شخصی غسل واجبی بر عهده دارد، اما حکم را نمی‌داند و علم به وجوب غسل ندارد و به این ترتیب غسل نکرده، نماز می‌خوانده و روزه می‌گرفته است، حکم نماز و روزه‌اش چیست؟! آیا واجب است قضا کند؟ و اگر قضا بر او واجب است و تعداد روزهای روزه یا تعداد نمازهایی که از او خواسته می‌شود را نمی‌داند باید چه کار کند؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پرسش‌های شما در «شرايع»^۱ پاسخ داده شده است و نیز در این کتاب مسائل فقهی بسیاری نیز پاسخ داده شده است و شما می‌توانی در سایت رسمی از آن آگاه شوی یا می‌توانی سؤالاتی را که قبلاً پاسخ داده شده است از مکتب پرسی؛ بر عهده آن‌هاست که به صورت تلفنی پاسخ سؤالات فقهی را بدهند. به طور کلی هر زمان که طهارت نباشد نماز باطل می‌شود. وضعیت در خصوص روزه وقتی طهارت در آن شرط باشد نیز به همین صورت است. در صورتی که شخص از تعداد آگاهی نداشته باشد آن قدر قضا می‌کند تا از قضا کردن اطمینان حاصل شود.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

Zainab Ahmed: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، پدرم عزیزم. باید پیامی خصوصی برای شما بفرستم. چه راهی برای این منظور وجود دارد؟ از خدا می‌خواهیم با پاسخ دادن بر ما منت بگذارید؛ زیرا شما اهل جود و کرم هستید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اگر پیام خاصی داری می‌توانی آن را از طریق مکتب در نجف یا دکتر علاء سالم یا دکتر توفیق برسانی.

دوری‌گزیدن از بدکار و ستمکار در دوران کنونی

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

Ya Saheb Elmar: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای مولای کریم من، ای پدر مهربان! پرسشی دارم: اینجا در ایران وضعیت امنیت واقعاً خسته‌کننده است و شما خود به این مطلب آگاهید. ما در حین تبلیغ یا نشر دعوت به هر طریقی که خدا بخواهد با کسانی مواجه می‌شویم که برای حکومت طاغوت کار می‌کنند و به ما خبر می‌رسد که این اشخاص اخبار را به حکومت می‌رسانند و حکومت را برای مقابله با ما تحریک می‌کنند. ما

^۱ ترجمه فارسی: احکام نورانی اسلام.

این مزدوران را می‌شناسیم و آن‌ها در کنار ما زندگی می‌کنند. سؤال بنده این است که آیا می‌توانیم آن‌ها را تهدید کنیم؟! مثلاً وقتی حادثه‌ای از طرف حکومت برای ما رخ بدهد چنین و چنان کنیم؛ اما اکنون -مولای من- ما به‌خاطر وجود ترس و ارباب چنین نمی‌کنیم. بارالها! احمد و انصارش را حفظ بفرما و مرا از انصارش قرار بده، ای پروردگار!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. در این دوران کافی است از بدکار و ستمگر دوری گزینید و خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ پس نهراسید و غمگین نباشید اگر از مؤمنان هستید. شما بالاترید و خداوند شما را پیروزمندانه یاری می‌کند و کسی را که شما را آزار می‌دهد و بر شما ستم روا می‌دارد رسوا خواهد ساخت، و فرجام کار آنان خسران در دنیا و آخرت است.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

احمد الخلیجی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما Ahmed Alhasan احمدالحسن. خداوند تو را یاری کند و عزت بخشد. تعدادی از مردان و زنان مؤمن پیام مخصوصی برای شما به من فرستاده‌اند و نمی‌دانم چگونه به دست شما برسد؛ مگر اینکه پروردگار بندگان پیام‌ها را برانگیزد و به تو -ای پسر رسول خدا- برساند. بسیار عذرخواهم که وقت شما را می‌گیرم. من یقین دارم که مشغله‌ها و کارهای شما بسیار است، اما نتوانستم خواسته این برادران را نادیده بگیرم؛ خداوند توفیقشان دهد. سلام من به تو ای حبیب من، نور دیدگانم و امام من و نیز به خانواده بزرگوارت ... احمد الخلیجی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر می‌خواهی پیامی را برسانی می‌توانی از طریق مکتب یا دکتر علاء یا دکتر توفیق برسانی.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

Mohaiman Fadel: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای اهل بیت رحمت و

نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت!

مولا و آقای من، از خدا می‌خواهم به‌زودی زود برایتان تمکین دهد و فتح مبین را برایت بگشاید، به حق محمد و آل محمد (علیهم‌السلام).

مولا و آقای من، آیا می‌توانم وضعیت خاصی را به دکتر توفیق یا دکتر علاء بفرستم؟ با تشکر و قدرشناسی بسیار.

مولا و آقای من، چرا خداوند سبحان حروف علم و معرفت را «حروف» نامیده است؟ چه چیزی از عبارت «حروف» قصد شده است و چرا اسم دیگری ندارد؟ با تشکر و قدرشناسی بسیار.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. می‌توانی چنین کنی، ان شاء الله.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

حسن الانصاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

از خدا می‌خواهیم به ما توفیق یاری‌رساندن به شما را عطا فرماید و ثابت‌قدم‌بودن بر ولایت شما را روزی ما بگردانند... مولای من، به دعوت ایمان آوردم و از شما خواستار دعا برای ثبات قدم و نیز دعا برای مادرم هستم که روز ۲۷ رمضان به رحمت خداوند منتقل شد. پس ای کریم و ای پسر کریمان، با دعای خود بر ما تفضل فرما... ان شاء الله باطل نابودشدنی است... و حق استوار می‌گردد.

خدایا ما را از ثابت‌قدمان بر ولایت ائمه و مهدیون (علیهم‌السلام) قرار بده!

تمنا می‌کنم سلامم را بخوانید....

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. ثابت‌بودن تو بر حق را از خدا خواستارم و اینکه خیر آخرت و دنیا را روزی فرماید.

صبر بر آزار و اذیت و رفتار نیکو با خانواده

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

سید حیدر طباطبایی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. مولای من، آقای من، پدر بزرگوار و نور دیدگانم... سید عزیز، سؤالی دارم و امیدوارم با پاسخ دادن، مورد ملاحظت قرار دهید؛ چرا که شما -ای آل محمد- کریم هستید. صلوات و سلام خدا بر شما. من و برادرم سید حسین طباطبایی از کسانی هستیم که خداوند سبحان و متعال با ایمان به این دعوت مبارک بر آنان منت نهاده است. ما در منطقه خود مورد هجومه قرار گرفته‌ایم و اکنون از ناحیه پدر و برادر تحت فشار هستیم؛ چون آن‌ها به این دعوت شریف ایمان ندارند. پدرم فقیر است ولی کسی که او را تحریک می‌کند برادر بزرگتر ماست؛ او هم اقدام به تهدید ما به بیرون کردن از خانه می‌کند. برادرم سید حسین گاهی اعصابش به هم می‌ریزد و می‌ترسم کار به جاهایی کشیده شود که فرجامش خوب نیست. ما باید چه کار کنیم؟! از خدای عزوجل می‌خواهیم با عطای شما بر ما منت بگذارد. شما امر می‌فرمایید، و بر عهده ما نیست جز شنیدن و اطاعت کردن. از طولانی کردن سخن عذرخواهم. التماس دعا از محضرتان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. صبر داشته باشید و با آن‌ها به نیکی رفتار کنید. اگر واقعاً می‌خواهد شما را از خانه بیرون کند -ان شاء الله- درهای هزاران خانه از برادرانتان به رویتان گشوده خواهد شد. به طور کلی می‌توانی با برادرانتان در مکتب ارتباط برقرار کنید و ان شاء الله آن‌ها در خدمت شما خواهند بود.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

قادر محسن حمیدی: علیکم السلام، سرورم. خداوند یاری‌دهنده اهل عراق باشد. عراق، عراق همه ماست. ما همان اهل طالقان هستیم. مولای من، ای کاش امر می‌کردید تا بر ضد فاسدان و خیانت‌کارانی که ما و همه انصار طالقان را زجر می‌دهند تظاهرات بر پا می‌کردیم. ترس و وحشتی که این‌ها در دل خانواده‌های انصار ایجاد می‌کنند بدتر از وحشت وارد شدن داعش بر ماست.

ولی نه، به خدا و به اذن خدا، این چنین نخواهد شد. لبیک ای «احمد احمد»، ای

یاری شده، سلام بر تو و بر پدرت و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. خداوند شما را در برابر ظلم هرکسی که از خدا نمی ترسد یاری کند. این از رحمت خداوند است بر شما؛ شما را مبتلا می کند تا پاداش یابید و مقامتان را نزد خود و در ملاً اعلایش بالا ببرد. صبر کنید و مواظبت داشته باشید که ان شاء الله شما بالاتر هستید. با نیروی خداوند به زودی یاری خواهید شد.

روش درست برای رساندن حق

پی نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

Farhan Azmi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، سید و مولای من! سؤالی دارم که به نحوه تبلیغ در مالزی مربوط می شود. در مالزی بهترین روشی که دشمنان دعوت مبارک یمانی موعود (علیه السلام) برای دور کردن مردم از ایمان به دعوت مبارک به کار می گیرند این است که به مردم می گویند انصار یمانی (علیه السلام) از شیعیان هستند و عموم مردم واقعاً از این کلمه وحشت دارند؛ بنابراین اگر مردم با ما ارتباط پیدا کنند با این روش ما را بد جلوه می دهند و مردم را از ما دور می کنند. به همین دلیل ما همواره می گوییم ما انصار امام مهدی (علیه السلام) هستیم و شیعه نیستیم؛ اما گفتن این مطلب برایمان سنگین است؛ چرا که مذهب ما تشیع است و ما نمی توانیم آن را انکار کنیم و مردم به سادگی به آن پی خواهند برد. مولای من! این طور که فهمیده ام انصار، دوست دار اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ زیرا آن ها به همه حجت های الهی از اولین تا آخرینشان ایمان دارند. بفرمایید موضع گیری صحیح ما در برابر این جامعه چگونه باید باشد؟ آیا بگوییم ما شیعه هستیم ولی مثل سایر شیعیان امروزی نیستیم؟ یا بگوییم ما انصار امام مهدی (علیه السلام) هستیم و شیعه نیستیم؟ چه کار کنیم و راه بهتر و صحیح تر چیست، ای آقای من؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. روش درست و بهتر این است که شما جزواتی داشته باشید که به طور خلاصه عقیده صحیح را برای مردم جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید توضیح دهد. با این روش، شما به هر انسانی که رغبتی به حق دارد اجازه می‌دهید عقیده حق را مطالعه کند، بفهمد و بشناسد. مرا از دعایت فراموش نکن، و از خداوند می‌خواهم شما را محفوظ بدارد و یاری شکست‌ناپذیر به شما بدهد و از فضل و منت خودش شما را گشایشی آشکار عنایت فرماید.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

Eslandar Terziev: اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم

تسلیم کنی.

آقای من، من اخیراً اسلام را پذیرفته‌ام. جایی که من زندگی می‌کنم شیعه وجود ندارد و نمی‌دانم چگونه همسر پیدا کنم. آیا می‌توانی به من نصیحتی بفرمایی؟ به خاطر قواعد زبان بخشش. من مترجم استفاده می‌کنم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. می‌توانی با برادراتان در مکتب یا مُمثل مکتب در سرزمینتان ارتباط برقرار کنی و ان‌شاءالله در هیچ چیز برای تو کوتاهی نخواهند کرد و هر کمک ممکن را تقدیم خواهند نمود.

پی‌نوشت / ۲۱ جولای ۲۰۱۶:

ام‌ضرغام احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پدر عزیزم... آقای من، در ابتدای ورودم به دعوت مبارک، درباره مشکل که مرا بی‌خواب کرده بود پیامی برای شما فرستادم و پاسخ شریف شما وعده کمک در این مشکل بود؛ ولی این مشکل هنوز هم سالیان طولانی است که تا هم‌اکنون ادامه دارد. خدا را بسیار خواندم و اعمال بسیاری از اهل بیت برای تقرب به خدا و رفع این بلا انجام دادم و نمی‌دانم به دلیل کدامین گناه در این مشکل گرفتار شده‌ام. امیدوارم شما چیزی بفرمایید تا

برای رفع این بلا انجام بدهم؛ چون بر من بسیار سخت شده است. آقای من، از تقصیرم در حق شما عذر می‌خواهم و پناهی جز شما -ای آقای من- ندارم. امیدوارم در صورت امکان پاسخ دهید... آقای من، می‌خواهم پیام خاصی به شما ارسال کنم؛ امیدوارم چنین اجازه‌ای به من بدهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. آری می‌توانی، ان شاء الله.

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

آقای من، می‌خواهم شما را بشارت بدهم و حال اینکه شما خود به آن آگاه‌ترید؛ جانم به فدای شما!

به شما می‌گویم که روزگار اینان به سر آمده، به حق علی -صلوات خدا بر او- قسم و غم و غصه آن‌ها برچیده می‌شود.

گفتم عجله نکنم؛ سبحان الله! لیوان چای نزدیکم بود و بدون اینکه متوجه باشم پایم به آن برخورد کرد و ریخت. دلشاد شدم و گفتم غم و غصه‌هایشان به پایان می‌رسد و خدا به شما تمکین می‌دهد.

الآن نزد حضرت عباس و برادرش امام حسین (علیه السلام) هستم و به نیابت از شما به آن‌ها سلام کردم؛ جانم به فدای شما!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند برای زیارتت پاداش خیر عطا فرماید. از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات گرداند.

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

شیخ عدنان عاصمی الیمانی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، ای سید عزیز ما! آری تو همیشه قصد نجاتشان را داری و اینکه فقیران در دولتی کریم زندگی کنند و بیوه‌ها و یتیمان برای زندگی خود با عزت و کرامت پناهی بیابند و گرسنگان روزی حلالی را که خداوند برایشان تقسیم کرده است به‌دور از این سارقان متقلب غاصب صفت «اصلاح‌گر»

بیابند. خداوند تو و همه مردان و زنان مؤمن را حفظ فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شیخ عدنان العاصمی، خداوند تو را زنده بدارد و بهترین پاداش نیکوکاران را عطایت فرماید.

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

وسام الوائلی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقا و مولای من! بعضی از برادران معتقدند قراردادن تصویر یک شخص در تظاهرات و راهپیمایی‌ها برخاسته از منیت و امتحان الهی است، و برخی دیگر معتقدند این کار باعث یاری مظلوم می‌شود، و عده‌ای دیگر می‌گویند هر طور که خدا بخواهد و هرچه از خدا باشد خیر است و خدا را شکر. کدام صحیح است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اعمال تنها بر اساس نیت سنجیده می‌شود و ما حَصَلِ هرکس هرآنچه است که نیت کرده.

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

ولید العبدی: سلام بر تو ای قائم آل‌البیت، سلام بر تو و پدرانت و پسرانت، مهدیون پاک طاهر.

آقای من، بنده یک ارتشی زمین‌گیر، و دچار قطعی عضو از ناحیه پای راست پایین‌تر از مفصل مچ پا هستم؛ یعنی روی مفصل پا حرکت می‌کنم؛ اما پزشکی که مرا مورد عمل جراحی قرار داده آن را مقداری اصلاح کرده است تا هنگام راه رفتن اذیتم نکند؛ یعنی استخوان مچ پایم را تغییر داده و آن را از وضعیت عمودی به افقی تغییر شکل داده است تا راه‌رفتن روی مفصل برابم راحت شود. در کتاب «احکام نورانی اسلام» در فصل وضو در

توضیح مسح پای که دچار قطع عضو است خواندم اگر «کعب»^۱ نداشته باشد آن پا را مسح نکند، و من طبق آنچه خواندم عمل کردم؛ اما از آن روز تا حالا در حیرتم که آیا مشمول این حکم شرعی هستم یا نه؟

از خداوند سبحان و شما درخواست یاری می‌کنم ای آقای من. مرا راهنمایی بفرما تا از این شک‌هایی که همیشه هنگام وضوگرفتن درگیرم می‌کنند رها شوم. خداوند شما را از محمد و آل محمد ائمه و مهدیون، پاداش خیر دهد. آقای من، تشکر می‌کنم. از خداوند سبحان می‌خواهم شما را برای رهاسدن ستمدیدگان، در زمین تمکین دهد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. التماس دعا از شما. با تشکر.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. طبق آنچه در کتاب «شرایع اسلام» آمده، عمل کن و شک و تردید نداشته باش: «اگر قسمتی از پا که باید مسح شود قطع شده باشد باید باقی‌مانده آن مسح شود؛ ولی اگر پا از «کعب» قطع شده باشد، مسح آن ساقط می‌شود.»^۲

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

سید حسین طباطبایی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.
مولای من حالت چطور است؟ مشتاق هستم ای پسر فاطمه زهرا (علیها السلام).

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد، و بهترین پاداش نیکوکاران را از محمد و آل محمد عطایت فرماید.

از تو می‌خواهم پیروانت را اصلاح کنی

^۱. کعب: برآمدگی روی پا، مفصل. (مترجم)

۲ - احکام نورانی اسلام، سید احمدالحسن، ج ۱، کتاب طهارت.

پی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

سید علاء سید نور: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. سید ما، تو خواستار اصلاح دولتِ مبتنی بر خرده‌سنگ‌های حکومت ستمگر هستی و این خواست، حق تو و هر عراقی غیوری است که خواهان اصلاح است. اما من از تو می‌خواهم پیروانت و کسانی را که انصار نامیده می‌شوند اصلاح کنی؛ چون به خدا قسم اگر بر رفتار و اخلاق برخی از آن‌ها مطلع شوی به سرشان قسم نخواهی خورد. خواهش می‌کنم و تمنا دارم به آن‌ها درس اخلاق و رفتار نیکو با دیگران بدهی. بعضی از آن‌ها حتی با افراد خانواده خود هم خوش‌رفتار نیستند. امیدوارم خواسته من بر شما سنگین نباشد. اگر از پیامم آگاه شدی امیدوارم پاسخ بدهی حتی اگر پاسخ به سلامم باشد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تعداد کسانی که ادعای ایمان داشتن به این دعوت را دارند بسیار است و در دولت‌های جهان پراکنده هستند. برخی از آن‌ها صالح‌اند و برخی بدکار، برخی راست‌گو و برخی کذاب. در میانشان افراد پاک شریف وجود دارد و نیز کسانی که ایمان را وسیله عداوت و دشمنی و حيله‌گری و دزدی از دیگران قرار می‌دهند. در میانشان عقیف وجود دارد و نیز شخص زناکار و منحرف اخلاقی؛ مثل دیگر مردمی که در این زمین پراکنده هستند. در خصوص شخص بنده، آن‌ها را نصیحت و جهت‌دهی می‌کنم و حتی بر منحرفان اخلاقی سخت می‌گیرم و محدودیت‌هایی بر رفتارشان قرار می‌دهم. به همین دلیل شما می‌بینی افراد منحرف اخلاقی، دزدها، منحرفان دینی و نفسانی، نفاق خود را علنی کرده، از دعوت حق جدا شده، عداوت و دشمنی خود با حق را علنی کرده‌اند. و اگر شما بر آنچه نوشته‌ام و همیشه می‌نویسم آگاه می‌بودی، می‌دانستی من همواره مردان و زنان مؤمن و دیگران را به پایبندی به اخلاق و خوش‌رفتاری با دیگران نصیحت می‌کنم. به‌طور عمومی -ان‌شاءالله- بیشتر مردان و زنان مؤمن، پاک، آبرومند، خالص،

راست‌گو و خیرخواه مردم هستند و از آنچه خداوند حرام کرده است پرهیز می‌کنند؛ بنابراین بنده حق دارم این افراد را پاک و مطهر بنامم؛ زیرا از آن‌ها خبر دارم و به احوالشان و رفتار پاکشان آگاهم. آن‌ها چه برادران، خواهران و خانواده خوبی برای من هستند!

اما کسی که به دیگران ستم روا می‌دارد -چه این ستم‌دیده همسر باشد چه پسر، پدر، برادر، فامیل یا غریبه- قطعاً این شخص ستمگر به‌مقدار ستمی که روا داشته است از حق دور می‌شود و چه بسا «ظلم و ستم» گاهی موجب بیرون‌رفتن ظالم از حق و حتی دشمنی با حق و علنی کردن عداوت با حق می‌گردد.

یاری دادن دعوت مهدوی و ثبات قدم بر یاری حقیقی، موهبتی است عظیم و عطایی است بزرگ و توفیقی است الهی و از این توفیق بهره‌مند نمی‌شود مگر کسی که صبر پیشه کند، و از این توفیق بهره‌مند نمی‌شود مگر کسانی که از بهره‌ای عظیم برخوردار بوده باشند؛ به همین دلیل غربالی که آل محمد (صلوات خدا بر آنان) بیان فرموده‌اند وجود دارد.

خواستۀ شما بر من سنگین نیست. من از کسانی نیستم که ستایش ستایشگران شادم کند یا نکوهش، غمگینم نماید. بنده شخصاً نکوهش و عیب‌جویی را وسیله‌ای برای ارتقا در همه‌چیز می‌دانم.

ایجاد هیئت شرعی برای دقیق‌کردن قبله در اماکن مقدس

بی‌نوشت / ۲۳ جولای ۲۰۱۶:

Oras Alyamani: سلام و رحمت و برکات خداوند بر احمد وصی. آقای من! فقهای گمراه قبله را تغییر داده و ما را سرگردان کرده‌اند! وقتی به مرقدهای ائمه اطهار می‌رویم با تغییر قبله به‌مقدار تقریباً ۳۰ درجه به‌سمت راست روبه‌رو می‌شویم! وقتی از آن‌ها می‌پرسیم می‌گویند: قبله قدیمی صحیح نبود و مراجع فهمیده‌اند که آن قبله اشتباه بوده است! ما چه کنیم؟ به چه سمتی نماز بخوانیم؟

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. «هیئتی شرعی» برای دقیق کردن قبله در مرقدهای ائمه و اماکن مقدس انتخاب شده‌اند، و ان‌شاءالله خداوند کارهایشان را برای دقیق کردن و اعلان هرگونه خللی در آن - اگر یافت شود- آسان می‌گرداند.

دو نکتهٔ اساسی در پروندهٔ اقتصادی عراق

پی‌نوشت / ۲۴ جولای ۲۰۱۶:

Nazar Alansari: علی الادیب از مجلس نمایندگان می‌خواهد آموزش در عراق رایگان نباشد. آن‌ها می‌خواهند پس از این فساد طولانی که سالیانی است عراقی‌ها نتایج حاصل از آن را تحمل می‌کنند روش «ملا ابوحیه»^۱ را پیاده کنند؛ اما مردم این مرتبه از ابوحیه -که می‌خواهد مردمش در نادانی باقی بمانند تا حقیقت را متوجه نشوند- پیروی نخواهند کرد. ای علی الادیب و ای مجلس نمایندگان و ای حکومت «ابوحیه» -حکومت احزاب- معلم آمده است و می‌گوید مرگ بر شما که فسادتان ما را می‌کشد.

<http://1.facebook.com/l.php?u=http%3A%2F%2Finvalid.invalid%2Fm.youtube.com%2Fwatch%2Ffeature%3Dshare%26%3Dw1Aaj5LTAE&h=UAQF-aogG>

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. گرچه بنده معتقد نیستم این افراد میان روش‌های اقتصادی تمایزی تشخیص بدهند مگر به مقداری ساده و سطحی ولی کسی که گفته‌های صریح آن‌ها و نحوهٔ اداره کردن پروندهٔ اقتصادی توسط آن‌ها را دنبال کند برایش به وضوح آشکار می‌گردد که به‌طور کلی دو نکتهٔ اساسی وجود دارد که عبارت‌اند

۱. این یک ضرب‌المثل است که امام احمدالحسن ع در پیام تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲، داستانش را نقل فرموده

است. (مترجم)

از:

- ۱- سردرگمی آن‌ها و نبود هرگونه نگرش اقتصادی روشن نزد آن‌ها.
- ۲- روش مدیریت سرمایه رادیکالی توسط آن‌ها که گاه تا حد نفرت‌آمیزی پیش می‌رود.

*** **

عمل کردن به آنچه امکان دارد، و با دعا و توکل

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

دعا و توکل بر خدا به معنای آن نیست که عمل به آنچه را که امکان‌پذیر است ترک گوییم.

انسان خدا را فرامی‌خواند تا کارش را آسان فرماید و در عین حال برای رسیدن به غایت خود، عمل می‌کند و از خداوند سبحان انتظار یاری دارد.

کسی که با صدق نیت و اخلاص برای خداوند سبحان، انتظار یاری خدا را دارد حتماً یاری و مدد الهی را در پیش روی خود حاضر می‌یابد.

پس ناگزیر باید هر دو با هم باشند؛ یعنی به آنچه امکان‌پذیر است عمل کنیم و صحیح نیست آنچه را که انجامش ممکن است ترک گوییم. و در همان وقت دعا کنیم و بر خدا توکل نماییم.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيُزِقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (و هرکس از خدا پروا کند [خداوند] برای او راه برون‌رفتی قرار می‌دهد * و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند، و هرکس بر خدا توکل کند او برای وی بس است [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هرکس که بخواهد] می‌رساند؛ به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای

مقرّر فرموده است).^۱



تعبیر رؤیای شخصی که می‌خواهد عروسی کند و در گریبان خود پَر دارد

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

حسین الفیصلی: سلام علیکم

خداوند شما را زنده بدارد

آقای ما، دیروز رؤیای یکی از انصار محکوم به اعدام را دیدم. گویا به خانه ما آمد در حالی که لباس‌های پاکیزه پوشیده بود و در حالی که می‌چرخید و پشتش به من بود گفت: می‌خواهم موهایم را شانه کنی؛ چون امروز روز عروسی من است. تعجب کردم و گفتم تو ازدواج کرده‌ای و کودکی هم داری! چطور امروز روز عروسی توست؟ گفت: موهایم را شانه بزن. در دستم ابزار تراشیدن مو داشتم و خواستم مویش را کوتاه کنم. متوجه شدم گردن و انتهای مویش با پری نرم از طلا پوشانده شده است. گفتم: آیا این را هم بتراشم؟ پاسخ داد: نه، رهایش کن و به آن دست نزن. سال‌ها رنج کشیده‌ام تا این پرها را درآورده‌ام. برگشتم موهایش را شانه کنم دیدم مرتب است و نیازی به شانه زدن ندارد...

و الحمد لله رب العالمین...

آقای من! امیدوارم وقت کافی برای تفسیر این رؤیا داشته باشی؛ که مرا متحیر کرده

است...

و سلام من به خانواده بزرگوار.

حسین بشار

^۱. [طلاق: ۲ و ۳].

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.
پیر، اشاره به طهارت و پاکی نفس شخص و ارتقای او در عبادت و بندگی است.
و عروسی به طور کلی - به خصوص اگر محفلی هم داشته باشد - به معنای انتقال به
زندگی جدید است؛ یعنی مرگ و شهادت و انتقال به آخرت.
دوست ندارم معنای چنین رؤیایی را بیان کنم اما برای شما بیان کردم تا به دعا برای
او و برادرانش که همراه او محکوم شده‌اند توجه داشته باشی تا خداوند آن‌ها را از شرّ
ستمگران کفایت فرماید و ان شاء الله «دعا» دفع می‌کند.
امر خود و امر آن‌ها را به خداوند سپردم.

حکم گذاشتن حلقه در بینی در برابر غریبه‌ها

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

Mohtadin Al-Anbary: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقای من، قائم
آل محمد. از خدا می‌خواهم - ان شاء الله - در خیر و عافیت باشی...
آقای من، مدتی است سؤالی دارم اما فرصت پرسیدن از شما برایم فراهم نشده بود.
پرسش من درباره حکم انداختن حلقه در بینی است که در زبان انگلیسی Nose
Piercing نامیده می‌شود.
خواهش می‌کنم به ما پاسخ دهید و ما را روشن فرمایید، آقا و مولای من.
دختر شما، مهتدین الانباری.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اشکالی در آن نیست.
Sahar Al Ansari: آقا و مولای من، آنچه بنده متوجه شدم این است که به طور کلی
جایز است؛ اما آیا انداختن حلقه در برابر بیگانه‌ها هم جایز است؟
خواهش می‌کنم برای ما بیان فرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

اگر به منظور زینت باشد جایز نیست.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

ابوحسن قصاب: سلام بر سرور و مولا و پیشوایم امام احمد الحسن (علیه السلام) که جانم به فدایش.

سؤال پرسیدم و پاسخی نیامد در حالی که شما اهل رحمت هستید؛ شاید بنده لایق پاسخ و دعا نبودم. پدر و مادر و فرزندانم و هرآنچه دارم به فدای تو ای فرزند مظلومه فاطمه زهرا (علیها السلام). فرزند تقصیرکار شما: هادی ابوحسن قصاب.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پرشت را یک بار دیگر [اینجا] قرار بده. وقتی بینم ان شاء الله پاسخ خواهیم داد.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

ابو حسن قصاب: پروردگارم شما را حفظ کند سرور و مولا و پیشوای من. شما پدر هستید و چه نیکو پدری هستید.

آقا و مولای من، برادری انصاری دارم که نامش نزار ابومحمد است و به شما سلام می‌رساند. او همسایه‌ای دارد که انصاری بود و سپس مرتد و با گروه رزاق ملعون همراه شد. او همیشه با برادرم رفت‌وآمد می‌کند، اینکه آیا به چیزی نیاز داری؟ ... و... و... او در محله شعبیه است. برادرم می‌گوید چگونه او را از خانه‌ام برانم در حالی که این نه از خلق و خوی انصار است و نه حتی از اخلاق محمد و آل محمد و ائمه و مهدیون. برادرم حیران و سرگردان مانده است.

سرورم، پدر و مادرم به فدایت، راه‌حلی بفرمایید، چون او خیلی اذیت شده است؛ والحمد لله.

آقای من، برایم دعا بفرما به حق عمویت ابوالفضل عباس (علیه السلام) که مرا شفا بدهد و فرزندی پسر روزی ام فرماید تا خدا و شما را یاری کند. به فدای شما ای آقای من. فرزند تقصیرکار شما: هادی ابوحسن قصاب.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

ناصری و دشمن آل محمد، نه حبی دارد و نه کرامتی.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

احمد الاسدی: عزیز من احمدالحسن خداوند شما را زنده بدارد.

آقای من، ای پسر رسول خدا!

شاید پرسش بنده موضوع «منشور جدید مبارک» قرار گیرد.

قبل از ماه مبارک رمضان متوجه شدیم مادرم ورم مثانه دارد و از شما آقای من و انصار خواستم برای او دعا کنید و تلاش کردیم به درمان پزشکی او نیز بپردازیم؛ به علاوه با توجه به طب سنتی به درمانی که در کتاب ضیاء الصالحین است نیز پرداختم. این روش درمان عبات بود از پودر حیوان نوعی خرچنگ دریایی (ابو الجنیب) که بعد از کباب کردن آن توسط آتش، داخل کپسول قرار می‌دادم و مادرم آن را می‌خورد. پرسش من از شما ای آقای من این است که این روش درمان حلال است یا حرام؟

آقای من، عذر می‌خواهم که سؤال را دیر پرسیدم. شما از خدا- اهل عفو و رحمت به ما جاهلان هستی.

آقای من، ما را به چه چیزی نصیحت می‌فرمایی؟

حکم خوردن خرچنگ

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خوردن خرچنگ یا همان حیوانی که «ابو الجنیب» نامیده می‌شود حرام است.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

منتظر الصالحی: آقا و مولای من Ahmed Alhasan احمدالحسن، یکی از پیروان جناح صدری، پیامی به مقتدی صدر فرستاده است که در آن گفته مشارکت ما در تظاهرات مشکوک بوده و برای سردادن شعارهای مخصوص خودمان، از تظاهرات سوءاستفاده کرده‌ایم؛ در حالی که همان طور که شما امر فرمودید- ما هیچ شعار دینی یا جناحی سر

ندادیم -ای آقای من- ولی متأسفانه افرادی وجود دارند که تلاش می‌کنند در نیت‌ها شک‌وتردید روا بدارند. متن آنچه را مقتدی صدر پیرو درخواستی که از او پرسیده شده بیان داشته است خدمت شما تقدیم می‌کنم...

«با آن‌ها درنیا میزید و منعشان هم نکنید. این خواسته، عمومی است و تنها به شما اختصاص ندارد. تقوای الهی پیشه کنید. من این جناح را نصیحت می‌کنم که هیچ شعاری ندهند یا تابلوی مخصوص خودشان را به کار نگیرند یا هلهله‌ای به راه نیندازند که در غیر این صورت نباید در عرصهٔ اصلاحات حضور یابند.»
خواهش می‌کنم مرا دعا فرمایید ای مولای من.
از طولانی‌شدن سخنم عذر می‌خواهم.

شرکت شما در تظاهرات برای عموم مردم ستمدیده بوده است؛ پس در نزاع‌ها وارد نشوید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. خداوند بالاتر از همه است. او می‌شنود و می‌بیند و نیت‌های هر شخص و جناحی و آنچه را که می‌خواهند به آن برسند می‌داند؛ و فرجام از آن پرهیزگاران است. شما برای عموم مردم ستمدیده خروج کرده‌اید؛ بنابراین از شما می‌خواهم در چنین نزاع‌هایی که تنها ضرر می‌رسانند و هیچ سودی نمی‌رسانند وارد نشوید.

آیا اظهار فروشندهٔ مسلمان دربارهٔ نوع گوشت کفایت می‌کند؟ و حکم گوشت وارداتی چیست؟

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

وسام الراجحی: سلام بر شما مولای من. آقای من، بنده و برادران انصار سؤالی داریم: آیا خوردن کباب لقمه و همبرگر آماده که در بازار به فروش می‌رسد جایز است؟ و آیا خوردن کباب ترکی که در بازارها به فروش می‌رسد جایز است؟ با توجه به اینکه وقتی از فروشنده پرسیده می‌شود، می‌گوید گوشت گوسالهٔ عراقی است؛ ولی ما نمی‌توانیم مطمئن

شویم؛ زیرا آن گونه که ما فهمیده‌ایم بیشتر فروشندگان خلاف می‌گویند؛ چرا که تصور ما بر این است که این گوشت‌ها وارداتی است و آن‌ها منبع گوشت را نمی‌دانند.
آقای من، از اینکه باعث زحمت شما شدیم عذرخواهی می‌کنیم؛ اما فرزند به پدرش رجوع می‌کند و تو ای آقای من چه نیکو پدری هستی. از شما التماس دعا داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.
پاسخ فروشندهٔ مسلمان کفایت می‌کند و تا هنگامی که دلیلی برخلاف آن نباشد جایز نیست او را در خبری که از نوع گوشت می‌دهد دروغ‌گو به حساب آوریم و دربارهٔ گوشت‌های قرمز وارداتی، اگر اطمینان حاصل شود که به صورت شرعی تذکیه شده‌اند اشکالی ندارند؛ حتی اگر از کشورهایی وارد شود که بیشتر ساکنینشان مسلمان نباشند. بنده شخصاً از ویدئوهای ذبح حلال که در برخی کشورها مثل فرانسه و استرالیا انجام می‌شود مطلع شدم و دیدم که ذبح به صورت شرعی و صحیح است و اشکالی در آن وجود ندارد و در نتیجه اگر این گوشت‌ها وارد شوند حلال هستند و اشکالی در خوردن آن‌ها نیست.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

نور الحسین: ای مولای من، پدرم و رهبرم...

از شما التماس درخواست دعا داریم...

آقای من، پرسشی دارم...

طبق انتظار شما تظاهرات به کجا خواهد رسید...

و عراق به چه راهی خواهد رسید؟ به باب‌های خیر اگر پی‌آمدهای دیگری در راه

باشد...

آیا عراق را غیر از این عراق با اوضاع بحرانی و وخیم خواهیم دید...

راه‌حل، احمدالحسن Ahmed Alhasan

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر شما تصور می‌کنی خودِ تظاهرات وضعیت عراق را تغییر خواهد داد این تظاهرات به هیچ جا نخواهد رسید. این نکته را پیش‌تر گفته و تکرار کرده‌ام: تظاهرات گامی است در جهت صحیح؛ فقط یک گام.

حکم خوردن آنچه نمک مرغ نامیده می‌شود

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

Ali Kafagee: سلام بر شما ای سید و پدر عزیزم.

آقای من، پرسشی فقهی دارم: آیا خوردن چیزی که به نام نمک مرغ (Chicken_Salt) در بازارها فروخته می‌شود جایز است؟
از خدا می‌خواهم شما را حفظ نماید و ولایت و محبتتان را در دل‌های ما و دل‌های همه مردم تثبیت فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.
حلال یا حرام نبودن بر اساس محتویات مشخص می‌شود نه بر اساس نام‌گذاری؛ و به نظر من این نوع نمک، همان نمک معمولی به همراه برخی ادویه‌جات و محتویاتی است که اشکالی در خوردنش وجود ندارد؛ اما شما همواره محتویات هر چیزی را که می‌خری مطالعه کن تا مطمئن شوی حاوی چیزی نباشد که خوردنش حرام یا نجس است.

تعبیر رؤیای بازگشت شخص مرده

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

حسین احمد الحسینی: سید و مولای من Ahmed Alhasan احمدالحسن، خداوند تو را حفظ فرماید. پرسشی دارم که تمنا می‌کنم به پاسخش برسم؛ چون موضوعی است که ما را بسیار مشغول کرده است. آقای من، در خصوص برادرم مصطفی - که مدت زمانی پیش درگذشت و شما وفاتش را به ما تسلیت گفتی ای آقای من - ما رؤیاهای زیادی می‌بینیم که

او می‌گوید بازگشته است و به این دنیا بازخواهد گشت و بسیاری از انصار و غیر انصار رؤیاهای بسیاری دیده‌اند و رؤیایها تا همین امروز ادامه دارند. او بسیاری از چیزهایی را که در زندگی ما جریان دارد می‌داند و می‌گوید کارهای قائم را به انجام می‌رساند. در هر رؤیایی که دیده می‌شود او همیشه در مکان وسیعی نشسته است و زیباست. آقای من، ما جز شما را نداریم که از او بپرسیم؛ چرا که شما راهنمای ما هستی ای آقای من؛ به حق مادرت به ما پاسخ بده.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این رؤیا بشارتی است به شما به نیک‌بودن فرجام و عاقبت او و اینکه او در خیر و حیات نزد پروردگارش است، روزی می‌خورد و برای خداوند سبحان -همچون ملانکه‌اش- کار می‌کند؛ زیرا ارواح افراد صالح همراه اولیای خداوند به کار گرفته می‌شوند.

حکم نوشتن کتاب شعر عاشقانه

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶، ساعت ۰۶: ۰۵ عصر:

شاعر میثم طفیلی: سلام بر شما ای مولای من. گرچه سؤالم در جایگاه خودش مطرح نمی‌شود، اما کسی که اهل کرم دیده می‌شود بی‌حساب مورد سؤال و پرسش قرار می‌گیرد. پرسش من... آیا نوشتن شعر عاشقانه‌ای که مفتضح نباشد جایز است؟ و آیا قصیده‌های عاشقانه امام علی (علیه السلام) صحیح است؟ با علم به اینکه به‌طور کامل با نفس شعری موافق هستند. خداوند بهترین پاداش را به شما عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. جایز است، ولی جزو زینت زندگانی دنیاست. با آنچه خداوند به تو بخشیده است خواستار باقیات صالحات باش؛ زیرا ثواب باقیات صالحات نزد پروردگار تو بهتر و پابنده‌تر است.

استفاده از شوک الکتریکی در ذبح و بازرسی کشتارگاه‌ها

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

داوود عبدالیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من.
 از اینکه این پرسش را مطرح می‌کنم از شما پوزش می‌خواهم زیرا پاسخ شما برای این سؤال موجود است؛ ولی متأسفانه این مسئله و تشخیص مصداق آن سبب بروز بحث و اختلاف نظر بین برخی از مؤمنان شده است؛ مسئله جایز یا حرام بودن خوردن مرغ در ایران! ما یقین داریم که مرغ با ماشین ذبح نمی‌شود و به‌طور معمول در کشتارگاه‌ها سایر شروط مثل رو به قبله بودن، بردن نام خدا و قطع رگ‌های چهارگانه رعایت می‌شود؛ ولی در برخی از کشتارگاه‌ها توان آب برق‌دار (که در کشتارگاه‌ها برای بی‌حس کردن مرغ‌ها استفاده می‌شود) بیش از حد مجاز است که این باعث مردن مرغ می‌شود. پس از فهمیدن این نکته بسیاری از مؤمنان از خوردن مرغ پرهیز می‌کنند و برخی نیز پرهیز نمی‌کنند (که این خود محل بحث و اختلاف شده است). این پرهیز عاملی برای گرفتاری و تنگنا برای مؤمنان شده است؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانند در مهمانی‌ها شرکت کنند و با غیر مؤمنان زندگی کنند و نیز عاملی برای عیب‌جویی از دعوت و اشکال‌تراشی به آن و وارد کردن عیب و طعنه به انصار شده؛ تا آنجا که می‌گویند انصار، داعشی هستند؛ چرا که شما غیر خودتان را تکفیر می‌کنید و چه بسا مؤمنان به‌عنوان کسانی که مرغ نمی‌خورند شناخته می‌شوند. ما چه باید بکنیم؟

آیا بر ما واجب است در هر کشتارگاهی حاضر شویم و بعینه ببینیم تا به چگونگی ذبح، علم و اطمینان پیدا کنیم یا خیر؟ آیا خوردن مرغ‌های عرضه‌شده در بازارهای ایران جایز است یا خیر؟

اگر این عامل سببی برای تنگنا و گرفتاری یا قطع رحم (بریدن از خویشاوندان) شود حکم چیست؟

آقای من، بر ما منت بگذار و این اختلاف را با سخن پاک خود از میان انصار بردار.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.
 موضوع استفاده از الکتریسیته یا چیزهای دیگر برای بی‌حس کردن یا کم‌کردن رنج و درد حیوان در هنگام ذبح اشکالی ندارد و با این کار، ذبح‌شده حرام نمی‌شود. بر شما

واجب نیست به هر کشتارگاهی در شهر سرکشی کنید، اگر می‌دانید و مطمئن هستید که کشتارگاه‌های شهر شروط شرعی برای ذبح را حتماً باید رعایت کنند -شروطی مثل اینکه جلوی حیوان رو به قبله باشد، قطع رگ‌های چهارگانه توسط دست مسلمان و تسمیه (گفتن بسمله)- و اگر چنین شرایطی برقرار باشد، می‌توانید از هر کشتارگاهی مرغ تهیه و میل کنید.

پی‌نوشت / ۲۵ جولای ۲۰۱۶:

الحسیناوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

سید و مولای من

آن‌ها فقهای بدنهاد هستند

گرگ‌صفت‌تر از بزرگان‌شان

یعقوبی از حکومت می‌خواهد مانع تظاهرات شود

با این بهانه که تظاهرات به نفع داعش است

آن‌ها کودکان بی‌گناه را قربانی کردند و ذمه این کار بر عهده علمای بدنهاد است... با

چاقوی سکوت... بر قربانگاه ستم... به اسم دین. لعنت خدا بر انجام‌دهنده و

سکوت‌کننده...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم حق را یاری دهد و هر ستمکارِ مفسدِ دزدِ حقوقِ مردم را رسوا و خوار گرداند.

نماز خواندن در وسایل نقلیه در حین حرکت

پی‌نوشت / ۲۶ جولای ۲۰۱۶:

Abdalla Alrubrai: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. اللهم صل علی محمد و

آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا. آقا و مولای من، سؤالی دارم اگر ممکن

باشد.

پرسش: آیا نماز خواندن در قطار در حالی که در حرکت مستمر است جایز است؟

برخی از انصار را دیدم که در قطار نماز می‌گزارند. آیا جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. بله، نماز در قطار، هواپیما یا هر وسیله نقلیه‌ای جایز است.

پی‌نوشت / ۲۶ جولای ۲۰۱۶:

Abo Almahde Alnasary: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پاکیزه، پسر پاکیزگان! آقای من، پیام خاصی از یک خانواده انصاری دارم. آیا می‌توانم آن را از طریق مکتب مبارکتان یا از طریق برادران عزیز، دکتر علاء سالم یا توفیق مغربی به شما برسانم؟ اگر شما اجازه بفرمایید. با تشکر و قدرشناسی ای پسر کریمان. به حق مادرت فاطمه علیها السلام مرا از دعای خود فراموش نکن.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بفرست.

پی‌نوشت / ۲۶ جولای ۲۰۱۶:

وصی فرستاده‌شده، احمدالحسن: ای نور دیدگانم، آقای من، ای قائم آل محمد! از یک نفر درباره ماجرای کشته‌شدن «القادة» در استان ناصریه سؤال کردم و به او گفتم آیا قاتل فلان شخص را می‌شناسید؟ او یک کلمه به من گفت نه. برای هیچ یک از آن‌ها ثابت نشده که او کشته شده است ولی ما می‌خواهیم این حرکت را با مستندات پایان دهیم. آنچه می‌خواهم عرض کنم این است که برادرانمان بیش از ۸ سال است بی‌گناه و حتی بی هیچ اتهامی در زندان به سر می‌برند؛ فقط به این دلیل که از انصار امام مهدی علیه السلام هستند. آن‌ها چگونه بدون هیچ تهمتی محکوم شده‌اند در حالی که ما می‌دانیم محکوم کردن هیچ متهمی بدون اثبات و شهود حق، ممکن نیست. حقیقت را می‌گوییم و قصد فریبکاری ندارم: این کار احزاب سیاسی حاکم و فاسد است که می‌خواهند پیروان خود را با این کارها راضی نگه دارند و متأسفانه قانون و سیستم قضایی عراق تحت تأثیر احزاب است.

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

حسبنا الله و نعم الوکیل

محکوم کردن ده‌ها تن در یک جلسه دادرسی، طنزی قضایی است

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. محکوم کردن ده‌ها نفر به اعدام تنها در یک جلسه در یک کلام- نمایشی مسخره و طنزی قضایی بیش نیست. حداقل چیزی که لازم بود انجام شود تکرار محاکمه بود؛ ولی مسئله از دید آن‌ها قضیه‌ای سیاسی و مسئله انتقام‌کشی است نه قضیه‌ای جنایی.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

محمد العطوانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای ما. از شما سؤالی شرعی پرسیدم و به من پاسخ ندادی. اکنون سؤال را تکرار می‌کنم شاید خداوند مرا توفیق دهد و به من پاسخ دهی!

پرشش: کارکنان سالن‌های غذاخوری و رستوران‌های نجف و شهرهای دیگر مرغ تذکیه‌نشده را در کنار دیگر مواد غذایی مثل فلافل، بادمجان و سیب‌زمینی- قرار می‌دهند و وقتی ساندویچ درست می‌کنند از همان ابزاری که مرغ برمی‌دارند و روغن این مرغ‌ها رویشان قرار دارد استفاده می‌کنند. آیا خوردن ساندویچی که از سبزیجاتی که در آن‌ها مقداری از روغن‌های مرغ‌های تذکیه‌نشده قرار دارد درست شده است، حلال است یا خیر؟

به‌علاوه در یک کباب‌پز، مرغ تذکیه‌نشده را بالا و تذکیه‌شده را پایین می‌گذارند و روغن مرغ تذکیه‌نشده روی تذکیه‌شده می‌چکد؛ حکم مرغ تذکیه‌شده در صورتی که رویش روغن مرغ تذکیه‌نشده بیفتد چیست؟

جایز نبودن خوردن اجزای مردار حتی اگر بسیار کوچک باشد

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خوردن هیچ قسمتی از مردار جایز نیست، حتی اگر بسیار کوچک باشد؛ چراکه نجس محسوب می‌شود؛ اما برای اینکه حکم کنی مرغی در نجف تذکیه شده است یا نه، باید دقیق باشی و از فروشنده درباره مرغ و منبع آن و نحوه تذکیه شدنش بپرسی؛ سپس حکم کنی که تذکیه آن مرغ شرعی و صحیح بوده است یا خیر.

** ** *

رهنموده‌هایی خاص به جمعیت‌های آیتام تابعه ما در عراق

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

- این نکات با خطی واضح و خوانا در تمامی محل‌های استقرار جمعیت‌های مراقبت از آیتام تابعه ما در عراق منتشر شود.
- این نکات برای یتیمان، مسئولان امور، و به‌خصوص برای زنان و بیوه‌زنان خوانده و حقوقشان به‌صورت واضح به آن‌ها ابلاغ می‌شود تا راه برای هرگونه سوءاستفاده‌های احتمالی پست و حقیر که ممکن است در حال حاضر یا در آینده اتفاق بیفتد بسته شود.
- صندوقی برای شکایت‌های مراجعه‌کنندگان نصب می‌شود.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به همه داوطلبان، مسئولان امور و یتیمان ثبت‌شده در جمعیت‌های مراقبت از یتیمان (انجمن دارالزهراء، انجمن سرالزهراء و نمایندگی‌هایشان در تمامی استان‌های عراق):
اول: جمعیت‌های مراقبت از یتیمان برای سرپرستی هر یتیم فقیری که نیازمند یاری است با چشم‌پوشی از هر عنوان دیگری که دارد چه عنوان دینی و چه نژادی عمل می‌کند.

دوم: هدف از جمعیت‌های آیتام، سرپرستی بیشترین تعداد ممکن از یتیمان است و امیدوارم در آینده صدها هزار یتیم را سرپرستی کنیم و امیدواریم همه یتیمانی را که به این

انجمن‌ها می‌رسد سرپرستی کنیم؛ ولی کمک‌ها و مساعدت‌ها محدود است؛ به همین دلیل تعداد کسانی که این انجمن‌ها متکفل می‌شوند بستگی به اموالی دارد که این کمک‌های مالی تأمین می‌کنند و هر قدر مبلغ بیشتری نزد ما جمع شود تعداد ایتامی که سرپرستی و مراقبتشان خواهیم کرد نیز گسترش خواهد یافت؛ بنابراین از کسانی که به این انجمن‌ها مراجعه می‌کنند می‌خواهیم نام خود را در فهرست انتظار به ثبت برسانند. به آن‌ها شماره سریالی داده خواهد شد و وقتی نوبت به شماره آن‌ها برسد وارد مراقبت‌های این جمعیت‌ها خواهند شد، ان شاء الله.

سوم: گاهی برخی از کارکنان کادر اداره انجمن‌های ایتام و نمایندگی‌های آن‌ها اقدام به گرفتن تصویر یا ویدئوهایی برای گردهمایی‌ها یا توزیع کمک‌های مالی و عینی خواهند کرد و انگیزه اصلی برای چنین کاری این است که اهداکنندگان بدانند اموالشان در چه جاهایی انفاق می‌شود. ولی هیچ‌کسی حق ندارد بدون رضایت و موافقت شما از شما عکس بگیرد و عکس شما را عرضه کند. شما حق دارید چنین کاری را نپذیرید و این نپذیرفتن شما هیچ تأثیری در ارائه مساعدت‌ها به شما نخواهد داشت؛ زیرا این جمعیت‌ها برای خدمت به شما ایجاد شده‌اند.

چهارم: کارکنان این جمعیت‌ها با دقت انتخاب شده‌اند؛ ولی برای حصول اطمینان بیشتر و برای جلوگیری از مورد تعرض قرار گرفتن کسانی که به این انجمن‌ها مراجعه می‌کنند (زن یا یتیم) از نظر تحت فشار قرار گرفتن یا خدای ناکرده تلاش برای سوء استفاده از سوی اداره یا کارکنان این جمعیت‌ها صندوقی برای شکایت‌ها نصب شده است؛ همچنین شما می‌توانید به اداره موسسه پژوهش‌ها یا مکتب سید احمدالحسن در نجف اشرف یا ممثل مکتب در شهر خودتان طرح شکایت کنید و از طرح شکایت نگرانی نداشته باشید؛ زیرا همه کسانی که در این انجمن‌ها فعالیت می‌کنند در جهت خدمت به شما کار می‌کنند.

پنجم: داوطلب شدن برای کار در جمعیت‌های ایتام - که موسسه پژوهش‌های عالی بر آن اشراف دارد - به روی همگان باز و مجاز است و هرکس مایل به مشارکت در این کار

باشد می تواند ثبت نام کند و هر موقع نیاز به یاری او باشد فراخوانده خواهد شد.
ششم: شخص اهداکننده می تواند خودش اموال یا عین کالاهایی را که اهدا کرده
است توزیع کند و به همین ترتیب اهداکنندگان مبالغ ماهیانه می توانند در توزیع هدایا به
ایتام شرکت داشته باشند.

پی نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

حازم احمد: سلام بر شما ای مولای من، قائم آل محمد (علیهم السلام). آقای من، پیغامی خاص
برای شما سید پاک- دارم. آیا می توانم به دکتر توفیق یا دکتر علاء سالم -خدا حفظشان
کند- بفرستم؟ شما آل محمد (صلوات خدا بر آنان) اهل بخشش و کرامت هستید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

پی نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

سید عبدالله الغالبی: خدا قوت مولای من، ای سید عزیز ما! امام رضا را زیارت و برای
شما دعا کردم و زیارت خاصه را به نیابت از شما به جا آوردم. دو رکعت برایت نماز خواندم و
دعا کردم خداوند توفیقت دهد، دعوت را حفظ فرماید و از هر خطری دورت گرداند؛ ای
مولای عزیز من. خداوند یاری ات فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من سید عبدالله الغالبی، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند زیارتت را به بهترین
شکل قبول فرماید. برای زیارت متشکرم.

توصیه برای مساعدت مالی به خانواده ای نیازمند

پی نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

ارشد الخالدی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... ای سید عزیز ما. خانواده ای
هست که دچار ضرر و زیان شده اند. آن ها ساکن منطقه جبايش هستند و در منطقه شان
مشکلاتی پیش آمده و به بصره نقل مکان کرده اند. پدرشان در اثر یک بیماری سخت،

فوت کرده و بیش از ۷ سال است که هیچ سرپرستی ندارند. بنده اقدام به رساندن بیت‌المال کردم و آن‌ها به من گفتند برگه تشخیص هویت می‌خواهیم مثل شناسنامه یا هر چیز دیگری.

این خانواده به‌وضوح هیچ پشتوانه‌ای ندارند و نه حتی هیچ خویشاوندی. آن‌ها منطقه خود را ترک کرده، ساکن استان بصره شده‌اند.

این خانواده در خانه‌ای که فقط یک اتاق دارد زندگی می‌کنند. سقف این خانه از برگ چینکو است و روشنایی آن‌ها تنها با یک چراغ زردرنگ تأمین می‌شود.

درباره افطارشان در ماه رمضان به خدا قسم- تنها با یک کاسه ماست به قیمت ربع دینار (۲۵۰ دینار) افطار می‌کنند.

این خانواده پنج نفر هستند.

آن‌ها یک مادر و چهار دختر هستند که دو نفرشان بزرگ و دو نفرشان کم‌سن و سال‌اند. مادر هر ماه فقط نزد ما می‌آید و نزد هیچ‌کس دیگری نمی‌رود. ما برای او مبلغ کمی جمع می‌کنیم که نیازش را رفع نمی‌کند. از شما تقاضا دارم -ای مولا و آقای من- به این خانواده نظری فرمایید؛ زیرا شما اهل کرم هستید، ای پسر پاکیزگان. از اینکه سخنم به درازا کشید پوزش می‌خواهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. التماس دعا از جناب شما؛ شب جمعه است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. امیدوارم از جمعیت‌های ایتم بخواهی این خانواده را ثبت‌نام کنند و تا هنگام ثبت‌نام و شروع مساعدات می‌توانی ماهانه مبلغ ۲۰۰ هزار دینار از مکتب نجف برای مدت سه ماه دریافت کنی. بنده این مطلب را -ان‌شاءالله- به شیخ ناظم عقیلی ابلاغ می‌کنم. از شما می‌خواهم با او ارتباط داشته باشی. خداوند به شما پاداش خیر دهد. اگر این مقدار مناسب نیست می‌توانی آنچه را که مناسب می‌دانی اینجا بنویسی و ان‌شاءالله در خدمت شما هستیم.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

عبدالله العراقی: سلام بر شما ای مولای من... در خصوص بند ششم، آیا ما می‌توانیم

خودمان به طور مستقیم به بیوه‌زنان و یتیمان رسیدگی کنیم؟ یا باید به جمعیت رسیدگی به یتیمان مراجعه نماییم؟ و آیا می‌توانیم به خانواده‌ای که به دعوت ایمان ندارد بدون مراجعه به جمعیت و مکتب- کمک کنیم؟ ... خداوند شما را در زمین تمکین دهد و گام‌هایت را استوار بدارد و شما را برای اسلام و اهلش -با عزتمندی- ذخیره و پایدار نماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. هر انسانی در خصوص اموالش اختیار دارد و آن را هر جا و به هر کس و به هر طریقی که بخواهد می‌تواند اهدا کند. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایت را استوار بدارد.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

عباس جلیل‌الناصری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. مولای من، خداوند شما را زنده بدارد. به‌خوبی اطلاع‌رسانی کردید. خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد و به‌زودی‌زود برایتان گشایش فرماید. مولای من، در بیانیه قبلی سؤالی فقهی فرستادم و امیدوارم با پاسخ‌دادن به آن تفضل فرمایید. ان‌شاءالله بنده یک بار دیگر آن را در پی‌نوشت همین بیانیه قرار می‌دهم. عباس جلیل‌الناصری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. ای نور دیده. شما کریم و پسر فرزندان کریم هستی. مولای من، یکی از دوستانم از من سؤال شرعی پرسید. به من گفت آیا ما مجاز هستیم در خانه‌ای بخوریم و بیاشامیم که می‌دانیم درآمدشان توسط پسرشان تأمین می‌شود و پسرشان هم به کارهای حرام مثل فروش مواد مخدر و ... دست می‌زند؟ آیا ما مجاز هستیم در خانه آن‌ها بخوریم و بیاشامیم؟! و اگر با اصرار آن‌ها بخوریم و بیاشامیم چه حکمی خواهد داشت؟... مولای گرامی من، به‌خاطر سؤالات عذر می‌خواهم؛ بر ما واجب است سؤال کنیم ولی بر شما واجب نیست پاسخ دهید و اگر با پاسخ‌دادن تفضل فرمایید رحمتی از شما به ما خواهد بود. یک بار دیگر عذر می‌خواهم اگر به‌شکلی صحیح یا ... ننوشتیم. پسر شما: عباس ابوحمزه.

حکم خوردن در خانه‌ای که منبع درآمدش حرام یا از راه حرام بوده است (سُحْت)

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر یقین داری که همه درآمدشان حرام یا از راه حرام به دست آمده است [مال سُحت بوده است] جایز نیست از آن بخوری و اگر خوردی مبلغ معادل آنچه را که خورده‌ای صدقه بده.

راه علاج برای خانه‌ای که صداهای عجیب و غریب در آن شنیده می‌شود

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Ya Saheb Elamr: سلام و علیکم و رحمة الله و برکاته. مولای کریم من، خداوند شما را زنده بدارد. الحمد و لله رب العالمین. به‌خاطر نصیحت‌ها و تذکرات و خارج کردن ما از غفلت و بیهودگی، تشکر می‌کنم.

پرسش: سرورم، در خصوص خانه‌ای که در آن سکونت دارم، همسرم در این خانه صداهای عجیبی می‌شنود و سایه‌هایی می‌بیند که در خانه گردش می‌کنند. او بسیار ترسیده است به‌خصوص شب‌هنگام. آخرین مرتبه‌ای که او را اذیت کردند کسی او را از پشت سر هل داد. او تعریف می‌کند که روبه‌رویش را تاریکی پوشاند؛ طوری که دیگر چیزی ندیدم. بعد از آنکه فریادی کشید من به‌سوی او رفتم و او را بی‌هوش دیدم. حال او بسیار بد است.

مدتی بعد که موضوع شنیدن صداها را برای من تعریف کرد من نیز چیزهایی دیدم و شنیدم. گاهی شب‌ها می‌ترسیم. مولای من، این خیر است یا شر؟ خواهش می‌کنم پاسخ مرا بدهید، ای فرزند فاطمه؟

و سؤال دیگری دارم: سرورم، درباره‌ی رؤیایی که از شخصی می‌بینم و خوب نیست؛ مثلاً می‌بینم شخصی نیمه‌عریان یا با لباس زیرش است، یعنی همیشه او را عریان می‌بینم در حالی که مردم به او نگاه می‌کنند و گویا من در رؤیا از او راضی نیستم؛ اما او به من اهمیتی نمی‌دهد. اگر می‌توانید منتظر پاسختان هستم. آقای من، این امر (پاسخ‌دادن) به شما بازمی‌گردد. از خداوند درخواست پیروزی و ثبات قدم و عمل همراه قائم (علیه السلام) را دارم. والحمدلله وحده وحده.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. در خانه، قرآن و دعا زیاد بخوانید.

حکم لوازمی که صاحبانشان فراموششان می کنند و جا می گذارند

پی نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

AI Buraq Al Muhmady: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای

بزرگوارم...

از خدای بلندمرتبه توانا می خواهم شما را یاری کند و با شما پیروزی برساند و ما را بهترین یاور شما -ای آل بیت نبوت- قرار دهد... آقای من، با توجه به حرفه ای که دارم برخی خانمها بعضی از لوازم خود را نزد من می گذارند ولی جا می گذارند و فراموش می کنند... وقتی مرتبه دوم مراجعه می کنند این وسایل را به آنها بازمی گردانم... اما برخی بازمی گردند تا وسایل خود را پس بگیرند. با توجه به اینکه برخی چیزها قیمتی هستند و برخی ارزش چندانی ندارند... با آنها چه کار کنم؟ خداوند شما را مستدام بدارد و شما و همه انصارت را حفظ فرماید... از شما درخواست دعا دارم، ای مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. آنها را صدقه بده.

پی نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Nazar Alansari: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای ما. از خدا

می خواهم در خیر و عافیت باشید و ما از شما آل محمد به اندازه یک چشم بر هم زدنی محروم نگردیم، نه در دنیا و نه در آخرت. آقای من، خداوند ان شاء الله شما را توفیق دهد. نامه یکی از خواهران انصاری را در دست داریم که ایشان شدیداً نیازمند رسیدن نامه به دست شما و گرفتن پاسخ از جانب مبارکتان است. آقای من، اگر کسانی سؤالهایی همچون این مورد را داشته باشند آیا امکان ارسال این قبیل سؤالها را به شما داریم؟ از شما سپاسگزارم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

دعای برای برطرف کردن درد از کسی که دوست دارد او آن درد را نداشته باشد

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Louay Al Tamimi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، احمدالحسن؛ روحم فدای شما. از خدا می‌خواهم به حق جدهات فاطمه زهرا (علیه السلام) السلام^۱ شما و خانواده‌ات را از هر شر و بدی حفظ فرماید، سختی‌ها را برایت آسان گرداند و فتح مبین را برایت بگشاید تا او را بپرستی و هیچ شرکی نورزی. آقا، مولا و عزیز من، دانستم که شما حق هستی و فضیلت از آن خداوند عزوجل است. از خدا می‌خواهم مرا از قُرب و نزدیکی شما در دنیا و آخرت محروم نگرداند. آقای من، اگر با اندکی از وقت خود بر من تفضل فرمایی پرسشی دارم. وقتی انسان در حالت سجده متوجه خداوند است و از او می‌خواهد دردی را تحمل کند که به انسانی که برایش عزیز است وارد شده است، آیا خداوند سبحان چنین دعایی را مستجاب می‌کند؟ مادر و پدر و فرزندان و خانواده و جانم فدای تو باد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند دعای دعاکننده را پاسخ می‌دهد، آن هنگام که او را می‌خواند. خداوند سبحان و متعال، کریم است و در ساحت خداوند بخل جایی ندارد؛ بنابراین بهتر است انسان خدا را به این منظور بخواند که درد را از کسی که دوستش دارد برطرف فرماید، نه اینکه او به جای آن شخص متحمل آن درد شود.

پرسشی دربارهٔ وقف

۱ - خطاهای نوشتاری از خود پی‌نوشت‌های اصلی است که به منظور رعایت امانت‌داری تا حد ممکن - این خطاها در ترجمه منعکس شده است. (مترجم)

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

ملتقی‌النهرین: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقا، من می‌توانم سؤال بپرسم؟ اگر وقفی برای امام داشته باشم و این گاو، گوساله نری بزاید آیا می‌توانم آن را با یک ماده عوض کنم؟ آیا این گوساله هم وقف بیت‌المال به شمار می‌رود؟ یا آن را بفروشم و مبلغ را به بیت‌المال تسلیم کنم؟ انجام کدام‌یک برایم جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. هر دو جایز است.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من، ای نور دیدگانم... خواهش می‌کنم درخواست مرا مطالعه کن. درخواست بنده این است که به شما پیامی خصوصی بفرستم؛ فرقی نمی‌کند به واسطه دکتر توفیق باشد یا دکتر علاء السالم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. ان شاء الله می‌توانی بفرستی.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Zainab Abdolhosein: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آیا ما می‌توانیم تبرعات و هدایا را در ایران مصرف کنیم؟! یا بهتر است آن را برای شما بفرستیم؟ آقا و مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. هر دو جایز است.

بهتر است یتیمانی که نیازمند نیستند در جمعیت‌های ایتم ثبت‌نام نشوند

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

محمود البحر: سلام بر شما ای آقای من. ایتمی وجود دارند که نیازی به نذر من

ندارند.

کسانی وجود دارند که متکفل آن‌ها هستند؛ از جمله عموها، دایی‌ها و نزدیکان. آیا این عده را می‌توان در جمعیت ایتام ثبت‌نام کرد؟ امیدوارم پاسخ دهید. خداوند به شما پاداش خیر دهد، ای آقای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر کسانی برای سرپرستی این ایتام هستند و کفایتشان می‌کنند، قطعاً بهتر است در این جمعیت‌ها ثبت نشوند تا عرصه را برای سایر یتیمانی که در حال حاضر نیازمند مساعدت هستند باز بگذارند.

عوض مالی برای انجام عبادت‌ها صحیح نیست، مگر برای حج نیابتی

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Hmed Al-Haq: ای پدر عزیزم، امیدوارم به پرسش من پاسخ دهید. آیا دریافت پول در برابر قضای روزه اموات جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. انجام عبادت‌ها در برابر عوض مالی جایز نیست و این موضوع را قبلاً پاسخ داده‌ام، فقط می‌توان برای حج نیابتی پولی دریافت کرد؛ زیرا پول دریافتی برای سفر و توشه است، نه برای خود عبادت. پاسخ‌هایی که قبلی داده شده‌اند:

«پرسش ۲۱۱: یکی از مؤمنان مبلغ ۱۰ هزار به‌عنوان اجرت نماز پدر فوت‌شده‌اش، به من داده است. حکم این امانت چیست؟»

فرستنده: حبیب خریط علی - نجف اشرف

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

دریافت اجرت در قبال نماز خواندن یا روزه گرفتن به نیابت از مرده باطل است؛ چرا که در چنین نماز و روزه‌ای نیت، تقرب به خداوند سبحان نیست؛ چرا که اگر اجرتی نباشد برای این متوفی نمازی خوانده و روزه‌ای گرفته نمی‌شد؛ بنابراین چنین نماز و روزه‌ای با نیت نزدیکی به مال انجام می‌شود نه با نیت نزدیکی به خداوند. اگر مرده پسر بزرگی دارد که قضای آنچه بر ذمه والدینش است بر او واجب می‌شود، اگر پسری نداشته باشد یا پسری دارد ولی توانایی قضای آنچه را بر ذمه‌شان است نداشته باشد و داوطلبی هم یافت نشود که ذمه این متوفی را بر عهده بگیرد، به جای هر روز روزه، یک مُد طعام و به جای نماز یک شبانه‌روز نیز یک مد طعام صدقه بدهد و با این مال بر اساس شرحی که پیش‌تر گفته شده است عمل نماید. والحمد لله.

پرسش ۱۲۱: آیا دریافت اجرت در برابر حج به نیابت از متوفی جایز است یا مانند نماز و روزه جایز نیست؟

فرستنده: حسین هلالی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.
جایز است.»

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من... آیا اجازه می‌دهی نامه‌ای از طریق دکتر توفیق مغربی یا استاد علاء سالم -خداوند توفیقشان دهد- برای شما ارسال کنم؟ وضعیت واقعاً اضطراری است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. می‌توانی.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Resalet Ahmet: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدر عزیزم.

ای پدرم، از شما درخواست دعا می‌کنیم. نمی‌دانم با تحصیلم در نروژ چه کنم! آیا دندانپزشکی را ادامه دهم یا رشته‌ام را تغییر دهم؟ نیازمند دعای شما پدر مهربانم هستم. از خدا می‌خواهم به‌زودی‌زود به حق محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) برای شما گشایش ایجاد فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. درست را ادامه بده؛ ولی حجاب شرعی‌ات را حفظ کن. دانشکده‌های دندانپزشکی در دانشگاه‌هایی با بالاترین رتبه در دانشگاه‌های دنیا، مسئله برهنه‌کردن دست تا بازو را شرط نمی‌کنند و این را من شخصاً بررسی کرده‌ام؛ بنابراین من اعتقاد ندارم که این شرط، شرط درستی باشد یا ارزش بالایی داشته باشد و اعتقاد دارم می‌توانی آن را انجام ندهی یا با اساتید یا دانشکده یا مدیریت دانشگاه در خصوص این مسئله صحبت کنی یا پوششی را - که از نظر آن‌ها قابل قبول باشد - تا بازوهایت قرار بدهی.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Maysa Hassan: سلام بر شما مولای من Ahmed Alhasan احمدالحسن. آیا می‌توانم سؤالی به‌طور خصوصی برای شما بفرستم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام. می‌توانید به مکتب یا به دکتر علاء یا دکتر توفیق بفرستید.

پی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

Almahdyoon Almahdyoon: «مشرف به زیارتتان هستیم». سلام و رحمت و برکات

خداوند بر شما.

آقا و مولای من، یمان آل محمد (علیهم‌السلام). مشرف به زیارت مبارک شما در صفحه حقیرانه‌مان هستیم.

<https://www.fda.gov/oc/ohrt/2016-07-27-ufi>

ممثل مکتب امام احمد الحسن (علیه السلام)، کویت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم با شما و برای شما مبارک بگرداند.

بی‌نوشت / ۲۸ جولای ۲۰۱۶:

احمد حبیب جراح: سلام بر شما ای پدرم. از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشید؛ همچنین مرا به خاطر طرح سه سؤال عفو بفرمایید.

* اول: درباره رنگ قرمز دانه (پودر کارمن)^۱ در برخی تولیدات غذایی برای قرمز یا گلی‌رنگ کردن یا افزودن شبیه این رنگ‌ها به محصول استفاده می‌شود، و در مواد استفاده شده برای شیرینی جات کودکان، آب‌میوه‌ها، کیک و برخی محصولات گوشتی مثل مارتادالا و... موجود است.

معمولاً نوشته یا علامتی که برای دلالت بر وجود این ماده (حشره) در ماده غذایی نوشته می‌شود E۱۲۰ یا RED۴۰ یا Cochineal یا Carmine است و گاهی به جای عبارت‌های مذکور عبارت «رنگ قرمز از مواد طبیعی است» روی محصولات درج می‌شود و به نظر من، منظور همان ماده است؛ اما نمی‌خواهند نامی از آن برده باشند؛ زیرا برخی نسبت به این اسم‌ها حساسیت نشان می‌دهند و محصول به فروش نمی‌رسد، و چه بسا عبارت «مواد طبیعی» باعث جذب مردم نیز بشود. در این اواخر روی برخی از محصولات هیچ عبارتی از این ماده به‌عنوان اجزای محصول آورده نمی‌شود یا نام آن را به همان عبارت گفته شده تغییر می‌دهند و بعضی از آن‌ها پس از اینکه این ویدئوها منتشر شد این ماده را به تولیدات خود اضافه نمی‌کنند. با توجه به اینکه این ماده ربطی به طعم و مزه غذا ندارد و فقط برای رنگ قرمز و طیف‌های آن رنگ استفاده می‌شود؛ اما طعم یا بوی غذا به

۱ - پودر کارمن استخراج شده از حشره کارمن. رنگ قرمز دانه مکزیکی توسط FDA بی‌خطر تشخیص داده شده است و در صنایع غذایی کاربرد دارد. پودر کارمن با کد (E۱۲۰) هم شناخته می‌شود. (مترجم. منبع: ویکی‌پدیا فارسی).

همان صورت باقی می ماند حتی اگر این رنگ را از بین ببرند.

به علاوه به نظر من این گونه می رسد که این ماده، ناشی از فرایندهای شیمیایی نیز نیست و خداوند داناتر است؛ فقط پودر می شود و برای رنگی کردن به محصول اضافه می شود. که در فیلم ویدئویی مشخص است. به طوری که در برخی از تولیدات نقاط سیاهی از اجزای این حشره پودر شده آشکار است تا چنین توهمی را در مردم ایجاد کنند که این لکه های سیاه ناشی از لکه های توت فرنگی هستند و رنگ قرمز نیز ناشی از توت فرنگی است.

لطفاً در خصوص خوردن و نوشیدن این ماده یا استفاده از آن در محصولات جلدی و پوستی (مثلاً در مرطوب کننده های قرمز لب که برخی برای شادابی و مرطوب نگه داشتن لبها استفاده می کنند یا در وسایل آرایشی بهداشتی مثل رژ لب خانمها موجود باشد) که احیاناً مقداری از آن بلعیده می شود ما را روشن فرمایید؟

آدرس پیوستی زیر، نحوه کِشت این حشره و اینکه چگونه به غذا اضافه می شود و رنگش را تغییر می دهد و محصولاتی که حاوی آن هستند و نیز مضراتش را توضیح می دهد:

- <https://l.facebook.com/l.php?u=https%3A%2F%2Fm.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3D9YzM1Edb6mo&h=aAQFGgPTU>
- <https://l.facebook.com/l.php?u=https%3A%2F%2Fm.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3DDRVxKM0E1rc&h=AAQEM0ky6>
- https://l.facebook.com/l.php?u=https%3A%2F%2Fm.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3DI moT6wJz_vU&h=EAQE_yBξm
- <https://l.facebook.com/l.php?u=https%3A%2F%2Fm.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3Dl aw.N0EDA.g&h=QAQEKFF20>
- <https://l.facebook.com/l.php?u=https%3A%2F%2Fm.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3D T6DF-qi\ε3o3&h=ZAQEXTnTξ>

* دوم: گاهی با شخصی هندو یا مجوس نشست و برخاست می کنیم. آن ها با ما دست می دهند یا جاهایی مثل رستوران، شرکت و برایمان چای می آورند؛ چه بسا ظرفها را می شویند یا ما را با دست مرطوب لمس می کنند، یا به عنوان مثال نجار یا نقاش هستند یا شغل دیگری دارند، وارد خانه هایمان می شوند و اینجا و آنجا را لمس می کنند. حدود تعامل با آن ها از نظر نجس و پاک بودن چیست؟ آیا به غسل و وضو نیاز داریم یا باید مکان و اشیا

را پاک کنیم؟ در خصوص خوردن و نوشیدن چطور؟ چه در صورتی که این شخص از تهیه کنندگان غذا باشد یا صرفاً آورنده‌اش باشد.

* سوم: آیا وقتی نماز واجبی به‌جا می‌آورم، جایز است شخص مرده‌ای را در ثوابش و اجرش با خودم شریک گردانم؟ مثلاً نیت کنم که به‌نیابت از خودم و پدر مرحومم در همان وقت نماز ظهر را بخوانم؟ و همین‌طور در خصوص نوافل؟ و اگر این کار در انجام فریضه جایز نباشد و پیش‌تر این کار را در فریضه انجام داده باشم، آیا اعاده بر من واجب است؟ آقای من، شما به سؤال و جواب دانا هستی و عذر می‌خواهم که آن را طولانی کردم. خداوند به شما پاداش خیر دهد.

پدر و مادرم فدای تو باد، مرا معذور بدار. از شما همیشه درخواست دعا دارم. به خدا قسم مشتاق دعای پدر هستم.

Cochineal Bugs Create Red Dye : A Moment in Science

Youtube.com

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. در رنگ دانه‌ای که از حشرات به دست می‌آید، اشکالی وجود ندارد. در خصوص هندو و مجوس، تا هنگامی که به خداوند سبحان ایمان داشته باشند حکم به نجس‌بودنشان نمی‌شود؛ و در نتیجه اگر با رطوبتی که سرایت‌کننده باشد شما، غذا یا ظروف را لمس کنند اشکالی ندارد. می‌توانی ثواب فریضه‌ای را که می‌خوانی به مرده اهدا کنی؛ ولی جایز نیست که فریضه را اهدا کنی یا آن را با کسی شریک شوی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

To prepare carmine, the powdered insect bodies are boiled in ammonia or sodium carbonate solution, the insoluble matter is removed by filtering, and alum is added to the clear salt solution of carminic acid to precipitate the red aluminum salt

برای تهیه کارمین، جسم پودر شده حشره، در آمونیاک یا محلول کربنات سدیم جوشانده می‌شود. ماده حل‌نشده با فیلتر کردن جدا می‌شود و آلوم (alum) به محلول نمک خالص اسید کارمونیک اضافه می‌گردد تا نمک قرمز آلومینیوم رسوب شود.

<https://www.britannica.com/technology/carmine>



carmine | pigment

Red or purplish-red pigment obtained from cochineal, a red dyestuff extracted from the...

britannica.com

کارمین | رنگ‌دانه

رنگ‌دانه قرمز یا سرخ‌ارغوانی به‌دست‌آمده از کشینل،^۱ رنگ‌دانه‌ای است که استخراج می‌شود از...

www.britannica.com

احمد حبیب چراغ: آقای من! حتی اگر این حشره به‌طور کامل آرد شود و به‌عنوان مثال در شیرینی‌جات استفاده گردد نیز به همین صورت است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

اگر منظور شما خود حشره باشد خوردن حشرات جایز نیست؛ اما رنگی که به‌طور معمول از حشرات گرفته می‌شود همان‌طور که در لینک دایرة‌المعارف بریتانیکای فوق دیده می‌شود مجاز است.

** ** *

تسلیمت به مناسبت شهادت امام صادق علیه السلام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ جولای ۲۰۱۶:

جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرموده است: «در آسمان دو ملک موکل بر بندگان وجود دارند؛ این دو کسی را که برای خدا تواضع کند رفعتش می‌دهند و کسی را که تکبر ورزد پستش می‌کنند.»^۱

سلام بر تو ای اباعبدالله.

شهادت می‌دهم که تو رساندی و در رساندن رسالت خدا به بندگانش بسیار تلاش کردی.

خداوند از ما به تو بهترین پاداش نیکوکاران را عطا کند، ای کسی که ما را از تاریکی‌های جهل به نور علم و معرفت خارج گرداندی.

پدر و مادرم به فدای تو ای پسر رسول خدا.

ای حبیب خدا، ای خزانه علم خدا! به راستی که قلب، محزون است و چشم، در روزگار نبودت اشک‌بار.

انا لله و انا الیه راجعون؛ و آنان که بر تو ستم روا داشتند و تو را به قتل رساندند به زودی خواهند دانست به چه بازگشتگاهی بازخواهند گشت؛ و فرجام از آن پرهیزگاران است.



هرکس میان خود و مردم انصاف پیشه کند، به داوری برای دیگران پذیرفته خواهد

شد.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

خادمة العقيلة الكربلائية: مولای من، پرسشی دارم و نمی‌توانم در جای عمومی بنویسم. آیا اجازه می‌دهید از طریق افراد معتمدی که اسمشان را بیان فرمودید. یعنی دکتر علاء سالم و ... بفرستم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

حمزة السرای: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من! آیا از جلسه استیضاح وزیر دفاع عراق^۱ مطلع شدید؟ پاسخ یا نظر شما در این خصوص چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. در حال حاضر قسمت‌هایی از آن را شنیدیم نه همه‌اش را؛ و پس از اندکی پاسخم را در این خصوص قرار خواهیم داد ان‌شاءالله. مرا از دعایت فراموش نکن.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

محبة الیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

صبحتان به خیر و عافیت ای مولای من.

ان‌شاءالله در خیر و عافیت باشید.

ای نور دیدگانم، ای سیدم، پروردگارم تو را توفیق دهد و حفظت فرماید.

۱ - مجلس عراق در تاریخ ۲۰۱۶/۸/۱ وزیر دفاع عراقی -خالد العییدی- را استیضاح کرد و جلسه استیضاح شاهد

ایراد اتهاماتی میان او و رئیس مجلس -سلیم الجبوری- بود. قابل دسترسی در:

<https://www.alhurra.com/a/iraq-corruption-parliament-defense/۳۱۳۳۰۹.html>

مولای من، می‌خواهم پیامی خاص به شما بفرستم. آیا اجازه می‌دهی ای پسر پاکیزگان؟ فدایت شوم ای مولای من، مرا رد نکن.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

ام‌سجاد الیمانیة: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای ما احمدالحسن (علیه السلام). سید و مولای من، فرمودی در این ماه برای ما وقت داری و مدت زیادی از این ماه باقی نمانده است. آقای من، بنده فقط سه سؤال دارم... می‌خواهم با پاسخ دادن به آن‌ها بر من منت بگذاری، ای نور خدا در تاریکی زمین... مولای من آیا می‌توانم آن‌ها را از طریق دکتر علاء سالم بفرستم... چون از یکی از خواهران شنیدم می‌گفت علاء سالم خدا حفظش کند. هر سؤالی را نمی‌فرستد مگر با اخذ اجازه از شما، ای نور دیدگانم! آیا به من اجازه می‌دهی سؤال‌هایم را از طریق علاء سالم به شما بفرستم؟ و از پروردگار می‌خواهم به حق پدران پاک و مطهرت (علیهم السلام) نامه‌ام را به شما برساند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

آیا حنایی که برای نقش حنا روی بدن استفاده می‌شود حائل (وضو) محسوب می‌شود؟

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

Habiba Ahmed: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدر عزیز... از خدا می‌خواهم شما و خانواده کربمتان در خیر باشید... آقای من، پرسشی دارم و از خدا تمنا می‌کنم که شما ای مولایم با پاسخ دادن بر ما منت بگذاری. حنایی هست که با آن بر روی بدن، نقش می‌زنند ولی محتوی مقداری رنگ است. آیا وضو با آن جایز است؟ یا مانع و حائل به شمار می‌رود؟ خداوند همه خیر را به شما پاداش دهد و از خدا می‌خواهیم شما را حفظ و در تمکین شما تعجیل فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. مادام که خود پوست را رنگی می کند حائل به شمار نمی رود.

چگونه مؤمن با حکمت آراسته می شود؟

پی نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

ابوهراء الیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید بزرگوار ما. ما در حسینیة همراه انصار پاک و طاهر نشسته بودیم و طبق معمول بحث می کریم. یکی از انصار این سؤال را مطرح کرد که مؤمن چگونه با حکمت آراسته می شود؟ ای سید ما، این سؤال ماست و از تقصیر و کوتاهی، از پیشگاه خدا و فرستاده اش و آل محمد و شما عذرخواهی می کنیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. با علم، عمل و اخلاص برای خدای سبحان، حکمت بر زبان جاری می شود.

پی نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

صهیب صهیب: سلام بر تو ای عبد صالح. از خدا می خواهیم ما را یاری کند تا از ثابت قدمان باشیم، ای سید ما. چشم انتظار محضرتان هستیم تا نظری بر ما بیفکند. با کلمه ای برای ابدال، تا نفسی تازه شود... از خدا می خواهیم شما را در برابر دیده خود از شر هر جنبه ای که او پیشانی اش را گرفته است حفظ فرماید...
ابدال الشام

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. ای عزیزان، خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می خواهیم شما را با محافظت خود حفظ فرماید، گام هایتان را استوار بدارد، شما را یاری پیروزمندانه ای عطا فرماید و برای رساندن حق به اهلش توفیقتان بخشد.

پی نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

عید عباس: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
می‌خواهم با سید احمدالحسن ارتباط داشته باشم.
بسیار مهم است. من از مصر هستم و می‌خواهم پیامی به ایشان برسانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. می‌توانی
پیامتان را از طریق دکتر توفیق یا دکتر علاء سالم یا مکتب نجف اشرف بفرستی.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

جون الانصاری: سلام بر شما ای سید من. رؤیای سید و مولایم اباعبدالله الحسین را
دیدم و شما را دیدم که کنارش نشستی و به من فرمودی از طرف شما و دعوت مبارک،
کشورم را تبلیغ کنم. سپس نگاه کردم به آقایم امام حسین که به رویم تبسم فرمود. من
اکنون می‌خواهم در راه خدا جهاد کنم و به تلاش بپردازم. استخاره کردم و این آیه آمد:
بسم الله الرحمن الرحيم. ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن
قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (از میان مؤمنان مردانی هستند که به
آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از
آن‌ها در انتظارند و تبدیل نکردند). صدق الله العلی‌ العظیم.

بنده کمتر از سه ماه است که از مؤمنان به دعوت هستم و در کار خود به حیرت افتادم
که چه کار کنم. پس به حضور شما رسیدم -ای آقای من- تا راه را بدانم و از شما -ای آقای
من- چشم امید دارم تا کارم با بینه و روشنی باشد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. امور دینت و عقیده حق
را بیاموز. سپس هرکسی را که می‌توانی با حق آشنا کنی، آشنا کن.

تشکیل هیئت خیریه در خصوص شرکت ذوالفقار و شریکش

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

احمد ممتاز: ای آقای ما، از خداوند سبحان می‌خواهم شما و هرکس که به شما پناه

می‌آورد در خیر و صحت و سلامت باشید. می‌خواهم اگر اجازه بدهید از جنابتان سؤالی بپرسم و اگر با پاسخ‌دادن بر ما تفضل فرمایید شکرگزارانم خواهم بود. پرسش بنده در خصوص بیانیه زیر است که انصار، منتشر و به‌طور فراوان نقل کرده‌اند. چنین گفته شده که این بیانیه با علم و آگاهی و موافقت امام احمد الحسن (علیه السلام) صادر شده است و شما از آن اطلاع کامل دارید؛ و اگر این سخن صحیح نباشد تقاضا دارم از این پرسش چشم‌پوشی و موضوع را رها کنید. از شما بسیار بسیار عذر می‌خواهم به‌خاطر رنجاندن شما. اگر سخن آن‌ها صحیح است آیا اجازه می‌دهی از خودم دفاع کنم و امور را توضیح دهم. خداوند به شما هزار خیر عطا فرماید. متن بیانیه:

«بسم الله الرحمن الرحيم

هیئت خیریه در مذاکرات خود با خواننده‌شده «ذوالفقار» صاحب شرکت مورد ادعای «نون» بسیار تلاش کرد تا بتواند اموال و حقوق مردم را که برای مدت طولانی بدون هیچ فایده قابل‌ذکری نزد او مانده بود نجات دهد. او به ما وعده داده بود دارایی‌هایش را بفروشد و هرچه در وسعش باشد انجام دهد تا بتواند اموال مردم را در اسرع وقت به آن‌ها بازگرداند؛ ولی متأسفانه به وعده‌هایش عمل نکرد و ما از او راستی و انصاف و پرهیزگاری ندیدیم. او فقط تلاش می‌کند زمان بخرد، وقت‌گُشی کند و به تاخیر بیندازد. او تنها برای مصالح و تضمین منافع خود حرص می‌ورزد و اهمیتی به منافع مردمی که به آن‌ها زیان وارد می‌کند نمی‌دهد و این با چشم‌پوشی از نگه داشتن اموال مردم بی‌هیچ مجوز شرعی بوده است. وی حتی بر آن‌ها منت می‌گذارد و با دادن خرده‌ریزی از اموالشان - که با روشی پست و با حقه‌بازی و مکاری به چنگ آورده است - آن‌ها را خوار و ذلیل می‌کند، همان‌طور که طبق شهادت شاهدان عینی وی پیش‌تر در حدود سال ۲۰۰۸ میلادی به دیگران نیرنگ زده بود. شما می‌توانید از طریق پرس و جو از شرکت «موناکو» و شرکت «فیماکس» از این موضوع اطمینان حاصل کنید.

علی‌رغم تلاش‌هایی که هیئت مذکور به خرج داد او اکنون با وقاحت تمام می‌آید و تلاش می‌کند به پاک‌ی هیئت خیریه طعنه بزند زیرا همان‌طور که ضرب‌المثل مشهور می‌گوید «کافر همه را به کیش خود پندارد». او خود را به فراموشی زده است که این هیئت تحت نظر رسمی پاک و منزّه است و هیچ فرد انصاری با اخلاصی، متعرض شدن به هیئت

یا کم کردن ارزش این هیئت را نمی‌پذیرد؛ اما گویا او مرشد و معلم این هیئت است و بر اساس خواست و هوس و مصالح و مطامع و حرص و طمع خود برایش تعیین تکلیف می‌کند که چه کار بکند و چه کار نکند.

ما چند مرتبه از او خواستیم برای اثبات حسن نیتش تنها یک قدم بردارد و فقط یکی از املاک را به عنوان گام اول به اسم هیئت به ثبت برساند ولی او پس از آنکه به ما وعده‌اش را داد این کار را انجام نداد و سر باز زد. پس از تفصیلات بسیار، هیئت خیریه مقرر کرد یک روز به او فرصت داده شود تا خانه‌اش در کوی دانشگاه را به اسم شخصی که هیئت به عنوان تضمین و اثبات حسن نیت او انتخاب می‌کند به ثبت برساند. مهلت تمام شد ولی ما پاسخی از او دریافت نکردیم بلکه حتی وقاحت، دروغ و جسارت علیه هیئت خیریه‌ای را از او شاهد بودیم که بی‌هیچ چشمداشتی، داوطلب به انجام کارهای خیریه شده است.

لذا این هیئت خیریه، رویگرانی و برائت خود را از وساطت و تعامل با این حیلہ‌گر فریبکار و غاصب حقوق مردم اعلام کرد و پس از تاریخ صدور این تصمیم در این موضوع دیگر دخالت نخواهد کرد و کار را به مردم واگذار می‌کند تا حقوق خود را با راه‌های قانونی نجات دهند و هیئت هیچ مسئولیتی را از دو طرف بر عهده نمی‌گیرد. ما از مردم بابت همه کوتاهی‌ها و تقصیرها در نجات دادن حقوقشان عذر می‌خواهیم؛ زیرا به فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسی که اطاعت نشود نظری ندارد.

و الحمد لله وحده

هیئت خیریه

۲۹/۵/۲۰۱۶ میلادی».

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. پس از اینکه شکایت‌های بسیاری در خصوص شرکت شما -شرکت شما و شریکت- در نجف اشرف به من رسید هیئت خیریه پیرو درخواستی که بنده برای مکتب نجف مطرح کردم- تشکیل شد و مکتب نجف بر کار هیئت خیریه اشراف دارد.

اگر شما دفاعیه یا هر چیز دیگری داری خوش‌آمد می‌گویم و می‌توانی یادداشتی

بنویسی و جزئیات را در آن بیان کنی و به مکتب برسانی و از آن‌ها بخواهی آن را به من برسانند و ان شاء الله خودم آن را پیگیری خواهم کرد و پاسخ‌های دیگران و شاکیان و صاحبان حقوق بر یادداشت شما را خواهم دید. اگر شما هر گونه حقی داشته باشی یا کسی در حق شما اشتباه کرده باشد حقت را خواهی گرفت وگرنه باید اموال مردم را به آن‌ها بازگردانی.

*** **

وزیر دفاع از فساد احزاب حاکم پرده برداری می‌کند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

موقعیت امروزت را در همراهی با حق، و علیه ظلم و ستم به ثبت برسان.
موقعیت خود را در همراهی با عراق - سرزمین تمدن سومر و آکد که تمدن را تأسیس و در همهٔ جهان منتشر کرده است - به ثبت برسان.

فریب اینکه خروج کردنت هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد مخور؛ این سخن درستی نیست. بیرون برو و روز جمعه علیه باطل و فساد حکومت‌های احزاب و مجلسی که آکنده از افراد فاسد است تظاهرات کن؛ و تو همه چیز را تغییر خواهی داد.

ویدئوی زیر از وزیر دفاع عراق - خالد العیدی - است. این ویدئو پس از آنکه او طبق گفتهٔ خودش مشارکت در فساد را ترک کرده است و طبیعاً دیگر وزیران، مشارکت در فساد توده‌ها و احزاب را ترک نکرده‌اند - از فساد احزاب پرده برمی‌دارد. شما باید بدانید چه فسادى در انتصاب‌ها، قرارداده‌ها و چپاول‌های برنامه‌ریزی شده‌ای که انجام می‌دهند وجود دارد.

حیف و غارت بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در دوران حکومت نور مالکی - به گفتهٔ احمد جلیبی در دیدار تلویزیونی - بهترین گواه است.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.>

۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۵۵۶۷۲۹۶۱۱۴۷۰۳۳/?type=۳&theater

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

ام زینب احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من. باید پیامی خصوصی به شما بفرستم. آیا به من اجازه می‌دهید؟ از خدا می‌خواهم با پاسخ خود بر من منت بگذارد؛ چرا که شما اهل بخشش و رحمت هستید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. پیام خصوصی بسته است. می‌توانی پیامت را برای مکتب یا دکتر توفیق یا دکتر علا ارسال کنی.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

Sahar Al Ansari: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من. عذر می‌خواهم؛ اگر اجازه بفرمایید باید پیامی خصوصی به شما بفرستم. ببخشید که وقت شما را می‌گیرم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

صفاء الخزعلی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقای من، احمد اسماعیل الحسن. ما برنامه‌ای داریم که در شبکه تلویزیونی «المنقذ العالمی» (رهای بخش جهانی) با عنوان «#العراق-ثورة» (عراق-انقلاب) ارائه می‌شود و به وضعیت کنونی کشور می‌پردازد. تمنا داریم اگر فرصت دست داد میهمان عزیز ما در یکی از نشست‌های این برنامه باشید. تصمیم با شماست، ای آقای من. از خداوند برای شما توفیق خواستاریم. کادر تهیه کننده برنامه #العراق-ثورة.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. مانعی نیست. برای ترتیب دادن این کار می‌توانی با مکتب تماس برقرار کنی؛ ان شاء الله.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

محمد السویفی الیمانی: سلام بر شما ای سید و مولای من، قائم آل محمد. آقای من، پرسشی دارم که اگر ممکن باشد پاسخ دهید، روحم به فدایتان. شما بابتی برای پیام‌های خصوصی از طریق دکتر علاء السالم و دکتر توفیق باز کرده‌ای. آیا لازم است برای شما بنویسم و اجازه بگیرم تا پیام‌های مرا بپذیرند؟ آقای من، پیامی نوشتم و به یکی از انصار فرستادم و او به دکتر توفیق فرستاد و او پاسخ زیر را ارائه کرد. این متن پاسخ: سلام بر شما ای برادر پاکیزه. پیام را به دکتر توفیق فرستادم و او می‌گوید باید برای فرستادنش از صفحه امام (علیه السلام) اجازه گرفته شود و اگر امام موافقت بفرماید برایش ارسال خواهم کرد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. اگر پیامی داری بفرست.

حکم گوشت کنسرو شده

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

منتظر احمد الیمانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من و ای پدرم. مولای من، سؤالی داریم و خواهش می‌کنیم پاسخ دهید؛ که شما اهل بخشش و گرم هستیید. در پاسخ قبلی به یکی از برادران انصار درباره گوشت کنسرو شده در استرالیا فرموده بودید که اگر روی آن نوشته باشد «حلال» می‌توان به آن اعتماد کرد. آیا این حکم برای دیگر دولت‌ها مانند عراق- نیز برقرار است؟ عذر می‌خواهم ای پدرم. از خدا می‌خواهم فتح مبین برایت بگشاید؛ با التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد.

عزیز من، این مسئله به اطمینان داشتن از منبع تولید تولید کننده گوشت قرمز مربوط می‌شود. اگر بدانی دولت تولید کننده گوشت تابع قوانین محکم در خصوص این گوشت‌ها است و تولید آن را پیگیری می‌کند می‌توانی به آنچه می‌نویسد اعتماد کنی با توجه به مراقبت‌هایی که سیستم‌های اجرایی دولتی که گوشت در آن تولید شده است به اجرا

می‌گذارد.

اما در مورد عراق یا دیگر دولت‌های اسلامی، علاوه بر آنچه گذشت می‌توان بر پیگیری و مراقبت آن‌ها نیز اعتماد کرد. وقتی حکومت اسلامی باشد به پیگیری روش ذبح در دولت تولید و صادر کننده گوشت اهمیت می‌دهد و می‌توانی بر پیگیری‌های آن‌ها اعتماد کنی حتی اگر دولت تولید کننده تابع قوانین محکم در مراقبت از تولید گوشت نباشد.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

Ihab Jaafar: آقای من، ای فدا شده، احمدالحسن! سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از خدا می‌خواهم در خیر و عافیت باشی. موضوعی شخصی و خصوصی دارم. آیا می‌توانم آن را برای شما ارسال کنم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

آیا خودکشی باعث جاودان شدن در آتش می‌گردد

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

شروحیل الانصاری: سلام بر تو ای مولای من!

برادرم پیش از این دعوت مبارک به دلیل شدت مشکلات خانوادگی خودکشی کرد. آیا او در آتش است؟ او در حالت طبیعی خود نبود بلکه مصیبت‌های دنیا بر او شدت گرفته بود و آنچه نباید، انجام داد. من چه کار می‌توانم برایش انجام دهم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. خودکشی یا آزار رساندن به خود حرام است، ولی این به آن معنا نیست که هر کس چنین کند از اهل آتش است؛ هر کس بر ولایت کسانی باشد که خداوند فرمان به اطاعت از آن‌ها را در زمانش به او داده است از اهل بهشت خواهد بود.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

ابومحمد الانصاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
پرسشی دارم که اگر اجازه دهید به شما ارسال کنم.
با تشکر.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

Ali Algareeb: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
ای سید کریم من احمدالحسن Ahmed Alhasan (علیه اسلام)، از خداوند متعال
می‌خواهم در بهترین حالت و کامل‌ترین نعمت باشید.
آقای من، عذر می‌خواهم؛ آیا به من اجازه ارسال پیام خصوصی را به برادرانی که بیان
فرمودید می‌دهید؟
خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. بفرست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

Mohtadian Al-Anbary: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما
آقای من، آیا به من اجازه می‌دهی پیامی خاص برایتان ارسال کنم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

پی‌نوشت / ۲ آگوست ۲۰۱۶:

علی جاسم الخفاجی: سلام بر شما ای سید ما. سؤالی شخصی دارم. آیا می‌توانم از
طریق دکتر علا سالم بفرستم؟ شما اهل جود و کرم هستید. از شما درخواست دعا برای
ثبات قدم به همراه شما برای یاری حق داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بفرست.

آیا واجب است ذبح‌کننده نیز رو به قبله باشد

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

علی القلاف: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... ای سید ما. شروط ذبح را خواندم... یا ذبح مرغ را به‌طور خاص؛ یعنی واجب است قربانی رو به قبله باشد... اما سرور ما، پرسش بنده این است که آیا واجب است ذبح‌کننده نیز رو به قبله باشد؟!... یا این از جمله شروط نیست...؟! ... از شما بسیار متشکریم ای سید عزیز ما... خادم شما: علی / کویت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. شرط نیست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من... امروز مادر «برادر هاشم بهادلی» به رحمت خدا منتقل شد... خداوند پاداش شما را بزرگ گرداند...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ گرداند و اعمالتان را بپذیرد. از خدا می‌خواهم به هاشم بهادلی و همه خانواده و دوست‌داران آن بانو، صبر بر مصیبتشان عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

ابو عماد المحمدی: سلام و رحمت و برکات بر شما.
تو سیدی و چه نیکو سیدی هستی!
تو امامی و چه نیکو امامی هستی!
تو پدری و چه نیکو پدری هستی!

تو برادری و چه نیکو برادری هستی!

تو دوستی و چه نیکو دوست هستی!

تو رفیقی و چه نیکو رفیقی هستی!

خادم، پسر و رفیق شما، ثائر هادی محی العاصمی المحمدی (ابو عماد العاصمی
واسطاً * الزبیدیة).

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. ابو عماد بزرگوار، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا
می‌خواهم شما و همه کسان که به شما پناه می‌آورند در خیر و صحت و عافیت باشید.
سلام من به همه نزدیکان و به همه بزرگواران اهل زبیدیة. خداوند همه شما را حفظ
فرماید.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

نور احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدرم...

یکی از خواهران پرسش زبیر را نقل کرده است... و از خداوند امید دارد که شما
پاسخش را بدهی...

پرسش: وقتی طهارت ندارم، می‌ایستم و جلوی دختر کوچکم ادای نماز درمی‌آورم،
چون او با من نماز می‌خواند؛ ولی من گفته‌های نماز را تکرار نمی‌کنم فقط در حین همه
کارهای نماز بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستم... آیا این کار جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.

حکم نگاه کردن و لمس کردن زن یا کودک هنگام معالجه

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

Sinan Hassan: سلام بر شما. آقای من، بنده در اورژانس به عنوان پرستار کار
می‌کنم و گاهی دختر بچه‌هایی برای تزریق نزد من می‌آورند و من در وضعیت دشواری قرار
می‌گیرم چون بعضی از آن‌ها چهار سال یا بیشتر سن دارند؛ با وجود اینکه پرستار زن نیز

وجود دارد ولی همه آن‌ها (دختر و پسر) را کودک محسوب می‌کنند یا کسی که دختر بچه را آورده پدر یا برادرش است و نمی‌تواند به بخش زنان مراجعه کند. آقای من! سؤال من: آیا سن مشخصی برای دختر بچه‌ها وجود دارد تا من بتوانم آن‌ها را برای تزریق عضلانی عربان کنم؟

همچنین گاهی اوقات زنانی به ما مراجعه می‌کنند که دچار زخم یا سوختگی یا شکستگی تا حدودی پیچیده هستند و پرستار زن نمی‌تواند به معالجه آن‌ها بپردازد چون تجربه کافی برای چنین وضعیت‌هایی ندارد و ما پرستاران مرد مجبور به درمان‌شان و آشکار کردن مکان زخم یا سوختگی یا شکستگی هستیم؛ آیا این کار برای ما گناه محسوب می‌شود؟

از خدا می‌خواهم شما را محفوظ بدارد و از هر شری حفظتان فرماید، ای سرور من. ببخشید که وقت شما را گرفتم. والحمد لله رب العالمین. مولای من، از شما التماس دعا دارم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. نگاه یا لمس کردن، حرام است مگر در حالت اضطرار که این حرمت برداشته می‌شود؛ یعنی مانند وضعیتی که شما بیان کردی؛ هنگامی که به دلیل نبودن خانمی که اقدام به درمان کند یا وجود زنی با تجربه کم و عدم کفایت کافی، مرد مجبور به درمان زن می‌شود.

اما در مورد دختر بچه‌ای که بالغ نشده در صورت وجود خانمی که اقدام به درمان او کند و اضطراری هم وجود نداشته باشد، اگر درمان او مستلزم نگاه یا لمس کردن سینه تا زانو‌ها باشد بهتر است مرد از درمان او اجتناب کند، اما درمان یا لمس کردن او یا نگاه کردن به موضع درمان بدن او حرام نیست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

باسم الانصاری: سلام بر شما مولای عزیزم. سؤالی از محضرتان دارم ای پدر عزیز ما. در مورد حد ترخص، مناطقی وجود دارد که اطرافش خانه‌های پراکنده و کارگاه‌های

تولید یخ، مخازن یا موارد مشابه دیگر وجود دارد و تا مسافتی که کوتاه نیست امتداد می‌یابد. آیا این ساختمان‌ها جزو شهر به شمار می‌روند؟ از شما درخواست دعا برای پدرم و خودم و همه انصار داریم. ما خیلی نیازمند دعایتان هستیم ای مولای بزرگوار ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اگر میان آن‌ها و شهر، انقطاعی نباشد، ادامه شهر به شمار می‌روند.

آیا خریدن کاشی دارای نقش ستاره پنج پر یا شش پر برای سرویس بهداشتی جایز است؟

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

مهدی العراقی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقای من! پرسش من در خصوص ستاره پنج پر است؛ اینکه آیا این ستاره به پیامبری از انبیا بازمی‌گردد مثل ستاره شش پر که به داوود نبی (علیه السلام) بازمی‌گردد؟ و آیا خریدن سرامیک‌های سرویس‌های بهداشتی که دارای ستاره پنج پر هستند جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. خریدن سرامیک چه بر آن ستاره پنج پر باشد و چه شش پر، جایز است.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

علی البصری: سلام بر شما، آقای من. سؤالی خاص دارم. آیا می‌توانم به شما ارسال کنم؟

آقای من، برای من و پدرم دعا کنید تا انصار شما باشیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

Mahdie Ahmadi: سلام بر شما آقا و مولای من...

ای پدرم! ان شاء الله بنده یکی از مؤمنان به این دعوت مبارک و آسمانی هستم... ای مولای من، چندین بار پیامی برای شما نوشتم ولی به آن پاسخ ندادید. آیا به عنوان مثال- از بنده آزرده خاطر یا خشمگین هستید و به همین دلیل پاسخ پیامم را نمی‌دهید؟ اگر دلیلش این است، آیا ممکن است مرا نصیحت بفرمایید، ای آقای من؟ من سه مرتبه شما را در رؤیا دیده‌ام. آرزو می‌کنم آن روزی که تمکین می‌یابید فرابرسد و ما زیر پرچم شما باشیم و شما را -ای آقای من- از نزدیک ببینیم... مولای من، خداوند شما را ان شاء الله حفظ کند... خادم شما هستم، مولای من. مرا ببخشید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۳ آگوست ۲۰۱۶:

Mahdi Irani: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. سؤالی دارم اگر اجازه بدهید آن

را بفرستم.

با تشکر.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. بفرست.

*** **

آدرس الکترونیکی دیدار استاد صفا خزعلی با سید احمدالحسن

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۹ آگوست ۲۰۱۶:

آدرس زیر برای کسانی است که مایلند ملاقاتی را که استاد صفا خزعلی اجرا کرده

است بشنوند!

<https://www.youtube.com/watch?v=AUbnrSM0yY8&feature=youtu.be>

*** **

تسلیمت به مناسبت شهادت امام جواد (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ سپتامبر ۲۰۱۶:

خداوند پاداش‌های شما را در یاد شهادت امام جواد محمد بن علی بزرگ گرداند!

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۰۷۷۵۳۰۹۰۵۶۲۷۹۰۵/?type=۳&theater>

*** **

انقلاب حسین بزرگ‌تر از کربلای گذشته و کربلای کنونی است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۴ اکتبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

خداوند پاداش‌های شما را در مصیبت حسین، آل حسین و اصحاب حسین بزرگ

گرداند.

انقلاب حسین بزرگ‌تر از کربلای گذشته و کربلای کنونی است.

حسین برای جامه عمل پوشاندن به اصلاح و عدالت خروج کرد در حالی که

می‌دانست انقلابش مشعلی است که برافروخته خواهد شد تا راه را برای عدالت و حکومت

انسانی عادلانه‌ای که انسان از زمان سپیده‌دمان تاریخ به دنبالش است، روشن گرداند.

از نظر من:

العالمی» آن را ضبط کرد و بیشتر محور آن در خصوص اوضاعی است که عراق در این مرحله سپری می‌کند.
۱ - فایل پیوست، بخشی از ویدئوی زیارت امام جواد (صلوات الله (علیه السلام) با صدای قاری علی ساعدی است.

تاریخ هنوز پایان نیافته است و دموکراسی سرمایه‌داری پایان تاریخ نیست.

“History says, Don’t hope On this side of the grave
But then, once in a lifetime The longed for tidal wave
Of justice can rise up And hope and history rhyme”

ترجمه:

«تاریخ به ما می‌گوید این سوی قبر امیدی نیست
ولی یک روزی در طول زندگانی، موج بلند عدالت بر فراز این جزر و مد اوج خواهد
گرفت

تا تاریخ و امید هم‌قافیه شوند».

ایات از شاعر و نویسنده شهیر جهانی شیموس هینی.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۹ اکتبر ۲۰۱۶:

آه ای عباس^۱.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.>

۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۱۰۵۷۲۶۱

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۱ اکتبر ۲۰۱۶:^۲

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.>

۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۱۰۷۴۸۰۰۸۵۹۶۶۳۲۰/?type=۳&theater

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۱ اکتبر ۲۰۱۶:^۱

۱ - فایل پیوست شده بخشی از ویدئو مربوط به نوحه‌خوانی ابو الفضل العباس (صلوات خدا بر او) است.

۲ - فایل پیوست شده بخشی از قصیده‌ای حسینی در شهادت مسلم بن عقیل (صلوات خدا بر او) است.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.>

۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۱۰۷۵۶۱۲۹۵۹۵۸۱۹۹/?type=۳&theater

** ** ** **

پی‌نوشت / ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶:

Sayed Rashid Hashemi: سلام بر تو ای صاحب مصیبت، ای مولای ما، سید احمد

الحسن (علیه السلام).

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

پی‌نوشت / ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶:

Sayed Rashid Hashemi: سلام بر تو ای امام زمان ما، ای مولای من، ای یمانی آل

محمد (علیه السلام).

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

پی‌نوشت / ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶:

غفران عبد الحسین: خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند، ای آقای من.

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

پی‌نوشت / ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶:

صالح الجبوری الجبوری: آقا و مولای من، قائم آل محمد (علیه السلام)! خداوند پاداش شما را

در این فاجعه دردناک بزرگ بگرداند.

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

خداوند پادشاه‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

*** **

شما با عراق چه کرده‌اید ای احزاب فاسد؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۰ اکتبر ۲۰۱۶:

شما با عراق چه کرده‌اید ای احزاب فاسد؟!

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/vb.>

۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸/۱۱۱۴۷۶۶۸

*** **

انتشار آدرس‌های کتاب «وهم الحاد» (توهم بی‌خدایی) به عربی و انگلیسی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ اکتبر ۲۰۱۶:

کتاب «توهم بی‌خدایی» به زبان انگلیسی:

The Atheism Delusion in English:

http://www.saviorofmankind.com/Atheism_Delusion/#p=1

کتاب «توهم بی‌خدایی» به زبان عربی:

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/live/wahmilhad/>

*** **

گفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف متقین

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۱ اکتبر ۲۰۱۶:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) در توصیف متقین می‌فرماید:

۱ - فایل پیوست شده شامل بخشی از ویدئوی مربوط به یکی از مدارس ابتدایی در عراق است که کتاب‌های کهنه و پاره و مندرس را به دانش‌آموزان توزیع می‌کند.

«هرگاه یکی از آنان را تمجید کنند از آن تمجید بیمناک شده، گوید: من از دیگران به خودم آگاه‌ترم، و پروردگارم از خودم به من داناتر است؛ خداوندا، مرا به آنچه دربارهم می‌گویند مگیر و از آنچه می‌پندارند بهتر گردان و زشتی‌هایی را که از من خبر ندارند بر من ببخشای. از نشانه‌های دیگر آنان این است که هر کدام را دارای نیرومندی در دین، دوران‌دیشی با نرمی، ایمان همراه یقین، حرص در دانش، علم با بردباری، میان‌روی در توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی، جویا در حلال، نشاط در هدایت، و دوری از طمع می‌بینی. اعمال شایسته به جا می‌آورد در حالی که ترسان است. شب می‌کند در حالی که همت و تلاشش شکرگزاری است، و روز می‌کند در حالی که همت و تلاشش به ذکر است. شب را به سر می‌برد با خوف، و روز می‌نماید دلشاد: خوف از غفلتی که او را از آن برحذر داشته‌اند، و دلشاد از فضل و رحمت حق که به دست آورده است. اگر نفسش او را در آنچه بر او سنگین است پیروی نکند او نیز آنچه را که نفسش به آن رغبت دارد به او نخواهد داد. روشنی چشمش در آنچه است که زوالی ندارد، و بی‌رغبتی‌اش در آنچه است که پایدار نیست. بردباری را با دانش، و گفتار را با عمل در هم می‌آمیزد. او را می‌بینی که آرزویش نزدیک و کوتاه، لغزشش اندک، دلش فروتن، نفسش قانع، خوراکش اندک، آموزش آسان، دینش محفوظ، شهوتش مرده، و خشمش فروخورده است. از او توقع خیر دارند، و از شرش در امان هستند. اگر در میان غافلان باشد از ذاکران به حساب آورده می‌شود، و اگر در میان ذاکران باشد در شمار غافلان شمرده نمی‌شود. از آن که بر او ستم روا داشته در می‌گذرد، به آن که او را محروم نموده عطا کند، و با کسی که با او قطع رحم نموده پیوند می‌کند. زبان دشنام ندارد، گفتارش نرم، زشتی‌اش غایب و خوبی‌اش حاضر است، نیکی‌اش روی آورده، و شرش روی گردانده، در حوادث آرام، در ناخوشی‌ها سنگین، و در خوشی‌ها شاکر است. بر آن کسی که خشم می‌گیرد ستم نمی‌کند، و برای آنچه دوستش می‌دارد مرتکب گناه نمی‌شود. پیش از آنکه بر ضدش گواهی داده شود، خودش اعتراف به حق می‌کند. امانت را تباہ نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد، احدی را با لقب زشت صدا

نمی‌کند، به همسایه زیان نمی‌زند، برای بلاهایی که به سر مردم می‌آید شادی نمی‌کند، در باطل وارد نمی‌شود، و از حق خارج نمی‌گردد. اگر سکوت کند سکوتش غمگینش نکند، و اگر بخندد صدایش بلند نمی‌شود، و چون به او ستم روا دارند صبر پیشه سازد تا خدا انتقامش را بگیرد. از خود در رنج است، و مردم از او در راحتی. در امر آخرت، خود را به زحمت اندازد، و مردم را از جانب خود قرین آسایش کند. دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و بزرگی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست»^۱.

*** ** **

پذیرفتن رشوهٔ یک میلیون دلاری توسط وزیر امور خارجهٔ آمریکا، کلینتون.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۵ نوامبر ۲۰۱۶:

#دموکراسی

وقتی کلینتون وزیر خارجهٔ آمریکا بود کمکی (رشوه‌ای) به ارزش یک میلیون دلار از قطر پذیرفت.

وقتی یک میلیون دلار در سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذار است ما چاره‌ای نداریم جز اینکه این ضرب المثل معروف عراقی را به زبان آوریم: «الله یدیمک یا رخص» (خداوند این حقارت را مستدام بدارد).

احمدالحسن

#Democracy

When Clinton was the foreign minister of America, she accepted a donation of one million dollars from Qatar (as a bribe).

At a time that a million dollar has an impact on America's

foreign policy, we've got nothing to say but as the famous Iraqi quote states "May God last this heapness"

AHMED AL HASAN

<http://www.reuters.com/article/us-usa-election-foundation-idUSKBN12Z2SL>

*** ** *

تسلیت به مناسبت شهادت حیدر خزعلی و فراخوان برای بازخواست مسببان سقوط
موصل

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ نوامبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

انا لله و انا الیه راجعون (همه از خداییم و به سوی خدا بازمی گردیم). خداوند پاداش
همه شما را در شهادت برادرتان و فرزند عزیز ما «حیدر خزعلی» در موصل، بزرگ بدارد. از
خدا می خواهم شأن و منزلت او را افزون کند و با محمد و آل محمد مبعوثش بدارد و
پاداش خانواده و دوست دارانش را در او بزرگ بدارد و به آنها بر مصیبتشان صبر الهام
فرماید و عاقبتشان را خیر آخرت و دنیا قرار دهد.

همچنین: اظهار تسلیت و همدردی می کنم با همه خانواده های پاکي که محبوب و
عزیزان خود را در نبردهای موصل و تمامی میدان های جنگ پیش از آن، از دست
داده اند.

و تکرار می کنیم: بازخواست همه کسانی که مسبب سقوط موصل شدند تا آنجا که کار
به تهدید مقدسات ما رسید و بسیاری از دوستان و عزیزانمان را در نیروهای مسلح از
دست دادیم، واجب است.

کسانی که مسبب سقوط موصل و مصیبت هایی که به دنبال آن به بار آمد شدند

برای هیچ کسی ناشناخته نیستند. کسانی که در این موارد باید بازخواست و محاکمه شوند عبارت‌اند از: فرمانده کل نیروهای مسلح در آن زمان، و فرمانده قوای نظامی که به‌طور مستقیم با این حادثه ارتباط دارند و استاندار پیشین نینوا.

تلاش برای ایجاد بهانه‌های پوچ و واهی برای این افراد از سوی احزاب یا دوستانشان، یا آزاد گذاشتن آن‌ها بدون هیچ محاکمه یا بازخواستی، گناه و خیانت در حق مردم عراق شمرده می‌شود و توهین و بی‌احترامی به خون‌های پاک است که برای پاسداری از سرزمین و عرض و مقدسات ریخته شده است.



]ترجمه متن تصویر:

بسم الله الرحمن الرحيم (انا لله وانا اليه راجعون)
 به دل‌هایی مؤمن به قضا و قدرت الهی. به این وسیله دفتر ممثل مكتب سيد امام احمدالحسن وصی و فرستاده امام مهدی- در بغداد تسلیت و همدردی خود را به سید امام (علیه السلام) و همه برادران انصار و خانواده‌های شهید برادر انصاری «حیدر خزعلی» اعلام می‌نماید. او در حالی که از سرزمین و عرض و آبرو و مقدسات دفاع می‌کرد در میدان نبرد موصل به شهادت رسید. از خداوند سبحان و متعال می‌خواهیم او را قرین رحمت خود قرار

دهد و با رحمت وسیع خود پذیرایش گردد و ساکن
بهشت‌های پهناورش نماید و به خانواده و دوستانش صبر
جمیل و آرامش الهام فرماید]

*** **

عقیده و دیانت ترس و ترور، همان سلفی‌گری وهابی است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ نوامبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

از خدا می‌خواهم این امر را سببی برای ثبات قدم شما بر حق و یاری دادنش و فزونی
پاداش‌های شما نزد خدای سبحان قرار دهد.

عزیزان در آرژانتین و در هر جای دیگر: از خدا می‌خواهم این رفتار اشتباه از سوی
برخی مقامات را سببی قرار دهد برای اینکه به آن‌ها بیان کنید تروریسم یک شاخصه
عمومی اسلامی نیست و عقیده آل محمد از ارباب و ترور و آزار دادن دیگران، به دور
است. عقیده و دیانت ترس و تروریسم، سلفی‌گری وهابی است و خاستگاه و پشتیبانش از
ناحیه سعودی و برخی دولت‌های خلیج است که ترس و ترور وهابی سلفی را در سراسر
جهان پشتیبانی می‌کنند. همه دولت‌های جهان باید موضع‌گیری روشنی نسبت به
تروریسم وهابی سلفی اتخاذ نمایند و همان طور که پیشتر بیان کردم همه سازمان‌های
تروریستی - که بر تروریستی بودن آن‌ها در جهان اتفاق نظر وجود دارد - سلفی‌های وهابی
هستند و هر وهابی سلفی، یا یک تروریست است یا یک سرمایه‌گذاری تروریستی برای
آینده.

به علاوه: از شما که مردم و به خصوص غیر مسلمان‌ها را در همه جهان دعوت
می‌کنید می‌خواهم از بحث و مناقشات حاکمیت و امور سیاسی متعلق به دین دوری و
فقط به بحث و بررسی دینی اعتقادی بسنده کنید. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به
شما عطا فرماید.

Peace, mercy and blessings of Allah be upon you.

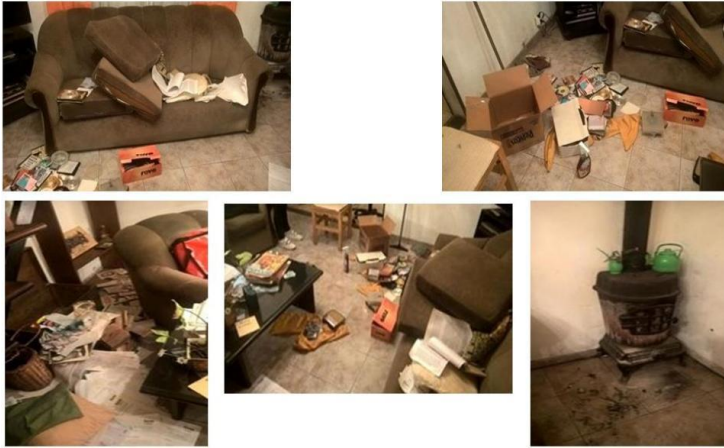
I ask God to make this matter a reason for your steadfast on the truth and its support and to increase your rewards with Him Almighty.

Loved ones in Argentina and everywhere else, I ask God to make this erroneous behaviour of some authorities a reason to explain to them that terrorism is not Islamic in general. The doctrine of the progeny of Muhammad is far from terrorism and harming others and that the doctrine and religion of terrorism is the Salafi Wahhabism. Their origin and support is from Saudi Arabia and some of the gulf countries that are supporters of the Wahhabi Salafi terrorism around the world. The countries of the whole world should take a clear position against the Wahhabi Salafi terrorism. As I previously said, all the terrorist organisations that are widely agreed to be terrorist organisations are Salafi Wahhabi.

Every Wahhabi Salafi is a terrorist or a future terrorist project.

I also hope that when you spread the word to people around the world, especially non-Muslims, to refrain from discussing the supremacy and political matters related to religion and to suffice only to the religious ideological discussion. May Allah reward you with reward of the good doers^۱.

۱ - تصاویر موجود در این بیانیه برگرفته از صفحه «Mariano ricardo Calle» می باشد.



آدرس لینک نشست گفت‌وگو به مناسبت شهادت رسول خدا ﷺ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آدرس الکترونیکی نشست گفت‌وگو که «دانشکده پژوهش‌های عالی دینی و زبان‌شناسی» در نجف اشرف به مناسبت شهادت رسول خدا ﷺ برگزار کرد:

<https://youtu.be/uWmpltvVoul>

شرکت نکردن نکردن امام صادق (علیه السلام) در حکومت عباسیان علی‌رغم اینکه بنیان‌گذارانش مشارکت را به امام پیشنهاد داده بود

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

به مناسبت یادبود ولادت رسول خدا محمد ﷺ و ولادت امام صادق جعفر بن محمد

(صلوات خدا بر او) هر سال همه در خیر و عافیت باشید.
امام صادق علیه السلام در حکومت عباسیان مشارکت نکرد علی رغم اینکه بنیان گزارانش (ابو سلمه خلال و ابو مسلم) مشارکت در حکومت را به امام عرضه کرده بودند.
بنده معتقدم این ماجرا به بازخوانی عمیقی نیازمند است تا عقیده آل محمد (صلوات خدا بر آنان) را در مورد حکومت عادلانه با نگاهی عبرت‌آمیز برگزید. زیرا بیشتر طرح‌هایی که درباره آن مطرح می‌شود دقیق نیست.

** ** *

تبریک به مناسبت ولادت عیسی علیه السلام

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ دسامبر ۲۰۱۶:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

به مناسبت ولادت مبارک او:

هر سال شما و همه دوستداران عیسی یا یسوع از مسلمان و مسیحی- در خیر و عافیت باشید.

پی‌نوشت / ۲۵ دسامبر ۲۰۱۶:

شیخ ابو حیدر ناصری: صلوات و سلام بر شما، خانواده و انصاران ای عزیز من، آقای من. تو احمد، که شایسته‌ترین و بهترین نامت احمد است. هیچ یک از اسم‌هایت چنین نامی را که خداوند تو را با آن نامیده است به تو نمی‌دهند. الحمد لله؛ خیر به رویت و قدمت و بیعتت. به خدا قسم اگر بگویم همه بهشت‌ها معادل اندک چیزی از نسیم‌های روحانی محمدی شما نیستند مبالغه نکرده‌ام. سلام و صلوات تام و تمام خداوند بر محمد بن حسن عسکری و وزیر و خاندانش.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، شیخ جلیل ابو حیدر ناصری، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را حفظ کند و برایت مبارک گرداند و خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات فرماید، و مرا توفیق خدمت

به شما دهد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

عباس فتاحی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، ای آقا و مولای من!
این مناسبت برایتان مبارک باشد.
از خدا می‌خواهیم شما و پدرتان را در زمین تمکین عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

علی البصری: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من و پدرم، خداوند شما را
زنده بدارد. برایم دعا کن.
آقای من، نصیحت شما به جوانان چیست؟ مرا از دعای خود فراموش نکن، ای حبيب
من.

شکر خدا که جزو رتبه اولی‌های دانشگاه شدم. از شما تشکر می‌کنم. خداوند شما را
برای ما محفوظ بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. هزار تبریک. از خدا می‌خواهم گام‌هایت را به آنچه
خودش می‌پسندد و راضی است استوار، و خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات فرماید.

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

جواد طاهر الغرابی الحسینی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.
و بر تو ای عیسی، سلام خدا با ذکر پیروزمند.
اینک او، شبیه توست در عالم بالا از آل احمد و ملیح.
اینک او، تسلی‌بخش، قائم مهدی است، دارنده قلبی دردمند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سید جلیل حسینی، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند شما را حفظ کند و از خدا می‌خواهم خیر آخرت و دنیا را روزی تان بگرداند.

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

صدرا علی پور: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

هر سال در هزار هزار خیر باشی، ای سید و سَنَد و مولای من. خداوند شما را در زمین تمکین عطا فرماید.

سلام بر مهدی پسر فاطمه زهرا علیها السلام

آقا و مولای من، احمدالحسن! تو همان هستی که ما را از شرارت‌ها، پلیدی‌ها و زینت‌های دنیا دور کردی و ما را با نور فهم و علم، بزرگ بداشتی.

آقای من، به خاطر این کلمات از جنابتان عذر می‌خواهم:

متأسفانه پس از گذشت سه سال که پیام‌های پیاپی به مکتب شریف فرستاده‌ایم اما به نظر می‌رسد مکتب شریف نه فقط پاسخ استدلال‌های ما را نمی‌دهد بلکه حتی -طبق اخباری که به ما رسیده است- در کمال شگفتی، آن‌ها به ما پشت کرده‌اند و مسئولانی که بر مکتب شریف اشراف دارند فقط به اخبار تهمت‌ها، اشارات و دروغ‌هایی را که به ما بسته می‌شود گوش می‌سپارند و سخن ما را نمی‌شنوند.

با این حال بنده و تعداد بسیاری از دوستان انصار ناشناخته، سال‌های بسیاری بی‌هیچ چشمداشتی امور خود را برای اعلام دعوت شما پیگیری می‌کنیم و اکنون احساس گناه و کوتاهی از سوی خود می‌کنیم زیرا لازم بود پیش از اینها در ارائه موضوع به شما شتاب می‌کردیم، ولی خواهستم به شما بگویم -ای آقای من- به سبب این تبعیضی که از سوی مکتب به ما روا داشته شده است من اکنون اعلام را رها می‌کنم؛ چون نمی‌خواهم جای دوستان حقیقی از انصار عرب‌زبان را برای مکتب بگیرم؛ و مسئول این تصمیم، مکتب و انصار مشرف بر آن هستند که ما را در این سال‌ها به حال خود رها کرده‌اند و نامه‌ها و اعتراض‌های ما را پاسخ نگفته‌اند.

علی رغم این وضعیت، ما به‌طور کامل به مکتب یمانی موعود ایمان داریم ولی می‌دانیم که انتقاد از برخی از کارهای مکتب و مسئولین، به دستور شما است و شما به همه انصار اجازه چنین کار را صادر فرموده‌ای.

امیدوارم قصور و کوتاهی ما را ببخشید زیرا خود شما فرموده‌ای انتقادهای ما موجب پیشرفت و اصلاح در دعوت مبارک می‌شود.
از شما خواستار دعا هستیم.
تعدادی از انصار ایران.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو و همهٔ دوستان مؤمن در ایران عزیز را زنده بدارد.

اگر شکایتی دربارهٔ موردی دارید یا درخواستی دربارهٔ موردی معین دارید می‌توانید آن را با یکی از اعضای مکتب، مورد بحث و بررسی قرار دهید، و اگر گفت‌وگو کرده‌ای و آن‌ها قادر به یاری شما نبودند می‌توانی نامه‌ای به من بنویسی و خواستهٔ خود را در آن بنویسی و به شیخ فاضل ناظم العقیلی یا یکی از اعضای ادارهٔ مکتب در نجف اشرف بدهی و ان‌شاءالله آن‌ها آن را به من خواهند رساند.

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

ابو غالب الشمری: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، ای سید و مولای ما.
[امسال] سال خیر و تمکین زمین برای شما باشد، آقا و مولای من. تبریکات مرا بپذیر ای پسر رسول خدا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

جایز نبودن برداشتن اموال شوهر بدون اجازهٔ او

پی‌نوشت / ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶:

مصطفی ثقفی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، ای آقا و مولای من. پرسشی دارم: «اینجا و آنجا زن‌هایی هستند که اموالی از شوهران خود برمی‌دارند بی آنکه شوهر بدانند در حالی که زن می‌گوید شوهرم به من پول نمی‌دهد و من ناچارم مقداری از اموال را بردارم بی آنکه او متوجه شود. آیا این کار حلال است یا حرام؟ آقای ما، خواهش می‌کنم

پاسخ دهید».

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

باید رابطه میان زن و شهور فراتر از پول و اموال باشد، و باید میان آن دو مودت و رحمت و رابطه ای پاک وجود داشته باشد که تفاهم بر آن حکم فرما باشد؛ اما به طور کلی تا وقتی شوهر به همسرش برای رفع نیازهایش و نیازهای فرزنداناش آنچه را که احتیاج دارند نفقه می دهد برای زن جایز نیست اموال شوهرش را بدون اجازه وی بردارد.

پی نوشت / ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶:

احمد کاظم علی الحاشی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. درگذشت برادر

الناشی ابوفلاح را به شما تسلیت می گویم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند پاداش همه شما را بزرگ گرداند. از خدا می خواهیم با رحمت و واسعة خودش رحمت آورد و برای او شهادت راستی با محمد و آل محمد ثبت فرماید و به خانواده و دوستدارانش صبر بر مصیبت عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می کند، و او ارحم الراحمین است.

حمایت از علاقه مندان به درس خواندن در حوزه مهدوی و دانشکده پژوهش های عالی

پی نوشت / ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶:

صهیب الرومانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ای مولای ما، سید احمد، ای نور دیدگان... سؤالی داریم...

آیا راهی برای فرستادن یک یا دو نفر فقط برای طلب علم وجود دارد، به این دلیل که وجود متخصص، امری مهم و ضروری است؟ اگر صرف کردن وقت برای طلب علم کاری پسندیده از نظر شما باشد... راه این کار چیست؟... زیرا درها برای این خواسته -آن طور که

برادران به من خبر داده‌اند. در دسترس همگان قرار ندارد. چون تحصیل در حوزه مهدوی در عراق برای کسانی که خارج از عراق هستند فعلا میسر نیست... و دری که در حال حاضر گشوده است، اینترنت است... ولی این در با اینکه سودمند است اما متخصص نمی‌سازد... زیرا تخصص حقیقی همان طور که جنابان مستحضر هستیند نیازمند فراغت حقیقی است.

و مهمتر از آن اینکه این عرصه نیازمند حداقل یک یا دو شخص متخصص است که از شایستگی‌های عالی برخوردار باشند و بتوانند به نوبه خود خبرهای خود را به دیگران نزد ما برسانند... و اینگونه علم و خبرها منتقل می‌گردد... و چنین تخصصی در حال حاضر نیازمند تحصیل در سرزمین اصلی، و نیازمند تماس عملی با علمای انصار در حوزه مهدوی است.

و این - ان شاء الله - بهترین فایده را به ما خواهد رساند. آیا راهی به ما پیشنهاد می‌کنید تا بدانیم در برابر این واجب چه باید بکنیم؟

از خدای متعال و شما و همه انصار به خاطر جرأت و جسارت‌م در محضر شما عذر می‌خواهم.

از خدا می‌خواهم ما را در برابر خویشتن خودمان یاری کند تا از ثابت‌قدمان و یاری کنندگان برای برآوردن نیازهای آل محمد اطهار باشیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تا جایی که به بنده مربوط می‌شود ان شاء الله همه حمایت‌های ممکن را برای دوستانی که مایل به تحصیل در حوزه مهدوی یا موسسه پژوهش‌های عالی هستند انجام خواهیم داد، چه از ایران باشند چه از افغانستان، سوریه، لبنان، کشورهای خلیج، مالزی، اندونزی، تایلند و دیگر کشورهای جهان. شما فقط باید اقدامات قانونی لازم را برای اقامت قانونی در عراق انجام دهید تا دچار مشکلات قانونی نشوید. بنده چندین مرتبه دوستان را در اداره مکتب مکلف به حل مسئله اقامت برای کسانی کردم که می‌خواهند تحصیلات دینی در عراق داشته باشند ولی آن‌گونه که معلوم است تا کنون به راه حلی

نرسیده‌اند. به‌طور کلی شما به ارتباط داشتن با آن‌ها ادامه دهید تا به نتیجه سودمند برسید. خداوند همه شما را به آنچه خیر آخرت و دنیایتان در آن است یاری فرماید.

** ** *

درمان فساد با ابزار و ادوات فاسد، شدنی نیست

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۰ فوریه ۲۰۱۷:



** ** *

پی‌نوشت / ۱۰ فوریه ۲۰۱۷:

ابو سجاد الساعدی: فعلا فقط شعار میدان و دوباره برمیگردن سر خانه اولشان و همان مار قبلی از همان سوراخ قبلی آن‌ها را نیش می‌زند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. معالجه فساد با ابزار و ادوات فاسد انجام نمی‌شود. چنین معالجه‌ای نتیجه‌بخش نخواهد بود و قابل اصلاح نیست. متأسفانه آنچه برخی از آن‌ها در این روزها انجام می‌دهند شبیه تابلویی است که بر آن نوشته شده سیگار کشیدن ممنوع، در حالی که خودش سیگاری به دست گرفته، می‌کشد.

** ** *

کشتن تظاهرات کنندگان بی‌گناه، گناهی است نابخشودنی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ فوریه ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

کشتن تظاهرات کنندگان بی‌گناه، گناهی است نابخشودنی.

کسی که دستور می‌دهد یا آن کسی که گلوله جنگی به افراد ناتوان شلیک می‌کند قصد کشتن دارد و باید محاکمه شود.

کسی که دستور دهد یا آن کسی که گاز اشک‌آور شلیک کند مجرم و قاتل است و واجب است محاکمه شود؛ چرا که روشی مجرمانه برای کشتن برخی از تظاهرات کنندگان بی‌گناه به کار برده است. چنین عملی به شکلی فجیع بارها در تظاهرات تکرار شده است. احزابی که ادعای نمایندگی اسلام را دارند چیزی جز مرگ و خرابی به عراقی‌ها تقدیم نکرده‌اند.

حکومت انسانی از زمان شکل‌گیری‌اش در سومر، بر پایه‌هایی استوار بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تلاش برای برپایی رفاه اجتماعی بوده است.

آیا شما، احزاب یا یکی از آن‌ها را دیده‌اید که دیدگاهی اقتصادی ارائه و بخواهد آن را پیاده نماید و معتقد باشد رفاه جامعه عراقی را محقق خواهد کرد؟!

آیا دست کم از آن‌ها کلی‌گویی‌هایی در این خصوص شنیدید؟! چه برسد به جزئیات؟!

آیا شنیده‌اید که یکی از آن‌ها به عنوان مثال- بگوید با استفاده از سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد آزادی‌هایی را به ارمغان می‌آورد که فریدمان و هایک^۱ نظریه‌پردازی

۱ - میلیون فریدمن (۱۹۱۲ تا ۲۰۰۶) اقتصاددان آمریکایی. پشتیبانی او از اقتصاد بازار آزاد معروف است. او در سال ۱۹۶۲ اشاره به کاستن نقش حکومت در اقتصاد کرد و در سال ۱۹۷۶ جایزه نوبل در اقتصاد را به دست آورد. فردریش هایک (۱۸۹۹ تا ۱۹۹۲) اقتصاددان اتریشی است و با دفاع خود از سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد و نقد بر تفکر اشتراکی [مخالفت با سوسیالیسم] در گذشته شناخته می‌شود. وی در سال ۱۹۷۴ میلادی جایزه نوبل اقتصاد را به همراه رقیبش جونار میردال به دست آورد.

کرده‌اند و در آمریکا و بیشتر دولت‌های غربی پیاده شده است؟! آیا شنیده‌اید یکی از آن‌ها بگوید با اقتصاد مبتنی بر دولت [اقتصاد سوسیالیستی]، تأمین اجتماعی به ارمغان آورده خواهد شد؟! آیا حتی شنیده‌اید یکی از آن‌ها هیچ دیدگاهی اقتصادی مطرح کرده باشد هرچند ایده‌های بی‌هوده بی‌ارزش بوده باشد؟!

عراق امروز اساساً کشوری است که از نظر اقتصادی از دست رفته و تباه شده است بی‌هیچ دیدگاهی اقتصادی، و آنچه امروز وجود دارد تنها گروهی حسابگر است که بر اساس فعل و انفعالات آنی و زودگذر رفتار می‌کنند، نه فراتر؛ مثل بردن عراقی‌ها زیر قرض بانک‌های دولتی.

این دست کم برآوردی است که بنده با استفاده از زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی حکومت عراق از سال ۲۰۰۵ تا امروز به دست آورده‌ام.

و فراتر از این شکست و ناتوانی در اداره اقتصاد، ما دزدی‌ها و غارت‌های مفتضح را شاهد هستیم به طوری که همگان آن را درک کرده‌اند و حتی خود سارقان هم به آن اعتراف می‌کنند؛ تا آنجا که کار به جایی رسیده است که آنچه دولت قانون و حزب دعوت نامیده می‌شود برای اصلاح اوضاع به تلاش می‌پردازند و با وقاحت تمام در جست‌وجوی دزد و فاسد هستند تا او را بازخواست کنند و اموال چپاول شده را بازگردانند؛ گویا کسانی که بر عراق حکومت می‌کرده و هنوز هم حکومت می‌کنند عده‌ای هستند که از مریخ آمده‌اند و کسی آن‌ها را نمی‌شناسد و رهبران حزب دعوت و دولت قانون و دیگرانی که احزاب سیاسی-اسلامی نامیده می‌شوند نیستند.

مثلی عراقی است که می‌گوید: «نان را به نانواش بده حتی اگر نصفش را بخورد». متأسفانه نان عراق در اختیار کسانی است که نان را نمی‌شناسند و بدتر اینکه همه‌اش را خورده و چیزی از آن را باقی نگذاشته‌اند؛ نه برای فقیر، نه یتیم و نه حتی برای معالجه کودک سرطانی!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند پاداش همه شما را در شهادت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا بزرگ بخرد.

پی‌نوشت/ ۱۴ فوریه ۲۰۱۷:

حسن الجبر: در حال حاضر... می‌بینیم بیشتر کشورها وقتی وارد فاز اجرایی انتخابات می‌شوند کاندیداها نقشه کاربردی یا طرح‌های عملیاتی خود را که در آینده به کار خواهند گرفت ارائه می‌کنند -چه از نظر اقتصادی و چه امنیتی- با هدف تأمین رفاه اقتصادی، امنیتی و اجتماعی مردم...

به جز عراق و حاکمان عراق که به حکومت می‌رسند تا فقط حکومت کنند و تسلط داشته باشند بدون هیچ دیدگاه اقتصادی یا امنیتی...

و نتیجه، اینکه فساد در همه پرونده‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی دیده می‌شود.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، شیخ حسن الجبر، خداوند تو را زنده بخرد. شما با آن‌ها بوده‌ای و به حال آن‌ها و نتیجه کارهایشان آگاه‌تری.

پی‌نوشت/ ۱۴ فوریه ۲۰۱۷:

ولید العبیدی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من! خداوند پاداش شما را در شهادت مادران زهرا (علیها السلام) -اولین مدافع وصیت مقدس- بزرگ بگرداند. آقای من، ما همراه شما بر عهد و پیمان باقی می‌مانیم، ان‌شاءالله به نیرو و قوت او... هیچ نیرویی نیست مگر با خدا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بخرد. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و اعمالتان را بپذیرد.

به کار بردن گاز اشک‌آور علیه تظاهر کنندگان

پی‌نوشت/ ۱۶ فوریه ۲۰۱۷:

Sarmed Alyamani: خداوند شما را زنده بخرد، ای آقای ما. خداوند پاداش شما را در

مصیبت جدهات زهرا علیها السلام بزرگ بگرداند...

دکتر عبادی اندکی پیش در مصاحبه با روزنامه‌نگاران برای توجیه کار زشت کشتن تظاهرات کنندگان گفته، چنین چیزی نبوده و شلیک گلوله‌های جنگی نیز در کار نبوده است بلکه تنها پرتاب گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی بوده که گویی اسلحه محسوب نمی‌شوند. وی همچنین تلاش کرد تا تظاهرات را به داعش، تخریب بغداد و پرتاب موشک به بغداد ربط دهد در حالی که به درگیر نکردن عراق به جنگ داخلی دعوت می‌کند و از دسیسه‌گران برحذر می‌دارد.

عذر بدتر از گناه!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، دکتر سرمد، خداوند تو را زنده بدارد. گاز اشک‌آور بر سر تظاهرات کنندگان یا تجمعات انسانی پرتاب نمی‌شود بلکه تنها به مکان‌های خالی جلوی تجمعات پرتاب می‌شود تا مانع از پیشروی آن‌ها بشود، اما متأسفانه آنچه در تظاهرات اتفاق می‌افتد این است که آن‌ها گازهای اشک‌آور را بر سر تظاهرات کنندگان و تجمعات انسانی پرتاب می‌کنند و این رفتار یعنی یا آن‌ها به عمد قصد کشتن دارند یا نحوه کاربرد ایمن و صحیح آن را نمی‌دانند و به این ترتیب فرماندهان نظامی و سیاسی در تمام سطوح، مسئولیت کشتن تظاهرات کنندگان را بر عهده خود خواهند داشت.

بنده هیچ دشمنی پیشینی با احزاب سیاسی اسلامی در عراق ندارم.

پی‌نوشت/ ۱۶ فوریه ۲۰۱۷:

حمید التمیمی: معروف و مسلم است که عراق توسط هفت حزب و چندین شاخه منشعب شده از آن‌ها و بالاتر از آن خواسته‌های حکومت‌های منطقه‌ای و جهانی، اداره می‌شود که در نتیجه بحران و وضعیتی ناپایدار ایجاد کرده است؛ به اضافه القاعده و داعش و انشعابات آن‌ها. ولی باید در نظر داشته باشیم که متأسفانه ما شاهد هستیم هجمه‌ها و طعنه‌ها به سوی یک گروه معین یعنی حزب الدعوة متوجه شده است و دیگران رها شده‌اند. آیا این از خردمندی، راست‌گویی و طرح مسئولیت است یا...؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

بنده هیچ دشمنی پیشینی با حزب دعوت یا دیگر جنبش‌ها و احزاب سیاسی اسلامی یا دیگران در عراق ندارم.

بنده در بیانیه‌ی بالا تنها از حزب «دعوت» بدون دیگران- انتقاد نکردم و حزب دعوت را تنها به این جهت بیان کردم که بزرگ‌ترین مسئولیت را بر دوش می‌کشد زیرا عراق را رهبری می‌کند. نخست وزیر در طول دوره‌ی گذشته تا امروز، از آن‌ها بوده است. عامل نوشتن بیانیه‌ی فوق تکلیف شرعی و دینی بوده است نه عوامل سیاسی یا تحقق یافتن منفعتی معین. ما در کارهای سیاسی شرکت نمی‌کنیم و تمایلی به شرکت در آن نیز نداریم.

مقتدی صدر بهتر از دیگران است

پی‌نوشت/ ۱ مارس ۲۰۱۷:

علی رضا تمیمی: احمدالحسن، دیدگاه تو درباره‌ی سید مقتدی صدر چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بهتر از دیگران است.

پی‌نوشت/ ۱ مارس ۲۰۱۷:

سعید العراقی: آیا کتاب «توهم بی‌خدایی» شما در «سماوه» موجود است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این کتاب برای مطالعه در اینترنت وجود دارد و نسخه‌ی چاپی آن در چند شهر عراق موجود است. به‌طور کلی اگر مایل هستی نسخه‌ی چاپی آن را به دست بیاوری با مکتب نجف اشرف تماس بگیر و امیدوارم یکی از آن‌ها که از پاسخ من مطلع می‌شود یک نسخه‌ی آن را رایگان در اختیارت بگذارد. با تشکر.

پیوستن به جبهه‌های موصل برای دفع شرّ وهابی‌ها

پی‌نوشت / ۵ مارس ۲۰۱۷:

ابو محمد الحسیناوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای آقا و مولای من!
من خادم شما هستم و گروهی از انصار ناصریه با من هستند.
ما از همه اصناف داخلی به پلیس مرکزی در موصل منتقل شده‌ایم
و سبب انتقال ما ایمان آوردن به دعوت مبارک بوده است.
آقا و مولای من، چشم انتظار نصیحت شما درباره پیوستن یا باقی ماندن در استان
خود برای خدمت به دعوت مبارک هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

پاسخ: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد.
بهبتر است در این دوران بپیوندید تا شرّ وهابی‌هایی را که داعش خوانده می‌شوند دفع
کنید. از خدا می‌خواهم شما را حفظ و هر بدی را از شما دفع فرماید. متأسفانه عراق را
احزاب فاسد به این شکل هولناک اداره می‌کنند. این افراد فاسد همان کسانی هستند که
عراق را ویران کرده، به مرز نابودی کشانده‌اند و هنوز هم با همین روش رفتار می‌کنند؛
روشی که آن‌ها را به زودی به فرجامی هولناک‌تر از پایان سلفشان صدام و جماعت‌های
تبه‌کارش - که پیش از آن‌ها بر عراق حکومت می‌کردند - خواهد رساند.

پی‌نوشت / ۵ مارس ۲۰۱۷:

احمد ابومیثاق: سلام بر شما ای آقا و مولای من، احمدالحسن؛ که بهترین صلوات و

تحیت و سلام بر او باد!

پرسش: آقا و مولای من، در ایران گروه‌های مردمی متشکل از مردم وجود دارد که
مثل یک ارتش زیر پرچم سید خامنه‌ای و تحت امر او با نام «بسیج» فعالیت می‌کنند. آن‌ها
مردم را برای منافع خود به کار می‌گیرند و به آن‌ها آموزش‌هایی می‌دهند و همچنین برخی
از انصار با آن‌ها در کارهایشان مشارکت می‌کنند یا برای آموزش همراه آن‌ها می‌شوند.
آن‌ها ضد این دعوت مبارک هستند، به ما منحرف می‌گویند و ما را شیعیان داعشی
می‌نامند و همچنین... دیدگاه شما درباره انصاری که با آن‌ها مشارکت و آن‌ها را در

کارهایشان یاری می‌کنند چیست؟

خواهش می‌کنم پاسخ دهید، ای آقا و مولای من!

فرستنده: احمد ابو میثاق از طالقان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

پاسخ: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تا وقتی کارشان در حدود شرع باشد و موجب ستم بر کسی نباشند اشکالی در کارشان نخواهد بود. آن‌ها ایرانی هستند و حق دارند در هر تشکیلات نظامی برای دفاع از ایران مشارکت داشته باشند.

پی‌نوشت / ۷ مارس ۲۰۱۷:

علی الیمانی ابو الهدی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...

آقا و مولا و نور دیدگانم امام احمدالحسن، صلوات پروردگارم بر تو

باد.

آقای من، بنده دانشجوی پایه ششم هستم و رشته‌ام زیست‌شناسی است. از شما

خواهش می‌کنم برای توفیق یافتن من دعای فرمایی، به حقی که زهرای (علیها السلام) بر شما دارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را به آنچه می‌پسندد و راضی است توفیق دهد و بر شما با آنچه خودش اهلش است تفضل فرماید.

پی‌نوشت / ۷ مارس ۲۰۱۷:

Jaafar Naser: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مولای من، سوآلی از خواهر «ساره سرور الرحمن» برای شما نقل می‌کنم و

چشم‌انتظار پاسخ شما هستیم ای آقای ما. علی رغم اینکه مشغله‌های شما بسیار است،

از شما المتاس دعا داریم.

درود خدا بر شما برادرم جعفر، و درود خدا بر سید احمدالحسن.

فقط دوست داشتم سؤالی را اینجا بر جناب احمدالحسن عرض کنم.
 در مورد مسئله بزرگی همچون فرایند تکامل انسان و سیر عجیبش در منتقل شدنش از آخرین مرحله حیوانی، چه حکمتی در حادث شدن چنین فرایندی وجود دارد؟ وجود عجز و ناتوانی در خالق - که از ساحت او بسی به دور است - از اینکه انسانی درست بیافریند... یا عامل دیگری وجود دارد که از ما پوشیده است و کتاب خداوند کریم به آن اشاره‌ای نفرموده است؟... مسئله «و خلقناکم اطوارا» (ما شما را گونه‌گون آفریدیم) الزاماً به این فرایند تکاملی عجیب و فلسفه‌ای که در کتاب خدا به آن پرداخته نشده است اشاره نمی‌کند... می‌تواند اشاره داشته باشد به عوالم انتقال ما از عالم ذر به این دنیا سپس جهان اصلاص - جایی که ما حیواناتی نطفه‌وار بودیم - سپس به جهان رحم‌ها - جایی که پیوستن به تخمک صورت می‌گیرد - و خروج ما به مراحل جنین، مضغه (گوشت جویده شده)، علقه (خون بسته شده)، سپس اشاره به مراحل معروف در فرایند تکامل آفرینش «علقه» سپس خروج ما به شکل انسانی درست به عالم مرگ و محل برزخ... سپس جهان آخرت. قرآن با اشاره به این گونه‌گونی، سخن را به گونه‌ای ادامه داده که جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند.

اما بنده نه در کتاب خدا و نه در احادیث رسول خدا و نه ائمه هیچ اشاره‌ای به فلسفه آفرینشی که داروین و سید احمد مطرح می‌کنند ندیدم... بنابراین آیا در اینجا حلقه گمشده‌ای وجود دارد؟! یا چیز دیگری؟

به علاوه از چه رو به این فرایند همان «ناموس فطری» (الهام درونی) در استمرار خلقت نباشد؛ یعنی آنچه داروین برای اساس پیدایش زندگی و خلقت موجودات به اثبات رسانده است... چگونه به خلقت در رحم زن و فرایند آفرینش جنین - پس از چیزهایی که درباره اساس آفرینش پدر و مادرش به عنوان دو بشر دانستیم - منتهی شده است؟! و در این، دلیلی وجود دارد مبنی بر اینکه مسئله آفرینش به فاعل و کارگاهی ایمن با چهارچوب‌هایی مشخص و استوار نیاز دارد تا آفرینش جنینی کوچک به درستی صورت پذیرد. حال چگونه طبیعتی گنگ و مبهم با اعضایی از هم پاشیده می‌تواند مردی کامل و در همان وقت زنی

را بیافریند...؛ و از چه رو فرایند خلقت شناخته شده به طور پیوسته بر آن جاری نبوده است؟ آیا این عجز و ناتوانی در طبیعت محسوب می‌شود؟ یا چیز دیگری؟

نظریه تکامل حقیقت علمی ثابت شده‌ای است که هیچ ابهامی در موردش وجود ندارد

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. نظریه تکامل حقیقت علمی ثابت شده‌ای است به طوری که امروز هیچ ابهامی در موردش وجود ندارد، با دلایل علمی و قطعی بسیار از جمله دلایل ژنتیکی همچون ویروس‌های پس‌گرد و همجوشی کروموزوم دوم. اما متن دینی در اثبات یا انکار این نظریه هیچ سودی نمی‌رساند. این مطلبی است که بنده در کتاب «توهم بی‌خدایی» هنگام پرداختن به متون دینی بیان کرده‌ام و شما می‌توانید جزئیات آن را در این کتاب مطالعه کنید:

«نظریه تکامل، نظریه‌ای علمی است و به همین دلیل هنگامی که ما به متون دینی سازگار با آن اشاره می‌کنیم، هدفمان اثبات نظریه تکامل از طریق متن دینی نیست؛ بلکه نهایت خواسته ما اثبات هماهنگی و موافقت متون دینی با این دست‌آورد علمی است.» (کتاب توهم بی‌خدایی)^۱

تظاهرات حق مشروعی است که کسی نمی‌تواند به زور جلوی آن را بگیرد

بی‌نوشت / ۱۰ مارس ۲۰۱۷:

حسین المنصوری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مولای من، من در دانشگاه «واسط» دانشکده ادبیات در قسمت ترجمه مشغول هستم. امروز اتفاق ناگواری در دانشگاه روی داد. نخست وزیر -عبادی- به دانشگاه و به طور

۱ - توهم بی‌خدایی - نظریه تکامل و قرآن: ص ۱۳۶ (مترجم).

خاص به دانشکده تربیت آمد و دانشجویان با استقبال نکردن به او پاسخ دادند. هزاران دانشجو بر ضد او تظاهرات کردند و در پایان عده‌ای اقدام به سرکوب تظاهرات کنندگان و شلیک گاز اشک‌آور و نیز گلوله‌های جنگی کردند.

و نتیجه اینکه بیش از ۱۰۰ دانشجو مجروح شدند و دو نفر در شرف موت هستند. آقای من، ای قائم آل محمد، نظر شما درباره تظاهرات امروز در حریم دانشگاه چیست؟ و آیا تظاهرات محدود به مکان‌هایی خاص است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و شکر خدا که شما سلامت هستی. تظاهرات برای مطالبه حقوق -چه در میدان التحریر باشد، چه در استان‌ها و چه در دانشگاه‌ها- حقی است مشروع و کسی حق ندارد آن را با زور سرکوب کند.

پی‌نوشت / ۱۰ مارس ۲۰۱۷:

Yusif Mohammed Salisu: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من. آیا ممکن است برای برادر بزرگم دعا بفرمایید؟ او بسیار بیمار است. من یکی از انصار از غنا هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم بر او با آنچه خودش اهلش است منت بگذارد؛ که او ارحم الراحمین است.

پی‌نوشت / ۱۵ مارس ۲۰۱۷:

Kadm Hassan: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقا و مولای من، احمد اسماعیل الحسن. سید و مولای من، از خدا می‌خواهم شما و فرزندان و اهل بیت بزرگواریت و برادر و تمامی رعیت را حفظ فرماید و برایت تمکین عطا فرماید. مولای من، از شما می‌خواهم به حق مولایمان فاطمه زهرا علیها السلام، پدرش، همسرش، فرزندان و ساری که در او به ودیعت نهاده شده است مرا بیامری و برایم دعا کنی -ای کریم و ای فرزند کریمان پاک و مطهر- تا خداوند مرا بیامرزد و مرا به آنچه دوست دارد و راضی است توفیق دهد و از

شما بابت تقصیرم عذر می‌خواهم، ای مولای من!
اللهم صل علی محمد و علی آل محمد الائمة و المهديين و سلم یا ربی تسلیمًا کثیرا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به تو پاداش خیر دهد. از خدا می‌خواهم مرا توفیق خدمت به شما و ادای حقوقتان عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت/ ۱۵ مارس ۲۰۱۷:

محمد القلاف: سلام بر شما، سید و مولای من!
خداوند به شما عافیت دهد و توفیقتان عطا فرماید. آیا ممکن است -اگر اجازه بدهید و ما را عفو بفرمایید- تفسیر چندین سؤال را بپرسیم:
آیا انسان توانایی چنین کاری را دارد و آیا درست است که او بر روی آب راه می‌رود. ماجرای زیر نقل شده است:

رفتن بر روی آب

سید شفیع بروجردی در «الروضة البهیة» چنین می‌نویسد: گفت: از برخی افراد مورد اعتماد شنیدم که سید مرتضی علم الهدی (رحمه الله) منزلی در بغداد قدیمی داشت و یکی از شاگردانش در بغداد جدید بود. این شاگرد با تأخیر در کلاس درس حاضر می‌شد چون هر صبح مدتی منتظر می‌شد تا دو طرف رودخانه با یک پل به هم وصل شوند و طی همین مدت انتظار کشیدن، سید مرتضی درس را به پایان می‌رساند. آن شاگرد از استاد درخواست کرد که درسی را به تأخیر بیندازد تا او بتواند برسد و از حضور در کلاس بهره‌مند شود.

سید مرتضی (رحمه الله) برای او چیزی نوشت و گفت: این را نزد خودت نگهدار و هر وقت می‌خواهی بیایی و دیدی پل متصل نشده است روی آب راه برو و به این نوشته نگاه نکن و ترس.

شاگرد به دستور استاد عمل کرد و همین‌طور شد. هنگامی که اتصال پل دیر برقرار می‌شد او روی آب راه می‌رفت بی‌آنکه پایش خیس شود و در زمان معین شده به کلاس درس می‌رسید.

یک روز شاگرد با خودش فکر کرد این چیزی که استاد نوشته است و چنین تأثیر بزرگی دارد چیست؟

آن برگه را باز کرد و به آن نگاه کرد و دید رویش نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم». روز بعد وقتی شاگرد خواست مثل روزهای قبل عبور کند در آب فرو رفت؛ پس بازگشت در حالی که دیگر نمی‌توانست از آن استفاده کند؛ زیرا شرطی را که سید برای او معین کرده بود - اینکه به آن نوشته نگاه نکند - نقض کرده بود.

متشکرم.

خادم شما، محمد القلاف.

معجزه‌ها بیهوده نیستند و خداوند آزموده نمی‌شود

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این قصه ساختگی است و به دروغ به سید مرتضی (رحمه الله) نسبت داده شده است. اما مسئله معجزات، عبت و بیهوده نیستند و خداوند آزموده نمی‌گردد. شما هر وقت در تنگنا یا نیاز به انجام کاری داشتی در آن هنگام خدا را خالصانه بخوان و به اولیایش توسل کن و خداوند - با آنچه خودش شایسته‌اش است - برایت گشایش قرار خواهد داد. بعید نیست که برای مؤمنی، کرامتی از سوی خدا واقع شود تا بدی را از او دفع یا خیری را برایش میسر گرداند؛ که او ارحم الراحمین است. خداوند چه بسیار ما را در نشانه‌ها و کرامتش فرو برده و چه بسیار بدی‌ها که دفع کرده و چه بسیار خیری که لایقش نبوده‌ام و او عطا فرموده است.

برای خداوند سبحان اخلاص پیشه، و با چشمانی آسوده و خرسند در غار مستحکمش بیتوته کن؛ که نشانه‌هایش را خواهی دید.

پی‌نوشت/ ۱۵ مارس ۲۰۱۷:

احسان بن تامر: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... از شما درخواست دعا

داریم...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و به تو پاداش خیر دهد. از خدا می‌خواهم تو را در حزب خودش ثبت فرماید، از سرپازانش قرار دهد و توفیقت دهد تا از اولیایش باشی. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت/ ۱۵ مارس ۲۰۱۷:

Mahdi Irani: سلام بر شما ای اهل بی نبوت... روحم و بدنم به فدای شما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد و به من توفیق خدمت به شما عطا فرماید؛ که او ارحم الراحمین است.

*** **

تسلیمت به مناسبت شهادت عمر عدی المحمدی در میدان‌های نبرد آزادسازی موصل

Ahmed Alhasan احمدالحسن/ ۱۷ مارس ۲۰۱۷:

شکسته؛ همچون شاخه‌های تاک پدرت؛ این کلمات...

چیده شده؛ همچون بال‌های پدرت؛ این واژگان...

عزیز من، عدی محمدی: خداوند پاداش تو، پاداش مادرش و پاداش همه دوستدارانش را بزرگ بگرداند.

[ای مادر] حبیب من، بر امیر بزرگوارات مویه کن؛ در حالی برای تو می‌نویسم که اشک امانم نمی‌دهد.

ما جوانان مان و جگرگوشه‌ها مان را - که به سانِ عمر گل بودند - از دست دادیم تا عراق علی و حسین را حفظ کنیم؛ زیرا جماعتی فاسد عراق را ربوده‌اند و آن برگزیده‌شان آن را به داعش واگذارند.

گریه کن [ای مادر] حبیب من که اینها شرمگین نمی‌شوند در حالی که خون این

جوانان در برابر کرسی شان بی ارزش است!

<https://www.facebook.com/100008019846999/videos/vb.100008019846999/183273499703811/?type=2&theater>

پی نوشت / ۲۴ مارس ۲۰۱۷:

Jawad Salehi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من!
ما انصار مقیم در افغانستان به حول و قوه الهی- آماده آمدن به عراق علی و حسین و بذل جانمان به فدای شما هستیم تا برای کمک به قیام شما پیش قدم شویم و فدای حاکمیت الله باشیم تا پس از آن دیدگان شما را گریان نبینیم، ای امیر غریب ما. تو را به مادرت زهرالهی^(ع) قسم می دهم پاسخ ما را بدهی.

Mahmood Mahdi Dawood Zolfaqar Sayed Sayyed Ahmad Ansar Rashid

Hashemi کمیل انصار محمد جاوید صالحی

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید. شما شیعه علی و حسین هستید و دفاع از ضریح های امامانتان و پدرانانتان^(ع) از حقوق شما است و شما ان شاء الله- شایستگی اش را دارید.
از خدا می خواهیم شما را به آنچه نیت کرده اید در شمار مدافعان علی و حسین^(ع) ثبت فرماید. از خدا می خواهیم شما را و افغانستان عزیز و اهلش را از شر سلفی های وهابی حفظ فرماید.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ مارس ۲۰۱۷:

خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید!

۱ - فایل پیوستی بخش از ویدئویی است که توسط اکانت «عمر عدی العاصمی» به اشتراک گذاشته شده است و در آن یکی از درگیری ها با داعشی ها در پیکار آزادسازی موصل نشان داده می شود.

https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=1261222543925

۴۰۶&id=۴۵۷۳۹۷۰۰۴۳۰۷۹۶۸

آیا وفای به نذر دیده شده در رؤیا واجب است؟

پی‌نوشت / ۲۴ مارس ۲۰۱۷:

زهرا الحسینی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ای پدر گرامی‌ام:

آیا واجب است در عالم دنیا به نذر انجام شده در عالم رؤیا عمل شود؟

خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. واجب نیست.

پی‌نوشت / ۲۴ مارس ۲۰۱۷:

Hadi Ali Al Ansari: سلام بر شما ای آقای من، ای پسر رسول خدا. آقای من، ما

خدامان شما از اروپا هستیم. آیا پی‌نوشت شما برای برادرانمان در افغانستان اذن برای

دیگر انصار خارج از عراق نیز هست تا متوجه عراق و دفاع از سرزمین وطنی شوند؟

خداوند بهترین پاداش را به شما عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از هیچ کسی

نخواستیم متوجه عراق شود. خداوند به شما توفیق دهد. از خدا می‌خواهم طبق نیتی که

کرده‌اید و به آنچه او سبحان شایسته‌اش است به شما پاداش دهد.

*** ** *

در خصوص مسئله کرکوک

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ مارس ۲۰۱۷:

#کرکوک

تقریباً یک سال پیش نوشتم:

«سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

در سایه شرایط سختی که بر عراق می‌گذرد واجب می‌دانم همه کسانی را که به عراق اهمیت می‌دهند از موضوع زیر آگاه نمایم:

اول: وضعیت واقعی امروز به این صورت است که عراق یک حکومت یکپارچه نیست بلکه عبارت است از دو دولت؛ دولت کردستان در شمال که فقط احزاب کرد بر آن حکومت می‌کنند، و دولت عراق در مرکز و جنوب که برخی از ساکنان آن‌ها بر آن حکومت می‌کنند و احزاب کرد در حکومت و نابود کردن آن با آن‌ها مشارکت می‌کنند.

دوم: کرکوک شهری با قومیت‌های چندگانه است و هیچ یک از بخش‌های آن -حتی اگر از اکثریت آنجا برخوردار بوده باشند- حق ندارد پیوستن به حکومت واسطه به قومیت آن بخش را بر دیگر ساکنانش الزامی کند. چنین کاری طبق تمام معیارهای انسانی، اخلاقی و قانونی، قضیه‌ای ناعادلانه است و باید موضوع کرکوک، به همین شکل مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ زیرا چنین وضعیتی یک همه‌پرسی برای استقلال کرکوک از عراق نیست تا کرکوک دولتی با قومیت‌های گوناگون -که کرد و عرب و ترکمن در آن زندگی می‌کنند- باشد بلکه آن‌ها می‌خواهند همه‌پرسی را برای پیوستن کرکوک به دولتی با قومیت کردی به اجرا درآورند؛ یعنی آن‌ها می‌خواهند از طریق همه‌پرسی کردها در کرکوک، صدها هزار ترکمن و عرب را مجبور کنند زیر سایه حکومتی با قومیت کرد زندگی کنند و چنین کاری، ظالمانه و ناعادلانه است؛ بنابراین بر هر عراقی و انسان شریفی که ظلم و سرکشی را ناخوش می‌دارد واجب است برای اینکه احزاب کرد، ترکمن‌ها، عرب‌ها و دیگر قومیت‌های کرکوک را برای زندگی در سایه دولتی با قومیت کردی مجبور نکنند، در راستای حق آن‌ها موضع‌گیری کند».

تسلیت به مناسبت وفات شیخ اکرم الاسدی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱ آوریل ۲۰۱۷:

خداوند پادشاهای شما را با انتقال شیخ جلیل اکرم الاسدی به رفیق اعلی بزرگ بگرداند.

از خدا می‌خواهم به خانواده و دوستانش صبر بر مصیبت عطا فرماید و خیر دنیا و آخرت را به آن‌ها ثواب دهد. از خدا می‌خواهم با رحمت فراگیرش به او رحمت کند و او را با محمد و آل محمد مبعوث فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.



پی‌نوشت / ۳ آوریل ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

از شما خواستار دعا در این روزهای مبارک هستیم. خداوند به همگان پادشاه خیر عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۳۰ آوریل ۲۰۱۷:

شاکر الجابری: سلام بر شما، آقای من! یکی از برادران انصار در عمره است و به دلیل وجود ازدحام و هل دادن‌ها، یکی از شوط‌ها را خارج از مقام ابراهیم انجام شد. او چه کار باید انجام دهد؟ این سؤال از طرف خود او است و او خودش با همین متن نوشته و

منتظر پاسخ است. بنده اکنون برای ادای عمره مفرده در مکه هستم و می‌خواهم به نیابت از پدرم مجدداً عمره بگذارم.

آیا صحیح است غسل کنم و در هتل لباس احرام بپوشم سپس به میقات (مسجد تعیم) بروم، آنجا تلبیه کنیم و احرام ببندم؟ یا این غسل و پوشیدن لباس احرام باید در میقات انجام شود؟

امکان پرسیدن از لجنه فقهی را ندارم چون وسیله‌ای برای ارتباط در اختیارم نیست. منتظر پاسخ فوری هستم و شما را برای موفقیت و ثبات، دعا می‌کنم.

طواف خارج از مقام ابراهیم به سبب ازدحام

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. برای طوافی که به دلیل ازدحام خارج از مقام ابراهیم (علیه السلام) انجام داده است چیزی بر عهده‌اش نیست. جایز است در هتل لباس احرام بپوشد و آنجا غسل کند، سپس به میقات برود و برای عمره، محرم شود.

پی‌نوشت / ۳۰ آوریل ۲۰۱۷:

علی عدی المحمدی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، Ahmed Alhasan احمدالحسن، ای قائم آل محمد.

برادرم در موصل شهید شد و من تصمیم گرفتم به ارتش عراق بیوندم تا به فیض شهادت نایل شوم ولی مادرم نمی‌پذیرد. آقای ما، لطفاً پاسخ دهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. از مادرت اطاعت کن.

*** **

تبریک و تهنیت به مناسبت یادبود ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ولادت علی بن ابی طالب بر همه شما مبارک باد!

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos//12>

۷۷۵۱۴۰۷۸۹۶۲۹۱۹

پی نوشت / ۱۲ آوریل ۲۰۱۷:

نوفل عدنان البصراوی: انا لله و انا الیه راجعون، برادر کوچکم محمد عدنان هاشم به رحمت خدا پیوست؛ فدای شما سرورم؛ و ما نیز به فدای شما! مولای من، برای او دعا کنید. آخرین سخنی که بر زبان آورد این بود: دخیلک یا احمدالحسن. قبل از خوردن آب می گفت می خواهم همانند حسین (علیه السلام) تشنه لب بمیرم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند پاداش های شما را بزرگ بگرداند. از خدا می خواهم او را با محمد و آل محمد مبعوث، و به شما و همه خانواده و دوست دارانش صبر بر مصیبت عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می فرماید.

پی نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

علی الحسن: آقای من احمدالحسن، ما در ارتش سوری دیدگاه های شما را از سال ۲۰۱۲ دنبال می کنیم و امروز در درعا - که سرآغاز شکل گیری بحران سوریه بوده است - کارها شدت گرفته و هر روز عده ای از ما در رویارویی با «النصرة» - که مورد حمایت اردن هستند - شهید می شوند...

سید احمدالحسن چشم انتظار دعای شما برای ارتش سوری در درعا هستیم و اگر ممکن است نظر خودتان را درباره روزهای آینده برای ما توصیف بفرما... زیرا ما شنیده ایم

دعای شما رد نمی‌شود...

خداوند شما را حفظ فرماید... و منتظر پاسختان هستیم...

علی الحسن - ارتش سوری.

از خدا می‌خواهم تجمعات تبهکارانه تروریستی وهابی را خوار و زبون گرداند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تجمعات تبهکارانه تروریستی وهابی را - که برای ویران کردن سوریه جمع شده‌اند - خوار و زبون گرداند و سوریه را قبر آنان و دین مجرمانه‌شان قرار دهد.

پی‌نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

Ahmed A. Slan: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. ولادت امام علی (علیه السلام) بر

مردان و زنان مؤمن مبارک باشد... ای سید ما، پیش‌تر در پی‌نوشت‌ها و تالار گفت‌وگو چند سؤال از محضرتان پرسیده بودم و منتظر پاسخ مبارک شما هستم. دو پرسش دیگر نیز دارم:

۱- آیا این «قناة الحرة المؤمنة» (شبکه آزاد مؤمن)!!! تابع حکومت آمریکا است که

عراق و بخش‌هایی از سوریه را اشغال کرده است؟؟!

۲ - می‌دانم سید مقتدی صدر مثل شما معصوم نیست و شما از او تعبیر به «بهترین

فرد از میان مراجع موجود مخالف» یاد کرده‌ای. آیا دعوت او به کناره‌گیری «رئیس اسد»

یک اولویت دینی است یا وطنی؟ یا کسی در پشت پرده با استفاده از این عنوان،

سکان‌داری می‌کند؟ ... متشکرم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شما فقط کمی خودت را آرام کن و تشنج ایجاد نکن و به سخن من چیزی اضافه

نکن، و سخن و مواردی که مطرح می‌کنم را چیزی بیش از آنچه در خود دارند تعبیر نکن.

پی‌نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

احمد کاظم علی الحاشی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید من،

احمدالحسن. ولادت سید العارفین و امام متقین، علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به شما تبریک می‌گوییم. آقای من، سؤالی از کتاب متشابهات دارم. پرسش ۹۱ که به آن پاسخ داده‌اید. آقای من، از شما می‌خواهیم بر ما تفضل فرموده، معنای این عبارت از پاسخ خود را برایمان توضیح دهید: «و این چیزی که مؤمن در ملکوت آسمان‌ها مشاهده می‌کند پس از آنکه تقوا پیشه کند و از خدای سبحان بترسد و صبوری پیشه کند. حتماً باید به آن ایمان آورد تا تأویل آنچه را که دیده است بداند». آقای من، فهم قاصر من [از این سخن] به این صورت است که مؤمن وقتی به این مقام می‌رسد رؤیایی را که می‌بیند می‌فهمد و تفسیر می‌کند. از شما متشکرم. لطفاً پیمانه ما را تمام بده که ما تو را از نیکوکاران می‌دانیم.

دانستن تأویل رویا

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. آری پس از اینکه رؤیا را به‌طور مستقیم ببیند یا بعد از اینکه در دنیای واقع محقق شود - اگر اخبار غیبی بوده باشد - ممکن است تأویل رؤیایش را بداند. همچنین ممکن است در حال، آن را نفهمد و فقط وقتی در واقعیت محقق شود بفهمد و ممکن است حتی از تحقق آن در دنیای واقع نیز غافل شود.

حکم حل و فصل‌های عشایری

پی‌نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

جمال حمود سویلم: سلام بر شما، مولای من. حکم حل و فصل‌های اختلافات عشایری اگر با رضایت طرفین باشد چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. تا وقتی ظلمی بر یکی از طرفین روا نشود اشکالی در آن نیست و به‌طور کلی با رضایت و صلح بین طرفین اشکالی وجود نخواهد داشت.

پی‌نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

مجتبی العراقی: و علیکم السلام ای سید و مولای من. از خدا می‌خواهم شما را حفظ و یاری‌تان فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد و به تو پاداش خیر عطا فرماید.

مسئله پیوند سر از نظر علمی ممکن است و دین با نفس در تعامل است

پی‌نوشت / ۱۱ آوریل ۲۰۱۷:

محمود علی: سید و مولای من، سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. اخبار جدید علمی که در پایان امسال رخ خواهد داد را شنیده‌اید؛ خبری که باعث سر و صدای زیادی در جهان پزشکی به خصوص- و در سطح جامعه به‌طور کلی- شده که عبارت است از عمل پیوند سر که دکتر سرجیو کاناوارو انجام خواهد داد. وی تصریح کرده است که این جراحی حدود یازده میلیون دلار هزینه خواهد داشت و حدود ۳۶ ساعت به طول خواهد انجامید و با مشارکت ۱۵۰ پزشک انجام می‌شود و شایان ذکر است میزان موفقیت ۹۰٪ پیش‌بینی شده است.

بحثی میان من و یکی از شاگردانم رخ داد که وقتی این جراحی انجام شود، آنتشی بر مسائل متعدد افروخته خواهد شد و من به او وعده دادم که از شما جواب بگیرم. او کتاب توهم بی‌خدایی را مطالعه کرده است. پرسش بنده از شما: پاسخ شما در مورد این قضیه چیست؛ چرا که سر اهدا کننده (که می‌میرد) قطع و به بدن دیگری پیوند زده می‌شود...؟! با تشکر فراوان و ببخشید که مطلب طولانی شد. از شما خواستار دعا هستم.

«۸ ماه تا اولین عمل «انتقال/پیوند سر» در تاریخ باقی مانده است!

این عکس متعلق به یک پزشک جراح اعصاب ایتالیایی به نام سرجیو کاناوارو است که در ماه دسامبر امسال پس از سی سال تحقیق و برنامه‌ریزی، بیماری روسی به نام والرئ اسپیریدنوف را که مبتلا به بیماری نادری به نام آتروفی عضلانی نخاعی (spinal muscular atrophy) است تحت جراحی قرار خواهد داد.

او سر بیمار را منجمد خواهد کرد یا در درجه حرارت ۱۵ قرار خواهد داد؛ و سپس این

سر را به بدن اعدا کننده که از مرگ مغزی (Brain Death) رنج می‌برد پیوند خواهد زد. وی سپس شروع به پیوند زدن اعصاب اصلی میان جسم و سر جدید با استفاده از پولی اتیلن گلیکول خواهد کرد. انتظار می‌رود این عمل ۱۱ میلیون دلار هزینه داشته باشد و با همکاری ۱۵۰ پزشک و مجموعه پرستاری، تا ۳۶ ساعت طول بکشد». حبيب من، تمنا دارم پاسخ دهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته. عزيز من، خداوند تو را زنده بدارد. سؤالی را که بالا تفصّل کردی نخوانده‌ام، ولی به طور کلی مسئله پیوند سر، از نظر پزشکی ناممکن نیست و وقتی طب در زمینه درمان ژنتیکی و درمان با سلول‌های بنیادی پیشرفت کند آسان و در دسترس خواهد بود. پس مسئله، فقط مسئله زمان است و حتی اگر این عمل شکست بخورد این موضوع از نظر علمی و عملی قابل تحقق است و به میزان زیادی با پیشرفت علم پزشکی در ارتباط است نه چیزی دیگر. اما از منظر دینی، دین با نفس تعامل می‌کند و تکلیف‌ها خطاب به نفس انسانی است و از نظر حقوق شرعی مرتبط با جسم، جزئیات و تفصیل بسیاری وجود دارد.

*** ** *

جنگ یا تهدید در سایه جنگ، بهترین راه حل برای گام‌های اقتصادی ترامپ

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۱ آوریل ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و بركات خداوند بر شما.

گام‌های اقتصادی ترامپ نیازمند تأمین مالی خارجی و سرمایه‌ای است که وارد آمریکا شود.

جنگ یا تهدید در سایه جنگ بهترین راه حل است، به خصوص وقتی از مرزهای آمریکا، دور و در منطقه شرق آسیا و اطراف آن باشد؛ منطقه‌ای که سرمایه‌های مالی را جذب کرده و همچنان نیز جذب می‌کند. در نتیجه این منطقه همچون کیف پول بزرگی

است که جنگ یا سایه جنگ می‌تواند آن را باز کند یا دست کم مهاجرت سرمایه‌ها به‌سویش را متوقف و چه بسا مقداری از این سرمایه‌ها را به آمریکا منتقل کند. موضوع برای ما واضح و روشن است. به همین دلیل همراه افزایش تهدید جنگ هسته‌ای قطعاً همه ساکنان زمین ضرر خواهند کرد، و ما در برابر خدا و همه مردم، مسئولیت تاریخی و اخلاقی آن را بر عهده حکومت آمریکا می‌دانیم؛ زیرا حکومت آمریکا به همراه دیکتاتوری که بر مردم کره شمالی حکم می‌راند قویاً به این جهت کشانده می‌شود.

Peace, mercy and blessings of God be upon you

Trump's Economic Steps Need external financing and capital to enter America.

War or the threat of its phantom serves as an ideal solution especially if it is far from the borders of America. East Asia and its surroundings in particular which has attracted and continues to attract capital and therefore a substantial financial portfolio that could be unlocked by war or its phantom, or at least will stop the migration of capital to those areas. This could perhaps shift a portion of capital to America.

The matter is clear and obvious to us. Therefore, with the escalation of threats towards a nuclear war that may harm the entire population of the Earth, we stand before God and all the people, and hold the American government historically and morally responsible because of its forceful push towards this direction with a dictator who dominates the North Korean people.

** ** *

تسلیم به مناسبت شهادت امام کاظم (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۳ آوریل ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

خداوند پاداش‌های همه شما را بزرگ بگرداند و از خدا می‌خواهم اعمال شما را با بهترین قبول بپذیرد؛ که او ارحم الراحمین است.



پی‌نوشت / ۷ می ۲۰۱۷:

ناطق السعیدی السعیدی: سلام علیکم برادر گرامی من. به خدا واقعاً شرمندهام که این مطلب را بیان می‌کنم. من شما را نمی‌شناسم و چگونگی اثبات ادعای شما را مبنی بر اینکه احمد یمانی هستید نمی‌دانم. امیدوارم گفته‌های من شما را آزرده خاطر نکرده باشد. من واقعاً در حیرت و سردرگمی هستم. ای کاش شما پاسخ مرا بدهید؛ یا حتی یکی از برادرانی که اطلاعاتی در این زمینه داشته باشد بتواند کمکم کند. با تشکر از شما. خداوند پاداش شما را بزرگ بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. می‌توانی کتاب «عقاید الاسلام» را بخوانی تا از اصول اعتقادی مطلع شوی و همچنین کتاب‌های بسیاری در سایت «المهدیون» وجود دارد که ادله دعوت را بیان می‌کنند و می‌توانی از آن‌ها اطلاع حاصل کنی. اگر سؤال به خصوص داری در اینجا قرار بده و ان‌شاءالله یکی از دوستانی که در اینجا از سؤال شما مطلع می‌شوند و توانایی پاسخگویی نیز دارند به شما پاسخ خواهند داد.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۷ می ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

علی رغم درد... هر سال در خیر باشید!

https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=4120685691748

۳۹&id=۱۰۰۰۱۱۱۵۰۹۸۹۳۴۵

پی‌نوشت / ۱۴ می ۲۰۱۷:

Ali Kaawar: مرحبا... به مکتب سید احمدالحسن در نجف. شما در گذشته باب

کمک و مشارکت در تأسیس ثرایا القائم آ را باز کردید و متأسفانه تأسیس آن انجام نشد...

بنابراین از شما می‌خواهم مبلغی را که با این هدف برای شما فرستاده بودم برگردانید... اما

اگر آن را خرج کرده‌اید می‌خواهم خرج کرد آن را بدانم و این مسئله به خودم مربوط

می‌شود که از آن بگذرم یا نه... لطفاً به خواسته من سریع پاسخ دهید و نگویید مشغله ما

زیاد است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. تأسیس سرایا

القائم انجام شد و با آنچه در توان داشتیم مجهز گردید اما پس از منع حکومت عراق از

شرکت کردنش در دفع شرارت وهابی‌های داعشی، بعداً متوقف شد و ما توقف آن را اعلام

کردیم تا کسی که خواستار شتر برای مؤمنان است حجتی نداشته باشد؛ خداوند آنچه را که

بخواهد می‌کند. شما می‌توانی با سید حسین یا شیخ علا ارتباط برقرار کنی و آنچه را که

می‌خواهی برسانی و ان‌شاءالله ما در خدمت هستیم؛ اما عزیزان فعال در اداره مکتب یا

حوزه، این عزیزان به مدت دو ماه متوالی است که از پرداخت کامل شهریه دانشجویان و

۱ - فایل پیوست شده بخشی از ویدئوی یک قصیده در یادبود ولادت امام مهدی (صلوات خدا بر او) از شاعر «میثم طفیلی» است.

۲ - سرایا القائم؛ اشتباه از نویسنده است (مترجم).

معممین ناتوان هستند و همان طور که همه افراد مرتبط با این موضوع می دانند فقط نیمی از حقوق ماهیانه پرداخت شده است.

پی نوشت / ۱۴ می ۲۰۱۷:

Seyed Javad Hossaini: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
با تقدیم تحیاتم به شما. بنده در شمال سوئد زندگی می کنم. در اینجا خوردشید به مدت یک یا دو ساعت طلوع می کند و بعضی روزها ما اصلا خوردشید نداریم.
از محضر جناب عالی می خواهم مرا در چگونگی انجام نماز و روزه کمک کنید طوری که بتوانم بفهمم و اعمال و واجبات را انجام دهم.
لطفا کمک کنید چیزی تا ماه رمضان باقی نمانده است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. در دو کتاب زیر، جزئیات نماز و روزه در مناطق نزدیک به قطب را می توانی بیابی:

https://l.facebook.com/l.php?u=http%3A%2F%2Falmahdyoon.org%2Farabic%2Fdocuments%2Fbooks-saed%2FAjwiba-fi9h-salat-1.pdf&h=AT0zvFuEPlzbwOwF6eIJhqYgkK0EGXcuPyngy2YJxV3I0e8KJjpfzfMQZXHVImgnPd06flicik4BWQISrtgS493aQkN9teVHXFtjw BgkUO9daw W-zjxhP2Lrx7WEKglabTPZD4FBo3JGwPlnA_9ubKlFMrs

https://l.facebook.com/l.php?u=http%3A%2F%2Falmahdyoon.org%2Farabic%2Fdocuments%2Fbooks-saed%2FAjwiba-fi9h-9.pdf&h=AT2PqxqDQUuaATiNC_VVmXUK2AmV2VbToBkvTgAj0GqdD1ICDS0-aCNC2G3KC3Tn1IFqyURoTLtIURI_jafYQRBYMMkuNUfdi1IYde9YaUlf4hmGI6mxKUO6RquKbNQ5B6Bg96UkdzeilhC5PvASM_y43odk

*** ** *

خطیب منبر حسینی - شیخ رحیم شکر - ربوده شد

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ می ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خطیب منبر حسینی - شیخ رحیم شگری - از روز یادبود شهادت امام موسی بن جعفر ربوده شد.

دوربین‌های نظارتی از ربایندگان تصویربرداری کرده‌اند. آن‌ها پیرو شخصی در مجلس استان بابل هستند که این شخص از اعضای حزبی است که عضو حشد الشعبی هستند. نه وزارت کشور کاری کرد و نه قوی قضائیه هیچ حرکتی از خود نشان نداد. اگر افرادی که در حکومت هستند خودشان کسانی هستند که گروه‌های آدم‌ربایی را تشکیل می‌دهند خانواده و دوست‌داران شیخ باید به چه کسی شکایت کنند؟
#لک-اللهیاعراق

شکیبایی ما و اندوه بسیار، همه سرآمدی دارند^۱.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313/videos/130>

۸۳۰۳۲۶۲۵۵۰۶۶۷

جایز بودن افطار کردن دانش‌آموزان سال ششم آمادگی و دانشگاه در ماه رمضان

پی‌نوشت / ۱۸ می ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در خصوص افطار کردن دانش‌آموزان ششم آمادگی و دانشجویان دانشگاه‌ها و دیگران در ماه رمضان:

پاسخ: دانشجو می‌تواند در ماه رمضان افطار کند البته در صورتی که گمان کند روزه

۱ - فایل پیوست شده بخشی از ویدئوی قصیده شاعر عراقی راحل عبد الرزاق عبد الواحد با عنوان «ای صبر ایوب» است.

عبد الوهاب نگاشته است.

این کتاب، مورد اعتماد وهابی‌ها است و آن را به عنوان مرجع اساسی که دین تروریستی‌شان را به ثبت رسانده است به حساب می‌آورند.

این کتاب از ابتدا تا انتها گواهی بر واقعیت روش تکفیری وهابی، از زمان پیدایش آن تا به امروز این مردم است.

ابن غنام کتاب خود را با تکفیر عموم مسلمانانی که به ابن عبدالوهاب اعتقاد ندارند آغاز می‌کند و سرزمین‌های اسلامی را یکی یکی برمی‌شمارد -قطیف، بحرین، مکه، جده، مدینه، یمن، موصل، بغداد، مصر، سرزمین‌های شام و ... به همین ترتیب- و همهٔ مردمان آن‌ها را به دلیل اینکه قبور را زیارت می‌کنند و اولیا را بزرگ می‌دارند به شرک و پرستش غیر خداوند متهم می‌کند!

ابن غنام بخشی از کتاب خود را اختصاص به چیزی داده است که آن را «جنگ‌ها و فتوحات» می‌نامد که خود ابن عبد الوهاب در آغاز دعوتش بر آن اِشْرَاف داشته و پیروانش را مسلمان می‌نامیده و آنچه را که در عملیات‌های کشتار، غارت، چپاول و اسارت گرفتن به آن دست پیدا نمودند، فئ و غنیمت می‌شمرده است. این جنگ‌ها ضد مردم سرزمین‌های اسلامی بود که او آن‌ها را مشرک می‌نامید!! جنگ‌هایی که عبارت بودند از عملیات تروریستی بَرَبَرِ صفتانه‌ای که جان‌ها و اموال مردم و هر چیزی را که در اختیار آن‌ها بود در برمی‌گرفت و این نکته برای هر کسی که کتاب را بخواند روشن است.

او همچنین کسانی را که همراه ابن عبد الوهاب به درعیه پایتخت آغازین وهابی‌ها و مقر اقامت ابن عبد الوهاب و ابن سعود «جد الاسرة المالكة» کوچ کردند مهاجرین می‌نامد و کسانی که دعوتش را در آغاز لیبیک گفتند، سبقت‌گیران (سابقین)؛ اما دربارهٔ دیگران، وی اعتقاد دارد حال و روز آن‌ها بدتر از اهل جاهلیت و در کفر و گمراهی شدیدتری نسبت به آن‌ها هستند!

او سرزمین وهابی‌ها مانند درعیه- را سرزمین اسلام برمی‌شمارد اما دیگر مکان‌ها را دیار شرک و کفر توصیف می‌نماید و در نتیجه از جمله سرزمین‌هایی خواهند بود که باید به

زور گرفته شوند؛ البته طبق نظر امام خود که در کتابش از او نقل می‌کند و ... و مسائل بسیار دیگری که تأکید می‌کنند روش وهابی‌ها، به روشنی روش است تکفیری تروریستی. آدرس این کتاب برای کسی که می‌خواهد از آن اطلاع حاصل کند:

<https://www.mrkzgulf.com/dh4rlvqvsoxl>

برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر: به وکیل سعودی «نایف آل منسی» - که قبلاً وهابی بود- گوش فرا دهید که اندیشه وهابی تکفیری را در برنامه‌هایی به نام «نقدهایی بر اندیشه وهابی» مورد نقد و بررسی قرار داده است که بنده قسمت دوم آن را در اینجا قرار دادم؛ قسمتی که در آن زمان، باعث دستگیر شدن او توسط پادشاهی وهابی سعودی گردید.

بنده معتقدم اطلاعات بالا و اطلاعات دیگر بسیار- حتی فراتر از کافی هستند تا [به راحتی] «عبد العزیز المهنا» به دروغ‌پردازی و وارونه جلوه دادن عمدی حقایق محکوم گردد!

https://m.facebook.com/story.php?story_fbid=1314088535305

473&id=407397004307968

*** **

تسلیم به مناسبت شهادت امیر المؤمنین (علیه السلام)

Ahmed Alhasan احمد الحسن / ۱۳ ژوئن ۲۰۱۷:

ای مرادی:

۱ - فایل پیوست شده قسمتی از یک فیلم ویدئویی است؛ اول: وکیل سعودی نایف آل منسی- در قسمت دوم از برنامه‌های «نقدهایی بر اندیشه وهابی» درباره روش تکفیری محمد بن عبد الوهاب سخن می‌گوید؛ و دوم: روزنامه‌نگار و نویسنده سعودی- عبد العزیز المهنا- که در آن، برای وارونه جلوه دادن و تبرئه دین وهابی از تکفیر و ترور تلاش می‌کند.

انتقام چه چیزی را از علی گرفتید؟

هرگز هیچ بدی در مخیله اش نچرخید و هیچ جایی در آن نیافت!

شما به او بدی می کردید در حالی که او به شما خوبی می کرد!

در نمازش برای آزاردنش - پشت سرش می ایستادید، در برابر می ایستادید و تکرار

می کردید: (لِئِنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (اگر شرک بورزی حتماً

عملت تباه خواهد شد و مسلماً از زیانکاران خواهی شد) [زمر: ۶۵].

او را تکفیر کردید، ناسزایش گفتید؛

ولی او مجازاتتان نفرمود!

بر جهل و نادانی شما شکیبایی می ورزید و با این سخن خداوند، به خودش صبر

می داد: (فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَحْفَتُكَ الَّذِينَ لَا يُوَفُّونَ) (پس صبر کن که

وعدۀ خدا حق است، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبکسری و اندازند) [روم:

۶۰].

خداوند پاداش شما را بزرگ بگرداند.

آنچه را که در سال ۲۰۱۵ منتشر نمودم تکرار می کنم:

«سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در چنین روزهایی یکی از خوارج - یعنی عبد الرحمن بن ملجم منافق - اقدام به ضربت

به امام علی (صلوات خدا بر او و خاندانش) بر سر مبارکش کرد در حالی که او در محراب

بود و امام در اثر این ضربه، به شهادت رسید.

خداوند خوارج اول الزمان و خوارج آخر الزمان را لعنت کند؛ سفیهانی که سوار شدن

شیطان بر خود و فرماندهی اش را تا آنجا که بخواهد آسان می گردانند. اینان ستوران

ابلیس و سپاهیان هستند. شیطان در دهان هایشان آب دهان انداخت تا با بی خردی و

کلام او لب به سخن بگشایند و در عقل های متعفن آنان لانه کرد تا او را به خواسته اش

برسانند و سوارشان گردید تا با سپاه خدا و اولیای خدا به نبرد برخیزند. ملعون هایی که با

دین، دنیا را می‌خواهند یا دین خود را به دنیای دیگران می‌فروشند. آن‌ها باقی نخواهند ماند و از انتقام و لعنت خدا رهایی نخواهند یافت؛ لعنتی که پی‌گیرشان است و نابودشان می‌سازد.

آنچه را که پیش‌تر منتشر کرده بودم دوباره منتشر می‌کنم:

«بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

در مثل چنین روزهایی زندگانی علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) خاتمه یافت؛ زندگانی سرشار از درد و رنج که در آن هیچ آسایشی ندید.

وقتی کودک بود فرصت نیافت تا همچون هر کودک دیگری - که از دوران کودکی خود بهره می‌برد - بازی کند. خداوند چنین اراده فرمود که پرورش دهنده او را یک پیامبر، مبعوث فرماید تا آن حضرت خود را در مشاجرات کلامی ببیند که بیشتر اوقات به پرتاب سنگ و حتی گاهی به پاره کردن شکم‌ها با نیزه نیز منجر می‌شد.

در چنین اوضاع و احوالی به دوران جوانی رسید تا خود را ناگزیر از شمشیر به دست گرفتن ببیند که از دین جدید و پیامبر خود و ایمان آوردندگان به او دفاع می‌کند.

پیش از اینکه محمد ﷺ رحلت کند خداوند علی را جانشین و خلیفه خود در زمینش بعد از خلیفه خود محمد منصوب فرمود همان‌طور که سنت همیشگی و جاری خدا این چنین بوده است.

محمد وفات کرد.

و به این ترتیب علی خود را ناگزیر چنین دید که حق الهی خود را - که قوم برای غصب کردنش جمع شده بودند - درخواست نماید؛ درخواستی که باعث شد قوم بر وی یورش آورند و سپاهیان و گروه‌های خود را جمع کنند تا به منزلش هجوم برده، ایشان را با طناب

بسته، بکشند و حضرتش را تضعیفش کنند، مورد اهانت قرار دهند و باعث آزار و اذیت همسر بزرگوارش فاطمه دُخت محمد ﷺ شوند که بنابه روایت صحیح- هر کس او را آزار دهد پدرش پیامبر خدا محمد را آزرده و خشم خدای سبحان را برافروخته است.^۲ فاطمه درگذشت،

و علی بیش از بیست سال مظلومانه خانه‌نشین باقی ماند. اشتباهات، فزونی یافت و فریادهای مظلومان بلند شد و بعد از آن سه نفر، مردم راه حلی جُز علی برای وضعیتی که در آن به سر می‌بردند پیدا نکردند. شیطان با سه جنگ با او رو به رو شد. سپاه‌یانی از تمامی شیاطین زمین گرد آورد: یک بار آن‌ها را عایشه رهبری می‌کرد، یک بار معاویه و ابن عاص، و در انتها، خود شیطان آن‌ها را رهبری کرد. این جنگ‌ها هنوز به پایان نرسیده بود که علی علیه السلام خون‌آلود در بسترش بود.

سلام بر تو ای ابا الحسن به مقدار آن دردها و رنج‌هایی که جرعه جرعه نوشیدی. سلام بر تو ای ابا الحسن؛ چقدر سبقت گرفتی و آیندگان پس از خود را چه بسیار به دشواری افکندی. به راستی که سوگ تو در آسمان‌ها بزرگ است و ماتم تو مردم را در هم کوفته است. همه از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم. خداوند پادشاه‌های شما را در یاد مصیبت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات خدا بر او) بزرگ بدارد».

*** **

۱ - به عنوان مثال نگاه کنید به: کتاب امامت و سیاست - ابن قتیبه: ج ۱ ص ۱۹ تحقیق الزینی؛ تاریخ بلاذری: ج ۱ ص ۵۸۷؛ تاریخ طبری: ج ۲ ص ۴۴۳؛ الاستیعاب - ابن عبد البر: ج ۳ ص ۹۷۵.
 ۲ - نگاه کنید به: من لا یحضره الفقیه - صدوق: ج ۴ ص ۱۲۵؛ صحیح بخاری: ج ۴ ص ۲۱۰ باب مناقب مهاجرین و فضیلتشان؛ صحیح مسلم: ج ۷ ص ۱۴۱ باب فضائل فاطمه؛ مسند احمد: ج ۴ ص ۵.

پی‌نوشت / ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷:

ابو محمد الحسیناوی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.
خداوند پاداش شما بزرگ بگرداند، ای سید و مولای من!
آقای من، ظلم و ستم اینها عیان شده است اما مردم چشمان خود را بسته‌اند!
بنده -خادم شما- در میدان جنگ، شاهد ظلم و ستم این خوارج آخر الزمان بوده‌ام.
بسیاری از رزمندگان در اثر جراحی ساده می‌میرند چون حتی امدادگران میدان جنگ نیز
وجود ندارند و امدادهای اولیه ساده هم پیدا نمی‌شود. دوستم در اثر یک جراحت در کتف و
یک جراحت در پایش درگذشت.
از خدا می‌خواهم به حق مصیبت امیرالمؤمنین به زودی زود شما را تمکین عطا فرماید
تا این امت، از خوارج آخر الزمان رهایی یابند.
آقای من، درخواست بنده این است که برای این بنده‌ای که در حق سرورش کوتاهی
کرده دعا فرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند شما را
یاری کند و بر این ستمگران قاتل پیروزی عطا فرماید. از خدای سبحان می‌خواهم شما را
به خانواده و دوست‌دارانتان -به سلامت- بازگرداند و به فضل و منت خود سبحانش،
حفظتان فرماید.

ناتوان بودن از گرفتن روزه به دلیل شرایط سخت و دشوار

پی‌نوشت / ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷:

شاکر الجابری: سلام و رحمت خدا بر شما. آقای من، یکی از برادران انصار ما در حین
درگیری‌های خشونت‌بار امروز با داعشی‌ها در موصل و در اثر گرمای شدید و شرایط میدان
نبرد نتوانست روزه را کامل کند و افطار نمود. حکم او و حکم گرفتن روزه در چنین شرایط
برای برادران انصار رزمنده چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. غیر از قضا کردن چیزی بر عهده‌اش نیست. به‌طور کلی در شرایط کار سخت و خشن که روزه گرفتن مشکل باشد اگر افطار کند اشکالی ندارد و بعداً قضا می‌کند اما واجب است روزه گرفتن را امتحان کند و اگر بین «خودش و خدای خودش» خود را ناتوان از به پایان رساندن روزه دید می‌تواند افطار کند و بعداً روزه را قضا نماید. هر انسانی به خودش و حال خودش آگاه است و خود او کسی است که بین خودش و خداوند، میزان تاب و توان خود در شرایط دشوار را معین می‌کند.

پی‌نوشت/ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷:

عباس حافظ: سلام بر شما ای آقای ما. پدرم عمرش را به شما داد. شما را قسمت می‌دهم به حق فاطمه زهرا برایش دعا کنی، ای آقای ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. انا لله و انا الیه راجعون. خداوند پاداش‌های شما و پاداش‌های خانواده و فرزندان و دوست‌دارانش را بزرگ بگرداند. از خدا می‌خواهم او را در پوشش رحمت فراگیر خود قرار دهد؛ که او ارحم الراحمین است.

شرایط ذبح در مورد گوشت و مرغ

پی‌نوشت/ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷:

Ali Abraham: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقا و مولای من، احمدالحسن! آقای من، در چند روز گذشته آگاه شدیم که از نظر اهل سنت، رو به قبله کردن قربانی مستحب است نه واجب. و متوجه شدیم کشتارگاهی وجود ندارد که مرغ را پشت به قبله می‌کشند و به این حکم شرعی -از نظر خودشان- استناد می‌کنند. آقا و مولای من، آنچه بنده شنیده‌ام این است که شما تفضل فرموده، تناول گوشت

بازارهای اسلامی را جایز دانسته‌اید ولی تحقیق در مورد روش ذبح مرغ را واجب می‌دانید. چطور خوردن گوشت برای شخصی که به مسلمان بودن فروشنده و اسلامی بودن کشور اعتماد می‌کند جایز است ولی در خصوص مرغ چنین حکمی وجود ندارد؟ ای پدر عزیزم، لطفاً پاسخ دهید. خداوند به شما بهترین پاداش را بدهد. از شما خواستار دعا هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. ذبح شده توسط مسلمانی که به شهادتین گواهی می‌دهد - اگر همراه با شرایط صحیح تذکیه باشد - اشکالی ندارد و تا زمانی که دلیلی وجود نداشته باشد که باعث شک و تردید نسبت به صحت تذکیه شود دقت کردن واجب نیست.

اما در مورد مسئله تذکیه مرغ اشکالات فراوانی در این خصوص وجود دارد؛ به همین دلیل دقت و شناخت طریقه ذبح و چونگی آن از منبع تولیدش واجب است. وقتی فهمیدید ذبح به شکل صحیح انجام شده - اینکه جلوی ذبیحه به سوی قبله باشد و شروط تذکیه صحیحی است که قبلاً بیان نمودم^۱ رعایت شده است - اشکالی در آن نیست وگرنه از آن پرهیز کنید.

پی‌نوشت / ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷:

ابو احمد سومری: انا لله و انا الیه راجعون. انصار امام مهدی در سوگ درگذشت فقید حاج حافظ شهاب پدر امین و عباس حافظ اشهاب - نشستند. اجل وی را نیم ساعت پیش - در حالی که از حشد الشعبی بازگشته بود - در خانه‌اش واقع در دوایه برگرفت. آن‌ها هم اکنون عازم نجف اشرف هستند تا مراسم دفن را به پا دارند - انا لله و انا الیه راجعون - در استان ذی قار الدوایه.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد. انا لله و انا الیه راجعون. خداوند پاداش‌های شما و پاداش‌های خانواده و فرزندان و دوست‌دارانش را بزرگ بدارد. از خدا می‌خواهم او را با رحمت فراگیر خود در این ماه کریم رحمت کند؛ که او ارحم الراحمین است.

*** **

تبریک به مناسبت حلول عید مبارک فطر و دعای وداع با ماه رمضان

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

همه شما هر سال در خیر و عافیت باشید.

خدایا با بزرگترین چیزی که بنده‌ای از مخلوقات با آن از تو درخواست کرده است، با اسماء کریمت، ثنای زیباییت، و دعای مخصوصت، از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد صلوات فرستی و این ماه ما را بزرگ‌ترین ماه رضائی قرار دهی که از زمانی که ما را به دنیا فرود آوردی بر ما سپری شده است، تا برکتی در حفظ دینم و رهاییِ نسفم و برآورده شدن حوائجم باشد و مرا در درخواست‌هایم شفاعت کنی و نعمت را بر من تمام بداری و بدی را از من بازگردانی، و لباس عافیتم در آن باشد.

بارخدایا! آن را آخرین عهد ما از ماه رمضان قرار مده تا در روزهای آینده به بهترین حالی که دوست می‌داری و به آن راضی هستی ما را به آن برسانی.

پی‌نوشت / ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷:

محمود علی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، ای آقای من. هر سال در هزاران

خیر باشی، حبيب من.

آقای من، دشمن بر ما چنگال انداخته و زمین بر ما تنگ شده است. از شما برای خود

و برادرانم خواستار دعا برای فرج و ثبات قدم و باری هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. صبر کنید؛ و صبر شما جز با خدا نیست. در ننگ و رسوایی دشمن شما همین بس که کارهای یزید و آل یزید را انجام می‌دهد، همان کارهای طغیانگران بنی امیه و بنی عباس، کارهای صدام و حزبش؛ بلکه برخی از اینان در سرکشی و ظلم و ستم افزون‌تراند.

*** **

مطالبهٔ مظلومیت شیخ رحیم شکری

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۷ ژوئن ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ما محکوم می‌کنیم و آنچه را که شیخ بزرگوار رحیم شکری -خدا حفظش کند- درخواست کرده است مطالبه می‌کنیم؛ چرا که ایشان شخصی است که در معرض ظلمی بزرگ قرار گرفته است.

آنچه موجب شد تا ما این مطالبه را مطرح کنیم مطالبی است که از مکانی که شیخ رحیم شکری -خدا حفظش کند- در آنجا در بازداشت بوده به من رسیده است. جایی که ایشان در کنار خود تعدادی از مردم ربوده شده را می‌بیند که از شدیدترین انواع شکنجه‌های جسمی رنج می‌برند. شیخ رحیم از آن مکان خارج شده است اما آن اشخاص ربوده شده همچنان در آنجا باقی مانده‌اند (کسانی که شیخ رحیم شکری تشخیص نداده است که آیا از فعالان مدنی هستند یا از صدری‌ها یا اهل سنت یا دیگر فرزندان مردم مظلوم عراق، و فقط توانسته است هویت یک شخص سنی ربوده شده که همراه وی در همان سلول بازداشت شده بود را شناسایی کند). شیخ رحیم شکری میانجی‌گری‌های عشایری را نپذیرفته، اصرار کرده است که قانون و سیستم قضایی مسیر خود را برای نجات دادن این ربوده‌شدگان طی کند.

پس لازم است جناب آقای وزیر کشور به اجرایی کردن دستورات قضایی برای

دستگیری و بازخواست این باند و حامیانشان مبادرت نماید و مقرّی که در آن افراد ربوده شده را زندانی کرده‌اند جست‌وجو کند، مردم را نجات دهد و اسیران آن‌ها را - اگر زنده هستند- آزاد کند؛ چرا که اینکه این کار بر او واجب است؛ زیرا او وزیر کشور همهٔ عراقی‌ها است نه رهبران سازشکار بدر یا مجلس؛ بنابراین اگر او فرد فاسد یا مجرمی را در رهبران بدر یا مجلس یا وابستگان‌شان ببیند لازم است این شخص از اولین کسانی باشد که اقدام به بازخواست از او می‌شود به خصوص هنگامی که تأخیری در اجرای دستورات قضایی به وجود آمده باشد. برخی از این افراد متأسفانه به جای اجرایی شدن دستورات صادر شده برای دستگیری‌شان تا به هم‌اکنون آزاد گذاشته شده‌اند تا به جرایم خود ادامه دهند و کار به جایی رسیده است که شاهدان را تهدید می‌کنند تا از شهادت دادن دست بردارند و چون شاهدان به این تهدید بی‌اعتنایی کرده‌اند اقدام به تهمت زدن به شهود و دستگیری آن‌ها کرده‌اند.

ما همچنین از سید عمار حکیم انتظار داریم که این باند را بازخواست کند و از آن برائت بجوید چرا که این افراد از پیروان او هستند.

اگر اقدامات فوری برای مهار این گروه و بازخواست از آنان صورت نگیرد مردم مظلوم عراق باید بدانند و شکی در آن نیست- که چه کسانی این باندهای آدم‌ربایی و ترور را تشکیل می‌دهند و چه کسانی از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند و به خصوص نامه‌های پیوست شده (حکم‌های بازداشت) روشن می‌کنند که این باند آدم‌ربایی چه کسانی هستند و هر عراقی می‌تواند وابستگی آن‌ها را دنبال کند و اینکه آن‌ها چگونه سعی می‌کنند خودشان را به وسیلهٔ این وابستگی، از موارد قانونی در امان بدارند و حتی تا آنجا پیش بروند که بی‌دلیل به حریم شاهدان تجاوز کرده، به دستگیری آن‌ها ادامه بدهند.

هر خانوادهٔ عراقی که عضوی ربوده شده دارد باید این باند را پیگیری و فرزندان خود را مطالبه کند به خصوص اهالی استان بابل، الاقزیه و نواحی تابع آن، و بغداد و نواحی تابع آن.

جزئیات این ماجرا در ادامه طی آنچه شیخ بزرگوار رحیم شکری -خدا حفظش کند-

نوشته است خواهد آمد. بعد از اینکه این باند اقدام به ربودن او و چهل روز شکنجه‌اش کردند خداوند نجاتش داد:

«بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

(دادخواست و درخواست محکومیت)

به نخست وزیر دکتر حیدر العبادی

به وزیر کشور آقای قاسم الاعرجی

به استاندار بابل آقای صادق مدلول سلطانی

به سازمان‌های جامعه مدنی و حقوق بشر

به همه عراقی‌های شریف

و به همه انسان‌های غیور استان بابل

برای توقف این نمایش مسخره‌ای که در استان بابل روی صحنه آمده است ورود

کنید!

یک باند تروریستی ذی‌نقوذ وجود دارد که اسم و پوشش مقامات امنیتی را به کار می‌گیرد تا آدم‌ربایی‌ها و شکنجه هموطنان را به شکلی وحشیانه و پست اجرا کند و با کمال تاسف افرادی وجود دارند که شرافت شغلی‌شان را فروخته، با آن‌ها همکاری می‌کنند و آن‌ها را پوشش می‌دهند! ماجرای که حیثیت و آبروی مقامات امنیتی و قضایی را در استان بابل به سبب وجود برخی اشخاص روانی که بی‌هیچ مانع و وجدانی دیوانه شکنجه کردن هموطنان عراقی و ایجاد رعب و وحشت برای آن‌ها و خانواده‌هایشان هستند زیر سؤال می‌برد!

من شیخ رحیم کاظم حمد شکری - خطیب حسینی و استاد حوزه علمیه در نجف اشرف - با مدرک کارشناسی ارشد در علوم اسلامی از دانشگاه المصطفی، در استان بابل در اطراف خیابان قاسم بن امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از خروج از مراسم عزاداری امام کاظم (علیه السلام) توسط یک باند مسلح مجرم ربوده شدم. آن‌ها در خیابان به طرز بی‌مانندی اقدام به ضرب و شتم بنده کردند به نحوی که تمام بدنم خون آلود شد... آن‌ها مرا به مقر خود بردند و شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین انواع شکنجه‌های بدنی و روانی را بر من روا داشتند

طوری که در بدنم عضو سالمی باقی نماند. آن‌ها مرا به مدت چهل روز چشم بسته نگه داشتند به طوری که حتی شب و روزم را هم متوجه نمی‌شدم و این بر بینایی بنده نیز اثر گذاشت!

آن‌ها خودرو شخصی بنده از نوع BMW با پلاک (۳۴۶۹۲) و تلفن همراه و بعضی از وسایل شخصی‌ام را نیز از من گرفتند.

بعد از اینکه خانواده و برادرانم ربایندگان را شناسایی و از آن‌ها به مقامات امنیتی و قضایی بابل شکایت کردند... و بعد از صدور دستورات قضایی برای دستگیری بعضی از آن‌ها، آن‌ها مرا آزاد کردند به این شرط که از شکایت صرف‌نظر کنم و چیزی نگویم وگرنه مرا به قتل خواهند رساند. پس از آزاد شدن، شکایتم را پیگیری کردم و شکایت خود را به «حسن فدم» وابسته مجلس اعلاى اسلامى ارائه کردم؛ چرا که مالکان خودرو و ربایندگان و مقر شکنجه آنان شناسایی شده بودند...

بنده خودم هم آن‌ها را شناسایی کردم و توسط شاهدان و دوربین‌های امنیتی -که توانستیم به آن‌ها دست یابیم و به عنوان مدرک به دادگاه و دستگاه‌های امنیتی تحویل دادیم- نیز شناسایی شدند. بنده انتظار داشتم حق خود را از این تروریست‌های مجرم بگیرم.

ولی جای شگفتی و تاسف دارد: اینکه این باند همچنان به حملات خود ادامه می‌دهند و برای خود جولان می‌دهند و قرار دستگیر کردن آن‌ها اجرایی نشده است... آن‌ها به خانه‌های شاهدان و از جمله پسر عموی خودم و شوهر دخترم عرفان صبار شکری (ربوده شده) در قالب گروه‌هایی که لباس نظامی به تن داشتند هجوم بردند و او را تهدید کردند که اگر از شهادت دادن دست بردارد به او تهمت دسیسه‌چینی خواهند زد طوری که به هیچ وجه نتواند از آن خلاص شود. ما این واقعه را به دادگاه منطقه هاشمیه اطلاع دادیم و آن‌ها بعد از چند روز تهدید خود را عملی کردند؛ گروهی مسلح آمدند که بعضی از آن‌ها لباس ماموران امنیتی بر تن کرده بودند و همراه خود وسایل اتهام زدن به دسیسه‌چینی را به خانه عرفان صبار شکری آوردند، او را از خانه‌اش دزدیدند و از او تصاویری منتشر کردند مبنی بر اینکه او تروریست است و می‌خواهد عملیات تروریستی انجام دهد و این کار در برابر دیدگان دادگاه و دستگاه‌های امنیتی صورت پذیرفت!

در نتیجه به جای اینکه تروریست‌ها و ربایندگان دستگیر و مجازات شوند و حق و کرامت مرا برگردانند، این عملیات مجرمانه را با ربودن شاهد «عرفان شکری» با اتهام دسیسه‌چینی تکمیل کردند و ما در حال حاضر از سرنوشت او هیچ اطلاعی در دست نداریم!

همواره این تبهکاران با تهمت زدن به شاهدان ماجرای ربوده شدن بنده، برای فشار آوردن بر آن‌ها تلاش می‌کنند تا آن‌ها از شهادت دادن کوتاه بیایند و شکایت بنده و انتقام‌جویی از آنان باطل گردد!

بنابراین به هر کسی که عزت و آبروی عراق، دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی عراق به‌طور کلی و به‌خصوص بابل برایش مهم است می‌گوییم: آیا عاقلانه است این باند، آزادانه رها شوند در حالی که به ربودن، اخاذی و شکنجه هموطنان در استان بابل با برق و وسایل شکنجه به روشی وحشیانه اقدام می‌کنند؟!

آیا عاقلانه است این باندِ عنان‌بریده، رها شوند و در استان بابل حمله کنند و جولان دهند بی هیچ بازخواست یا نظارتی چرا که این باند نفوذ دارد و عناوین رسمی حکومت را به کار می‌گیرد؟!

آیا عاقلانه است وضعیت به‌طور کامل واژگونه شود و شخص قربانی و خانواده او با تهمت‌های ناروای حيله‌آمیزی مجازات شوند؟!

آیا عاقلانه است این عده در زمانی که کشور در شرایط سخت با تروریسم وهابی داعشی روبه‌رو است آزادانه رها شوند تا فتنه و آشوب به پا کنند...؟! به چه حق یا قانون یا دینی به این افراد اجازه داده می‌شود که بر هموطنان مسلط شوند، به آن‌ها اهانت، و آن‌ها را شکنجه و هتک حرمت کنند؟!

و در پایان به همه مقاماتی که نگران هستند، به تمامی انسان‌های شریف و هر کسی که حیثیت و آبروی عراق و آبروی استان بابل برایش مهم است تکرار می‌کنم و درخواست می‌کنم:

با قدرت و در اسرع وقت برای توقف این فاجعه زشت ورود کنید... و این باندی را که فتنه و فساد و ترس در استان بابل ایجاد می‌کنند متوقف کنید... زیرا ظلم چه در دنیا و چه در آخرت، ظُلمات و تاریکی است.

رونوشت به:

- نخست وزیر دکتر حیدر العبادی.

- وزیر کشور قاسم اعرجی.

- استاندار بابل آقای صادق مدلول سلطانی.

- سید عمار حکیم.

پیوست^۱:

- تصاویر قرار قضایی برای دستگیری برخی افراد این باند تبهکار.

- تصاویر کسانی که به دادگاه فراخوانده شدند و از آن‌ها شکایت شده است».

پی‌نوشت / ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خواهش می‌کنم در موضوع آدم‌ربایی، نام عشیره‌های محترم آن جنابان قرار داده نشود^۲. همه عشیره‌های عراقی، محترم و برای ما گرمی هستند و در این عشیره نیز مثل دیگر عشیره‌های محترم عراقی- افراد مؤمن و صالح بسیار هستند. اگر یک یا دو نفر از این عشیره دست به کاری پلید بزنند، تبعات اخلاقی آن بر آن عشیره تحمیل نمی‌شود.

پی‌نوشت / ۲۰۱۷:

سید عبد الله الغالبی: مولای عزیزم، در مورد مؤید ابو محمد حسناوی، امروز بر او وارد شدیم. از شما دعایی می‌خواهم تا او شاد گردد و روحیه‌اش بهتر شود. آری، به خدا قسم -سرورم- فدای چشمای شما گردم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

۱ - پیوست‌ها در اینجا درج نشده‌اند و در بیانیه شیخ رحیم شکری در صفحه‌اش وجود دارد.
۲ - این پی‌نوشت در نتیجه شرکت داشتن یکی از افراد منتسب به این عشیره در ماجرای آدم‌ربایی شیخ رحیم شکری درج شده است.

از خدا می‌خواهم با شفا و صحت و عافیت بر او منت بگذارد؛ و شکر خدا برای سلامتی‌اش.

پی‌نوشت / ۲۰۱۷:

علی علی الانصاری: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَ لَا: (تَرَزُّ وَارِزَةً وَرَزُّ اُخْرٰی) (هیچ بردارنده‌ای بار دیگری را بر دوش نمی‌کشد).

نامه‌ای به سید احمد الحسن الیمانی

پیش از وارد شدنم به جزئیات می‌خواهم به سید احمد الحسن (علیه السلام) بگویم اگر تو امام و از نسل علی (علیه السلام) هستی باید با مردم انصاف داشته باشی و از هر دو طرف «منارعه» بشنوی و تنها به یک طرف بسنده نکنی! امام ما علی (علیه السلام) حتی به یهودی هم انصاف روا می‌داشت. آنچه خواهم گفت فقط برای تبرئه خودم نیست بلکه می‌خواهم تو و پیروانت را در پیشگاه خدا به قضاوت بکشانم. من و برادرانم از شیخ رحیم شکری می‌خواهیم در برابر دادگاه و قضاوت، کوتاه نیایند حتی اگر در معرض فشار واقعی از طرف رایندگان قرار گرفته باشد تا کار آن‌ها در برابر خدا و مردم رسوا شود. آن‌ها تلاش کردند تا با روش‌های خبیثانه، به ما اتهام بزنند؛ همان چیزی که برای شما هم شناخته شده است.

داستان کامل به قرار زیر است؛ و خداوند به آنچه می‌گویم گواه است...

پس از دو روز از این اتفاق، عمویم با من تماس گرفت. او شیخ عشیره من و در شهر «القاسم» به عدالت و ایمان شهره است؛ همان شیخ مهدی حمد (ابو صلاح) معروف. او فقط یک کلمه به من گفت: آیا روز وفات امام کاظم (علیه السلام) به کوی عسکری رفتی؟ گفتم بله. به من گفت: آیا تو شاهد حالت عجیب و غریب او در حین رفتن بوده‌ای؟ گفتم: هرگز. به من گفت: شیخ رحیم طبق ادعای خانواده‌اش ربوده شده است و اتومبیل تو در هنگام حادثه در همان خیابان بود و خانواده او تو را متهم می‌کنند. به او گفتم: شوخی می‌کنید؟! به من گفت: من جدی هستم. من و برادر بزرگم - که در دادگاه شهر القاسم مفتش و بازرس است و در نظر همه مردم القاسم به پاکی معروف رفتیم.

پس از دیدار با نزدیکان شیخ آن‌ها به من گفتند: ما تو را به بودن شیخ متهم می‌کنیم. ولی من اتهام را به‌طور کلی و جزئی انکار کرده. به آنان گفتم: اگر به کوی عسکری آمدم به این خاطر بود که مسابقه رتال را ببینم و به خاطر اینکه هوا بسیار بد و

غبارآلود نتوانستم بروم. مقدار دید تقریباً در حد صفر بود. آن‌ها این موضوع را می‌دانند. نشستیم و گفت‌وگو ادامه یافت و برادر بزرگم همه گفت‌وگوهایی را که بین ما انجام شد ثبت و ضبط نمود و فایل ضبط شده موجود است و آمادگی این را دارم که آن را برای شما منتشر کنم. پس از آن ما به آنان گفتیم: ما برای هر چیزی آماده‌ایم و اگر هر گونه دلیلی دارید ما مدیون شما خواهیم بود.

منی‌خواهم مطلب را برای شما به درازا بکشم. پس از آن، شخصی از صدری‌ها را متهم کردند که نامش سجاد است، آن‌ها گروه‌ها را متهم کردند و بنده و برادرانم را متهم کردند در حالی که ما بی‌گناه هستیم همان طور که گرگ در مورد پسر یعقوب مبرا بود. آن‌ها مرا به یک حزب سیاسی نسبت دادند ولی من به هیچ گروهی وابستگی ندارم. پس از گذشت بیش ده روز، حقی که از شما و از انصار شما پنهان می‌کردند آشکار شد. فامیل نزدیکشان با آنان به توافق رسید؛ همان طور که خودشان در دادگاه مدعی شدند «فاضل دمک»، بشارت خوبی به ما رسید چرا که آدم‌ربایان حقیقی را می‌شناسند ولی پیروز شدن با گناه، آن‌ها را گرفت در حالی که همچنان بر شکایت خود مصرانه باقی مانده‌اند و پس از گذشت ۳۰ روز دستور دستگیری ما صادر شد و شاهدان دروغینی حاضر شدند؛ یعنی همان فلاح و عرفان که عرفان در حال حاضر ربوده شده است... پس از آن، آدم‌ربایان شیخ را آزاد کردند و ما خدا را سپاس گفتیم و شکر کردیم که او آدم‌ربایان حقیقی را می‌شناسد...

ولی پس از آنکه او به خانواده خود بازگشت به او گفتند: ما عشیره «مراکصین» را متهم نمودیم و اگر تو آنان را بی‌گناه اعلام کنی علیه ما حق‌دار می‌شوند. پس از این مسئله او بر شکایت خود علیه ما تأکید کرد؛ ولی ما در مورد این اتهام بی‌گناه هستیم... پیش از رفتنمان به دادگاه به سید احمدالحسن می‌گوییم: می‌خواهم خود شما حکم کنی. اگر آن‌ها یک دلیل قطعی نزد تو بیاورند ما مقابل خداوند و مقابل شما و مقابل همه مردم مدیون خواهیم بود...

آنان می‌گویند: تصویری از دوربین‌های کنترلی دارند. باید آن را مقابل همه مردم ارائه و ما را آشکارا بی‌آبرو کنند، و اگر دلیل قانع‌کننده‌ای نداشته باشند پس از تمامی این مطالبی که درباره من و برادرک منتشر نموده‌اند من پس از خداوند- قانون را قاضی ایشان

قرار می‌دهم.

امیدوارم نسبت به این نامه من بی‌توجهی نکنی و گرفتار پیروزی با گناه نشوی؛ به همان صورتی که شیخ رحیم انجام داد.
اطلاعات مهم:

۱- کسی که مبلغ فدیّه را با آنان به توافق رسید یکی از نزدیکان شیخ است؛ از نزدیکان برادر بزرگ آنها.

۲- هنگام بیرون آمدن، شیخ گفت: افرادی که او را ربودند اتومبیل‌هایی از نوع تویوتا بی‌آب سفید بودند.

۳- اتومبیل من، رنجروور بود که ۵ سال است آن را دارم.

۴- برادرم که متهم دوم است، در حین حادثه به شهادت بیش از ۱۵۰ فرد مشخص، در موصل بود.

۵- برادر مفتش من در حین حادثه به مناسبت یادبود وفات امام و با حضور بیش از ۱۴ کارمند همراهش در مجلسی حضور داشت.

۶- این صفحه، خیالی است و هدف نهایی من از آن، همین نامه است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

پاسخ: خداوند تو را زنده بدارد.

انشاءالله بنده از گناه به دور هستم نه اینکه فقط مبتلا به پیروزی با گناه نباشم؛ و انشاءالله احساسات و هواهای نفسانی بر من حاکم نیست. بنده فقط خواهان حق و برپایی حق هستم هر چند علیه من و نزدیک‌ترین شخص به من بوده باشد!

پس از اینکه برخی از مؤمنان تهدید شدن شیخ رحیم شکری توسط یکی از همکاران نزدیک «حسن فدعم» نسبت به قتل او را در صفحه‌اش به من نقل کردند بنده پیام بالا را منتشر کردم و مطالب را از صفحه شیخ رحیم -خدا حفظش کند- الله نقل نمودم. این تهدید به خودی خود جرم دیگری محسوب می‌شود علاوه بر اینکه این تهدید با درجه‌ای بالا بر اتهام مطرح شده علیه حسن فدعم و افرادی که او از آنان کمک می‌گیرد تأکید می‌نماید. (این امکان وجود دارد که برخی از مؤمنان تصویر این تهدید را در پی‌نوشت‌ها

منتشر کنند تا کسی که به این مسئله توجه دارد از آن مطلع گردد).
 به علاوه: پس از اینکه شیخ رحیم شکری پیام خود را منتشر نمود آدم‌ریبایی که
 موبایل شیخ را در دست داشتند پیام او را از صفحه‌اش حذف کردند. این نیز بر وارد آمدن
 اتهام دست کم نسبت به برخی از متهم‌ها تأکید می‌نماید.
 بنده شخصاً از این دو مسئله اطلاع حاصل کردم.

اما دربارهٔ مسئله‌ای که جناب‌عالی در اینجا نوشتی، من با دکتر علا سالم -خدا
 حفظش کند- صحبت کردم تا با شیخ رحیم شکری تماس بگیرد و از او همهٔ اتفاقات و
 جزئیات مربوط به نامهٔ شما را جویا شود و منتظر پاسخ شیخ رحیم -خدا حفظش کند-
 هستم.

به‌طور کلی فکر نمی‌کنم شیخ رحیم بخواهد کسی را مورد آزار و اذیت قرار دهد یا
 مجازات کند ولی کسانی وجود دارند که از نفوذ حزب خود در دستگاه‌های امنیتی و حشد
 الشعبی سوء استفاده کرده، نسبت به شیخ رحیم و افراد دیگری تجاوز کرده، حقوقشان را
 از آنان سلب نموده‌اند. به همین جهت کسی که می‌خواهد مسائل را روشن کند -دست
 کم- گام اولش توبه و پشیمانی و آزاد کردن ستمدیدگان و بازگرداندن دارایی‌های گرفته
 شدهٔ مردم است و پس از آن می‌تواند درخواست کوتاه آمدن از ادعای قضایی را مطرح
 نماید.

همچنین مجلس و سید عمار حکیم را نصیحت می‌کنم از کسی که با اتهامات
 آدم‌بایی و آزار و اذیت دیگر مردم احاطه شده است کمک نگیرند حتی اگر این افراد در
 دین و اعتقادات یا سیاست با آنان اختلاف داشته باشند.

و وزیر کشور و رئیس پلیس بابل را نصیحت می‌کنم اشخاصی را که وابسته به
 دستگاه‌های امنیتی در بابل هستند و افرادی را که اقدام به دستگیری شاهد در هاشمیه^۱

۱ - محلی که باند مذکور از شاهد خواستند از شهادتش -که ربایندگان را مدیون می‌کند- دست بردارند و چون او از

کرده‌اند و همچنین به دو شیعه در «المسیب» اتهام داشتن کمربند انفجاری زده‌اند مورد بازخواست قرار دهد. گویا مردم نمی‌دانند که ایمان آورندگان به این دعوت (یا آنگونه که خودشان پیروان یمانی می‌نامند) شیعه هستند و هر ساله به موکب‌های حسینی خدمت می‌کنند. به علاوه شما کی چند تن وسایل انفجاری را کشف کرده‌اید که به قلب استان بابل و به مرکز پایتخت رسیده و ارواح بی‌گناهان را ربوده باشد تا اینکه کار شما به آنجا برسد که نارنجک دستی و کمربند انفجاری را - که یکی از پیروان یمانی آن‌طور که شما می‌گویید در پشت بام مخفی کرده باشد- کشف و ضبط کنید؟! این چه نمایش مسخره و بازی بی‌ارزشی است که شما اجرا می‌کنید که حتی بزرگان نظام قبلی نیز آن را به انجام نرسانده‌اند!

پی‌نوشت / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
هدف از این بیانیه فقط رساندن مطلب به کسانی است که به موضوع رفتار و انصاف با ستم‌دیده اهمیت می‌دهند. لذا پس از آنکه مطلب را به دیگران رساندیم اقدام به حذف پیام خواهیم کرد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷:

#موصل-آزادشد

الحمد لله.

این کار سر باز زد اقدام به نسبت دادن اتهام حمل کمربند انفجاری کردند و در نتیجه او دستگیر شد. آن‌ها همین کار را با دو مومن در منطقه‌المسیب کردند و این را اهرم فشاری برای شیخ شگری قرار دادند تا از شکایت خود علیه آن‌ها چشم‌پوشی نماید.

اما هزینه‌اش واقعاً گزاف بود.

امروز سیاسیون و دیگران برای آزادسازی موصل به یکدیگر تبریک و تهنیت می‌گویند در حالی که:

- مادرانِ فرزند از دست داده نام‌های جوانانی را صدا می‌زنند که در طول مسیر به سوی موصل، بر زمین افتاده‌اند.

- پدران برای بهره‌تباه شده خود نوحه سر می‌دهند؛ چرا که فخر و گران‌ترین مایملک خود را از دست دادند تا موصل آزاد شود.

- یتیمان پناه‌های شکوهمند خود را از دست دادند و یتیم شدند تا موصل آزاد شود.
آیا کسانی که مسبب تمامی این خرابی‌ها، تباهی‌ها و آلام هستند بازخواست خواهند شد؟!

ابزاری در دست احزاب سیاسی بر ضد حزب دیگری نشوید

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

ای دوستان مؤمن در عراق:

همان طور که در این مرحله و چه بسا در آینده نیز خواهید دید- عملیات «ساقط کردن» در میان سیاستمدارها بالا گرفته است و می‌گیرد، انتظار می‌رود شما ابزارهایی در دست جریان‌های سیاسی علیه دیگر جریان‌ها نگردید تا ساقط کردن یک جریان بدون دخالت شما صورت پذیرد. ما با هیچ یک از جریان‌های سیاسی دشمنی نداریم، اما متأسفانه اتهام زدن بدون هیچ دلیلی- همان طور که خود می‌دانید- بین سیاسیون عراق رایج است. هر آنچه را که یک سیاستمدار درباره سیاستمدار دیگری می‌گوید- در حالی که در اصل با او دشمنی دارد و می‌خواهد او را ساقط کند- تصدیق، و در رسانه‌های اجتماعی منعکس نکنید. هر انسانی احترام خاص خود را دارد و ما راضی نمی‌شویم که شما تبدیل به ابزارهایی برای ساقط کردن اشخاص در جامعه بدون مراعات احترام انسانی بگردید.

زندان‌های نظام دموکراسی

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

آیا اینها زندان‌های نظام دموکراسی زیر سایه بنیانی دینی است که آن را مبارک شمرده است؟!

Snaa Ahmed نوشته است:

«#نامه‌ای_از_زندانیان_زندان_مرکزی_ناصریه_الحوت

#به_هر_کسی_که_غیرت_و_شرافت_دارد_این_نامه_را_در_همه_رسانه‌های_ارتبا

طات_جمعی_منتشر_کند

#به_داد_مستضعفان_برسید

واقعیّت زندان‌های مصیبت‌بار و آنچه زندانیان در زندان ناصریه در معرض قرار دارند روشن شده است و بدترین شکل‌های شکنجه، اهانت‌ها و از بین بردن کرامت‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ زندان‌هایی که برای آنان همچون قبرهایی است که در آن دفن شده‌اند. سکوت، آن‌ها را می‌بلعد و رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشر، به شکلی ننگ‌آور و خفت‌آور نسبت به آن‌ها خود را به نادانی می‌زنند. با توجه به اینکه بیشتر زندانیان در اثر ادعاهای فریب‌کارانه، جاسوس‌های مخفی و اتهامات ساختگی دستگیر شده و زیر شکنجه به جنایت‌هایی اعتراف کرده و ظالمانه محکوم شده‌اند. امروز ما در زندان ناصریه هستیم و احکام به زندان ابد و اعدام علیه ما صادر شده است و به دنبال رنج و سختی که از آزارهای شکنجه و اهانت‌های روانی و جسمانی متحمل می‌شویم همین امروز -قبل از فردا- آروزی مرگ می‌کنیم. برای اینکه سخن را به درازا نکشم کمترین رنج‌هایی را که در این زندان لعنت شده تحمل می‌کنیم برای شما بازگو می‌کنم:

اول: بیماران را برای معالجه به خارج از زندان نمی‌فرستند؛ با توجه به اینکه بیشتر آنان از بیماری‌های مُزمن رنج می‌برند.

دوم: همیشه غل و زنجیر بر دستان ما قرار می‌دهند حتی وقتی درون سلول زندان هستیم.

سوم: آبی برای حمام کردن وجود ندارد. برخی از ما بیش از یک ماه است که در این

هوای بسیار گرم حمام نکرده‌ایم.

چهارم: هر چند وقت یک بار اقدام به شکنجه جسمی و روانی ما می‌کنند. آن‌ها سگ‌های پلیس را به سراغ ما می‌آورند یا به ما خبر می‌دهند که حکم‌های اجرای اعدام به زندان رسیده است؛ در حالی که اخبار دروغینی هستند که ما را از نظر روانی مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

پنجم: ازدحام زندانیان در زندان تا جایی که خوابیدن و نماز خواندن ما نوبتی است.

ششم: غذایی که برای ما آورده می‌شود نکبت‌بار است و قابل خوردن نیست.

هفتم: هوای زندان بسیار گرم است؛ زیرا در کولرهایی که وجود دارند آب نمی‌ریزند.

هشتم: مغازه زندان نیز از ما سوء استفاده می‌کند و با ده‌ها برابر قیمت متعارف به ما جنس می‌فروشد؛ مثلاً قیمت پیراهن مردانه، ده هزار دینار عراقی است و وضعیت شیرینی و میوه نیز به همین صورت است.

نهم: مبالغی را که خانواده ما برایمان می‌فرستند به ما نمی‌دهند و ما را مجبور می‌کنند از مغازه زندان خرید کنیم.

دهم: آفتاب گرفتن و هواخوری سه ساعت در روز بود، ولی الآن فقط پنج یا ده دقیقه شده است. آن‌ها دست و پاهای ما را غل و زنجیر می‌کنند و از ما می‌خواهند بدویم و ما را می‌زنند تا جایی که بیشتر ما روی زمین می‌افتیم؛ گویی این عقوبت ما است.

امیدوارم کسی که پیام ما را می‌خواند آن را در حد امکان در معرض دید عموم قرار دهد».

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۷:

#Snaa Ahmed: #نامه‌ای_از_زندانیان_زندان_مرکزی_ناصریه_الحوت

#به_هر_کسی_که_غیرت_و_شرافت_دارد_این_نامه_را_در_همه_رسانه‌های_ارتبا

طات_جمعی_منتشر_کند

#به_داد_مستضعفان_برسید

واقعیت زندان‌های مصیبت‌بار و آنچه زندانیان در زندان ناصریه در معرض قرار دارند روشن شده است و بدترین شکل‌های شکنجه، اهانت‌ها و از بین بردن کرامت‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ زندان‌هایی که برای آنان همچون قبرهایی است که در آن دفن

شده‌اند. سکوت، آن‌ها را می‌بلعد و رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشر، به شکلی ننگ‌آور و خفت‌آور نسبت به آن‌ها خود را به نادانی می‌زنند. با توجه به اینکه بیشتر زندانیان در اثر ادعاهای فریب‌کارانه، جاسوس‌های مخفی و اتهامات ساختگی دستگیر شده و زیر شکنجه به جنایت‌هایی اعتراف کرده و ظالمانه محکوم شده‌اند. امروز ما در زندان ناصریه هستیم و احکام به زندان ابد و اعدام علیه ما صادر شده است و به دنبال رنج و سختی که از آزارهای شکنجه و اهانت‌های روانی و جسمانی متحمل می‌شویم همین امروز -قبل از فردا- آروزی مرگ می‌کنیم. برای اینکه سخن را به درازا نکشم کمترین رنج‌هایی را که در این زندان لعنت شده تحمل می‌کنیم برای شما بازگو می‌کنم:

اول: بیماران را برای معالجه به خارج از زندان نمی‌فرستند؛ با توجه به اینکه بیشتر آنان از بیماری‌های مُزمن رنج می‌برند.

دوم: همیشه غل و زنجیر بر دستان ما قرار می‌دهند حتی وقتی درون سلول زندان هستیم.

سوم: آبی برای حمام کردن وجود ندارد. برخی از ما بیش از یک ماه است که در این هوای بسیار گرم حمام نکرده‌ایم.

چهارم: هر چند وقت یک بار اقدام به شکنجه جسمی و روانی ما می‌کنند. آن‌ها سگ‌های پلیس را به سراغ ما می‌آورند یا به ما خبر می‌دهند که حکم‌های اجرای اعدام به زندان رسیده است؛ در حالی که اخبار دروغینی هستند که ما را از نظر روانی مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

پنجم: ازدحام زندانیان در زندان تا جایی که خوابیدن و نماز خواندن ما نوبتی است. ششم: غذایی که برای ما آورده می‌شود نکبت‌بار است و قابل خوردن نیست. هفتم: هوای زندان بسیار گرم است؛ زیرا در کولرهایی که وجود دارند آب نمی‌ریزند. هشتم: مغازه زندان نیز از ما سوء استفاده می‌کند و با ده‌ها برابر قیمت متعارف به ما جنس می‌فروشد؛ مثلاً قیمت پیراهن مردانه، ده هزار دینار عراقی است و وضعیت شیرینی و میوه نیز به همین صورت است.

نهم: مبالغی را که خانواده ما برایمان می‌فرستند به ما نمی‌دهند و ما را مجبور می‌کنند از مغازه زندان خرید کنیم.

دهم: آفتاب گرفتن و هواخوری سه ساعت در روز بود، ولی الآن فقط پنج یا ده دقیقه شده است. آن‌ها دست و پاهای ما را غل و زنجیر می‌کنند و از ما می‌خواهند بدویم و ما را می‌زنند تا جایی که بیشتر ما روی زمین می‌افتیم؛ گویی این عقوبت ما است. امیدوارم کسی که پیام ما را می‌خواند آن را در حد امکان در معرض دید عموم قرار دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

خداوند ما را برای خدمت به شما یاری دهد

کامنت / ۱ جولای ۲۰۱۷:

کرار الزرکانی: سلام بر سید و مولایم یمانی آل محمد ﷺ. آقای من، دخترم نور الیمانی- سه سال دارد و از بیماری التهاب شدید کبد رنج می‌برد. فرایند درمان این نوع بیماری در عراق انجام نمی‌شود ولی در خارج از عراق وجود دارد ولی خیلی پرهزینه است، ای آقای من. به حقی که حضرت زهرا بر تو دارد برایش دعا کن تا زود شفا یابد. مولای من، عذر می‌خواهم که جسارت کردم ولی شما به دل یک پدر، داناتری. امیدوارم مرا ببخشایی، مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. دکتر علا سالم را مکلف موضوع شما کردم. با او ارتباط برقرار کن و ان شاء الله خداوند ما را برای خدمت به شما یاری دهد.

پی‌نوشت / ۱ جولای ۲۰۱۷:

علی الحسن: آقای من، امیدوارم به خاطر نیازی که به این موضوع وجود دارد به این پرسش پاسخ دهید...

آیا در حین نبردها ما جایز هستیم به زخمی‌های النصره و داعش سخت بگیریم و درمانگاه‌های صحرائی‌شان را تخریب کنیم؟...

با توجه به اینکه بنده این پرسش را برای چهارمین بار است که مطرح می‌کنم... از شما می‌خواهم اگر مطلب را طولانی کردم مرا عفو بفرمایید.

داعش و النصره هیچ حرمتی ندارند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. داعش، النصره و القاعده هیچ حرمتی ندارند. در صورت اضطرار، جایز است.

مجموعه‌ای از پرسش‌های مربوط به وجود و حضور سید الحمد الحسن، تصویرش، نَسَبش و ...

پی‌نوشت / ۵ جولای ۲۰۱۷:

- لواء الموعود: سلام بر آنان که از پی هدایت می‌روند.
 - مجموعه‌ای از پرسش‌ها دارم و امیدوارم به آن‌ها پاسخ دهید.
 - ۱- چرا تصویر شخصی خودت را مخفی می‌کنی؟
 - ۲- چرا در همین زمان اخیر بیرون آمدی؟
 - ۳- چرا شما در جنگ با سازمان‌های تروریستی حضور ندارید؟
 - ۴- اگر تو فرزند امام محمد حسن عسکری هستی به چه عنوانی فرامی‌خوانید؟ یعنی چگونه تو احمدالحسن هستی و نه احمد بن محمد بن حسن عسکری؟ عاقلانه نیست که تو فرزند امام محمد مهدی منتظر باشی ولی نام‌ها متعارض باشند.
 - ۵- آیا عاقلانه است پسر، پیش از پدر خروج کند؟
 - ۶- مَهری که به نام مکتب مخصوص شما اشته در استان نجف اشرف، دزدیده شده در حالی که شما اطلاع نداری!
 - ۷- آیا دلیلی از کتاب انجیل یا زبور در دست داری؟
 - ۸- دلیلی می‌خواهم مبنی بر اینکه همان‌طور که خود شما ادعا می‌کنید، تو از سوی پدرت فرستاده شده‌ای.
- از طول دادن (علیه السلام) نامه‌ام عذرخواهم و امیدوارم با کلماتم، باعث ناراحتی شما نشده

باشم.

توفیق تنها از سوی خداوند است
و فرجام از آن پرهیزگاران.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

- بنده شخصاً مدتی طولانی از سال ۲۰۰۲ زمان اعلام دعوت در نجف اشرف هویدا بودم، نشست و برخاست داشتم و با مردم دیدار می‌کردم. ولی حکومت در زمان نوری مالکی، پس از حمله‌های مکرر به ما، ما را مجبور به دور شدن کرد، و آخرین حمله پیش از دور شدن من- به خانها م در نجف اشرف بود.

چهره و صدای مرا هزاران نفر از مؤمنان و دیگران که قبلاً با آن‌ها دیدار می‌کردم می‌شناسند، اما در حال حاضر درباره مسئله عکس پاسخ نمی‌دهم، موضوعی است که به امنیت شخصی بنده ارتباط دارد. ما کاری که در توان داریم انجام می‌دهیم و بقیه اش بر عهده خداوند سبحان است؛ که او بهترین محافظ است.

- درباره سازمان‌های تروریستی یا آنچه به‌طور دقیق در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد- ما از روز اول سقوط موصل با حکومت ارتباط برقرار کردیم ولی آن‌ها مسلح کردن ما را نپذیرفتند و حتی تشکیل نیروهای نظامی توسط ما برای مشارکت در نبرد علیه داعش را رد کردند. ما این مسئله را رها کردیم تا وقتی که آن‌ها عقب‌نشینی کردند و کار به سقوط «الرمادی» رسید. در آن زمان بود که «سرایا القائم» را برای دفاع از مقدساتمان تشکیل دادیم- چون جنگ به آنجا نزدیک شده بود- و مجدداً سیاستمداران ذی‌نفع نپذیرفتند؛ زیرا آن‌ها این وضعیت را راهی برای به دست آوردن دستاوردهای شخصی خود یا جلب منفعتی برای خود ارزیابی کردند. هر حزبی تشکیلات نظامی خود را دارد. با اینکه ما در حکومت، نه سر پیاز بودیم و نه ته پیاز و نه در انتخابات مشارکت نمی‌کنیم و در نه در به دست آوردن منصب‌ها با آنان مسابقه نمی‌دهیم و فقط خواستیم از مقدسات خود دفاع کنیم، آنان حتی به نپذیرفتن نیز بسنده نکردند و ما در صف تحمل سختی‌ها و دستگیرها

شدن‌های در صفوف مؤمنان قرار گرفتیم. این‌چنین بود که برخی از مؤمنانی که در سرایا القائم داوطلب بودند رهسپار پیکار شدند و ضمن صفوف نیروهای مسلح ارتش و پلیس و گروه‌های مبارزه با تروریست قرار گرفتند. تعدادی از آن‌ها به شهادت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند و در همین صفحه، تسلیت به برخی از آن‌ها و همدردی با برخی دیگر منتشر شد تا آنجا که در آزادسازی آخرین وجب‌ها از ساحل ایمن در موصل، برخی از مؤمنان زخمی شدند. الحمد لله همان طور که ملاحظه می‌کنید مؤمنان به این دعوت، در آزادسازی سرزمین عراق و دفاع از مقدسات شرکت کردند و ما هر آنچه در امکان داشتیم انجام دادیم علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای ممانعت و سخت‌گیری‌هایی که با آن‌ها با ما مواجه شدند.

- امام مهدی، جد من است. نام من، احمد اسماعیل صالح... الحسن است؛ و نَسَب مرا با جزئیات در سایت رسمی دعوت می‌یابی.

- مَهر و محتویات مکتب را نیرویی که امنیت وطنی نامیده می‌شود دزدیده‌اند. پس از تظاهرات اخیر در نجف، آن‌ها به مکتب حمله کردند. آن‌ها ما را ظالمانه متهم کردند که ما تظاهرات را برای آزار و اذیت مراجع رهبری کرده‌ایم.^۱ ما موضع خود را در بیانیه^۲ بالا در همین صفحه^۳ بیان نمودیم و اینکه اِخلال امنیتی از سوی هیچ فردی را نمی‌پذیریم.

- من دلایل را در کتاب‌ها نوشته، منتشر کرده‌ام. از جمله دلایل عقلی، قرآنی و روایی، و همچنین دلایلی از تورات و انجیل. شما می‌توانی در سایت رسمی بخوانی و آگاه شوی.

۱ - در اثر بدتر شدن خدمات‌رسانی (به طور دقیق قطع برق) در نیمه عصر ۲۰۱۷/۶/۳۰ تظاهراتی در نجف اشرف شروع شد. قابل دسترسی در:

<https://www.alhurra.com/a/najaf-demo-shots-fired/۳۷۴۲۵۶.html>

۲ - بیانیه منتشر شده در تاریخ ۲۰۱۷/۷/۲ در موضوع بعدی در این کتاب؛ اما علت تقدم این پی‌نوشت بر آن موضوع، این است که این پی‌نوشت دنباله موضوع «آزادسازی موصل» می‌باشد که در تاریخ ۲۰۱۷/۶/۳۰ منتشر شده بود.

از خداوند برای شما توفیق خواستارم.

بخوان و آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس؛ به دیگری اعتماد نکن تا برای آخرت تو تصمیم بگیری.

- کتاب توهّم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳/qaed-islam.pdf>

- بحثی دربارهٔ آیهٔ اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۵ جولای ۲۰۱۷:

عدی الناشی: سلام بر شما...

بنده اعتقاد دارم این یک جنگ است و همیشه در جنگ‌ها، کشته‌هایی از دو طرف به جا خواهند ماند. حال چگونه ممکن است شهرهایی از جرثومهٔ سنگینی مثل داعش، بدون دادن شهیدان آزاد گردند؟؟؟؟؟ این از یک سو... از سوی دیگر کمی قبل‌تر شما اقدام به ایجاد نیرویی نظامی با عنوان «سرایا القائم» کردید و ادعا کردید عراق آزاد نشده و نخواهد شد مگر با مشارکت این نیرو در دفاع از عراق... ولی ما اکنون آزادسازی موصل را جشن می‌گیریم و پایان داعش را در عراق شاهد هستیم بی آنکه شما در نبرد با آن‌ها مشارکت کرده باشید. پاسخ شما چیست؟؟؟؟؟؟؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

سخن من در بالا برای عاقلان روشن است. من خواستار بازخواست کسانی هستم که مسبب این درد و ویرانی شده‌اند. اگر شما دیدگاه دیگری داری مختاری. از خداوند برای شما توفیق خواستارم.

بنده معتقدم شما دقیق نیستی. من نگفتم موصل هرگز آزاد نخواهد شد مگر فقط با مشارکت «سرایا القائم». با این حال واقعیت این است که بسیاری از داوطلبان در سرایا

القائم در نیروهای مسلح رسمی عراقی شرکت کردند و شما می‌توانی در همین صفحه از پیام‌های تسلیت به شهیدان و مجروحان مؤمن مطلع شوی. ما تا آخرین وجب از ساحل ایمن در موصل که آزاد گردید مشارکت داشتیم؛ بنابراین ما مشارکت داشتیم و قربانی‌هایی دادیم که درد و آتشی در دل‌هایمان بر جا گذاشت که خاموش نمی‌گردد. اگر شما می‌خواهی منکر این مطلب باشی، آزاد هستی و من برای شما توفیق و استواری خواهانم. بنده آنچه را که اندکی پیش در پاسخ به به یکی از سؤال کنندگان نوشتم کپی می‌کنم شاید برایت سودمند باشد چرا که جزئیات مسئله سرایا در آن وجود دارد و اینکه رویارویی با ما چگونه به آخر رسید؛ اگر شما خواهان دانستن حقیقت باشی.

«درباره سازمان‌های تروریستی یا آنچه به‌طور دقیق در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد- ما از روز اول سقوط موصل با حکومت ارتباط برقرار کردیم ولی آن‌ها مسلح کردن ما را نپذیرفتند و حتی تشکیل نیروهای نظامی توسط ما برای مشارکت در نبرد علیه داعش را رد کردند. ما این مسئله را رها کردیم تا وقتی که آن‌ها عقب‌نشینی کردند و کار به سقوط «الرمادی» رسید. در آن زمان بود که «سرایا القائم» را برای دفاع از مقدساتمان تشکیل دادیم- چون جنگ به آنجا نزدیک شده بود- و مجدداً سیاستمداران ذی‌نفع نپذیرفتند؛ زیرا آن‌ها این وضعیت را راهی برای به دست آوردن دستاوردهای شخصی خود یا جلب منفعتی برای خود ارزیابی کردند. هر حزبی تشکیلات نظامی خود را دارد. با اینکه ما در حکومت، نه سر پیاز بودیم و نه ته پیاز و نه در انتخابات مشارکت نمی‌کنیم و در نه در به دست آوردن منصب‌ها با آنان مسابقه نمی‌دهیم و فقط خواستیم از مقدسات خود دفاع کنیم، آنان حتی به نپذیرفتن نیز بسنده نکردند و ما در صف تحمل سختی‌ها و دستگیرها شدن‌های در صفوف مؤمنان قرار گرفتیم. این چنین بود که برخی از مؤمنانی که در سرایا القائم داوطلب بودند رهسپار پیکار شدند و ضمن صفوف نیروهای مسلح ارتش و پلیس و گروه‌های مبارزه با تروریست قرار گرفتند. تعدادی از آن‌ها به شهادت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند و در همین صفحه، تسلیت به برخی از آن‌ها و همدردی با برخی دیگر منتشر شد تا آنجا که در آزادسازی آخرین وجب‌ها از ساحل ایمن در موصل، برخی از مؤمنان

زخمی شدند. الحمد لله همان طور که ملاحظه می‌کنید مؤمنان به این دعوت، در آزادسازی سرزمین عراق و دفاع از مقدسات شرکت کردند و ما هر آنچه در امکان داشتیم انجام دادیم علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای ممانعت و سخت‌گیری‌هایی که با آن‌ها با ما مواجه شدند».

پی‌نوشت / ۵ جولای ۲۰۱۷:

Hameed Al Rubaie: سؤال: چگونه ارزیابی می‌شود این جوانانی که در نبردهای

موصل و دیگر نبردها بر زمین افتادند شهید هستند یا نه؟ لطفاً پاسخ دهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پاسخی را که اندکی پیش به یک پرسشگر نوشتم برای شما نقل می‌کنم. پاسخ سؤال شما در آن هست:

«درباره سازمان‌های تروریستی یا آنچه به‌طور دقیق در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد- ما از روز اول سقوط موصل با حکومت ارتباط برقرار کردیم ولی آن‌ها مسلح کردن ما را نپذیرفتند و حتی تشکیل نیروهای نظامی توسط ما برای مشارکت در نبرد علیه داعش را رد کردند. ما این مسئله را رها کردیم تا وقتی که آن‌ها عقب‌نشینی کردند و کار به سقوط «الرمادی» رسید. در آن زمان بود که «سرایا القائم» را برای دفاع از مقدساتمان تشکیل دادیم- چون جنگ به آنجا نزدیک شده بود- و مجدداً سیاستمداران ذی‌نفع نپذیرفتند؛ زیرا آن‌ها این وضعیت را راهی برای به دست آوردن دستاوردهای شخصی خود یا جلب منفعتی برای خود ارزیابی کردند. هر حزبی تشکیلات نظامی خود را دارد. با اینکه ما در حکومت، نه سر پیاز بودیم و نه ته پیاز و نه در انتخابات مشارکت نمی‌کنیم و در نه در به دست آوردن منصب‌ها با آنان مسابقه نمی‌دهیم و فقط خواستیم از مقدسات خود دفاع کنیم، آنان حتی به نپذیرفتن نیز بسنده نکردند و ما در صف تحمل سختی‌ها و دستگیرها شدن‌های در صفوف مؤمنان قرار گرفتیم. این‌چنین بود که برخی از مؤمنانی که در سرایا القائم داوطلب بودند رهسپار پیکار شدند و ضمن صفوف نیروهای مسلح ارتش و پلیس و گروه‌های مبارزه با تروریست قرار گرفتند. تعدادی از آن‌ها به شهادت رسیدند و تعدادی نیز

زخمی شدند و در همین صفحه، تسلیت به برخی از آن‌ها و همدردی با برخی دیگر منتشر شد تا آنجا که در آزادسازی آخرین وجب‌ها از ساحل ایمن در موصل، برخی از مؤمنان زخمی شدند. الحمد لله همان طور که ملاحظه می‌کنید مؤمنان به این دعوت، در آزادسازی سرزمین عراق و دفاع از مقدسات شرکت کردند و ما هر آنچه در امکان داشتیم انجام دادیم علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای ممانعت و سخت‌گیری‌هایی که با آن‌ها با ما مواجه شدند».

*** **

بیانیه‌ای برای اطمینان دادن مراجع نجف، اساتید و طلبه‌های حوزه علمیه

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲ جولای ۲۰۱۷:

به مراجع نجف و اساتید و طلبه‌های حوزه‌های علمیه!

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مایلیم به اطلاع شما برسانیم و به شما اطمینان دهیم که امکان ندارد ما زندگی یا امنیت یکی از شما را با بدخواهی هدف قرار دهیم؛ زیرا دعوت ما، اعتقادی است و از همان روز اول چنین بوده و به حکمت و موعظه حسنه دعوت می‌کرده است. گاهی ما عقیده یا تفکری معین را -که با آن اختلاف داریم- مورد انتقاد قرار می‌دهیم ولی این به هیچ وجه به آن معنا نیست که ما بخواهیم امنیت کسی را که آن عقیده را بنا کرده و به آن معتقد است مختل کنیم. برخی از افراد امنیتی وجود دارند که موظف به حمایت از مراجع در نجف هستند و از مؤمنان به این دعوت نیز می‌باشند و مدتی پیش، از من سؤال کردند آیا لازم است ما از این کار استعفا بدهیم و کناره بگیریم؟! و من آنان را راهنمایی کردم که وظیفه‌شان را که نسبت به آن مکلف هستند به بهترین شکل و زیباترین صورت انجام دهند. بدانید که خون و امنیت شما برای ما محترم است، به خصوص غیرعراقی‌ها. ما مایلیم به آنان اطمینان بدهیم و آگاهشان کنیم که ما آمادگی حمایت از ایشان را داریم نه آزار و اذیتشان؛ زیرا دعوت مهدوی، جهانی است و انصارش در برخی دولت‌ها بیش از

انصار در عراق است. پس هیچ کس تصور نکند که ما ممکن است شعارهای قومی‌گرایی یا شعارهایی را که برای مردم یا کشورهای مشخصی ناپسند است بپذیریم. همچنین مایلیم تأکید کنیم تظاهراتی را که درخواست بازخواست از افراد فاسد و بازستانی حقوق مشروع مردم عراق دارد تأیید می‌کنیم؛ هر کجا که باشد! ما به حمایت و یاری همه تظاهرات کنندگان شریفی که خواستار حق مردم عراق هستند ادامه می‌دهیم و به کشتن جوان مظلوم «علی سلامی» که در تظاهرات اخیر نجف کشته شد به شدت معترضیم و به خانواده و دوست‌داران و عشیره‌اش تسلیت می‌گوییم.

کامنت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

سید جاسم الشریفی: مولای من و پسر مولای من، ای امام من، سید احمدالحسن! دخیل جدت هستیم. تمنا دارم ولو برای یک بار برایم پیام بگذاری تا قلبم شاد شود یا دعایی که با آن در برابر این دنیا یاری بگیرم و معنویات روحیه‌ام با آن تقویت شود. جان من و ارواح همه خانواده‌ام فدای تو باد؛ ای امام من و امام مردم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم تو را توفیق دهد و خیر آخرت و دنیا را روزی‌ات گرداند و هر بدی را از تو دور فرماید.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

احمد العسکری: من انسانی ساده هستیم. راه حق مثل روشنی خورشید در روز، روشن است و نیاز به توضیح ندارد. من از پشتیبانی خارجی نسبت به برخی از حرکت‌های مشکوک که از طرف شبکه‌ها می‌آیند دل‌نگرانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند از دین حق خودش دفاع می‌کند؛ از خارج یا داخل تنرس. حسین همراه اهل بیت و انصارش در حالی که اندک بودند کشته شد ولی خداوند خواست امر او را آشکار و شأن را بلند گرداند؛ زیرا او در زمان خودش دین حق خدا را به تصویر کشید. آنچه از آن خدا باشد رشد می‌کند و رفعت می‌گیرد. خداوند خود رساننده

امرش است.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

سید هاشم الجمالی الموسوی: آقای من، ای پسر زهرا! تو را به زهرا قسم می‌دهم! می‌خواهم با شما ارتباط برقرار کنم اما نمی‌دانم به چه وسیله‌ای. مرا راهنمایی بفرمایید. خداوند شما را حفظ و گام‌هایتان را بر مسیر حق استوار فرماید. خواهش می‌کنم دعا کنید تا بر هدایت شما توفیق یافتم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من خداوند تو را زنده بدارد. این صفحه برای ارتباط است. به علاوه می‌توانید از طریق مکتب در نجف اشرف یا ممثل‌های مکتب در استان‌ها ارتباط برقرار کنید و ان‌شاءالله در خدمت شما خواهیم بود.

این صفحه آکنده است از عکس‌ها، تسلیت‌گفتن‌ها و همدردی؛ پس چگونه ما با داعش نجات‌یافته‌ایم؟!

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

حسنین نعمة: شماها که با داعش نجات‌یافتید می‌خواهید از ما حمایت کنید! چرا آشکار نمی‌شوید تا با آنان بجنگید؟! این از یک جهت. موضوع دوم اینکه شما همیشه دربارهٔ تظاهرات مسالمت‌آمیز سخن می‌گویید در حالی که خانه‌های مردم بی‌گناه را به آتش می‌کشید!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. چگونه ما با داعش نجات‌یافتیم؟! تو خودت این صفحه را می‌بینی که پر است از عکس‌ها، تسلیت‌گفتن‌ها و همدردی با شهیدان، مجروحان و خانواده‌ها و دوست‌داران آن‌ها در تجهیز مبارزه علیه تروریسم، پلیس مرکزی و ارتش تا آخرین وجب از ساحل ایمن. ما مجروحانی داریم؛ پس در دل خودت از خدا بترس تا کینه‌توزی کورت نکند.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

کاظم حسین آل عبود الحمدانی: ممکن است خودت را بشناسانی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر مقصودت اسم است، اسم من احمد اسماعیل صالح ... الحسن است؛ اما اگر مقصود شما شناساندن دعوت است، می‌توانی در کتاب‌ها و سایت‌های رسمی از آن مطلع گردی.

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

وعد طارق: سید احمد، چند ماه است از شما سؤال کرده‌ام و شما پاسخ نداده‌ای!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خواندن همه پی‌نوشت‌ها در این صفحه برایم میسر نیست. سؤال را اکنون بنویس و اگر چیزی نیازمند پاسخ شخص خودم باشد خواهیم دید و در خدمت شما خواهیم بود؛ ان‌شاءالله.

در مورد عکس، پاسخ می‌گویم زیرا به امنیت شخصی بنده مربوط می‌شود

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

وعد طارق: سلام بر شما ای آقای ما.

پرسش اول: تصویری در صفحه‌های ارتباط اجتماعی برخی از انصار وجود دارد که آن را بر صفحه فیس بوک جناب‌عالی می‌گذارند؛ همان کسی که لباس عربی یعنی عقاب- بر تن دارد؛ آیا این تصویر شماست؟...

پرسش دوم: موضع‌گیری شما نسبت به «جیش الغضب» چیست؟ آیا آن‌ها را تأیید می‌کنید یا از آنان ناراضی هستید؟...

و پرسش سوم: آیا عبد الله هاشم را تأیید می‌کنید یا او از دعوت یمانی شما منحرف شده است؟

پرسش آخر: اینکه چه زمانی شما را خواهیم دید و شما در برابر مسلمانان آشکار خواهید شد؟

از شما متشکرم. خداوند شما را رعایت و حفظتان فرماید. چند سال است دعوت شما را دنبال می‌کنم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

در مورد عکس پاسخ نمی‌دهم؛ چون به امنیت شخصی من ارتباط دارد؛ اما در مورد افراد منحرفی که مدعی ایمان داشتن به این دعوت هستند همگی اینها در زمان اخیر ادعای ایمان کرده‌اند و اصلاً مرا نمی‌شناسند و با من دیدار نکرده‌اند. آنان فقط خواهان دنیا، و برخی از آنان از نظر اخلاقی منحرف هستند. اما مسئله بازگشت ظهور علنی بنده برای دیدار با مردم در خانه‌ام در نجف اشرف، از خداوند سبحان خواستاریم که آن را با فضل و منت خود و با دعای مؤمنان نزدیک بفرماید؛ ان شاء الله.

من از شاگردان صدر دوم نبوده‌ام

پی‌نوشت / ۲ جولای ۲۰۱۷:

Asaad Mohsen: آیا تو از شاگردان شهید صدر دوم بودی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. نه نبوده‌ام.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

Abdul Latef: ای برادران ما، ای انصار احمد بن الحسن ما را نورانی کنید؛ شاید خداوند ما را به‌سوی او هدایت کند. شما ادعا می‌کنید او پسر امام مهدی -عجل الله تعالی فرجه- است. اسم کامل او چیست؟ اسم مادرش چیست؟ و آیا برادران یا خواهرانی دارد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. می‌توانی از نسبیم با جزئیاتش در آدرس زیر مطلع شوی؛ و ان شاء الله در خدمت شما هستیم.

سخن علیه داعش و وهابیت در این صفحه واقعاً بسیار است!

بی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

ابو مجتبی: عبادی واقعاً آدم بی‌کفایتی است. شما هم فتنه‌سازی می‌کنید. تا به حال ندیدم علیه داعش چیزی بگویید. خود را نایب امام می‌دانید در حالی که علیه برادران خودتان به مبارزه برخاسته‌اید! این پیام شما یک تهدید است و می‌خواهید بگویید من در میان شما مراجع هستم و هر وقت بخوادم می‌تونم علیه شما اقدام کنم. من یک مطلب را به شما گوش‌زد می‌کنم؛ اینکه مراجع از طرف آسمان محافظت می‌شوند و هیچ واهمه‌ای از مرگ ندارند و در دخمه‌ها پنهان نمی‌شوند!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

در مورد مسئله سخن علیه وهابیت و داعش، شما می‌توانی از دیگر پیام‌های این صفحه آگاه شوید و پیام‌های بسیاری در این خصوص خواهید یافت.

به علاوه خواهی دید که این صفحه مملو است از پیام‌های تسلیت و تسلی برای شهدا و زخمی‌های مؤمن به این دعوت در ارتش عراق، پلیس مرکزی و مبارزه علیه تروریسم تا آخرین وجبی که از موصل آزاد شد. ما زخمی‌هایی داریم. قبل از اینکه متهم کنی، مطلع شو؛ زیرا خداوند بالای سرت است.

اما خواندن بیانیه بالا توسط شما به این شکل تحریف شده و با این سوء برداشت، این تنها به خود شما بازمی‌گردد اما بنده در آنچه می‌گویم راستگو هستم؛ بنده خودم را می‌شناسم که فردی راستگو هستم و آنانی که مرا می‌شناسند نیز مرا می‌شناسند. در مورد آنچه در این بیانیه بیان کرده‌ام، تعدادی از مؤمنان به این دعوت که پرسش‌های فقهی را به من می‌رسانند از آن آگاه هستند.

بی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

علی البصری: وضعیت شما مثل بابت و بهائیت است. اگر درباره موارد پنهانی شما تحقیق شود روشن خواهد شد که سرویس اطلاعاتی کشور مشخصی وجود دارد که باعث

می‌شود شما به این عقیده منحرف و عجیب و غریب دعوت کنید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

بحث اکمال دین^۱ را مطالعه کن اگر شما جزو اهل علم و معرفت هستی. این بحث برای شما بیان می‌کند که حقیقت، چگونه منحصر در عقیده‌ای است که متن قرآنی آن را مشخص نموده است و غیر آن، انحراف است.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

حیدر الموسوی: این طور نمی‌شود که هر روز یک مدعی پیدا می‌شود.
حدیث رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ای علی، تو را دوست نمی‌دارد مگر کسی که مؤمن باشد و تو را دشمن نمی‌دارد مگر منافق و فرزند زنا و فرزند حیض...
مفهوم این حدیث روشن است و همچنین میان شیعیان مشهور. هر روز یکی از شماها ظاهر می‌شود! از ما چه می‌خواهید؟ فقط کسانی که عقل ناقصی دارند شما را باور می‌کنند...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

بخوان، آگاه شو و حقیقت را خودت بشناس:

- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

Mohammed Shammo: به صراحت بگویم من یکی از خطابه‌های شما را شنیدم؛ خیلی توهین‌آمیز بود. روش بیان شما را به هیچ وجه تأیید نمی‌کنم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر بیشتر دقت کنی متوجه می‌شوی شما در اشتباه هستی. من هیچ کنفرانس ویدئویی ندارم. فقط بعضی از موارد ضبط شده، دیدارها و بحث‌های علمی صوتی دارم از جمله همین بحث دربارهٔ آیهٔ اکمال دین و دلالت آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=7ab7WuR91-w>

همچنین شما می‌توانی کتاب «عقاید الاسلام» و «کتاب توهّم بی‌خدایی» را در آدرس‌های زیر بخوانی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

منی منی العبیدی: سید احمدالحسن محترم!

پس از عرض تحیت،

بیانیهٔ شما آراسته به روح تسامح، احترام و اخلاق عالی است که شما از آن بهره‌مند هستید و چنین توصیفات اخلاقی و روحانی باید در یک بزرگ‌مرد دینی وجود داشته باشد؛ زیرا وی برای دیگران و فرزندان جامعه، رهبر محسوب می‌شود، به خصوص برای مقلدانش؛ زیرا رفتار یک مرد دینی، ترجمان اصول مذهبی است که او به آن‌ها معتقد، و شرح اصول و روح اسلام حقیقی است که دین، همهٔ آن را آورده است؛ چرا که دین نزد خدا، اسلام است؛ همان حقیقتی که رسولان به خاطرش فرستاده شده‌اند؛ حقیقتی که حامل جزئیاتی است تا به آنجا که به دست فخر کائنات و خاتم رسولان (که بر او و خاندانش بهترین صلوات و کامل‌ترین سلام‌ها باد) به انتها برسد. این وظیفه با این حدیث خلاصه می‌شود: «من تنها برای این آمده‌ام که مکارم اخلاق را کامل کنم».

ولی!!!

تسامح نمی‌تواند تواضع و ضعف باشد در حالی که بیانیهٔ شما با عبارتها و کلماتی

ضعیف به پایان می‌رسد به طوری که از این عبارتها، عذرخواهی از ستمکارِ بدکردار فهمیده می‌شود؛ و در اینجا مقصود، مرجعیت علیا است و آنچه از مرجعیت صادر شده برای همهٔ مقلدان و دیگران مشترک است که در حال حاضر عبارت است از تشویق به عمل مجرمانهٔ کشتن تظاهرات کنندگان اگر به عنوان مثال هموطنان، پیش پا افتاده‌ترین حقوق قانونی و مشروع خود را مطالبه کنند؛ که عبارت است از تأمین دست کم بخشی از جریان برق به خصوص در وضعیتی که میانگین دما تا بالای پنجاه درجه سانتی‌گراد در سایه -طبق گزارشاتن وضعیت جوی- بالا می‌رود؛ در حالی که واقعیت بیش از این را نشان می‌دهد زیر هر چه دانسته می‌شود به طور رسمی بیان نمی‌شود؛ چرا که حتی این مسائل در سیاست، تأثیرگذار است؛ زیرا منجر به درخواست تأمین برق بیشتر، نیاز به تعطیل ادارات رسمی یا زودتر برگزار کردن امتحانات عمومی دانشجویان و دیگر موارد خواهد شد... بنابراین عبارتهای جناب‌تان که بیانیهٔ فوق را با آن عبارتها به پایان رساندی، کارآمد نیست و با وضعیت کنونی تناسبی ندارد و در نتیجه به نابودی کشاندن روح بی‌گناهان و مجروح کردن دیگران به عمد- خواهد انجامید آن هم برای اهداف شخصی، تا برق به طلبه‌های حوزه داده شود تا وجود آنها مانند درخواست مادی برای حوزه‌های علمیه و مرجعیت دینی و فایدهٔ معنوی طایفه‌ای محقق شود چرا که آنها شیعه هستند حتی در جاهای شیعه‌نشین عراق- عذر می‌خواهم که از واژگان مذهبی استفاده می‌کنم- اما هر جایگاهی، سخن مخصوص به خود را دارد؛ بنابراین عبارتهای حاکی از اندوه، اعتراض، تسلیت و تصدیق مظلومیت شهدای برق، اصلاً کافی نیست و قطعاً پذیرفته نیست و واجب است موضع‌گیری، راسخانه‌تر باشد و شما موضع‌گیری با مسئولیت بیشتری اتخاذ کنید؛ نه اینکه مانند انجام شدن کارها توسط مرجعیت یا فرزندانش باشد که تا کنون خود را مکلف به صدور دو سطر بیانیهٔ عذرخواهی یا دل‌داری نکرده‌اند و مبتلا به پیروزی همراه با گناه شده‌اند. چنین مدعایی نمی‌تواند پذیرفته گردد. پس حق را بگو گرچه بر ضد خودت و نزدیکانت باشد؛ زیرا خداوند متعال حق است و حق را دوست دارد و کسی که از بیان حق، سکوت می‌کند شیطانِ گُنگ است. پس واجب است دعوت به مطالبه با قصاص عادلانه برای این دو شهید با تأثیر بیشتر و صدای رساتری انجام شود؛ چون صدایی رساتر از حق وجود ندارد تا مردم، قانون، دادگاه و مجلس، سخن خود را اخذ کنند. قانون مثل مرگ

برای همه است پس باید موضع خود نسبت به مرجعیت را تعیین کند؛ مرجعیتی که کارها را به ریختن خون و اجرای آن توسط مقامات امنیتی کشانده است تا اوامر مرجعیتی که دیروز فتوای جهاد کفایی را صادر کرد از ما حمایت کند و وقتی این مسئله با مصالح مرجعیت، تعارض پیدا کرد ما را کشت به جای اینکه حامی مردم در مظلومیت و جنگ با فساد و ستم باشد. مردم را با خونسردی کشت و حضرت شما بالاتر از همه اینها عذرخواهی و اعتراض می‌کنی و بیانیات را با این همه آرامش به پایان می‌رسانی؛ فقط این مانده که به مرجعیت بگویند این قربانی مردم از طرف ما برای شما است و امیدواریم به بهترین شکل آن را قبول کنی...!!! ای برادرم رسالت مهدوی، امید مظلومان است، به همین سادگی و به خصوص در عراق مظلوم و زخم خورده ما، و هدف از این رسالت، پر کردن دنیا از قسط و عدل است پس از آنکه از جور و ستم پر شده است... با تشکر.

استان داری نجف و شبکه ایرانی الکوثر ما را متهم به جهت دهی تظاهرات می‌کنند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند شما را زنده بدارد. استان داری نجف و شبکه ایرانی الکوثر^۱ و دیگر مقاماتی که برخی از آن‌ها دینی هستند ما را متهم کرده‌اند که تظاهرات نجف را برای کشتن مراجع، جهت دهی کرده‌ایم. بیانیه فوق برای توضیح این مسئله بود.

اما در مورد جوانان ستم‌دیده‌ای که مجروح شدند یا زندگانی خود را برای مطالبه حقوق خود و حقوق عراقی‌ها دادند، قطعاً ما درخواست قصاص از کسانی را داریم که بر آن‌ها تعدی کرده‌اند و این از ملزومات اعتراض است.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

Jasoor Auaad: سلام بر شما

بنده تازه از شما مطلع شده‌ام. آیا برنامه خود را توضیح می‌دهید؟ چه بسا ما از یاری دهندگان شما بشویم!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان و حقیقت را خودت بشناس:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

بسام السهلانی: چگونه برای صحت ادعایت برهان اقامه می‌کنی؟ به‌طور مختصر.

و چگونه دلایل محکمی را که بر بطلان ادعایت اقامه می‌شود رد می‌کنی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و حقیقت را خودت بشناس. اگر مختصر مفید بخواهی و از اهل علم باشی، به بحث آیه اکمال دین گوش بده و تدبر کن و بفهم چگونه این امر تنها در انحصار یک سمت و سوی عقایدی است و اینکه چه خصوصیتی دارد:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

همچنین: خوب است کتاب «توهم بی خدایی» و «عقاید الاسلام» را بخوانی که

می‌توانی آن‌ها را در آدرس‌های زیر بیابی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

این صفحه، رسمی است و خودم در آن می‌نویسم

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

حیدر الخاقانی: آیا کسی که به پی‌نوشت‌های ما پاسخ می‌دهد احمد بن الحسن است یا شخصی دیگر؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

این صفحه، رسمی و با نام من است و خودم در آن می‌نویسم.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

احمد محسن: باز هم خودش را وسط انداخت!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. استاندار نجف و شبکه ایرانی ماهواره الکوتر و دیگران به ما اتهام وارد کرده‌اند که ما تظاهرات نجف را به قصد کشتن مراجع جهت‌دهی کرده‌ایم و نیز برخی اتهامات باطل دیگر. ما هم موضع خود را نسبت به آن‌ها به روشنی بیان کردیم. آیا اکنون می‌توانیم بدانیم شما را چه شده است و چرا آزارده‌خاطر و آشفته‌ای؟

احمد محسن: تهمت‌های فراوانی که بین طرفین دعوا رد و بدل می‌شود تاوانش را مردم پس می‌دهند. من دیروز در بارگاه امیرالمؤمنین بودم و حتی در سرویس‌های بهداشتی هم آب وجود نداشت. ساعت یک بعد از ظهر بود. با این دمای بسیار زیاد این روزها دیگر چه کاری از دستان برمی‌آید. آقای بزرگوار، شما میان خودتان سر هر چه می‌خواهید همدیگر را بکشید و بگذارید ما با زیارت امیر فقرا و یتیمان و درویشان تبرک بجوییم. طرف سخن من شما احزاب سیاسی و دینی است. از شما چیزی نمی‌خواهیم جز آسایش خاطر. از اینکه پاسخ دادید تشکر می‌کنم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بنده نیز از شما هستم و جزو آن‌ها نیستم. ما در هیچ کار سیاسی شرکت نکرده‌ایم و به چپاول حق مردم نیز اقدام نکرده‌ایم بلکه هر کاری که در توان داریم برای فقیران و یتیمان به انجام می‌رسانیم و جمعیت‌های حمایت از

یتیمان وجود دارد که ما از طریق آن‌ها هرآنچه بتوانیم ارائه می‌کنیم؛ از جمله جمعیت دار الزهرا در نجف اشرف. خداوند تو را همیشه زنده بدارد و ان‌شاءالله در خدمت شما هستیم.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

Hussam Wallace: آیا درست است که شما امام هستی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. آگاه شو، بخوان و خودت حقیقت را بشناس. خودت پشت خودت را بخاران؛ این برای شما بهتر است.

- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳/qaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

Saif Aoda: چه کسی این صفحه را اداره می‌کند؟ من کار خیلی مهمی با سید

احمدالحسن دارم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بفرما و آنچه را که می‌خواهی بنویس و ان‌شاءالله در خدمت شما هستیم. یا می‌توانی با دکتر علا سالم Alaa Alsalem ارتباط برقرار کنی.

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

مهند المعزی: شما و داعش دو روی یک سکه هستید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس:

- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

علی حریب التمیمی صائب ابو مصطفی: صادق محمد طاهر ال. خلیوی
صاحب النعیم صاحب النعیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

العراقی احمد

محمد حامد الزیرجاوی یوسف العوینی انور

تظاهرات 🤗🤗🤗🤗

الجعفر: حالا کار به جایی رسیده که مهدی درخواست

می کند!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۳ جولای ۲۰۱۷:

یوزر المهندس: احمد العلوانی

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس و به بینه و یقین برس. به دیگران اجازه نده برای آخرت تصمیم بگیرند:

- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

یوزر المهندس: عزیزم احمدالحسن، می‌توانم چند سؤال از شما بپرسم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

حبیب من، بفرما پرسش‌هایت را بنویس. وقتی برگردم ان‌شاءالله از آن‌ها آگاه می‌شوم. اکنون باید بروم.

باقی ماندن در حوزه‌ها تا سرآمدی معین

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

الحاجة ام حیدر: سلام بر تو ای آقا و مولای من، احمدالحسن! از خداوند عزوجل می‌خواهم که شما پاسخ سؤالم را به زودی زود بفرمایید.

من در یکی از حوزه‌های تابع یکی از مراجع، معلم هستم و شغلم را خیلی دوست دارم. بنده فقه و سیره و اخلاق درس می‌دهم و می‌خواهم در حوزه بمانم تا برخی از مواردی را

که اختصاص به این دعوت دارد. به‌طور غیر مستقیم- اصلاح کنم. آقای من، از شما خواهشی دارم. من متحیرم در حوزه بمانم یا از شغلم منصرف شوم. آقای من، از شما بسیار سپاسگزارم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. به خوبی بیندیش و از همه جزئیات عقایدی که بیان نموده‌ام اطلاع حاصل کن و مانعی ندارد در حوزه‌های آن‌ها تا یک زمانی- باقی بمانی. از خداوند برای تو توفیق و تسدید خواستارم؛ او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

محمد الهالالی: آقای ما، دیشب در بیمارستان مدینة الطب بغداد همراه برادر و دوستم ابو محمد الحسیناوی بودم. او از ناحیه سر در جنگ اخیر آزادسازی شهر قدیم موصل آسیب دیده است. آقای ما، ما چه فجایی در بیمارستان دیدم! جوانانی مثل دسته گل که اعضایشان قطع و سر و چشم و پایشان زخمی شده است در حالی که بیمارستان به دلیل مرخصی یا تعطیلات عید تا ۷ روز خالی از مراقبت‌های پزشکی بود. داروی کافی برای مجروحان وجود ندارد و سر وقت‌های معین- که لازم است رعایت شود- به بیمار یا مجروح دارو داده نمی‌شود. ای آقای ما، به من گفتند یک جوان حشد الشعبی در طبقه یازدهم بیمارستان عدنان بستری است و ۹ روز است که هیچ دارویی به او داده نشده و پرستارها او را رها کرده‌اند؛ زیرا او هیچ همراهی ندارد؛ چون خانواده‌اش خبر ندارند و راهی برای اتصال با خانواده‌اش نیز وجود ندارد. آقای من، ما چندین بار اقدام به شکایت به مسئولین وزارت کشور کردیم ولی فایده‌ای نداشت. حتی مدیر بیمارستان آمد و با هدف نشر و تبلیغات با ما و دیگر مجروحان در سالن‌ها عکس سلفی گرفت ولی او هیچ تغییری ایجاد نکرد و هیچ اقدامی نکرد. حتی یکی از آن‌ها به صراحت با لهجه عراقی گفت: «ما نمی‌تونیم کاری براتون بکنیم». پس حساب ما با خداست؛ و او چه نیکو و کیلی است؛ ای آقای ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم هر وقت بخواهد باب گشایش را به

فضل خودش باز کند؛ که او ارحم الراحمین است.

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

Rasha Kamel: یک کلمه منصفانه در حقت می‌گویم. با پیگیری که از راه دور از تو انجام داده‌ام آنچه در تو یافتیم در بسیاری از مدعیان دین نیافتیم! خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد و با نگاهیانی خدای رحمان پایدار باشید؛ شمایمی که با اخلاقت از آن‌ها فراتری.

از خدا می‌خواهم مرا با مکارم اخلاق تربیت کند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

از شما به خاطر حسن ظن نسبت به بنده، متشکرم؛ و از خداوند خواستارم که مرا با مکارم اخلاق تربیت کند و مرا از اهل ریا یا خواهندگان دنیا یا مقام قرار ندهد.

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

عبد الرضا السماوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. از شما التماس دعا دارم؛ واقعاً در تنگنا هستیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم کارت را آسان گرداند و هر بدی را از تو دور فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

ناجی المیاحی: به مناسبتی، بنده با یکی از پیروان کسی که مهدی نامیده می‌شود دیدار می‌کنم. همه حرف‌هایش حمله به مرجعیت است و می‌گوید پیروان مرجعیت باطل هستند و هیچ مرجعی وجود ندارد. این حقیقتی است که بنده فهمیده‌ام.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس و به

بینه و یقین برس. به دیگران اجازه نده برای آخرت تصمیم بگیرند:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

مرتضی محمد: مولای من، یمانی! شما می گویی من وصی امام مهدی هستم و به

حدیث «رزية الخميس» (پنجشنبه مصیبت بار) استناد می کنی

که پیامبر در آن وصیت کرد.

یک جای دیگر می گویی پسر امام مهدی هستم.

یک بار هم می گویی من وزیر امام مهدی هستم!

باید به شکلی واضح به انصارت توضیح بدهی

اگر پسر مهدی هستی

حتماً باید مادری داشته باشی و این مادر باید معروف و شناخته شده باشد نه اینکه

مخفی بوده باشد؛ این مغالطه ای است بزرگ!

مورد دوم:

به وصیت از کتاب های علما -از جمله شهید صدر- استناد می کنی و طبق اخبار موثق،

تو در دهه نود در درس شهید حاضر می شدی.

بسیار خوب.

چرا این حدیث؟ البته من حدیث را به شکل دقیق به یاد نمی آورم اما معروف است که

امام صادق فرموده است یمانی، خراسانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج

می کنند.

خراسانی و سفیانی کجا هستند؟

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس و به
بینه و یقین برس. به دیگران اجازه نده برای آخرت تصمیم بگیرند:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

چه وقت عراق از داعش خلاص می‌شود؟

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

حیدر بصراوی ملکی: سؤالی دارم و خواهشمندم پاسخ آن را بدهید. چرا شما
بیانیه‌هایتان را در فیس بوک منتشر می‌کنی؟ بهتر نیست بیانیه را روی کاغذ بنویسی و
مهر خود را بر آن بزنی. دوم اگر شما فرزند امام مهدی (علیه السلام) هستی [از امام مهدی]
نرسیدی چه وقت عراق از داعش خلاص می‌شود؟! خواهشاً خواهشاً پاسخ دهید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

از داعش خلاص می‌شود آن هنگام که مردم عراق چنین تصمیمی بگیرند یا درصد
بزرگی از عراقی‌ها چنین تصمیمی بگیرند؛ تصمیم بگیرند به راه حل منطقی و صحیح
برسند نه اینکه در مدارای بسته - که از سال ۲۰۰۳ تا به امروز در آن می‌چرخند- دور بزنند:
(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ
مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاٰلٍ) (به راستی که خداوند قومی را تغییر نمی‌دهد تا آن هنگام که آنان
خودشان خود را تغییر دهند؛ و چون خدا برای قومی تباهی بخواد هیچ برگشتی برای آن
نیست، و برای آنان به غیر از او حمایتگری نخواهد بود) [رعد: ۱۱].

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

حسین المحمداوی: آیا امکان دارد شما را ببینیم؟ و ظهور علنی برای مردم چه زمانی است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. ان شاء الله خداوند کارها را آسان می کند و امکان حضور علنی برایم فراهم خواهد شد؛ همچون گذشته که در خانه ام بودم و با مردم دیدار می کردم.

آگهی های تبلیغاتی موجود در صفحه

پی نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

احمد کریم: مولای من، چه کسی از شما پشتیبانی می کند و مسئول آگهی های تبلیغاتی است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر آگهی های تبلیغاتی وجود داشته باشند بنده از آن ها اطلاع ندارم. برخی از مؤمنانی که این صفحه را اداره و از آن مراقبت می کنند مسئول آگهی های تبلیغاتی هستند و پشتیبانی های مالی وجود دارد که مؤمنان به این دعوت تقدیم می کنند؛ خداوند به آن ها پاداش خیر دهد.

آیا شخص دیگری وجود دارد که در این صفحه پاسخ می گوید؟

پی نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

Aqeel Jasim Mohammed: پرسش: آیا شما همان احمدالحسن هستی که به مردم پاسخ می دهد؟ یا شخص دیگری در فیس بوک وجود دارد که مدیر سایت است به مردم پاسخ می دهد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

من -احمد الحسن- در این صفحه پاسخ می دهم. این صفحه، صفحه شخصی و

رسمی من است. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. می توانی بخوانی و خودت آگاه شوی. به شخص دیگری اعتماد نکن تا برای آخرت تصمیم بگیری:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

علاء الحسنانی غسان الشحمانی: مگه نمی خواهی تغییر ایجاد کنی؟ ... برو سراغ اونا!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس. به شخص دیگری اعتماد نکن تا برای آخرت تصمیم بگیری:

- کتاب توهم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیه اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

امام مهدی (علیه السلام) جدّ من است

پی نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

Omniyat Shaig: سؤالی از احمدالحسن: آیا امام مهدی جد توست یا پدرت؟؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

او جد من است و می‌توانی در سایت رسمی از نَسَب و جزئیات اطلاع حاصل کنی.
به علاوه: بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس. به شخص دیگری اعتماد
نکن تا برای آخرت تصمیم بگیری:

- کتاب توهّم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیهٔ اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۴ جولای ۲۰۱۷:

ثائر الجبوری: محمد فتاح

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بخوان، آگاه شو و خودت حقیقت را بشناس. به
شخص دیگری اعتماد نکن تا برای آخرت تصمیم بگیری:

- کتاب توهّم بی خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

- بحثی درباره آیهٔ اکمال الدین، و دلالت و معنای آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

درمان جن‌زده

پی‌نوشت / ۵ جولای ۲۰۱۷:

محمد القلاف: مولای من - احمد - به حق جدت حسین، پاسخ پرسشم را بده!
مولای من - احمد - سلام علیکم. این پرسش را از مکتب مبارک پرسیدم ولی پاسخی

برایم نیامد؛ امیدارم پاسخ نامه‌ام را بفرمایی. ما در راه‌ها سرگردان مانده‌ایم و ای وجه الله- راه حلی جز شما برای مشکلم نمی‌یابم. خواهری دارم که بسیار تقوا بود و زهد داشت و زندگی‌اش را با آرامش تمام سپری می‌کرد. تقریباً از ۳ سال پیش دعوت مبارک شما به او رسید و الحمد لله به آن ایمان آورد، البته پس از اینکه رؤیایی دربارهٔ شخصی دید که بالای پشت بام کعبه رفته، می‌گوید: ای مردم، مهدی ظهور کرده است با او بیعت کنید. وی زهرا (علیها السلام) را می‌دید و رؤیایی پس از رؤیای دیگر می‌دید که به وقوع می‌پیوندد و پرده از برابرش برداشته شده بود. ولی تقریباً یک سال قبل، حالتش تغییر کرد، موسیقی گوش می‌داد و می‌گفت: خمینی آن را حلال کرده است. بی علت راه می‌فت و بی خودی می‌خندید. همیشه پریشان حال بود. در برابر همگان ناگهان شروع به خندیدن می‌کرد و روزهایی فرارسید که حتی نماز را ترک گفت. الآن یک سال است او را تشویق می‌کنیم به دکتر روانشناس مراجعه کند ولی او نمی‌پذیرد. از او می‌خواهیم نزد سید برود تا برایش دعا بخواند چون شاید شیطان او را لمس کرده یا جادو شده باشد؛ ولی او نمی‌پذیرد. او سنش بالاست، چه بسا از ۴۵ سال گذشته باشد؛ به نظر ما حالش وخیم است و روز به روز بدتر می‌شود. پدر و مادرش از این وضعیت او رنج می‌کشند در حالی که هر دو مُسن هستند. پس از اینکه شوهرش او را طرد کرد در شُرُف طلاق و جدایی است. بیشتر اوقات تنها می‌نشیند. مولای من، راه حل چیست؟ ای طیب آن کسی که طیبی ندارد، ای مولای من -احمد- طیبی جز تو ندارم که داروی مناسبی تجویز کند.

ابو الحر از کویت

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

آنگونه که شما حالش را توصیف می‌کنی او جن‌زده شده و نیازمند درمانی نفسانی است. در چندین پاسخ پیشین نوشته‌ام کسی که به این بیماری مبتلا است چگونه با قرآن و ذکر درمان می‌شود. او خودش باید آمادگی معالجه و ذکر را داشته باشد.

برخی از این پاسخ‌ها را در کتاب پاسخ‌های روشنگرانه خواهی یافت!

پی‌نوشت / ۶ جولای ۲۰۱۷:

هاشم البهدالی الیمانی هاشم: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد. خداوند اجر شما را برای رحلت برادر برادرمان عماد سویعدی بزرگ بدارد. برادر عزیزمان سویعدی خداوند او را بیامرزد. که پس از دست و پنجه نرم کردن با بیماری وفات یافت. سرورم، خداوند اجرتان را بزرگ بدارد. مولای من، از شما برای او درخواست دعا دارم؛ که شما اهل دعا هستی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند پاداش‌های شما و پاداش عماد سویعدی و خانواده‌اش را بزرگ بگرداند. از خدا می‌خواهم به آن‌ها صبر بر مصیبتشان روزی بفرماید.

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۷:

فرقد الموسوی: سلام بر شما. من از انصار شما نیستم و از مؤمنان به آن هم نیستم و نمی‌خواهم به آن ایمان بیاورم؛ اما!!!

در حال حاضر سخنان او نشان می‌دهد مقاصد دعوت، خصمانه نیست و ضمن کلام ایشان - که پیام وی به مراجع و همه شیعیان رسانده می‌شود - معلوم می‌شود این شایعه که صاحبان این دعوت به‌طور خاص - با شیعیان دشمنی دارند و می‌خواهند آن‌ها را سرنگون کنند شایعه‌ای باطل است. وجود آن‌ها و دعوتشان درست مثل دیگران است و رسول خدا ﷺ فرموده اختلاف امتم رحمت است. بنده از همینجا انصار را دعوت به پایبند بودن به این سخن دلنشین می‌کنم، و سادات خودمان و علمای‌شان را نیز دعوت می‌کنم با او مناظره کنند یا به ولایت او دعوت نمایند تا شناخت راه حق و یاری دادن آن برای ما میسر

شود. سخنان ایشان در حال حاضر از تفکر و دعوت به هدایت تعبیر می‌نماید نه قتل و آدم‌ربایی و ترویج فتنه‌های طایفه‌ای میان فرزندان خونی ما! بنده متوجه شدم بیشتر انصار از عامه مردم فقیر هستند و برخوردار از حمایت‌ها یا مبالغه‌های خمس و زکات نمی‌باشند. پس ای حضرت احمدالحسن، سخنان تو راستی و درستی مقاصد دعوت را نشان می‌دهد و همچنین نشان می‌دهد در این دعوت چیزی جز تشویق دل‌های شیعیان به نهی از جنگ میانشان وجود ندارد. انصار را دعوت می‌کنم قلباً و با ایمان کامل به سخنان او پایبند باشند. و سلام بر اهلش.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. فرقد الموسوی: ظهور مهدوی، بیدارگری کرده است.

این همان شب فتنه‌هاست. کور و پر پیچ و خم. تیرگی و گمراهی‌اش افزون شده و بیشتر مردم بی‌شراب مست گشته‌اند. نه امام هدایتی هست و نه علمی دیده می‌شود. نمی‌دانند چی به چی است! در این تیرگی‌ها است که گشایش ماه خدا و درخشش آن و چشمه زندگانی‌اش، خواهد بود؛ زیرا هنگام تنگنا، گشایش خواهد شد؛ زیرا پس از سختی امتحان، نتایج اعلام خواهد شد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شما می‌توانی از عقاید راستین در کتاب «عقاید الاسلام» مطلع شوی و اگر پس از اطلاع یافتن هر گونه سؤالی به ذهنت رسید - ان شاء الله - در خدمت شما خواهیم بود:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۷:

Adel Hasan: کارها مشتبه، و حقایق در دریای تاریک گم شده است. چه کسی را تصدیق و چه کسی را تکذیب کنیم. خدایا خدایا خدایا ما ساده‌دلان را دریاب؛ هر روز چیزی جدید، شخصیتی جدید و رهبری جدید! از کودکی دوازده امام را شناختیم که اولشان پدر حسین، امام علی است و آخرشان قائم آل محمد صلوات خدا بر او و بر همگی‌شان.

مفاهیم را پیچیده نکنید و کاری نکنید دیگران ما را نقد کنند و آن‌ها را علیه ما متحد کنید
و چقدر این افراد بسیارند که هر چه بادیان‌های کشتی بیشتر باشد مردم را بیشتر
می‌فریبند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کتاب «عقاید الاسلام» را مطالعه کن و نحوه
استدلال ما بر عقاید حق را بشناس و اگر هر گونه سؤالی به ذهنت رسید ان‌شاءالله در
خدمت شما خواهیم بود.

کتاب عقاید الاسلام:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۷:

ابو علی العمیدی: اما موضوع وصیت

دلالتی بر شما ندارد

آیا ممکن است وصیت و چگونگی دلالت داشتنش بر خودتان را شرح بدهی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این مسئله را به‌طور مفصل در کتاب «عقاید
الاسلام» شرح داده‌ام. می‌توانی از آن آگاه شوی و اگر پس از آگاه شدن سؤالی به ذهنت
رسید ان‌شاءالله در خدمت شما خواهیم بود.

کتاب عقاید الاسلام:

<https://www.youtube.com/watch?v=۷ab۷WuR۹۱-w>

کتاب توهم بی‌خدایی به الحاد علمی پاسخ می‌دهد

پی‌نوشت / ۷ جولای ۲۰۱۷:

ابو علی العمیدی: برخی از صفحات کتاب شما را خواندم

«توهم بی‌خدایی»

این کتاب را خسته کننده و بر عکس آنچه تصور می‌کردم دیدم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کتاب «توهم بی‌خدایی» در عرصه زندگی زمینی و نظریه تکامل و در عرصه کیهان و فیزیک کیهان‌شناسی و نظری به الحاد علمی پاسخ می‌دهد. به همین دلیل نیازمند مطالعه همراه با تأنی و اندکی صبر است. شما می‌توانی از لینک زیر نیز استفاده کنی که در آن موارد بسیاری درباره الحاد بیان کرده‌ام. برای شروع، شاید شنیدن برای شما آسان‌تر از خواندن باشد:

<https://www.youtube.com/watch?v=nnlbwN1fIU>

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

عبد الله المحمدی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقای عزیز من، خداوند شما را زنده بدارد و مسرورتان گرداند.

آقای کریم من، همان طور که می‌دانید دانشجویان عزیز ما در این روزها شرایط دشوار و سختی را تحمل می‌کنند و فصل امتحانات نهایی (امتحانات وزارت‌خانه) را پشت سر می‌گذرانند. جریان برق وجود ندارد یا قطعی‌های بسیاری در آن رخ می‌دهد؛ چه در لحظه امتحان یا پیش از آن.

اگر برق نباشد سالن‌های امتحان از خدمات اساسی مثل سیستم تهویه و دیگر موارد، خالی خواهد بود.

سؤال این است: آیا بالا بودن درجه حرارت و رطوبت همراهش و همچنین دور بودن مکان دانشجویان، بر دانسته‌های اندوخته شده دانشجویان و فهم و حافظه‌اش مؤثر است و در نتیجه مقدار و کیفیت چیزی که قبلاً به دست آورده است، با وجود چنین موانعی اگر با نگرانی و استرس همراه شود تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نوعی پاک شدن در حافظه ایجاد می‌شود؟

آقای عزیز ما، از شما متشکریم. از خداوند سبحان می‌خواهم شما و اهل بیت عزیز شما را حفظ کند و دربی از فضلش را برای شما باز کند و برایتان در زمین تمکین ایجاد فرماید.

التماس دعا دارم؛ و درود من به خانواده عزیز؛ درود خداوند بر تو و بر همه آن‌ها.

هر انسانی می‌تواند در عرصه‌ای که دوستش دارد نوآوری کند

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

باوجود اینکه تحقیق و پژوهش و آموزش مهم است ولی اولیای امور لازم است بدانند که هر انسانی می‌تواند در عرصه‌ای که دوستش دارد ثمره بدهد و نوآوری کند و ضروری نیست که حتماً در محدوده دانشگاه‌ها یا دانشکده‌هایی باشد که بسیاری از مردم تمایل دارند وارد آن‌ها شوند. زندگی، کوچی است که باید آن را غنیمت شماریم و در چهارچوبی عمل کنیم که در دسترس ما قرار می‌گیرد و زمان خود را در سرزنش یا ناله کردن برای سهم خود یا دیگر موارد مشابه آن، تباه نکنیم.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

عبد الله محمدی: از خداوند متعال می‌خواهیم به ما توفیق انجام بهترین کوچ را همراه شما بدهد و ما را بر کوچ کردن ثابت قدم بدارد، ای قائم آل محمد! سلام خداوند بر تو و پدران پاکت و فرزندان مهربون علیهم‌السلام.

بر فرزندانان بیش از توانشان تکلیف نکنید

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

اولیای اموری هستند پدران یا مادران- که متأسفانه فرزندان خود را ناگزیر به عاق کردن خود می‌نمایند. در مورد پسران و دختران خود تقوای الهی پیشه کنید و آن‌ها را به چیزی که توانش را ندارند یا مناسب حالشان و وضعیت روانی و جسمی‌شان نیست مجبور نکنید.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

محمد الکر بلائی: به امام احمدالحسن، سلام بر شما!

علم ائمه مثل انبیا- علم الهام است به جز تو. گفته می‌شود تو فارغ التحصیل دانشگاه بصره هستی و همه اساتیدت دانتر از تو هستند و البته این بدیهی است. می‌توانی این را توضیح بدهی؟ مسئله دیگر اینکه یک بار خودت را مهدی و بار دیگر پسر مهدی و دفعه بعد

ایمانی معرفی می‌کنی. لطفاً به ما پاسخ بدهید، تو کیستی؟ آیا تو اسماعیل کاطع هستی؟ و اکنون کجا هستی که فیس بوک می‌خوانی و در یوتیوب یا توئیتر مطلب می‌نویسی؟ لطفاً به این سؤالات پاسخ بده تا از تو پیروی کنیم و به تو ایمان بیاوریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. نامم احمد اسماعیل صالح است و در سلسلهٔ نَسَبِیم، اسم کاطع وجود ندارد. همان طور که می‌بینی شما حتی در سطحی این چنین ساده یعنی در سطح اسم شخصی که برایش می‌نویسی- قربانی گمراهگری شده‌ای؛ پس وضعیتِ دیگر جزئیات چگونه خواهد بود! شما را نصیحت می‌کنم کتاب «عقاید الاسلام» را بخوانی و بر آن آگاه شوی. در این کتاب خواهی دید که ما چگونه بر عقیدهٔ خود استدلال می‌کنیم. پس از آگاه شدن، اگر هر گونه سؤالی به ذهنت رسید- ان شاء الله- در خدمت شما خواهیم بود:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

م. صادق الکلابی: آیا تو امام هستی و اطاعت از تو واجب است؟

از تو می‌خواهم سؤال را پاسخ بدهی تا مطمئن شوم؟

من چه مقدار مال به همراه قبیئ در اختیار دارم؟ و اکنون در چه وضعیتی هستم

نشسته؟ خوابیده یا ایستاده؟

اگر به این پرسش‌ها پاسخ ندهی پس تو جاهلی بیش نیستی و پیروانت نیز به

همین طور!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. با مطالعهٔ کتاب «عقاید الاسلام» از «دلیل» اطلاع حاصل کن و پس از آگاه شدن، هر سؤالی که به ذهنت برسد- ان شاء الله- در خدمت شما خواهیم بود:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

Gian Tanu: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، احمدالحسن، و ممثل‌ها در نجف اشرف! ما انصار اندونزی هستیم. نامه مهمی برایتان ارسال کردیم و امیدواریم به آن نگاه کنید؛ زیرا نیاز شدیدی به یاری شما داریم. با کمال احترام و تشکر. فرستنده: انصار اندونزی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. ان‌شاءالله نامه شما وقتی به من برسد به آن نگاه می‌کنم بینم چه کار می‌توانم برای خدمت به شما انجام دهم. خداوند رساننده توفیق است.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

Ahmad Sobhi: سلام بر شما ای قائم آل محمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۹ جولای ۲۰۱۷:

محمد الغرابی: چه چیزی اثبات می‌کند شما از آل محمد هستی؟؟؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. دلیل و واقعیت. در کتاب «عقاید الاسلام» از «دلیل» اطلاع حاصل کن:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

Ali Bajalan: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

امام و آقای عزیز من! بنده پیام را به انگلیسی می‌نویسم و امیدوارم پیام را نامحترمانه ارزیابی نفرمایید. خدا شما را با خوبی برکت دهد.

من یک سؤال دارم. سؤالی که گاهی باعث می‌شود در مقابل مخالفان اسلام سکوت

کنم؛ نمی دانم چه پاسخی بدهم؛ امروزه می توانیم ببینیم برده داری توسط پیروان ایدئولوژی وهابیت و سلفی ها انجام می شود و آن ها این مورد را تبلیغ می کنند؛ چیزی که سرانجام، منجر به تجاوز به کودکان بی گناه (دختران) و حتی زنان بالغ می شود.

هنگامی که مردم با ما مواجه می شوند از ما می پرسند با توجه به این آیه در قرآن که می فرماید: (وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ) و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است) [نسا: ۴].

وقتی ما توضیح می دهیم ما برده داری یا تجاوز را ترویج نمی کنیم آن ها این آیه را علیه ما به کار می برند و ما به آن ها پاسخ می دهیم که این آیه هیچ نوع حمایت یا تبلیغ برده داری یا تجاوز را نشان نمی دهد.

اما آن ها پافشاری می کنند که آیه مذکور چنین چیزی را نشان می دهد و اگر موافقت نکنیم با اصرار از ما می پرسند پس چه چیزی نشان می دهد؛ و این همان چیزی است که ما قادر به پاسخ گویی نیستیم.

سؤال من: در آیه «و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید»، عبارت «به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید» چه معنایی می دهد؟

امیدوارم این سؤال موجب ناراحتی شما نشود و من از اینکه به زبان انگلیسی نوشتم عذر می خواهم. اگر ترجیح می دهید دفعه بعد به عربی بنویسم؛ ان شاء الله. دنبال یک انصار می گردم تا برایم ترجمه کند؛ هرچند نمی خواهم وقتشان را بگیرم. خدا شما را به خوبی برکت دهد؛ اراده خداوند با پیروان شما باد / Ali Bajalan از سوئد.

برده داری در اسلام

Ahmed Alhasan احمد الحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. هر زمان و مکان و وضعیت اجتماعی، وضعیت متناسب با شرایط خودش را دارد. وقتی قرآن نازل شد برده داری و ملزوماتش موردی اجتماعی بود که در سراسر جهان

منتشر شده بود و آنچه قرآن انجام داد فقط این بود که برخی از محدودیت‌ها یا قوانینی وضع کند که باعث شود برخی از این ظلم و ستم‌ها برچیده شود و با گذشت زمان این مسئله به پایان برسد و بیش از این امکان‌پذیر نبود؛ زیرا عمل به چیزی امکان‌پذیر بهتر از مقابله همراه با ناکامی است که هیچ نتیجه‌ای نداشته باشد.

بنده معتقدم اگر انتقاد کنندگان قرآن و اسلام، فقط تاریخ معاصر را مطالعه کنند درمی‌یابند که برده‌داری در آمریکا و بیشتر کشورهای جهان پایان نیافت مگر در دوران اخیر در حالی که این برده‌ها از هیچ گونه حقوق انسانی برخوردار نبودند، بلکه آن‌ها در این کشورها حتی از آن مقدار عاطفه‌ای که اربابان سفیدپوست آمریکایی‌شان و دیگران با حیوانات اهلی دست پرورده خود داشتند نیز محروم بودند. آیا خدا و محمد و اسلام و قرآن را سرزنش می‌کنید و مورد عتاب قرار می‌دهید که اقدام به ساماندهی و دادن برخی از حقوق به بردگان کرد در حالی که در شرایطی به جامعه جهانی آمد که بیش از هزار سال کار مشخصی را انجام می‌دادند و این کار را جزو بدیهیات برمی‌شمردند به طوری که نمی‌شد به یک باره آن را ملغی نمود؟!!

با وجود اینکه همین پاسخ کافی است ولی شما باید بدانی کسانی که انسان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی یا زیست‌شناسی و به خصوص تکامل را آموخته‌اند همه به نوبه خود از درک مسئله برده‌داری و علت ظهور آن در جامعه انسانی ناتوان هستند؛ زیرا این مسئله‌ای است عمیق و نیازمند مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی از همه این علوم با دیده عبرت‌آموز. در حالی که متأسفانه آنچه ما شاهد هستیم فقط نقدی از سوی افرادی است که بیشترشان به عنوان مثال- چیزی از زیست‌شناسی تکاملی نمی‌دانند، و نمی‌دانند برده‌داری و بهره‌کشی جنسی هر دو- دو راهبرد از راهبردهای تکامل هستند و هرگاه هر یک از انواع حیوانی فرصتی برای یکی از این راهبردها به دست بیاورد آن را از دست نمی‌دهد بلکه ژن‌هایش او را به سوء استفاده از آن وادار می‌کنند. اجرای بردگی در کلونی‌های مورچه‌ها مثالی است از این دست. بهره‌کشی فاخته از دیگر پرندگان برای نگهداری از جوجه‌هایش و کشتن جوجه‌های آن‌ها نیز یک نمونه آشکار دیگر است.

راهبرد بهره‌کشی حیوانات نر از ماده‌ها به‌طور کلی- و تلاش برای واگذارن تربیت فرزندان به ماده‌ها و فرار به منظور انجام عمل جنسی با یک ماده دیگر به جهت انتقال ژن‌های خودش نیز نمونه بارز دیگری است.

بنابراین برده‌داری و بهره‌کشی جنسی، راهبردهای تکاملی هستند و در نتیجه ساماندهی قرآن برای این مسئله و تلاش برای دادن بعضی از حقوق به قربانیان و تلاش برای آزاد کردن آن‌ها از طریق احکام کفاره‌ها، به نفع قرآن به شمار می‌رود و درست نیست قسمتی از مجموعه قوانین قرآن در این خصوص جدا شود و گفته شود: ببیند، قرآن چگونه برده‌داری و بهره‌کشی جنسی را قانونی کرده است؛ این حرف درستی نیست. همه آنچه قرآن انجام داده این است که مسئله‌ای را که جامعه انسانی بر روی زمین با آن سلامت می‌یابد ساماندهی فرموده است و ما معتقدیم این ساماندهی قرآنی یکی از مهم‌ترین اسبابی است که منجر به رسیدن آگاهی انسانی به آنجا شد که برده‌داری و بهره‌کشی جنسی را رها کند.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

قیس الانصاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. حبیب من، قائم آل محمد (علیهم‌السلام) خداوند شما را زنده بدارد. آقای من! یک نوع روزه روح وجود دارد که در آن، انسان از غذایی که از روح بیرون می‌آید مثل گوشت، ماهی و... پرهیز می‌کند. آیا این کار (روزه روح) مستحب یا سنتی از اهل بیت (علیهم‌السلام) است؟؟؟

امیدوارم به من لطف فرموده، پاسخ دهید. خداوند بهترین پاداش را به شما عطا فرماید. عزیز من، از خداوند و شما به خاطر تقصیر در محضرتان عذرخواهی می‌کنم.

روزه روح از خوردن حیوانات و فرآورده‌هایشان

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بنده به شخصه هر سال از تناول حیوانات و فرآورده‌های حیوانی در طول ماه ذی قعدة

و ۹ روز اول ذی حجه پرهیز می‌کنم و به علاوه در ۹ روز اول ذی حجه روزه معمولی شناخته شده را هم به این روزه می‌افزایم؛ ولی این واجب نیست و فقط برای روح انسان و ارتقای او و سلامتی بدنش مفید است.

حکم کمک کردن معلم در دادن پاسخ سؤالات به دانشجویان

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

شیخ مرتضی شریفی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقای عزیز ما! از خداوند خواستارم به زودی زود برای شما تمکین حاصل، و شما و خانواده شما را از هر بدی و ناخوشایندی حفظ فرماید و ما را بر ثبات قدم بر ولایت و اطاعت از شما توفیق دهد. ای سید عزیز! سؤالی دارم. آیا معلم یا مدرس می‌تواند قسمتی از پاسخ را به برخی از دانشجویان در امتحانات نهایی یا دیگر موارد یاد بدهد و کمک کند و آیا این کار در حلال یا حرام بودن حقوقی که می‌گیرد اثر دارد؟
خداوند شما را به عنوان معلم و مُرشد و یک پدر مهربان برای ما حفظ فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. جایز نیست چنین کند. باید طبق قوانین موسسه آموزشی که در آن کار می‌کند عمل نماید.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

ابو امیر المنصوری: سلام بر شما Ahmed Alhasan. آن‌طور که بنده متوجه شدم شما عرب هستی و زبان عربی را با بلاغت می‌دانی و همچنین ادعا می‌کنی معصوم و به قرآن از اهلهش داناتر هستی.

و همان‌طور که شما می‌دانی قرآن به زبان عرب نازل شده است... و خداوند زبان عرب را در قرآنش به زبان مبین توصیف فرموده و شما می‌دانی معنای مبین چیست و بنده نمی‌خواهم در آن وارد شوم...

ولی جمله شما در پیام بالا توجه مرا به خودش جلب کرد؛ یعنی این قسمت: «الی

مرجعیات النجف» (به مرجعیت های نجف)

اینکه چگونه شما «مفرد مذکر» را «جمع مونث بستی»!... صحیح تر این است: «الی مراجع النجف» (یعنی به مراجع نجف).

چه بسا هضم و فهم برخی مسائل در قواعد زبان عربی دشوار باشد... ولی جمله شما در بالا قابل فهم و روشن است... اما این اشتباه فاحشی است که شایسته جایگاه شما نیست... ولی شک و تردیدی را در من به وجود آورده که چگونه امام توضیح دهنده قرآن... قرآنی شیوا به زبان عرب- در چنین اشتباهی با ساده ترین الفبای عربی گرفتار می شود و مفرد مذکر را با جمع صیغه جمع مونث، جمع می بندد... امیدوارم پاسخ دهید یا پیام را اصلاح کنید... و متشکرم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

شما دچار اشتباه شده ای و تصور می کنی کلمه «مرجعیات» ریشه ای ندارد. برای شما بیان می کنم که «مرجعیات» صحیح و جمع «مرجعیت» است؛ بنابراین مشکل شما در اینکه روی سخن من گروهی خاص باشد به طوری که شامل یک فرد و بیشتر می گردد- چیست؟

پی نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

ابو امیر المنصوری: بنده نگفتم ریشه ای ندارد بلکه اگر خطاب به یک مرجع است باید بگویی «الی المرجع الفلانی» و اگر خطابت به همه است... باید بگویی «الی مراجع»... و انکار نکردم که الی «مرجعیات» ریشه ای ندارد... این مورد اول... دوم: شما در بالا اعتراف کردی که جمع «مرجع»، «مراجع» است. سوم: شما چطور به همه چیز عالم هستی در حالی که متوجه دام من نشدی و در آن گرفتار شدی؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند بر آنچه در آن هستی کمکت کند!

پی نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

شوقی حبیب الحاج: اگر ممکن است سوالی مطرح کنم...

بیشتر انبیا و اوصیا و علما در کشورهای ما بوده‌اند و خود شما بهترین دلیل بر آن هستی!! چرا این تعداد فراوان از افراد مقدس، فایده‌ای برای اینکه ما کشوری پیشرفته از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ایمن مثل دیگر کشورهای پایدار با اهالی بهره‌مند از خوبی و خوشبختی باشیم نداشته‌اند؟!

آیا ادیان و فرستادگان و علما برای تغییر واقعیت به وضعیتی بهتر نیستند!!
 آیا با وجود امثال شما -آنطور که ادعا می‌کنید- منطقی نیست که به ما ارشادات مادی قانع‌کننده‌ای برای تغییر زندگی‌مان به وضعیتی بهتر بدهید!!

آیا غیبیات و خرافاتی که نمی‌دانیم چه کسی آن‌ها را نوشته و چگونه در دل کتاب‌ها برای ما نقل شده‌اند تا با تحریف و قصور به ما برسد کافی نیست!!

پرسش بنده... چرا پیام‌های خود را در کشورهای عقب‌مانده که دچار جنگ‌ها و مشکلات اقتصادی هستند متمرکز کرده‌اید!! چرا دعوت خود را به عنوان مثال در سوئد یا فنلاند منتشر نمی‌کنید تا مزد بزرگی از طریق وارد کردن کفار به اسلام به دست بیاورید و سپس آن‌ها را به جنبش خود فراخوانی کنید!!

ما مردمی خسته و ملول هستیم!! و شما نمی‌توانی از ما بهره‌ای به دست بیاوری؟! هیچ عاقل فرستاده شده‌ای از طرف خداوند سبحان و تعال که مثل شما تسدید شده باشد -آنطور که خودتان ادعا می‌کنید- به عراق نمی‌آید!!

من شما را به این چالش دعوت می‌کنم که فقط یک نشر در کشوری غیر از عراق منتشر کنی!!

این گوی و این میدان!!

پیشرفت مادی مرهون عملکرد منظم جامعه است

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

خانم دکتر ابتسام، برای شما لینک‌هایی از برخی از مؤمنان را قرار داده است و خود خانم دکتر ابتسام نیز از عراق نیست. او استاد دانشگاهی در مراکش است و مدرک دکترای مهندسی دارد. تصور می‌کنم همین مورد برای بستن باب اینکه دعوت مهدوی،

نیازمند سرپیچی، جهل یا جامعه‌ای خسته یا سخنان نسنجیده مشابه دیگر- است کافی باشد.

اما مسئله «پیشرفت مادی» در گرو عملکرد منظم جامعه است. دین و انبیا به کار منظم، پاک بودن، انجام واجبات و دادن حقوق تشویق می‌کنند و این برای تیرتد دین حق از سرپیچی یا عقب ماندگی که برخی از کشورهای اسلامی از آن رنج می‌برند کافی است. اما در مورد ارائه راه حل برای وضعیت فعلی، من در برخی از دیدارها مسائلی را بیان کرده‌ام و شما می‌توانی کتاب‌ها را مطالعه کنی و نظر مرا را بدانی.

همچنین می‌توانی از کتاب «توهم بی‌خدایی» اطلاع حاصل کنی و اگر درخواست توضیح یا پرسشی به ذهنت رسید- ان شاء الله- در خدمت شما هستم:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

با مردم انصاف داشته باش و به هیچ کس ظلم نکن

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

علاء الطفیلی: سلام بر تو ای پدر و رهبر. خداوند به برکت دعایت به تو پاداش خیر بدهد. امروز ابلاغیه بازگشتم به کار به من اعلام شد. پس از رنجی که به مدت یک سال و هشت ماه به طول انجامید؛ چون با استناد به عدم صلاحیت برای کار امنیتی و تحت عنوان مصلحت عمومی، من و گروهی بالغ بر ۱۰۸ نفر از همراهانم به وزارت کار ارجاع داده شده بودیم... مصیبت بزرگ این است که در این مدت هیچ حقوق ماهیانه‌ای دریافت نکردیم... و از عوامل اصلی ارجاع دادن خود من فقط این بود که از مؤمنان به دعوت امام مهدی (علیه السلام) هستم و نه چیز دیگر. چون پیش از ارجاع دادن من، پنج جلسه تحقیقاتی با اتهامات حیل‌گرانه در حقم تشکیل و فشارها و تهدیدهای گوناگون در حق من انجام دادند تا مرا قانع کنند که از این دعوت مبارک خارج شوم و در پایان هر جلسه، کمیته تشکیل شده برای تحقیقات اعلام می‌کند که این اتهامات باطل هستند ولی می‌گویند چه کنیم دست ما نیست. هیچ کمیته‌ای نتوانست مرا به هیچ گونه کوتاهی محکوم کند. تا اینکه کمیته را با صدور قرار انتقال ظالمانه و بدون توجیه قانونی مخومه کردند. ای پدرم عزیزم

اکنون و پس از اینکه به کار قبلی ام بازمی‌گردم و همهٔ فرماندهی‌ها در کارم می‌دانند که من یک یمانی هستم و البته به آن افتخار می‌کنم. از شما درخواست نصیحتی دارم. آن‌ها هرگز نخواهند پذیرفت که بازگشت من با سلام و سلامتی همراه باشد. ای پدرم به خاطر طولانی کردن سخن عذر می‌خواهم. از خدا می‌خواهم ما را بر ولایت اولیایش محمد و آل محمد ائمه و مهدیون (علیهم‌السلام) ثابت قدم بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کارت را به بهترین شکل انجام بده، با مردم منصف باش و به کسی ستم نکن. ان شاء الله افراد با انصاف بسیاری همراه تو کار می‌کنند اما در مورد بی‌انصاف‌ها، آن‌ها ناگزیر رو به زوال اند.

آیا عبارت «بانگ برداشتن به بدی» در آیهٔ قرآن «دشنام دادن» را شامل می‌شود؟

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

جعفر محسن البهادلی: (لا یجِبُ اللهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللهُ سَمِيعاً عَلِیماً) (خداوند بانگ برداشتن به بدی را دوست ندارد مگر از کسی که بر او ستم رفته باشد، و خدا شنوای دانا است) [نسا: ۱۴۸].

آقای من، احمدالحسن!

پرسش من در مورد این آیه: بنده شخصی را از دشنام دادن بازداشتیم و او این آیه را برای من بیان کرد و گفت شخص مظلوم می‌تواند سب کند و دشنام دهد. آقای من آیا (إِلَّا مَنْ ظَلَمَ) (مگر کسی که بر او ستم شده باشد) مورد استثنایی را بیان می‌کند؟ از تواضع و اهتمامی که به ما دارید متشکرم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. «بانگ برداشتن به بدی» به معنای بانگ برداشتن با چیزی است که شخص مقابل را به ستوه می‌آورد و آشفته می‌کند؛ و در این جایگاه دلیلی وجود ندارد که «جهر به سوء» (بانگ برداشتن به بدی) «سب و ناسزا» را شامل شود.

چگونه این افراد نادان با این آیه بر جایز بودن «سب و ناسزا و دشنام دادن» استدلال می‌کنند؟! با وجود اینکه دلیلی در خارج از این آیه وجود دارد که «جهر به سوء» شامل «سب» نمی‌شود و من به صورتی که شکی در آن راه ندارد. بیان کرده‌ام که چگونه منهج الهی و قرآنی، سب و دشنام را بر نمی‌تابد. به آنچه قبلاً نوشته‌ام مراجعه کنید^۱. خداوند به شما پاداش خیر دهد.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

نسمة العامری: سلام بر شما ای اهل بیت رحمت.

پرسش بنده دربارهٔ شبیه‌سازی انسانی یا حیوانی است. آیا این کار، اخلاقی یا شرعی است؟ تلاش‌ها و پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ شبیه‌سازی وجود دارد؛ ولی اصلاً چه فایده‌ای دارد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. پیش‌تر بیان داشتم که در مورد مسئلهٔ شبیه‌سازی حیوانی یا انسانی^۲ هنگام وجود ضرورت و نیاز به آن و عدم وجود مانع شرعی از موانعی که بیان کرده‌ام. اشکالی وجود ندارد. بنده معتقدم شبیه‌سازی برای نجات زندگی بسیاری از مردم مهم و ضروری است. همچنین برای درمان نابینایان و افراد ناتوان جسمی و دیگر موارد از این دست. به علاوه در مورد مسئلهٔ شبیه‌سازی جنین و استفاده از سلول‌های بنیادی برای تولید اعضای بشری برای مرد یا زن صاحب جنین شبیه‌سازی شده، مانعی وجود ندارد.

استخاره هنگام اختلاف بین راه‌ها و سرگردانی است

۱ - به بیانیه و پیام تاریخ ۲۷/۹/۲۰۱۳ مراجعه کنید.

۲ - مراجعه کنید: پاسخ‌های فقهی - سید احمدالحسن: مسایل متفرقه جلد ۱.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

رؤیا موسوی: سلام بر شما ای پدرم...

مرد مؤمنی خواست با زن مؤمنی ازدواج کند و هر کدام از آنها نسبت به دیگری قانع شده‌اند ولی استخاره، بد بوده و موضوع را رها کردند...

درحقیقت این موضع باعث شده است که بنده بسیار پرس و جو کنم و همواره پاسخ می‌دهند که استخاره برای هنگام سرگردانی است. آیا در این مورد این دو نفر اشتباه کرده‌اند؟ یعنی استخاره به شکلی صحیح نبوده است یا صحیح بوده و در چنین حالاتی استخاره، عملی درست محسوب می‌شود؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. «استخاره» برای هنگام اختلاف راه‌ها و سرگردانی و ندانستن راه بهتر یا صحیح است؛ اما شخصی که مایل است با زنی ازدواج کند یا در مورد زنی که مایل است با مردی ازدواج کند، در چنین مواردی استخاره معنا ندارد. این کار به انجام تحقیقات مناسب و صحیح بودن آن برای هر دو نفر بستگی دارد.

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

امیر التیمی: سلام بر شما. من به دعوت شما ایمان ندارم. چه دلیلی برای دعوت شما وجود دارد؟ من به دنبال حقیقت هستم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از دلایل در کتاب «عقاید الاسلام» آگاه شو و اگر پس از اطلاع حاصل کردن هر گونه سؤال به ذهنت رسید بنده می‌نویسم و انشاءالله در خدمت شما خواهم بود:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۲۰۴-۳aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

العراقی الحمزای: مولای ما، از تسلیت شما تشکر می‌کنم؛ ولی بهتر بود می‌فرمودید شهادت نه «کشته شدن جوان، علی سلامی». آیا این صحیح است سید یا نه؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. آری؛ او در حالی که حق خود و حقوق مردم مظلوم عراق را مطالبه می‌کرد به شهادت رسید؛ ولی من از نوشتن کلمه «قتل = کشته شدن» منظوری داشتم؛ زیرا به این معنا است که قاتلی وجود دارد که باید در مورد کار زشتی که انجام داده است بازخواست و مجازات شود. عزیز من، بار دیگر پاداش‌های شما را بزرگ بدارد.

دشوار بودن اذان و اقامه برای کودکان

پی‌نوشت / ۱۰ جولای ۲۰۱۷:

حسین قمبر: سلام بر شما ای سید احمد

خداوند طاعات شما را بپذیرد.

چطورید؟ چه خبر؟

سید! مسئله‌ای ضروری دارم و امیدوارم پاسخ دهید.

کودکانی که به سن تکلیف رسیده‌اند هنگام اذان و اقامه هر نماز به خصوص نماز

صبح واقعا احساس سختی می‌کنند

طوری که بر ایشان سنگین است و اذان و اقامه را بارها و بارها تکرار می‌کنند

این مسئله یک روز آن قدر تکرار شد که منجر به گریه کودکان یا تنفرشان شد!

راه‌حل چیست؟

آیا اذان و اقامه برای آن‌ها واجب است؟

التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اذان و اقامه را به شکل صحیح به آن‌ها آموزش دهید. شما برای این کار وقت دارید. همچنین می‌توانید

نماز را همراه خانواده به جماعت بخوانید. همچنین می‌توانید به اذان کسی که در همان زمان و مکان نماز اذان گفته است بسنده کنید.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

حزن المیاحی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقا و مولای من!
خداوند صبح شما را به خیر و عافیت بدارد، ای سید من!
جانم به فدای شما. از خدا می‌خواهم به حق خودت- پاسخم را بدهی هر چند با یک کلمه باشد، و دلم را شاد گردانی، ای کریم، ای فرزند کریمان.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

مِجْمِدُ الْإِسْفَاحِ: ای فرزند مهدی، برایم پول می‌فرستی؟! من نیازمندم! اگر شما واقعاً فرزند مهدی هستی برایم پول بفرست. مگر نه اینکه خاندان شما در رسیدگی به نیازمندان پیش قدم بوده‌اند؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بفرمایید در مکتب نجف در خدمتتان باشیم. لطفاً یکی از مؤمنان، نشانی مکتب را در پی‌نوشت‌ها بنویسد. خداوند جزای خیرش بدهد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

Abo Assad: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
آقای من، سؤالی اعتقادی از یک نفر به من رسیده است. وی می‌پرسد خدا کجاست؟
پاسخ دقیق این سؤال چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پاسخ این سؤال را در کتاب «توهم بی‌خدایی» می‌یابی.^۱

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

Leila Ansari: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای پدرم!

خداوند صبح شما را در خیر و عافیت قرار دهد.

هیچ نیروی نیست مگر با خدا.

پدرم، من -و به خدا پناه می‌برم از من- شما را خیلی دوست دارم؛ چون تو حجت خدا و پسر حجت خدا هستی و به‌سوی حجت خدا دعوت می‌کنی. شما آن پدری هستی که خداوند برای ما برگزیده است و به‌سوی صاحبمان امام مهدی (علیه السلام) دعوت می‌کنی. پدرم، با شما و پدرانتان -ائمه طاهرين (علیهم السلام)- و پسرانتان -مولاهایم مهدیون (علیهم السلام)- تجدید بیعت می‌کنم.

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له

و اشهد ان محمدا رسول الله

و اشهد ان علیا و الائمة من ولده حجج الله

و اشهد ان احمدا و المهديين من ولده حجج الله

پدرم، سلام و بیعت و شهادت مرا به پدران امام مهدی (صلوات و سلام خدا بر او) -که صاحب من و حجت خدا در زمین است- برسان.

خداوند به شما و پدرت تمکین عطا، و شما را یاری پیروزمندانه فرماید و برایتان فتحی آسان بگشاید و از طرف خودش برای شما سلطان یاری کننده‌ای قرار دهد خدایا، به فضل خود برای قائم آل محمد دری بگشای!

و در زمینش، بهترین تمکین را به او عطا، و او را در برابر مردم ستمکار یاری فرما!

ای پدرم، ما را از دعایتان فراموش نکنید، ای نور دیدگانم!

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسلیما کثیرا.

۱ - نگاه کنید به توهم بی‌خدایی: ص ۵۵۸ تا ۵۶۰؛ و در ترجمه فارسی: ص ۵۲۲ (مترجم).

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

جعفر البصراوی: سلام بر شما ای سید ما. پرسشی دارم:

خدای سبحان چه هدفی از آفریدن ما دارد؟

یعنی برای چی ما را آفرید؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد.

پاسخ قرآنی بسیار مختصری وجود دارد؛ اینکه خدای سبحان ما را آفرید تا او را بشناسیم (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بندگی کنند) [ذاریات: ۵۶]؛ یعنی مرا بشناسند. هدف از بندگی، نزدیک و تقرب به خداوند است، و نزدیکی به خدای سبحان یعنی شناخت و معرفت، و افزودن معرفت؛ اما بنده مسئله آفرینش را در کتاب «توهم بی‌خدایی» به تفصیل شرح داده‌ام و ان‌شاءالله برخی قسمت‌ها را در همین صفحه، خواهم آورد.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

سید حیدر شاکر موسوی: طبق ادعایی که شما داری، شما مرجعیت در زمان امام

مهدی را قبول نداری.

و در روایات آمده است که هنگام ظهور، تقلید باطل می‌شود.

اگر امروز اربابانت تو را دعوت می‌کنند که دستت را در دستشان بگذاری، همه‌تان

کارگزار هستید اما هر کسی دوره‌ای دارد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این بیانیه فقط خطاب به مرجعیت‌ها و طلاب حوزه بوده است چون استاندار نجف و شبکه ایرانی الکوثر^۱ و همچنین دیگران ما را به جهت‌دهی تظاهرات برای آتش زدن یا تخریب خانه‌ها و کشتن آنان و دیگر اتهامات مشابه باطل، متهم کرده‌اند؛ به همین دلیل برای آن‌ها بیان کردیم که ما به آن‌ها و دارایی‌هایشان تجاوز نمی‌کنیم و اینکه این تهمت درست نیست.

از خدا می‌خواهم شما را توفیق دهد و هر بدی را از شما دور گرداند؛ اما در مورد شخص خودم، بنده با شما هستم و مطالبه حق شما را تأیید می‌کنم و هر کسی که به شما تعدی کند ستمکار است. بنده در بیانیه توضیح دادم که شهید علی سلامی کشته شده است و این یعنی قاتل تبهکاری وجود دارد که باید بازخواست و مجازات شود.

مباهله و فرود آمدن عذاب بر دروغ‌گو

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

Mahdi Irani: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای اهل بیت نبوت!

چند سؤال دارم و امیدوارم پاسخ دهید:

- ۱- آیا «مباهله» موردی اختصاصی برای امام معصوم است؟ وقتی مخالفان دعوت مبارک درخواست مباهله می‌کنند آیا انجام آن برای مؤمنان جایز است؟ زیرا مخالفان، بسیار درخواست مباهله می‌کنند و اگر ما شرکت نکنیم گمان می‌کنند خودشان بر حق هستند؛ چون مباهله بین غیر معصومین، گاهی اوقات در شهر من انجام می‌شود.
- ۲- اگر مباهله انجام شود آیا مخالفان فوراً هلاک می‌شوند یا برای توبه زمان دارند؟ آقای من! بنده زیاد عربی نمی‌دانم؛ به خاطر دقیق نبودن عذر می‌خواهم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. مباحله بین دو طرف برای فرود آوردن لعنت بر دروغ‌گوی افترا زنده است و در نتیجه هر یک از طرفین مباحله باید عقیده طرف دیگر را به روشنی بداند؛ اما عقوبت، بر یکی از طرفین که افترا زنده دروغگو باشد فرود می‌آید و چه بسا اگر هر دو دروغگو باشند بر هر دو فرود می‌آید و ضرورتی ندارد که عقوبت به‌طور آئی یا در همان لحظه مباحله انجام شود.

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

Ali Naail: Ali Hussain مصطفی الجبوری

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیزم خداوند تو را زنده بدارد. می‌توانی کتاب «توهم بی‌خدایی» و کتاب «عقاید الاسلام» را مطالعه کنی:
- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۳-۲۰۴aqaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۲۰۱۷:

عدنان تلغری الأنصاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند تو را زنده بدارد.

عزیز من و نور دیدگانم و آقایم، قائم آل محمد ﷺ. ای سید و مولای من، به فضل خداوند متعال و به فضل رهبری و دعای شما در حق ما و به فضل دعای برادران پاکم (خداوند توفیق‌شان دهد) موفق شدم و الحمدلله و از خداوند متعال متشکرم. با درجه ممتاز از مرحله چهارم فارغ التحصیل شوم و درسم را در دانشگاه به پایان برساندم. آقای من، به حق جدت امام صادق (علیه السلام) به شما توسل می‌جویم که پاسخ را بدهی و مرا ناامید از درگاهت نرانی؛ چون با امید به پاسخ، در شما را کوییدم. التماس دعا دارم. ای مولای من،

مرا از دعای خود فراموش نکن؛ زیرا بسیار به آن نیازمندم، ای مولای من.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خداوند می‌خواهم توفیق‌تان دهد و گام‌هایت را در آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است استوار فرماید و از خداوند خواستارم با فضل و رحمت خودش، تلعفر آزاد شود و مردمش سالم و سلامت بازگرداند.

پی‌نوشت / ۲۰۱۷:

Abbas Almosawi زین العابدین علی

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

- کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

- کتاب عقاید الاسلام:

<http://almahdyoon.org/.../books-saed/۳-۲۰۴/qaed-islam.pdf>

پی‌نوشت / ۲۰۱۷:

رؤیا الموسوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... از خدا می‌خواهم در خیر و

عاقبت باشید...

نگران عراق پس از داعش هستیم به خصوص اینکه با قتل یک جوان که به خاطر بلند

بودن موهایش کشته و ربوده شد آغاز گردید و... و...

نگران مسلط شدن گروه‌های شبیه نظامی بر عراق به‌طور کامل- و درو کردن ارواح

بی‌گناهان با آلات قتاله هستیم. اینان حتی خطرناک‌تر از باندهای تبهکار داعش هستند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. بیشتر مردم عراق

خطر رها شدن نیروهای مسلح پیرو احزاب را احساس می‌کنند.

*** **

چرا خدا ما را آفرید و ما کجا هستیم؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

چرا خداوند ما را آفرید و ما کجا هستیم؟

مجموع انرژی در جهان و جهانی از هیچ چیز:

در مطالب پیشین، هنگامی که به بحث درباره انرژی تاریک پرداختیم، مشخص شد که چگونه فیزیکدانان توانسته‌اند با استناد به دلایل روشن و قابل اعتماد مطمئن شوند جهان مسطح است. بر این اساس، اگر جهان مسطح باشد، برخی فیزیکدانان مانند دکتر لاورنس کراوس می‌گویند مجموع انرژی جهان مسطح برابر با صفر است، به این دلیل که انرژی جاذبه منفی در مقابل انرژی مثبت ماده می‌ایستد و از آنجا که انرژی مثبت جهان مسطح، فقط برای گریز کفایت می‌کند انرژی مثبت دقیقاً با انرژی منفی برابر است.

به این ترتیب، مجموع انرژی کل جهان صفر خواهد بود. به عقیده لاورنس کراوس و همفکران او، جهانی که مجموع انرژی آن صفر باشد می‌تواند از هیچ به وجود آمده باشد؛ زیرا هیچ انرژی خارجی در آن دخالت نداشته و به این ترتیب انرژی هستی و ماده آن، صرفاً محصول عملکرد داخلی است، و ناپایداری‌های کوانتومی در خلأ مبتنی بر اصل عدم قطعیت و مکانیک کوانتوم، تضمین‌کننده این ایده است.

به این ترتیب ناپایداری‌های کوانتومی، جهان را از هیچ پدیدار ساخته است، و بنابراین نیازی به دخالت خارجی در تکوین جهان وجود ندارد؛ چرا که در این صورت جهان به چنین دخالتی نیازی ندارد؛ بنابراین جهان به خودی خود و به واسطه ناپایداری‌های کوانتومی در خلأ - که بنا بر مکانیک کوانتوم، خلأ نمی‌تواند خالی از این ناپایداری‌های باشد پدید آمده است. به این ترتیب نیازی به فرض گرفتن وجود خدایی که جهان را از خارج ابداع کرده، ناست. این‌ها همه با صرف نظر کردن از فضایی است که ناپایداری‌های کوانتومی در خلأ، در آن اتفاق می‌افتند زیرا خود این فضا هر چند بی‌نهایت کوچک باشد،

به شرح و تفسیر نیاز دارد و ما قبلاً در این مورد بحث نموده‌ایم.

بنابراین ما با فضا و ناپایداری‌های کوانتومی که طبق قوانین مکانیک کوانتوم یا به خصوص اصل عدم قطعیت در این فضا پدیدار می‌شوند روبه‌رو هستیم. باید توجه داشته باشیم که اصل عدم قطعیت، هر چند بر این باور است که وجود ناپایداری‌های کوانتومی در فضا الزامی و حتمی است، ولی علت وجودی آن‌ها را بیان نمی‌کند؛ علت و سبب پدیدار شدن این ناپایداری‌ها، مجهول مانده است و مکانیک کوانتوم می‌کوشد به وسیله‌ی الغای اصل علیت، از دلیل‌آوری در این خصوص چشم‌پوشی کند. این در حالی است که اصل علیت در همه‌ی رویدادهای درون جهان، در سطحی بالاتر از سطح کوانتوم ثابت و برقرار است. قانون علیت در هیچ رویداد کیهانی حتی یک بار هم نقض نشده، چگونه فرض می‌کنند که این قانون در اینجا نقض شده است؟! چرا توانایی‌های ما - که قطعاً مطلق نیست - ما را به وجود داشتن این علت رهنمون نمی‌شود؟

به نظر من الغای علیت در واقع فرار از ارائه‌ی راه حل است، نه یک راه حل. ما به سادگی می‌توانیم از طریق ایده‌ای که «هیو اورت» مطرح کرده است دلیل بیاوریم که این دلیل، همان وجود داشتن کیهان‌های دیگری است که ممکن است برخی از آن‌ها بر برخی دیگر اثرگذار باشند؛ در این صورت ناپایداری‌های کوانتومی عبارتند از آثاری از جهان مجاور جهان ما یا آثار عبور کننده در بین جهان‌ها.

اینکه مجموع انرژی جهان یا برآیند نیروهای موجود در آن برابر با صفر است، به معنای نفی وجود خدا نیست. آن‌ها می‌خواهند بگویند: چیزی از خارج به جهان وارد نشده، بنابراین چرا باید از نیاز به وجود خدا دم بزنیم؟ ولی چه کسی گفته حتماً باید چیزی از خارج جهان به آن وارد شود، تا ما فرض وجود خدا را مطرح کنیم یا نیاز به فرض وجود خدا داشته باشیم؟! موضوع وجود خدا مستدل و ثابت شده است و دلایل علمی برای آن را ارائه نمودم؛ از جمله دقیق بودن ثابت کیهانی.

نظر شخصی من این است که اصولاً ورود چیزی از خارج جهان‌ها به درون آن‌ها مجاز نیست و باید مجموع انرژی‌ها در آن‌ها برابر با صفر باشد؛ زیرا وجود کلی مخلوق

نباید چیز دیگری غیر از عدم خودش باشد. اگر وجود کلی مخلوق، عدم نباشد، در مقابل ذات الهی قرار می‌گیرد و در این صورت ما به ورطهٔ بزرگ‌ترین اشکال فلسفی و کلامی لاینحل کشیده می‌شویم؛ به این مضمون که وجود مخلوق در کجای خدا قرار دارد؟ آیا مخلوقات در ذات خلق شده‌اند یا در خارج از ذات؟ یا می‌توانیم سؤال را به این شکل مطرح کنیم: آیا خدا داخل در خلقش است یا خارج از آن‌ها جای دارد؟

اگر وجود کلی مخلوق صرفاً عدم نباشد، هر پاسخی که داده شود به یکی از دو وضعیت منجر خواهد شد: یا خدا حادث است و یا وجود مخلوق قدیم؛ و این یعنی نقض الوهیت مطلق یا نفی وحدانیت خداوند سبحان و متعال.

اینکه بگوییم: خدا نه داخل اشیا است و نه خارج از آن، یا مخلوقات نه در ذات خدا هستند و نه خارج از آن، پاسخ محسوب نمی‌شود، بلکه فقط انکار دو پاسخ قبلی است. البته به هر حال از دو پاسخ قبلی و آنچه از نقض الوهیت و وحدانیت خداوند سبحان و متعال برمی‌آید، بهتر است. حقیقت آن است که وجود مخلوقات در برابر وجود خداوند سبحان - که وجودی حقیقی است - صرفاً یک وجود اعتباری است. وضعیت ما شبیه وضعیت ناپایداری‌های کوانتومی در فضا است که بدن‌های ما با آن به تکاپو می‌افتند و نوسان می‌کنند. ما در مقابل خداوند سبحان، صرفاً عدم هستیم؛ چرا که اصولاً ما از عدم خارج نشده‌ایم؛ ما در عدم هستیم و عدممان را با خود به همراه داریم؛ در واقع جز خداوند سبحان چیز دیگری موجود نیست. شاید درک این عبارات برای برخی متدینین دشوار باشد، هر چند برهان علمی آن را پیش از خودش بیان داشته‌ام. البته حقایق علمی ثابت‌شدهٔ بسیاری وجود دارد - همچون مکانیک کوانتوم و نسبیّت عام - که فهم آن‌ها نیز دشوار است. آیا فهم و درک اینکه یک الکترون تنها که یک ذرهٔ مادی است، می‌تواند در آن واحد از دو شکاف به یک صفحه وارد شود، آسان است. یا به راحتی می‌توان این مطلب را درک کرد که زمان بُعد چهارم کیهان همانند ابعاد سه‌گانهٔ مکان است، و جرم زمین بر زمان تأثیر می‌گذارد و آن را در بافت مکانی خم می‌کند.

ما کجاییم؟!

پرسشی که در مبحث پیشین به آن پاسخ دادم، یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی است. اگر نگوییم اولین و مهم‌ترین آن‌ها. که بر انسان سنگینی می‌کند و از آنجا که آدمی در اول راه جست و جوی حقیقت قرار دارد، بر ذهن انسان گذر می‌نماید. هر انسانی این پرسش را پیش می‌کشد و به این می‌اندیشد که: ما کجاییم یا ما نسبت به خدا در کجا هستیم؟ خدا ما را کجا آفریده است؟ آیا ما را در ذاتش آفریده است یا در خارج از آن؟ اگر خارج از ذاتش هستیم، این خارج کجا است؟ آیا او این خارج را آفریده، سپس ما را در آن خلق کرده است؟ یا این خارج قدیم و ازلی است؟

مشخص است که نمی‌تواند قدیم و ازلی باشد زیرا معنای آن تعدد قدیم‌ها یا لاهوت مطلق خواهد بود؛ ولی اگر این خارج خلق شده، خلقت او کجا است؟ آیا خدا آن را در خارجی دیگر که قدیمی‌تر از آن است آفریده؟ این دیدگاه به تسلسل می‌انجامد تا در نهایت به یک خارج قدیم ازلی خاتمه یابد! اگر خارجی که ما را در آن آفریده قدیم ازلی باشد، یا به قدیم ازلی منتهی شود، تعدد قدیم‌ها پیش می‌آید! همچنین تعدد لاهوت مطلق! و چنین چیزی بی‌هیچ تردیدی باطل و شرک است. وهابی‌ها به این عقیده فاسد قائل هستند و می‌گویند آفرینش در خارج از ذات صورت گرفته است. این ایده بسیار بدتر از عقیده تثلیث مسیحیان (اقانیم سه‌گانه) است.

اما این سخن که ما در ذات او خلق شده‌ایم یعنی ذات او حادث است، زیرا محلی برای رخدادهای است؛ و با این عقیده، قدیم بودن او و لاهوت مطلق بودنش نقض می‌گردد. هم این پاسخ که آفرینش در خارج قدیم ازلی است و هم پاسخ دیگر که در نهایت به خارج قدیم ازلی منتهی می‌شود، قابل قبول نیست؛ زیرا اگر چنین فرض بگیریم به معنای اضافه شدن بر وجود او است و این یعنی تعدد قدیم‌ها؛ و اگر خلقت در او باشد، محلی برای وقوع حوادث خواهد شد و مفهومی این خواهد شد که او حادث است و آغازی دارد و در عین حال قدیم ازلی است. این امر محال است و یک چیز نمی‌تواند هم حادث باشد

و هم قدیم.

به علاوه اعتقاد به وجود خارج از ذات یعنی نقض لاهوت مطلق خداوند سبحان؛ زیرا وجود مطلق او را نقض می‌کند و این خارج بودن، حدی برای او سبحان و متعال ایجاد می‌کند؛ زیرا او دیگر در این خارج نخواهد بود. همان طور که می‌بینیم، این مسئله بسیار گیج‌کننده است و به همین دلیل معمولاً کسانی که در باب عقاید مطالبی نوشته‌اند، از پرداختن به این قضیه پرهیز کرده‌اند. برخی مسلمانان پاسخی برگزیده‌اند که مفاد آن چنین است: او نه در اشیا است و نه در خارج از آن. این پاسخ بیشتر برای پاسخ ندادن به سؤال مطرح شده، تا حل این معضل، و در واقع بازتولید جمله منسوب به امام علی (علیه السلام) است که فرمود: «قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ مِنْ غَيْرِ مُلَامَسَةٍ بَعِيدٌ مِنْهَا مِنْ غَيْرِ مُبَايَنَةٍ» (نزدیک است به چیزها بدون اینکه با چیزی تماس بگیرد، دور است از آنها، اما جدا از آنها نیست).

این پاسخ هم جواب مفصلی به این مسئله نبوده بلکه فقط انکاری است بر هر دو جواب غلط گفته شده؛ یعنی: اینکه خدا در اشیا است یا او خارج از اشیا است. اینکه ائمه (علیهم السلام) این موضوع بزرگ عقیدتی را که به اثبات وجود خدا و توحید مربوط است و به شرح و بسط نیاز دارد، تشریح ننموده‌اند، به خاطر همان دلایلی است که بیشتر بارها گفته‌ایم؛ اینکه گاهی اوقات متشابهات به حال خود رها می‌شوند و توضیح داده نمی‌شوند تا حجتی از حجت‌های الهی در زمان خودش آن را تفسیر و تبیین کند و دلیلی بر حقانیت او باشد. همچنین چه بسا گاهی اوقات مسائل روشن نمی‌شود، زیرا زمان آن فرا نرسیده و اهل آن مهیای شنیدنش نشده‌اند. به عنوان مثال در زمان امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه کسی می‌توانست معنای سرعت گریز یا تکینگی را دریابد یا درک کند که ماده، ضد خود را همراه دارد یا پادماده چیست و بسیاری از مقولات دیگر را که در آن زمان، هنگام بیانش فرا نرسیده بود، دریابد؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نه هرچه دانسته شده، گفتنی است و نه هر چه گفتنی است، زمان آن فرا رسیده، و نه هر چه وقتش رسیده، اهل آن مهیایش هستند».

«به هر حال، وقتی او که روح راستی است، بیاید، شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد، زیرا از خود سخن نخواهد گفت؛ بلکه فقط درباره آنچه بشنود سخن می‌گوید و شما را از امور آینده باخبر می‌سازد».

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

عباس فتحی: سلام خداوند بر تو ای سید و مولای من، قائم آل محمد. پدر و مادرم فدای تو ای صاحب امر و ای وارث علم انبیا و رسولان. من -و به خدا پناه می‌برم از من- سال‌ها در فلسفه تحقیق کردم و به نظرات بزرگترین فلاسفه، متکلمان و صوفیه آگاه شدم و خدا و فرشتگان و انبیا را شاهد می‌گیرم که چنین علم و پاسخ مبتنی بر برهان محکمی در دست بزرگ و کوچکشان ندیدم. بیدار شوید ای مردگان. به خدای بزرگ سوگند این علم جز از سوی خداوند متعال نمی‌آید.

سپاس خدایی را که با شناخت و ایمان آوردن به مهدی اول (علیه السلام) بر ما منت نهاد. از خدا می‌خواهم قدم‌های ما را ثابت بگرداند و ما را برای خدمت به شما به کار بگیرد، ای اهل بیت عصمت.

آقا و مولای من، چند سؤال و شبهه برای من و برخی از برادرانم -شیوخ مؤمن- مطرح شده است.

اگر شما اجازه دهی و موافقت فرمایی برایتان در اینجا می‌نویسم. امر به دست شما است هر وقت بخواهی و مقرر بداری. خداوند مرا فدای شما کند!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. سلام من به همه مردان و زنان مؤمن در ایران. می‌توانی پیرسی -خداوند توفیقت دهد- و ان شاء الله از سؤال شما مطلع خواهیم شد.

اسباب بالا رفتن درجه حرارت زمین

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۷:

ام رتاج الحسنی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من، احمدالحسن! آقای من، تقریباً یک سال است سؤالی در ذهن من می‌چرخد و خواهش می‌کنم پاسخ گفته، بر ما تفضل فرمایید...

آقای من، در یکی از گزارش‌های گوگل خواندم افزایش دما به این شکل در نتیجه انجام عملیاتی صورت گرفته و انجام دهنده آن، آمریکا -دجال اکبر- است و طبق این گزارش دلایل محکمی وجود دارد که این مطلب را ثابت می‌کند... آیا این امکان‌پذیر است ای آقای من؟ و آیا شما از این مطلب اطلاع دارید؟... آقای من، مرا از دعای خیرت فراموش مکن -ای پاکیزه- چرا که من نیاز مبرمی به دعای شما دارم... خادم تقصیرکار شما: زهرا حسین / <http://non۱۴.net/۷۳۹۵۳/>

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. این سخن -به‌طور کلی و جزئی- نادقیق و ناصحیح است. علت زیاد شدن درجه حرارت کل زمین، حبس شدن حرارت است و اولین سبب آن، کشورهای صنعتی و در رأس آن‌ها آمریکا است. به علاوه انفجارهای خورشیدی نیز تأثیرگذار هستند که گاهی شدت می‌یابند. درباره عراق و منطقه، جنگ و فرسایش خاک ناشی از جنگ و ابزارهای نظامی نیز مزید بر علت می‌گردد.

پی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۷:

أحمد أبو حسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای امام ما!

سید و مولای من!

پدرم در هوشیاری چند بار به من گفته است که از مؤمنان به شما است، سلام خدا بر شما. با چشمانی اشک‌بار گفت: به شما ایمان دارد؛ نه به این دلیل که بیمار است، بلکه چون شما از آل محمد ﷺ هستید و می‌گویید: مال و خانواده‌اش را فدای شما می‌کند. و به من توصیه کرد به شما سلام بدهم و در محضر جدتان رسول خدا ﷺ کنارش باشید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. سلام و دعای مرا به پدر بزرگوارت برسان. از خداوند می‌خواهم با خیر آخرت و دنیا بر او منت بگذارد. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌فرماید. از خداوند می‌خواهم به شما کمک کند و کارهای شما را آسان گرداند؛ که او ارحم الراحمین است.

احمد آلبو حسن: متشکرم مولای من. نمی‌دانم چه بگویم. با تصدق شما بر ماست که خدای رحمن دهان ما را به کرمش بسته است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

من خادم شما هستم، عزیز من.

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

Resalet Ahmed: پدر عزیز و مهربانم، سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقای من، یک سال پیش، از شما سؤال شرعی درباره آشکار کردن دست در آموزش و کار در عرصه دندان پزشکی پرسیدم.

آقای من، در آن زمان سعی کردم با آن‌ها گفت‌وگو، و راه‌حلهایی برایشان مطرح کنم؛ مانند مچ بند و دستکش بلند.

ولی آن‌ها نپذیرفتند و پاسخ دادند سال آینده، این قانون را سفت و سخت خواهند گرفت. من راه حلی جز ترک آموزش در آن دانشکده نداشتم. آقای من، به داروخانه رفتم و از خداوند می‌خواهم مرا در این عرصه موفق بدارد.

آقای من، امسال در کلاس‌های خصوصی شرکت کردم تا بتوانم به دانشکده داروشناسی راه یابم.

الحمدلله به فضل خدا در این رشته موفق شدم و به دانشگاه رفتم، ای آقای من.

پدرم، از شما می‌خواهم دعا کنید تا به دانشگاهی که به ما نزدیک است وارد شوم؛ خداوند شما را برای ما حفظ فرماید، آقا و مولا و پدر عزیز و مهربانم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. از خداوند می‌خواهم کار شما را به آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن است آسان فرماید.

اگر به آموزش دندان پزشکی علاقه داری بنده اعتقاد دارم انتخاب‌های دیگری نیز وجود دارند و موضوع تنها به آشکار کردن دست یا ترک درس در زمینه‌ای که علاقه به خواندن و فعالیت در آن داری منحصر ناست؛ مثلاً دانشگاه‌های دیگری نیز وجود دارند که چنین شرط‌هایی نمی‌گذارند و همچنین مچ‌بندهای طبی و غیره وجود دارد؛ اما اینکه از آن‌ها بخواهی بنده معتقدم فایده‌چندانی ندارد و شما می‌توانی آن‌ها را در برابر یک عمل انجام شده قرار دهی تا مجبور به ایجاد راه حل شوند؛ زیرا وجود شما در دوره آموزشی موقتی است نه در کار کردن.

بین دین و نظریه تکامل تعارضی وجود ندارد

پی‌نوشت / ۱۲ جولای ۲۰۱۷:

حسین حمید الرمل: سلام بر شما

داشتم برخی صفحات کتاب توهم بی‌خدایی را می‌خواندم و دیدم شما نظریه تکامل را تصدیق می‌کنی. سؤال از شما این است که اگر تکامل را تأیید می‌کنی چگونه قرآن را تصدیق می‌کنی؟! تکامل و قرآن به‌طور کامل با یکدیگر در تضاد هستند!
ارادتمند شما!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. امروزه تکامل پس از آشکار شدن دلایل ژنتیکی- بدون هیچ ابهامی تبدیل به یک حقیقت علمی شده است و در تمامی دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. بنده معتقدم کسانی که تکامل را نمی‌پذیرند نیازمند تجدید نظر در این مسئله هستند. اما آیا قرآن یا دین با تکامل در تضاد است؟! بنده این مطلب را در کتاب «توهم بی‌خدایی» بیان کردم و اینکه تعارضی میان دین راستین و تکامل وجود ندارد. وقتی از مطالب آن آگاه شدی هر سؤالی که به ذهنت برسد بنویس و ان‌شاءالله در خدمت شما خواهیم بود.

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

عارف الحلی الخفاجی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقای ما، امام احمدالحسن...

پرسش بنده: اگر ما عدم هستیم یا عدم و نیستی خود را با خود به همراه داریم همان طور که شما (صلوات خدا بر شما) فرموده‌اید پس چگونه ما وجود داریم و منشأ آثار و کار هستیم و از چیزهایی که با ما و در اطراف ما وجود دارند تأثیر می‌پذیریم در حالی که از نظر علمی ثابت شده است که عدم، از اساس و به هیچ وجه تأثیرگذار و مولد نیست؟! از خداوند می‌خواهم حقیقت را به ما بشناساند و به ما نزدیک گرداند تا به برکت دعای شما و برکت صلوات و سلام بر محمد و آل محمد ائمه و مهدیون- با حقیقت یکی شویم...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. این مطلب را از طریق آنچه هنگام بحث در مورد متن دینی مربوط به محمد و حجاب در حال نوسان او و اینکه همه عالم به همراه او در نوسان هستند بیان داشته‌ام متوجه خواهی شد. و همچنین از طرق تئوری‌های علمی فیزیک یعنی قانون عدم قطعیت هایزنبرگ، ناپایداری‌های کوانتومی و پیدایش ذرات در فضا بدون هیچ عامل مادی شناخته شده‌ای که ظاهر شدن این ذرات را از هیچ توجیه کند. نکاتی را از کتاب «توهم بی‌خدایی» برایت نقل می‌کنم که این مسئله را بهتر روشن می‌کند:

«مثالی برای روشن شدن بحث: تصور می‌کنیم فردی اقدام به حفر گودالی در عدم کرده و خاک یا آنچه از گودال خارج نموده را کنار گودال کُپه کرده است. در اینجا ما گودال داریم و خاکی در کنار آن (یا آنچه از گودال خارج نموده‌ایم) مجموعه این دو، چیز جدیدی محسوب نمی‌شود، به این معنا که اگر ما یک بار دیگر خاک‌ها را به این گودال برگردانیم قضیه به همان صورتی که بوده یعنی به هیچ چیز بازمی‌گردد. به دیگر سخن، نه گودالی در کار خواهد بود و نه خاکی یعنی ما فقط عدم داریم. در این حالت، چیزی از

بیرون وارد معادله نشده که گفته شود اینجا موجودیتی حقیقی وجود دارد، بلکه همیشه عدم بوده است. ولی این، عدم مطلقى که فاقد هیچ موجودیتی باشد، نیست. این عدمی که در اینجا درباره‌اش صحبت می‌کنیم عبارت است از گودال و کپه‌خاکی که کاملاً با آن برابر است و در نتیجه در این عدم، ما موجودیتی تقدیری (مجازی) داریم و این چیزی که عدمش را با خود دارد از هیچ چیز ظهور نیافته بلکه کسی باعث پیدایش او بوده و او همان فرد یا نیرویی است که گودال را حفر کرده است.

بنابراین حتی اگر موجودیت، موجودیتی تقدیری در عدم باشد، مانند پیدایش ذرات یا ریسمان‌های ذرات زیراتمی و ضد آن‌ها و نابود شدن برخی به وسیله برخی دیگر طبق اصل عدم قطعیت در مکانیک کوانتوم، که پیشتر شرح داده شده، این را پیدایش از هیچ چیز نام نمی‌نهند؛ بلکه حقیقت آن است که چیزی که پدیدار گشته ذره دارای انرژی مثبت، و در مقابل آن نیز ذره دارای انرژی منفی ظهور یافته است. پیدایش ذره دارای انرژی مثبت قطعاً سببی دارد و علتی آن را پدید آورده است. همان طور که پیشتر اشاره شد، طبق تفسیر کپنهاگن، مکانیک کوانتوم با الغای اصل علیت می‌کوشد از بحث درباره علت و سبب بگریزد، ولی این فرار باعث نمی‌شود علت و سبب حقیقی ملغی گردد بلکه نهایتاً می‌توان چنین گفت که علت و سبب ناشناخته مانده است. در مثال قبلی علتِ ناشناخته، عاملی است که گودال را حفر کرده است.

این دقیقاً وجود خداوندگار را ثابت می‌کند و نیز اثبات کننده چیزی است که همواره گفته‌ایم؛ اینکه هستی را خدا آفریده است و برپاداشتی مستمر آن به دست خداوند است. البته مقصود این نیست که خداوند به‌طور مستقیم پدیدآورنده خلق یا برپادارنده آن است؛ بلکه مراد همان است که در قرآن فرموده: **(وَ السَّمَاءَ بَیِّنَاتًا بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ)** (و آسمان را با دستانی برافراشتیم، و بی‌گمان، ما گسترش دهنده‌ایم) [ذاریات: ۴۷] خداوند از داشتن دستان واقعی منزه است. «اید» (دست‌ها) در اینجا یعنی اسباب یا کارگزارانی که خداوند سبحان آن‌ها را پدید آورده است.

نکته: موضوع ناپایداری‌های کوانتومی در فضا یا پیدایش ذرات یا ریسمان‌هایی با

انرژی مثبت و نیز ضد آن‌ها و فنا شدنشان، به روشنی موبد سخن همیشگی ما است؛ اینکه اولین مخلوق (محمد) بین ظهور و فنا در نوسان است، یا اگر بخواهیم آن را به شیوه فیزیکدانان امروزی بیان کنیم می‌توانیم بگوییم مجموع انرژی مثبت و منفی ظاهر می‌شود و پنهان می‌گردد. تمام کیهان‌ها - که کیهان ما نیز جزئی از آن‌ها است - در این نوسان پیرو او هستند؛ بنابراین کاملاً ممکن و حتی طبیعی است که انرژی در سطح ذرات زیراتمی، در فرایندی شبه نوسانی که امام صادق (علیه السلام) توصیف می‌فرماید، پیدا و پنهان گردد؛ یعنی همچون حجابی که تکان می‌خورد یا به عبارت دیگر پرده‌ای که جلوی در قرار دارد و باد آن را حرکت می‌دهد و می‌جنباند.

نکته: وقتی می‌گوییم خدا خالق عدم است مقصود این نیست که او عدم مطلق را خلق کرده است؛ زیرا عدم مطلق چیزی نیست تا خدا آن را خلق کرده باشد؛ بلکه منظور ما آن است که خداوند سبحان عدم هر چیزی را در کنار آن چیز آفریده است. همان طور که اکنون روشن شده است که در سطح زیراتمی، ذرات، پیدا و پنهان می‌شوند و یکدیگر را نابود می‌سازند؛ زیرا اینها دارای انرژی منفی و مثبت یا به عبارت دیگر ماده و ضد ماده هستند. این موضوع مهمی است و پاسخ معقول و منطقی به این اشکال است که می‌گوید: وجود حادث در ذات خداوند است یا در خارج از آن؟ یا به دیگر سخن، از آنجا که فقط خداوند سبحان ازلی است و جز او وجود ازلی دیگری نیست، خدا خلق را کجا به وجود آورده: در داخل خود یا خارج از خود؟ اگر درون خدا باشد، حدوث برای خدا پیش می‌آید و قدیم بودن و لاهوت مطلق بودنش باطل می‌گردد. اگر هم خارج از خدا باشد، قدیم و ازلی بودن غیر خدا لازم می‌شود، آن هم در جایی خارج از آن جا که خدا آفرینش را پدید آورده است. اکنون روشن شد که نه این درست است و نه آن. چیزی که آن را وجود حادث می‌نامیم، چیزی نیست جز وجودی که عدمش را با خود به همراه دارد، که در دانش نوین آن را ماده و ضد ماده یا انرژی مثبت و انرژی منفی می‌نامند. بر این اساس، آفرینش نه در درون ذات خداوند است و نه خارج از آن؛ زیرا به طور کلی آفرینش در حقیقت وجودی‌اش هنگامی که در قیاس با خداوند سبحان و متعال - که موجودی است

حقیقی- قرار می‌گیرد، هیچ است».

پی‌نوشت / جولای ۲۰۱۷:

Suehila Igram-Smith: سلام و رحمت و برکات خداوند بر سید و امام ما

Ahmed Alhasan احمدالحسن

Milou van Bakel در بیمارستان است و از وضعیتی به نام placenta previa^۱ رنج می‌برد. حالتی که جفت، دهانه رحم را مسدود می‌کند و می‌تواند در زاییدن کودک تأثیر بگذارد. کودک او (دختر) ۲۲ هفته و ۳ روزه است. مایع آمنیوتیک او نشت کرده و او در بیمارستان بستری شده است. پزشکان در حال تلاش برای نگه داشتن کودک در رحم برای حدود ۲ هفته دیگر هستند تا کودک در ۲۴ هفتگی زاده شود که در این صورت زنده خواهد ماند.

او در حال حاضر بستری است و در بیمارستان باقی خواهد ماند و از شما درخواست دعا برای خودش و کودکش دارد و گفت: «این به دست خدا است». سبحان الله. سپاس و ستایش تنها از آن خداست. خداوند سبحان و متعال به شما پاداش خیر عطا فرماید، ای امام عزیز ما.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. از خدا می‌خواهم با سلامتی بر «مادر» منت بگذارد و در ازای آنچه از آن‌ها گرفته شده است به آن‌ها عوض خیر عطا فرماید؛ که او ارحم الراحمین است.

آیا نظریه تکامل می‌گوید انسان از میمون است؟

پی‌نوشت / ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

سید الحوازم: پرسشی مطرح می‌شود: آیا نظریه تکامل می‌گوید اصل انسان، میمون

۱ - جفت سر راهی یا Placenta Previa یکی از مشکلات زایمان است (مترجم).

بوده است؟ یا نه عکس آن را می‌گوید؟ و آیا صاحب نظریه تکامل، به وجود خداوند ایمان دارد یا خیر؟ او می‌گوید جلال و جمال در این زندگی با نیروهای متعدّدش وجود دارد و آفریننده برای اولین بار آن را در چند مقوله از صورت یا در یک صورت دمیده است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. نظریه تکامل به این معنا است که تمام زندگانی زمینی به یک اصل مشترک بازمی‌گردد. در دوره‌های اخیر، نزدیکترین موجود به انسان از نظر نزدیک بودن- انسان‌واره‌های اخیر هستند و نزدیکترین انسان‌واره‌های اخیر به انسان، شامپانزه و بونوبو هستند. در مرحله بعد این سه با گوریل، در یک نیای مشترک، اشتراک دارند؛ سپس این چهار تا، با اورانگوتان در یک اصل مشترک، اشتراک دارند. پس میان انسان‌واره‌های اخیر و انسان، نیای مشترکی وجود دارد. این نیا‌های مشترک همگی منقرض شده‌اند و اکنون وجودی ندارند. حال اگر سؤال شما این است که آیا اصل انسان، میمون است و منظور از میمون، انسان‌واره‌هایی باشد که هم‌اکنون زندگی می‌کنند، قطعاً پاسخ منفی است.

اما ایمان یا کفر داروین هیچ تأثیری در موضوع سوء استفاده ملحدان از نظریه تکامل با هدف انکار نیاز به وجود خداوندگار ندارد.

نظریه تکامل در زمان داروین به دلایل قوی و مستحکم -یعنی دلایل ژنتیکی کنونی که صحت نظریه تکامل را به اثبات می‌رساند- مستند نبود.

کتاب «توهم بی‌خدایی» را مطالعه کن:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

پی‌نوشت/ ۱۵ جولای ۲۰۱۷:

خالد الطائی: سلام علیکم. من می‌دانم شما پاسخ مرا هرگز نخواهی داد؛ ولی به شما می‌گویم برای مدت ۳ سال از انصار بودم، ولی امروز بیعت را می‌شکنم و دعوت را رها می‌کنم چون این هم دعوتی مانند دعوت‌های پیشین، و وضعیتش همچون وضعیت مراجع دینی امروزی است. مدیران دفترهای شما را اینگونه یافتیم که به ایمان و تقوا تظاهر

می‌کنند در حالی که از خداوند و فرستاده‌اش به دور هستند. وقتی دختر جوانی برای معالجهٔ غدهٔ برادرش از آن‌ها درخواست کمک و مساعدت به اسم اسلام و شیعه کرد، هیچ کس به او کمک و یاری نرساند در حالی که بنده گمان می‌کردم ما کسانی هستیم که کمک می‌کنیم و کسانی هستیم که دارایی خود را فدای برادر مسلمان خود می‌کنیم. با مکتب شما در میسان ارتباط برقرار کردم و به آن‌ها گفتم این دختر چنین وضعیتی دارد و امیدوارم از کمک‌های مالی انصار مبلغی جمع کنید و ما نیز در کربلا هستیم و به او کمک می‌کنیم و پاسخ آن‌ها تنها این بود که نمی‌توانند کمک کنند. مجدداً تلاش کردم و همان پاسخ داده شد. در کربلا نیز همان پاسخ داده شد. پس انسانیت کجاست؟ روح اسلام کجاست؟ ما که نداریم! اگر خداوند سبحان می‌خواهد با بیرون رفتن من از دعوت شما عذابم کند از وضعیت شما به حضور او شکایت می‌کنم. خداوند به بندگانش بیناست.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. ایمان داشتن یا نداشتن شما مسئله‌ای است که به خودت برمی‌گردد و این خود تو هستی که برای آخرت خودت تصمیم می‌گیری؛ اما این خانمی که برای درمان برادرش به مقداری پول نیازمند است، این خانم لطف کند و به مکتب رسمی در نجف اشرف مراجعه کند تا ان شاء الله به ایشان خدمت‌رسانی کنیم.

پی‌نوشت/ ۱۵ جولای ۲۰۱۷:

Yasser El-saadi: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای مولای من، ای قائم آل محمد ﷺ! مولای من با این امید و خواسته شروع به نوشتن برای شما کردم که از مشکلم مطلع شوید و تفضل فرمایید. ولی ناگهان موانعی پیش آمد و نوشتهٔ من حذف شد. نمی‌دانم علت چیست. مولایم شکر و فضیلت برای شما است.

من همیشه پاسخ نمی‌دهم بلکه گاهی قضایا را به کسانی دیگر می‌سپارم

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

حتماً الزامی نیست که بنده پاسخ بدهم چون گاهی قضایا را به کسانی که پیگیری می‌کنند می‌سپارم. به طور کلی مسئله‌ات را اینجا قرار بده و من مطلع خواهم شد و اگر کسی برای پیگیری نباشد ان شاء الله به آن نظر خواهم کرد؛ اما در مورد موانع، شاید یکی از کسانی که صفحه را اداره می‌کنند اشتباهی این کار را کرده باشد.

پی‌نوشت/ ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

عبد الله العبودی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقای من احمد، در مورد فیزیک و زیست‌شناسی اطلاعاتی ندارم ولی دوست دارم کتاب توهم بی‌خدایی را بخوانم. چه چیزی مرا برای خواندن این کتاب آماده می‌کند؟ و توفیق، تنها از طرف خداوند است.

هرآنچه می‌توانی از کتاب توهم بی‌خدایی بفهمی شما را کفایت خواهد کرد

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. اگر این کتاب را به ترتیب خودش بخوانی بدون اینکه در آن غوطه‌ور شوی مسائل علمی را برایت شرح خواهد داد. این کتاب فصل‌های مستقلی دارد و در پاره‌ای موارد عناوین مستقلی نیز دارد. اگر فهم یک موضوع برایت مشکل باشد شاید بخش دیگری را متوجه بشوی. آن بخشی که فهمیدن و شناختنش برایت ممکن باشد تو را کفایت خواهد کرد.

پی‌نوشت/ ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

سلوان الکربلائی: تو حتی پاسخ سؤال را ندادی. فقط فلسفه‌بافی کردی و گرد موضوع چرخیدی... با تشکر!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پاسخ را به روشنی بیان کردم. اگر مطلبی درباره پاسخ مذکور داری بفرما مطرح کن و اگر همان طور که از سخنت پیدا است این پاسخ

برایت روشن نشده در نکات زیر دقت کن. همچنین می‌توانی کتاب «توهم بی‌خدایی» را مطالعه کنی.

«مثالی برای روشن شدن بحث: تصور می‌کنیم فردی اقدام به حفر گودالی در عدم کرده و خاک یا آنچه از گودال خارج نموده را کنار گودال کُپه کرده است. در اینجا ما گودال داریم و خاکی در کنار آن (یا آنچه از گودال خارج نموده‌ایم) مجموعه‌ی این دو، چیز جدیدی محسوب نمی‌شود، به این معنا که اگر ما یک بار دیگر خاک‌ها را به این گودال برگردانیم قضیه به همان صورتی که بوده یعنی به هیچ چیز بازمی‌گردد. به دیگر سخن، نه گودالی در کار خواهد بود و نه خاکی یعنی ما فقط عدم داریم. در این حالت، چیزی از بیرون وارد معادله نشده که گفته شود اینجا موجودیتی حقیقی وجود دارد، بلکه همیشه عدم بوده است. ولی این، عدم مطلق که فاقد هیچ موجودیتی باشد، نیست. این عدمی که در اینجا درباره‌اش صحبت می‌کنیم عبارت است از گودال و کُپه‌ی خاکی که کاملاً با آن برابر است و در نتیجه در این عدم، ما موجودیتی تقدیری (مجازی) داریم و این چیزی که عدمش را با خود دارد از هیچ چیز ظهور نیافته بلکه کسی باعث پیدایش او بوده و او همان فرد یا نیرویی است که گودال را حفر کرده است.

بنابراین حتی اگر موجودیت، موجودیتی تقدیری در عدم باشد، مانند پیدایش ذرات یا ریسمان‌های ذرات زیراتمی و ضد آن‌ها و نابود شدن برخی به وسیله‌ی برخی دیگر طبق اصل عدم قطعیت در مکانیک کوانتوم، که بیشتر شرح داده شده، این را پیدایش از هیچ چیز نام نمی‌نهند؛ بلکه حقیقت آن است که چیزی که پدیدار گشته ذره‌ی دارای انرژی مثبت، و در مقابل آن نیز ذره‌ی دارای انرژی منفی ظهور یافته است. پیدایش ذره‌ی دارای انرژی مثبت قطعاً سببی دارد و علتی آن را پدید آورده است. همان طور که بیشتر اشاره شد، طبق تفسیر کپنهاگن، مکانیک کوانتوم با الغای اصل علیت می‌کوشد از بحث درباره‌ی علت و سبب بگریزد، ولی این فرار باعث نمی‌شود علت و سبب حقیقی ملغی گردد بلکه نهایتاً می‌توان چنین گفت که علت و سبب ناشناخته مانده است. در مثال قبلی علتِ ناشناخته، عاملی است که گودال را حفر کرده است.

این دقیقاً وجود خداوندگار را ثابت می‌کند و نیز اثبات‌کننده چیزی است که همواره گفته‌ایم؛ اینکه هستی را خدا آفریده است و برپاداشتی مستمر آن به دست خداوند است. البته مقصود این نیست که خداوند به‌طور مستقیم پدیدآورنده خلق یا برپادارنده آن است؛ بلکه مراد همان است که در قرآن فرموده: **(وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ)** (و آسمان را با دستانی برافراشتیم، و بی‌گمان، ما گسترش دهنده‌ایم) [ذاریات: ۴۷] خداوند از داشتن دستان واقعی منزّه است. «اید» (دست‌ها) در اینجا یعنی اسباب یا کارگزارانی که خداوند سبحان آن‌ها را پدید آورده است.

نکته: موضوع ناپایداری‌های کوانتومی در فضا یا پیدایش ذرات یا ریسمان‌هایی با انرژی مثبت و نیز ضد آن‌ها و فنا شدنشان، به روشنی موید سخن همیشگی ما است؛ اینکه اولین مخلوق (محمد) بین ظهور و فنا در نوسان است، یا اگر بخواهیم آن را به شیوه فیزیکدانان امروزی بیان کنیم می‌توانیم بگوییم مجموع انرژی مثبت و منفی ظاهر می‌شود و پنهان می‌گردد. تمام کیهان‌ها - که کیهان ما نیز جزئی از آن‌ها است - در این نوسان پیرو او هستند؛ بنابراین کاملاً ممکن و حتی طبیعی است که انرژی در سطح ذرات زیراتمی، در فرایندی شبه نوسانی که امام صادق (علیه السلام) توصیف می‌فرماید، پیدا و پنهان گردد؛ یعنی همچون حجابی که تکان می‌خورد یا به عبارت دیگر پرده‌ای که جلوی در قرار دارد و باد آن را حرکت می‌دهد و می‌جنباند.

نکته: فضا فقط به مناطق خالی از ماده که بین سیارات، ستارگان و کهکشانها وجود دارد، اطلاق نمی‌شود بلکه بخش عمده‌ای از خود ماده، فضایی مملو از ناپایداریهای کوانتومی است. این به آن معنا است که فضا قسمت عمده‌ای از هر ذره را تشکیل می‌دهد؛ یعنی به عنوان مثال بدن انسان شامل فضایی سرشار از ناپایداریهای کوانتومی یا ذراتی است که پیدا و پنهان می‌شوند.

نکته: وقتی می‌گوییم خدا خالق عدم است مقصود این نیست که او عدم مطلق را خلق کرده است؛ زیرا عدم مطلق چیزی نیست تا خدا آن را خلق کرده باشد؛ بلکه منظور ما آن است که خداوند سبحان عدم هر چیزی را در کنار آن چیز آفریده است. همان‌طور

که اکنون روشن شده است که در سطح زیراتمی، ذرات، پیدا و پنهان می‌شوند و یکدیگر را نابود می‌سازند؛ زیرا اینها دارای انرژی منفی و مثبت یا به عبارت دیگر ماده و ضد ماده هستند. این موضوع مهمی است و پاسخ معقول و منطقی به این اشکال است که می‌گوید: وجود حادث در ذات خداوند است یا در خارج از آن؟ یا به دیگر سخن، از آنجا که فقط خداوند سبحان ازلی است و جز او وجود ازلی دیگری نیست، خدا خلق را کجا به وجود آورده: در داخل خود یا خارج از خود؟ اگر درون خدا باشد، حدوث برای خدا پیش می‌آید و قدیم بودن و لاهوت مطلق بودنش باطل می‌گردد. اگر هم خارج از خدا باشد، قدیم و ازلی بودن غیر خدا لازم می‌شود، آن هم در جایی خارج از آن جا که خدا آفرینش را پدید آورده است. اکنون روشن شد که نه این درست است و نه آن. چیزی که آن را وجود حادث می‌نامیم، چیزی نیست جز وجودی که عدمش را با خود به همراه دارد، که در دانش نوین آن را ماده و ضد ماده یا انرژی مثبت و انرژی منفی می‌نامند. بر این اساس، آفرینش نه در درون ذات خداوند است و نه خارج از آن؛ زیرا به‌طور کلی آفرینش در حقیقت وجودی‌اش هنگامی که در قیاس با خداوند سبحان و متعال - که موجودی است حقیقی - قرار می‌گیرد، هیچ است.

نکته: همان طور که آشکار کردم و دلایل علمی روشن ارائه نمودم، این یک حقیقت محض است ولی احتمالاً بسیاری از افراد نمی‌پسندند که به آن‌ها بگویی: شما هیچ چیزی نیستید. این انکار، گویی در برخی رجال دینی متکبر شدیدتر است؛ ولی به نظر من این عده امروز یا فردا مجبور می‌شوند بپذیرند که ما از ماده‌ای که ضد ماده‌اش را با خود به همراه دارد تشکیل یافته‌ایم و در یک کیهان مادی که ضد ماده‌اش را با خود دارد و انرژی مثبت یا منفی‌اش با هم برابر است زندگی می‌کنیم. مگر اینکه این افراد مدت زمانی چند بر مواضع خود اصرار بورزند، همان طور که بیشتر اصرار داشتند که زمین نمی‌چرخد؛ یا شاید با توجه به اینکه ده‌ها سال از نظریه نسبت عام اینشتین می‌گذرد خود را با این احتمال که مردم همچنان از درک و فهم این علوم ناتوان می‌مانند دلخوش کنند. متأسفانه هنوز افراد فرهیخته‌اندکی با این نظریه آشنا هستند و گروهی کم‌شمار با معنای

زمان-مکان، نسبت زمان و مکان و اینکه عامل پدیدآورندهٔ جاذبه، انحنای بافت کیهانی (زمان-مکان) است آشنایی دارند. چقدر زمان باید بگذرد تا مردم نظریهٔ M را درک کنند و بدانند در جهان، بیش از ده بعد وجود دارد؟ چقدر آن‌ها پیشوایان جهالت- فرصت دارند تا مردم بدانند و بفهمند که اکنون علم ثابت کرده است که آن‌ها ضدماده‌شان را با خود به همراه دارند و جهانی که در آن زندگی کنند نیز ضدماده‌اش را به همراه خود دارد؟!

به طور قطع بسیاری از مردم تا کنون چیزی به نام ضدماده یا مادهٔ تاریک را نشنیده‌اند. این فراخوان خطاب به هر کسی است که می‌تواند این مسائل را درک کند، تا این مطالب را مطالعه نماید و از آن‌ها آگاهی پیدا کند و با دیگران به اشتراک بگذارد و بکوشد آن‌ها را به گونه‌ای صحیح برای یاری دین، اثبات وجود خدا و اثبات این مطلب که خدا نه جدای از خلق است و نه در درون آن‌ها، به کار گیرد؛ همان طور که در مقابل، ملحدان نیز با تمام توان می‌کوشند از این علوم برای ابطال دین بهره‌برداری کنند؛ و نیز وهابی‌هایی که با استفاده از جهل و نادانی، در پی آن هستند تا مردم را گمراه سازند و آن‌ها را از توحید و عبادت خدا به سمت عبادت بت بزرگی که زائیدهٔ اوهام و نادانی‌های آن‌ها است منحرف نمایند؛ همان خدایی که جدا از خلقش است و بالای آسمان‌ها قرار دارد. امیدوارم مردم این بار، مسئولیت‌پذیر باشند و بر خلاف گذشتهٔ قرن‌های طولانی، به حقیقت پشت نکنند».

کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

پی‌نوشت/ ۱۳ جولای ۲۰۱۷:

Haider Faris : Waleed Ghanim **یه نگاهی به پیام مخلد بینداز.**

Ahmed Alhasan **احمد الحسن:**

خداوند شما را زنده بدارد.

کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

توضیح جهان مسطح به صورت ساده

بی‌نوشت / ۱۵ جولای ۲۰۱۷:

Mohammad Sajiraty: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، ای آقای من!

از خداوند سبحان و متعال می‌خواهم در خیر و عافیت باشی.

مولا و حبیب من، ممکن است به صورت ساده برایم شرح دهید شکل کیهان مسطح

است یا نه و چرا؟؟؟

خواهش می‌کنم به این ویدئو در لینک زیر نگاه کنید که از مسطح بودن کیهان سخن

می‌گوید و نظرتان را در این موضوع بفرمایید.

https://l.facebook.com/l.php?u=http%3A%2F%2Ffaso.asset.aparat.com%2Faparar-video%2Fae0b409bb7dce2ea42e7f0b0ddf14846670818-360p__26601.mp4%2Fdirect%2D%5C&h=ATNDSHcMppYlZqOZYiAQzYRAiBLV_VMeBRbuTu2PxJGazoecc8oUlnB6VWCQi2vs1fVM9QLcvazj7oUpYBch1yIXLqsOaUMTi_XdpmpqDK0OLVW-gX2XXITw_QrobHW1wY0PvPDGZtZq

از خدای سبحان و متعال می‌خواهم برای همه مشکلات شما گشایش و فرج حاصل

فرماید.

Bilel Mnasri: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. خداوند شما را زنده بدارد.

آری، کیهانی که در آن زندگی می‌کنیم مسطح است ولی درست نیست از کلمه مسطح در

اینجا این طور بفهمیم که دو بعدی و مانند شکلی روی یک کاغذ مسطح است. بلکه

مقصود ما این است که اگر سه نقطه در کیهان تصور کنی با هر فاصله‌ای از یکدیگر- و با

این سه نقطه مثلثی تشکیل بدهی مجموع زوایای این مثلث ۱۸۰ درجه خواهد بود. ممکن

است شما بگویی مجموع زوایای داخلی مثلث همیشه ۱۸۰ درجه است اما واقعیت این

است که این قضیه فقط در فضای مسطحی صحیح است که قواعد هندسه اقلیدسی در

آن صادق باشد؛ اما اگر فضا منحنی باشد (مثل زمین است یا کره) مجموع زوایای داخلی

هر مثلث بزرگتر یا کوچکتر از دو زاویه قائمه (یعنی ۱۸۰ درجه)، و قواعد هندسه ریمان در

آن برقرار خواهد بود. پس کلمه مسطح- در حقیقت- هندسه فضا در کیهان را توصیف

می‌کند و به همان معنای متعارف عبارتی که می‌شناسیم نیست. آزمایش‌ها و اندازه‌گیری‌ها

ثابت کرده است که انحنای کیهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم صفر است؛ یعنی به‌طور کلی مسطح است. برای دانستن جزئیات به کتاب توهم بی‌خدایی مراجعه کن و در خصوص موضوعی که مطرح کردی هر چه خواهی در آن می‌یابی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

Bilel Mnasri احسنت.

پی‌نوشت / جولای ۲۰۱۷:

Mohammed Adnan : Ammar Muneim

Mohammed Adnan: او فقط از شکاف‌ها و رخنه‌ها سوء استفاده می‌کند. استدلال‌هایش چرخشی و باطل است و اصلاً استدلالی ندارد. سخنش هیچ معنایی ندارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

سخن بنده معنادار و بسیار دقیق است. در مورد وجود خداوندگار هیچ نقض و خلل یا شکاف علمی که مانعی برای فرض گرفتن وجود اله باشد در کتاب «توهم بی‌خدایی» وجود ندارد؛ بلکه برهان‌های قطعی برای وجود خدا وجود دارند.

سخن در اثبات وجود خدا در دو سطح است:

اول: در سطح زندگانی زمینی و تکامل.

دوم: در سطح کیهان.

برهان در سطح زندگانی زمینی و تکامل:

ختم کلام: «تکامل هدفمند است»:

ما با ژن‌ها، جهش ژنتیکی و قانون بقای ژن برتر یا به عبارت دیگر موجود برتر- سر و کار داریم. تفاوت میان ژن با موجود جاندار همچون تفاوت نقشهٔ ساختمان با خود ساختمان است. قانون بقای ژن برتر، این ژن‌ها را صیقل می‌دهد. اکنون با کمال اطمینان می‌دانیم که وسیلهٔ بقای موجود شایسته‌تر در زندگی زمینی، به‌طور کلی همان ابزار هوشمندی وی یا مغز وی است. ابزار هوشمندی یا مغز، به مقدار زیادی غذا نیاز دارد

و برای موجود زنده بسیار هزینه‌بر است؛ با این حال تکامل مجبور است در مسیر این رویکرد یعنی پیشرفت دادن ابزار هوشمندی گام بردارد.

جهش ژنتیکی از همان آغاز وجود داشته است، بنابراین باید ژن‌های ساخت ابزار هوشمندی (برای مثال مغز) دیر یا زود به وجود آیند؛ هر چند جهش ژنتیکی کاملاً بی‌هدف تلقی گردد.

و از آنجا که در روند تکامل، قانون بقای ژن‌های برتر یا بقای موجود برتر حاکم است، می‌توانیم قاطعانه بگوییم سمت و سوی حرکت تکامل از آغاز مشخص بوده و هدف آن نیز تولید ژن‌های ابزار هوشمندی یا موجود باهوش بوده است؛ بنابراین تکامل هدفمند است. به نظر من این استدلال تام و تمام برای رد کردن نظریه الحادی دکتر داوکینز - آنجا که می‌گوید زندگی زمینی بر پایه تکامل، در درازمدت بی‌هدف است - کافی باشد.

در حقیقت اگر بخواهیم حکم پیشین را بیشتر توسعه دهیم و این حکم را به هر نوع حیاتی که در مخیله‌مان می‌گنجد تعمیم دهیم، طبق قانون تکامل - که مبتنی بر جهش همانندسازها یا ابزارهای نسخه‌برداری و انتخاب برترین آن‌ها است - می‌توانیم قاطعانه نظر خود را به این صورت بیان کنیم: هر نوع زندگی، خواه زندگی زمینی ما باشد - که بر آب، کربن، نیتروژن و دیگر مواد شیمیایی استوار است - و خواه زندگی در سیاره یا جهانی دیگر - که به جای آب بر آمونیاک یا به جای کربن بر سیلیکون متکی باشد، چون می‌تواند زنجیره‌های طولانی همچون کربن را به وجود آورد - نتیجه حتمی آن، ایجاد ابزار هوشمندی خواهد بود و بر اساس قانونی که اکنون می‌شناسیم این همان هدف حتمی تکامل است و هیچ حیات یا همانندسازی یا ابزار نسخه‌برداری و تکامل نمی‌تواند دیر یا زود از رسیدن به آن برکنار بماند.

می‌دانیم و انتظار داریم که هر نوع حیات در جهان ما، باید بر آب و کربن استوار باشد؛ زیرا آب مایعی بسیار مناسب برای میزبانی زندگی است؛ چرا که هنگام انجماد جرم حجمی اش کم می‌شود و یخ روی سطح آب می‌آید و به این ترتیب یخ این اجازه را می‌دهد که زندگی زیرش در آب‌های روان همچنان ادامه یابد. این عناصر چهارگانه هیدروژن،

اکسیژن، نیتروژن و کربن، به میزان بیشتری در جهان یافت می‌شوند. کربن به تنهایی قادر است زنجیره‌های ضعیفی به وجود بیاورد که برخلاف زنجیره‌های سیلیکونی به راحتی شکسته می‌شود و برای متابولیسم و زندگی مناسب است.

به این ترتیب به سخن نهایی و حل اختلافات در خصوص امکان اثبات وجود پروردگار یا خدا بر اساس نظریهٔ تکامل می‌رسیم. ثابت کردیم که زندگی هدف دارد و هدفمند است؛ و تکامل نیز به همین صورت. از آنجا که «صفت اثر دلالتی است بر صفت مؤثر» به این ترتیب اثبات می‌گردد که مؤثر نیز دارای صفت هدفمندی و تعقل و دانایی است و بر این اساس وجود یک مؤثر هدفمند، منطقی و دانا را اثبات نموده‌ایم. در نتیجه وجود پروردگار یا خدا اثبات می‌گردد چه خود او به‌طور مستقیم مؤثر بوده باشد، یا مؤثر مستقیم یکی از مخلوقات او بوده که با این صفت خود به او نیز دلالت خواهد داشت، یعنی همان صفت هدفمندی که ما به اثبات رساندیم. این موضوع، به خودی خود برای رد کردن نظریهٔ الحادی جدید، مبنی بر اینکه تکامل فاقد هدفی درازمدت است کفایت می‌کند.

ابزار هوشمندی:

گفتیم هدف تکامل، رسیدن به ابزار هوشمندی است؛ زیرا ابزار هوشمندی، همان ابزار بقای شایسته‌تر در تنازع شدید ژن‌ها برای بقا است. امروزه وجود هفت میلیارد انسان روی زمین، برای اثبات این حقیقت کافی است؛ ولی برای روشن شدن مطلب، خوب است این حقیقت را به اختصار، بیشتر بررسی کنیم. حتی اگر فرض کنیم جهش ژنتیکی از همان ابتدا تصادفی بوده باشد ما باز هم خواهیم گفت باید ژنی را که قابلیت ایجاد ابزار هوشمندی را دارا باشد فراهم نماید. منظور از ابزار هوشمندی، مغز فعلی انسان و حیوانات نیست، بلکه مراد هر چیز قابل‌تصور است که بتوانیم آن را به عنوان نخستین مرحلهٔ ساخت مغز در نظر بگیریم؛ مثل یک سلول عصبی. مسلماً جاندارانی که از ابزار هوشمندی بهره‌مندند، در تنازع پیروزند و بهرهٔ آن‌ها برای بقا بیشتر است؛ بنابراین اگر تنازع بین موجوداتی باشد که همگی دارای ابزار هوشمندی باشند، آنهایی که هوشمندی بیشتری دارند، در این پیکار پیروزی بیشتری به دست می‌آورند؛ و به همین ترتیب ادامه

می‌یابد؛ بنابراین در تکامل، سرآغاز ایجاد ابزار هوشمندی، موضوعی حتمی است؛ همچنین بهبود و پیشرفت ابزار هوشمندی همراه با گذر زمان نیز فرایندی حتمی به شمار می‌رود. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم ابزار هوشمندی هدف حتمی تکامل است؛ یعنی هدف از تکامل به اختصار، رسیدن به هوشندی است.

مایلم اشاره کنم من نمی‌گویم: نتیجه هر تنازعی که میان افراد جریان دارد به سود فرد هوشمند خواهد بود، و حتی درباره تنازع انواع هم چنین نظری ندارم. سخن بنده این است که ژن سازنده ابزار هوشمندی همیشه در این پیکار غالب و قطعاً در رقابت پیروز است.

گاهی فرد هوشمندتر یا جانداري که از ابزار هوشمندی برتری بهره می‌برد، از کسی که هوشمندی کمتری دارد، یا از ابزار هوشمندی پایین‌تری برخوردار بوده یا حتی اصلاً فاقد ابزار هوشمندی است، شکست می‌خورد. این وضعیت پیامد ویژگی‌ها و شرایط روبرویی طرف‌های درگیری است.

گاهی در تنازع بقا، گونه‌ای که از ابزار هوشمندی برتر برخوردار است در مقابل گونه‌ای که ابزار هوشمندی ضعیف‌تری دارد شکست می‌خورد؛ زیرا از ویژگی‌ها و شرایط خاصی برخوردار است.

البته هنگامی که ژن ایجاد کننده ابزار هوشمندی ایجاد شود و وارد مجموعه‌ای از ژن‌های سازنده موجودات زنده گردد ممکن نیست در تنازع در برابر ژن‌های دیگر شکست بخورد و امکان ندارد از مجموعه ژن‌های عامل در ساختن موجودات زنده خاج شود، بلکه پیش خواهد رفت و آهنگ رو به جلو با گذر زمان پیشرفت خواهد کرد؛ زیرا میان این ژن‌ها و دیگر ژن‌ها در تنازع بقا یا پیشرفت و رسیدن به جایگاه نخست، تفاوت بسیاری وجود دارد.

رقابت میان ژن‌ها فقط به تنازع بقا محدود نمی‌شود بلکه میان ژن‌ها برای تقدم و صدرنشینی در مجموعه ژن‌هایی که جسم موجودات زنده را می‌سازند نیز رقابت وجود دارد. هر ژن می‌کوشد تا تعداد بیشتری داشته باشد. رقابت کردن این ژن به شکلی

ناآگاهانه و غیرهوشیارانه نیست؛ بلکه این رقابت و تنازع، از خلال قانون عمومی تکامل عبور می‌کند و تابعی از آن به شمار می‌رود.

کتاب توهم بی‌خدایی:

<http://almahdyoon.org/.../live/wahmilhad/mobile/index.html>

Mohammed Adnan: از آنجا که شما تکامل را تصدیق و آن را به سمت هوشمند شدن هدفمند ارزیابی می‌کنی، پس در طول ۴/۵ میلیارد سال گذشته چه کار می‌کرده است؟

فایده تکامل صفت‌هایی مثل حجم بزرگ نهنگ‌ها، درازی گردن زرافه، بال پرندگان و غیره چیست، اگر هوشمندی از همان ابتدا هدف بوده باشد؟ آیا نباید فرایند تکامل فقط روی تکامل مغز موجودات پیاده شود؟

اگر شما را همراه یک پرنده از بلندای یک کوه پرت کنم کدام یک نجات خواهید یافت؟ شما شاید به نسبت ۱ درصد نجات پیدا کنی در حالی که پرنده به نسبت ۹۹/۹ درصد نجات می‌یابد؛ زیرا شما مثل یک پرنده بالی برای پرواز نداری. این موضوع به شرایط محیط زیست بستگی دارد.

تعمیم سخن شما بر گونه‌های دیگر زندگی، اشتباه است. شما ادعا می‌کنی قطعی است اما حقیقت این است که صدها احتمالاً دیگر وجود دارد و شاید آن موجودات با توجه به شرایط سیاره محل زندگی خود نیازمند به تکامل هیچ گونه هوشمندی نداشته نباشند. تکامل ابزار هوشمندی در این حالت هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

اگر با استناد به آنچه می‌گویی فرض کنیم تمامی موجودات زنده در آینده‌ای نزدیک به مرتبه بالایی از هوشمندی برسند مطابق هدفی که تکامل دنبال می‌کند و فرض کنیم پرندگان با استفاده از ابزار هوشمندی بر تمامی موجودات برتری بیابند و اقدام به قتل عام بشر کنند. آیا این مطلب مخالف کتاب‌های آسمانی که بر بشر نازل شده است نخواهد بود؟ به علاوه به فرض که تکامل توسط خداوندگاری ارسال شده باشد. در این صورت من چنین فرض خواهیم گرفت که خدای پرندۀ وحشی اسپاگنی همان کسی است که تکامل را ارسال کرده است؛ و چرا بودا یا دیگر خدایان نباشند؟ چرا به‌طور مشخص خدای اسلام باشد؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

Ammar Muneim

Mohammed Adnan

آیا شما سخن مرا پیش از اینکه توضیحات فوق را بنویسی خواندی؟!

دو احتمالاً وجود دارد: یا توضیح مرا نخوانده‌ای یا آنچه را که پیشتر نوشته‌ام نفهمیده‌ای، و یا اینکه درک شما از تکامل و چگونگی انجامش سطحی و آکنده از اشتباهات بوده است؛ که از سخن شما چنین برمی‌آید. تکامل طی این میلیاردها سال چه کار می‌کرده است؟ قطعاً همان کاری را می‌کرده که همیشه در صورت وجود زندگی به انجام می‌رسانده است. آیا به عنوان مثال شما تصور می‌کنی اگر تکامل هدفمند باشد، طی یک میلیون یا ده میلیون سال مغز برتر یا چشم، کامل شده یا ابزار شنیداری کامل را فراهم خواهد ساخت؟ هر یک از اینها به میلیاردها سال زمان نیاز دارد تا به صورتی که هم‌اکنون ما می‌بینیم برسد؛ چرا که پیوسته جهش‌های بی‌هدف وجود دارند؛ عاملی که بازه‌های زمانی لازم برای رسیدن به هدف را طولانی‌تر می‌کند. به علاوه بازه زمانی که شما نوشتی اشتباه است؛ چرا که زمان تکامل به اندازه عمر زمین نیست (عمر زمین تقریباً ۴/۶ میلیارد سال است) بلکه حداقل صدها میلیون سال زمان مورد نیاز است تا سطح زمین خنک شود و آماده پذیرفتن زندگی گردد.

بخشی از سخنم در بالا را مجدداً کپی می‌کنم تا هنگامی که بار دیگر آن را می‌خوانی بفهمی مقصود از ابزار هوشمندی، ابزار برتر برای بقا است و در نتیجه مثال ساده‌ای از تنازع بین افراد انواع گوناگون مثل پرنده و انسان یا حتی رویارویی شیر با انسان را مطرح نکنی. علاوه بر اینکه این مثال‌ها میان دو گونه مختلف مطرح می‌شوند که هر کدام دارای ابزار هوشمندی است. به همین دلیل این مثال‌ها از اساس اشتباه هستند و کسانی هم هستند که با هدف اشکال گرفتن به آنچه بنده مطرح کرده‌ام مثال تنازع میان باکتری و انسانی که دچار بیماری شده است را پیش می‌کشند به این اعتبار که باکتری دارای ابزار هوشمندی نیست، همان طور که استیون هاوکینگ مثال زده است و بنده این مثال را در

کتاب «توهم بی‌خدایی» پاسخ داده‌ام، می‌توانی مراجعه کنی.

به‌طور کلی اگر آنچه را که در ادامه برای شما کپی می‌کنم متوجه بشوی برای فهمیدن این مسئله و آنچه را که در موردش می‌گویم کافی خواهد بود؛ چون موضوع به این سادگی که شما می‌فهمید یعنی تنازع بین دو فرد از دو گونهٔ مختلف نیست و تکامل، بزرگتر و گسترده‌تر از چنین فهم ساده‌ای است که از آن برداشت می‌شود.

«مایلم اشاره کنم من نمی‌گویم: نتیجهٔ هر تنازعی که میان افراد جریان دارد به سود فرد هوشمند خواهد بود، و حتی دربارهٔ تنازع انواع هم چنین نظری ندارم. سخن بنده این است که ژن سازندهٔ ابزار هوشمندی همیشه در این پیکار غالب و قطعاً در رقابت پیروز است.

گاهی فرد هوشمندتر یا جاننداری که از ابزار هوشمندی برتری بهره می‌برد، از کسی که هوشمندی کمتری دارد، یا از ابزار هوشمندی پایین‌تری برخوردار بوده یا حتی اصلاً فاقد ابزار هوشمندی است، شکست می‌خورد. این وضعیت پیامد ویژگی‌ها و شرایط رویارویی طرف‌های درگیری است.

گاهی در تنازع بقا، گونه‌ای که از ابزار هوشمندی برتر برخوردار است در مقابل گونه‌ای که ابزار هوشمندی ضعیف‌تری دارد شکست می‌خورد؛ زیرا از ویژگی‌ها و شرایط خاصی برخوردار است.

البته هنگامی که ژن ایجادکنندهٔ ابزار هوشمندی ایجاد شود و وارد مجموعه‌ای از ژن‌های سازندهٔ موجودات زنده گردد ممکن نیست در تنازع در برابر ژن‌های دیگر شکست بخورد و امکان ندارد از مجموعهٔ ژن‌های عامل در ساختن موجودات زنده خاج شود، بلکه پیش خواهد رفت و آهنگ رو به جلو با گذر زمان پیشرفت خواهد کرد؛ زیرا میان این ژن‌ها و دیگر ژن‌ها در تنازع بقا یا پیشرفت و رسیدن به جایگاه نخست، تفاوت بسیاری وجود دارد.

رقابت میان ژن‌ها فقط به تنازع بقا محدود نمی‌شود بلکه میان ژن‌ها برای تقدم و صدرنشینی در مجموعهٔ ژن‌هایی که جسم موجودات زنده را می‌سازند نیز رقابت وجود

دارد. هر ژن می‌کوشد تا تعداد بیشتری داشته باشد. رقابت کردن این ژن به شکلی ناآگاهانه و غیرهوشیارانه نیست؛ بلکه این رقابت و تنازع، از خلال قانون عمومی تکامل عبور می‌کند و تابعی از آن به شمار می‌رود».

تعمیم بنده برای تمامی انواع حیات و در سطح کل این کیهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم صد در صد درست است؛ چرا که مواد سازنده آن در سطح لپتون‌ها (اکوارک‌ها، فوتون‌ها و الکترون‌ها) یا در سطح اتم‌ها یکسان است. در تمام مکان‌ها در کیهان به عنوان مثال فوتون‌هایی وجود دارند و در نتیجه اگر تکامل، جهش لازم برای احساس فوتون‌ها را فراهم کند تکامل به ابزار حس کردن فوتون‌ها خواهد رسید. این ابزار به عنوان مثال برای ما چشم است؛ بنابراین در یک سیاره دیگر باید چیز باشد که همان وظیفه را انجام دهد چه این چیز شبیه چشم ما باشد و یا شبیه آن نباشد اما همان وظیفه را به انجام خواهد رساند؛ یعنی حس کردن فوتون‌ها یا آنگونه که ما می‌نامیم دیدن یا توانایی نگریستن و دیدن اطراف.

وضعیت را با گام‌های زیر برای شما بیان می‌کنم:

در فرایند تکامل: جهش ژنتیکی وجود دارد که اگر وقت کافی در اختیار داشته باشد حتماً دیر یا زود باید همه احتمالات را فراهم آورد و در اینجا انتخابی وجود دارد که برای موجود برتر و شایسته‌تر اجازه بقا را فراهم می‌آورد.

حال اگر به گذشته بازگردیم به زمانی که هنوز هیچ ابزاری برای تعامل با فرکانس‌های نوری یا صوتی یا الکترومغناطیسی یا ابزاری برای تعامل با بوهای شیمیایی وجود نداشت یعنی اکنون ما درباره زندگی در سطح باکتری‌ها صحبت می‌کنیم یا یوکاریوت‌هایی که فاقد سلول‌های حسی برای درک محیط اطراف خود هستند. سپس دست‌آوردهای تکامل را در این حیات ابتدایی - که در گذشته‌های بسیار دور فقط این گونه حیات بر روی زمین وجود داشته است - لحاظ کنیم به این نتیجه می‌رسیم که جهش، ناگزیر باید دیر یا زود ابزار ادراک را فراهم آورد؛ چه ابزارهای حساس به نور باشند، چه ابزارهای درک دیگر چیزهایی که در محیط موجود زنده وجود دارد. موجودی که دارای این ابزار باشد - چه

سلول عصبی حساس به نور باشد، چه سلول حساس به امواج الکترومغناطیس یا غیره موجودی خواهد بود که نسبت به دیگر موجودات از یک ویژگی برتر برخوردار است؛ زیرا این ابزار، توان بالاتری برای تهیه غذا و گریختن از دشمن در اختیار وی قرار خواهد داد. به همین دلیل تکامل حتماً چنین جهشی را به وجود خواهد آورد؛ چرا که چنین موجودی در انتقال ژن‌ها به نسل‌های بعدی، موفق‌تر از همتایان خود خواهد بود. اگر قضیه مثلاً با سلول حساس به نور آغاز شود بر اساس قوانین پیش‌گفته، انتظار می‌رود همه جهش‌هایی که منجر به افزایش کارایی آن می‌گردد نیز به آن اضافه شود؛ به این ترتیب طبیعی است که فرجام کار، پیدایش چشم و حتی چشمی همچون چشم شاهین باشد که شاهین با استفاده از آن می‌تواند بسیار روشن و واضح ببیند و با سرعتی فوق‌العاده بر سر شکارش فرود آید؛ یا انتظار می‌رود در نهایت، ابزارهای کارآمد شنوایی همانند ابزاری که خفاش‌ها و دلفین‌ها در اختیار دارند و دستگاه‌های قوی سونار نامیده می‌شوند پدیدار گردد.

به‌طور کلی آنچه می‌خواهیم بیان کنیم این است که در مسیر تکامل، تولید و تکامل حسگرها حتمی است؛ زیرا جهش باید ابزارهای درک محیط را به وجود آورد و انتخاب نیز حتماً آن را تثبیت خواهد کرد؛ بنابراین هنگامی که حسگرها در زندگی زمینی به وجود بیایند هر چند ابتدایی باشند، مثل گروهی از سلول‌های حساس به نور یا گروهی از سلول‌های حساس به الکتروسیسته. هر ابزاری که آن‌ها را به هم ربط دهد و عملکرد آن‌ها را با دیگر اندام موجود زنده هماهنگ سازد، به گونه‌ای که موجود سود بیشتری از این رهیافت به دست بیاورد، این ابزار به هر شکلی که باشد یقیناً تکامل آن را تثبیت خواهد نمود. این ابزار در حقیقت همان ابزار هوشمندی است یا به دیگر سخن، اصل یا اساس ابزار هوشمندی به همان شکلی است که ما به‌طور معمول می‌شناسیم؛ و از آنجا که ابزار هوشمندی، ابزار بقای برتر است، حتماً تکامل خواهد یافت تا به ابزار هوشمندی برتر برسد.

کتاب «توهم بی‌خدایی» درصدد است که با دلایل متقن علمی ثابت کند خدایی وجود دارد و به دنبال اثبات این مطلب نیست که کدام دین، حق است و کدام دین اشتباه؛ این

مرحله بعدی است و کلام در این خصوص را می‌توانی در کتاب «عقاید الاسلام» بیابی و امیدوارم پیش از نوشتن، آرام باشی و درک کنی.

Mohammed Adnan: شاید شما نیز حرف مرا نفهمیده باشی؛ اما من هرگز مثل تو

دست به مغالطه برای افراد سطحی نخواهم زد و اغراق هم نخواهم کرد.

شما اشاره کردی تکامل مغز-دیر یا زود- حتمی است. مثال من درباره پرنده برای تنازع نبود بلکه برای بیان این بود که تکامل یک چیز نوعی-مثل چشم یا بال یا مغز- با توجه به شرایط و نیازمندی‌های محیط، مسئله‌ای است نسبی؛ یعنی تکامل مغز، حتمی نیست. وجود مغز بدون نیاز به آن، نقض مفهوم تکامل محسوب می‌شود. شما در منبع زیر خواهی دید که موجودات اسفنجی و دیگر موجودات، دارای مغز یا چیزی شبیه به مغز بوده‌اند ولی به مرور زمان آن را از دست داده یا ساده‌سازی کرده‌اند چون نیازی به آن نداشتند.

...-animals-that-lost-their۲۰۱۵۰۴۲۴http://www.bbc.com/...

به این ترتیب نتیجه می‌گیریم وجود حسگرهای نوری هنگامی که شرایط محیطی نیاز به وجود چنین حسگرهایی را اقتضا کند می‌تواند مفید باشد اما اگر موجود در شرایط تاریک مثل غارها زندگی کند این حسگرها را به دلیل بی‌فایده بودن از دست خواهد داد، و این شامل مغز (ابزار هوشمندی) نیز می‌شود؛ به هر شکلی که باشد. پس نبود نیاز به مغز موجب زوال یا دست کم مختصر کردنش خواهد شد و به این ترتیب ژن‌های مغز-آنگونه که شما ادعای می‌کنی- صدرنشین نخواهند بود.

به علاوه آیا شما اعتقاد داری ادامه دادن توضیحات متعدد باعث می‌شود این موضوع صحیح بشود که همچنان به نوشتن توضیحات ادامه می‌دهی؟!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

Mohammed Adnan

به شما گفتم پیش از آنکه اقدام به نوشتن سخن ناصحیح و مبتنی بر فهم سطحی خودت از تکامل بنمایی، آرام باشی و آنچه را که نوشته‌م بخوان یا برای فهمیدنش تلاش

کن.

بیشتر به شما گفتم: روی سخن متوجه فرد یا گونه معینی نیست بلکه متوجه ژن ابزار هوشمندی است که به طور قطع و یقین در مجموعه ژن‌های عامل وجود دارد. چرا وجود این ژن حتمی است؟ چون هر موقع زمان لازم برای جهش مهیا باشد جهش، آن ژن را فراهم خواهد ساخت و انتخاب، آن را تثبیت خواهد کرد؛ زیرا این ژن‌ها حسگرهای محیط را - که وجود آن‌ها نیز به نوبه خود حتمی هستند - شکل می‌دهند. چرا وجود این حسگرها حتمی است؟ زیرا این حسگرها، محیط (فوتون‌ها، امواج صوتی، مواد شیمیایی، امواج الکترومغناطیسی و...) را درک می‌کنند و می‌شناسند؛ بنابراین هنگامی که زمان لازم برای جهش مهیا باشد جهش، این حسگرها را برای درک محیط فراهم خواهد ساخت و انتخاب طبیعی به طور قطع آن‌ها را تثبیت خواهد نمود.

اکنون نتیجه‌ای که برای ما آشکار می‌شود چیست؟

وجود ابزار هوشمندی حتمی است زیرا وجود مقدماتش حتمی است.

استمرار تکامل این ابزار در مجموعه ژن‌های عامل تا رسیدن به ابزار هوشمندی برتر نیز حتمی است؛ زیرا ابزار هوشمندی برتر، ابزار بقای بهتر است و من پیشتر این مطلب را بیان نمودم. روی سخن در مقوله ژنتیک، متوجه مجموعه ژن‌های عامل است و مربوط به یک گونه و یک فرد نمی‌شود و در نتیجه، عدول از آن در نوعی معین در اثر شرایط معین به آن معنا نخواهد بود که ابزار هوشمندی برتر، همیشه ابزار بقای بهتر در تکامل نبوده است؛ این مطلب را درک کن.

اما موضوع تاریکی به شکلی که شما مطرح کردی - یعنی در محدوده زندگی زمینی - ارزشی ندارد؛ زیرا مجموعه ژن‌های عامل، به یک یا ده گونه که مثلاً در تاریکی یک محیط ژرف زندگی می‌کنند منحصر نمی‌شود بلکه در ارتباط با مجموع همه موجوداتی است که حامل آن ژن‌ها می‌باشند؛ یعنی همه موجودات زنده‌ای که بر روی این زمین این ژن‌ها را طی گذر زمان با خود حمل می‌کنند.

اضافه می‌کنم در سطح تمام کیهان، اگر نور یا فوتون‌ها در یک مکانی از بین بروند آیا

امواج صوتی نیز از بین خواهند رفت، آیا مواد شیمیایی از بین خواهند رفت و آیا امواج الکترومغناطیسی نیز از بین خواهند رفت؟ و آیا تمام لپتون‌ها از بین خواهند رفت؟ آیا ممکن است در این کیهان، منطقه‌ای خالی از ذرات و لپتون‌ها وجود داشته باشد و در عین حال قادر به میزبانی از حیات و زندگی نیز باشد؟!!!!

آیا اکنون متوجه شدی که بدون فهمیدن سخن می‌گویی؟

تو (یا غیر تو) می‌توانی استدلال مرا فقط در یک صورت نقض کنی و نه در هیچ صورت دیگر؛ اینکه ثابت کنی فرض گرفتن وجود داشتن منطقه‌ای در این کیهان که پذیرا و میزبان حیات باشد و در عین حال خالی از هر گونه امواج صوتی، امواج الکترومغناطیسی و ... باشد، فرضی است واقعی. آیا شما می‌توانی تصور کنی این چنین محیطی، شایستگی حیات در این هستی که ما را دربرگرفته و آن را به خوبی می‌شناسیم داشته باشد؟!!

** ** *

خاطرات من از شهادت سید محمد صدر (خدا رحمتش کند)

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۸ جولای ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

به خانواده سید محمد صدر (خداوند رحمتش کند) و همه پیروان و دوست‌داران او: خداوند پاداش شما را بزرگ پدارد.

به جهت بازگویی خاطراتم از به قتل رسیدن و شهادت سید محمد صدر (رحمت خداوند بر او):

همه جزئیات را بیان نخواهم کرد بلکه تنها به ذکر برخی از مسائلی که مهم می‌دانم یا شاید برای برخی مهم باشد بسنده خواهم کرد.

پیش از آنکه مرجعیت سید محمد صدر در عراق گسترش یابد و پیش از آنکه نماز جمعه بر پا کند او (رحمه الله) نماز ظهر و عصر را داخل ضریح امام علی علیه السلام به جا

می‌آورد و فقط برخی از زائران و یک یا دو مُعمم در جلوِ دیگران پشت سرش نماز می‌گزارند، نه بیشتر. من نیز این وضعیت را می‌دیدم زیرا گاهی اوقات، نماز ظهر و عصر را نزدیک ضریح امام علی (علیه السلام) می‌خواندم و در راه به سمت ضریح از کنار سید محمد صدر (رحمه الله) عبور می‌کردم. او داخل ضریح، نزدیک درب اول ورودی ضریح نماز می‌خواند. گاهی اوقات که او آنجا می‌آمد و در مکان خودش پیش از بر پا شدن نماز می‌نشست من نیز می‌نشستم و به او سلام می‌کردم. او معمولاً هنگام اذان می‌آمد. سپس مرجعیت او (رحمه الله) گسترش یافت و نماز جمعه بر پا نمود که به نوبه خود سهم بزرگی در منتشر شدن مرجعیت وی داشت.

مکان سکونت من در این دوران، بسیار به حضرت علی نزدیک بود و به‌طور مشخص در کوچهٔ مقابل کوچهٔ مدرسهٔ یزدی بود، همانجا که شیخ مرجع، مرتضی بروجردی (رحمه الله) -شرح دهندهٔ مباحث سید خویی (رحمه الله)- به قتل رسید^۱ و زمانی که او (رحمه الله) به قتل رسید بین من و او فقط به اندازهٔ عرض خیابان فاصله بود. من او را دیدم که وارد کوچهٔ مدرسهٔ یزدی شد همانجا که خانه‌اش قرار داشت. و بعد از چند لحظه از وارد شدن صدای شلیک تپانچه را شنیدم.

شیخ مرجع -مرتضی بروجردی- دلی پاک داشت و اشکش زود جاری می‌شد. من گاهی اوقات با او دیدار و به او سلام می‌کردم. از به قتل رسیدنش رنجور شدم و لحظهٔ تحویل جسدش -شخصاً- به بیمارستان رفتم و وارد غسل‌خانه، و در تشییع جنازه و تدفینش حاضر شدم.

مدتی پس از آن هم شیخ مرجع، علی غروی تبریزی (رحمه الله) در راه بازگشت از زیارت کربلا به قتل رسید^۲.

۱ - وی رحمه الله در تاریخ ۲۴ ذی حجه ۱۴۱۸ هـ در زمان طاغوت صدام -لعنت خدا بر او- ترور شد.

۲ - آن مرحوم در تاریخ ۲۳ صفر ۱۴۱۹ هـ در راه کربلا -نجف در زمان طاغوت صدام -لعنت خدا بر او- به قتل

آنچه در اینجا برای بنده از بیان به قتل رسیدن این دو نفر اهمیت دارد اتهام وارد شده از سوی برخی از شیوخ حوزه یا دیگر احزاب است که متوجه سید محمد صدر (رحمه الله) یا برخی از پیروان او گردیده است.

قطعاً بسیاری از شما سخن سید صدر را در یکی از دیدارهای شنیده‌اید که تهمت به قتل رساندن شیخ غروی را از خودش دفع می‌کند. کسی که این مطلب را شنیده است می‌تواند به دیدار ضبط شده سید محمد صدر مراجعه نماید.

من مجبور شدم پیش از اینکه خانه جدیدی برای سکونت ترتیب دهم. به طور ناگهانی خانه‌ای را که در آن زندگی می‌کردم ترک کنم. مجبور شدم به طور موقت در مدرسه دینی با برخی از دوستانِ معمم ساکن شوم و در همان مکان شیخ عبدالمهدی کربلایی - نماینده فعلی سید سیستانی - نیز سکونت داشت. من در اتاقی در طبقه دوم ساکن بودم و او در اتاقی در طبقه اول. من در آن زمان او را نمی‌شناختم. او نیز مجبور شده بود در این مدرسه ساکن گردد و علت انتقال او این بود که سید محمد صدر، قانونی وضع کرده بود که آن‌ها را از مکان سکونت قبلی‌شان در مدارس حوزوی نظامی محروم کرده بود؛ مدرسی که حکومت پیشین عراق، مدیریتش را به سید محمد صدر (رحمه الله) تحویل داده بود.

گاهی اوقات می‌دیدم شیخ عبدالمهدی کربلایی برای نماز شب بیدار می‌شود و پیش می‌آمد که گاهی اوقات در محل سکونت یا در خیابان با یکدیگر برخورد می‌کردیم ولی ارتباطی جز سلام علیک با او نداشتیم.

همچنین از برخی از معممین مدرسه دینی و خارج از آن می‌شنیدم که از او انتقاد می‌کردند و می‌گفتند او در توزیع اموال عدالت ندارد. او گاهی اوقات حقوق یا کمک‌هایی را از دفتر سید سیستانی توزیع می‌کرد.

اندکی پیش از به قتل رسیدن سید محمد صدر، به شکل بسیار گسترده‌ای، نواری از دو شیخ حوزه علمیه پخش شد که یکی از ایشان شیخ حسن کوفی (رحمه الله) بود و شیخ دیگر خطیب حسینی بود که او هم شناخته شده بود. از گفتن اسمش پرهیز می‌کنم تا گرفتار خطر یا مورد مشابهی نگردد. در این نوار ضبط شده، آن شیخ خطیب از شیخ حسن کوفی سؤال می‌کند و شیخ کوفی از سید محمد صدر (رحمه الله) انتقاد می‌نمود.

وقتی در ماه رمضان به بصره رفتم شنیدم این شیخ خطیب در یکی از مساجد قرائت دارد. شبی در مجلسش حضور یافتم و چون مجلس به پایان رسید او نزد من آمد، به من سلام کرد و نزدیکم نشست. به او گفتم: مناسب نیست که شما و شیخ حسن اقدام به پخش نواری علیه سید محمد صدر کنید. و اینکه این نوار به منزله فتوای حلال کردن خون سید است. او از من خواست موضوع فیصله داده شود. او بسیار در تنگنا بود و چه بسا پشیمان شده بود.

همچنین در این دوران، روزی در خیابان رسول نزدیک مدرسه یزدی قدم می‌زدم که شیخ معممی به من سلام کرد. او یکی از اساتید عقاید در آن زمان بود و همچنین یکی از مهم‌ترین وکلای سید سیستانی در آن موقع. او یک جزوه به من داد که عبارت بود از جلد اول مجموعه مسجد ضرار. وقتی به اتاقم بازگشتم و جزوه را خواندم متوجه شدم منظور از مسجد ضرار، سید محمد صدر (رحمه الله) بوده است. طبیعتاً مجموعه مسجد ضرار کامل نشد؛ زیرا کسی که با آن قصد شده بود طی کمتر از دو هفته پس از انتشار جلد اول به قتل رسید.

دو رؤیای من، در این دوران:

رؤیای اول: مجلس عروسی بسیار بزرگی دیدم که حضارش بی‌تردید زیاد بودند. دیدم داماد آن مجلس سید محمد صدر (رحمه الله) بود. پایان رویا.

تاویل عروسی معمولاً انتقال به زندگی دیگر را تمثیل می‌کند و در چنین حالتی، مرگ است.

دومین رویا: دیدم درخت بسیار بزرگی قرار دارد که برگ‌های بسیاری دارد. برگ سبزی

از این برگ‌ها جدا شد و شروع به افتادن کرد و هنگامی که در هوا تکان می‌خورد نام سید محمد صدر را روی آن خواندم. پایان رویا. این رؤیا را نیز به مرگ او تاویل نمودم. در روز جمعه سید محمد صدر به قتل رسید و من آن روز در نجف بودم. صبح روز شنبه، مدارس دینی تقریباً خالی بودند و ماموران امنیتی در کوچه‌ها قدیمی شهر با لباس عادی حضور داشتند.

پس از به قتل رسیدن سید و پیش از سرد شدن خونس و حتی در عصر جمعه، سخنان واقعاً تندی از برخی از معممین شنیدم که به یقین اعتقاد دارم از آن سخنان پشیمان شده‌اند.

پس از چند روز، رؤیایی دیدم: در دستانم، دو گردنبند و بر هر گردنبند یک بطری از خون سید محمد صدر (رحمه الله) قرار داشت. اولی را به گردن صدام آویزان کردم و دیگری را به گردن شخص دیگری که از بیان کردن نامش خودداری می‌کنم.

پی‌نوشت / ۲۹ جولای ۲۰۱۷:

Ahmed Alhasan احمدالحسن: هر کسی که از آنچه در بیانیه قبلی گفته‌ام مطلع نشده است، این فایل ضبط شده از سید محمد صدر -رحمه الله- است که اتهام باطل اقدام به قتل شیخ علی غروی تبریزی را از خود دفع می‌کند!

پی‌نوشت / ۲۹ جولای ۲۰۱۷:

مصطفی السندی: سلام بر شما سید احمدالحسن. با توجه به اینکه من به شما ایمان ندارم اما درباره شما گفته‌اند از آل محمد علیهم‌السلام هستی و تفسیر قرآن و رؤیا و...و...و... می‌دانی. یکی از نزدیکانم رؤیایی دید. رؤیا را به چند مفسر عرضه کردیم اما از تفسیرش ناتوان بودند.

در حقیقت این دو رؤیا را دو خواهر درباره شخصی با نام کزار دیده‌اند.

رویا.

خواهر بزرگتر که ساکن آمریکا است دو نفر را دید: یکی مردی بود به نام «سِرّ الله» و شخص دوم دختری به نام «نور الهدی». آن‌ها گفتند وقتی کُزار با نور الهدی ازدواج کند خداوند نسلی به او روزی خواهد کرد که این نسل از انصار امام مهدی (علیه السلام) خواهند شد. و دو روز پس از رؤیای اول، خواهر کوچک‌تر در رؤیا دید که ساکن کربلا است و همان خواب و همان افراد را دید که همان سخن را به او گفتند. اما در این دو رؤیا گفتار افراد به عربی، انگلیسی یا فارسی نبود و تقریباً زبان رمزگونه بود ولی وقتی با دو خواهر سخن گفتند سخن خود را به آن‌ها فهماندند. امیدواریم زودتر پاسخ دهید ای سید بزرگوار. چندین روحانی و سید و شیخ از تفسیرش ناتوان شده‌اند. خدا ارحم الراحمین است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

سِرّ الله = خلیفه خدا.

نور الهدی: دین حق.

ازدواج کردن نور الهدی به این معنا است که دین حق، پا می‌گیرد و دعوت به خدا پا می‌گیرد و رفیق و همراه آن در زندگی می‌گردد و روزی داده شدن نسل، یعنی او دوباره متولد می‌شود و از انصار امام مهدی می‌گردد. این رؤیا این شخص را تشویق به انجام عمل می‌کند تا از انصار امام مهدی شود و چه بسا خداوند سبحان او را به آنچه اراده می‌فرماید توفیق دهد.

پی‌نوشت / ۳۰ جولای ۲۰۱۷:

کرار الصالحی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

مولای عزیز من، دیروز ازدواج کردم و شکر و سپاس خداوند را که به برکت دعای شما خداوند این کار را آسان فرمود. از شما درخواست می‌کنم برای داشتن نسل صالح دعایم فرمایی تا آن‌ها را در راه خدا و در برابرت آگاه کنم، ای حبیب من. شوق و عطوفت من برای شما و پدرت.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

کرار الصالحی

اسماء احمد

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. مبارک باشد. از خدا می‌خواهم شما را به آنچه خیر آخرت و دنیا در آن است توفیق‌تان دهد و به شما نسل صالح عطا فرماید.

من نخواستم در عقیده یا فقه، به رؤیایی که در پیامم گفتم اعتماد شود

پی‌نوشت / ۳۰ جولای ۲۰۱۷:

سید عقیل کمونه: این هم یک نظر است؛ شاید هم دوست داری شخصیتی برجسته باشی... اما حوزه به ما آموخته است که رؤیا را مبنا قرار ندهیم... به علاوه شما عیوبی داری: اول: به سید صدر طعنه زدی. دوم: به شیخ کربلابی طعنه زدی... چرا شخصا در کوچاندن برخی از طلبه‌ها دخالت کردی و چرا در مدرسه حضور داشتی..... این انتقاد ادامه‌دار است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

از شما یا دیگران درخواست نکردم در عقیده یا فقه به رویاهایی که در بیان فوق نقل کردم اعتماد کنی. رویاها اینگونه نیستند؛ بلکه اخبارهای غیبی هستند که به وقوع پیوسته‌اند.

آنچه نوشتم حقایقی است که در زندگی خود و زندگی در حوزه علمیه مواجه شدم و فقط نقل کردم و کسی را متهم نکردم و هر گونه نتیجه‌گیری خیالی که برخی افراد از سخن و نوشته من در این بیانیه به خیال خود برداشت کنند مسئولیتش با من نیست.

پی‌نوشت / ۳۰ جولای ۲۰۱۷:

وعد طارق: سلام بر شما سید احمد. آیا شما معتقدی شیخ حسن کوفی پس از نوار ضبط شده‌ای که توسط پیروان صدام انتشار پیدا کرد بی‌گناه بوده و بی‌گناه بودنش در آن زمان درباره سید شهید مشهور نشده بود؟ اینجا می‌بینیم شما به حسن کوفی رحمت می‌فرستی... سؤال دوم: آیا شما در آن زمان، از طرف صاحب الزمان فرستاده شده

بودی... یا خیر?... وقتی به سید شهید سلام می‌کردی آیا با هم بحث می‌کردید یا خیر؟
همگان سید را به عنوان مردی شایسته می‌شناسند و بسیاری از مردم می‌دانند و صالح را از
بدکردار تشخیص می‌دهند. آیا او در آن زمان تو را شناخت که در آینده صاحب دعوت حق
هستی؟
سید احمد از شما متشکرم.

شیخ حسن کوفی در مورد سخنی که درباره سید محمد صدر گفت خطاکار بود

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بنده معتقدم شیخ حسن کوفی (رحمه الله) خطاکار
و گناهکار بود و گناهش بزرگ است. همچنین معتقدم او همچون قوچی قربانی شد و
کسانی که او را به سوی اشتباه کشاندند گناهش را بر دوش می‌کشند. نتیجه این شد که او
زندگی‌اش را به خاطر رفتار اشتباهش از دست داد.

*** ** **

انتشار درخواست یک مادر دردمند برای آزادی فرزندش در سعودی

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۸ اگوست ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

امیدوارم نسبت به انتشار درخواست این مادر دردمند اهتمام بورزید تا پسرش عبد الله
هانی آزاد شود. خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید!

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/>

/۱۳۷۷۷۹۰۰۳۵۶۰۱۹۸۹

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

احمد آلبو حسن: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، حبیب من، سید من، و مولای من...

پدرم را از دست دادم و با از دست دادن او - از دوست- یتیم شدم، و در نبود او زندگی جدیدی آغاز کردم که کسی جز شما آن را پر نمی‌کند... چرا که شما پدر حقیقی، دوست، امان و مهربان هستی، و صبر و تسلی با شما است...

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. مرگ عبور کردنی از این دنیا به آخرت است و وقتش که برسد ناگزیر همه باید آن را بپیماییم؛ پس خوشا به حال کسی که توشه‌اش را برای آن آماده کند. خدایا! به تو پناه می‌آورم از غم و اندوه و سختی مرگ، و از بازگشتگاه بد در قبر، و از پشیمانی‌های روز قیامت. از تو زندگانی گوارا، مرگ درست و محل بازگشت کریمانه بدون رسوایی و فضاحت را خواستارم. خداوند پاداش‌های شما و پاداش‌های خانواده بزرگوار و همه دوستدارانش را بزرگ بگرداند. از خداوند می‌خواهم او را با محمد و آل محمد مبعوث و به شما صبر بر مصیبت روزی فرماید.

پی‌نوشت / ۱۳ آگوست ۲۰۱۷:

ابو محمد الحسیناوی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقا و مولای من،

خداوند به برکت دعای شما شفایم داد، ای سید و مولای من. به بزرگی خداوند قسم، پزشک‌ها در مجتمع پزشکی بغداد گفته بودند بیش از شش ماه زمان لازم است تا دست و پایت را حرکت بدهی؛ ولی به فضل دعای شما و دعای مؤمنان، دو هفته است که شروع به حرکت دادن پاهایم کردم و الآن خیلی سالم هستم؛ و الحمد لله رب العالمین.

سید و مولای من، دوست داشتم اولین پیامم را پس از یک ماه قطع ارتباط- برای شما

بنویسم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. الحمد لله که سالم هستی.

پی‌نوشت/ ۵ آگوست ۲۰۱۷:

محمد العراقی: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. سید و مولای من، خداوند تو را حفظ کند و نگهدارت باشد. آقای من، سؤالی دارم و امیدوارم با پاسخ دادن، بر من تفضل فرمایید.

پرسش #س / حدیثی قدسی هست که خداوند با موسی (علیه السلام) سخن می‌گوید و به او می‌فرماید: ای پسر عمران وقتی دیدی ثروت و بی‌نیازی روی آورده است بگو: گناهی است که عقوبت شتاب گرفته، و وقتی دیدی فقر و نیازمندی رو کرده است بگو: مرحبا به نشانه صالحان. این حدیث نشان می‌دهد که فقر و نیازمندی، نشانه شایستگی است. حدیثی از امام علی (علیه السلام) نیز وجود دارد که برای مردم شناخته شده و عبارت است از: «اگر فقر و نیازمندی به شکل مردی بود او را می‌کشتم».

چگونه امام فقر و نیازمندی را می‌کشد در حالی که نشانه شایستگی است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیزم خداوند تو را زنده بدارد.

«مرحبا به نشانه صالحان»: یعنی راضی بودن به قضا و قدر خداوند و آن روزی که برای ما ثبت کرده است و این به آن معنا نیست که فقر و نیازمندی چیز زیبایی بوده باشد که باید برای رسیدن به آن، آرزو یا دعا شود، بلکه عکسش صحیح است. در دعای وارد شده از ائمه (علیهم السلام) می‌بینی امامان (علیهم السلام) به درخواست روزی از خداوند و رفع نیاز و درخواست بی‌نیازی از آنچه در اختیار مردم است تشویق فرموده‌اند. سؤالت را به زیبایی خلاصه کردی. خداوند توفیق دهد.

پی‌نوشت/ ۵ آگوست ۲۰۱۷:

Ahmed Ahmed: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای حبیب و سید من.

من و برادرم بیکار هستیم. برای کاری با ما تماس گرفتند؛ کار در پمپ بنزین خصوصی، بدون حقوق. شما می‌دانی هر لیتر بنزین ۴۵۰ هست و در همه پمپ بنزین‌ها

صاحب پمپ بنزین هر لیتر را ۵۰۰ می‌فروشد و به شما می‌گوید: برای هر لیتری ۵۰؛ یعنی هر ۱۰ لیتر ۵۰۰. مولای من! آیا این پول حرام است یا حلال؟ سر کار برویم یا نه؟ من و برادرم نیازمند گشوده شدن باب رزق و روزی هستیم. حبیب و سید و مولای من! لطفاً لطفاً به من پاسخ بدهید تا پاسخ صاحب پمپ بنزین را بدهم و در جست‌وجوی کار دیگری برویم... خدمتگزار شما احمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اشکالی در این کار وجود ندارد.

پی‌نوشت / ۵ اگوست ۲۰۱۷:

حیدر کرار: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... سید و مولای من، ای قائم آل محمد ﷺ!... به خدا سوگند حیا می‌کنم برایتان مطلبی بنویسم؛ چون گناهان و تقصیراتم بسیار است... ولی مولای من، دوست داشتم به شما مزده دهم که از ششم با معدل ۸۰ موفق شدم. درست است من همانی نیستم که شما آرزوی را دارید ولی می‌دانم که خداوند همیشه برای ما خیر و خوبی می‌خواهد... ما را از دعای خود فراموش نکن؛ چرا که تو همان پدر بخشنده هستی. از خداوند می‌خواهیم به زودی زود در تمکین شما شتاب کند و میان ما و شما چشم بر هم زدنی فاصله نیندازد...
دختر گناهکار شما: مها عثمان

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. مبارک باشد. از خداوند برای شما توفیق آنچه را که خیر آخرت و دنیایت در آن است خواستارم.

پی‌نوشت / ۵ اگوست ۲۰۱۷:

Jesus Ahmed: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

سید و مولای من، از خداوند می‌خواهم در خیر و سلامتی و عافیت باشید. آقای من، دنیا بر ما تنگ شده است. در بحرین به ما ظلم و ستم می‌شود. آقای من، بر ما لطف بفرمایید و دعا کنید تا در این دعوت مبارک ثابت قدم باشیم و خداوند ما را از انصار

مخلص شما و تسلیم امر شما قرار دهد و امورمان را روزی‌مان گرداند و نیازهای ما را برطرف فرماید.

فرزند حقیر مقصر شما: عیسی الانصاری

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. از خداوند می‌خواهم برای شما فَرَج و گشایش قرار دهد و هر بدی را از شما دفع کند؛ که او ارحم الراحمین است.

پی‌نوشت/ ۵ آگوست ۲۰۱۷:

Yaseen Alhamoy: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

سید احمدالحسن، نظریه شما را دربارهٔ ایثار بدون چشمداشت خواندم و از آن برای نوشتن تحقیقی تربیتی دربارهٔ ایثار و هوشمندی استفاده کردم... ولی آیا ممکن است ماهیت ارتباط بین این دو مورد را برای من توضیح دهید؟ یا اینکه ایثار را چگونه بر اساس هوشمندی تفسیر می‌کنیم...؟!

به علت ضروری بودن سؤال و جواب، امیدوارم پاسخ دهید...

ایثار بدون چشمداشت و ارتباطش با هوشمندی

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

ایثار بی چشم داشت ایثاری است که مجموعهٔ ژنی، هیچ سود نزدیک یا دوری از آن برداشت نمی‌کند؛ بلکه این ایثار، مجموعهٔ ژنی را در معرض انقراض قرار می‌دهد. به همین دلیل از نظر ژنتیکی مانند ایثار متقابل، ایثار به نزدیکان و موارد مشابه دیگر، قابل تفسیر و توجیه نیست.

ایثار بی چشم داشت مثل یک سرکشی علیه ابزارهای خودخواهی است که ژن‌ها ساخته‌اند؛ یعنی «بدن‌ها». بدن‌ها با خودخواهی خود تلاش می‌کنند مجموعهٔ ژنتیکی

خود را به نسل بعدی منتقل کنند و در محدودهٔ مجموعهٔ ژن‌های عامل باقی بگذارند. به همین دلیل برخی از دانشمندان زیست‌شناسی تکاملی، نظریهٔ میم فرهنگی را مطرح کرده‌اند تا ایثار بی چشم داشت را تفسیر کنند.

در کتاب «توهم بی‌خدایی» گفته‌ام:

«ما نیاز داریم ایثار را بیاموزیم. من این موضوع را در بخش بعدی مطرح خواهم کرد و به دنبال آن با هم می‌کوشیم تا دریابیم چه کسی ایثار را به ما آموخت؟! یا از کجا ایثارگری واقعی را فرا گرفتیم؟! در حالی که اینها با ترکیب بیولوژیکی خودخواه ما که ما را به سمت خودخواهی ژنتیکی سوق می‌دهد، در تضاد بی چون و چرا است!».

همچنین گفته‌ام:

«این قضیه، پرسش ظریف و کلیدی را به میدان می‌آورد؛ اینکه: انگیزهٔ ما از انجام دادن این ایثارگری واقعی چیست؟ و چه چیزی آن را به‌طور خاص- در وجود ما پدید می‌آورد؟».

پاسخ این پرسش‌ها را به تفصیل در کتاب «توهم بی‌خدایی» می‌یابی.

اما پرسش شما دربارهٔ ایثار حقیقی یا ایثار بی چشم داشت و ارتباط آن با هوشمندی یا

مغز:

مسئله همان است که قبلاً بیان کردم: ایثار بی‌چشمداشت عکس جریان خودخواهانه‌ای حرکت می‌کند که بدن و ژن‌هایی را که بدن را ساخته‌اند ویران می‌کند؛ زیرا آن‌ها را در معرض انقراض و نابودی قرار می‌دهد و طبیعتاً ابزار هوشمندی نیز ضمن همین موارد قرار دارد و در معرض این خطر واقع می‌شود.

بی‌نوشت / ۱۳ آگوست ۲۰۱۷:

حیدر الجابر: سلام بر شما.

چگونه می‌توان با احمدالحسن ارتباط داشت؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. این یک صفحه رسمی است و بنده سعی می‌کنم بر قسمتی از آنچه در آن نوشته می‌شود مطلع شوم و از طریق آن تا حد امکان و به مقدار فرصتی که به من دست می‌دهد با جامعه ارتباط داشته باشم.

حیدر جابر: جناب‌تان تفسیر فرمودی که چگونه امام علی (علیه السلام) نقطه زیر «با» بسم الله الرحمن الرحیم است؛ اما ما می‌دانیم نقطه‌گذاری حروف، پس از شهادت امام علی (علیه السلام) انجام شد!

اولین کسی که شروع به حرکت‌گذاری و نقطه‌گذاری حروف کرد

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. سؤال واضح نیست. اما در مورد نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری حروف برای متمایز کردن حروف شبیه به هم، اولین کسی که آغاز به انتشار آن بین مردم نمود امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود. آری؛ این کار، منتشر و مشهور نشد تا مصحف‌های رسمی زیادی در زمان ایشان (علیه السلام) نسخه برداری شود. این چیزی است که ما با چشم‌پوشی از گمانه‌زنی‌های تاریخی برخی افراد، به آن معتقدیم.

*** **

وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ابوذر

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

ای اباذر! به راستی تو برای خدا به خشم آمدی، پس به همان کسی که به خاطرش غضبناک شدی امید داشته باش.

این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند در حالی که تو برای دین خود از آنان ترسیدی؛ پس آنچه را که در اختیار آنان است رها کن و به خاطر همان چیزی که از آنها

ترسیدی از آنها بگریز.

آنها به آنچه تو منعشان کردی چه بسیار نیازمندند در حالی که تو از چیزی که آنها
منعت کردند چه بی نیازی!

و به زودی خواهی دانست چه کسی فردا سود کرده است و چه کسی بیشتر مورد
حسادت است.

اگر آسمانها و زمین درهای خود را به روی بندهای بسته باشند اما او تقوای خدا
داشته باشد، قطعاً خداوند راه خروجی از آسمانها و زمین برای او قرار می دهد. جز حق
انیس و مونس تو نگردد و چیزی جز باطل تو را به وحشت نیندازد.

اگر تو دنیای آنها را می پذیرفتی قطعاً آنها دوستت می داشتند، و اگر سهمی از آن
برمی گرفتی قطعاً از تو دست برمی داشتند!

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/۱۳۸۸۶۷۲۶۱۱۸۰۳۹۸/?fref=ts>

پی نوشت / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

Zaind Alsadte: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، آقای و مولای من.

این درخواست را برای شما می فرستم به این امید که به قضیه من نگاهی بیندازید، زیرا
من قبلاً نامه ای به دادگاه رسمی فرستاده بودم و تا کنون جوابی از آنها به من نرسیده در
حالی که یک سال است از این ماجرا می گذرد.

نمی توانم قضیه ام را در معرض عموم بنویسم. آیا می توانم آن را در خاص به شما
بفرستم؟

پدر عزیزم خدا به شما جزای خیر دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. به دکتر علا یا یکی از کارگزاران در مکتب نجف اشرف بفرست.

مویی که میان عاقل و مجنون است پاره نمی شود

پی نوشت / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

حیدر العطبی: مولای من، سؤالی دارم و خواهش می کنم پاسخ بدهید.

راه درمان عصبانی و خشمگین شدن چیست؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پدرم -خدا رحمتش کند- همیشه در گوشم حکمتی را تکرار می کرد و آن این بود: «مویی که میان عاقل و مجنون است پاره نمی شود». اگر معنای این حکمت را فهمیدی که خیر است و اگر متوجه نشدی معنای آن را از علا سالم -خدا حفظش کند- بپرس^۱.

۱ - یک روز سید احمدالحسن شنید اختلافی میان دو نفر از مومنان پدید آمده است و چنین پاسخ داد: «آن ها باید بار و یاور ما باشند و به اصلاح حال مردم و هدایت آن ها مشغول، نه به تباه کردن وقت با ستیزه گری. آن ها را به صلح میان خود نصیحت کنید. پدرم -رحمت خدا بر او باد- مرد حکیمی بود و من از او دو حکمت مهم فرا گرفتم:

حکمت اول: او همیشه این جمله را برای من تکرار می کرد: «هر حاجتی پس از نماز، برآورده است»؛ یعنی اگر می خواهی حاجتت برآورده شود آن را رقیب نماز نکن و اگر توانستی آن را پس از نماز به جا بیاور که بهتر است و ان شاء الله برآورده می شود.

حکمت دوم: می گفت: «مویی که میان عاقل و مجنون است پاره نمی شود»؛ معنای گفته اش را برایت خلاصه می کنم:

اختلاف -اختلافی که به قطع رابطه منجر شود- فقط بین دو دیوانه روی می دهد. معنای «مویی که میان عاقل و مجنون است پاره نمی شود» یعنی: مویی را تصور کن که دو شخص دو طرفش را گرفته اند. اگر یکی محکم بکشد و دیگری هم محکم بگیرد پاره خواهد شد؛ اما اگر یک طرف آن را اندکی شُل کند پاره نخواهد شد. وقتی یک طرف، مو را محکم می کشد شخص عاقل آن را اندکی شل می کند تا آن مو پاره نشود. آری؛ شخص عاقل آن را محکم نمی کشد.

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

صفا خزعلی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقای من، یمانی آل محمد. آقای عزیزم، به فضل و منت خداوند متعال و خدا را شکر. و به برکت دعا‌های پاک شما توانستیم خبرگزاری مُنقذنیوز را افتتاح کنیم تا صدایی برای حق و حقیقت، و یاری مظلوم باشد.

آقای من، این تلاش ساده و متواضعانه را در پیشگاه شما قرار می‌دهیم و از شما می‌خواهیم برای توفیق ما دعا بفرمایید.

<http://thesavioews.com/index.php>

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. الحمد لله. خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید.

پی‌نوشت / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

عارف حلی خفاجی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. آقا و امام ما احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام)... برادران جامعه‌شناس می‌گویند: در فرهنگ جامعه‌شناختی، کارهای سیاسی برای شخصیت دینی حرام نیست، اما حلال و حرام کردن و شناخت مصداق جرم و گناه، در استفاده از شریعت و فقه اسلامی برای اداره دولت، نهادها و سازمان‌ها تأثیر [سوء] می‌گذارد.

اگر هر دو طرف عاقل باشند هیچ کدام محکم نخواهند کشید.

اگر یکی از آن دو عاقل باشد وقتی دیوانه یا کودک، مو را محکم می‌کشد او آن را شل خواهد کرد.

بنابراین در هر دو حالت، آن مو پاره نخواهد شد.

مو فقط در یک حالت پاره خواهد شد: هر دو طرف دیوانه یا عصبانی باشند و عصبانیتشان بر آنان غلبه کند.

از وقتی کودک بودم این حکمت‌ها را برای من تکرار می‌کرد؛ خداوند رحمتش کند. از این حکمت‌ها خیلی استفاده

کردم.»

به یک دلیل ساده؛ هر فقه و مذهبی که برای اداره دولت انتخاب شود سببی کافی برای پاره پاره و پراکنده شدن جامعه خواهد بود.
دیدگاه و پاسخ خلفای خدا و اسلام درباره این نظریه چیست؟
محبت و وفاداری خالصانه من از آن شما است؛ ان شاء الله تعالی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. به خواست خدا در آینده پاسخ را خواهی دید.

پی نوشت / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

هدوء البحر: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، آقا و مولای من، احمدالحسن. این پیام را چهار بار برای شما و در این صفحه مبارک فرستاده‌ام ولی پاسخی برایش دریافت نکرده‌ام. آقای من، می‌دانم شما گرفتار هستید و مسئولیت‌های بسیاری دارید ولی موردی که باعث شد درب شما را بکوبیم این بود که کسی جز شما نمی‌تواند سؤال من را جواب بدهد؛ زیرا شما امام معصوم هستی و فقط شما هستی که رویاها و خواب‌ها را تفسیر می‌کنی. ای مولای من، نامه‌ای مخصوص به خودم را - که مستقیماً از طرف خداوند عزوجل بود- دیدم که مهم است. نتوانستم آن را تفسیر کنم و می‌ترسم در حق خداوند نادانسته کوتاهی کنم. ولی آن را نمی‌توانم اینجا بگویم، شما را به پهلوی حضرت زهرا (علیها السلام) قسمت‌تان می‌دهم پاسخ را بفرمایی و راهی به من بدهی تا این خواب را برایتان بفرستم و آن را برابرم تفسیر بفرمایی. آقای من، امیدوارم مرا ناامید از درگاهت برنگردانی چرا که تو پسر کریمان سخاوتمند هستی. امید دارم پیام مرا بی‌جواب نگذاری. شما را به خدا قسم می‌دهم چون من نیاز شدیدی به تفسیر آن دارم. به خدا قسم سختی و تلخی‌های بسیاری دارم ولی درخواستی از شما نمی‌کنم؛ زیرا می‌گویم امام به قدر کافی مشغله و مشکل دارد و نباید قلبش را با مشکل خودم آزرده کنم؛ اما راه دیگری برای تفسیر رؤیایم غیر از شما مولایم وجود ندارد؛ ع ع س س.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. به دکتر علا یا شیخ ناظم یا هر کسی که در اداره مکتب نجف اشرف است بفرست.

پی‌نوشت / ۱۴ آگوست ۲۰۱۷:

جواد طاهر غرابی حسینی: و علیکم السلام و رحمة الله تعالى و برکاته.
حق برای دیروز شما دوستی باقی نگذاشت.
حق برای امروز شما هم دوستی باقی نگذاشت.
از خداوند متعال بخشش و عافیت در دنیا و آخرت مسئلت داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد، ای سید ما. مرا از دعای خود نزد ضریح امیرالمؤمنین (علیه السلام) فراموش نکن.

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

محمد الوائلی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید ما. پرسشی دارم: وقتی یک کودک یهودی یا مسیحی بمیرد آیا به بهشت می‌رود یا آتش؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. طبق وضعیتش در امتحان قبلی در عالم ذر.

«شیوعیه» (متعقدان به اندیشه مالکیت اشتراکی) از احزاب سیاسی اسلامی به دین نزدیک‌ترند

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

نوال الشیوعیه: سلام بر شما برادرم احمدالحسن، عصر بخیر... از طریق راه‌های ارتباط جمعی و از طریق کتاب توهم بی‌خدایی به صفحه شما رسیدم و پرسشی از شما پرسیدم و با تمام احترام پاسخ دادی و اصلاً به تفکر بنده توهین نمودی و من برای این برخورد، از شما متشکرم. پس از پرسش من از شما، درخواست دوستی از سوی پیروان شما دریافت کردم. یکی از آنها شخصی است به نام شیخ جعفر بهادلی که مقداری از روش و اندیشه شما را برایم بیان کرد و واقعاً شخص محترمی بود. از ایشان متشکرم... پس از زیاد شدن دوستانی از پیروان شما و با توجه به اینکه بنده هر درخواست دوستی را می‌پذیرم تا

تبادل اندیشه صورت بگیرد. در زیر پست یکی از پیروان شما - با کمال ادب و احترام- توضیحی نوشتم. وقتی این توضیح را گذاشتم پیروان شما با توهین و ناسزا بر آن هجوم بردند و اینکه تو کافر و بی‌خدا هستی تا جایی که من به خاطر بسیار بودن پی‌نوشت‌ها نتوانستم پاسخشان را بدهم. به خداوند بزرگ سوگند من زنی هستم که به وجود خداوند ایمان دارم و دینم اسلام و مذهب شیعه است و مرقد‌های امامان را زیارت می‌کنم. بله، طرز تفکر من گاهی [مالکیت] اشتراکی^۱ و مایل به انسانیت و مبانی [مالکیت] اشتراکی است ولی اعتقادم به پروردگارم، مسئله دیگری است و همان طور که خود شما هم می‌دانید اعتقاد یک چیز است و طرز تفکر و اندیشه چیزی دیگر. از شدت درد و ناراحتی و نسبت داده شدن به کفر و الحاد وسیله‌ای جز این نیافتم که در صفحه شما [چیزی] بنویسم و به همین جهت به زودی فیس‌بوکم را خواهم بست و پس از آن اصلاً با کسی بحثی نخواهم کرد. به خدا سوگند، که خداوند خودش نسبت به بندگان آگاه است که چه چیزی را پرستش می‌کنند. به خاطر طول دادن سخنم متأسفم. با تشکر.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. به‌طور کلی هر توهینی از سوی یک انسان به انسان دیگر طبق تمام ملاک‌های اخلاقی، عقلی و دینی پذیرفته نیست. برخی از بی‌خدایان وارد این صفحه می‌شوند و بنده با کمال احترام با آنان سخن می‌گویم. نتیجه اینکه همه ما بشر هستیم و عیب است به شکلی برخورد نماییم که پیش از هر چیز دیگری، به انسانیت ما اهانت شود. به‌طور کلی در خصوص معتقدان به [مالکیت] اشتراکی یا افرادی که ایده کارگری دارند بنده شخصاً آنان را نسبت به افرادی که احزاب سیاسی اسلام نامیده می‌شوند در

۱ - مالکیت اشتراکی و ایده کارگران با تعریف خاصی که از آن ارایه می‌کنند- از مبانی کمونیسم می‌باشد. «مالکیت اشتراکی» آن نظامی از مالکیت است که در جامعه کمونیستی آینده برقرار خواهد شد. منظور از مالکیت اشتراکی، یا به عبارت دقیق‌تر «مالکیت اشتراکی وسایل تولید» استفاده، مدیریت و کنترل اشتراکی وسایل تولید و به دنبال آن محصولات تولیدی توسط جامعه می‌باشد. (منبع: ویکی پدیا فارسی - مترجم).

حالی که اندیشهٔ سرمایه‌داری در سر دارند و گرد آن می‌چرخند و ابزارهای اقتصادی آن‌ها را ترویج می‌کنند به دین و اندیشهٔ دینی نزدیک‌تر می‌دانم.

بانوی گرامی، به‌طور کلی انسان در زندگی خود با مسائل بسیاری رویارو می‌گردد؛ پس باید شکیبایی ورزد و مدارا کند و بنده اعتقاد دارم «زن» شهره به شکیبایی است.

اسلام، بردگی و سوء استفادهٔ جنسی

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

نوال شیوعیه: عصر به خیر احمدالحسن... چرا در اسلام تا همین لحظه برده و کنیز وجود دارد. برخی دچار چنین اشتباهی می‌شوند که این کارها، کارهای داعش و افراد پیرو آنان است؛ ولی در حقیقت وقتی تاریخ اسلام را ورق می‌زنیم می‌بینیم اسلام در مورد قضیهٔ کنیزان و اسیران، به‌طور کامل با اندیشهٔ داعشی همخوانی دارد. حتی در زمان رسول خدا وقتی مسلمانان وارد شهری می‌شدند زنان را بین خود تقسیم می‌کردند و تا اکنون نیز بالای منابر می‌گویند: هنگام فتح یکی از شهرهای جهان جایز است زن‌هایشان به اسارت گرفته شود و زنان را بین خود تقسیم می‌کنند. پس در این صورت حقوق زن چه می‌شود؟ از شما متشکرم و امیدوارم پاسخ دهید؛ چون با دیگران تفاوت دارید. این چیزی است که بنده دیده‌ام.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

قبل از هر چیز لازم است بدانیم که برده‌داری یا بهره‌کشی بدنی و جنسی، وضعیتی نیست که فقط مخصوص جامعهٔ انسانی باشد، بلکه یکی از استراتژی‌های تکامل محسوب می‌شود؛ به همین دلیل در جوامع حیوانی نیز بسیار شایع است. جنس مونث پرندهٔ کوکو (فاخته) از پرندگان دیگر سوء استفاده می‌کند و آن‌ها را بی‌آنکه خودشان بدانند به بردگی می‌کشد و در وضعیتی قرارشان می‌دهد که جوجه‌هایش را تربیت کنند. برده‌داری در کلونی مورچه‌ها به روشنی دیده می‌شود؛ چه در بهره‌کشی از انواع مورچه‌های

دیگر یا بهره‌کشی از برخی از حشرات برای انجام کارها و خدمت به سرزمین مورچه‌هایی که از آنان سوء استفاده و بهره‌کشی می‌کنند.

به همین دلیل طبیعی است که این وضعیت را در جامعه انسانی نیز شاهد باشیم؛ چرا که این جامعه نیز نوعی جامعه حیوانی است و بدن‌های ما عبارت‌اند از مستعمره‌های ژنتیکی که از این نظر همانند بدن‌های دیگر حیوانات و حشرات می‌باشند.

شما می‌توانی به تاریخ اخیر مراجعه کنی تا ببینی برده‌داری در آمریکا به پایان نرسید مگر در دوره اخیر.

اما ارتباط اسلام با برده‌داری ارتباطی از نوع سامان‌دهی و قانونمند کردن حقوق بردگان و وضع نمودن کفاره‌هایی برای آزادسازی آنان و تشویق جامعه به آزاد کردن آنان است.

وقتی محمد رسول خدا مبعوث گردید، در جهانی مبعوث شد که به برده‌داری و سوء استفاده بدنی و جنسی اقرار داشتند و امکانی جز وضع کردن قانونی که برخی از حقوق را به بردگان اعطا می‌کرد و همچنین تشویق به آزاد کردنشان، وجود نداشت. پس اسلام، بردگی را تشریح و قانون‌گذاری نکرد و نسبت به آن تشویق نمود، بلکه قوانینی ایجاد کرد که در پایان دادن و یکسره کردن کار برده‌داری در آن زمان سهیم بود و این نهایت کاری بود که می‌توانست در آن دوران صورت پذیرد.

آیا زن می‌تواند ذبح کند؟

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

قادر محسنی حمیدی: آقای من، آیا ذبح کردن برای زن (یعنی زن‌ها) جایز است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. جایز است.

نگ و عار بر کسی که علم را از دانشجویش منع می‌کند

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

سجاد العیدانی: وزارت تربیت عراق نظریه تکامل را از کتاب‌های درسی حذف می‌کند:

<https://www.facebook.com/almada.foundation/videos/99969296837108>

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

نگ و عار بر کسی که علم را از دانشجویش منع می‌کند و در نتیجه بر دستاوردهای آینده آن‌ها و توانایی‌شان برای ابداع و نوآوری تأثیر می‌گذارد و نتیجه‌اش سرزمین‌هایی خواهد بود که از سوار شدن بر موج پیشرفت و تمدن مادی عقب می‌مانند...
نظریه تکامل امروزه در همه مدارس و دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی طراز اول کشورهای پیشرفته از قاره آمریکا تا اروپا، چین، ژاپن، کره و استرالیا تدریس می‌شود.

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

نور القائم: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای آقای من!

مولای من! دو پرسش دارم که امیدوارم با پاسخ دادن بر من تفضل فرمایید:

۱- شخصی که قبلاً در دوران کودکی‌اش در دهه هشتاد و نود روزه نگرفته است و علتش هم این بوده که نمی‌دانسته روزه واجب است یا چه بسا به دلیل زیاد اهمیت ندادن به دین و همچنین غفلتی که آن زمان در اثر کم اطلاعی گرفتارش بوده است. آیا وی افطار کننده عمدی به شمار می‌رود یا در برابر هر روز، یک روز، روزه می‌گیرد؟ و کفاره‌اش چیست؟؟

۲- اگر نسبت به تذکیر بودن مرغ کنسرو شده یقین نداشته باشیم آیا خوردنش حرام

خواهد بود؟ آیا نجس هم هست و چیزی که با آن برخورد کند نیز نجس می‌شود؟؟

Hazem Ahmed: ج ۱- بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا

عليكم السلام و رحمة الله و برکاته.

امام احمد الحسن عليه السلام فرموده است: «و قضا واجب می‌شود... بر هر کسی که پس از

واجب شدن روزه بر او، روزه را ترک کند... و پشت سر هم بودن در قضا مستحب است، و می‌تواند میان روزه‌های قضا فاصله بیندازد...» (شرایع الاسلام: ص ۸۷)

معنای این عبارت: کسی که روزه ماه رمضان بر او واجب است ولی روزه را ترک کرده است هر زمانی که بتواند قضا کند واجب است قضا نماید، و رعایت ترتیب در روزه‌های قضا برایش مستحب است و همچنین جایز است بین آن‌ها فاصله بیندازد.

اما روزه گرفتن چه زمانی واجب می‌شود؟

ایشان (علیه السلام) فرموده‌اند: «آنچه باعث واجب شدن روزه می‌شود، که هفت مورد هستند: بلوغ، کمال عقل... و صحت از بیماری...». (شرایع الاسلام: ص ۸۶)

«و بلوغی که به واسطه آن، عبادات واجب می‌شود... تمام شدن نُه سال و وارد شدن در ده سال در مورد زن‌ها» (شرایع الاسلام: ص ۸۶)

بنابراین قضای روزه ماه رمضان از زمان بلوغ و پس از آن بر شما واجب است.

این درباره قضای روزه بود.

و اگر ترک کردن روزه از روی عمد بوده باشد کفاره بر آن مترتب می‌شود. «و کفاره در ماه رمضان در عوض هر روز، آزاد کردن یک بنده یا دو ماه روزه پی‌درپی یا غذا دادن به شصت نیازمند است و وی برای انتخاب از میان این کفاره‌ها، اختیار دارد». (شرایع الاسلام: ص ۸۱)

و درباره کفاره «هر کسی که دو ماه روزه پیاپی بر او واجب شده ولی از روزه گرفتن این مدت ناتوان باشد باید ۱۸ روز، روزه بگیرد و اگر به کلی از روزه گرفتن ناتوان باشد از خداوند استغفار می‌کند و استغفار، کفاره او خواهد بود». (شرایع الاسلام: ص ۸۳) والحمدلله رب العالمین.

وائق الحسینی

۳ جمادی الاول ۱۴۳۳

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

Hazem Ahmed خداوند به تو پاداش خیر عطا فرماید.

*** **

نقشه شیطانی در کربلا از به قتل رساندن حسین فراتر رفت

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند عزاداری و اعمال شما را قبول کند و به شما با آنچه خودش اهلش است

پاداش عطا فرماید.

دعای خالصانه در عزای امام حسین علیه السلام - ان شاء الله - مستجاب است. پس، از آن

غفلت نکنید. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار بدارد.

نقشه شیطانی در کربلا از قتل حسین علیه السلام فراتر می‌رورد تا وارثان برنامه الهی را به

پایان رسانده، کار آن‌ها را یکسره کند. این نکته‌ای است که از کشتاری که سپاه اموی در

حق این خاندان - حتی شیر خوارشان - انجام داد واضح و بدیهی است؛ همان خاندانی که

آن‌ها با دیده خاندان حاکم تأیید شده با متن صریح شرعی به آن‌ها می‌نگریستند در حالی

که خودشان علی رغم اینکه عملاً حاکم و پادشاه بودند از پشتوانه چنین متنی برخوردار

نبودند. به همین دلیل نقش زینب علیها السلام در کربلا بس بزرگ و اساسی بود. او از زندگی امام

علی بن حسین - وارث طرح و برنامه الهی - محافظت کرد. او در کربلا از امام پرستاری کرد

و سپاه اموی یزیدی نتوانست موفق به کشتن آن حضرت شود و به موضع‌گیری‌هایش در

سپر کردن خود برای امام زین العابدین ادامه داد تا وقتی از اسارت سپاه اموی یزیدی

بازگشتند.

سلام بر حسین پسر امیرالمؤمنین.

سلام بر زینب دختر امیرالمؤمنین.

سلام بر علی پسر حسین، سلام بر ابوالفضل العباس، سلام بر اصحاب حسین که

خون را در دفاع از حسین علیه السلام بخشیدند؛ و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن .!

<https://www.youtube.com/watch?v=۷wQεMwAPrBg>

پی‌نوشت / آگوست ۲۰۱۷:

Khadm Alansar: سلام بر شما آقا و مولای من. خداوند پاداشت را بزرگ بگرداند!
پیروان بنی امیه و بنی عباس چقدر بر شما و انصارت جسارت دارند. آقا، دیشب تعدادی از انصار ایران در شهر مقدس قم برای مراسم عزاداری و احیای شب تاسوعا جمع شدند که ۷۲ نفر متشکل از مردان و زنان و کودکان بودند. مامورهای اطلاعات ایران به آن‌ها حمله کرده، مردها را دستگیر کردند و زنان و کودکان را در آن خانه تا صبح حبس کردند و به وحشت انداختند.

مولای من، خداوند قلب تو را یاری کند. از شما التماس دعا داریم ای آقای ما. خداوند اجر شما را بیفزاید و ان شاء الله همه ما فدای تو شویم همان طور که آن انسان‌های پاک فدای جدت حسین شدند؛ لیبک ای آقای من. چقدر امروز، شبیه دیروز است؛ دیروز اصحاب و اهل بیت حسین -صلوات خدا بر او- ترسانده و مرعوب شدند و امروز نیز یاران یمانی -صلوات خدا بر او- در چنین روزهایی ترسانده و به وحشت افکنده شده‌اند؛ و صبر شما جز با خدا نیست.

لا قوة الا بالله

لا قوة الا بالله

لا قوة الا بالله

حسبنا الله و نعم الوکیل

حسبنا الله و نعم الوکیل.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند شما را

یاری کند. از خدا می‌خواهم برای مردان و زنان مؤمن در ایران فرج و گشایش حاصل کند و اجر آن‌ها را در مصیبت حسین و اهل بیت و اصحابش علیهم‌السلام مضاعف فرماید. عزیزان من، اجر و پاداش به میزان سختی و مشقت است. شما به زودی یاری خواهید شد و زندانبانان شکست خواهند خورد.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱ اکتبر ۲۰۱۷: ۱

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/۱۴۲۶۵۴۳۴۰۷۱۵۵۵۸/?fref=ts>

پی‌نوشت / ۱ اکتبر ۲۰۱۷:

Mnh Amin: پدرم! خداوند قلب تو را یاری فرماید و پاداشت را بزرگ بدارد. امروز در عزای حسین علیهم‌السلام دستم را به دعا بلند کردم؛ زیرا همان طور که شما فرموده‌ای دعا در عزای حسین، مُستجاب است. و از خداوند خواستم که به حق حسین و مظلومیت حسین، برای شما فرج و گشایش ایجاد کند.

پدرم! خداوند برایتان گشایش قرار دهد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند اعمال شما را بپذیرد و به شما خیر آخرت و دنیا عطا فرماید.

Mnh Amin: پدرم! احمدالحسن

امیدوارم برای ثابت قدم بودن و حُسن عاقبت ما دعا فرمایید.

من و مادرم شش ماه است با شما بیعت کرده‌ایم

و پس از بیعت، خداوند برای مادرم، حج خانه خودش را به آسانی فراهم فرمود.

امیدوارم خداوند را بخوانی زیرا مادرم نیازمند دعا‌های شماست.
من در عالم رؤیا دیدم که در حج طواف می‌کنم و در طواف لغزیدم و افتادم، و بازگشتم
و طوافم را کامل نمودم.
امیدوارم رؤیایی را که دیده‌ام برایم تفسیر فرمایید، چه بسا آنچه دیده‌ام خیر باشد.
پروردگارم برای شما فَرَج و گشایش حاصل کند، و به حق محمد و آل محمد ما را جزو
انصار الله قرار دهد؛ همان‌هایی که در عالم ذر با تو بیعت کرده‌اند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

حج، پیروی از خلیفه خدا است؛ پس شکر خدا را به جا بیاور که تو را از لغزش و افتادن
محافظت، و کامل کردن راه حق را روزی‌ات فرمود. از خداوند می‌خواهم به شما و همه
مردان و زنان مؤمن، حُسن عاقبت روزی، و عاقبتتان را ختم به خیر فرماید. او سرپرست
من است و صالحان را سرپرستی می‌فرماید.

پی‌نوشت / ۱ اکتبر ۲۰۱۷:

خبرنگار ماهر الحسین: واخسینا! هم‌اکنون از مجلس روضه ابا عبد الله می‌آیم.
امیدوارم مقبول درگاه خداوند واقع شده باشد. آقا جان! یزید و مزدورانش از چه شیوه
تبلیغاتی استفاده کرده‌اند که در نتیجه امام حسین (علیه السلام) را خارجی جلوه دادند و اینکه مبارزه
با وی مستحب است! چرا که علیه امارت یزید - لعنت خدا بر او - خروج کرده بود! و به قصد
قرب الهی خون مبارکش را ریختند!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند اعمال شما را بپذیرد و از خدا می‌خواهم با آنچه او سبحان سزاوارش است بر
شما منت بگذارد.

*** **

نیروهای امنیتی به خانه‌ای که انصار در قم برای به پا داشتن مراسم عاشورا گرد آمده
بودند هجوم آوردند

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

در نهم محرم الحرام، نیروهای نظامی اقدام به هجوم به خانه‌ای در شهر قم ایران نمودند که تعدادی از مردان و زنان مؤمن و کودکان -طبق رویه معمول شیعه در این روزهای دردناک- برای اقامه عزای حسین (علیه السلام) در آن جمع شده بودند. در آنجا یک مداح برای حسین (علیه السلام) روضه می‌خواند و آن‌ها برای شنیدن مصیبت حسین (علیه السلام) جمع شده بودند. آن‌ها امنیت هیچ کسی را تهدید نکرده بودند و موجب آزار هیچ کسی نشده بودند. ما این برخورد ظالمانه را که امکان ندارد توسط انسان سلیم و عاقل به انجام برسد -چه برسد به کسی که مدعی و دنباله‌روی از محمد و آل محمد (صلوات خدا بر آنان) است- محکوم و از آن اعلام انزجار می‌کنیم. آری؛ این چنین برخوردهای ظالمانه و وحشیانه‌ای را شاهد هستیم که در طول تاریخ توسط اموی‌ها و عباسی‌ها و مشابیهان آنان انجام شده است به خصوص در جنگ آن‌ها علیه آل محمد و شیعیانشان (علیهم السلام).

متأسفانه علی رغم آزاد شدن ده‌ها تن از مؤمنانی که -از روی ظلم و ستم- در این حادثه زندانی شده‌اند، برخی از اساتید و فضالای حوزه قم تا به امروز- بدون هیچ توجیهی زندانی هستند. به همین دلیل ما از عقلا، افراد میانه‌رو و باانصاف در نظام ایران و حکومت ایران می‌خواهیم خود را از ظلم و ستم، پاک و این افراد معمم و فاضل را آزاد کنند. این افراد از بزرگان دینداری هستند که به دینداری و صالح بودن -چه قبل و چه بعد از ایمان آوردن به این دعوت مبارک مهدوی- شهره بوده و هستند.

فهرست نام برخی از کسانی که تا کنون ظالمانه زندانی هستند آن‌گونه که از برخی از مؤمنان در ایران عزیز به من رسیده است:

۱- شیخ عظیم ابو القاسمی: استاد و محقق حوزه علمیه قاضی و عضو ستاد فرهنگی

دزفول و معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی Islamic Azad University

۲- شیخ مجتبی ابو القاسمی: استاد و محقق حوزه علمیه، و کارگزار در دانشگاه

صنعتی اصفهان Isfahan University of Technology، استادیار خطابه در موسسه «امیر بیان»، و مسئول خوابگاه دانشگاهی حوزه صدر خاجو در اصفهان.

۳- شیخ طه احدی: استاد و محقق حوزه علمیه، مُبَلِّغ و مسئول جمعیت «شجره صالحین» برای تربیت جوانان در قم و دزفول.

۴- مهندس محمد جواد چوب تراش: استاد اخلاق و احکام و علوم قرآن.

۵- شیخ مسعود قربانی

۶- شیخ احمد میر عرب

۷- شیخ احمد رزقی



پی نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

عباس فتحی: صلوات خداوند بر تو ای آقای من، قائم آل محمد!

پدر و مادر و خودم و خانواده و مالم فدای شما!

خوشا به حال آنان که دعوت تو را لیبیک گفتند و گوشه‌ای از دردها را همراه شما چشیدند. شیخ احمد رزقی سال‌ها است که دوست من است. از او هیچ بدی و نادرستی ندیدم. بیش از ۱۵ سال است که محقق و نویسنده علوم قرآنی است. کاش می‌دانستم چگونه دست این بنده مؤمن مظلوم را بستند؛ او که صدایش از گوش‌هایش بالاتر نمی‌رفت و در میان شیوخ، به ادب و اخلاق شهره بود.

شیخ احمد میرعرب، دوست من و در رحمت و اخلاق، الگوی ما است. چگونه

توانستند او را دستگیر کنند در حالی که او دو دختر کوچک دارد؟!
شیخ مسعود قربانی (خدا حفظش کند) حتی به معاندان هم تبسم می‌کرد و بیشتر مردم، در ادب و روحیه و اخلاق حتی به نزدیکی او هم نمی‌رسند. چگونه دستانش را بستند، در حالی که کودک شیرخواره کوچکی دارد!
انا لله و انا الیه راجعون
حسبنا الله و نعم الوکیل

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به شما پاداش خیر دهد و یاریتان کند. به زودی گواهی‌های شما ثبت خواهد شد و آن‌ها مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

شیخ رحیم یمانی: آقای ما! به خدا سوگند ما از برادرانمان -گنج‌های طالقان- عجایب بسیار دیده‌ایم. آن‌ها در تبلیغ دعوت حق، مردمی جان بر کف هستند و هیچ کس نمی‌تواند پشت آنان را در رساندن حق به جویندگانش خم کند. خداوند ایشان را برای هر خیری موفق بدارد و ما و آن‌ها را در روزی که گام‌ها لغزان است بر صراط مستقیم ثابت قدم بدارد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند به همه شما خیر آخرت و دنیا عطا فرماید.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

احمد کاظم الحاشی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
آقای من خداوند اجرتان را بزرگ گرداند!
و برای برادران مظلوممان فرج و گشایش قرار دهد
آقای من -احمد- شما فرموده‌اید از دشمنان پرهیز کنید. آقای من بدون اینکه زحمتتان بدهم- می‌توانید راه و روش این کار را بفرمایید.

نحوه عملکرد در دعوت حق

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. کار شما، تبلیغ و رساندن حق به مردم و شناساندن دینی که خدای سبحان می‌پسندد به آن‌ها است؛ اما در مورد پرهیز، خداوند سبحان آن را می‌آورد و هر چیزی را سرآمدی است نوشته شده، و خداوند امرش را به سرانجام می‌رساند. مرا از دعا فراموش نکن.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Shihan Ali Nasser : آقا و مولای من... هر آنچه برای شما اهل بیت (صلوات و سلام پروردگارم بر همه شما) اتفاق افتاده و اتفاق می‌افتد بیانگر این نکته است که ابلیس همه افرادی را که متصدی جنگ با شما اهل بیت و پیروانتان هستند به کار گرفته است... از خداوند عزوجل می‌خواهم مردم را به سوی حقی که شما بر دوش خود می‌کشید هدایت فرماید و ما نیز در راه حقی که منتهاج و طریق شما است حرکت کنیم. آقایان من، به خاطر کوتاهی‌مان در برابر شما عذر می‌خواهیم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به انجام رساننده امرش است. از خداوند سبحان می‌خواهم ما و شما را تسلیم امر خود قرار دهد و آنچه را که می‌خواهد، با ما انجام دهد. از خداوند سبحان چیزی جز خیر و احسان ندیدیم.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Mohtadin Al-anbary : سلام بر شما آقای من!

خداوند پاداش شما را بزرگ بدارد. خداوند یاریگر قلبت باشد.

از خدا می‌خواهم هر مؤمنی را که از روی ستم زندانی شده است آزاد فرماید.

آقای من، از شما می‌خواهم برای عموم عوام انباری دعا کنید. او ماه‌ها است

ظالمانه زندانی است و آزادیش صادر نشده است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، از خداوند می‌خواهم او را آزاد، و مکر و حيلة

ستمکاران را از او دور فرماید.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

حسین قمبر: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته
ای سید پاک و کریم ما! التماس دعا. به زودی امتحان دانشگاه را در پیش رو داریم. از
خداوند می‌خواهم برای ستمدیدگان در همهٔ نقاط عالم، گشایش و فرج قرار دهد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

ان شاء الله، با توفیق الهی.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

سلوان کربلایی: سلام بر شما... ما این برخورد نابخردانه را که حقوق و آزادی انسان
در عقیده و دین را مقید می‌کند زشت و قبیح می‌شماریم... با اینکه من پیرو شما نیستم و
ای احمد تمامی سرزنش‌ها را متوجه تو می‌دانم، ولی قلباً می‌خواهم این زنان و شیوخ آزاد
شوند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند به
خاطر همدردی و انصافت نسبت به ستمدیدگان، به تو پاداش خیر عطا فرماید.

** ** *

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۷ November, ۲۰۱۷:



** ** *

ازدواج با دختر بچه‌ها

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۱۸ نوامبر ۲۰۱۷:

ازدواج با دختر بچه‌ها^۱

<https://www.facebook.com/monqith.tv/videos/۱۶۱۲۶۲۴۵۳۸۷۵۷۵۸۳/>

آیا صفحه رسمی به زبان انگلیسی وجود دارد؟

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Sarmed Alyamani: آقای پُر برکت ما، هر سال در هزار خیر و عافیت باشی...
آقای عزیز ما، الآن که فیسبوک گردی می‌کردم صفحه‌ای به انگلیسی دیدم که درست
شبه همین صفحه مبارک است. آیا شما صفحه‌ای به انگلیسی داری که آن را اداره
می‌فرمایی و بر آن اشراف و نظارت داری؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. من فقط
همین صفحه را دارم و همچنین صفحه‌ای در توئیتر که به این صفحه مرتبط است؛ هر
آنچه در آن صفحه می‌نویسم در اینجا نیز نشان داده می‌شود. برخی از مؤمنان (خداوند به
آنان پاداش خیر عطا فرماید) صفحاتی دارند که چه بسا آنچه را در اینجا می‌نویسم به
زبان‌های دیگر منتقل می‌کنند.

خلیفه خدا مشمول امتحان در این دنیا است

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

۱ - فایل پیوست شده در بر دارنده بحثی است که دکتر علا سالم در خصوص ازدواج با دختر بچه‌ها ضمن برنامه
«آخر الزمان» (الزمن الاخیر) انجام داده است؛ برنامه‌ای که در شبکه ماهواره‌ای «المنقذ العالمی» منتشر
می‌شود.

سجاد عیدانی: حبیب من، پرسشی دارم و امیدوارم با پاسخ دادن- بر من تفضل فرمایید؛ چون من در کتابهای مبارک شما پاسخی نیافتم و این سؤال به واقع اشکالی است که در ذهنم بنده می‌چرخد: چگونه می‌توانم میان این دو سخن شما سازگاری ایجاد کنم: «امام معصوم به خاطر عمل و اخلاصش استحقاق پیدا کرد که خلیفه خداوند در زمین باشد» و «برخی از امامان (صلوات خدا بر آنان) خلافت را در ۵ یا ۸ سالگی دریافت کردند»؟ آیا مسئله فقط مربوط به عالم ذر می‌شود و آنچه در اینجا هست فقط به دست آوردن آنچه است که حاصل شده (تحصیل ما حصل) و وضعیت همه کسانی که وارد این عالم جسمانی شده‌اند این چنین است؟ با توجه به اینکه دنیا محل امتحان است آیا خلیفه خدا مشمول امتحان در این عالم ناست؟!...

فکر می‌کنم در پرسش بنده آشفتگی وجود دارد؛ ولی این در اثر ناآگاهی و معرفت کم بنده است و نمی‌دانم به چه شکلی بپرسم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. بله، او در عالم ذر مورد امتحان قرار گرفت و خداوند وضعیت و استحقاق او را دانست. به‌طور کلی این حالت، استثنا است و ویژگی‌های خاص خودش را دارد ولی با این حال، او عمل خواهد کرد و در زندگی در دنیا اخلاص خواهد ورزید، در حالی که خداوند وضعیت و بازگشت او را می‌داند.

آیا در حالی که عایشه نه سال داشت پیامبر با او ازدواج کرد؟

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

مصطفی حمید: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سید و مولای من... آیا ازدواج آقایان محمد ﷺ با عایشه در حالی که ۹ سال داشت- ازدواج با دختر بچه به شمار می‌رود؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. پیامبر با عایشه در این سن ازدواج نکرد بلکه عایشه بزرگ بود.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Al Buraq Al Muhmady: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... متن زیر در یکی از کتاب‌های شما آمده است...

«این قطعاً فرصتی دیگر و امتحانی دیگر است؛ ولی اگر از نتیجه آن سؤال می‌کنی، همان نتیجه حاصل شده در عالم ذر خواهد بود؛ نه به این دلیل که مردم مجبورند همان نتیجه را محقق سازند بلکه آن‌ها همان تقصیر و کوتاهی را تکرار می‌کنند...

در زندگی این دنیا اگر انسان پروردگارش را اطاعت کند و برای رضای خداوند سبحان سعی و تلاش کند و در آسمان‌های ملکوتی برای خود جایگاهی داشته باشد، از اصحاب یمین خواهد بود و نامش جزو زندگان و اسمش در طومار حیات نوشته خواهد شد و از کسانی خواهد بود که بهشت را به ارث می‌برند. اگر در اطاعت خداوند جدیت داشته باشد از مقرّبین (اولیای خداوند) خواهد بود...».

ای مولای من، شما سخن خود را چنین شروع کردی که نتیجه برای مردم ثابت است و آن‌ها همان تقصیر و کوتاهی را تکرار می‌کنند...

و پس از آن فرمودی کسی که در این زندگی دنیا از خداوند اطاعت کند و برای خوشنودی و رضایت او تلاش کند جزو اصحاب یمین می‌شود و اگر در طاعت جدیت داشته باشد جزو مقرّبان و نزدیکان خواهد شد...

مولای من، آیا بنده کلام را باید اینگونه بفهمیم که وضعیت مؤمن می‌تواند تغییر کند یا -آن‌طور که در ابتدای سخن خود فرمودی- وضعیتش ثابت است؟ یا مقصود شما از وضعیت ثابت، فقط وضعیت افراد تقصیرکار است؟ ...

مولای من، عفو بفرمایید اگر سؤال را به شکل درستی مطرح نکردم... از خداوند بزرگ و توانا می‌خواهم دیدگان ما را با تمکین شما روشن فرمایند... مولای من التماس دعا دارم.

به انسان فرصت تغییر و توانایی ایجاد این تغییر داده شده است ولی او بر همان نتیجه اصرار می‌ورزد

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. این امکان وجود دارد

و آن‌ها توانایی تغییر دارند و فرصت تغییر به آنان داده شده است اما نتیجه‌ای را که قبلاً به آن دست یافته‌اند هرگز تغییر نخواهند داد؛ چه آنان که نیکی کرده‌اند و چه آنان که بدی کرده‌اند.

اگر نتیجه قطعی شده است پس عمل و دعا چه فایده‌ای دارد؟

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Al Buraq Al Muhmady: مولای کریم من، خداوند شما را زنده بدارد... خداوند شما را یاری کند و برای ما ذخیره قرار دهد... از خدا می‌خواهم ما را از فیض شما محروم نسازد. مولای من، چرا نتیجه را تغییر نمی‌دهند؟ طبق برداشت بنده از برخی سخنان شما برای رسیدن انسان به مقامات عالی، شما از ما می‌خواهی دعا و عمل کنیم... در حالی که این دنیا، امتحان دوم است و به این ترتیب نتیجه حتمی و تعیین شده است... پس عمل و دعا چه بهره‌ای خواهد داشت؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

فایده عمل و دعا، رسیدن به بالاترین مقام و جایگاه است ولی هیچ انسانی جز به اندازه حقیقت خود - که آن را در عالم پیشین آشکار نموده است - هرگز عمل نمی‌کند؛ اما فایده تکرار امتحان در این عالم یا عالم رجعت، این مطلب را قبلاً در چند کتاب بیان نموده‌ام!

تعدد همسر

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

علاء الطفیلی: سلام بر شما ای مولای من. خداوند پاداش شما را بزرگ بدارد. آیا تعدد

همسر مصلحتی هم دارد؟ اگر نگوئیم همه زن‌ها اما بیشتر زن‌ها وقتی موضوع زن دوم مطرح شود می‌گویند گناه و تقصیر من چیست؛ گویا مسئله فقط مربوط به وجود نقص و کمبودی در همسر اول است تا مرد برای مرتبه دوم ازدواج کند. شما در پاسخ خود به یکی از تشیک کنندگان سخنی به این مضمون فرموده بودید: «من از این مال فناپذیر دنیا چیزی ندارم. فقط یک همسر دارم که مادر بچه‌هایم است». ای اهل بیت نبوت! سلام بر شما. از شکل و سیاق نادرست پرسشم عذرخواهی می‌کنم. درود بر پدری که رهبر است.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. قبلاً دربارهٔ تعدد همسرها سخن گفتیم^۱ و ان شاء الله اگر عمری باقی باشد و خداوند سبحان بخواهد دربارهٔ آن سخن خواهیم گفت.

معالجهٔ «تابعه» (ام صبیان)^۲

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

اریحا احمد: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
آقای من، سؤالی دارم و خواهش می‌کنم به آن پاسخ دهید.
بنده -خادم شما- هفت سال است ازدواج کرده‌ام و از ابتدای ازدواج بیش از یک سال در معرض هجوم ابلیس‌های ملعون قرار گرفتم؛ به طوری که آن‌ها را شب‌هنگام می‌دیدم که اقدام به ترساندن من می‌کردند و من شروع به جیغ و داد و بی‌قراری می‌کردم و کارم حتی به خودآزاری هم رسید؛ ولی به فضل خدا و برکت قائم آل محمد از این وضعیت رها شدم.
من در این کار خودم متحیر بودم و علتش را نمی‌دانستم. عده‌ای گفتند سحر است و برخی گفتند جن‌زدگی است؛ خدا می‌داند.

۱ - به پیام تاریخ ۲۰۱۳/۹/۱۴ مراجعه کنید.

۲ - موجودی از جنیان که به اعتقاد برخی بر جنین تأثیرگذار است (مترجم).

در این سال‌ها فرزندی به من روزی نشده است.
 شش ماه پیش باردار شدم و در اولین ماه‌ها بدون علت واضحی آن را از دست دادم و
 چهار ماه بعد از آن مجدداً باردار شدم و در همان موقع در ماه دوم بارداری، آن را نیز از
 دست دادم که این مورد هم علت پزشکی مشخصی نداشت؛ با توجه به اینکه همیشه دارو
 می‌خورم، به خدا پناه می‌برم و دعا می‌خوانم.
 مشکل دیگر این است که بارداری من به وسیلهٔ دستگاه سونوگرافی یا آزمایش
 مشخص نمی‌شود تا وقتی که کودک ناگهان سقط می‌شود
 و این نکته پزشک معالج را سرگردان کرده است و وی پاسخی نمی‌یابد!
 شنیده‌ام چیزی به نام «تابعه» یا «ام صبیان» وجود دارد که باعث سقط جنین
 می‌شود! و همچنین اینکه سحر و جادو روی جنین و پایدار بودنش تأثیر می‌گذارد!
 آقا و مولای من!
 آیا شما تفسیری برای این وضعیت دارید؟ و اینکه این حالت مخصوص من نیست و
 حالت‌های بسیاری وجود دارد؟
 خداوند به شما جزای خیر دهد. از شما التماس دعا داریم.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته.
 نماز شب را ترک نکن.
 بعد از نماز صبح، بر ذکر گفتن مداومت داشته باش.
 پیش از خواب، آیهٔ الکرسی و معوذتین^۱ را بخوان.
 آیهٔ الکرسی و معوذتین را با زعفران روی یک کاغذ بنویس و نوشته را در ظرف آبی
 حل، و با این آب غسل کن ولی آب غسل را رها نکن که به جای نجسی برود، بلکه آن را
 جمع کن و پای یک درخت یا جایی مصل آن- بریز.

۱۲ آیه اول سوره مریم و ۱۰ آیه اول سوره صافات را هر روز بخوان.

آیا دادن پول برای تجارت و دریافت سودی معین، ربا محسوب می‌شود؟

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Sahar Al Anbary: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

خداوند در یاد شهادت پیامبر ﷺ و عترت پاک و مطهر، پاداش شما را بزرگ بدارد.

آقای من! پرسشی درباره بهره پول دارم...

اگر شخصی، پولی به یک تاجر بدهد ولی سود معینی بگیرد در حالی که زیان و

خسارت، برای دو طرف تاجر و صاحب مال محاسبه شود...

آیا این در حکم ربا خواهد بود؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند پاداش شما را بزرگ بدارد و کارهایتان را قبول کند. اشکالی ندارد و ربا شمرده نمی‌شود.

جزیه همان مالیات امروز است

کامنت / نوامبر ۲۰۱۷:

هشام الحسن: سلام بر شما، مولای عزیزم! سؤالی دارم که مرا به خود مشغول داشته

است:

چرا اسلام جزیه را بر مسیحی‌ها واجب کرده است؟ اما در مقابل می‌بینیم مسیحی‌ها

جزیه را بر مسلمانانی که در سرزمین آن‌ها ساکن هستند و زندگی می‌کنند واجب نکرده‌اند.

امیدوارم برای من توضیح دهید چرا جزیه واجب شده است؟ و آیا این موضوع توسط قائم

پیاده می‌شود یا تفاوت‌ها و موارد دیگری وجود دارد؟ امیدوارم پاسخ دهید. والحمد لله.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

جزیه، یک حکم شرعی تعبدی نیست؛ بلکه تنها قانونی است که در حکومت اسلامی

که رسول خدا بنیانش نهاد. سنت شد. مسلمانان مالیات را از راه زکات و خمس و صدقات به دولت پرداخت می‌کنند و غیرمسلمانان این مالیات را تحت عنوان «جزیه» به دولت اسلامی می‌پردازند.

اما این سخن که امروز کشورهای مسیحی یا سکولار جزیه را بر مسلمانان واجب نمی‌کنند صحیح نیست؛ زیرا در این کشورهای امروزی همگان -چه مسلمان و چه غیرمسلمان- مالیات را باید بپردازند. به‌طور خلاصه «جزیه» همان «مالیات» امروزی است.

در دولت عادل اسلامی، شخص مؤمن مالیات را به عنوان خمس و زکات می‌دهد و به پاداش و ثواب دست پیدا می‌کند؛ ولی غیرمؤمن یا شخصی که از خمس و زکات منع شده است، آن را با ذلت و خواری با دستان خود می‌دهد و مالیات یا جزیه -یا هر نامی که شما دوست داری- را پرداخت می‌کند. در الفاظ، جای بحث و مناقشه نیست.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

سجاد العیدانی: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

«پس از اینکه گفتم: ما اکنون در فصل «خریف» (پاییز) هستیم شاگردی از من

پرسید:

پس چرا روی تخته سیاه نوشته شده: ماه ربیع الاول؟

در همان لحظات زنگ تفریح مرا نجات داد؛ چون حیران بودم چگونه برایش توضیح

بدهم...».

این مطلبی است که یکی از فرهنگیان گرانقدر در صفحه خود نگاشته است

و می‌گوید: از چنین سؤالاتی بسیار در رنج است و پاسخی قانع کننده برای کودکان

ندارد.

پاسخ مناسب چیست؟ با توجه به اینکه این موضوع با دین اسلام ارتباط دارد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

این موضوع به تاریخ هجری قمری ارتباط دارد. این سیستم تاریخ‌نگاری یک نظام تاریخی است که رسول خدا بنیان‌گزارش نبوده است تا به حساب دین اسلام گذاشته شود؛ بلکه در زمان رسول خدا محمد ﷺ تاریخ عبری قمری شمسی وجود داشته و عرب این تاریخ را از یهود گرفته است. طبق این تاریخ، اشکالی در مطابقت داشتن ماه «ربیع» (بهار) با بهار حقیقی در بیشتر کشورهای جهان وجود ندارد؛ و این کمبود و نقصان در سال قمری اضافه شده است تا با سال شمسی مطابقت داشته باشد.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

المعرف بالذات: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...

پدرم! خداوند پاداش شما را بزرگ بدارد...

مولای من! موضع شما درباره قوانین جاری که هم‌اکنون در عراق اجرا می‌شود

چیست؟ چه مدنی باشد، چه شرعی، جزایی یا حتی قانون اساسی...؟

آقای من! امیدوارم با پاسخ دادن به ما لطف بفرمایید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

برخی از قوانین، نیازمند بازنگری و اصلاح هستند.

همچنین: در دین خداوند، اعدام یک انسان با حکم قضایی، مادام که معصوم اعدام

وی را تصدیق نکرده باشد جایز نیست.

اما در مورد قانون اساسی عراق، اشکالات بزرگی در آن وجود دارد. با چشم‌پوشی از

اختلاف ما با آنچه در آن وارد شده است، اشکال بزرگی وجود دارد که می‌توانیم آن را

متوجه ناکام بودن قانون اساسی عراق در حفظ استقلال سیستم قضایی و در عین حال

پاک ماندنش بنماییم.

تأویل رؤیای بشارت دهنده به سیر بر راه و روش حق

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

مصطفی السندی: سلام بر شما. آیا امکان دارد رؤیای زیر را تفسیر کنید؟
مدتی پیش رؤیایی دیدم. داشتم برای وارد شدن به حرم امام حسین (علیه السلام) آماده می‌شدم در حالی که همه عالم در حال فرار از صحن حرم یا از امام بودند. همه داشتند خارج می‌شدند و فقط من بر عکس همه داشتم وارد می‌شدم در حالی که لباس سیاهی بر تن داشتم. وقتی وارد شدم، شمارهٔ ۹ را دیدم و دنیا سفید بود.
و امروز در عالم رؤیا دیدم که داشتم به یکی از دوستانم می‌گفتم: من حتی پیامبر خدا نوح را دیدم که به زیارت امام حسین (علیه السلام) آمد.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. رویاها، بشارت و مزدهای برای شما است نسبت به حرکت در راه حق و طریقت حسین (علیه السلام) در زمانی که سیر کنندگان با حق، اندک هستند.

حکم پیش یا پس انداختن زیارتها از وقتشان بنا به دلایل منطقی

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

وسام ابو احمد مختاری: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آقا و مولای من، احمدالحسن. پرسشی دربارهٔ زیارتها دارم؛ چه زیارت اربعین باشد، چه زیارت مخصوص شعبان و یا دیگر زیارتها. آیا برای ما لازم است در همین روز مشخص، امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنیم؟ و اگر پیش از این روز به خصوص با پای پیاده یا با ماشین برسیم آیا برای ما این زیارت، همان زیارت مخصوص به حساب خواهد آمد، چه زیارت اربعین باشد و چه زیارت شعبانیه؟ یا تنها زیارتی مستحب به شمار خواهد رفت؟ خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. اگر نیت، همان زیارت مخصوص باشد اشکالی در پیش یا پس انداختن نیست البته تازمانی که دلایل منطقی برای این پیش یا عقب انداختن وجود داشته باشد؛ مانند ازدحام شدید یا شرایط خاص و دیگر دلایل مشابه.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

حسین قمبر: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
آقای خوب ما احمد، خداوند طاعات شما را قبول بفرماید.
چهارشنبه پیش رو در حسینیه صراط مستقیم در کویت درباره نظریه رانش قاره‌ها در
۲۰۰ میلیون سال قبل گفت‌وگویی برگزار خواهیم کرد. از شما می‌خواهم این برنامه را دنبال
کنید. در فیسبوک و اینستاگرام پخش مستقیم خواهد شد.
التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اینجا قرار بده
و اگر خدا بخواهد از آن مطلع خواهیم شد.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

ابو جعفر: اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما.
مولای عزیز من، خداوند صبح شما را به خیر کند
و ما و شما را از شیطان‌های انس و جن در جزر و پناه قرار دهد!

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

عزیز من، شیخ بزرگوار ابو جعفر، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند صبح تو را در خیر و
عافیت قرار دهد. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به تو عطا بفرماید. از خدا می‌خواهم
بر ما لطف کرده، ما را مشمول این دعا فرماید و ما را از شیطان‌های انس و جن در جزر
و پناه قرار دهد.

اینکه سنّ زهرا (علیها السلام) هنگام شهادتش ۱۸ سال بوده است صحیح نیست

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Alwaseela Taha: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما...
مولای من، ازدواج خانم فاطمه زهرا با امام علی -صلوات پروردگار بر آن دو- چگونه
بود؟...

طبق آنچه از زمان کودکی ام می‌شنیدم خانم فاطمه زهرا در حالی که نزدیک به ۱۸ سال داشت وفات نمود در حالی که در آن زمان، ازدواج کرده، مادر ۳ کودک بود. ای سلالهٔ علما، امیدوار توضیح بدهید. آقای من، ان‌شاءالله در زمانی نزدیک و زود خداوند برای شما تمکین حاصل فرماید. التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. اینکه عمر آن حضرت (صلوات خدا بر او) هنگام شهادتش ۱۸ سال بوده است درست نیست.

سؤال از واسطه‌گری در معامله

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

مهدی الحسن: سلام بر تو ای سید و مولای من!
من کارمند یک شرکت در ایران هستم و کارم ترجمه برای تاجران عراقی است. یکی از تاجر موادی خواست که ما نداشتیم. گفت در دیگر شرکت‌ها برایم جست‌وجو کن و اگر بتوانی پیدا کنی حق الزحمه خواهم داد. من هم پیدا کردم.
آن شرکت قیمت را به من اعلام کرد. آیا من مجاز هستم چیزی بر قیمت اضافه و به تاجر اعلام کنم تا از طریق این معامله سودی عایدم شود؟ افراد بسیاری هر دو زبان عربی و فارسی را می‌دانند و در این عرصه کار می‌کنند و به عنوان دلال سود می‌برند.
از پاسختان متشکرم و التماس دعا.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند تو را زنده بدارد. تا وقتی که سود، محدود و در بازار پذیرفته شده باشد اشکالی در آن نیست.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

ابو العباس شامی: امیدوارم پاسخ ندادن به پیام‌های ما ناشی از روی‌گردانی شما از ما نباشد. آقای من، ما می‌دانیم از مقصرین و کوتاهی‌کنندگان در حق شما هستیم.

آقای من، رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) چگونه به شهادت نایل گردید؟

رسول خدا ﷺ مسموم درگذشت

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند تو را زنده بدارد. رسول خدا (صلوات خدا بر او و بر خاندانش) مسموم درگذشت.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷:



*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷:^۱

<https://www.facebook.com/Alyamani10313/videos/1717685048276510/>

روش صحیح رفتار با کودک از نظر زدن و تنبیه کردن

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Sahar Attai: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

پدرم، آیا این حرف صحیح است که کودک نباید تادیب و تنبیه شود مگر پس از کامل

شدن هفت سال؟

و بعد از هفت سال، تعلیم و تادیب کودک آغاز می‌شود؟

۱ - فایل پیوست شده ویدئویی است در مورد تحقیق منشأ و ریشه تمدن انسانی. ارایه شده توسط استاد مهندس

و آیا این به آن معنا است که توضیح موارد درست و غلط فقط پس از هفت سالگی برای او انجام بشود؟

برخی افراد از روایت این طور برداشت کرده‌اند که واجب است کودک به مدرسه نرود و آموزش نبیند مگر هنگام تمام شدن هفت سالگی. آیا این فهم درست است؟

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. صحیح این است که از زدن کودک دوری شود، ولی باید او را به صحیح و غلط، توجیه و آگاه و راهنمایی نمود؛ اما درباره آموزش، کودک از زمانی که پا به زندگی می‌گذارد از والدین و محیطش می‌آموزد. پس بازداشتن او از آموختن مواردی معین در سنی معین -در حالی که او آمادگی و توانایی تحصیل علمی آن مواد علمی در مدرسه را دارد- سفیهانه است.

حکم خوردن معجون ژاپنی به قصد درمان

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Maysa Hassan: حلال بودن خوردن غذای ژاپنی برای درمان.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً کثیراً.

سپاس پروردگار عوالم را که با وجود امامی بر ما منت نهاد تا در حلال و حرام به او مراجعه کنیم.

سید و مولای من! ما یلیم درباره حلال بودن خوردن معجون ژاپنی «میسو» به قصد درمان بپرسم.

این معجون عبارت است از تخمیر برنج یا جو با استفاده از نمک و دفن آن زیر زمین به مدت ۶ تا ۱۸ ماه پیاپی. این معجون برای درمان بیماری‌های سخت کاربرد دارد.

آدرس نحوه آماده‌سازی:

<https://www.youtube.com/watch?v=Whr0Awj-6eA>

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

تا زمانی که مقدار الکل موجود در آن، اندک باشد و باعث مستی یا تأثیرات جانبی نشود اشکالی در آن نیست.

همچنین باید دقت نمود که الکل به آن اضافه نشود. اگر به آن الکل اضافه شده باشد واجب است از آن دوری شود؛ زیرا به طور معمول از انواع الکل مست کننده می افزایند که نجس است. حتی اگر مقدار اندکی الکل افزوده شود غذا را نجس می کند.

*** **

تکامل، هدفمند است

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۲۵ نوامبر ۲۰۱۷:

مستند «توهم بی خدایی»:

تکامل هدفمند است^۱.

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.۱۰۳۱۳/videos/۱۴۷۲۸۵۶۶۴۲۷۶۱>

۹۹۴/

پی نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Hussain Almoali: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

آقایمن، یمانی آل محمد! یاد بود ولادت رسول اعظم - محمد (صلی الله علیه و آله) را به شما تبریک عرض می کنیم و به همین مناسبت کارکنان موسسه یمانی - با تقدیم تبریک و تهنیت - ساخت برنامه ای با عنوان «استفتائات شرعی» سید احمد الحسن (علیه السلام) را اعلام می دارند...
از مولای عزوجل خواستاریم این کار را از ما بپذیرد تا باعث خوشحالی قلب محمد و آل

۱ - فایل پیوست شده در بر دارنده جلسه ای در خصوص «تکامل، هدفمند است» می باشد که در برنامه مستند مبنی بر گزیده هایی از کتاب «توهم بی خدایی» با ارایه دکتر توفیق مسرور در شبکه ماهواره ای المنقذ العالمی پخش می شود.

محمد ﷺ گردد... آقای من، باعث افتخار ماست که از صفحه‌مان بازدید کنید؛ و از مولای عزوجل خواستاریم با صحت و محافظت و سلامتی از هر بدی بر شما و ما منت بگذارد...
<https://www.facebook.com/Mu2assat.Alyamani/videos/۷۷۲۳۰۱۳۴۹۶۲۲۳۶>

۱

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام. از خدا می‌خواهم با شما و برای شما برکت قرار دهد. خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

حمید ابو رغیف: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا...
ستایش خدایی را که با تو بر ما منت نهاد!
ای سید من، برایمان دعا کن تا از اسباب تمکین تو شویم، ای پسر زهرا!
آقای من، از تو می‌خواهم برای مادرم - که به جوار پروردگارش منتقل شد- دعا فرمایی تا مشمول دعایت شود و دعا کنی خداوند او را در شفاعت محمد و آل محمد وارد کند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. خداوند پاداش‌های شما را بزرگ بگرداند و به شما و همه خانواده و دوست‌دارانش صبر بر مصیبت عطا فرماید. از خدا می‌خواهم با رحمتش به او رحمت کند؛ که او ارحم الراحمین است.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Fateema Fateem: ای پدر عزیزم، سیدم و مولایم، آیا جایز است؟

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما!

آقای من، هنگامی که شخصی از دیگری می‌خواهد چیزی را به مبلغ ۲ برای او بفروشد و مشتری پیدا می‌شود و به قیمت ۵ یا بیشتر از او می‌خرد آیا در این حالت جایز است ۱ یا ۱/۵ از مبلغ را برای خودش بردارد در حالی که وی این معامله را با اطلاع و رضایت مالک قبلی انجام نداده باشد؟ یا چنین شیوه و معامله‌ای جایز نیست؟

سید و مولای من، خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد. جایز است.

پی نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

سلمان فاطمی: سلام بر شما آقا و مولای ما. ای سید کریم، برایمان دعا کن و پیمانہ را برای ما کامل بفرما و بر ما تصدق بنما که خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد. من به علت ایمان داشتن به اهل بیت، در دادگاههای جمهوری اسلامی به ده سال زندان محکوم شده ام. دعا کنید همه انصار در مشرقها و مغربهای زمین، آزاد شوند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. خداوند شما را زنده بدارد، ستم و آزاری که به شما می رسد بر ما گران است. از خداوند مسئلت دارم برای شما گشایش و فرج حاصل کند و شما را یاری پیروزمندانه عطا فرماید. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می فرماید.

پی نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

سؤال: من در کارهاییم به هر سمتی رو کردم درها به رویم بسته می شود و علتش را نمی دانم!!! حتی اخیرا اقدام به کاری کردم و گمان می کردم محقق می شود اما به رویم بسته شد. آیا راه حلی هست!!!! خداوند شما را رحمت کند.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. به خداوند سبحان چنگ بینداز، به او نزدیک شو و دلت را همیشه به یاد او مشغول بدار و اهمیت نده که کاری به تاخیر افتد یا جلو بیفتد؛ شاید آن کاری که به تاخیر می افتد برایت خیر باشد؛ زیرا خداوند سبحان به فرجام کارها داناست.

به غار خداوند پناه ببر و او سبحان را پناهگاه خودت قرار بده. اهمیت نده که دری یا درهایی به روی تو بسته می‌شود؛ زیرا حتماً روزی در بهترین حالت برایت گشوده خواهد شد. در آن هنگام خواهی دانست که بسته بودن آن درها تو را به خیر آخرت و دنیا رسانده است. بر نماز شب و دعا مداومت داشته باش و ان شاء الله خداوند درهای خیر را برایت خواهد گشود.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

Ali Kaawar : سلام رحمت و برکات خداوند بر شما... سید کریم ما، من و پنج نفر از انصار بزرگوار تقریباً مدتی طولانی است که هر روز در اسکایپ جمع می‌شویم و درباره مسائل دعوت مبارک گفت‌وگو، و برای رشد کارهای تبلیغی میان خودمان تبادل نظر می‌کنیم... آیا سید احمدالحسن به ما لطف می‌کند و دعوت ما را در جلسه‌ای خاص در اسکایپ می‌پذیرد تا با ما همراه باشد و در تبادل نظر با ما همکاری فرماید؟ خادم شما علی عاملی.

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد. اگر مطلبی دارید آن را در فایل بنویس و برابم بفرست و ان شاء الله به شما پاسخ می‌دهم و در خدمت شما هستم.

پی‌نوشت / نوامبر ۲۰۱۷:

نسمة العامری: به امید اینکه قلبت شاد گردد.

https://www.facebook.com/Mu2assat.Alyamani/videos/772301349622361/?hc_location=ufi

Ahmed Alhasan احمدالحسن:

خداوند به شما پاداش خیر عطا فرماید.

*** **

Ahmed Alhasan احمدالحسن ۶/ دسامبر ۲۰۱۷:

شاعر میثم طفیلی

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما... مولای من، پرسشی از سوی برخی برادران مُلحد (بی‌خدا) که به احکام اسلام در جنگ اشکال می‌گیرند مطرح می‌شود که این پرسش نیز از همین اشکالات است. می‌گویند چرا در فتوحات اسلامی حتی در زمان پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ لشکر پیروز اسلام، زن‌ها را می‌گرفتند و به عنوان اسیر می‌فروختند و مسلمانان، آنان را بین خودشان تقسیم و خرید و فروش می‌کردند. با توجه به اینکه لشکر اسلام پدران یا همسران این زن‌ها را در حین نبرد به قتل رسانده‌اند و به این ترتیب این زن‌ها چگونه می‌پذیرند کسی به آن‌ها نزدیک شود؟ آیا این عین خواری نیست؟ و چه تفاوتی بین چنین کارها و کارهایی که داعش امروز انجام می‌دهد وجود دارد؟... با توجه به اینکه این پرسش، سؤال یکی از بی‌خدایان است.

آقای من، از شما متشکرم.

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

عزیز من، خداوند تو را زنده بدارد.

قبل از هر چیز لازم است از مسئله مهمی در ارتباط با این موضوع آگاه شویم؛ اینکه مسئله برده‌داری و بهره‌کشی جنسی و سوء استفاده از نیروی کارگر، یکی استراتژی‌های تکامل برای منتشر کردن، بقا و عبور کردن به سوی نسل‌های بعدی شمرده می‌شود. این نکته از وجود داشتن و باقی ماندنش در طی تاریخ تکامل تا به امروز در چندین گونه حیوانی واضح و روشن است. بهترین مثال این نوع سوء استفاده، پرنده ککو (فاخته) است که از پرنده‌گان دیگر بهره‌کشی می‌کند تا تخم او و کودکانش را تربیت و به آن‌ها خدمت کنند؛ و همچنین مورچه‌ای که اقدام به بردگی گرفتن برخی حشرات و انواع دیگر مورچه‌ها می‌کند.

هوموساپینس (که به عنوان یک «بدن» نمادی از مُستعمره ژنتیکی است) فرایند سوء استفاده را در طول تاریخ خود به انجام رسانده و تقریباً تا همین اواخر بدترین روش‌های برده‌داری در آمریکا به انجام می‌رسیده است. آن‌ها تنها به سوء استفاده از دسترنج برده‌ها

بسنده نمی‌کردند بلکه برده‌ها را شکنجه و حقوق آنان را پایمال نیز می‌کردند. پیوسته تا امروز افراد گونه‌هوموساپینس هرگاه فرصت برایشان مهیا بوده است تا بدون هیچ عقوبت و قصاصی راه فراری داشته باشند به این بهره‌کشی اقدام می‌کرده‌اند؛ عقوبت و قصاص برای بهره‌کشی جنسی که بسیار و پیوسته از طریق تصاحب و تجاوز یا فریفتن یا با هر ابزار دیگری اتفاق می‌افتاده است.

از دید من، بنده می‌بینم که امروز برده‌داری به زشت‌ترین شکلی که می‌توان به تصور آورد وجود دارد اما این برده‌داری، از نوع برده‌داری فردی نیست که برای به دست آوردن نیروی کار آن فرد و سوء استفاده از او به انجام برسد، بلکه بهره‌کشی و به بردگی کشاندن امت‌ها و کشورها و مردمان است. آنچه در لیبی، سوریه و یمن اتفاق افتاده است را می‌توانیم به شکل دیگری بازخوانی کنیم؛ در یکی از این جنبه‌ها اقدامات کثیفی به انجام رسید که به قصد تصاحب سرمایه‌هایی که از آن کشورها به کشور عربی دیگری که اقتصادش در سال ۲۰۰۸ میلادی دچار ناکامی شده بود گریخته بود انجام شد؛ یا برای استفاده از راکد کردن اقتصاد آن کشورها به نفع کشوری دیگر. این چنین بود که اقتصاد مردم سوری و یمنی - همان کسانی که در اصل بسیاری از آنان در فقر و بدبختی به سر می‌برند - به خاطر مصالح یک کشور عربی ثروتمند - که نقش گفتار سوء استفاده کننده از فرصت‌ها برای حمله به جسد یا حیوان مجروح را بازی می‌کند - دوشیده شد. پس برده‌داری امروز بسیار بزرگتر از برده‌داری هزار یا دو هزار سال قبل است. امروز - هر زمانی که فرصت دست بدهد - ملت‌ها به کامل‌ترین شکل ممکن به بردگی گرفته می‌شوند. این درست است که افراد، آزاد هستند و طبق برداشت متعارف از برده‌داری، برده نیستند و کسی نیست که از تلاش و کار فردی آنان به‌طور مستقیم و فردی سوء استفاده کند، ولی در واقع کار و تلاش شخصی آنان و چه بسا تلاش پدران و همهٔ اجدادشان با دخالت اقتصادی - نظامی - سیاسی مورد سوء استفاده قرار گرفته، به زیر سلطه کشیده می‌شود.

روشن است که امروز برده‌داری به شکل قدیمی خود بی‌فایده است، بلکه بهره و سود به‌طور مستقیم به بهره‌ای که از ورای برده‌داری برداشت می‌شود سمت و سو گرفته

است؛ یعنی اقتصاد و تسلط بر تولیدات و کار و توانایی‌ها در هر زمانی که فرصت به برخی از کشورها یا حکومت‌ها یا همان «کفتارهای انسان‌نما» دست بدهد.

اما اسلام به عنوان یک دین- برده‌داری را نیاورده است. برده‌داری پیش از اسلام وجود داشته است و همه کشورهای جهان یا جامعه‌های هوموساپینس- در جنگ‌های خود از آن استفاده می‌کرده‌اند و برای لشکر اسلام در زمان رسول خدا ﷺ امکان‌پذیر نبود که این روش را به کنار بنهد؛ زیرا کنار گذاشتن آن به معنای زیان و از بین رفتن فوری بود حتی پیش از اینکه اسلام در جزیره العرب شروع به گسترش نماید. اگر رقیبان شما بفهمند که شما آن‌ها را به همان روشی که آن‌ها شما را عقوبت می‌کنند عقوبتشان نخواهی کرد از شما نخواهند ترسید و عقب نخواهند کشید و شما را با صلح و سلامتی رها نخواهند کرد. به همین دلیل حق تعالی می‌فرماید: **(وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ)** (و اگر عقوبت کردید همان‌گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید به عقوبت برسانید؛ و اگر صبر کنید البته برای شکیبایان بهتر است) [نحل: ۱۲۶]. رسول خدا را چنین می‌بینیم که تلاش می‌نماید صبر را به عنوان جایگزین آزار و اذیت ارائه کند و به همین دلیل اسیران بدر را آزاد می‌فرماید و آنان را به بردگی نمی‌گیرد؛ و این به وضوح اقدامی به‌طور کامل در تضاد با آنچه بود که در آن دوران به‌طور معمول در حق امثال آن‌ها به انجام می‌رسید. ولی آیا طرف دیگر چنین برخوردی با شما خواهد داشت؟ و اگر پاسخ همان‌طور که در آن زمان اتفاق افتاد- منفی است تا چه مقدار برای شما امکان‌پذیر خواهد بود که بر این مسیر حرکت کنی و در عین حال بقا و استمرار شما نیز تضمین شود؟!!!

در حقیقت این وضعیت تنها به یک راه حل منجر می‌شود که عبارت است از انجام آنچه انجامش امکان‌پذیر است و در سایه آن شرایط و محیط حیوانی سختی که بر عقل‌های هوموساپینس در آن زمان سایه افکنده بود، برای اسلام راه حلی جز نظام‌مند کردن این برده‌داری به گونه‌ای که با گذشتن زمان از بین برود و از آن بیزار بشوند باقی نبود. اسلام در پیشگاه خداوند سبحان و در ارزش‌های انسانی‌شان میان آزاد و برده

برابری ایجاد نمود، و احسان و نیکی به برده و آزاد کردن او را از بهترین ابزارهای نزدیک شدن به خداوند قرار داد و دیگر موارد از تشریحات واجب که از جمله دست‌آوردهایش این شد که با گذشت زمان از سوء استفاده بدنی یا جنسی بیزار شوند و دور گردند و آن را موردی مردود و غیرقابل پذیرفتن به شمار آورند. شکی نیست که این احکام اسلامی که در جهان و بین ملت‌ها گسترش یافت در پذیرفتن هوموساپینس نسبت به تحریم برده‌داری و بازداشتن از آن - به به آرامی و به مروز زمان - بر روی این زمین پیشگام بوده است.

اگر این پاسخ برایت کافی بود که هیچ، و اگر ملاحظه یا بحثی داشتی اگر خدا بخواهد در بیان آنچه نیازمند توضیح باشد در خدمت شما هستم. توجه شما را به یک نکته جلب می‌کنم: بنده عبارت «هوموساپینس» - و نه «انسان» - را با قصد و منظوری مورد استفاده قرار دادم تا به جنبه ژنتیکی و حیوانی اشاره داشته باشم؛ خصوصیتی که او را به برده‌داری یا سوء استفاده از هر دو نوع آن (جنسی و بهره‌کشی) سوق می‌دهد.

*** **

شیخ گرانقدر حبیب سعیدی، التماس دعا

Ahmed Alhasan احمدالحسن / ۶ دسامبر ۲۰۱۷:

شیخ جلیل حبیب سعیدی: التماس دعا.

<https://www.facebook.com/momatileat.najaf\۰۳۱۳/videos/۱۵۵۶۳۷۲۳۱۷۷۸۵>

۳۸۴/